هوخت

گفتار نیک

اردیبهشت ۱۳۴۴



مراسم سپاس و نیایش زرتشتیان تهران

شماره ۲

ل ۱۶

سپاس بی‌پایان بدرگاه اهورامزدای بیهمتا که همواره دعای خیر ملت ایران را مستجاب فرموده و شاهنشاه بافر و داد ما را در پناه خود از شر پلیدان نابکار مصون و محفوظ داشته است و دست اهریمنان خیانت پیشه را در آستین قطع ووجود ناپاکشان از دامن این کشور زدوده است بیگمان این آرزوئی است که از زبان مردم اینکشور گویاست زنده باد شاهنشاه نابود باد دشمنان ایران

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

رفع خطر از جان مبارک شاهنشاه

حمد و سپاس بی‌حد و بی‌قیاس خداوند عالم را سزاست که یکبار دیگر خطر حتمی را از سر ملت شریف ایران دور ساخت و نیز خائنین را ازهدف اصلی باز داشت ومظهر استقلال و تمامیت ارضی خاك کشور ایران را از توطئه‌ای عظیم بر حذر داشت چراکه روز ۲۱ فروردین سال جاری فردی خائن وشخصی نالایق دل ازمهر شاه و وطن‌برتافت ودرلباس مقدس سربازی وظیفه خدمتگزاری رافراموش نمود وقصد جان وارث تاج وتخت کیان وقبله‌گاه آمال وآرزوهای بیست ودومیلیون ایرانی کرد که خوشبختانه این‌تیر بسنگ خورد وداغ برآورده شدن این آرزو بردل آن‌تیره بخت نهاده شد وتا ابدلکه ننگ بر دامان پلیدش گذاشته گردید که اگر واقعاً نقشه پلیدانه‌اش بمرحله اجرا درمیآمدهم‌اکنون کشور عزیز ما سرنوشتی دیگر داشت و روزگار مردمانش به تیره‌گی و پریشان حالی بی‌مانندی کشیده شده بود .

آری این اولین بار نیست که خطری حتمی ومسلم جان‌شاهنشاه ایران وبقای کشور وملت بزرگ مارا تهدید میکند بلکه این مقصود پلید بارها بمنصه ظهور رسیده است که خوشبختانه هربار با شکستی فاحش روبروگردیده است و این چیزی جز پاداش نیکوی الهی به نفس خیر و اعمال عادلانه شخص اول مملکت نیست چراکه شاهنشاه ما از بدو جلوس بر تخت سلطنت چیزی جز رفاه و سربلندی ملت خود در مد نظر نداشته‌اند و اساس سلطنت خویش را برپایه‌های برقراری مساوات ورعایت‌عدل و داد قرارداده‌اند و همواره برای رفاه وآسایش وسعادت این ملت تلاش وکوشش فرموده‌اند.

قلب رئوف و مهربان شاهنشاه ورفتار و اعمال نیکوی ایشان درباری وکمك به ـ مستمندان و ترقی وبزرگداشت ملت ایران باعث گردیده است که خداوند بزرگ همواره مراحم بیکرانش راشامل حال این ملت نموده پیوسته این کشور را از بلایای آسمانی و خدشه‌های زمینی مصون ومحفوظ نگهداشته است وسرو جان اولین فرد آنرا همیشه در

ظل عنایات خویش از هر گزندی مبری گردانیده است و اینستکه شاهنشاه عظیم الشأن ما با الهام از این موهبت الهی پیوسته با کمال شجاعت و بی پروائی برنامه‌های مترقی خویشرا دنبال فرموده و با نهایت خونسردی باعمال مغرضانه خائنین وطن برای جلال و بزرگی ملت ایران بذل مساعی وعطف توجه خاص میفرمایند واز آنجاست که ملت ایران نیز بخوبی قدر این موهبت عظمی را دانسته وامنیت و آسایش و آزادی خویشرا مدیون پدر تاجدار خود میداند وهمیشه برای سلامتی ذات مبارکشان دست دعا بدرگاه باریتعالی برمیدارد وهر وقت که خطری متوجه معظم له میگردد بسیار نگران گشته باتمام قوای خویش برای دفع این خطر تلاش میکند و ازاینجاست که هنوزهم ازواقعه جانگدازی که درکاخ مرمر روی داده است و توطئه خائنانه‌ای نابود گردیده‌است وشاهنشاه دادگستر ما بسلامت مانده‌اند دست دعا بدرگاه خداوند تعالی برداشته ازاین نعمت بزرگی که شامل حالش گردیده است مراسم نیایش رادر هر کوی وبرزن بانجام میرسانندمانیز بنوبه خوداین بخشش عظیم الهی را درحفظ ونگهداری جان شاهنشاه عالیقدرخود ازیك خطر مسلم وحتمی بپیشگاه پدرتاجدار وهم میهنان عزیز تبریك عرض کرده امیدواریم که همواره وجودذیجود شاهنشاه بزرك که مظهر آزادی و استقلال وطن وملجأ مستمندان وپناهگاه کلیه دادخواهان است ازهر گزندی محفوظ داشته آنوجودمبارك را که برای ملت کهنسال ایران باعث حصول خیروبرکات لایزال الهی است تاابد زنده وپاینده بدارد

خواهش ویادآوری بنویسندگان

بطوریکه اکثرا مشاهده میشود مقالات و نامه‌هائی که بدفتر مجله واصل میگردد ناخوانا ودرهم میباشد که درموقع چاپ دچاراشکال میشودودرنتیجه بعضی از جملات غلط وباعث ناراحتی میگردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

۱ ـ کلیه نوشته‌ها خوانا و کمتر دارای خط خوردگی باشد

۲ ـ دریکروی کاغذ نوشته شود واسامی خارجی ولغات مشکل خواناتر باشد.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۱۸)

خاندانهای شاهی اولیه آریان در هند

گرچه گزارش تاریخ باستانی هند، بسا در این گفتارها نابجا انگاشته شود، ولی چون اوضاع کنونی هند ازحیث زبان وکیشهای گوناگون، معلول عقاید وسازمانهای اجتماعی دوران دیرین است که از دوعامل روحانیت و سلطنت چند نژادی پدید آمده است، پس گریز ما بتاریخ سیاسی و اجتماعی کهن ودیپلوماسی نوین آن کشور بازمینه این گفتارها بیگانه نیست ویك گونه پیش‌پردازی برای نتیجه فرجامی است.

در شانزدهمین گفتار، اندکی از باورهای دینی آریانهای تازه درآمده بهند ـ از کتاب «مانتراها» که کهنترین نوشته آنها بوده ـ ازچگونگی دوره «ودیك» ورهبری برهمنان یادشد. در مانتراها ازعقیده بازگشت پس از مرگ (تناسخ) چیزی نوشته نشده وچنین چیزی را باور نمیداشته‌اند. ولی پس از آنکه هندوها = آریانها بچند تیره ودودمان‌از هم جداگشتند، دوخاندان ازآنها بسلطنت رسیدند.

یکی بنام «رامایانا» خاندان «راما» (Rama) شاهان این خاندان خود را فرود آمده یاجدا شده ازخورشید میدانستند وایوذیا Ayodhya نزدیك اوده کنونی راپایتخت خود ساختند. خاندان دیگر بنام «مهابهاراتا» که خودرا چکیده یا فروافتاده ازماه می‌دانستند، پرایاگ (اله‌آبادکنونی) و سپس «هاسیناپورا» نزدیك دهلی نو (امروزی) را پایتخت قرار دادند.

گزارش تاریخی این دو خاندان سلطنتی را از دو چکامه مشهور میتوان دریافت. آنکه وابسته بخاندان «رامایان» است وبنام «راما» سرسلسله خاندان یاپیش‌تازان خانواده بوده وپهلوان داستان است، گفته‌اند شاعری بنام «وال‌میکی» آنرا سروده است. اکنون این «راما» در پیکر «ویشنو» (Vishnu) ستایش میشود وچنین باور میدارندکه اوبه

جهان خاکی آمد تاجهان راازشر ستمگری ونابکاری (Monster) یاغول بزرگ «روانا» Ravana که پادشاه «راکشاساها» بوده برهاند (دورنیست همین غولهادر اصطلاح اوستا- اهرمن خوانده شده باشند) . فشرده داستان چنین است که :

راما ، در جنگل «دان‌داکا» ناپدید میشود و زن او «سیتا» هم در دست روانـا ـ اسیر می‌افتد وراما در پی زن بجستجو می‌پردازد ودرمی‌یابدکه وی درکاخ روانادرسیلان گرفتار است ، باسپاهی ازمیمون بسیلان میتازد ، باپرتاب تیری از کمان «سیوا» (یکی از خدایان خورشیدی) روانا ـ ازپا درمیآید وکشته میشود راما زن خودرا می‌یابد. این چکامه بازیباترین لطایف ادبی ساخته و پرداخته شده ، اهمیت تـاریخی بسزایی دارد و میرساند که هندوها درآن‌عصر بجنوب هند و دکن راه یافته و جزیره سیلان را نیز پیدا کرده‌اند .

اما خاندان «مهابهاراتا» پادشاهان «ماهواره» گزارش جنگی بزرگ ؛ بهمان‌درجه عظمت و شهرت جنگ «رامایانا» شاهان‌خورشیدی نیزازآنهادرمنظومه‌ای‌سروده‌شده‌است. نام بنیادگذار این سلسله «بودا» (نه‌بودای پیمبر) (Buddha) بوده که در هاستیناپورا سلطنت میکرد . او را فرزند سوما Soma (یعنی ماه) میدانند از نسل وی «ویاسا» (Vyasa) پدر «دریتاراشترا» و «پاندو» را سراینده منظومه حماسی یادشده میدانند. دریتاراشترا سه‌پسر داشته‌که آنهاراکوروس یاکراواس میخواندند (وپیداست‌که چند زن داشته است) اما پاندو پنج پسرداشت که‌آنها را پاندوس یاپاندواس‌میخواندند .این‌چکامه یا منظومه، جنگ خونینی راکه میان عموزادگان برسر تخت وتاج هاستیناپورا درگرفته مینمایاند. در این جنگ بیشترین سرکردگان هندوستان بخانواده کوروس یا بخانواده پاندوس پیوستند .

از میان آنها «کریشنا» (که اکنون درپیکر یابت ویشنوستایش میشود) ازنامی‌ترین کسانی است‌که در منظومه یادشده بخانواده پاندواس پیوست. دوسپاه‌درکارزار کوروکشترا سبزه‌زار کوراواس روبرو شدند. درمدت جنگ هشتاد روزه که با خشم و تحرك بسیارانجام میگرفت ، هزاران جنگجوکشته یا زخمی گردید. درپایان پاندوها پیروز گشتند ، پایتخت (هاستیناپورا) بدست آنها افتاد ولی جز مدتی کوتاه نتوانستند در آنجا آرام بگیرنـد زیرا همینکه بشوه این‌همه خونریزی وکشتار از خویشاوندان اندیشیدند ، چنان دستخوش اندوه وپشیمانی گشتند که از شدت غصه وشرمساری پشت‌پا به سلطنت خود زده بدان‌پایان داده ، راه‌کوهستان هیمالیا را درپیش گرفتند و با «دراپاتی» زن مشترك برادران خـود همنشین و همدم گردیدند (البته در آن زمان رسم چنین بود که زن برادر بدرود گفته خود

را گرامی میداشتند و اورا بانوی خانواده بشمار آورده نگاهمیداشتند نه بنام‌همسری بلکه برتری اززنان دیگر) باری ـ یکروز «ایندرا» خدای بزرگ، بر آنها آشکار گردید و آنانرا با خود بکیهان (Heawen) برد.

از این داستان حماسی ادبی افسانه‌آمیز، نکاتی چنداز فلسفه‌عقاید، ازسازمان‌اجتماع، ازنظام سیاسی وفرهنگی آریان دستگیر میشود.

۱ ـ اینکه آنهاکیش ساده طبیعی داشته وبسیار خوش‌باور وپاکدل بوده‌اند، سپس درآمیزش بابومیان بکیشهای خدایان پرستی گرویده‌اند.

۲ ـ برای جاگیری با بومیان درافتاده باقدرت بسلطنت رسیده، سپس‌میان‌خودشان بر سرفرمانروائی مطلقه جدایی افتاده، به تیره ودودمانهای گونه‌گون پراکنده‌شده‌اند.

۳ ـ کسان باهوش ودانش، یابگیریم زرنگ که ذوق ادبی‌ونیروی ابتکارداشته و با سواد بوده‌اند، بانوشتن‌داستان‌ها، سرودن شعر وسخنوری، زمام‌عقل وادراك واراده‌مردم را با روان‌شناسی بکف گرفته بمقام روحانیت ورهبری دین وآیین رسیده، حکومت‌معنوی ونظام مادی را اداره میکرده‌اند. اینها نه بنفع ورشد فکری مردم، بلکه بسود مادی و شادکامی‌خودکیش خدایان‌پرستی راگسترش میدادند ونیروهـای طبیعت رامجسم میکردند و دستگاه آخوندی را چنان مهیب جلوه میدادند و خود را میـانجی خدای بـزرگ و آفریننده خدایان‌کوچك با سخنان دل‌انگیز وپرشور می‌نمایاندندکه مردم حیات وممات خودرا مرهون اوراد واذکار وقربانی بخدایان میدانستند، اما خود را خردمند Sage یافیلسوف ورازواندرزگو میدانستند، زیراآرینها هرگز به پیامبری‌که‌از پیش‌خدای‌بزرگ آمده باشد باورنداشتند وآنها هم چنین ادعایی‌نمیکردند و «مانی» را هم‌که شهریـاران ساسانی باپیروانش‌کشتند بهمین‌گناه دعوی پیمبری بود.

مانو نخستین قانون گذار هند

The code of Manu

پس ازکتابهای «ودا» از لحاظ اهمیت و کهنسالی بی‌گمان ـ کتاب قوانین «مانو» است‌که‌گرچه تاریخ نگارش آن دانسته نیست ولی نویسنده آن مردی خردمند و جامعه شناس بوده (وچه بسا نام مـانو با «مانی» دوره ساسانی ما ازیك‌نشان وریشه باشد) همین اندازه میدانیم‌که این مجموعه قوانین، برهمنهارا توانایی بیشتری دادکه ریاست وقدرت قاهره دولتی را بیابند و سیستم طبقاتی را استوار سازند. آنها مردم را بچهـار طبقه از

بقیه درصفحه ٤٦

سخنرانی موبد رستم شهزادی بمناسبت روز زایش اشوزرتشت در خرداد و فروردینماه ۱۳۴۴

بانوان وآقایان محترم در فروردین یشت راجع بواقعه زایش اشوزرتشت چنین آمده است :

«یوژدا مشیائی ائیسپی زاتم وهیشتا یوسپیتاموزره‌تشترو » ای مردم بشارت بادشمارا که زائیده شد بهترین فرد بشر یعنی سپیتمان زرتشت .

در کتابهای اوستا کلمه‌ایکه بعنوان پیغمبر برای اشوزرتشت بکار رفته واژهٔ (مانتره‌بر) یعنی دارنده یا آورندهٔ مانتره است مانتره در اصل بمعنی گفتار آسمانی یـا کلام نافذ و سود بخش میباشد و امروزه این کلمه بصورت منتر یاورد درآمده که بازهم بمعنی کلام نافذ ومعجز آساست .

واژهٔ مانتره در اوستا اغلب باصفت سپنته یامقدس و پاك همراه بوده و مانتره‌سپند گفته میشود یعنی گفتار پاك وآسمانی وهزاران سالست که زرتشتیان با ایمان کامل ایـن مانتره سپندیاکلام مقدس اوستارا چه درمواقع‌سختی وتنگی یاخوشی وناخوشی وچه‌بعنوان دعا وعبادت یا جهت تسلی غمزدگان و تقویت روح یا طلب فیروزی در کارهای خطیر یا برای شادی روان درگذشتگان وطلب آمرزش آنان باهمان لفظ اصلی اوستائی میخوانند ونسبت بدرجه ایمان وعقیدهٔ خود ازآن فایده برمیگیرند . عده‌ای از دانشمندان وعلمای دین راهم عقیده برآنست که برای استفاده بهتری از اثرنیك‌آن باید اوستارا باهمان‌تلفظ اصلی آن‌چنانکه برایمـان آمده سروده شوند،

مانتره چگونه موثر واقع میشود

بنا بعقیدهٔ دانشمندان روانکاو در درون هرآدمی نیروهای مرموز زیادی نهفته شده که بطورکلی مـا آنهارا نیروی روحی یا ایمان مینامیم وهرگاه بوسیله عامل متحرکـی این نیروها برانگیخته شوند اثرات شگفت‌انگیزی در انسان بروز کرده و وسیلـهٔ انجام کارهائی خواهند شدکه از عهدهٔ یکفرد بشر معمولی خارج است. یکی ازین عوامل تلقین بوسیلهٔ گفتار تقویت‌کننده و روانبخش یعنی مانتره سپند و برانگیختن نیروهای اندیشه و ایمان است که درطی تاریخ بشر اثرات عجیب زیر ازآن حاصل شده وهرچه‌بعقب برگردیم این استعداد رابیشتر در بشر مشاهده میکنیم مانند :

۱ ــ تحمل شدیدترین شکنجه وآزارجسمی بدون احساس درد ــ درمورد پیغمبران وشهدا وپارسایان ومرتاضان .

۲ــ گذراندن‌مراسم‌سخت وجانفرسای ور یا قضاوت‌الهی که‌بانگلیسی‌آنراOrdeal نامند نظیر ورسیاوش وآذرباد ماراسپند وغیره .

۳ ــ معالجهٔ دردهای درمان ناپذیر وسخت که معمول پزشکان روانشناس امــروزی ومانتر پزشکان ایران‌باستان بوده .

٤ ــ انجام کارهای خطیر وشجاعانهٔ زایدالوصف نظیر کارهای اسفندیار روئین‌تن در ایران وژاندارك در اروپا وسایر فدائیان ومیهن‌پرستان درمیدانهای جنگ.

بدون وجود این نیرو هیچ پیغمبر یا مصلح بزرگ وهیچ جهانگیر یا سردارمقتدری نمیتوانست بهدف خود رسیده و بانجام آن‌کارها موفق گردد . ازین روی در فنون جنگی وعلم سربازپروری سفارش شده‌که تقویت نیروی روحی سربازان واجبتر از تقویت نیروی جسمی آنان است زیراسربازی‌که با نیروی ایمان و قوای روحی مسلح باشد هفتاد درصد موفقیت او درمیدان جنگ تأمین است . این موضوع در یکی از یشتها بنام ورهرام یشت بخوبی نمودار است وموبدان قدیم این یشت رابرای تقویت روحیه سربازان‌پیش‌ازعزیمت بجنگ سرائیده وقسمت برگردان آن یعنی (عهه‌ریه) راهمهٔ سربازان باهم میسرودند .در اورمزدیشت راجع به اثر سودبخش ونیك مانتره چنین آمده است :

تداستی مانتره سپنته‌هه امه‌وس تمم : تدورتره‌وس‌تمم . تدخره ننك‌هس‌تمم . تدیاس کرس تمم. تدواره‌ترغیوتمــم . تدبیشه زیوتمــم. یعنی این مانتره سپند از همه نیرومندتر فیروزی دهنده‌تر ــ خرمی‌بخش‌تر ــ مؤثرتر ــ تواناتر وشفابخش‌تر است .

در اردیبهشت یشت ازمیان پنج نوع پزشکان ایران‌باستان (مانتروبیشه‌زو) یامانتره پزشك یعنی پزشکانیکه با مانتره بیمار را معالجه میکردند ازهمه بلندپایه‌تر محسوب شده و بآنان‌لقب (بیشه زنام بیشه‌زهه) یعنی پزشکان پزشك میدادند وحتی امروز هم ازین روش استفاده میشود .

چه بسا اتفاق افتاده‌که بیماران سایر مذاهب هم پس از ناامیدی ازمعالجهٔ پزشکان دست توسل بدامان موبدان زده و جهت بهبودی خود از مانتره‌های اوستا استفاده می ــ نمودند .

در اروپا نیز امروزه معالجهٔ امراض روانی یا صعب‌العلاج جسمی را بروان پزشکان واگذارکرده وآنان باروشهای مختلفی‌که بنام هیپنوتیزم ومسمریزم و مانیه‌تیزم معروفست بیماران راشفا می‌بخشند .

اثر نیك مانتره را میتوان بوسیلهٔ امواج صدا یا نور یا نیروهای دیگر تقویت کرده بفاصله‌های دوردست فرستاد

ایرانیان باستان اززمان بسیارقدیم پی‌بوجود امواج صدا برده و میدانستندکه هر گاه این مانتره‌هارا بوسیلهٔ امواج سریعتر ونیرومندتری‌مانندصدایانور یانیروهای‌دیگری تقویت‌کنند میتوان اثر نیك آنرا بهمراهی آن امواج بفاصله‌های دوردست‌تری فرستاده و تا حدامکان افرادبیشتری رامشمول فیض آن سازند بدین سبب موبدان میکوشیدندتامانتره هارا بوسیله عوامل نامبرده زیر پخش‌کنندتاهرچه بیشتر وسریعتر برتصفیه محیط وآرامش خاطر ونیرومندی جسم و روح ودفع غم واندوه مردمان برآیند .

۱ - تقویت اثرنیك مانتره بوسیله امواج صدا :

یکی از روشهای باستانی‌گستردن اثر مانتره بوسیله صداست و بهمین سبب موبدان درآدریانها هنگام ادای‌نماز وسرایش اوستا بنواختن زنگ میپردازند ودراوقات برگزاری یسنا وویسپرد زنگ‌کوچك پرطنینی را با دسته مخصوصی بصدا درمیاورند .

یکی از دانشمندان بشردوست اروپائی دربن‌باره مینویسد : هنگامیکه سوت‌کارخانهٔ نزدیك منزلم بصدا درمیاید من فورا دعای سلامتی و تندرستی وصلح وآرامش جهانیان را زمزمه‌کرده آرزو میکنم صدای آن‌سوت دعای خیر مرا بفاصله‌های دور پراکنده سازد . دعای سحرگاهان هم ازآن‌جهت مؤثرتر است‌که این آرزوهاکه از قلبی سوزان و دلی دردمند و پاك سرچشمه‌گرفته درهوای صاف ولطیف نیم‌شب سریعتر و باموانع‌کمتری بسوی هدف پیش میرود حافظ روانشناس فرماید :

دلا بسوزکه سوز تو کارها بکند — دعای نیم‌شبی دفع صد بلا بکند

۲ - بوسیلهٔ امواج نور:

بهمین جهت موبدان درهنگام نیایش ونماز روبروی آتش ونور ایستاده تاامواج‌نور مانتره‌هارا بنقاط دوردست پراکنده سازد و زرتشتیان وهندوان ویونانیان قدیم نور راپیك ورسانندهٔ نماز بشری بآسمانها بشمار میاورند وبشر امروزی‌نیز همین کار را بادستگاههای تلفن ورادیو وبی‌سیم ورادار انجام میدهد زیرا این دستگاهها صدا را بهمراهی امواج نوریکه از برق بدست میاید بانیرو وسرعت زیادی بفاصله‌های دوردست میفرستند . جای شگفتی است‌که می‌بینیم در جمله‌ایکه موبدان درهنگام برگزاری مراسم یسنا وآفرینگان وویسپرد روبروی شعله‌های آتش ونور میسرایند باکمال وضوح وبا اشاره باین‌موضوع‌مهم علمی‌است‌که میگویند :

« براوج و زور ونیروی وتکی وهماوندی وفیروزگری این‌خشنومن باوزایاد» یعنی بشود که این‌انوار مقدس براوج وزور ونیروی وسرعت وقدرت ونفوذ این‌نیایش بیفزایند»

همچنین راجع به‌امواج انوار خورشید وماه نیزدرنیایش ویشت مخصوص بهمین‌نام بطور وضوح اشاراتی موجود است ازجمله در خورشید نیایش آمده :

هنگامیکه‌نور خورشید بتابد صدها هزار نیروهای مینوئی‌آن‌نور رامیگیرند ومیبرند و برروی زمین پخش میکنند تا پاکی در جهان بیفزاید وتن و جان نیرو و توان‌گیرد و همین نیروهای نادیدنی را امروزه ذرات‌موج‌نور میخوانیم‌که انوار بدون وجودآن‌هرگز بزمین نمیرسید .

باز درماه نیایش میخوانیم : هنگامیکه ماه میتابد آن نوررانیروهای مینوئی‌بزمین میرسانند .

۳ ـ بوسیله نیروی فکر واندیشه :

امروزه علم تله‌پاتی Telepathy یاانتقال فکر بفاصله دور ثابت‌کرده است که مغز انسان دارای دستگاههائیست‌که هم میتواند امواج فکر را باسرعت زیادی بفاصله‌های دور فرستاده ودرعین حال امواج فکر دیگران رانیز باهمان سرعت‌دریافت‌کند یعنی‌بطور خلاصه مغز انسان هم دارای دستگاه فرستنده وهم‌گیرنده است وهرچه رابطه اندیشه و احساسات دونفر بهم نزدیکتر باشد بهتر میتوانند بدریافت امواج فکریکدیگر نائل‌آیند بدین وسیله‌گاهی اشخاص غفلتاً حادثهٔ مرگ نزدیکان خود را از فواصل دور حس‌کرده یاباصطلاح بایشان الهام میشود وهرگاه مغز فردی باندازه کافی مستعد و نیرومند باشد میتواند افکاردیگران را تحت سلطه خود درآورده وبرآنها حکومت‌کند .

بدین سبب دانشمندان پیش‌بینی‌کرده‌اندکه اگر پیشرفت فکر و پرورش نیروی‌مغز در انسان بهمین روشی‌که ادامه دارد پیش رود روزی خواهد رسیدکه بشر بتواند بدون مکالمه وصحبت افکارخودرا بدیگران منتقل ساخته وبااشاره‌ای‌تمام مکنونات قلبی وارادی خودرا بآنان بفهماند بهمین جهت است‌که دانشمندان موجودات‌کرات دیگر راکه از ما جلوافتاده‌تر فرض میکنند آنانرا مجهز بآنتن مغزی‌تصورکرده میگویند طرز مکالمهٔ‌آنان باهم بوسیله امواج مغزی آنانست نه حس‌گویائی .

رعدی آذرخشی یکی از شعرای دانشمند ایرانی راجع بتوسعه این نیـرو در بشر آینده میفرماید :

من بر آنم‌که یکی روز رسد درگیتی   که پراکنده شود کاخ سخن را بنیان

بقیه درصفحه ٤۷

مردی که بیش از پنجاه سال به فرهنگ این کشور خدمت کرد باسر بلندی زندگانی را بدرود گفت



روانشاد محمدعلی‌حکیم‌الهی از چهره‌های درخشان فرهنگ این‌کشور و از خدمت گذاران کهنسال فرهنگ ما زرتشتیان بشمار است که در دوران نخستین خدمات فرهنگی مازرتشتیان همکاری خود را آغاز ودرتمام مدت خدمت خود بانهایت صمیمیت و دلسوزی این وظیفه مهم اجتماعی را انجام داد و با اندوخته‌ای فراوان از شمار پرورش یافتگان محضر فیاض خود وگنجینه‌ای از شخصیتهای علمی فراوانی از تعلیم یافتگان مکتب خود زندگانی جاوید یافت ونام بلندآواز خودرا جاودانه بربرگهای زرین تاریخ فرهنگ این کشور ثبت نمود.

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

ترجمهٔ موبد فیروز آذرگشسب

تجزیه و تحلیلی از تفسیر بهرام یشت یا فیروزی نامه تألیف سرکار سرگرد م. اورنگ بقلم هیربد جمشید جی کاوسجی کاترک

بی‌نهایت خوشوقتم که فرصتی بدست آمد تا تقریظی بر کتاب با ارزش فوق که اثر دیگری از یك دانشمند پرکار و بااستعداد ایرانی است بنگارم. سرکارسرگرد اورنك تا بحال دوازده کتاب سودمند و پرارزش بشرح زیرراجع بزبان و ادبیات و فرهنك ایران باستان تألیف نموده‌اند.

یکتاپرستی در ایران باستان ـ جشنهای ایران باستان ـ لغت‌نامه اورنك ـ کتاب صددر ـ تفسیر یسنا هات ۱ تا ۱۰ درسه جلد ـ خیتودت یا هم‌بستگی دراوستا سوشیانت‌ها یا سه موعود آینده ایران ـ شرح و تفسیر گاتاها هات ۲۸ تا ۳۰ یسنا درسه جلد.

خوشبختانه درمورد چند فقره از تألیفات فوق نگارنده تقریظهائی نوشته است و همیشه با رضایت خاطر مشاهده کرده که سرکارسرگرد اورنك در نوشته‌های خویش و در شرح و تفسیر یسنا و گاتاها سعی کرده است تا مفهوم واقعی و روح اصلی متون مقدس را بزبانی بسیارشیوا بیان کند. گرچه نوشته‌های این دانشمند ازلحاظ مفهوم باسایرین اختلاف دارد ولی هیچ خواننده‌ای نمیتواند تحت‌تأثیردلایل منطقی وتوضیحات بکر و روشن این نویسنده قرارنگیرد طبیعی است همانطوریکه مولف دانشمند اغلب متذکرگردیده‌اند تنها یکنفر ایرانی و فرزند همین آب وخاك خواهد توانست کتب و نوشتجات نیاکان خود را بنحواحسن درك کرده ونکات مبهم وتاریك آنرا روشن سازد سرکارسرگرد اورنك درتفسیر گاتاها هات ۳۰ بهموطنان خود توصیه میکندکه ترجمه وتفسیرهای خاور شناسان غرب را درمورد اوستا و پهلوی باقید احتیاط مطالعه نمایند و از توضیحات غلط و مغرضانه آنها گمراه نگردند. نگارنده این‌موضوع را دربحث انتقادی‌خود راجع بکتاب «فیروزی‌نامه» و همچنین درمقدمه‌کتاب انگلیسی خود بنام زناشوئی در ایران باستان مخصوصاً ذکر کرده است تانشان دهدکه چگونه خاورشناسان غرب مفهوم واژه‌هائی مانند «خیتودت» و امثال آنرا تحریف و دگرگون ساخته و مردم راگمراه میسازند.

روشی راکه سرکارسرگرد اورنك درترجمه وتفسیر بهرام‌یشت اتخاذ کرده‌اند همان رویه‌ایست که نامبرده درآثارقبلی خود بکاربرده است بدین معنی که اول متن اوستائی هر بندی را ذکر کرده و سپس همان متن اوستائی رابا نویسه فارسی و بعد ترجمه تحت‌اللفظ واژه‌ها را داده‌اند و درپایان توضیح و تفسیر کافی راجع بهر بند نقل کرده‌اند ضمناً مولف دانشمند۷۸صفحه کتاب را اختصاص به واژه‌های اوستائی و معانی آنها ازلحاظ دستورزبان داده ودر۱۲صفحه‌آخر کتاب نظرات و عقاید دانشمندان را راجع بتألیف قبلی خود یعنی «تفسیرهات ۳۰ یسنا» ذکر کرده است حروف‌اوستائی و چاپ فارسی این کتاب وهمچنین کاغذی که بکاربرده شده بسیارخوب بوده وجلب‌توجه خواننده را میکند.

سرگرد اورنك ازقرار معلوم‌گاتاها و یسنا راکنار گذاشته و توجه خود رابه یشتها که ازادبیات کهن مزدیسناست معطوف نموده است بهرام‌یشت یکی از یشت‌های بسیار مهم است و همانطورکه مولف دانشمند درمقدمه کتاب ذکر نموده‌اند بهرام چنانکه بعضی‌ها تصور کرده‌اند ستاره مریخ وربالنوع جنك نیست بلکه منظور از بهـرام«فتح و فیروزی خداداه است »کسانیکه راستی وپارسائی و نیکوئی راپیشه خود ساخته‌اند بطور مسلم از شکوه وفیروزی خداداده برخوردار خـواهند شد . در سرتاسراین یشت واژه « ورترغنو اهوره‌داتو» ذکرشده است‌که خاورشناسان‌آن رابه « فرشته بهرام آفریده خدا » تـرجمه کرده‌اند ولی‌سرگرد اورنك‌آن را بمعنی « فیروزی خداداده » ترجمه نموده واقعاً فکری است بکر وتفسیری است‌بسیارجالب وبهمین‌علت نیز نام‌کتاب رافیروزی‌نامه‌گذاشته است.

دراولین ده فصل کتاب ذکرشده است‌که بهرام‌بشکلهای مختلف مانند بادو گاونر و اسب وشتر وگراز وپسرجوان و پرنده وبره وبزوپهلوان ظاهر شده و باشخاص پـارسا ونیکوکارفیروزی خواهد بخشید ولی سرگرد اورنك مینویسد سرباز شجاعی‌که از میهن خود دفاع میکند یا هرشخصی‌که مایل است درزندگی بافیروزی هم‌قرین باشدباید صفات ده‌گانه بهرام رابشرح زیر کسب نماید .

سرعت - چالاکی - استقامت - تحمل وبردباری - شهامت و مردانگی - تواضع و فروتنی وغیره :

موضوع فوق‌بحثی است واقعاً جالب و درعین‌حال بسیار الهام‌بخش .

درفصل ۱۱تا۱۳ اشاره به تیزبینی و دوربینی ماهی کر - اسب وکرکس شده و از خداوند موهبت‌های مزبوربرای اشوزرتشت آرزو گردیده است.عبارتیکه در فصل ۱۳ بهرام یشت‌بمفهوم تیزبینی کرکس‌ذکرشده : «نائومیه‌هچه دنکهات » میباشدکه‌عموم خاورشناسان

بقیه درصفحه ۴۹

چگونه جراید از نوروز ۱۳۴۴ استقبال نمودند

تمام جراید و نشریه‌های روزانه وهفتگی وماهانه بدون استثنا مطالبی راجع بنوروز وتاریخچه ، آداب ورسوم آن انتشار دادندکه نه تنها از افسانه‌های چند وچون بدوربود بلکه بیشتر بحقایق فلسفی ومقام منطقی آن پرداخته بودند .

با اندك ژرف نگری میتوان دریافت که علاقه نویسندگان و اهل مطالعه بمسائل میهنی برپایه راست وبرپاشنه درست قرارگرفته ورهبری احساسات رابدست خردسپرده‌اند، استنباط ازاین روش عالی استکه پرتو امید بخشی دردلها تابان وآینده‌ای بس درخشان دربرابر چشم مجسم میگردد .

این حقیقت را باید پذیرفتکه اینگونه جشنها وآئین وسنتهای آن زائیده مقتضیات وخواسته‌های مردم این آب وخاك است وباسرشت وخوی ساکنین وآب وهوای آن‌سازش دارد و بهمین جهت استکه‌گذشت سده‌های بسیار ودورانهای دور ودراز توأم با نشیب و فراز هم نتوانسته است بدست فراموشی سپارد ، بیگمان‌برپاداشتن این جشنها را باشکوه وجلال هرچه بیشتر‌گویای تجلی حس میهنی ودلبستگی بزادگاه خود است وپیروی‌ازین روشهای نیکوکه رشته یگانگی رابهم پیوند داده و گره‌های آنرا استوار مینماید سزاوار ستایش است .

اینك نمونه‌هائی از چند نشریه :

مجله تهران مصور چنین آغاز مطلب نموده است « بی‌آنکه بخواهیم‌گزافه‌گوئی و خودستائی‌کنیم ملت ما ازدورترین‌روزگاران باستانی همواره از انسانی‌ترین و بهترین فرهنگها برخوردار بوده است - جنبه‌های شاعرانه ولطیفی‌که فرهنگ ایران باستان راپر کرده است بیگمان در هیچیك از فرهنگهای جهانی دیده نمیشود اگر بعضی‌گوشه‌های اساطیری فرهنگ یونان‌کهن راکنار بگذاریم دیگر درتاریخ باستان‌که روزگار پرورش وشکفتگی اندیشه انسانی بوده است ظرافت اندیشه ایرانی‌را هیچکدام ازملل‌دیگر نداشته است .

یکی ازگوشه‌های دلنشین وچشم‌گیر فرهنگ ایران باستان در مورد جشن نوروز-

چگونگی پیدایش ـ برگزاری ونگهداری آئینها وترتیبات آن است وسپس فلسفه وآئین‌و نیایش نوروزی‌که از دوران باستان بمارسیده بتفصیل وبانهایت دقت منعکس داشته است.

مجله امید ایران نیز مصاحبه‌ای ازاستاد دانشمند پورداود بعمل آورده وطی‌پرسش وپاسخی حقایق را برای خوانندگان مجله روشن نموده وچنین باظهار مطلب پرداخته :

« برای بسیاری ازجشنهای مایك آغاز داستانی قائل شده‌اند ازجمله همین جشن‌سال نورا بجمشید که یکی از پادشاهان پیشدادی است نسبت داده‌اند همین پادشاه درهند در دیـن برهمنی ودرکتاب آنهاکه بنام وداست بنام جم خدای مرگ است و آنگاه اختراعـات و اکتشافاتی‌که منتسب بجمشید است برشمرده وسپس بفلسفه مذهبی نوروز پرداخته و چنین بیان داشته‌اند درهمین جشن فروردین است‌که فره‌وشیها بروی زمین فرودمی‌آیندو بعقیده ایرانیان ده شبانه روز برای سرکشی بازماندگان خـاندان دیرین مشغول میشوند . در جای دیگر برابر پرسش «عید نوروز فعلی جزو سنن ملی است یا بیشتر شکل عملی خود راحفظ‌کرده است چنین فرموده‌اند :

« نه بنظر من جزو همان سنن ملی است» و همچنین بـرابر سئوال آتش از نظـر ایرانیـان قدیم چه حرمتی داشته چنین توجیه فرموده‌اند :

« آتش درقدیم قبله‌ایرانیان بشمار میرفت ودرمیان‌عناصر اربعه مقام بسیارارجمندی داشت . در تمام معابد ایران همیشه آتش روشن بود ، ایرانیان آتش را نماینده فروغ آسمانی میدانستند .

مجله سپید وسیاه نیز چنین مینگـارد (زرتشت پرسید ای اهورامزدا ای مینوی چرا ماه فروردین را بهتر وگرامی‌تر میداری ؟ اهورامزدا پاسخ داد درماه فروردین بود که جهانرا آفریدم وبجهانیان زندگی عطاکردم » ودر مقدمه چنین توضیح داده‌اند :

ترانه‌ها ـ آوازها ـ جشنها و از میان همه این بدایع جشن نـوروز جانگشاتر و دلپذیرتر و باشکوه‌تر است ـ چه رازیست در این جشن بهاری‌که ازدو هزارسال پیش از میلاد تادوهزار سال بعد از میلاد مسیح تنها جشنی است‌که در تاریخ‌کهن جهان هنوز پا برجاست باوجودیکه حوادث بسیار دیده وترکتازیها وهجوم بیگانگان را تماشاکرده‌است درطول قرنهای بسیار این جشن نامهای‌گوناگونی پیداکرد .

نظیر جشن نوروز ـ جشن بهاری ـ جشن فروردین ـ بهارجشن وهرمز جشن اما هرچه بوده آغاز این جشن همواره هرمزد روز اولین فروردین‌ماه بوده‌است و سپس بتفصیل اصول و فلسفه برقراری نوروز را شرح داده و در پایان چنین توصیه نموده‌اند :

بقیه درصفحه ۵۰

بیانات افتخار آمیز حضرت رئیس جمهوری تونس در ضیافت اعلیحضرت همایون شاهنشاه

قبل ازهرچیز لازم میدانم سپاسگزاری خودرا از استقبال گرم و باشکوهی که ازما بعمل آمده است بآن اعلیحضرت وملتشان تقدیم دارم ونیز مایلم ازطرف خود وملت‌تونس احساسات قدردانی ومودت خودمان رابآن اعلیحضرت و ملت نجیب ایران عرضه دارم . در همین اولین تماس خود باسرزمین ایران بخوبی احساس میکنم که ازکشوریکه وارث یکی ازبزرگترین حیثیت‌های تاریخی جهان است بازدید مینمایم کشوری که‌سرچشمه‌اندیشه بشری وزادگاه تمدنی است‌که نفوذ معنوی آن عمیقاً درفلسفه وادبیات اسلامی اثربخشیده است‌کشوری‌که مدت زمانی مرکزثقل تمدن جهان وناظر یکی ازبزرگترین لحظات‌تاریخ بشری بود جای تعجب نیست اگر تاریخ جهان ایفای چنین نقشی رابعهده ایران‌گذاشته باشد زیرا ملت ایران‌ درچهارراه تلاقی سرزمینها وفرهنگهای مختلف‌قرارگرفته‌ازدوران بسیارکهن توانسته است تمدنی را بوجودآوردکه نبوغ آن هم شرق و هم غرب را تحت تأثیر خود قرارداده است . درپایان بیانات خودباز چنین فرمودند :

اعلیحضرتا ـ علیاحضرتا ـ خانمها وآقایان من بکشوربزرگ ایران که‌آنهمه‌تمدن وفرهنگ بشری را سیراب‌کرده است بملت پرافتخار ایران و بپادشاهی که قبلهٔ امید همه افراد ملت خویش است وخودرا سراسر وقف تأمین سعادت ملت‌کرده است از صمیم قلب درود میفرستم و سعادت و سلامت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی وعلیاحضرت شهبانوی ایران وترقی روزافزون ملت ایران را آرزومندم.

بمناسبت هفتادمین سال زندگی سرافراز و پر افتخار دوست سخن پرور و سخن گسترم جناب آقای **محمود فرخ خراسانی** سروده شد.

محمودی بختیاری

فرخ

بر تو خجسته فرخ آزاده آفرین — کت آستان سپهر زداید بآستین
ای سرفراز مرد که در گوهر و نژاد — هستی تو از تبار فریدون آبتین
زنهار گر ز تازی باشد ترا نشان — داری نشان ولیك زکاوس و کی پشین
در چهر ومهر گوی ربوده ز همگنان — در فر و نام ، نام گرفته بر استین
یار تو کیست ؟ آنکه کله‌سوده برسپهر — خصم‌تو کیست؟ آنکه جبین‌سوده برزمین
کین از تو گشته لاغر مانند نیستی — چون‌هستی‌ازتو گشته، آزادگی ،سمین
آزادهٔ را گرفته مهر تو در کنار — بیگانه را نشسته خشم تو در کمین
آنکس که باتو دوست،شکوفاوشادمان — و آنکس که‌باتوخصم‌دژم‌خوی‌ودل‌غمین
بالد بخویش آنکه‌توخواهی ورازمهر — نالد بدرد ، آنکه تو باشی ورا بکین
پژمرده ازتو چهره تازی و اهرمن — بشکفته از تو گلبن آئین راستین
پادافره رقیب بهجرش همی نشان — پاداشن حبیب به پهلوی او نشین
از آفرین تست سرافراز« مرزبان » — ای شادمانه ، ازتو ، دل این، فراز بین
از آفرین خلق نبالیده‌ام بخویش — بالم بخویش کز تو شنیده‌ستم آفرین
خواندم ار سخنور آری سخنورم — کز خامه تو رفته این گفته ثمین

☆☆☆

بقیه درصفحه ۵۰

اجرای مراسم سپاس و نیایش

انجمن زرتشتیان تهران درساعت پنج‌ونیم بعد ازنیمروز پنجشنبه۲٦/۱/٤٤ باحضور گروه انبوهی ازهمکیشان در تالار خسروی آئین نیایش وسپاس را بشرح زیر بجا آوردند نخست آقای ارباب رستم‌گیو رئیس انجمن زرتشتیان وسناتور محترم سخنرانی‌جامعی‌بیان داشتندکه بااحساسات تجلیل آمیز حضار همواره مواجه بود .

آنگاه مراسم نیایش‌وسپاس توسط چهارنفر ازموبدان درحالیکه عموم‌بحالت‌احترام ودعا ایستاده بودند باآهنگ‌اوستائی اجراگردید وحضارنیز برابر آئین‌باستانی‌احترامات بایسته رابجای میاوردند .

پس ازپایان نیایش خوانی آقای موبدرستم شهزادی‌ترجمه پارسی نیایش وسپاس را درهمانحال‌که حضار درحال قیام واحترام ایستاده بودند قرائت نموده و در پایان بطور دسته جمعی ایدون باد ایدون تراج باد (برآورده شدن خواسته خودکه سلامتی‌وپایداری وجود شاهنشاه بیداربخت است) آرزونمودند.

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس نیایش و سپاس که بمناسبت سلامتی ذات اقدس شاهنشاه دادگستر از سوی انجمن زرتشتیان در تالار خسروی برگزار گردید

همکیشان ارجمند بانوان و آقایان گرامی

اهورامزدای یکتا راسپاس وشکر گذاریم‌که همیشه شاهنشاه دادگستر ما را در پناه خود از هرحادثه سوئی پاسداری فرموده ووجود مقدسش راکه همواره منشأ خیروسعادت وموجب افتخار وسربلندی ملت ایران میباشد محفوظ داشته است.

درود وسپاس به اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی‌شاهنشاه بزرگ وخردمندی

که برای تأمین آسایش وآرامش مردم این‌کشور شبانه‌روز نیاسوده وآرمانش برسعادت و سرفرازی عموم ملت استوار است .

تجلیل وکرنش بپدر تاجداری‌که در پاسداری و احیاء میراث درخشان باستانی و سنتهای پرافتخار و تاریخی این‌کشور کهنسال ازهیچ‌کوششی نهراسیده و از بذل جان و مال هم دریغ نفرموده‌اند .

بپاس این سجایای ملکوتی و خصایل عالی‌معنوی وانسانی است‌که فردفردایرانیان برای سلامت وسعادت شاهنشاه عظیم‌الشأن خود همواره دست دعا بدرگاه خدای بزرگ دراز نموده و از دل وجان طول عمر وپایندگی سلطنتش را بافرو شکوه وجلال خواستار بوده وهستند.

ما زرتشتیان‌که شاهدوستی ومیهن پرستی جزء فریضه دینی وملی وباخون ماسرشته شده است درنماز روزانه خودضمن نیایش وستایش تندرستی وديرزیوی و کامکاری شاهنشاه محبوب خودرا ازدرگاه اهورامزدا آرزو مینمائیم .

اینك نیز بپاس این موهبت بزرگ سپاس خدای را بجا میاوریم واز درگاه‌لایزالش خواستاریم‌که همواره وجود مقدس شاهنشاه بافر وداد ما را تندرست و شادکام و بآرمانش کامروا فرموده و دودمان پهلوی بزرگ و بویژه علیاحضرت شهبانوی نیکوکاروواالاحضرت ولایتعهد عظمی را درکنف حمایت وعنایت خود حفظ فرماید .

پروردگارا این آرزوی قلبی مارا برآورد فرما .

ترجمه نیایش و سپاس که توسط آقای موبد شهزادی قرائت گردید

پروردگارا شاهنشاه مارا نیرو و فیروزی ده ـ بپادشاهیشان پایندگی و کامروائی بخش . شهریار ما را با توانائی و خوشخوئی ودادگستری کامروا فرما ـ بـرشکوه و جلالشان بیفزا ـ بردشمنانشان چیره‌گردان ـ خداوندا بر پادشاه مارنج و سختی هموار نما تابتوانند بدخواهان وزشت خویان وبداندیشان رانابودکنند.

درود میفرستیم وآرزومندیم‌که شاهنشاه ما برهر مشکلی چیره آیند ودر هرنبردی بردشمنان پیروزگردند ـ کینه توزان‌وبدخواهان رابراندازند - پروردگارا از توخواهانیم که بداندیشان و بدکرداران از دورشان دورگردند ـ نیك‌اندیشان و نیك‌گفتاران و نیك کرداران پیوسته بآستانشان نزدیك باشند .

بقیه در صفحه ۲٦

متن سخنرانی دانشمند خاور شناس آلمانی پرفسور رامپیس که روز جمعه ششم آذر ۴۳ بآلمانی ایراد فرمودند و آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی آنرا به پارسی ترجمه نموده‌اند

زرتشت از دیدگاه دانشمندان اروپائی

(بخش ۱)

اکنون ۱۰۵ سال از نخستین ترجمه علمی سرودهای آسمانی یا گاهان زردشت پیامبر میگذرد . این ترجمه از دانشمندی بنام م.هاوگ بود که بنیان کار خودرا برروی دستور زبان گذارده و بترجمه‌های پهلوی وروایات پارسی توجه نکرده بود.

تقریباً همزمان با او فر . شپیگل کوشش کرده بود در ترجمه‌های خودمیان روایات پارسی ودستور زبان سازشی برقرار کند لیکن بروایات بیشتر توجه کرده بود تا قواعد دستوری و درنتیجه تصویر دیگری از سرودهای گاهان بدست آمد .

کار جیمس دارمستتر مانند شپیگل بود با این فرق که بیش از شپیگل از روایات پارسی پیروی کرده بود. ترجمه‌های او بعدها اساس متن انگلیسی کتابهای مقدس شرق»(۱) شد .

در این میان کریستیان بارتلمه کار پژوهشهای اوستایی را تابدانجا پیش برد که ۶۰ سال پیش (۱۹۰۴) کتاب «واژه‌نامه ایران باستان»(۲) ویکسال پس ازاین ترجمه «گاهان» خودرا بآلمانی زیرعنوان «پندهای منظوم زردشت» (۳)منتشر کرد ، آثاری که حتی امروز هم با همهٔ نقصهائی که بحق برآن وارد است ، بنیان استوار برای هر گونه بررسی علمی سرودهای آسمانی پیمبر ایرانی است . با اینکه ممکن است برای هر یك از واژه‌ها ، یا

---

۱ - The Sacred Books of the East

۲ - Ah iranisches Wortebuch

۳ - Zarthustra's Verspredigten

اصطلاحات متن اصلی غالباً یك معنای دیگری پیشنهاد کرد ، بازهم نباید اظهار نظرهای اورا ندیده گرفت ، هرچند آنها امروز مردود وغیرعلمی باشند.

بااین ترتیب این دوکتاب همچون «دوستون ساختمانی» پژوهشهای اوستایی وگاهانی اروپائیان قرار گرفت ، زیرا بنیان بررسی‌های متنهای گاهانی از آندرآس - واگرناگل و ه . لومل وهطالعات ك . ف . گلدنر چاپ کنندهٔ متن اوستا همگی بر اطلاعات بارتلمه استوار شده بود وهیچگونه مطلب تازه دیگری بیان نکرده بودند .

تنها یوه . هرتل کوشیده بودکه با اثر خود بنام «آئین روشنائی وآتش»(۱) به - گاهان زردشت وجهه دیگری بدهد ولی وی در این کار زیاده روی کرده بود بطوریکه گذشته از چندتن دانشمندان آشنا بمتن سرودهای گاهان برای دیگران مطالبی بیسرو ته ازهم گسیخته و بی‌نظم وقافیه شده بودکه هیچگونه بگفتار پیغمبران مانندگی نداشت .

همچنین متن ترجمه انگلیسی گاهان توسط ماریا ویلکسن‌سمیت (۱۹۲۹) که‌ازنظر زبانشناسی مورد توجه بوده چیزتازه‌ای دربارهٔ زردشت و آموزش او همراه نداشت . چه این اثر فقط درهمان چهارچوب توجیهات وتعبیرات معانی‌که بارتلمه درکتاب «واژه‌نامهٔ ایران باستان» خود نوشته بود مانده بود .

در سال ۱۹۳۰ لومل درکتاب خود بنام « دین زردشت از روی اوستا» وصف منظمی از تعالیم آموزشی زردشت پیامبر بزرگ کرد . بدبختانه در این نظم ترتیب‌زمانی وتاریخی رعایت نشده بود . بلکه فقط یکبار این موضوع را از گذشته عقب بجلو مرور کرده ویکبار هم ازنظر چگونگی سالمر زردشت بررسی‌کرده بود. ترجمه‌های گاهان او که چند سال پس ازآن چاپ شدواصل وبنیادکتاب تاریخ ادیان او را میساخت هیچگونه نظر تازه‌ای عرضه نکرد و چنانکه درمقاله‌اش درسال ۱۹۳۱ نوشت « زردشت یك‌روستائی بود » .

نخستین کسی‌که با مکتب بارتلمه بمخالفت برخاست ه . س . نوبرگ بود که در کتاب خود بنام «دینهای ایران باستان» که در ۱۹۳۸ بزبان آلمانی منتشر شد بانظرهای خود دربارهٔ پیامبر وبنیاد دین او توجه شایانی جلب‌کرد و زردشت رایك پیشوای شمن معرفی‌کرد وگروه گاهانی را در برابر گروه میترائی نهاد.

ولی درجزئیات مسئله وهمچنین دربارهٔ نقل وروایت سخنان آلمانی گاهان‌زردشت وکهنگی وقدمت زبان گاهان درمیای زبانهای آریائی اندیشه‌های کاملا درستی اظهارکرد. ازاین گذشته خود پاره‌ای ازقسمتهای سرودهای گاهانی را دقیق‌تر از بارتلمه وپیشینیانش

۱ - Licht und Feuerlehre

فهمیده بود ولی همه وقت نتیجه‌های درست از این دانشهای تازه‌تر و بهتر نگرفت زیرا «فرضیه‌ی شمن‌ها ومیترا» مانع از دید بیطرفانه او بود. اگر کتاب وی تمام پژوهشهای اوستائی تا آن تاریخ برهم نزد وشور و غوغائی بپا نکرد گناه جنگ جهانی دوم بود ؛ در کلیات و اصول شاگردان مستقیم او گ . ویدن‌گرن و ست . ویکاندر پیـرو روش او می باشند.

پس از جنگ جهانی گذشته ، همینکه جوانان از جبهه‌های جنگ بازگشتند ودوباره بدانشگاه رفتند ، انتقاد عمومی در تمام آنچه‌که تا آن تاریخ نوشته شده بود حتی نکته گیری بآن دو «ستون ساختمان‌ایرانشناسی» بارتلمه: نکته‌گیری «واژه‌نامهٔ ایران‌باستان» ودستورزبان اوستا ، چنانکه شاگرد بارتلمه در «کتاب مقدماتی برای اوستا» شرح داده بود آغاز شد . ازآن سو باصطلاح «مکتب مونیخ» توسط‌کارل‌هوفمان وشاگردش ه.هومباخ ازیك سو ومن ازطرف دیگر بترجمه وبرگرداندن‌گاهان بزبان آلمانی ادامه‌دادیم.

همین کار ترجمه‌که با محدودیت وسائل‌آنروزی‌صورت گرفت‌باکمال وضوح گرفتاری دور و تسلسل را آشکار ساخت : اگر انسان واژه‌نامهٔ بارتلمه را مورد استفاده‌قرارمیداد ناچار میشد همان قواعد ودستوری راکه او وضع‌کرده بود بپذیرد در صورتیکه از طرف دیگر ژرف‌بینی بارتلمه وترجمه دقیق وی ازگاهان موجب‌شك وتردید فراوانی دردرستی این ترجمه‌ها شده بود پس با این ترتیب یك ایران شناس میبایست این کار را دوباره از آنجا آغاز میکردکه یکروز م .هاوگ آنجا متوقف شده بود ، یعنی نه‌بدنبال بارتلمه‌بلکه همگام بااو واژه‌ها ومعانی آنهارا بایست درگاهان بررسی‌کرد. البته برای‌کمك واطمینان ازنتیجه کار میتوانست یا ممکن بود از آثار بارتلمه استفاده‌کرد.

بدینگونه روش کار هومباخ بوجود آمدکه سرانجام در سال ۱۹۵۹ گزارش تازه‌ای ازگاهان زرتشت‌که حاصل پژوهشهای‌گوناگون او بود بخوانندگان عرضه شد . (نخست، در آغاز جوانی ، وی میپنداشت‌که ترجمه‌گاهان را دریکسال میتواند بسرآرد، ولی این کار به‌۹ سال‌کشید) . اینست روش کار او وهمچنین روش‌کار من ، جز اینکه من‌پرگمانتر وبا احتیاط بیشترپیش میروم و تاکنون چند نمونهٔ اندك بصورت آزمایش ازاین‌ترجمه‌ها منتشر کرده‌ام‌که‌بیشتر آنها درکارپایان نامهٔ آقای دکترسیف‌الدین‌نجم‌آبادی‌که زیرعنوان «جهان دیگر نزد زردشت ـ توبینگن۱۹۵۶» نقل شده است.

بقیه در صفحه۵۳

گزارشی از برگزاری جشن زایش اشو زرتشت

ششم فروردین بنا بسنت دیرین که بمناسبت زایش اشوزرتشت وبرگزیده شدن آن پیامبر بزرگ بپیامبری روزی بزرگ وبلندپایه دانسته شده و از دیرزمان آئینهای دینی وجشنهای شادی‌افزا بر پامیگردد و حتی این روز را نوروز شاهنشاهی و نوروز بزرگ خوانده‌اند .

خوشبختانه زرتشتیان ایران وجهان نیز درحال حاضر در اینروز جشنهای شایسته وآئینهای بایسته دینی برپا میدارند وبشادی ونیایش میپردازند .

برابر گزارشهای‌رسیده درتمام شهرستانها ودهات‌زرتشتی‌نشین یزد - اهواز-شیراز کرمان - اصفهان - یزد و زاهدان مجالس جشن و آئینهای مذهبی بر پا گشته وضمن نیایش خوانی باسخنرانیهای سودمند شنوندگان را ارشاد نموده‌اند.



صحنه‌ای از برنامه موسیقی جوانان سازمان فروهر

در تهران از طرف انجمن زرتشتیان از ساعت چهار بعد از نیم‌ـروز جمعه ششم فروردین در تالار خسروی مراسم نیایش‌خوانی وسدره‌پوشی بر پاگردید که در آن گروهی ازهمکیشان شرکت‌جستند و ازسخنرانی سودمند موبد دانشمند آقای‌رستم شهزادی‌استفاده نمودند .

سازمان فره‌وهر جوانان زرتشتی نیز سه‌شب متوالی (۷و۶و۵) فروردین در تالار دبستان گیو بابرنامه‌های سرگرم‌کننده وآبرومند جشن برپا داشتند که هر شب متجاوز از پانصدنفردرآن‌حضور یافته وبااستفاده‌ازسخنرانی‌ومشاهده برنامه‌های هنری و نمایش‌تاریخی





وکمدی ـ برگذارکنندگان وگردانندگان آنرا تشویق وتجلیل مینمودند .

پس ازبیان خیر مقدس وگزارش مختصری ازکوششهای سازمان توسط آقای خسرو باستانی موبد دانشمند آقای فیروز آذرگشسب در شبهای پنجم و هفتم سخنرانی جالبی ایراد نمودندکه از هرجهت آموزنده بود .

فرزانه دانشمند آقای دکتر بوذرجمهر مهر نیز به میمنت چنین روز بزرگ در شب ششم با بیانات دل‌انگیز ومطالبی گلچین از اوستاد وچکامه‌هائی ازشعرا شنوندگان‌را مستفیض نمودند.

آقای محمودی بختیاری نیز باسخنان آتشین وچکامه‌ای شورانگیزکه خود سروده بودند حضار راسخت تحت تأثیر بیانات خودقراردادند .

برنامه‌های موسیقی وهنری جوانان نیز جالب بود . نمایش بیژن ومنیژه اقتباس‌از شاهنامه بابهترین وجهی بروی صحنه آورده بودند در این نمایش تمام هنرپیشگان اززن ومرد نقش خود رابااستادی ایفانمودندکه از هرجهت سزاوار ستایش است .

نمایش کمدی قهوه‌خانه مشهدی صفر نیز برای بینندگان بشاشت خاطری ایجاد نمود. زحمات هیئت مدیره سازمان فره‌وهر و جوانان باذوق وکوشای ما درخورتحسین وتقدیر است و امیدواریم این سازمان‌که در انجام وظیفه اجتماعی‌خود شاهد موفقیت‌بوده درآینده نیز درانجام برنامه‌های خودکامروا باشند .

بقیه سپاس و نیایش

آرزومندیم‌که نیکانرا پاداش نیك بخشند وبدان را بکیفر بد خود رسانند ـ فریب دهندگان وکژمنشان را نابود سازند.

پروردگارا زندگی شاهنشاه مارا درازدار . برآرمانشان کامروا فرما .

پادشاه ما را دوست‌دار نیکوکاران و دشمن بدکاران ساز . باشد که نیك‌نـامیشان جاودان‌گردد .

خداوندا از توخواستاریم‌که بهترین زندگانی وشادکامی بانیروی پاکی وراستی و پارسائی بشاهنشاه ارزانی‌گردد ـ پروردگارا ازتو خواهانیم که آرزوی ما را برآورده فرمائی . ایدون باد ایدون‌تراج باد.

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل‌کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع‌دهندتا مجله بآدرس‌جدیدآنهافرستاده‌شود

سخنرانی دانشمند جوان آقای محمودی بختیاری درجشن زایش اشوزرتشت

بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
شما را در جهان هرروز جشنی باد ونوروزی

ازاینکه مجالی یافتم تا دراین روزخجسته باشما سخنی بگویم وشادباشهای قلبی خود راپیشکشتان کنم خوشوقت و سرافرازم وبدینوسیله نوروزآرنك فروغمند فرهنك ایران‌زمین و یادگار ورجاوند نیاکان هنرآفرین رابشما عزیزانم شادباش میگویم . و آرزودارم که سال نورا باخوشی و شادمانی بسر برید . برای ما ایرانیان وجودجشنهائی چون نوروز که مانند دیگر سنتهای ملی دارای فلسفه شگرف انسانی است درخوراهمیت است فرهنك هرملتی رابـاید ازروی سنتها و شیوه‌های زندگی آن ملت شناخت . جشن ملی وعید رسمی ایرانیان نوروز است بررسی اندکی پیرامون همین جشن هرآدم روشن‌بین را در برابر شکوه و ژرفای فرهنك ایرانی بکرنش وامیدارد. ازروزگاران دیرین ملت ایران بشناخت کیهان وپیوندزمین وآسمان توجه داشت. وآنگاه که خورشید ازشاخ گاو به شاخ بره میگراید (ازبرج ثور به برج حمل میرود) و اندازه روزوشب برابرمیگردد و هواملایم‌میشود وخورشید باوج خود میرسد سال‌نو ایرانیان آغازمیشده دراین هنگام نقاب خاك از چهره گلها و گیاهان برافکنده میگردد و طبیعت جوانی وزیبائی ودلفریبی خود را ازسرمیگیرد برای ماایرانیان نوروز وآغازبهار دوجشن است یکی آغازسال‌نو وزیبائی طبیعت ودیگری پیدایش شخصی ارجمند که جهان مردمی باو میبالد و از فرای روشنش اندیشه و خرد بجهان سایه‌افکن گشت . زرتشت وخشوربزرك آریان و پیام‌آور خردمند ایران نمودار انسان‌کامل و اندیشمند بودآیین‌فرخنده‌اش برپایه منش وگفتار وکردارنیك استوار است. وآدمی از فروغ اندیشه‌اش براهریمن تیرگی و اندوه وویرانی چیره گشت . و از آنجاکه آدمی گرامی‌ترین موجود است و هستی بوجود اووابسته است وبکمك اندیشه و خرد هر دشواری راآسان‌ساخته وهرناچیزراچیز کرده و درخورستایش ونیایش میباشدناچارزرتشت که نمونه کامل این موجود است ستایش را درخور است و نیایش را سزاوار است . من در اینجا چکامه‌ای که بهمین‌مناسبت ساخته‌ام تاآنجاکه حافظه‌یاری کند دروصف او میخوانم .

ای افسر بهاره ای مـاه فـرودین
ای روشنی‌فزا ، ای شادی‌آفـرین
ای از توروزگار فرخنده‌چون‌بهار
وی از تو زندگی شیرین ودلنشین
هنگام دلکشت زاد و پدیـدگشت
وخشور سرفـراز آیین راستین
خرم شدی از آنك خندید بررخت
زرتشت نامـدار وخشور بافـرین
زرتشت نامـدار آن‌کز فـروغ او
گسترده گشت مهرافسرده گشت‌کین
از رای روشنش شد راستی پدیـد
و از فـر بهمنش شد بـارور زمین

***

ای فام تو روان همدوش با زمـان
وی مهرتو بجان چون‌نقش برنگین
شد از تو مرز جـم زیباتر از ارم
شد سنك چون‌گهر شد زهرانگین
مهراست وکینه‌است بازیگران دهر
شد فربه از توآن شد لاغراز‌تواین
ای روز زایشت جشن جهـانیان
وی رای روشنت‌بنیـان داد و دین
تا دیده برجهان بگشودی از نهان
بد خنده‌ـات روان از لعل شکرین
با دانش و خرد همزاد و همدمی
بالـد بتو همان نـازد بتو همین
هنگام زایشت نـاهید بـر سپهر
بیرون‌کند برقص دستی ز آستین
ایران چو مینوان ما ناد جاودان
سرسبزباد و خوش هربام وهرپسین
کش رهبرآمدی از سوی اورمزد
کش زیور آمـدی از فـر آبتین

بی‌شك ارزش ملتها بستگی بچهره‌های درخشان مردان خـردمند و انـدیشمند آن دارد. وآن‌فرهنگی سروری‌وبرتری داردکه پی‌گیروبی‌دنبال شودوگسست‌درهرزمان ودوره ازاین چهره‌های درخشان ببیند فرهنگهایی‌که تنها یك دوره درخشان دارند. نمیتوانند استوار بخودبوده باشد وبی‌شك ازسرچشمه دیگری سیرآب‌گشته اما فرهنك ایران زمین تاآنجاکه سند داریم ازروزگـار زرتشت تـاکنون خالـی ازاین‌چهره‌های درخشان نبوده است و درهرروزگاری یکی ازاین اختران تابناك درخشیده است . فـردوسی ـ خیام ـ حافظ نمونه‌های‌آن میباشند . و سنتهای بجامانده‌گواه ریشه‌داری و پرمایگی این فرهنك است . اما دراین جشن نمی‌خواهم بسخنرانی بپردازم و دراین زمینه سخن بگویم . تنها میخواهم شما رابازیبائی‌های بهار وارزش‌این‌فرهنك نامدار و سنتهای ریشه‌دارآن‌آشناسازم ایرانی هرچه را ستوده ستودنی‌بوده است. و هرچه رانکوهیده زشت ونازیبا بوده است .

من بامداد روز پنجم فرودین‌که بتهران‌رسیدم . بردامنه سپهر وستیغ‌البرزتابش‌خورشید نگریستم‌آشوبی درخود پدیداردیدم‌ودلباخته این همه زیبائی‌گشتم بربام‌برآمدم ،خورشید ازپشت‌کوه بالامیآمد و پرتوهای‌زرین و دلفریب خود را برتیغه برف‌آلود وسرافرازالبرز

میپاشیدآنچنان باشکوه وورجاوند بود که بی‌اختیار دربرابرش‌زانوزدم‌ونیایشش کردم‌وبیاد چکامه بهار افتادم که فرمود :

صبحست‌وگلان‌دیده گمارند بخورشید چون‌پیش بت‌نوش‌لبی‌شیفته‌یی چند

باخود گفتم‌پس:

ما نیز نیایش برخورشید گزاریم خوشا که نیایش برخورشیدگزارند
آنگه‌که برون‌آید و از اوج بتابد آنگاه‌که پنهان شود اندرپس الوند

این دورنمای زیبا را بفال نیك گرفتم و ضمن نیایش خورشید گفتم.

آباد شود بار دگر کشور دارا وآراسته‌گردند و به‌اندام‌وخوشایند
آن طاق که‌شدساخته‌درساحل دجله وآن‌کاخ که‌شدسوخته دردامن سیوند
هرشهرشود کشوروهرقریه شودشهر هرسنك‌شود گوهر و هر زهرشودقند
دیگردر غلطان‌رسدازخطه بحرین دیگر زررویان رسد ازکوه سگاوند
باردگر افتد بسر این‌قوم کهن را آن‌فخر کزاجدادقدیم‌است پس‌افکند
آن دیوکجاکارش پیوسته دروغست از مرزکیان برگسلد بویه وپیوند

من این سال‌نورا با اینهمه زیبائی و دلفریبی که درپیشانی دارد و یقین دارم بدینستان زیبا و پر بار وخرم دنبال خواهد شد سال به‌روزی وپیروزی‌وشادکامی وخوشی برای ملت ایران میدانم و میخواهم. دراین‌سال‌آرزودارم که فره‌ایزدی یارمند و طبیعت دلپسند درشادمانی ونعمت رابروی مردم ایران بگشاید ونیروی‌تلاش وکوشش‌آنان را بیفزاید تا براهرمن سستی وتبهکاری وتنبلی وبیماری چیره گردند و بدانسانکه‌دودمانهای ایرانی هنگام فرارسیدن نوروزخانه‌تکانی میکنند وگردهای‌سال‌کهنه را ازچهره‌خانه‌ومانه خودمیزدایندا‌ین‌مردم‌رنجدیده وستمکشیده وبیگانه زده رابخودآردتاگردانده وسستی را ازخود دورکنند وبانیرویی شگرف ودلی شاد واندیشه‌یی‌آماده وروشن راه سرافرازی و آزادگی راپیش‌گیرند . برای‌اینکه سخن خود راباخوشی بانجام‌برسانم ناگزیرم که مانند همیشه باسخن‌آسمانی حافظ که ازجان و خرد بنیادگرفته گفتارم را خوش فرجام سازم. این‌غزل راکه کوئی گزارشی‌ازیك بندکاهان مینویست وآهنك جان ودل من است در نظر آورده‌ام . پس توای دوست من:

بیاتاگل برافشانیم و می‌درساغراندازیم بساط کهنه برچینیم‌وطرحی‌نو دراندازیم
شراب‌ارغوانی‌راگلاب اندرقدح ریزیم نسیم‌عطر گردان‌راشکردرمجمراندازیم

بقیه درصفحه ۳۵

از : حبیب‌الله آموزگار

یزدان - اهریمن - زروان - روزگار

مدیر محترم مجلهٔ سودمند «هوخت» مقالهٔ بسیار آموزنده و تاریخی آقـای موبد رستم شهزادی که بمناسبت روزدرگذشت اشوزرتشت سخنرانی کرده‌اند درشمارهٔ ۱۲ سال ٤۳ بدقت مطالعه و استفـاده تاریخی کردم - چون نگارنده بآثار تاریخی میهن عـزیز (مانند دیگر میهن دوستان وحقشناسان) علاقه زیاد دارم این است که گاه گاهی بمناسبتی مزاحم شده وچندکلمه‌ای درستونهای مجله مینگارم اینك چندکلمه :

۱ - درقسمت زروانیان که موبد دانشمند باآن بیان شیوا ومستدل‌شرح داده‌اند اگر بجای (زمان) در ترجمه یا تفسیر (زروان) کلمه (روزگار) بود شاید مناسبتر می بود زیرا روزگار اعم از زمان وغیرزمان است - خاصه‌که نویسنده محترم باستناد آیات قرآن و حـدیث کلمه (دهر) بعنوان ترجمهٔ عربی آن نوشته‌اند و درست وبجاهم نوشته‌اند زیرا معنی تمام کامل(دهر) روزگار است !

۲ - درذکر حدیث منسوب به‌پیغمبر اسلام ، ظاهراً اهل حدیث! لاتسبوالدهر فانه هوالله است نه (فان‌الله هوالدهر) زیرا بمعنی اول ، دهر خدا است و این‌بدان معنی‌است که طبیعت وروزگار وبالاخره هرچه هست ونیست خدا است واین معنی بـاعرفان‌وحقیقت خداشناسی واینکه نیست خدائی جزاو وهرچه هست‌او است بهتر وفق میدهد - ولی بمعنی دوم علاوه برآنکه برخلاف ظاهر حدیث است ، روزگار راشناسانندهٔ خدامی‌داند نه‌خدا راشناسا ننده وآفرینندهٔ روزگار !!

چون سخنران محترم احاطه برکتابهای مربوط بآئین زرتشتی و یکتا شناسی دارند - اگر لطفاً توضیح دهندکه کلمه (یزدان) کـه بعضی جمع (ایزد) میدانندکه در استعمال الف حذف شده و بعضی مشتق از (مزدا) می دانند - ازچه وقت ودرچه وقت و در چه مورد درآئین‌زرتشتی استعمال‌شده وبمعنی (سپنتامینو) آمده ، چون در تمام تعبیرهای مقالات‌این مجله‌راجع

به فرشتهٔ نیکی وبدی یا نور وظلمت همه جا دربرابر (اهریمن) اهورامزدا نوشته شده در صورتیکه اهورامزدا خدای یگانه است وفوق همه وخارج از ردیف مخلوقات است .

۴ ـ درصورتیکه (یزدان) در اصل جمع (ایزد) بوده اساساً کلمهٔ (ایزد) کی وکجا بمعنی (سپنتامینو) استعمال شده درصورتیکه تاکنون آنچه درکتابهای نظم‌ونثر فارسی‌دیده شده‌کلمهٔ (ایزد) برای خداوند و بمعنی (اهورامزدا) استعمال‌کرده‌اند ؟چنانکه کلمهٔ (ایزد متعال) از بهترین تعبیر ادبی برای نام‌خداوند شناخته است.

در هرصورت هرگاه معنی اصلی این دوکلمه (یزدان ـ ایزد) ومحل استعمال‌آن‌در کتابهای دینی زرتشت روشن‌گردد و دربرابرکلمهٔ اهریمن‌که تاکنون کلمه (یزدان) بکار برده‌اند درست و بجا باشد دراین‌صورت دربرابر اهریمن (که انگره مینو یعنی آفریده ذات بد است) نباید اهورمزداکه آفرینندهٔ همه نیک‌ها و بدها است بکار برد بلکه همان جملهٔ متداول (یزدان واهریمن) بایدگفت ونوشت بویژه اگر فلسفه و شأن آنهـم بهتر معلوم‌گردد .

در خاتمه از اینکه‌گاه‌گاهی چند سطری جای آن مجله سودمند رامی‌گیرم پوزش می‌خواهم چون منظورم بهتر روشن شدن اذهان و افکار عامه نسبت بنامهای مقدس‌خداوند یکتا وفرشتگان مقرب ومقدس او ونامهای نامبارك شیطان ودیوان وبدکاران است تابرای جویندگان راه حقیقت چراغی فراراه باشد و درزبان پاك ومقدس فارسی آن‌کلمات بجا و بمورد استعمال شود.

هوخت ـ چنانچه در مقاله‌ای اهورامزدا برابر اهریمن قرار داده شده باشند ناشی از اشتباه بوده حال آنکه‌ازطرف نویسندگان این مجله برای‌رفع این اشتباه‌مقالات مفصلی انتشار داده وابهام آن روشن‌گشته است اما بامطالعه دقیقی‌که شده است حتی‌اکلمه یزدان‌که بمعنای ستایش سزایان (یانیکان) است در برابر اهریمن قرار دادن هم درست نیست بلکه در برابر واژه اهریمن‌که بمعنی بداندیشی است واژهٔ وهومن که نیك اندیشی معنی میدهد شایسته است .

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

اعطای عنوان دکترای افتخاری دانشگاه رم بجناب آقای شجاع‌الدین شفا



جناب آقای شجاع‌الدین شفا رایزن فرهنگی دربار معظم شاهنشاهی که از چهره‌های درخشان واز خدمتگذاران فرهنگی وانتشاراتی این کشور بشمار می‌آید مقرر است دانشگاه بزرگ ومشهور رم عنوان دکترای افتخاری ادبیات را به معزی‌الیه اهدا نماید.

آنان که به ابتکارات وخدمات فرهنگی و مشاغل مختلف اجتماعی آقای شفا آشنائی دارند تصمیم دانشگاه رم رایك امر شایسته وقدردانی بموردی میدانند.

ازین جهت ضمن ستایش از اقدام بموقع دانشگاه رم این موفقیت را بآقای شفا شادباش میگوئیم.

خلاصه‌ای از یك نامه

نامه‌ای از آقای جهانگیر شاهد که درخلال آن معرف نویسنده‌ای بااحساسات است بدفتر مجله رسیده که در ضمن خورده گیری از بیعلاقگی افراد اجتماع پیشنهاداتی هم داده اند .

مثلا نوشته‌اندکه چرا در جلسات سخنرانی‌ها نباید بیش از ۸۰ تاصدنفر حضوریابند یا آنکه چرا انجمن زرتشتیان وسازمان فروهر بر علیه برخی نشریه‌های زیان‌آور به ـ مبارزه نمی‌پردازند و اگر جز این باشد چه نیازی باین تشکیلات است و ضمناً در تحت پنج ماده پیشنهاداتی داده‌اندکه بیشتر بشعار شبیه است تایك پیشنهاد .»

ماده اول چنین است :اجتماع بیشتر برای تمرکز افکار مختلف و ریختن صوتهای حرف‌مانند درمیدان . ماده بعدی راجع بتبلیغ بیشتر است اما نه تبلیغ‌دینی . ماده‌سوم ـ بثمر رسانیدن پیشنهادات افراد. ماده چهارم شوق بیشتر برای راه بهتر وبالاخره درماده پنجم نوشته‌اند زنده باشیم زنده دینی و اجتماعی و آنگاه خواهران و برادران خود را اندرز داده‌اندکه سستی و بیعلاقگی رابدور کرده برای زیست بهتر وهمبستگی هر چه‌بیشتر بکوشند .

هوخت ـ آقای شاهد چنانچه بجلسات‌سخنرانی‌های معمولی‌سازمانهای‌دیگرهم سری بزنند خواهند دیدکه آنجاها هم عده‌ای بیش ازپنجاه نفر نیستند ـ راجع بمبارزه بانشریه‌های زیان‌آور طرق مختلف دارد بخصوص هنگامیکه مقررات خاصی وجود ندارد یعنی‌آنگاه‌که مبارزه مستقیم میسرنباشد مصلحت آنست‌که ازطریق غیر مستقیم وباانتشارات سودمند بمقابله برخاست آنچنانکه تابحال هم شده است.

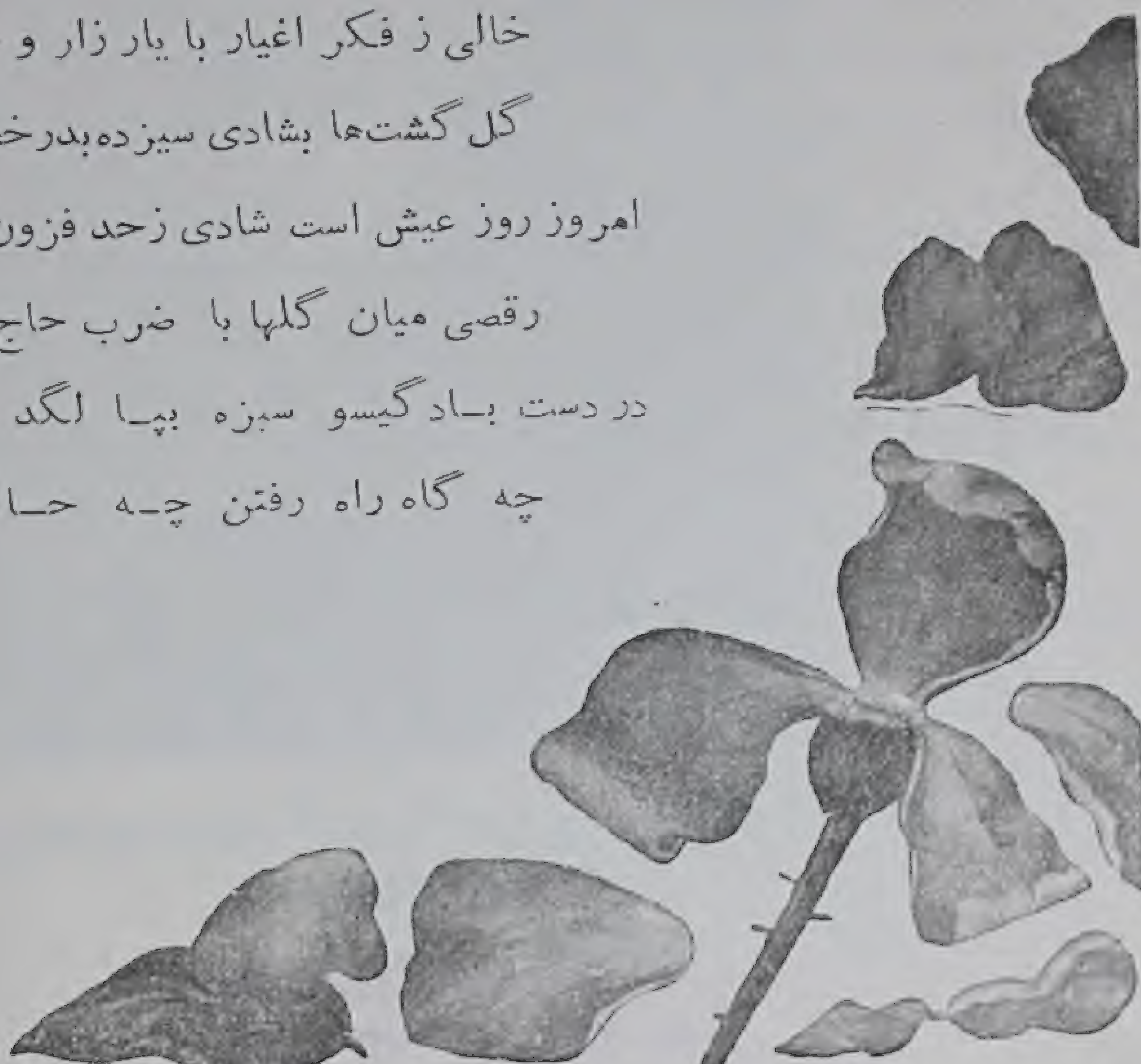
از : گودرز فرامرزی

سیزده بدر

سیزده بدر کن امروز ای سرو ناز رسته — سیزده ندارد عیبی ما کرده‌ایم گجسته
بر طرف باغ و صحرا هر جا که سبزه بسته — آهنگ آنمحل کن باساك و بار بسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی سیزده بدر خجسته

ای بیوفا جفا جو امروز را صفا کن — ما را بگوشه دنجی از بندغم رها کن
گاهی گره بسبزه گاهی ززلف وا کن — گاهی نمك پرانی از آن دولعل پسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی سیزده بدر خجسته

امروز روز عیش است شادی زحد فزون کن
رقصی میان گلها با ضرب حاج صمد کن
در دست باد گیسو سبزه بپا لگد کن
چه گاه راه رفتن چه حالت نشسته



خالی زفکر اغیار با یار
زار و خسته
گل گشت ها بشادی
سیزده‌بدر خجسته

در زیر ارغوان جامی زان جام ارغوانی
لبریز ساغرم ده چندانکه میتوانی
وز لعل ارغوانت آهنگ خسروانی
گاهی درارغنون چنگ یاد ازدل شکسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی‌سیزده بدرخجسته
در آن میانه گودرز گر میکند تقاضا
راك اندرول یار است از می فقط تماشا
هر چه ز دوست اصرار ما در مقام حاشا
چون دور دور ما شد مینای می شکسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی‌سیزده‌بدر خجسته

بقیه سخنرانی محمودی بختیاری

چو دردست است رودی خوش‌بزن مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سراندازیم
بهشت عدن اگرخواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خمت یکسر بحوض کوثر اندازیم
اگر غم لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازیم
پاینده ایران

ترجمه : دکتر فرهاد آبادانی

چند اندرز از پیشینیان

« متنی که ترجمهٔ آن درزیر بنظر خوانندگان ارجمند میرسد نمونهٔ
« دیگری از ادبیات پهلوی است که متضمن انـدرزی چند است و
« امید است که اینگونه ترجمه‌ها توجه جوانان مارا بسوی ادبیات
« ایران باستان که منبعی سرشار است جلب نماید وآنچه خوددارند
« از دیگران تمنا ننمایند . بگمان مترجم این بهترین هدیه‌ایست
« که میتواند در این سال نو بهم‌میهنان خود تقدیم کند. باشد که
« قبول افتد .

اینك ترجمهٔ اندرزها :

بنام یزدان

- بدرد است (آن) که خرد ندارد .
- رنجور است (آن) که زن ندارد .
- بی نام است (آن) که فرزند ندارد.
- بی ارزش است (آنکه) خواسته ندارد.
- از این همه او بدتر (است) کـه روان

فرجامید (= انجام یافت)

***

بنام یزدان

- دانائی را تای (= مثل و مانند وهمتا) نیست .
- رشک را نام نیست .
- گیتی را پایش (= پایندگی و دوام) نیست .
- جوانی را نازش (= بالیدن و مغرور بودن) نیست .
- خواسته (= مال وثروت) را برزش (= قدر وقیمت) نیست .
- زنگی را رامش (= آرامش) نیست.
- زروان (= پیری) رادرمان(=چاره) نیست.
- مرگ را چاره نیست .
- زنان را خرد نیست .
- خدای را انباز (= شریك) نیست.
- واز همه او بدتر که بمیرد وخدای ازاو خوشنود نیست وهرکه خدای از اوخوشنودنیست او را اندر بهشت بامی (= روشن) جای نیست.

فرجامید (= پایان یافت) بدرود وشادی و رامش .

اخبار ماه

از قصر همایونی	شماره قبض	تاریخ اصل	تاریخ وصول
به ط	۱۱۵٤	۲٦	۱/۲٦

باسخ ۱۲۰ - ٤٤/۱/۲٤

آقای رستم گیو سناتور

تلگراف تبریکی که بشکرانه سلامت ذات مقدس ملوکانه مخابره نموده بودید موجب مسرت وخرسندی خاطر خطیر شاهانه گردید .

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ هیراد

پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه عظیم الشأن ایران

شاهنشاها خدای بزرگ را سپاس وشکرگزاریم که عنایت و رحمتش همیشه شامل اعلیحضرت همایون شاهنشاه پدر تاجدار بوده و شهریار والاتبار و محبوب عزیز ما را را همواره در کنف حمایت و عنایت خود حفظ میفرمایند . از اینرو با اظهار انزجار و نفرت ازسوء قصد خائنانه عنصری پلید وناپاك ، پایندگی ذات اقدس شاهنشاه راازیزدان پاك درخواست دارد.

ازسوی انجمن زرتشتیان
بنمایندگی جماعت زرتشتیان ایران
چاکر جان‌نثار ـ سناتور رستم گیو

تهران

زناشوئی

۱ ـ آقای شاهرخ سروشیانی فرزند آقای سهراب بادوشیزه مهرانگیز سروشیان دخت آقای اسکندر در ٤٤/۱/۸

۲ ـ آقای داریوش دانشفر فرزند آقای رستم بادوشیزه مهین بانوکاوسی دخت آقای مهربان در ٤٤/۱/۹

۳ ـ آقای منوچهر نمیریان فرزند آقای

پرویز بادوشیزه دولت سلامتی دخت آقای خداداد در ۱۵/۱/٤٤

درگذشت

۱ ـ روانشاد مروارید نوشیروان منکچیان شریف آباد در ۲٦/۱۲/٤۳

۲ ـ روانشاد سهراب دینیارخانی زاده در ۲/۱/٤٤

۳ ـ روانشاد دولت خدابخش کاوسی در ۱٤/۱/٤٤

٤ ـ روانشاد اردشیر رستم فروهر در ۲۲/۱/٤٤ از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد باد .

سدره پوشی

۱ ـ آقای شهریار اردشیر خورسند در ٦/۱/٤٤ از طرف انجمن زرتشتیان تهران در تالار جشنگاه خسروی

۲ ـ آقای سهراب کیخسرو زائری در ٦/۱/٤٤ از طرف انجمن زرتشتیان تهران در تالار جشنگاه خسروی.

۳ ـ دوشیزه مهربانو بهرام پوروشسب در ۲۰/۱/٤٤ ازطرف خودشان درمنزل

٤ ـ دوشیزه پریزاد بهرام پوروشسب در ۲۰/۱/٤٤ ازطرف خودشان درمنزل

٥ ـ آقای اردشیر بهرام پوروشسب در ۲۰/۱/٤٤ ازطرف خودشان در منزل

دهش خیراندیشان

آقای بهرام کاوسی شریف آبادی بنامگانه روانشاد دولت خدابخش کاوسی شریف آبادی مادر گرامیشان برای مصرف خیریه ۲۵۰۰ ریال

دهش خیراندیشان اثاثیه

آقای مرزبان رستم فرخنده بنامگانه بانو اسفندیار مادرگرامیشان نیاز شاهورهرام ایزد چراغ نقره یکدانه.

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ آقای ارباب مهربان منشنی	۱۰۰۰ ریال
۲ ـ » سروش فروهر	۵۰۰ »
۳ ـ » پولادیان	۲۰۰ »
٤ ـ » دکتر دینیاری	۱۰۰ »
٥ ـ بانو همایون اورمزدی	۵۰ »

شاهورهرام ایزد

۱ ـ آقای دکترفرین	۵۰۰ ریال
۲ ـ » مهندس بهمن اورمزدی	۲۰۰ »
۳ ـ » خدایار اشوجهانیان	۱۵۰ »
٤ ـ » رستم آذرگشسب	۱۵۰ »
٥ ـ » رستم فولادی	۱٤۰ »
٦ ـ » برادران کیفر	۱۰۰ »
۷ ـ آقایان ـ مهربان مهربانی ـ اسفندیار مهربان ـ شاهبهرام جهانیان	۱۵۰ »
جمع	۱۳۹۰ »

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای شاهرخ سروشیانی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای داریوش دانشفر بابت گواه گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال

۳ - آقای منوچهر نمیریان بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال .

جمع ۵۵۰۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱ - وراث روانشاد مروارید نوشیروان منکچیان ۲۰۰ ریال

۲ - وراث روانشاد سهراب خانی زاده ۱۰۰ ریال

۳ - وراث روانشاد اردشیر فروهر ۵۰۰ ریال

جمع ۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۶۵۱ نفر
« دندانپزشکی	۲۲۵ «
« آزمایشگاه	۷۵ «
« داروخانه	۵۳۱ «
« تزریقات وپانسمان	٤۹۶ «
« دیاترامی گذاشته شده	۸ «
« بخورپنیسیلین	۱۰ «
جمع	۱۹۹۶ «

اخبار شهرستانها

یزد

از : آقای نسیمی

دهش خیراندیشان

درماه اسفند ۴۳ ورثه روانشاد ارباب جمشید یگانگی بمناسبت سرسال آنروانشاد مبلغ ۱۰۰۰۰ ببودجه انجمن زرتشتیان یزد کمك نمودند.

درماه اسفند ٤۳ ارباب رستم برزو سروری مبلغ ۱۰۰۰ ریال ببودجه انجمن زرتشتیان یزد کمك نمودند

روز ۲۹ر۱۲ر٤۳ بدعوت جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس شورایملی جناب آقای دکتر ضیائی نماینده محترم مجلس و بانوغذراضیائی مدیرکل وزارت آبادانی ومسکن و جناب آقای مسترهرتز مستشار سیاسی سفارت امریکا و بانو دکترهرتز برای بازدید از معبد زرتشتیان و شرکت درمراسم زرتشتیان درتحویل نوروز جمشیدی و دیدار اززرتشتیان وارد یزد شدندو پس از بازدید ازمعبد زرتشتیان وسازمان جوانان زرتشتی یزد وچم یکی ازدهات زرتشتی نشین یزد بمنزل ارباب فریدون کیانیان رئیس انجمن زرتشتیان یزد برای صرف شام وشرکت در مراسم خانوادگی تحویل سال نو آمدند موضوعیکه بیش ازهمه دراین مراسم جلب توجه کرد این بود که بزرك خانواده (بانوسیمین خسروشاهجهان) در آغازسال (طبق مرسوم تمام خانوده‌های زرتشتی) کتاب اوستارا بوسید وآنرا بازکرد و باخواندن بخشی ازاوستا برای کشور ایران وشاهنشاه ایران و مردم ایران و خاندان و فرزندان و پیوندان

خود دعا کرده دیرزیوشنی وتندرستی و کامروائی و فروجاه همه را ازاهورامزدا خواستارشد .

روزششم فروردین ٤٤ یکساعت و نیم پیش از نیمروز جناب سرهنگ یزدانفر رئیس محترم شهربانی یزد باتفاق برادرشان جناب آقای یـزدان بخش مدیر روزنامه پیك ایران وهمراهان ازمعبدزرتشتیان بازدید نمودند - این بازدید تاساعت یازده وربع بطول انجامید .

جشن زایش اشوزرتشت

روزخورداد و فروردین ماه ٤٤ بمناسبت سالروز زایش حضرت زرتشت ازساعت ٥ر٤ تـا هشت بعدازنیمروز بوسیله سازمان جوانان زرتشتی یزد مجلس جشن باشکوهی درحضور جمعیت کثیری اززرتشتیان یزدودهات درسـالن آموزشگاه دخترانه مـارکار برگذارشد برنامه جشن عبارت بوداز

۱ـ سرودشاهنشاهی

۲- خیرمقدم بوسیله نسیمی رئیس سازمان جوانان زرتشتی

۳- پیش‌پرده رمال باشی بـوسیله اردشیر نوایزدان .

٤- برنامه کلاس دینی بـوسیله سازمـان دوشیزگان زرتشتی

٥ - تصنیف بوسیله خدایارنمیرانیان

٦ - پیش پرده زن ومرد بـوسیله سیروس مرادیان ـ شاهپوردینیاریان

۷- ارکستر بـوسیله روح بخش - محمـد قاسمی - هرمزدی - مهندس سیروس دیانت(مدیر باشگاه ورزش)

۸ - رقص تویست بوسیله مهندس دهموبد و اردشیر بختیاری - اردشیرخورشیدیان

۹-آوازدردستگاه سه‌گاه بوسیله خدایـار نمیرانیان

۱۰ - پیش پرده عیدآمد بوسیله داریـوش بختیاری

۱۱- تصنیف بوسیله خدایارنمیرانیان

۱۲- سخنرانی بوسیله شهریار خدایاری معاون سازمان جوانان زرتشتی

۱۳- یك‌پرده نمایش (حق نظارت) بکارگردانی وزیری وشرکت بهمردی - دمهری - خورشیدیان - هرمزدی -

۱٤- سرود شاهنشاهی .

فیلمبرداری از مراسم زرتشتیان

روزهشتم فروردین ٤٤ هیئت فیلمبرداری آلمانی برای تلویزیونهای آلمان وفرانسه‌وایران بریاست آقای‌شیفر با حضورآقای بینانماینده‌محترم وزارت اطلاعات برای فیلمبرداری از مراسم و اجتماعات زرتشتیـان بـانجمن زرتشتیان یـزد مراجعه نمودند وطبق اجـازه انجمن روز نهـم فروردین‌درمراسم سدره‌پوشی وبرنامه کلاس‌دینی وپذیرائی که ازطرف سازمان دوشیزگان‌زرتشتی و بخرج انجمن درسالن معبدترتیب داده‌شده‌بود شرکت کردند و از مراسم فیلمبرداری نمودند. روزدهم‌فروردین ساعت۲ بعد ازنیمروزهیئت‌مز بور یك مصاحبه هفت دقیقه‌ای باآقای نسیمی نماینده انجمن ترتیب دادند - این مصاحبه راجع بقدمت و تاریخ و اصول‌مذهب زرتشتی و خدمات عام - المنفعه زرتشتیان بشهرستان یزد بود

هیئت نامبرده اززرتشتیان قاسم‌آباد و تفت نیز فیلمبرداری کردند .

دراثراقدامات‌آقای شهریارخدایاری دبیر

انجمن زرتشتیان یزد از انشعاب لوله اصلی آب خیابان کرمان یك لوله فرعی با تشکده اختصاص داده شد و مورد استفاده میباشد.

سدره پوشی

روزماه ایزد و فروردین مـاه ۱۲ر۱ر٤٤ بمناسبت سرسال روانشاد پرویزجمشید پرویزیان آقایان داریوش بهروزی فرزند مهربان وداریوش نمیرانیان فرزند مهربان سدره پوش شدند .

کرمان

از: گودرز فرامرزی

آئین بر گذاری جشن نوروز

مطابق معمول هرسال درساعت ۷ صبح روز دوم فروردین ۱۳٤٤ درسالن دبیرستان ایرانشهر کرمان باحضور کلیه جمعیت زرتشتیان بـر گذار گردید ابتداء ازمدعوین باصرف چای و شیرین پذیرائی شدسپس نیایش اوستائی ودرود بشاهنشاه ایران توسط مؤبد فرزانه دستور رشید رستمی خوانده شدوپس ازنواختن سرودشاهنشاهی آقای نوذر مهران خطابه شادباش و تهنیت نوروزی را ایراد فرمودندآنگاه سرودجشن نوروز توام بـا ارکستردرچندپرده توسط دانش آموزان دبیرستان ایرانشهرخوانده واجرا گردیددرهمین هنگام جوائز دانش آموزان رتبه اول توسط آقای ارباب جمشید سروشیان رئیس انجمن زرتشتیان در بین کف زدنهای حاضرین توزیع گردید درپایان چندپرده نمایش جالب توجه و سرگرم کننده توسط دانش آموزان دبیرستان ایرانشهر اجرا وبسیارموردتوجه قرار گرفت .

افتتاح سالن

در روز ششم فروردین که جشن زایش اشوزرتشت ومطابق باروزخورداد ازماه فروردین بنام نوروزبزرك خوانده میشود مـراسم افتتاح



سالن جدیددرب شاه‌ورهرام ایزدکرمان ازطرف کلیه اعضاءکمیته خیریه خداداد مهرابی که بهمت عالی بانی کمیته مذکوررادمرد بزرگ «آقای خداداد مهرابی» اتمام یافته بود ازساعت ۸صبح با حضور جمعیت زرتشتیان برگذاروآئین جشن‌خوانی توسط موبدان شروع گردید وهم درهمین روز بمناسبت سرسال درگذشت شادروان رستم مهراب گرامی پدرآقایان فرزانگان ارجمند خداداد مهرابی و اردشیرفروهردرهمان سالن جدیدآفرینگان برپا بود که چند قطعه‌عکس نیز از این مراسم توسط گودرزفرامرزی گرفته شددرپایان ازکلیه‌مدعوین و باشندگان پذیرائی گرمی بعمل‌آمد این مراسم مقارن ساعت ۱۱صبح پایان‌یافت .

زناشوئی

پیوند زناشوئی‌وآغاززندگانی نوین‌آقای هرمزدکشاورزیان‌فرزند اردشیر با دوشیزه پروین سپنتا درروزپنجم فروردین ۱۳۴۴ در بم جشن گرفته شد .

ورزش و مسابقات

درمسابقات فوتبال‌کاپ کیهان که از طرف روزنامه کیهان درکرمان تشکیل‌داده شدبین تمام باشگاهها باشگاه‌آقای اردشیر همتی رتبه‌اول را حائزگردید و برنده‌کاپ کیهان شد .

هوخت ما پیروزی درخشان و سربلندی کلیه اعضا و مخصوصا سرپرستان ارجمند این باشگاه راآرزومندیم ایضا درمسابقات بالیبال پسران‌و دختران بین‌باشگاههای کرمان‌تیم‌پسران باشگاه اردشیرهمتی دوم وتیم دختران نیز رتبه دوم راحائزگردید .

پوزش

چون درشماره۱ فروردین هوخت صفحه۴۴ نام درگذشته بیژن سروش پور فرزند خدایار اشتباهی سیروس سروش‌پوردرج گردیده بدینوسیله ازخوانندگان و خصوصاً ازفامیل‌آنمرحوم پوزش میطلبیم و باردیگر شکیبائی آن فامیل جلیل را ازاین پیش‌آمد ناگواراندوهگین خواستاریم.

زایش

ماه فروردین شد و هرصحنهٔ‌گلزارشد
روز ماه‌ایزد رسید ارزانی ازدادارشد
تهنیت بادا بر این مولود مسعود شما
کاولین فرزندتان دوشیزه ایزدیار شد
هم دگربادا فراوان‌ازذکور وازاناث
طالع سعدش‌مبارك درچنین ادوار شد

اخبار انجمن زرتشتیان اصفهان

بموجب دعوت قبلی‌ازسوی‌انجمن‌زرتشتیان اصفهان همکیشان مقیم اصفهان برای شرکت در جشن فرخنده زایش اشو زرتشت پیامبر ایران باستان در محل باستان آباد اجتماع نمودند . جشن بابرنامهٔ تنظیمی برگزارگردید ومدعوین ازطرف انجمن باچای وشربت وشیرینی‌پذیرائی شدند . جشن در ساعت هشت بعد از ظهر پایان یافت .

خبری ازتفت یزد

روز ششم فروردین ٤٤ انجمن زرتشتیان

بقیه درصفحه ٥٤

از سرکار سرهنگ ۳ میر مهدی موبد
متخلص به (سرباز)

ارمغان سیزده

نحس باشد بر خدای این جهان بی‌باوری
نحس باشد گر نهی پاروی حق درداوری
نحس نبود دیدن خرگوش اندر معبری
بی زیان باشد وجودش از برای رهگذر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس آن باشد کزو آید زیان بر آدمی
نحس آن باشد کزو بنشیند اندر دل‌غمی
نحس آن باشد جلوگیری کنداز خرمی
نحس نبود مرغ اگر بانکی زندوقت‌سحر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنر ابدر

نحس باشد پیروی از مقصد بیگانگان
نحس باشد مردم آزاری همیشه در جهان
نحس باشد غفلت از دلجوئی بیچارگان
نحس نبود بر تو آهنگ شعر اندر صفر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد بهر یك آزاده یك دم بردگی
نحس باشد میوه نادانی اندر زندگی
نحس باشد بهر سر پندارها پایندگی
شرق را خمشد از این پندارها یك‌سر کمر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشدمیوه خودخواهی اندرروزگار
نحس باشد چاپلوسی پیش صاحب اقتدار
نحس باشد بر جوانان هر زمان میزقمار
نحس باشد از جوانان ناسپاسی برپدر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد گر زبردستی نهد پاروی حق
یا زخودخواهی‌شودناآگه ازنیروی حق
وای‌ازآن‌روزی که‌مظلومی کند روسوی‌حق
تیغ حق را آه مظلومان کند برنده‌تر
نحس نبود سیزده زاندیشه‌کن آنرابدر

نحس باشد گرشوی دردهرچون بانگ‌جرس
نحس باشد گر شوی هرلحظه‌پابند هوس
سعی کن درزندگی‌سودی‌رسدازتو به کس
نحس باشد مردمان راگر رسد ازتو ضرر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد زندگی را سرسری پنداشتن
سعد ونحسی بهرماه و روز باور داشتن
تخم این پندارها اندر دل خودکاشتن

دین و دانش آدمی را هست همچون بال و پر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

نحس باشد دادن فرصت ز کف در زندگی
شد خرافات آدمی را مایه شرمندگی
سروری ز آزادگی افسردگی از بردگی
پاک کن اندیشه را هر گز منه مصحف بسر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

نحس باشد ارتشا و رشوه را بانی شدن
از پی تحمیق مردم مرد روحانی شدن
مانع بیداری ایران و ایرانی شدن
نحس باشد توده را پنداری ار تو کور و کر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

بچه‌ای پا مینهد در خاندانی از عدم
گر غمی بینند میگویند باشد بد قدم
این چنین پندار اندر باره‌اش باشد ستم
زاده اندیشه و اعمال باشد خیر و شر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

آدمی را نیست شایسته بترسد از عدد
از عدد اندر جهان بهر کسی کی بد رسد ؟
بهتر آن باشد همیشه از خرد گیری مدد
کرده بر تو پیشرفت دانش اعلام خطر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

کن خرد را رهنمای خویشتن در کارها
تا به کی باید شوی آلوده پندارها
با خرد ویرانه کن شالوده پندارها
گرچه رایج گشته این پندار اندر باختر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

با خردشد آدمی در زندگانی سرفراز
با گره (بر سبزه) کی گردد گره‌های تو باز
تا توانی پیش این پندارها خود را مباز
کار کن با دانش از هر بند نادانی گذر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

بر اصول آدمیت هر زمان پابند باش
راه و رسم زندگی آموز و نیرومند باش
گر به گردش میروی آسوده و خرسند باش
بهر خوشبختی گره (بر سبزه) باشد بی‌اثر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

غرق گشتی درخرافات ازچه روتا خرخره
حاصل تو از (صفر)از (چارشنبه) دلهره
ماه در یك ماهه میچرخد بدور این کره
گردش ماه و ستاره بر تو باشد بی اثر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

گر تو میخواهی به‌روز سیزده گردش کنی
در میان دشت و صحرا شادی و ورزش کنی
روز خودرا در کنار جویباری خوش کنی
رو بکن اما مکن اندیشه را آلوده‌تر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن انرا بدر

بقیه درصفحه ۴۵

آگهی

بدینوسیله باطلاع سهامداران چاه‌ژرف مزرعه کلانتری مقیم یزد وتهران وهندوستان و سایرشهرستانها میرساند اکنون که در اثر توجه و علاقه مخصوص جناب آقای **دکتر اسفندیاریگانی نماینده محترم وفداکار مجلس شورایملی** و زحمات و همکاری بیدریغانه جناب آقای جمشیدامانت آب شیرین چاه ژرف مزرعه کلانتری جاری و شرب میگردد اینجانب همانطوریکه درآغازکار باهالی محترم‌مزرعه کلانتری عرض کردم تاروزیکه بیاری خداوندآب چاه مزرعه کلانتری جاری‌گردد کمال کمك و همراهی و مساعدت را خواهم‌نمود وپس‌از احراز موفقیت دیگر کوچکترین مسئولیتی راقبول نخواهم‌کرد . با عرض مراتب بالا امروزبسیارخوشوقت وسرافرازم که باوجود موانع زیاد با اینکه اولین چاه ژرف مزرعه‌آب‌آن تلخ و شوروغیرقابل مصرف بود وجناب‌آقای دکتریگانگی بانیت خیرخواهانه خود **چاه مزبوررا برایگان واگذار و درحفر دومین چاه اقدام فرمودند** بنده هم دراجرای نظرخیر معظم‌له ازهیچگونه خدمتی در مدت یکسال بدون چشم داشت پاداشی فروگذار نکردم تا اکنون‌که بخواست خداوند دومین چاه مزرعه حفر وازهرحیث مجهز وآب شیرین‌آن جاری است . لذا باعرض تبریك وتشکر فراوان بدینوسیله باطلاع سهامداران‌چاه مزبورمیرساند‌که بعلت کثرت مشغله ازقبول‌سمت‌مدیریت عامل شرکت معذورم وچون ازلحاظ بعد مسافت مزرعه تا شهرنمیتوانم درفروش ومصرف آب و اداره موتورنظارت نمایم لذا درمقابل شرکاء هیچگونـه مسئولیتی نخواهم داشت . بدیهی است‌آقایان شرکاء درثبت شرکت و فروش سهام آب وغیره اقدام خواهند فرمود و همواره موفقیت و خوشبختی اهالی زحمتکش مزرعه کلانتری یزد را ازدرگاه یزدان‌پاك مسئلت دارم.

شهریار خدایاری

بقیه ارمغان سیزده

با فلاکت زندگی میکرد مشتی کارگر
(سود ویژه) کرد اندرکارگر نیکو اثر
گشت از لطف شهنشه‌کارگر آسوده‌تر
نحس باشد غفلت از احوال زار کارگر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

(ارمغان سیزده) را ارمغان آورده‌ام
مغزهای خسته را قوت روان آورده‌ام
بهر آگاهاندن هم میهنان آورده‌ام
گفته سرباز را با نیکخواهی‌کن نظر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

بقیه دین و فلسفه

یکدیگر جدا و مشخص کردند . برهمنها - (روحانیان) نخستین طبقه ممتاز بودند ، دوم سپاهیان Kshatriyas سوم برزگران Vaisyas چهارم - نوکران و فرمانبران Sudras و باصطلاح امروز کشوریان ، شناخته شدند ، سه طبقه از اینها « دوباره زاد » (Twice-born) خوانده میشدند ، زیرادریك سن معین،ریسمانی بنشان رسیدن بمرتبه دومین زایش (برسم تعمید) دور کمرش بستهمیشد(مانند کشتی که در کودکی بکمر بچهزرتشتی بسته میشود و پیداست که این رسم مشترك آریان بوده) . اما برهمنها چون خودراپرتوی ازذهن آفریدگار وصاحب کتابهای ودا میدانستند ، گذشته از اینکه دوبارهزادگی شامل آنها نمیشد ، سرور همه طبقات نیز بودند. سپاهیان همواره جایگاه والایی داشتند ولی رآی زن یا وزیر راجه ، همیشه یك برهمن بود و «راجه» با راهنمائی اوکارمیکرد. برزگران گرچه دوباره زادبودند ولی سرپرستی خانواده ومراسم مذهبی آنان زیر نظر و بدست برهمن انجام میگرفت ، مبادا بادرستی بجانیاورند . طبقه نوکران بجهاتی از تورانیان تشکیل‌میافت چون آریانها آنها را ازخودرانده بودند، گرچهپست‌ترین جارا دراجتماع داشتند و فرمانبربودند ولی بنده نبودند مگر اینکه اجازه نداشتند توانگر باشند.

شاه را راجه میگفتند (در فارسی‌هم رآی بمعنی شاه آمده) او مظهر الهی شناخته میشد ودارای قدرت مطلقه بود . کشور بشهرستانهایی بخش شده ، هر شهر فرمانداری داشت و فرمانداران هرمنطقه زیر سلطه راجه بودند . بزرگترین راجهها (مهاراج) بر هزار شهر کوچك فرمان میراند. راجه درجه دوم برسد شهر ودیگری بر بیست شهر و برخی برده شهروکوچکترین آنها بریك شهرحکمران بود. چگونگی درآمد دولت -حقوق برزگران - تشکیلات دادگستری وحدود زن درقانون«مانو» روشن گردیدهاست.

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش ببانوان و آقایان گرامی که تاکنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت ننمودهاند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان با در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ٤ بدبیرخانه انجمن زرتشتیان مراجعه وکارت شناسائی دریافت فرمایند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه سخنرانی موبد شهزادی

وندر آن روز رسد روز سخن را پایان | به نگه نامه نویسند و بخوانند سرود
به نگاهی همه گویند بهم راز درون | هم بخندند و بگریند و برآرند فغان

پس در این‌صورت با اطلاع از نیروی اندیشهٔ بشر و انتقال فکر بفاصله‌های دوردست متوجه خواهیم شد که چرا در تمام مذاهب نفوذ و اثر نماز جماعت بیش از نیایشهای فردی بوده و چرا در هنگام ذکر خیر و یادبود روان درگذشتگان وطلب آمرزش آنان جماعت برپا میخیزند و یکی دودقیقه بحال سکوت بفکر و ذکر میپردازند .

٤ ـ بوسیله یك مرکز معنوی:

موبدان زرتشتی علاوه برعوامل نامبرده بالا اغلب نماز ونیایشهای خود را نیز بیك مرکز معنوی اعلا که گاهی بنام گنج دادار اورمزد یا گنج همیشه سود یا گنج مانتران معروفست گسیل میدارند تا از آن مرکز برین با نیروی مینوئی بهمهٔ جهان و جهانیان گسترده شود .

درهنگام سرایش یسنا وویسپرد موبد میسراید : این یزشنی که کردم ـ این اوستائی که یشتم ـ این میزدیکه برگذار کردم به گنج دادار اورمزد دارایومند وخروهمند برساد . دانشمند وستاره شناس معروف ایران حکیم عمر خیام راجع باین گنج اورمزد یا مخزن پروردگار میفرماید :

هرهیئت وهر نقش که شد محو کنون | در مخزن روزگار گردد مخزون
چون بازهمین وضع شود وضع فلك | از پرده غیبش آورد حق بیرون

باز درهمازور دهمان راجع باین مخزن که بنام گنج همیشه سود خوانده شده چنین میخوانیم :

هردرمی و دانگی که تان امروز باین کار وکرفه هزینه کرده‌اید وکنید یـزدان و امشاسپندان از گنج همیشه سود پری و فراخی و پدیخی ونیکی و وهی تان دهاد ـ هرکه میزدی باشوان ارزانی بسازاد اش ایدون سبك وخار وآسان باد. آنکش امروز این یزشن فرمود اش این میزد ساخت . اش این اشوداد بداد همواره اش وهی ارزانی باد. درجای دیگر درمقدمهٔ یسنا همین مخزن را بنام گنج همه مانتران یعنی مخزن همهٔ دعاهای خیر مینامد .

پس با بیان مطالب بالا امروزه دانشمندان روانکاو وروانشناس باپژوهش وکنجکاوی درروش برگزاری مراسم دینی زرتشتیان دریافته‌اند که هرگونه فکر نیك وبد یا دعـا و نفرینی که فردی بطرف دیگر حتی بفاصله دوردست روانه کند امواج آن فکر بطرف مقابل

رسیده و اثر نیك یا بد خود را خواهد بخشید از جمله میگویند هرگاه کسی چیزی را در دست دیگری ببیند که خود فاقد وخواستار آن باشد حس حسادت او تحریك شده و امواج زیان‌آور اندیشهٔ بد بسوی شخص محسود وچیز مورد نظر روانه میگردد و بنسبت قدرت موج اندیشهٔ طرف به‌محسود زیان وارد میسازد . وهمین طور هرگونه دعا ودرود و ذکر خیری راهم که ما درمورد اشخاص از خودبزبان آوریم با موج اندیشهٔ ما توأماً باطراف پراکنده شده با ایجادنیروی معنوی سبب تندرستی و نیرومندی تن وروان طرف میگردد پس چه بهتر اینك که بکمك علوم امروزی برموز مراسم دینی خود پی برده و دریافته‌ایم که نیروی گفتار نیك توام با اندیشه وفکر درست وپاك تاچه حد درسلامت محیط و روح وجسم مامؤثر است .

بجاست که درین روزهای سال‌نو پس ازخانه‌تکانی دل وتمیز کردن منش واندیشه از آلودگیها هر گاه برای دید و بازدید بخانه یکدیگر رویم بهمراهی سلام و تبـریك و تعارف لفظی امواج نیك اندیشه وضمیر خودرا هم بسوی یکدیگر بجریان‌اندازیم و یقین بدانیم کاری‌که دور از تصنع و تظاهر بوده و بانیت خیر وفکر درست و صحیح و اندیشهٔ خوب همراه باشد اثر نیك آن تا باعماق روح خواهد رسید و سبب بشاشت طبع وآرامش خاطر وخشنودی وآسایش روان خواهد شد زیرا طبق دستور اشوزرتشت پایه واساس تمام کارها برنیت واندیشه استوار است .

درپایان ازاورمزد رایومندوخرهمند آرزومندیم که باین‌نیایش‌وآفرینگان ودرودی که بطور همازور امروز درین جای اشو وپاك برگزارگردید اوج وزور ونیرو و تکی و هماوندی وفیروزگری بخشاید تابهرچه دوردست‌تر برسد و اثرات نیك آن شامل هر چه بیشتر افرادبشرگردد. ایدون باد .

موفقیت افتخار آمیز آقای بهرام نامداری دانشجوی سال ششم پزشکی



آقای نامداری درحین کار پرمشقت تحصیل در رشته پزشکی با استعداد سرشاری که دارند موفق باختراع دستگاهی بنام تیز بینی الکتریکی گشته‌اند که درعالم چشم‌پزشکی تاکنون بی‌نظیر بوده است .

با این دستگاه میتوان تعیین نمره ومیزان دید چشم را با اندك فرصتی انجام داد .

اهمیت این دستگاه مورد تأئید مقامات مربوطه قرارگرفته و ازطرف رئیس انجمن‌چشم پزشکی جناب آقای پرفسور شمس‌و مدیریت‌گروه آموزشی چشم دانشکده پزشکی جناب آقای‌دکتر باستان رسماً ازایشان تقدیر شده است .

هوخت ـ موفقیت وسرافرازی این جوان کامکار مایه سربلندی همگی است وصمیمانه بآقای نامداری شادباش میگوئیم .

بقیه تجزیه و تحلیل

آن رابمعنی « تافاصله نه‌برابر(ارتفاع) پرنده اززمین » ترجمه کرده‌اند یعنی تا چنین فاصله‌ای کرکس‌میتواند درخشندگی سرسوزنی را اززمین به‌بیند ولی سرکارسرگرداورنك باکشیدن شکلی عبارت اوستائی مزبوررا بنحوبسیارزیبا و جالبی تعبیرکرده‌اند چنانکه می‌نویسندکرکس از۹سمت‌یعنی مشرق و مغرب و شمال وجنوب و جنوب‌شرق‌وشمال‌شرق‌و جنوب‌غرب وشمال‌غرب و همچنین ارتفاع مستقیم اززیرپای خود تازمین رابخوبی می‌بیند این تعبیربکرو بسیارجالب نمونه‌ایست ازطرزتوضیح وتعبیرنکات مبهم اوستاتوسط این‌مولف دانشمند درهرحال ما موفقیت و فیروزی‌سرکارسرگرد اورنك را دراین‌قبیل‌فعالیتهای‌ادبی و فرهنگی ازخداوندآرزو میکنیم و امیدواریم نامبرده فعالیت خود را در زمینه روشن ساختن مجدوعظمت فرهنك ایران‌باستان درآینده نیزدنبال خواهند نمود.

بقیه جراید و نوروز

« این آئین بسیار پسندیده حکمت آموزکه درآن بزرگی و ارزش وجود انسان از نظر یك دین بزرگ کاملا پیداست هنوز هم در میان ایرانیان زرتشتی برگزار میشود و هرسال در ایران وهند و دیگرگوشه‌های‌جهان پیروان زرتشت پاك باشور وشوق وخلوص نیت فراوان به پیشباز آن‌میروند وهمانند نیاکان ارجمند باستانی خود و گاه بهتر و با شکوه‌تر ازآنها آفرینش انسان راجشن می گیرند و به‌بزرگداشت این روزهای بزرگ شادمانی میکنند.

این بود نمونه‌ای ازآنچه‌که از سه‌مجله انتخاب ودربالا باطلاع‌خوانندگان‌ارجمند رسانیدیم‌بقیه نشریه‌ها نیز مطالب‌خودرا درهمین زمینه ومبتنی برحقایق تاریخی‌که درشأن این جشن‌کهنسال باستانی است تنظیم وانتشارداده‌اندکه هریك در خورآفرین‌گوئی است کاش صفحات محدود مجله اجازه میداد تاخلاصه‌ای از تمام نوشته‌های جراید را بنظر خوانندگان ارجمند خود میرساندیم.

بقیه فرخ

خوش پاسدار مرز سخن گشته‌یی زمهر — با پای استوار و دل و دست آهنین
نامت جهان گرفته چو شاهین‌بزیرپر — مهرت بدل نشسته چنان‌نقش برنگین
هفتاد سال زیسته‌یی سرفراز و شاد — هفتاد سال دگر می زی تو اینچنین
از اورمزد خواهم پیوسته بینمت — سرسبزهمچواردی‌وخندان‌چوفرودین

تهران ۲۵ اسفند ماه ۱۳۴۳

محمودی بختیاری «مرزبان»

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم‌خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم‌هرماه‌مجله‌هوخت نرسد بداروخانه داریوش‌ویاچاپخانه‌راستی تلفن۳۹۶۲۴اطلاع دهندوهمچنین آنهائیکه‌مایل‌باشتراك‌مجله‌هستند میتوانندتلفناً نام وآدرس خودرااطلاع دهند تا قبض‌آبونمان ومجله‌برایشان فرستاده شود.

جناب آقای دکتر رستم صرفه

مدیر محترم مجله هوخت

آغاز شانزدهمین سال انتشار مجله هوخت را بجنابعالی ونویسندگان مجله تبریک گفته توفیق ادامه خدمت بیشتری را آرزومند است .

وزارت اطلاعات

وزارت محترم اطلاعات

احتراماً لازم میداند از وصول نامه ۲۵٦٦/۳۰۹/۸۲ مورخ ٤٤/۱/۲۱ که گویای مراتب تبریک نسبت بآغاز شانزدهمین سال انتشاراین مجله است ازطرف خودو نویسندگان صمیمانه سپاسگزاری نماید.

بدیهیست همانندگذشته در ادامه خدمات فرهنگی طریقی که صلاح و فلاح اجتماعی را متضمن است خواهد پیمود.

با تقدیم احترامات فائقه

کتابخانه

دهسال کار و کوشش

نام مجموعه نفیس وارزنده‌ایست که باکوشش جناب آقای سناتور اشرف احمدی و ازطرف اداره آمار وبررسیهای وزارت اطلاعات تدوین وانتشاریافته است.

این کتاب تلاش وکوششهای پی‌گیری که در ظرف ده سال درراه سازمان کاخ رفیع سعادت ملت ایران انجام وبثمر رسیده با ارائه اسنادی‌گویا توجیه شده است . اینکتاب دارای سیزده فصل است که هر فصل اختصاص به پیشرفتهای یکی از شئونهای اجتماعی دارد .

در آغاز هر فصل نیز طی فهرستی از ترقیاتی‌که درزمینه هررشته نصیب ملت ایران گشته مشخص و خواننده را راهنمائی نموده است یقیناً مطالعه این سند افتخار آمیز که توأم باآمار وبررسیهای علمی است درهرخواننده‌ای ایجاد غرور وسربلندی خواهدنمود و چنین خدمت گرانبهائی سزاوار ستایش وآفرین گوئی است.



از : روانشاد سروش سپهری

نام نیکو

منه دل بدنیا تو ای هوشیار نماند جهان بر کسی پایدار
بصد یا که هفتاد یا بیست سال روان از تن و جسم سازد فرار
به مینو بگیرد همی آشیان وزان پس نگیرد در اینجا قرار
به گیتی نماند بجز نام نیک که ماند بسی سالها یادگار
مخور غم- مترس از گزند و ستم بکوش و مشو در جهان سست کار
همه عمر خود نیز دانش بجوی شنیدم من این پند از آموزگار
ز کنکاش منمای غفلت دمی بپرس آنچه آگه نئی زینهار

سپهری اگر گویدت غم مخور
نصیحت ز دانا بجان گوشدار

زرتشت ازنظر دانشمندان اروپائی

اکنون بمنظور تکمیل فقط دو یا سه ترجمه دیگر از گاهان را یا کتابهائی که درباره زردشت نوشته شده است در این جا باید نام برده بپردازیم. یکی ترجمه و شرح سرودهای آسمانی پیغمبر است از ژ. دوشن گیمن در ۱۹٤۸ و یکسال پیش از آن کتاب دوجلدی ارنست هرتسفلد بانگلیسی هم در ۱۹٤۷ منتشر کرد دوشن گیمن خود در این باره در کتاب دیگرش ص ۳۹۸ مینویسد این کتاب را بتشویق و راهنمائی دومزیل زبانشناس بزرك فرانسوی نوشته است.

بعکس هرتسفلد در کتاب خود زرتشت پیغمبر را بمایك درباری و سیاستمدار دوره نخستین پادشاهان هخامنشی معرفی میکند. چنانکه والترهینس البته نقلی ازجهت اندیشه‌ها و اعتقادات دیگر در «رمان» که درسال ۱۹۶۱ نوشته است کرده و ترجمه‌هائی ازگاهان شخصی خود را خیلی بهتر و سنجیده‌تر و اندیشیده‌تر در پایان کتاب بعنوان پیوست آورده است. بسیاری از این ترجمه‌ها را من بمناسبت سبك توراتی‌اش و بنابر اصول ترجمه‌ای خود، باید رد کنم، ولی درعین‌حال اعتراف میکنم که ترجمه‌های وی نخستین ترجمه‌ایست از مردیکه بدرستی مذهبی است و گفتار پیغمبررا برشنونده یا خواننده بدرجهٔ ایمان و اعتقاد موثرمیسازد و سردو یخزده مانند ترجمه‌های آلمالی **ه ـ هومباخ** نیست. این کار هینتس بیش ازاین‌ها شایسته ستایش است زیرا این ترجمه‌ها را هینتس با مهارت و زبردستی درزبانشناسی انجام نداده است بلکه بادست چینی کردن وانتخاب باین معنا که هرچه راوی برای توضیح گاهان لازم تشخیص میداده آورده است.

پس ازآنکه مهمترین مترجمان سرودهای زردشت وروش کاردانشمندان باختر رایاد کردم ـ البته دانشمندان پارسی، تاوادیا، ترپوروالا، وبود ازاین بحث خارج هستند هنگام آنست که توجه خود را بخود زرتشت معطوف گردانیم. دراین‌باره بهتر است مسائلی که باشخصیت و وجود تاریخی او وهمچنین آنچه که باآموزش اوسروکاردارد يك‌جا بررسی کنیم. درباره شخصیت و وجودپیغمبر ایران‌باستان، زردشت، باز از همه بهترآنست که خاستگاه او آنجاکه اوبدنیاآمده است، وزبان نفوذ تبلیغ اوهريك جداگانه موردبررسی قرار گیرد.

درباره خاستگاه او ـ یابهتربگوئیم بستگی او بیکی ازطبقات اجتماعی‌ایران‌عقاید بسیاری تاکنون اظهارشده است. ازآنجاکه این‌نکته بستگی‌تمام با اوضاع واحوال‌شرائط زندگی پیغمبردارد و هیچکدام ازاینها را باقطعیت و اطمینان نمیتوان بحث کرد؛ یعنی بستگی بنظرمترجم‌ودانشمند مربوط دارد، هرگونه نتیجه‌گیری درنظراجتماع دانشمند

خواهد بود تنها بفرضیه هرتفسلد در مورد یکی دانستن ویشتاسپ پشتیبان زردشت بـا فرماندار هخامنشی اشاره میکنم اگراین فرضیه غلط باشد ، نتیجه‌هائی هم که ازآن گرفته شد بیهوده وباطل است .

همچنین این پندار که‌زردشت‌ازطبقه موبدان‌بوده ، قابل‌اثبات نیست، چه‌ماهیچگونه اشاره‌ای دراین‌باره ازگاهان نمی‌یابیم . بعکس‌بررسی گاهان مارابااین اندیشه میرساند که زردشت وابسته بطبقه بزرگان بوده حتی ازطبقه پائینتردهقان یا «خوایت» هم نبوده زیرا که وی‌با بزرگان‌نشست وبرخاست داشت ونخستین‌پیروان وفادارش دراین رسته و دسته بودند البته دریسنای۳۲ وبندهاپس ازآن باکمال‌وضوح وقاطعیت برضدآن بزرگان(وئوا) سخن میراند ولی‌طبیعی‌است که دراین‌جا روی سخن‌باآن دسته ازبزرگانی است که‌باآئین و اندیشه‌های اومخالفت میکردند . چون‌پس ازاین‌باز درتعیین زادگاه زردشت در این‌باره گفتگو خواهیم‌کرد این‌جابیش ازاین‌چیزی نخواهم‌گفت .

ناتمام

بقیه اخبار

تفت وتوابع‌طبق‌معمول هرساله‌امسال‌نیز باهمکاری صمیمانه سازمان جوانان زرتشتی تفت جشن بـا شکوهی در منزل آقـای فریدون جوانـمردی برگزار ودرپایان آقای ارباب نمیر میزانیـان ریاست محترم انجمن از کلیه مدعوین و افـراد سازمانی سپاسگزاری نمودند.

خبری از اله‌آباد یزد

در روز خورداد وفروردین ماه مصادف با روز تولد و برگزیده شدن پیامبرعالیمقام‌ایران وخشور بزرگ اشو زرتشت اولین رهبـر بشر و رهاننده مردم ازگمراهی وضلالت و هدایت براه راست ویکتاشناسی را انجمن زرتشتیان اله آباد مطابق معمول هرساله در محل آدریان اله‌آبـاد مجلس جشن برگزارنمود .

نخست دونفر ازموبدان نیـایش مخصوص جشن را باآهنگ دلپذیر قرائت فرمودند بعـداً پنج‌نفر نونهالان زرتشتی اله‌آباد بترتیت‌از محل سرمایه خیراندیش محترم آقای رستم‌مزدا مانند چندین سال گذشته سدره‌پوش شدند :

۱ ـ آقای رستم یزدانی‌فرهاد ۲ـدوشیزه دولت یزدانی فرهاد ۳ ـ شیرین باستانی‌ماهیار ٤ ـ سرورباستانی تیرانداز ٥ ـ مهوش‌باستانی رستم .

سپس آقایان اردشیر باستانی و بهـرام و خدابخش یزدانی گشتاسب‌هریك سخنرانی‌جالبی ایراد فرمودندکه بسیار مؤثر ومفیدبود .

سال ۱۵ شماره ۲ شماره مسلسل ۱۸۱

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
Dr. SARFEH
Kassra Street,
Makhssuss Avenue,
Tehran,
Iran .

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	180 Rls.	200 Rls.
« 6 »	100 »	90 »


Robson
جدیدترین شاهکار صنعتی کارخانه
روبسن
انگلستان
موتوردیزل کارلتی
پُرقدرت - بادوام - ساده - کم مصرف
مخصوص کارهای کشاورزی و صنعتی
نماینده انحصاری در ایران: شرکت زرتشتی خیابان سعدی - کوچه ممتاز - ساختمان زرتشتی - تلفن ۳۵۲۸۲

هوخت
گفتار نیک
شهریور ۱۳۴۴



اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو و والاحضرت همایون ولایتعهد و والاحضرت فرحناز درحالیکه روسای دربار شاهنشاهی و روسای انتظامات کشور و تیمسار سرلشگر دکتر ایزدپناه و آقایان هرمزد آرش و اردشیر موبد در رکاب همایونی میباشند استادیوم را بازدید میفرمایند .

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

آغاز بیست و پنجمین سال

شاهنشاهی شاهنشاه



در سال ۱۳۲۰ خورشیدی جنگ دوم جهانی باشدت هرچه تمامتر ادامه مییافت ومتخاصمین برای نیل به پیروزی ازطرح هر گونه نقشه خصمانه‌ای برای یکدیگر دریغ وکوتاهی نمینمودند. آنها برای پیش بردن مقاصد خویش بامنتهای قدرت و تا سرحد امکان وتوانائی بدون توجه بمنافع وحیات ملل دیگر اقدام می‌کردند و درراه تأمین منافع خویش مصالح و منافع دیگران رابی رحمانه لگدمال جور وستم میکردند. منشور ها و پیمانهای بین‌ملل توسط دولتهای جنگجو بدست فراموشی سپرده میشدند وقراردادها و عهدنامه‌هادرورطهٔ زوال

ونیستی میافتادند . قوانین جنگی بدون رحم وشفقت اجرا میشد و گاه مقاصد شوم جنگی باکدورتها ودشمنیها و کینه‌توزیهای دیرین بهم میآمیخت واثرات نکبت‌بار خود را برای ملتها بارمغان میبردند .

باکمال تأسف کشور عزیز ما ایران نیز نظر بموقعیت جغرافیائی خویش دردوران جنگ عالمگیر دوم از بلایای جنگی مصون نماند چنانکه مردم ایران دریکی از روزهای شهریور سال ۱۳۲۰ که سر ازخواب برداشتند در اطراف خودقوای بیگانه‌ای را مشاهده نمودندکه بر خلاف قولها و وعده‌ها و پیمانها بمرز وبوم ایران شبیخون زده وکشور ما را مورد تاخت وتازخود قرارداده بودند .

درآنموقع شاهنشاه بزرگ ایران که با ایجاد قراردادهای عدم تجاوز باهمسایگان خویش فارغ‌البال سرگرم اصلاحات وآبادی کشور خود بودند خودرا در محظور عجیبی گرفتار دیدند . رضاشاه کبیر که باعلاقه مفرط بمیهن‌پرستی وعشق شدید بتعالی میهن، ملت خویش رارهبری میکردند وآنی از پیش‌بردن وطن بسوی کمال غفلت نمی‌ورزیدند چون ثبات وتمامیت واستقلال ارضی کشور خویشرا دردوران بحران در وجود دیگری احساس می‌نمودند زمام امور را بکف باکفایت فرزند برومند خویش واگذارنمودند.

براستی در آنموقع دوران مشکلی برای اداره امور مملکت بوجود آمده بود. قوای بیگانه ازطرفی خاك وطن را در اشغال داشت وازسوی دیگرگروهی چند از افراد وطن ماکه بوئی از فرهنگ و معرفت نبرده بودند با ایجاد دسته‌هائی مختلف به تشتت افکار وگسیختگی اوضاع وپراکندگی اذهان کمکهای شایانی میکردند ومشتی‌از افرادبی‌سواد وآشوبگر نیز در اطراف واکناف مملکت بساط چپاول و غارت راگسترده بخیال خود دوران خانخانی خویشرا تجدید نموده بودند بطوریکه همه‌جای میهن درآتش‌ناامنی میسوخت .

نقشه‌های عمرانی مملکت بعهده تعویق افتاده بود و تمام برنامه‌های مترقی مملکتی درحال وقفه ورکود قرارگرفته بود بطوریکه شاهنشاه ایران‌که تازه زمام اموررا درکف باکفایت خویش گرفته بودند مجبور بودندکلیه سعی وکوشش خودرا در راه مبارزه بااشرار وباغیان داخلی مصروف دارند.

شاهنشاه جوان ایران‌که تازه براریکه سلطنت جلوس فرموده بودند باعزمی‌راسخ وایمانی‌کامل درچند جبهه بمبارزه برخاستند و با تدابیری بی‌نظیر وحذاقتی‌خارق‌العاده و متانتی بیهمتا بالاخره موفق شدندباغیان داخلی‌رامنکوب ساخته وبه‌بیگانه وبیگانه‌پرستان

بقیه درصفحه ۴۹

دادبه

((من)) و ((دل))

داد جاروبی بدستم آن نگار
گفت زین دریا برانگیزان غبار
باز آن جاروب را ز آتش بسوخت
گفت کز آتش تو جاروبی برآر

عقل جاروب و نگار آن پیر کار — باطنت دریا و هستی چون غبار
آتش عشقت چو سوزد عقل را — باز جاروبی ز عشق آید بکار
کردم از حیرت سجودی پیش او — گفت بی‌ساجد سجودی خوش بیار
آه، بی‌ساجد سجودی چون بود؟ — گفت بی‌چون باشد و بی‌خار خار
گردنك را پیش کردم گفتمش — ساجدی را سر ببر با ذوالفقار
تیغ تا او پیش زد سر پیش شد — تا برست از گردنم سر صدهزار
من چراغ و هر سرم همچون فتیل — هر طرف اندر گرفته از شرار
شمعها می بر شد از سرهای من — شرق تا مغرب برفته از قطار
شرق و مغرب چیست اندر لامکان — گلخن تاریك و حمامی بکار
بگذر از گلخن تو در گرمابه شو — جامه بر کن بنگر آن نقش و نگار
تا به بینی نقشهای بیکران — تا به بینی یار جانی در کنار

ایمزاجت سرد کو طاس دلت — تا در آن گرمابه گیری توقرار
شش جهت حمام وروزن لامکان — بـر سر روزن جمـال شهریـار
خاك و آب‌ازعکس‌اورنگین‌شده — جان بتـازیده بترك و زنگبـار
روز رفت و قصه‌ام کوتـه نشد — ای شب وروز ازحدیثش‌شرمسار
شاه شمس‌الدین تبریزی مـرا — مست میدارد ز جام بی خمـار

پیر بلخ

پدر ! (پژوه)

از کاروانسالار ؛ جز آن که تو کرده‌ای نشاید .

بازی برد و باخت انگیزه کودکانه‌ایست که از زادروز تا مرگ ؛ شاهنگ ترازوی سرشاری وغم بیاد آن میرخسد وآنچه در سرای خاکی ماست بهر کپداش می گنجد .

خاموشی پارینه تاامروز؛ نخست ببازیهای برد وباخت ، سپس با گومگوهای «من» و «دل» بی‌پیوند نبود .

از آندم که «دادجاروبی بدستم آن نگار» و با نگاهی هستی سوز « گفت زین دریا برانگیزان غبار» تا وادی تاس دل ودیدگاه شهریار ؛ سرگذشتی است ، شورانگیز ، دلپذیر ، و شنیدنی که در این نامه نگنجید.

سخن پیر بلخ چشم‌انداز نیمه روشن آن رهنامه‌هاست . خواهشم را بپذیر ، رندانه در آن بنگر ، به پیچ وخمها درآ، نشانیهارا بشناس ، پیاله بگیر ، سرگرم شو ، آماده‌باش ؛ تا شمارهٔ مهر ، ازکار دل پرده برداریم و چنانکه تو میـدانی با پرده‌دار برآئیم وپرده‌دری ساز کنیم .

گزارشی از تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو و والاحضرت همایون ولایتعهد و والاحضرت شاهدخت فرحناز

به استادیوم ورزشی فرحناز پهلوی در تهران پارس

این دومین باریست که اعلیحضرت همایون شاهنشاه قدوم مبارك خود را بر دیده زرتشتیان نهادند نخستین بار در سال ۱۳۳۵ بود که هنگام مسافرت بهندوستان در بمبئی افتخاری، بس بزرگ نصیب پارسیان (زرتشتیان) فرمودند و درآنروز بود که از هزاران دیده مشتاق اشك شوق جاری ونثار قدوم مبارك گردید .

در این بار این افتخار بزرگ نصیب زرتشتیان تهران و بانیان تهران پارس گردید وهمانگونه که درقلب فردفرد زرتشتیان ایران وجهان قراردارند دیده آنهارا نیز با قدوم مبارك خود روشن فرمودند اما این افتخار بسیار عظیمتر و باید گفت کمترهمانندداشت زیرا اعلیحضرت همایون شاهنشاه باعلیاحضرت شهبانو ووالاحضرتین نور دیدگان ملت ایـران دسته‌جمعی این افتخار راعنایت فرمودند.

روز پنجشنبه هفتم امرداد که چنین روز درایران باستان جشنی بس بزرگ مقرر بوده و از زمره شمارگان خجسته دانسته شده است شهر نوبنیادتهران‌پارس باسرافرازی تمام آماده پذیرائی ازمهمانان بزرگوار گردید خیابانهای معبراعلیحضرتین ووالاحضرتین باطرز بسیار جالبی تزئین وچراغانی شده بود ساکنین آن‌نیز باچشمی پراز‌اشك شوق‌از افتخاریکه نصیبشان شده بود باستقبال شتافته دسته‌های گل واشك شوق‌نثار قدوم مبارکشان مینمودند .

مقارن ساعت شش بود که اعلیحضرتین و والاحضرتین محوطه استادیوم را با قدوم میمنت‌نمون سرافراز فرمودند در این‌هنگام سرود شاهنشاهی نواخته شد و سپس بنا بسنت باستانی درمجمری بزرگ وبسیار زیبا مراسم‌آتش‌افروزی انجام یافت وآئین نیایش‌اجرا گردید .



آنگاه‌کودك خوردسالی بنام فیروزماندگاریان دسته‌گل زیبائی‌بحضور شاهنشاه‌تقدیم وخیر مقدم عرض نمود وسه دوشیزه خوردسال دیگر نیز دسته‌گلهائی بحضور علیاحضرت شهبانو ووالاحضرتین تقدیم داشتند .

در اینموقع تیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه رئیس سازمان تربیت بدنی وتفریحات سالم ایران ـ آقای هرمزدآرش مؤسس تهران‌پارس وبانی استادیوم و آقای اردشیر موبد سرپرست ومدیر استادیوم را بحضور شاهنشاه معرفی نمودند. آنگاه آقای آرش با نهایت عبودیت ازتشریف‌فرمائی اعلیحضرتین ووالاحضرتین و افتخاریکه نصیبشان شده‌سپاسگزاری نمودند ودر حالیکه تیمسار ایزدپناه وآقایان آرش و موبد در التزام رکاب بودندببازدید استادیوم پرداخته زمین چمن فوتبال وزمینهای تنیس ـ قسمت استخر شنا وکابین آن و محل بسکتبال ووالیبال وزمین ورزش مورد بازدید اعلیحضرتین ووالاحضرتین‌قرارگرفت

شاهنشاه درهر قسمت سئوالاتی میفرمودند که پاسخ آن توسط تیمسارایزدپناه وآقایان آرش وموبد بعرض میرسید در قسمت زمین فوتبال نواقصی مشاهده وبه تیمسار ایزدپناه اوامری صادر فرمودندکه رفع نقص گردد و سپس اعلیحضرتین ووالاحضرتین درحالیکه دردوطرف زمین ورزشی استادیوم پیشاهنگان ودختران پرورشگاه فرح جوادیه صف کشیده بودند و مقدم مبارکشان راگل باران مینمودند ازمحوطه گذشتند وسالنهای کشتی- پینگ پنگ -هالتر وشطرنج مورد بازدید اعلیحضرتین ووالاحضرتین قرار گرفت سپس بداخل سالن سرپوشیده گام نهادند در این موقع مدعوین نسبت بمیهمانان عالیقدر باکف زدن ممتد و جاوید شاه ابراز احساسات نمودند آنگاه اعلیحضرتین ووالاحضرتین بجایگاه سلطنتی نزول اجلال فرمودند وتیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه گزارشی بشرح زیر بعرض رسانیدند:

شاهنشاها باکمال افتخار تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت فرح شهبانوی محبوب ایران ووالاحضرت همایون ولایتعهد گرامی و والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی را خیرمقدم عرض مینماید.

عنایات و توجهات خاصه شاهنشاه معظم بامر ورزش وتقویت روحی و جسمی جوانان همواره درپیشرفت توسعه این امر مهم تأثیر بسزا داشته سازمان تربیت بدنی ایران وسایر

بقیه درصفحه ۴۳



هنگام تقدیم دسته‌های گل

دکتر فرهنگ مهر

اصول ششگانه

انقلاب مقدس ششم بهمن که شاهنشاه بزرگ ما مبتکر، طراح و پرچمدار آن بودند مبتنی بر فرهنگ اصیل ایرانی است

شاهنشاه بزرگ و رهبر خردمند ملت ایران بارها در فرمایشات خود تذکر فرموده‌اند که انقلاب مقدس ششم بهمن یك انقلاب اصیل ایرانی بوده و اصول ششگانه‌آن منطبق با فرهنگ درخشان و پرفروغ ایرانی است.

نتایج پرثمری که در این مدت کوتاه ازاین انقلاب بزرگ برای رسیدن بزندگی بهتر و ساختن ایرانی آبادتر ظاهر گشته است. تنها چنین انقلاب اصیل ملی، سازگار بافرهنگ وتمدن وسنن باستانی این مرز وبوم میتوانست در اعماق قلب وروح مردم‌دور‌افتاده‌ترین نقطه کشور رسوخ کرده وموفقیت برنامه‌های وسیعی راکه بمنظور نوسازی بنای اقتصادی، فرهنگی، صنعتی وکشاورزی ایران نوین طرح شده است تضمین نماید.

جستجو در فرهنگ مازدیسنی و ایرانی، سنن وروش نیاکان ارجمند ما، ریشه‌دار بودن این اصول را نشان نمیدهد.

در فرهنگ ایرانی همیشه زنان با مردان برابر بوده‌اند و زنان فرصت داشته‌اند

دوش‌بدوش مردان در خدمات اجتماعی‌فعالیت‌کنند وحتی‌بمقام سلطنت برسند . پوراندخت و آزرمیدخت که براورنگ شهریاری ایران نشستند و همچنین در زمان اردوان شاهنشاه اشکانی **آرتادخت که سمت وزارت خزانه‌داری را برعهده‌داشته** نمونه‌های بارزی از این‌تساوی کامل حقوق اجتماعی وسیاسی زنان ومردان درایران بدست میدهد .

در اوستا همه‌جا فروهر مردان وزنان پارسا متفقاً و درردیف هم ستوده شده است (فروردین یشت بند ۱٤۵) و به زن و مرد متساویاً حق آزادی فکر ، اتخاذ تصمیم وعمل داده شده است (های ۳۰ گاتاها بند۲) .

از این امثله‌که در فرهنگ ایرانی بسیار دیده میشود میتوان نتیجه‌گرفت که عدم تساوی زن ومرد یك پدیده غیر ایرانی بود که ازخارج بفرهنگ ایران تحمیل گردید و خوشبختانه در این دوره خجسته اثر بدست توانای شاهنشاه بزرگ و دادگستر از میان رفت .

درفرهنگ مازدیسنی وایرانی کشاورزی بسیارستوده شده است‌وکشاورزان مقام شایسته خود رادراجتماع داشته‌اند. هیچ جا سخن از بندگی و رعیت و اربابی نیست. وبالعکس درهمه‌جا برای ترقی و پیشرفت برزگران دستوری صریح داده شده است‌چنانکه درگاتها آمده است :

«بشود که اهورا ازقدرت خویش مارا به‌کشت وکاریاری‌کند تا آنکه **به برزگران وستورزان نمو و ترقی دهیم** زیرا به‌توسط اشا (پاکی وراستی) ازمنش پاك‌برخوردار هستیم» .

بقیه در صفحه ۵۵

آگهی

از آقایای همکیشان گرامی خواهشمند است روز چهارشنبه ٤٤/٦/١٧ساعت ۶ بعد از نیمروز با در دست داشتن کارت شناسائی از انجمن زرتشتیان تهـران در مجمع فوق‌العاده همگانی درتالار خسروی حضور بهمرسانند .

دستور جلسه :

تصویب اساسنامه اصلاح شده انجمن زرتشتیان تهران

انجمن زرتشتیان تهران

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۲)

۲ - آیا ابراهیم - برهمن است ؟

چنانکه درپیش گذشت ، نام ابراهیم در تورات ، نخست ابرام بوده ، پس ازاینکه همه گونه لوازم زندگی واسباب بزرگی برایش فراهم گشت، ابراهیم شد. این نام بگونه ابرام - ابراهام و براهام نیز درآمده و بابرهما - برهمان - براهم و برهمن همانند است. ازمیان فیلسوفان ودانشمندانیکه درباره ابراهیم سخن رانده ویادی از او کرده‌اند - «ولتر» Voltaire دانشمند وشاعر نامدارفرانسوی(۱۶۹۴-۱۷۷۸) است . درعصراودانشمندان انگلیسی از اظهارعقیده وهر گونه شکی که درباره احکام وعقاید مذهبی درآنهاراه مییافت برای گفتن و پرخاش باآنها بیم نداشتند. فرانسه نیزازدلاوری بیباك چون ولتر پهلوان آزادی عقیده برخوردار بود. افکار انتقادی با گفتار برنده و تابدار نابغه‌ای چـون ولتر رخنه میکرد و باپدیده‌های دانش وفنون تك نیك نیز پابرجا میگردید . دیگر مگر آزمونهای قطعی علمی هیچگونه عقاید و آیات مذهبی پذیرفته نبود ، چه - دانشمندان چنین می - اندیشیدند که آنچه مورد بهره‌مندی بشریت است ، نباید نسبت به ایشان بیگانه نماید. از اینروی خودرا فیلسوف مینامیدند وصلاحیت خودرا درهمه شاخه‌ورشته‌های فعالیت وفکری انسان گسترش میدادند .

منظومه هنریاد Henriade ولتر - قطعاتی قهرمانی شورانگیز وفلسفی خوانده میشد. ولتر علیه ستمگریهای کلیسا مبارزه میکرد وپی‌درپی اشعار هجائی که انتقاداتی زننده دربرداشت ، پخش میکرد ، توهین‌هایش سخت برنده وخیره کننده بود ، بارهازندانی یااز کشور بدر میشد. هولباخ دانشمند معاصر او درکتاب خود ، بنام - « مذهب مسیح بدون حجاب ودستگاه طبیعت» مذهب راچنین وصف میکند: -

« بافته‌هایی ازمهملات ، افسانه‌هایی نامربوط ، احکامی چرند و بی روح» . نویسنده

دیگری وجود روح را انکار کرده ، مذهب مادی را میستاید . در باره ولتر «فردریك» پادشاه پروس مینویسد :

« این ولتر ، فصاحت چیچرون ، مهربانی پلنی وخردمندی اگریپا را داراست ، دماغش پیوسته کار میکند و هر قطره که از قلمش فرومیچکد ؛ اخگریست از روح او» . نوشته‌اند :ـ

هنگامیکه در بستر مرگ افتاده بود ، کشیشی ببالینش آمد که گناهانش را اعتراف کند ، ولتر از اومیپرسد ـ کیست و ازکجا آمده ؟ کشیش میگوید ـ از جانب خدا آمده ، ولتر میگوید ، پس اعتبارنامه‌اش کو ؟ کشیش دیگر دم بر نیاورده ومیفهمد که این حرفها را با فیلسوفان نمیتوان زد. این فیلسوف جهان‌شناس وواقع بین که آثار بسیاری دارد. درکتاب «فرهنگ فلسفی» ترجمه فاضلانه «نصراله فلسفی» گفتاری درباره ابراهیم دارد که چکیده آن چنین است :

برخی از خشك مغزان بسیاردانا ، وقتی کتاب ویدام (Veidam) برهمنان قدیم را میخوانند، باتعجب فراوان می‌بینند که نخستین «آدم» ساخته مردم هند است وهندیان اورا «آدیمو» (Adimo) یعنی آفریننده میگفته‌اند . زنش راهم «پوکری‌تی» Pocriti یا «زندگانی» میخواندند. این دانشمندان میگویند که آیین برهمنان قطعاً قدیمتر ازدین یهود است ویهود که مدتها بعد درسرزمین کوچك کنعان نشیمن گرفتند، خیلی دیرتر ازمردم هند ـ بازبان کنعانی بکار نوشتن پرداختند. آنان معتقدند که مردم هند همیشه مخترع و یهود پیوسته مقلد ، هندیان همواره دانا و هوشمند ویهـود همیشه خشن و دور از مدنیت بوده‌اند .

ابراهیم ازآن نامهایی است که درآسیای صغیر وعربستان مانند توث درمصر قدیم ـ زرتشت اول در ایران ـ هرکول دریونان و ... نامهای بسیاردیگر بسبب شهرت بیشتر بر سرزبانهاست‌تا بواسطه مدارك مسلم ومحقق تاریخی.

البته در اینجا منظور ازتاریخ‌مسلم ومحقق ، تاریخی است که ازتعصبات وملاحظات مذهبی خالی باشد ، زیرا ، دربـاره تاریخ قدیم بنی‌اسرائیل که هم معلم ومربی وهم‌خصم ما بوده‌اند و ما به ایشان- هم عقیده وهم عداوت داریم ، چون ظاهراً بدست‌خودروح‌القدس نوشته شده، ناچار دارای همان عقاید واحساسات‌هستیم که باید داشت. [چون دانسته نیست که تورات‌راکی نوشته وکی نوشته‌اند، لابد گفته‌اند که روح‌القدس‌نوشته ، زیراروح‌القدس ازعهده هرکاری برمیآمده است].

در این مقاله روی‌سخن ما فقط به اعراب است.این قوم‌معتقدند که بواسطه اسماعیل

از نسل ابراهیم‌هستند ومیگویند که این‌شیخ یابطریق ، شهر مکه را بنانهاد ودرعمان‌شهر درگذشت. حقیقت‌این است که اولاد اسماعیل از فرزندان‌یعقوب‌پیش‌خدا بی‌اندازه عزیزتر بوده‌اند . هردو خانواده درواقع دزدانی بوجود آوردند ، ولی دزدان عرب بر دزدان یهود برتری عجیبی داشتند . اولاد یعقوب فقط سرزمین‌کوچکی راگرفتند وزود از دست دادند ، درصورتیکه فرزندان اسماعیل برقسمتی بزرگ ازآسیا و اروپا و افریقا مسلط شدند و امپراتوری وسیعی که پهناورتر از امپراتوری روم‌بود تأسیس کردند وبنی‌اسرائیل راهم ازغارهائی‌که نامش راارض میعاد گذاشته بودند ، بیرون راندند .

اگر در حوادث‌گذشته نیز ازروی شواهد تاریخ جدید داوری کنیم ، خیلی مشکل بنظر میرسد که ابراهیم پدر دو ملتی باشد که اینقدر با هم تفاوت داشته‌اند . بما میگویند که او درکلده بوجودآمده وپسر کوزه گرفقیری بوده که باساختن‌بتهای کوچك گلین‌زندگی میکرده است . بسیار بعید بنظر میرسد که پسرچنین کوزه گری‌ازصحاری سوزان‌صعب‌العبور گذشته و درمنطقه حاره بچهارصدفرسنگی زادگاه خود رفته باشد، تا در آنجا شهر مکه را بسازد . هرگاه قصدکشورگشائی میداشت قطعاً بسرزمین زیبـای آشور میرفت و اگر چنانکه در باره وی نوشته‌اند ، مردی فقیر بیش نبوده ، مسلماً دور ازوطن خوددولتهایی تأسیس نکرده است. در سفر تکوین آمده است‌که ، ابراهیم چون پس از مرگ پدرش تارح کوزه‌گر، از سرزمین حران (شهری درمیان فرات و خابور در شمال بین‌النهرین) بیرون رفت ، هفتاد وپنج سال داشت ولی همین‌کتاب میگوید : ـ

تارح ابراهیم را درهفتادسالگی بوجود آورد وعمرش نیز به دویست وپنج‌سال رسید وابراهیم پس ازمرگ وی حران را ترك‌گفت . پس باین حساب چنانکه از سفر تکوین برمی‌آید وقتی که ازبین‌النهرین بیرون رفتـه ۱۳۵ سال داشته است. او از سرزمینـی که مردمش رابت‌پرست خوانده‌اند ، بسرزمین بت‌پرست دیگر، بنام شکیم درفلسطین رفت ، برای چه باین سرزمین رفت؟ چرا زمین‌های حاصل‌خیز وپربرکت کناره فرات را رهـا کرد ، تابه نـاحیه دورافتاده‌ای بی‌حاصل وسنگلاخی شکیم برود ؟ ».

نویسنده مقاله بالانیکلافرره (N. Foeret) است که ولتر درکتاب فرهنگ‌فلسفی خود آورده ، دنباله این مقاله داستان رفتن ابراهیم‌بمصر است‌که درگفتارپیش همانگونه که در تورات آمده نوشته شد ، به دوباره گویی نیازی نیست مگـر اینکه نویسنده تعجب میکند که چگونه ابراهیم ۱٤۰ ساله برای گریز ازقحط وغلای‌فلسطین دویست فرسنگ راه پیموده تا بشهر منفیس مصر رسیده و ناگزیر زن زیبای خود را در معرض معامله بـرای بدست‌آوردن دارائی گذارده وچنین نتیجه میگیرد که : ـ

البته محققان ومفسران، برای اینکه رفتار ابراهیم رامشروع و منطقی جلوه دهندو در ارقام و سنوات تاریخ حیات وی سازش ایجاد کنند، کتابهای بیشمار نوشته‌اند وخواننده باید ناگزیر بدین گونه تفسیرات و حواشی مراجعه کند. زیرا جملگی محصول افکار و عقاید دقیق وظریف حکمای بزرگ، یعنی کسانیست که اصلا پای‌بند عقاید باطل نبوده وقصد فضیلت‌فروشی نداشته‌اند. !!. بعلاوه نام - «برام یا آبرام» درهندوستان وایران ازنامهای مشهور بوده است. حتا برخی ازمحققان‌مدعیند که ابراهیم همان قانونگذاریست که یونانیان زرتشت نامیده‌اند ودسته دیگر میگویند که او همان «برهمای» هندوانست.

لیکن آنچه درنظر بسیاری از دانشمندان درست مینماید، اینست که این ابراهیم کلدانی‌یاایرانی بوده وبنی‌اسرائیل درادوار بعد، باینکه ازنسل‌او هستند مباهات کرده‌اند. احتمالا نام ابراهیم یا آبراهام رابنی‌اسرائیل ازمردم بابل گرفته‌اند. زیرا بنابرتحقیقات هید Hyde دانشمند انگلیسی، درتمام ممالکی‌که میان فرات وجیحون قرار دارد، دین قدیمی مردم را«کیش‌ابراهیم» یا «ملت‌ابراهیم» میگفته‌اند.

پس بنی‌اسرائیل باتاریخ وافسانه‌های کهن نیز همان کرده‌اند که کهنه فروشان‌این‌قوم بالباسهای کهنه میکنند، یعنی آنهارا پشت ورومیکنند و به گرانترین قیمتی که میسر شود بجای نو میفروشند».

۳ ـ نشانی ابراهیم درجغرافیا

اما ازکتابهای تاریخ وجغرافی نیز برگه‌هایی دردست است، که میرساند ابراهیم برهمن یا دستکم ایرانی بوده و بهرروی، سامی؛ بویژه ازیهود نبوده است و اینك یکی‌از آن مدارك:

کتاب حدودالعالم که ازجغرافی طبیعی اجتماعی و اقتصادی بحث میکند، در۳۷۲ هجری قمری، بقلم یك ایرانی گمنام تألیف شده و«بارتلد» خاورشناس روسی ازیگانه نسخه خطی‌که درموزه‌ارمیتاژ (یامسکو) وجود داشته‌عکس‌برداری کرده، در ۱۳۱۲ خورشیدی با تصحیح و توضیح جناب‌آقای سیدجلال‌الدین تهرانی چاپ وپخش شده است. این‌کتاب نمونه ونشانی از دانش ایرانی ومدرك بی‌چون وچرای برتری ایران ازجهان اروپا در علوم تاریخ و جغرافی و جهان‌شناسی است، چه پانصدسال پیش از کشف امریکا نویسنده حدودالعالم میدانسته که آن‌سوی کره زمین‌ـقاره‌ایست، درحالیکه کریستف‌کلمب وقتی‌بجزیره «کوبا»ی‌کنونی رسید چنین‌میپنداشت که بجزایر هند یاچین وژاپون‌رسیده وتامردندانست که بمرز قاره جدید دست یافته است. درآن دوره (سده پانزدهم) هرکس میگفت زمین گردست وبدور خورشید میگردد، بدادگاه تفتیش عقاید(انکزیسیون) کشیده میشدو بفرمان

بقیه درصفحه ۴۲

گزارش مجلس یادبود روانشاد دکتر شاه بهرامی



کانون محترم پزشکان زرتشتی ساعت ۸ بعداز نیمروز دوازدهم امرداد مجلس یادبودی بمناسبت شهادت روانشاد دکتر شاه‌بهرامی و بانو در تالار بهمن برپا داشت که در آن عده‌ای از استادان دانشگاه گروهی ازپزشکان زرتشتی و سایر همکیشان حضور داشتند.

نخست آقای دکترورجاوند پشت تریبون قرار گرفته ضمن بیاناتی (که جداگانه چاپ شده) ازجناب آقای دکتر آرمین معاون تعلیماتی دانشکده پزشکی تقاضا نمودند که حضار را مستفیض فرمایند.

در این هنگام جناب آقای دکتر آرمین ضمن یك بحث علمی(که شرح آن جداگانه چاپ شده است) تاریخچه زندگانی روانشاد دکتر شاه‌بهرامی را بیان فرمودند. سپس آقای دکتر معتمد درحالی‌که تأثر واندوه فراوان برچهره‌اش نقش بسته بود مفصلاخدمات آنروانشاد را توجیه نمودند.(جداگانه چاپ‌شده)

آنگاه آقای دکتر جهانشاهی یکی ازهمکلاسان دکتر شاه‌بهرامی بابیان مؤثر به اوصاف زمان تحصیلی آن روانشاد در دانشکده پرداخته در خاتمه ببازماندگان تسلیت گفتند.

درپایان آقای اردشیر جهانیان بنمایندگی انجمن محترم زرتشتیان تهران ازکانون پزشکان وحضار درمجلس سپاسگذاری نمودند و ضمناً نکاتی چند از اوستا راجع به‌پزشك و پزشکان بیانداشتند(جداگانه بچاپ‌رسیده). مجلس پرازمعنویتی که برای‌تجلیل‌ازپزشکی عالیقدر و خدمتگذار برپا گشته بود مقارن ساعت ده ونیم پایان یافت.

بیانات آقای دکتر ورجاوند در مجلس یادبود روانشاد دکتر شاه بهرامی



از خانمها و آقایانیکه دعوت کانون پزشکان زرتشتی را قبول فرموده دراین‌مجلس حضوریافته‌اند تشکر میکنم.

این مجلس یادبود است و سوگواری پسندیده‌نیست . فردوسی درمرگ عزیزی میگوید :

« اگر مرگ داداست بیدادچیست
ز داد اینهمه بانگ وفریاد چیست»

مرگ داد حق است واین‌راهی استکه همه خواهیم رفت.

شادروان دکتر شاه بهرامی و همسرگرامی‌شان ازبین ما رفته‌اند دیگر چهرهٔ مهربان وزیبای‌ایشان را باچشم‌نخواهیم‌دید وآوازدلنشین ایشان راباگوش نخواهیم شنیدولی میتوانیم بکمك حافظه از ایشان‌یاد کنیم وصف‌العیش نصف‌العیش.

ذکر مدارج علمی روانشاد دکتر را اساتید محترم و همکاران ایشان آقایان دکتر آرمین و دکتر معتمد و دکتر جهانشاهی خواهند فرمود اینجانب بنام یك‌دوست‌از ایشان یاد میکنم .

چند سال‌بودکه درکانون پزشکان زرتشتی باروانشادان دکتر شاه بهرامی و خانم محترمشان هرهفته فرصت ملاقات دست میداد و مأنوس شده بودیم هردوقسمت مالی‌کانون را اداره میکردند و خانمشان مخصوصا با دلسوزی تمام وکمال محبت زحمت میکشیدند و در وسائل پذیرائی نظارت داشتند .

دکتر درعالم دوستی دوصفت ممتاز داشت یکی اینکه نه میرنجید و نه میرنجانید همواره دوست صمیمی بود واین دوستی را باروح گذشت وحسن خلق ثابت میکرد و نگه میداشت .

دوم همیشه خدمتگذاربود برای دوستان زحمت میکشید و کار میکرد بدون اینکه منتظر قدردانی باشد یا خودرا طلبکار بداند .

استاد عزیزی دارم که حکایت میکرد جوانی را در امریکا گذرانده وجمله خوبی که دربرخورد بامردم ومخصوصاً دوستان میشنیده این بوده که میپرسیدند:

What can I do for you

یعنی چه خدمتی میتوانم برای شما انجام دهم وبمن پند میداد که شما هم بهتر است در برخوردتان بامردم این روحیه رانشان دهید نه اینکه منتظر باشید آنطرف برای شما کاری انجام دهد .

روانشاد دکتر شاه‌بهرامی وخانمشان همیشه برای کمك دوستان حاضر بودند وتوقع پاداش نداشتند. شادی روان ایشان و طول عمر و شادکامی فرزندان و بستگانشان را از خداوند درخواست میکنیم.

اینجا از فرصت استفاده کرده به اولیای امور و بهرفردی که رانندگی میکندتذکر میدهم در امر رانندگی دقت بیشترلازم است هرگاه سهل‌انگاری وغفلت بهاندازهٔ بشود که عمداً وسائل کشته شدن مردم فراهم گردد باین عمل دیگر عنوان قتل غیرعمد نمیشود داد ازجناب آقای دکترآرمین استاد محترم دانشگاه ومعاون دانشکده پزشکی تقاضا میشودبا فرمایشات خود مارا مستفیض فرمانند .

بیانات جناب آقای دکتر آرمین معاون فنی و تحقیقاتی دانشکده پزشکی در مجلس یادبود دکتر شاه‌بهرامی

باوجود اینکه تألمات روحی اجازه نمیدهد دراین مجلس باشکوه که بیاد دوست و همکار عزیزم مرحوم دکتر شاه‌بهرامی برپا شده است مطلبی عرض نمایم ولی ازآنجائیکه امتثال امردوستان وهمکاران واستادان محترم را کرده باشم فقط باعرضی مختصر مزاحم حضار محترم میشوم قبل‌از هرسخنی برخود فرض و واجب می‌بیند از دوستان و آشنایان مرحوم دکتر شاه‌بهرامی‌که چنین مجلسی را برپا ساخته‌اند وهمچنین از فردفرد خانمها وآقایانی که قدم رنجه فرموده وتشریف‌فرما شده‌اند ازطرف‌دانشکده پزشکی صمیمانه‌تشکر وسپاسگذاری نماید . چه حق‌اینست چنین مجلسی در دانشکده پزشکی‌برپا میشد ولی‌بعلت تعطیلات تابستانی بتعویق افتاده‌است بعداً در موقعی مناسب تشکیل و به عرض دوستان خواهم رسانید.



امشب‌میبینم که دوستان، همکاران خویشاوندان‌مرحوم‌دکتر شاه‌بهرامی دراین مجلس‌باقیافه‌هائی بس گرفته وماتم زده دورهم گردآمده تا به ـ بازماندگان‌آن‌مرحوم‌تسلیتی گویند وتشفی خاطر آزرده آنهارا فراهم سازندوجراحت‌درونی‌خودرامرحمی نهند .

البته اگر چنین‌مجالس را بایك نظر اجمالی نگاه‌کنیم البته شایـد همین غریزه بوده است که تشکیل چنین مجلسی را ایجاب کرده‌است درحالی‌که فکـر میکنم منظور از تشکیل چنین مجالس نه‌فقط ازاین

رو میباشد بلکه مقصودی عالی‌تر وارزش معنوی بیشتری دارد. این قبیل مجالس از سنن دیرین پیشینیان ما بوده است و بعدا عالم صدر اسلام هم ازآن تأسی نموده است. منظور بانیان اولیه این بوده است که حضار دراین‌مجالس صفات حسنه و برجسته شخص درگذشته را سرمشق زندگی خود قرارداده بدان عمل نمایند یعنی در حقیقت در این مجالس باید نفس‌ها پاکیزه وقلبها براه راست هدایت گردد.

پس بااین مقدمه بسهولت درخواهیم یافت که جلسه امشب ما چه ارزش معنوی دارد زیرا باحضور شماها که هریك بحقیقت صاحب مکارم اخلاقی هستید و بیاد او یعنی دکتر شاه‌بهرامی کسی که درمدت عمر کوتاه خود قدمی جز در راه حقیقت و طریقت برنداشته و فکری جز خدمت بخلق را دراندیشه نداشته است.

مقام شامخ وارزندهٔ راکه مرحوم دکتر شاه‌بهرامی درعالم انسانیت و عالم پزشکی ماکسب کرده است برای ما یك فلسفه را روشن میسازد. آن فلسفه‌که همه ما درجستجوی آن هستیم. وآن فلسفه (مرگ وزندگی است).

مرگ را اغلب معمائی می‌پندارند در حالیکه مرگ علاوه براینکه معمائی نیست‌از ساده‌ترین پدیده‌هائی‌که ممکن است تصورکرد ساده‌تر میباشدگمان میکنم طرز ازبین‌رفتن مرحوم دکتر شاه بهرامی خود دلیلی براین ادعا باشد.

ولی آنچه‌که معماست آن زندگی است‌که سرتاسرش معما است. من نمیدانم که حضار محترم اتفاق افتاده است پیش خود زندگی رامجسم وآنرا تعریف وتوجیه وتجزیه وتحلیل نمائید؟ بنظر بنده زندگی از یك عمل فیزیولوژیك و غرائز دیگری آمیخته و بصورت یك‌سلسله رنجها وآزار وشکنجها تظاهر میکند. بطوریکه میشودگفت زندگی‌یعنی رنج یعنی عذاب.

منتهی همین رنج وعذاب است‌که بشررا درشاهراه ترقی سوق داده و آنرا بسرحد کمال وانسانیت رسانده است زندگی پیامبران بهترین دلیل بر این مدعی است. چه در تمام دورهٔ زندگی‌زجر کشیده ولی سرانجام در اثرپاکیزه‌کردن نفس خویش توفیق‌حاصل یافته وانسان کامل‌گردیده‌اند.

مرحوم دکتر شاه‌بهرامی هم به‌پیروی ازهمین اصل در فروردینماه۱۲۹۶ در یزد چشم بدنیا گشود - پدر ومادرش خرسند شدند‌که خداوند بدانها پسری عطاکرده‌است. آنها هم مانند سایر پدران ومادران دیگر خوابهای طلائی برای نور دیده خود دیدند و سرانجام آنرا بدست استاد دبستانی سپردند من نمیدانم‌که استادنخست مرحوم دکترشاه بهرامی‌کی بوده است ولی امشب بروح او درود میفرستم چه این طفل دبستانی راخوب‌و

باایمان بار آورد .

دکتر شاهبهرامی دوره‌های دبیرستان ودانشکده راببپایان رسانید ودرسال ۱۳۲۵ از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل گردید . چون شخصی باایمان وباتقوی بود بفکرافتاد که باید کانون خانواده تشکیل دهد .

دکتر شاهبهرامی قبل از اینکه ازدواج کند بامن زیاد رفت وآمدداشت وپیوسته بمن میگفت که از خدا میخواهم کسی راکه میخواهم شریك زندگی خود نمایم بسرحدپرستش دوست داشته باشم . چه خوب بمقصود رسیدوکسی را برای همسری برگزیـدکه حقیقتاً دوست داشتنی بود چه در تقوی - عصمت وپاکدامنی بی‌نظیر ودرکمك بشوهر وجلب خاطر شوهر هم یکتا بود دکتر شاهبهرامی در این هنگام نفسی‌کشید وتصورکردکه بهافق‌معهود خودرسیده استـغافل از اینکه آنچه راکه‌حس‌کردلمعهٔ سرابی بیش نبود ـ چه راه پرپیچ وخم‌دارتری در انتظارش بود ولی چون انسانی کامل ومردی باحقیقت بود باعزمی راسخ مشت‌ها راگره‌کرد وسربالائی زندگی را باتوفیق‌کامل طی‌کرد تا آنکه چون بحـدکمال رسید در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۴۴ دعوت حق رالبیك‌گفت وجان رابجان‌آفرین‌تسلیم‌نمود مرحوم دکتر شاه‌بهرامی علاوه براینکه درزندگی اجتماعی خود انسانی کامل و پزشکی وظیفه‌شناس شده بود در مدارج دانشگاهی همچنان مقامی‌کسب‌نمودکه ضرب‌المثل همکاران ودوستان بود.

دکتر شاهبهرامی فردی بودکه درمصاحبه همیشه جلب توجه میکردچه ، قیافهٔ بس باوقار وموزون وپیوسته خنده نمکینی برلب داشت‌که حقیقتاً غم وغصه را از دل شخص‌می زدود .

درست است‌که مرحوم دکتر شاهبهرامی یکنفر بود. یعنی ازشمار دوچشم یکتن‌کم ولی ازشمار خرد هزاران بیش ـ سالها مـادر وطن باید هزاران طفل صالح بار آورد و تربیت نماید تایکی مثل‌وی گردد.

مرحوم دکتر شاهبهرامی خیلی زود بزرگترین مقام دانشگاهی را کسب کرد ولی افسوس‌که زود رخت بربست وبسرای جاودانی شتافت .

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود.

هیچگاه نمیشود تصورکردکه دکتر شاه‌بهرامی ازبین ما رفته است - خیر دکترشاه بهرامی ازبین مانرفته است . تازه او مدارج کمال راطی‌کرده یعنی جسم خاکیش ازروح بالایش جدا شده و امشب درهمین جا وجود دارد یعنی درست درمقابل چشم شما و پهلوی

بقیه درصفحه ۵۸

سخنرانی جناب آقای دکتر معتمد استاد دانشگاه و رئیس بخش آزمایشگاه سینا در مجلس یادبود دکتر شاه بهرامی

همکاران محترم : خانمها . آقایان

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

مرحوم شادروان دکتر شهریار شاهبهرامی وهمسرشان در نتیجه یك سانحه وحشتناك ازبین رفت وقلوب تمام همکاران و دوستان خود را غرق اندوه وماتم کرد. من سالیان متمادی بامرحوم دکتر شاهبهرامی همکاری نزدیك داشتم وهرچه اورا بیشتر میشناختم به سجایای اخلاقیش بیشتر پی میبردم یادآوری وجلوه قیافه متین وجدی وساکت او تأسف مرا از فقدانش بیش ازبیش میسازد.

تأثر و تأسف من بیشتر ازاین جهت میباشد که سالیان دراز طول خواهد کشید تا کودکی شاه بهرامی گردد وبتواند دین خودرا نسبت باجتماع وخانواده خود اداو خدمات اجتماعی خودرا دنبال کند .

استادگرامی جناب آقای دکتر ورجاوند دربیانات خودشان فرمودند که امروز گرد آمدن ما در اینجا برای یادبودشادروان دکتر شاهبهرامی وخانمشان بوده ومجلس ما مجلس سوگواری نیست . ماهم خیلی مایلیم که سوگوار نباشیم لیکن طغیان احساسات مانع می- شود. ودرچنین مواقعی بشر همواره بسختی قادر بکنترل احساسات خودمیباشد. ماچطور میتوانیم دکتر شاهبهرامی راکه مدت قریب بیست سال از نزدیك با ما همکاری و آشنائی داشته و در تمام جلسات ومذاکرات جزو اعضای جدی و فعال گروه آزمایشگاههای بالینی بوده واکنون متأسفانه درمیان مانیست فراموش کرده وسوگوار نباشیم.

بافقدان مرحوم شادروان دکترشاهبهرامی دانشکده پزشکی یکی از افراددانشمند وآزمایشگاههای بالینی یك عضو مؤثر خود را از دست داد که باین زودیها نمیتوان جای خالی آنمرحوم را پرکرد .

به پیشنهاد گروه آزمایشگاههای بالینی وموافقت ریاست محترم دانشگاه قرار است که محل کار آنمرحوم دربیمارستان فارابی که ازبدو تأسیس تاکنون متصدی و رئیس آن

بقیه درصفحه ٤٠

بیانات آقای اردشیر جهانیان در مجلس یادبود روانشادان دکتر شاهبهرامی و بانو

جناب آقای ارباب رستم گیو رئیس انجمن زرتشتیان وسناتور محترم امشب وظیفه‌ای بینده محول فرمودند که انجام آن از دوجهت برایم بسیار دشوار است از یك جهت باید دربرابر اربابان فضل ودانش ادای مطلب نمایم که در خود چنین مایه وسرمایه‌ای نمیبینم و بدین سبب باید قبلا از استادان ارجمند استدعا نمایم که هرآینه قصوری احساس نمودند بربنده خورده نگیرند ازجهت دیگر بخاطر ازدست رفتن پزشکی دانشمند و خدمتگذاری فداکار باید دراینجا مطالبی بعرض رسانم درحالیکه این فقدان جبران ناپذیر آنچنان بنده را تحت تأثیر قرار داده که قدرت بیان را ازمن گرفته است همانگونه که آقای دکتر معتمد فرمودند درچنین موقعیتی محال است بتوان احساسات اندوهبار خودرا خاموش ساخت در هرحال وظیفه‌ای محول شده وخواه ناخواه باید انجام داد بنابرین بدواً از کانون محترم پزشکان زرتشتی که چنین مجلسی رافراهم نموده وفرصتی برای اظهار احساسات داده‌اند سپاسگذاری مینمایم وآنگاه لازم میدانم ازجناب آقای دکترصالح رئیس محترم دانشگاه و سایر استادان ارجمند دانشگاه که در تمام مراسم در تجلیل و بزرگداشت روانشاد دکتر شاهبهرامی بذل مساعی فرموده‌اند از طرف انجمن زرتشتیان وعموم زرتشتیان و خانواده شاهبهرامی سپاسگزاری نمایم .

در اینجا آقای دکتر معتمد درباره نامگذاری تالاری بنام روانشاد دکترشاهبهرامی نویدی دادند که انجام آن ازهرجهت بسیار پسندیده و تحسین آمیـز است و میتوان گفت اینگونه سیاست تشویق و تجلیل از خدمتگذاران که پیوسته ازطرف دانشگاه پیروی میشود سیاستی است بسیار عالی و از اینطریق است که همواره خادمین فداکار را وارد میـدان خدمت وعمل مینماید .

جناب آقای دکتر آرمین درضمن بیانات فاضلانه خود فرمودند که درچنین مجلسی باید مطالب علمی وآموزشی مطرح گردد اینجانب نیز باپیروی از این دستور مقام پزشك و طبقات پزشکان را در اوستا مختصراً باستحضار میرسانم .

در اوستا واژه بئیشه‌زوکه بمعنای دردزداست ومیتوان گفت کلمه پزشك نیز از همین واژه گرفته شده است بطبیب وپزشك اطلاق میشده همچنین در اوستا پزشکان بپنج دسته‌یاد شده‌اند که این پنج دسته عبارتند از :

۱ - اشوبئیشه‌زوکه مشتق از دو واژه اشو بمعنی پاکی وپاکیزگی وبئیشه زو بمعنی پزشك است که باصطلاح امروزی پزشك بهداشت‌مینامیم .

۲ - داتوبئیشه‌زوکه آنرا پزشك قانونی میخوانیم .

۳ - کرت بئیشه‌زو معنی آن‌کارت پزشك‌وباصطلاح امروزی جراح میگوئیم .

٤ - اوروروبئیشه‌زو که معنی تحت‌اللفظی آن دهنده داروی گیاهی است که امروزه پزشك بیماریهای داخلی مینامیم .

۵ - مانتره بئیشه‌زو پنجمین دسته‌ازپزشکان خوانده شده‌که باتلقین واندرزبیماران را درمان مینموده‌اند زیرا کلمه مانتره بمعنی کلام مقدس است ودر حال حاضر روانپزشك گفته میشود .

مطلب مهم دیگری که در اوستا تعلیم رفته طریقه صدور اجازه‌نامه طبابت‌است همان طورکه میدانند در حال حاضر با ادای سوگندنامه سقراط اجازه طبابت داده میشود، اما در آنزمان سوگندنامه عملی برای سنجش وجدان و احساسات معمول بوده است بدین معنی‌که پزشك پس از پایان تحصیلات میبایستی سه‌بیمار دشمن را درمان‌نماید ودرصورتی که این سه بیمار درمان یافت‌آنگاه‌اجازه طبابت ودرمان‌بیمار خواهد داشت این‌مهمترین مرحله‌آزمایشی پزشك است زیرادراینجاست که‌کنترل احساسات وسنجش وجدان‌هرپزشکی تشخیص داده میشود ،

گذشته ازین تعالیم دراوستا پزشك راهمانند مقام روحانیت وخدمتگذاران اجتماع ستوده و در ردیف آنها خوانده است . درواقع هم باید چنین باشد زیرا خدمت پزشکی خدمتی است اجتماعی وهمگانی ایندسته از دانشمندان هستندکه برای نجات جان مردم میکوشند و ازاینجهت است‌که خدمات آنها همواره مورد ستایش بوده وخواهد بود وبه‌جرأت میتوان گفت‌که در اجتماع امروز هم پزشکان دارای قرب و منزلتی خاص هستند کما اینکه در این حادثه جانگداز عده‌ای دیگر هم جان خود را از دست دادند اما خبر شهادت روانشاد دکتر شاهبهرامی چون بمبی بودکه درکشور منفجرگشت و همه را تحت تأثیر قرارداد آنچنانکه هنوز هم اثرات آن بخوبی آشکار است چه‌که همه میدانیم برای رسیدن بمقام عالی پزشکی ۱۲ سال تحصیل در دبستان و دبیرستان و هفت سال دورهٔ تحصیلات پزشکی راباید پیمود تابااین مقام رسید وآنگاه لااقل‌چهارسال‌لازم است‌که دوره تخصصی راآموخت وسپس‌باچندین سال تجربه وتحقیق میتوان بپایه دکترشاهبهرامی رسید ولیاقت خدمت یافت .

بقیه در صفحه ٤۱

از : سرهنگ ۲ میرمهدی موبد (سرباز)

پشت بر ایران و ایرانی مکن

در این چامه روی سخن به جوانانی است که بنام دانشجو به اروپا و امریکا میروند و پس از آنکه دانشی اندوختند و بجایی رسیدند ایران و ایرانی را پاك از یاد میبرند و با بیگانگان پیوند زناشوئی میبندند و این نمیدانند ایران همان سرزمینی است که آنان را در آغوش خود پرورده است و ایرانیان همان مردمان پاکدلی هستند که هزینه آموزش آنان را پرداخته اند و آرزومندند به ایران باز گردند در راه سرافرازی ایران و ایرانی بکوشند .

ای که گشتی دور از آب و خاك — کردی از آئینه دل جهل پاك
جان من برگرد بر این خاك پاك — مادر از هجران خود گریان مکن
میهنت نوشیروان را بستر است — خوابگاه کاوهٔ آهنگر است
باش اندر زندگی میهن پرست — خانهٔ اجداد خود ویران مکن
از هوس بیچاره میگردد بشر — سوزد از نار هوس هر خشك و تر
سود ایران را مکن دور از نظر — با وطن رفتار نامردان مکن
مهر ایران ریشهٔ ایمان من — جانفشانی در رهش پیمان من
یادی از اجداد خود کن جان من — اصل خود را در جهان پنهان مکن
روبه اندر بیشه شیران میار — دزد بر کاشانه پیران میار
همسر بیگانه بر ایران میار — ناکس اندر خاندان مهمان مکن
هان مشو مست اروپایی گری — با خرد در گفته‌ام کن داوری
گفتهٔ (سرباز) نبود سرسری — پشت بر ایرانی و ایران مکن

نوشته و گردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

از ۱۲۶۸ ببعد

(۱۷)

درسال ۱۲۶۸ محمد حسن خان سردار ایروانی بفرمانروائی کرمان منصوب شد و شاهزاده مؤیدالدوله روانه تهران گردید وسردار مشغول انجام امور کرمان شد و مدت سه سال حکمرانی نمود و درسال ۱۲۶۹ چون اشراربلوچ زوار وتجار را درحوالی راه طبس غارت کردند و هفت ت ـــــــــــــــ ن راکشتند و معادل هفت هزار تومان اموال ایشان را بردند محمد حسن خان سردار فرزند خود عبداله خان را بحدود بلوچستان فرستاد و اوتا قلعه سورمیچ که حدود مکران است برفت این محمد خان با بزرگان بلوچ استقبال کرده گوسفند فراوان آوردولی عبداله خان روزسیم جمادی‌الاول ۱۲۶۹ وارد قلعه قصرقند شد مردم بکوهستان فرارکردند عبداله خان امام علی‌خان سرهنگ را بانصراله‌ـ خان وقاسم آقای یاور مأمورتصرف چندقلعه نمود درضمن محمد حسن خان ایروانی موفق بفتح رودان وقلاع بندرعباس نیزشده است زیرا در سال ۱۲۷۰ بامرشاه محمد حسن خان سردار امام علیخان سرتیپ را بالشکر بسمت رودان وعباسی روانه ساخت و اعراب راکه آنجا آمـده بودنـد خـارج ساخـتند . از وقـایع این زمان باز چند فقره جنگ با بلوچهـا بود کـه در همـه قوای دولتی فـاتح شدند و قلعه‌های مختلف را متصرف شدند وباغ ناصری امروزنیز ازباغهای احداثی محمدحسن خان درسال ۱۲۷۱ میباشدو بطوریکه مینویسند درسال ۱۲۷۱ درقریه سعیدی درگذشت. بدنیست که گفته شوددرزمان محمدحسن خان سرداروبائی درکرمان حادث شدکه معروف بوبای سرداری میباشد .

دیگرازحوادث زمان این حاکم این است که در سال دوم حکومت سرداردرکرمان برفی آمدکه ازیك ذرع معمول متجاوز بود و هرگز در شهرکرمان و بلوکات آن این نوع برف کس ندیده بود و خرابی زیاد ببار آورده منجمله درخت انجیر وانگورو انار را از آن برف در نرفت .

پس از فوت سردار حکومت به غلامحسین نام سپهدار رسید در زمان این حکومت هم اشرار بلوچ عده‌ای از زائرین را در محلی موسوم دیگ شتران گرفتار و اموال را غارت و سه تن از اطفال را اسیر کردند و از آنجا به خبیص آمده و ده قاضی را تاراج و چند کس راکشتند سپهدار به امامعلی خان سرتیپ که در بم بود ماموریت داد و او را مـامور دفع اشرار نمود او نیز با سواران از راه لوت زنگی احمد بلوچها را تعقیب و در سه منزلی سیستان آن جماعت را یافت و همه را دستگیر و امـوال را پس گرفته و سی و چهار نیزه سر بهمراهی حاجی خان غلام ایروانی بدارالخلافه فرستاد عده‌ای از خوانین بلوچ عرض فرمانبرداری نمودند ولی یکی از خوانین بنام محمدشاه خان سبی باستظهار قلعه سب لوای خودسری افراشت امامعلی خان سرتیپ با سپاه کـرمان قلعه را مفتوح و مدافعین را اسیر ساخت و بکرمان روانه نمود .

در ضمن احوال(۱۲۷۲) قشون کـرمان به بندر بوشهر آمده و حسب الامر قشون کرمان بحال آماده باش بجیرفت حرکت کرد که در صورت لزوم بسواحل یا بلوجستان و سند حـرکت کند ولی چنانکه میدانید بر اثر رسیدن قوای انگلیس به بندر بوشهر و تهی بودن خزانه مملکت وفشار صدراعظم بفرخ خان امین‌الملك کاشی که در این وقت در پاریس بود ناچار قرارداد ۱۲۷۲ قمری در پاریس بسته شد وکار افغانستان بضرر ایران اتمام یافت و طبعا قشون نیز از نواحی جنوب بمحال خود بازگشتند .

بعد از سپهدارحکومت کرمان باکیومرث میرزا (۱۲۷۵ـ۶) بود کـه بـا وجود جوانی دراثرحسن سلوك بااهالی بلقب عمیدالدوله سرفرازشد ودر زمان این حاکم محمد اسمعیل خان نوری پیشکار بود وملخ خوارگی عجیبی روی داد.

در ۱۲۷۷ مستقلا حکومت کرمان را به محمد اسمعیل خان نوری تفویض کردندکه بعدازدوسال بلقب وکیل‌الملکی ملقب شد وایشان جد خاندان اسفندیاری وعامری میباشند واولادش مثل مرتضی قلیخان وعدل‌السلطنه وسردارنصرت‌مدتهاحکومت کرمان راداشته‌اند.

وایشان مصدرخدماتی برای‌کرمان بوده وازطرف شاه وقت در ۱۲۸۲ بلقب جلیل سرداری ملقب گردیده وحتی نامش برای وزارت اعظم دربار برده میشده است.

با همه طوایف کرمان بخوبی بسر برده وحتی دختر داد ودختر گرفت. درتجارت با کلکته وهندوستان وزراعت درکرمان بی‌نظیربود ومدت حکومت او ۹ سال بود وبالاخره در۱۲۸٤ فوت نمود وبقول رساله سایکس چون مأمورسفرسیستان شده بودهمین مسافرت تابستانی سبب مرگ او شد .

بعد ازفوت ایشان شهاب‌الملك بمدت یکسال وکسری حکومت کرمان را داشت و

وخدماتی انجام داد وبه تهران احضار ونیابت حکومت را به جعفرقلیخان منسوب خود واگذار نمود وپس از رفتن مشارالیه مرتضی قلیخان سرتیپ پسروکیل‌الملك نیزدر رکاب ایشان به تهران رفت و بعداً در اثـر لیاقت حکومت‌کرمان و لقب وکیل‌الملکی بایشان مرحمت شد ونه سال‌حکومت کرد تاعلی محمد نامی ازمردم بی سروپای کرمان به تحریك مفسدین بواسطه‌گرانی حبوبات وگرانی غله ایجاد ازدحام وشوروشر نموده‌تا وکیل‌الملك به تهران احضار شد و حاجی غلامرضاخان شهاب‌الملك که بعداً ملقب به آصف‌الدوله شده بود بایالت‌کرمان‌سرافرازآمد (۱۲۹۵) ایشان‌کمال مراقبت را درنظم شهروبلوکات نمودو مردم راآسوده مرفه‌الحال بداشت وعده‌ای ازاجامرواوباش شهرنیزیحیی خان کلانتر شهر را بقتل رسانیدندوبطوریکه میگویند موقع ازدحام مردم یحیی خان کلانترسواره به چارسوق بازارآمده‌بمردم تندی میکندیکی میگوید قربان مردم نان میخواهند کلانترمیگوید (۰۰۰۰۰۰ اسب مرا بخورند) مردم غوغاکرده کلانتررا از اسب‌کشیده ودروسط چهارسوق زیردست وپا له میکنند وقتل کلانتر موجب تغییر حکومت میشود و شاهزاده نصرت‌الدوله فیروز میرزا فرمانفرما راکه مقارن همان اوقات ازوزارت جنگ استعفاکرده بود به فرمانروائی کرمان منصوب کردند(۱۲۹۶) وطبق امرشاه اموراانتظامی وامنیتی محل را ازایشان خواستارشدنداین بودکه ایشان شخصاً بکرمان آمده ولدی‌الورودداشرارومفسدین رادستگیرو قاتلین یحیی‌خان کلانترکرمان را بمکافات رسانیدند وبلده و بلوکات‌کرمان را قرین امنیت وانتظام فرموده وبااینکه سال قبل درکرمان قحط وغلا بودنرخ ها را بطوری ارزان کردکه‌درآن‌سالهادرکرمان‌کسی جنس‌بآن‌ارزانی ندیده بود وگندم‌ونان داخرواری که یکصد من تبریز باشد ۲۵ ریال و جو ۱۵ ریال وگوشت یکمن یکریال و قس علیهذا

ازهرجهت‌اهالی‌کرمان وبلوچستان راقرین‌آسایش‌فرموده‌این‌شاهزاده اهل‌شعروادب نیزبوده و روح‌الله خالقی درسر گذشت موسیقی ایران اورا از استادان بنام‌کمانچه دانسته است. برای آشنائی و شناسائی باید اضافه نمودکه شاهزاده فیروز میرزای نصرت‌الدوله شوهر حاجیه هما خانم دختر بهاءالدوله پسر عباس میرزای ولیعهد یعنی نوه فتحعلیشاه و عموی ناصرالدین شاه بودکه قبلا لقب سالارلشکرداشته وبعداً لقب فرمانفرما یافته است. عبدالحسین میرزای فرمانفرما پسرهمین زن (هما خانم) بوده است .

هما خانم سه دختر دیگر هم از این شوهر داشته است‌که یکی حضرت علیا همسر مظفرالدین شاه و مادرناصرالدین میرزا وخانم فخرالدوله بوده است دیگری خانم نجم‌السلطنه‌بانی بیمارستان نجمیه است. سومی نیز ماه سیما خانم‌میباشدکه در شیراز مدفون است .

پس ازیکسال ونیم اقامت درکرمان درسنه ۱۲۹۸ برحسب استدعای شاهزاده نصرت‌الدوله فرمانفرما حکومت کرمان به شاهزاده سلطان حمید میرزای ناصرالدوله فرزند ارشد ایشان واگذار شد ونصرت‌الدوله عازم تهران وسید میرزای ناصرالدوله عازم کرمان شدودرانار ملاقات بین پسرو پدردست دادوامور مهمه ایالتی را بفرزند حالی نمودکه بعد ازیکی دوروز ملاقات پدرطریق طهران وپسرراه کرمان را درپیش گرفت. کفایت‌وشجاعت ناصرالدوله مشهورایران بلکه درممالك خارجه هم اشتهارداشت پس ازورودکرمان انواع مهربانی وسلوك را بااهالی فراخورحال وحرکت هرکس بعمل آورده هرجا وهرکس که مقتضی سیاست بود معمول فرموده وهمه روزه ازبام تاشام مشغول انجام امورایالت و نظم مملکت ووصول وایصال‌مالیات واقساط دیوانی وتربیت وتعلیم افواج‌کرمانی واصلاح امور رعیت وقشونی بود بعدازدوسال وکسری که شاهزاده نصرت‌الدوله فرمانفرمادرتهران برحمت ایزدی پیوست لقب فرمانفرمائی هم بارث باورسید شاهزاده ناصرالدوله پس از یازده سال حکومت درکرمان در سال ۱۳۰۹ قمری وفات یافت شش سفر بـه بلوچستان نمود باغ شاهزاده کرمان درماهان که ازباغهای زیبا وبزرگ ایران محسوب میشود ازبناهای ایشان است که سالها وقت وپول بسیارصرف ایجاد آن شده است.

ناصرالدوله درسفرهای بلوچستان ازجنگ وجدال های مهمی که بین بعضی طوایف روی داده بود جلوگیری نمود خدمت مهمی که بـا کمك ابراهیم خان سرهنگ فرزند علی خان بمی نمود از استقلال بلوچستان جلوگیری کرد .

میجرساکس مینویسد قضیه آقاخان (که قبلا بدان اشاره شد) باستقلال بلوچستان لطمه وارد آورده و موجبات سقوط این ناحیه را فراهم‌کرد ابراهیم خان بمی‌که نانوازاده‌ای رشید بود باستقرار صلح و آرامش در بلوچستان نایل شد سرالیورسنت جان در ۱۸۷۲ درتوصیف او چنین مینویسدکه حاکم بم وفرمایش بلوچستان شخص کوتاه اندامی است که در یکی ازنواحی پرغوغای آسیا صلح وصفا حکم فرما نموده است.

بعدازابراهیم خان حکومت درخاندان اوماند و زین‌العابدین خان ملقب به اسعدالدوله بحکومت رسیدکه احفاد او امروز دربم به سالار بهزادی معروف میباشند درقضیه کمیسیون تعیین سرحد ایران وبلوچستان و دخالت زین‌العابدین خان وبالاخره واگذار نمودن ناحیه‌ای از بلوچستان به انگلیسیها گفتگوهائی هست ودر تاریخ سایکس نیز بآن اشاره‌ای شده است.

خلاصه دردوساله آخر،دردگلوی معروف که بعضی‌ازاطباءاورانوعی‌ازطاعون شمرده‌اند

بقیه درصفحه ۵۷

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ - آقای مهربان نوشیان فرزند آقای خداداد بادوشیزه مروارید بهمردی دخت آقای مهربان در ٤٤/٤/۲۸

۲ - آقای کاوس ویرابیان فرزند آقای خداداد بادوشیزه شیرین دخت اهورائی زاده دخت آقای مهربان در ٤٤/٥/۲۱

۳ - آقای سهراب خادمی کلانتری فرزند دینیار بادوشیزه مهیندخت ماوندادی دخت آقای سروش در ٤٤/٥/۲۳

دهش خیراندیشان

۱ - جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس شورای ملی کمك بنیازمندان ۲۰۰۰ ریال

۲ - آقای دکتر خسرو نامداران بابت کمك به نیازمندان ۱۸۰۰ ریال

۳ - آقای ارباب رستم جمشیدیان بابت تعمیرات دبستان جمشید جم ٤۰۰۰۰ ریال

٤ - سرکار بانو ایران تهمتنی بابت خرید لوازم برای آدریان بنامگانه روانشادان گشتاسب رستم مهربان یزدی تهمتنی ومروارید رستم مهربان یزدی تهمتنی ونرگس موبد خدابخش ظهراب

تهمتنی ۱۰۰۰۰ ریال

جمع ٥۳۸۰۰ ریال

گواه گیری وسالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای مهربان نوشیان بابت گواه گیری ۱٥۰۰ ریال

۲ - آقای کاوس ویرابیان بابت گواه گیری ۱٥۰۰ ریال

۳ - آقای سهراب خادمی بابت گواه گیری وسالن ۲۲٥۰ ریال

جمع ٥۲٥۰ ریال

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیر در برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ - آقای رستم ستوده نیا ۱۰۰۰ ریال

۲ - ورثه شادروان رستم فرهنگی ۱۰۰۰ «

۳ - بانوسرور فرودیان ۱۰۰۰ «

٤ - آقای دکتر اسفندیار استقامت ٤۰۰ «

٥ - « رستم فرودی ۲۰۰ «

٦ - « جوانمردی کرمانی ۲۰۰ «

۷ - « مهربان مه‌آبادی	۱۰۰ «
۸ - « دکتر دینیاری	۱۰۰ «
۹ - « دکتر بنداری	۱۰۰ «
۱۰- « نامدار کیخسروان	۱۰۰ «
۱۱- بانو کتایون فریدون ایزدی	۱۰۰ «
جمع	٤۳۰۰ «

سالن ایرج = پرسه

۱ - وراث روانشاد خداداد مهرابی ۶۰۰ ریال

۲ - وراث روانشاد مروارید اسفندیار شهریاری مبارکه ۲۰۰ ریال

۳ - وراث روانشاد بانو اردشیر کیخسروان ۵۰۰ ریال

جمع ۱۳۰۰ ریال

شاهورهرام ایزد

۱- آقای خداداد خدابخشی	۳۰۰ ریال
۲- « شهریار بامسی	۲۰۰ «
۳- « رستم کسرائی	۱۵۰ «
٤- « بهرام مدادائی	۱۵۰ «
۵- « خدابخش مرزبانی	۱۵۰ «
۶- « جمشید خداوندی	۱۰۰ «
جمع	۱۱۵۰ «

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ - دهش آقای مهندس شاهبهرام کیامنش فرزند روانشاد میرزا اردشیر کیامنش برای سالن ایرج کولر ارج یکدستگاه

۲ - یکنفر خیراندیش بنامگانه روانشاد هرمزدیار فریدون ایزدی برای سالن ایرج ساعت دیواری بزرگ یکدستگاه

سدره پوشی

آقای سیروس مهربان نوشیروانی در ٤٤/۵/۲۲ ازطرف خودشان درشاهورهرام ایزد

درگذشت

۱ - روانشاد کیانوش خسرو آذر کیوان در ٤٤/۵/۲۵

۲ - روانشاد بانو اردشیر کیخسروان در ٤٤/۵/۹

۳ - روانشاد فریدون منوچهر فریدونی در ٤٤/۵/۲۱

٤ - روانشاد شیرین مهربان شیرمردی مریم آباد در ٤٤/۵/۲۲ ازجهان درگذشته‌اندروانشان شادباد.

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۶۵۹ نفر
« دندانپزشکی	۳۸۵ «
« آزمایشگاه	۱۲۱ «
« تزریقات وپانسمان	۱۰۲۲ «
« دیاترمی	۵ «
« بخور پیسیلین	۳۰ «
جمع	۲۲۲۲ «

اخبار سازمان فروهر

(جوانان زرتشتی)

تأسیس کلاسهای عالی مذهبی

در این ماه کلاس عالی مذهبی زیر نظر

آقای مو بدرستم شهزادی تشکیل شد. دانش آموزان این کلاسهارا همان شاگردانی تشکیل میدهند که طی چند سال شش کلاس دینی سازمان را باتمام رسانده اند.

بدیهی است کسانیکه بتوانند آزمایش ورودی آنرا باموفقیت بگذرانند، میتوانند ثبت نام نمایند.

اجتماعی

جلسهٔ پیك نیك مانند گذشته ادامه داشته و با استقبال همگانی روبرو شده است. در تیرماه گردش دستجمعی باشرکت یکصدو نود نفر ازهمکیشان درنساء برگزارشدکه از برنامه‌های مختلف این جلسه فیلمبرداری رنگی نیز بعمل آمد.

جلسات نمایش فیلم

ازماه گذشته برنامهٔ تازه‌ای بصورت نمایش فیلم که هر هفته مرتباً شبهای چهارشنبه برگزار میشود، آغاز گردید.

در این جلسات فیلمهای آموزنده علمی، اجتماعی، ملی و هنری نمایش داده میشود و خوشبختانه همکیشان ارجمند و بویژه جوانان استقبال فراوانی ازاین جلسات بعمل آورده‌اند. از اینرو سازمان مصمم است مرتباً این برنامه را همچنان ادامه دهد.

جلسات دیدار

توأم باشور وهیجان همیشگی هر دوهفته یك بارپنجشنبه‌ها برگزار گردید.

سخنرانی

روز پنجشنبه بیست ویکم امردادماه آقای برونوتیرو از اعضاء سازمان مزدیسنان فرانسه، دربارهٔ تاریخچه و نحوهٔ فعالیتهای سازمانهای مزدیسنان جهان سخنرانی مبسوطی ایرادنمودند و درپایان بپرسشهای حاضرین پاسخ گفتند.

هنری

هنرمندان سازمان ازهم اکنون مشغول فعالیت جهت آماده کردن برنامه‌های ارزندهٔ هنری جشن مهرگان میباشند.

امید است همکیشان ارجمند باکمکهای بی دریغ خود بنیهٔ مالی سازمان راتقویت نمایند تا بتوان جشن رامطابق انتظارعمومی برگزار نمود.

دهش خیر اندیشان

۱ - آقای اربـاب اردشیر فرهادیه جهت سدره پوشی بنامگانه والدهٔ گرامیشان ۵۰۰۰ ریال

۲ - آقای بوذرجمهر بـزرگمهری جهت تعمیر مبل ۱۰۰۰ ریال

نیازمندیهای سازمان فروهر مطابق لیست ماه گذشته می‌باشد وانتظار میرودصاحبان خیردر این قسمت مارا یاری فرمایند.

اخبار شهرستانها

کرمان

از: گودرز فرامرزی

سدره پوشی

در روز بیستم امرداد ٤٤ که برابر باسی روز ازدرگذشت رادمرد نیکوکار شادروان خـداداد مهرابی بود بنا بدعوت قبلی از سوی اعضاء کمیته خیریه خداداد مهرابی ازکلیه جماعت زرتشتیان ساکن کرمان، آئین مذهبی ونیـایش در محـل پذیرشگاه خداداد مهرابی برگزار گردید.

از هنگام بامداد تا نیمروز آئین ومراسم جشن خوانی باشرکت کلیه موبدان کرمان بطرز بسیار آبرومندی برگزارگردید ونیز بعدازظهر همانروز دونفر بهدینان آقایان کیخسروسهرابی



وبهرام کملاغی بمناسبت همین روز از سوی کمیته خیریه خداداد مهرابی سدره‌پوشی شدنـد سپس آقای اسفندیار بهی‌زاده اشعارذیل را که سروده بودند خواندند :

جهان چیست آئینهٔ فعل ما
در او منعکس‌نقش افعال‌ما
«بیاری‌پروردگار توانا و درپرتوروانهای تابناك»
بمهرابی پاك نیكو سرشت
درود ثناها بباید نوشت
بپادافره نیكخواهـی او
بهشت برین جاودان جای‌او
دژم گشته‌ام‌زآنك این‌مردپاك
نماند و ندید هودهٔ تابنـاك
ولی بیگمان نام اینمرد نیك
به‌پندار وگفتار وکردار نیك
براه خدا و زراتشت پـاك
نمـودار اندیشهٔ تـابناك
بدلهای مردم نشسته چنان
بماند مراین نام تا جاودان
بژرفی ببین وبیندیش ازآن
ستوده مهی از میان جهان
چنین‌رخت‌بربست‌وشادان‌برفت
خوشا برتوای مهتر نیكبخت
چونام‌توبرجان‌ودلهای‌ماست
روان توبی‌شك بفرجام‌ماست
ازاین‌مرگ‌واندوه‌پیروجوان
همه زاروگریان‌وخسته روان
چودل مهرتویاد دارد زیـاد
بتومرگ ونیستی نزیبدزیاد
خداداد داد تـو از نیكوئی
بفردوس جایت چنین بغنوی
روانت بفردوس مسرور باد
فروزنده باد و پرازنور باد
بیاری پروردگـار بزرگ
اباكوشش‌این‌ساختمان سترك
بپایان رسدجای زایش شود

روان ترا پـر نیـایش شود
فروغ تو بر جان پاکت گواست
درودی چنین بر روانت گواست
فروزنده بادا روان و برت
پر از نور بادا همی پیکرت
سزاواری ازپاك جان آفرین
درود و عطاء و بهشت برین
دگر آنکه تاهست برپاجهان
بود نام نیکوی تو جاودان
بهی زاده برمرگ مرد خدا
مشو غمزده پاك شو از ریا

پس از آن گودرز فرامرزی اشعاری راکه بهمین مناسبت سروده بود بشرح زیر خواند:

این درنشود یافت که هم سوده وهم خام یکی است
ساقی و می کوثر در کام تو و جام یکی است
از فضل و ادب تا بکمالات خداداد دو تا است
در جامعه مهرابی و در خلد ورهرام یکی است
ایـن همت عالیست و یـا پرتـو مـزداست
ای خاك سیه حیف که این گوهر یکتا است
از جود سخا تا بکرامات خداداد دوتـاست
در جامعه مهرابی و درخلدورهرام یکی است
نقدینهٔ عمـرت . شد . وقف بشر خاکی
تا اجر چه‌ها یابی کرفه است توراحاکی
موقوفه کجا؟ تا بامانات خداداد دوتاست
در جامعه مهرابی ودرخلدورهرام یکی‌است
در زادگهت کرمان دادی همه را درمان
زایشگه نوسازت بعد از تـو رسد پـایان
هر ابنیهٔ تا بعمارات خداداد دو تـاست
درجامعه مهرابی ودرخلد ورهرام یکی‌است
صدقرن دگر مادرگیتی چوتوفرزند نبیند
این موهبت از جانب مزدا بدل کس ننشیند
از روح صفا تا بخرابات خداداد دوتاست
درجامعه مهرابی ودرخلد ورهرام یکی‌است
از مرگ توشد بریان. دلها ونشدگریان
بایست وگرنه خون از دیده شود جریان
دلها بگرو . تاباسادات خداداد دوتااست
درجامعه مهرابی ودرخلدورهرام یکی‌است
گـودرز شده قـاصر ز انـدیشهٔ پـاك تو
کردار چوکرفه‌گر نور است بخاك تـو
فرمان‌ززبان. تا بامارات خداداد دوتااست
درجامعه مهرابی ودرخلدورهرام یکی‌است

در پایان آقای بیژن کشاورزی بیانیه‌مبنی بر کارهای نیك وخیرآن‌رادمرد بزرگ وستایش ازخدمات گرانبهایش ازحضار خواسته شد کـه باحترام آنروانشاد برپاخاسته ویکدقیقه سکوت نمایند ودرپایان نیزلرك توزیع گردید.

دهش خیراندیشان نیکوکار

آقای دکتر اسفندیار یگانگی جهت‌مصرفی داروهای درمانگـاه زرتشتیان کرمان از طهران اهداء نموده‌اند مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال

آقای ش.ك. که نخواسته‌اند نامشان‌ذکر شود جهت مصرفی داروهای درمانگاه زرتشتیان کرمان مبلغ۵۰۰۰ریال

بانوهمایون کیانیان جهت مفروش‌سالن‌های شاه‌ورهرام‌ایزدکرمان زیلوی‌بافت یزد سه تخته

یزد

از : آقای نسیمی

دهش خیراندیشان

جناب آقای دکتر اسفندیاریگانگی نمـاینده

محترم مجلس شورایملی بموجب حواله تلگرافی شماره ۴۲ مورخه۴۴/۵/۱۸ مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای کمك ببودجه سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد بحساب جاری ۳۳۵۷ بانك ملی یزد مرحمت نموده‌اند که موجب مزید سپاسمندی است. اعضاء سازمان و باشگاه تندرستی و دیرزیوشنی معظم‌له را از اهورامزدا آرزومندند.

جناب آقای دکتر فریدون ورجاوند بموجب دو امر کتبی شماره ۵۴ بانك ملی سعدی مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای کمك ببودجه سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد بحساب جاری ۳۳۵۷ بانك ملی یزد مرحمت نموده‌اند که باعث مزید سپاسمندی میباشد افراد سازمان و باشگاه موفقیت و تندرستی ایشان را از خداوند خواستارند.

بیاد روانشاد استاد گوهر

نوشته: آقای شهریار خدایاری

استاد گوهر بانوئی بود ۹۳ ساله که دوران عمر گرانبهای خویش را در راه خدمت بفرهنك واجتماع گذراند خدمت در راه فرهنگ از آنطریق که در سابق دوشیزگان از رفتن بدبستان و فرا گرفتن علم وهنر منع میشدند و فقط عده بسیار معدودی بمدرسه آنزمان میرفتند.

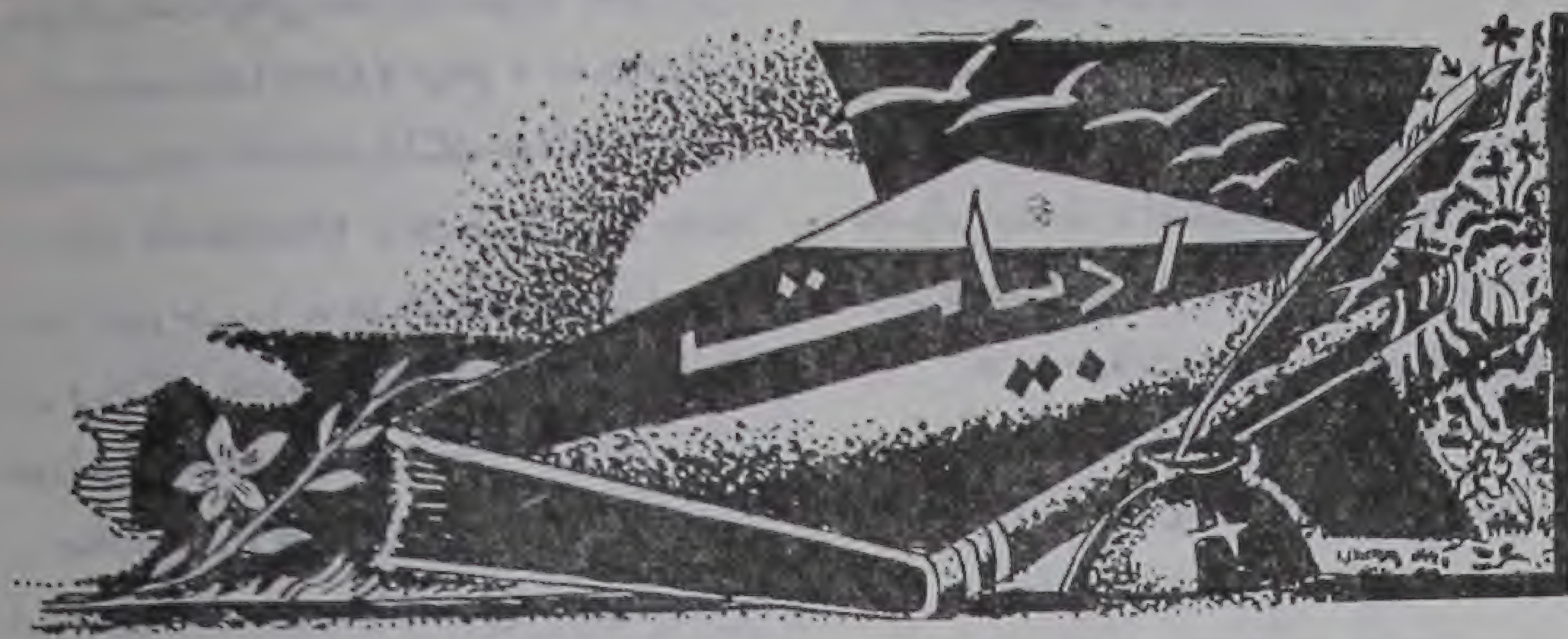
این بانوی فرهنگدوست در آنزمان مشوق دوشیزگان بود و مبارز سرسخت بیسوادی تا آن جائیکه دوشیزگان را همراه خود بدبستان میبرد ودر تعلیم علم وهنر بآنان فروگذار نبود و از این راه وطریق دسته دسته دوشیزگان بسوی دبستان رهسپار میشدند و استاد گوهر بادلسوزی ومراقبت فراوان در اشاعه علم وهنر بآنان کوشید.

همیشه اوقات بخصوص در ایام تعطیل تابستان منزل آن شادروان مکتب علم وهنر بود ودوشیزگان جماعت درخانه آن بهشت آشیان بفراگرفتن علم و هنر مستفیض میشدند.

استاد گوهر در ۲۵ خرداد ۴۴ دیده از جهان بربست وبسرای جاودان شتافت حس‌قدر- شناسی مردم درروز تشییع جنازه‌اش بخوبی نمایان بود. زن و مرد وپیرو جوان در مراسم تشییع جنازه آن روانشاد شرکت جستند وبفرزند برومندش ارباب جمشید پارسا که مراسم مذهبی روانشاد مادرش را بنحو آبرومندانه برگذار نمود تسلیت میگفتند. درمراسم مذهبی وپرسه آن بهشت آشیان مردم پس از گفتن تسلیت بارباب جمشید یك جمله دیگر هم اداء مینمودند وآن جمله این بود که «انشاالله همه مادران دارای فرزندانی مانند شما باشند».

شادی روان آن بهشت آشیان وعمر طویل همه بازماندگان را از درگاه یزدان پاك خواهان وخواستار است.

قابل توجه مشترکین محترم



از : روانشاد سروش سپهری

نصیحت

ای پسر گر تو خوری در این جهان یك چند غم
روح تو افسرده گردد می شود عمر تو کم
ای دل از بی‌چیزی و فقر و پریشانی منال
دولت و بختت اگر افزون شود بر خود مبال
زانکه آخر بگذرد عمر و نمانی در جهان
پس اگر بی غم بزیوی تو نبینی زان زیان
با سعادت شد کسی در این جهان کو غم نخورد
هر که غم بیهوده خورد اولذت از عمرش نبرد
مال و تخت و حال نیك و روز خوش دراین جهان
بر کسی دائم نماند همچنین فقر و زیان
حالیا ازفقر وبی چیزی مخور غم‌درزمان
گر کنی شادی نبینی هیچ در دنیا زیان

نوشته : رشید شهمردان

گوهرهای نهفته

مشک آنست که خود ببوید
نه آنکه عطار بگوید

گوهرهای نهفته چهاردهمین تألیف سرکار سرگرد اورنگ چند روز پیش برایم رسید . نوشتن آفرینباد چنانکه باید وشاید بر نوشته‌های این دانشمند باذوق و آگاه و ایران‌پرست که با پشت‌کار و همت عالی و روش نوین در گزارش فرهنگ ایران باستان کوشاست از ما دنیاپرستان وخوانندگان سطحی ساخته نیست

گوهرهای نهفته مرا بیاد پیشگوئی روانشاد هیربد بهمن‌جی دهابر استاد اوستا و پهلوی ومرجع حل مشکلات ایرانشناسان مغرب‌زمین انداخت .

در حدود ۲۰ سال پیش برای حل مشکلی از اردیبهشت یشت بخدمت اورفته بودم، ترجمه‌های مغربیان و حتی دانشمندان پارسی‌که ازآنها پیروی نموده بودند باذوقم برابر نبود و باگزارش آن بفکر خودم اختلاف بسیار داشت . رأی ایشان راجویا شدم.خندان شد گفت گزارشی راکه نمودم درست و بجاست . آنگاه فرمود:

« زندگانی من بآخر رسیده ولی‌خواهیددیدکه در آینده نزدیکی دانشمندان‌ایران زمین در پژوهش اوستا وفرهنگ ایران‌باستان کوششی بسزا خواهند نمود واشتباهاتی‌راکه مغربیان وماپارسیان بواسطه ناآشنائی بزبان پارسی ومحیط ایران درگزارشات اوستا و پهلوی نموده‌ایم درست خواهند نمود ، زیراکه آنها ایرانی و پارسی زبان مادری ایشان است وآوستا ریشهٔ زبان پارسی .»

اینک سرکار سرگرد اورنگ با نشر تألیفات خویش بخصوص گوهرهای نهفته نه‌تنها درستی آن پیشگوئی را ثابت واشتباهات ولغزشهای ایرانشناسان گذشته را نشان داده‌اند بلکه خدمت بزرگی بفرهنگ ایران باستان ونیاگان ایرانیان بویژه پارسیان نموده‌اند. امیدوارم چنانکه در آفرینباد بررسی یسنا پیش‌بینی نموده‌ام به بررسی تمام یسنا واوستا توفیق حاصل نمایند. ایدون ترج باد.

بمبئی ۲۰ ژوئیه ۱۹۶۵

گزارش کتابخانه اردشیر یگانگی وابسته بانجمن

زرتشتیان تهران

از اول دی ماه تا پایان تیرماه ۱۳۴۴ تعداد ۲۹۷ کتاب و ۶۰ جلد مجله توسط اشخاص نامبرده زیر بکتابخانه اردشیر یگانگی اهدا گردیده که موجب کمال سپاسگزاری است .

کتابخانه آبراهام لینکلن	۸۷ جلد
آقای منوچهر لهراسب	۵۱ شماره مجله
» اردشیر فرهادیه	۴۸ جلد
» جهانگیر موبد	۳۹ »
» دکتر اسفندیار یگانگی	۲۱ »
خانم روشن‌روان	۱۹ »
» مروارید موبد	۱۶ »
» فرنگیس یگانگی	۱۰ »
» کتایون اسپنتمان	۹ »
آقای ارباب مهربان مهر	۶ »
» شجاع‌الدین شفا	۵ »
» دکتر ایرج بهروزی	۴ »
خانم مهین بهروزی (فرخزاد)	۳ »
» فیروزه بهروزی	۳ »
آقای افلاطون شاهرخ	۳ عدد کلیشه بزرگ عکس اشو زرتشت
انجمن زرتشتیان	۳ جلد
بانو خانم بهزادیان بنامگانه روانشاد دکتر شهریار سلامت	۱ جلد کتاب و ۹ جلد مجله

آقای هورپاس ۲ جلد
هیربد جمشید کاوسجی کاتراك « ۲
آقای اسلام ارجمندی « ۲

خانم پری پیریان و آقایان اردشیر جهانیان - فریدون زرتشتی - هرمزد بهروزی - جهانگیر ایرمیان - محمدعلی امیر افسر - دکتر جوانمرد - سرهنگ بیگلرپور - باغچه بان - رستم ماوندادی - قاضی مرادی هرکدام ۱ جلد.

جمع کل ۲۹۷ جلد کتاب و ۶۰ شماره مجله

ضمناً در این مدت تعداد ۵۳۲ نفر برای مطالعه کتاب وپرسشهای مذهبی وپژوهش های دینی وتاریخی بکتابخانه مراجعه کرده‌اند.

مدیر کتابخانه

موبد رستم شهزادی

اخبار شیراز

از : اسفندیار اسفندیاری

آقای ارباب رستم خدابخش ماونداد برای کمك بهزینه تعمیر آرامگاه پرداخته‌اند ۲۰۰۰ ریال

همکیشان گرامی

خوشوقتانه بمناسبت آغـاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخـار اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه دادگستر ایران و بپـاس قدردانی ملت شریف ایران از خدمات بر جسته و پر ارزش شاهنشاه والانبـار و بمنظور تجلیل و تقدیـر در تهران و استانهـا وشهرستانها و حتی در دهات ایران مجالس جشن و چراغـانی و سرور و شادمانی بر گزار مینمایند.

از اینرو انجمن زرتشتیان تهران نیز برای شرکت در این افتخار ملی و مسرت عمومی و برگزاری مجالس جشن و چراغانی که خواسته عموم همکیشان است کمیسیون ویژه تشکیل و برنامه جشن و سرورتنظیم گردیده است که از روز ۲۴شهریور تا ۲۷ شهریور ۱۳۴۴ بمدت چهارروز بموقع اجرا گذارده خواهدشد.

اینك برای اینکه عموم همکیشان گرامی بتوانند برنامه خود را با برنامه همگانی هم آهنك سازند بدینوسیله مراتب را بعموم همکیشان گرامی بویژه بازرگانان و پیشه‌وران زرتشتی که مراتب شاهدوستی ومیهن‌پرستی خودرا در طول مدت تاریخ پر افتخار ایران به ثبوت رسانیده‌اند اعلام میدارد که در روزهای نامبرده موسسات ومغازه‌ها ومنازل خودرا با افراشتن پرچم وتزئین و چراغانی دراین جشن و شادمانی بزرگ ملی شرکت فرمایند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه بیانات دکتر معتمد

بوده‌اند بنام تالار شاهبهرامی نامیده شود ولوحه مخصوص برسر درآن نصب گردد وپس از تصویب شورای دانشگاه (که مسلماً موردتصویب قرار خواهدگرفت) اینکار عملی خواهد شد.

در خاتمه یکبار دیگر فقدان مرحوم دکتر شاهبهرامی را ببازماندگان آنمرحوم وکلیه پزشگان تسلیت گفته و از خداوند متعال خواستار صبر و شکیبائی برای آنها می‌باشم.

از شمار دو چشم یك تن کم — وز شمار خرد هزاران بیش

بقیه بیانات آقای جهانیان

آن روانشاد تمام این مدارج را بشایستگی پیموده بودو ازهمه بالاتر مقام‌دکتری را برای عنوان ویا تفاخر و تفنن نخواسته بود بلکه برای کیفیت خود علم وخدمت به - اجتماع برگزیده بود وآنچنان مقامی یافت‌که امروز فقدانش‌کاملا محسوس وجایش‌خالی است .

از طرف دیگر تأسف بیشتر ازآنست در حالیکه‌کشور ما برای جبران‌کمبود پزشك ناچار از استخدام پزشکان خارجی است ویادست بدامان جوانان ما که درخارج بتحصیلات پزشکی‌سرگرمند میزندکه بیایند واین‌کمبود را جبران‌نمایند. وآنوقت درچنین‌موقعیتی راننده بی‌مبالات وخطاکاری حادثهٔ جانگدازی ببار می‌آوردکه همه را دردریائی از اندوه وتأسف فرو میبرد .

تازه معلوم نیست چگونه این قبیل خطاکاران مجازات شوند ویا با چه تدبیری از پیش‌آمد چنین حوادث ناگواری جلوگیری بعمل آید ؟ پاسخ باین پرسش درحال حاضر بسیار دشوار است .

در هرحال میتوان‌گفت ماهمگی درمسیر چنین حوادثی قرار داریم‌مگرآنکه تفضل الهی مارا ازشراین حوادث حفظ نماید . چون هواگرم وسخنرانی بطول انجامیدقبل از اینکه بعرایضم خاتمه دهم باردیگر ازحضور حضار محترم دراین مجلس‌سپاسگزاری‌نموده و بعموم بازماندگان آن‌روانشاد تسلیت میگویم وضمناً از اینکه دراین هوای‌گرم برای شنیدن عرایضم حوصله بخرج دادید تشکر میکنم.

بقیه دین و فلسفه

پاپ زنده سوزانده، میشد چنانکه «جوردانو برونو» فیلسوف ودانشمند ایتالیایی به چنین سرنوشت غم‌انگیزی که جهان دانش را سوگوار وسیاه‌پوش کرد، رسید. خود کریستف ،از اینکه عقیده داشت اگر بخط مستقیم بسوی باختر برویم به نقطه خاور میرسیم ؛ دچاراین خطر گردید و گالیلا با توبه‌کردن از دوزخ واتیکان رست. در قرن دهم میلادی دانشمند ایرانی درآغاز کتاب جغرافی خودازنقشه وهیئت زمین؛ مواقق‌آخرین کشفیات بحث میکند و مینویسد : ـ

«زمین گرد است ، نیمه‌ای از آن آشکار و آبادان است و نیمه‌ای دیگر پوشیده داردکاندر زیر ماست ».

این کتاب سند دیگر پایدار وارزشمندی برای پابرجایی نام خلیج پارس است که مکرر ازآن نام‌برده ونقشه آنرا نشان میدهد ودرباره نام ونشان ابراهیم که موضوع بحث است درصفحه ۴۳ سرصفحه چنین است : «سخن‌اندرناحیت هند » ودرمتن مینویسد :

«باکسان Baksan دیه‌ایست آبادان ومردان آنجاموی‌سرو ریش بستر ند واندر آن بتان بسیارزرین و رویین(است) همانان(بتکده‌ها) جای‌زاهدانست وبرهمانند وگویند ما ازقوم ابراهیم پیغمبریم» . برگه ونشانیهای‌دیگر تاریخی را درگفتار دیگر خواهید خواند.

خواهش ویادآوری بنویسندگان

بطوریکه اکثرا مشاهده میشود مقالات و نامه‌هائی که بدفتر مجله واصل میگردد ناخوانا ودرهم میباشد که درموقع چاپ دچاراشکال میشودودرنتیجه‌بعضی از جملات غلط وباعث ناراحتی میگردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

۱ ـ کلیه نوشته‌ها خوانا و کمتر دارای خط‌خوردگی باشد

۲ ـ دریکروی کاغذ نوشته شود واسامی خارجی ولغات‌مشکل‌خواناتر باشد.

بقیه تشریف فرمائی

مؤسسات ودستگاههای بیداردل وآگاه ایران در اجراء نیات مبارك شاهانه برای ایجاد تأسیسات ورزشی کمال علاقمندی راابراز میدارند .

استادیوم ورزشی که اینك بدست مبارك افتتاح میشود ازجمله‌تأسیساتی‌است که بهمت و سرمایه وبذل ومجاهدت در این محل بوجود آمده وباکسب اجازه ازپیشگـاه معظم بنام نامی والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی نـامگذاری شده است این استادیـوم بطوریکه ملاحظه فرمودند کاملا مجهز ومورد استفاده واقع‌خواهد شداینك از پیشگاه مبارك استدعا مینماید باقطع نوار سه رنگ استادیوم راافتتاح فرموده‌اجازه فرمایندمسابقـات والیبال‌و بسکتبال آغازگردد . زنده‌باد شاهنشاه پایدار باد شهبانوی محبوب و ولیعهدگرامـی و شاهدخت فرحناز پهلوی .

شاهنشاه با قطع نوار سه رنگ استادیوم را افتتاح فرمودند آنگاه آقای اردشیر موبد سرپرست ومدیر استادیوم گزارشی باین شرح بعرض‌رسانیدند .

جهان را دل ازشاه خندان بود که بر چهر او فر یزدان بود

درود و سپاس فراوان بشهریار عادل و دادگستر ایران بـادکه همیشه خادمین را تشویق میفرمایند . شاهنشاها از تشریف‌فرمائی ذات اقدس شهریاری وعلیاحضرت شهبانو ووالاحضرت همایون ولایتعهد ووالاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی سپاسگذاری مینماید.

دراین چندروزه دوستان وآشنایان ضمن تبریك بچاکر میگویند مرد موفق. ولی‌موفقیت این جان‌نثار ازشاهنشاه است زیرا مراحم وعنایات وآلطاف بیکران اعلیحضرت همایونی بوده است‌که چاکر جان‌نثار موفق شده‌ام. در تاریخ ۲۶ خوردادماه۱۳۴۳ آقای هرمز آرش عریضه‌ای به پیشگاه مبارك تقدیم داشته و استدعا نمودندکه شاهنشاه مفخم اجـازه فرمایند درقطعه زمینی‌بمساحت۲۱ هزارمتر مربع‌استادیومی‌بنام نامی والاحضرت‌شاهدخت فرحناز باسرپرستی ومدیریت جان‌نثار تأسیس‌گردد خوشبختانه شاهنشاه بـا این استدعا موافقت فرمودند وفرمان جهانمطاع مبارك بسازمان تربیت‌بدنی ابلاغ گردید وبلافاصله‌با طرح و نقشه آقای مهندس مستغنی ساختمان آن شروع شد چون ایمان بخدا و شاهنشاه داشته وداریم این ساختمان ظرف مدت‌کمتر ازیکسال بپایان رسیده است. گزارش‌آن را درمواقعیکه افتخار شرفیابی به پیشگاه مبارك داشته‌ام بعرض شاهنشاه رسانیده‌ام و کراراً بوسیله ریاست دفتر مخصوص شاهنشـاهی عنایات و مراحم شاهنشاه معظم بچـاکر ابلاغ گردیده است .

شاهنشاها در اینجا وظیفه خود میداند از تیمسار سپهبد نصیری معاون‌نخست‌وزیر و رئیس سازمان امنیت واطلاعات‌کشور سپاسگذاری نمایم زیراایشان همیشه مشوق وراهنمای

مابوده و درهمه مورد باین چاکر جان‌نثار یاری و مددکاری نموده‌اند . همچنین تیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه معاون‌وزارت آموزش وپرورش‌ورئیس سازمان‌تربیت‌بدنی‌تفریحات سالم ایران از روز اول شروع بکار همه‌گونه‌کمك ومساعدت معنوی وراهنمائیهای لازم و مشوق اصلی مابوده‌اند و درب اطاق دفتر تیمسار همیشه بروی جان‌نثار باز بوده است . شاهنشاها آقای آرش قطعه زمین‌دیگری بمساحت ۷۱ هزارمترمربع برای تأسیس‌استادیوم ورزشی بنام نامی والاحضرت همایون ولایتعهد بسازمان تربیت‌بدنی واگذار نموده‌اند.

اعلیحضرتا ازپیشگاه مبارك علیاحضرت شهبانوی محبوب استدعا دارد اقلا ماهی‌یك مرتبه باین استادیوم‌که بنام نامی والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی نامگذاری شده‌است تشریف‌فرما وجان‌نثار راسرافرازفرمایند.

اینك باکسب اجازه ازشاهنشاه دونیـایش مخصوص‌که همیشه شاهزادگان همـراه داشته‌اند بوالاحضرت همایون‌ولایتعهد ووالاحضرت‌شاهدخت فرحناز تقدیم‌میدارد. خداوند یکتا همیشه یار ونگهدارتان باشد زنده باد اعلیحضرت همایون شاهنشاه . آنگاه دو کتاب اوستاکه مزین بتاج سلطنتی بود بحضور والاحضرت ولایتعهد و والاحضرت فرحناز تقدیم داشتند .سپس برنامه والیبال دختران وبعد بسکتبال پسران شروع گردیدکه مورد توجه اعلیحضرتین واقع شد وورزشکاران را تشویق میفرمودند. دراین موقع آقای اردشیرموبد ازپیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه استدعا نمودکه دفتریادبود استادیوم‌راتوشیح فرمایند این استدعا مورد قبول وشاهنشاه دفتر یادبودراتوشیح فرمودند.

پس از خاتمه برنامه ورزشکاران تیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه بپاس خدمات و زحمات وفعالیت آقایان هرمزد آرش واردشیر موبد ازپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه استدعا نمود به آقایان هرمزد آرش نشان درجه یك‌سپاس و اردشیر موبد نشان درجه دو سپاس‌که بتصویب ذات ملوکانه رسیده است مرحمت ومفتخر فرمایند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ضمن اظهارتفقد نسبت‌به ایشان نشانها را بنامبردگان مرحمت فرمودند و نیز علیاحضرت شهبانو بنماینده دختران ورزشکار جوائـزی مرحمت فرمودندمقارن ساعت ۷ بعدازظهر اعلیحضرتین ووالاحضرتین‌استادیوم‌را ترك فرمودند. در بیرون از استادیوم جمعیت کثیری ازساکنین‌تهران‌پارس‌نسبت‌بشاهنشاه وشهبانو ووالاحضرتین ابراز احساسات شدید نمودند.

در این مراسم آقای نخست‌وزیر وآقایان وزیران وعده‌ای ازشخصیتهای مملکتی و روزنامه نگاران حضور داشتند وبقراریکه اطلاع‌حاصل گردیده علیاحضرت‌شهبانوی‌محبوب ایران بااستدعای آقای اردشیر موبد موافقت ووعده فرمودندکه هرماه باستادیوم‌ورزشی والاحضرت فرحناز تشریف‌فرماگردند.

نوشته: یزدانیار بنشاهی - بمبئی

سر جمشیدجی تاتا

یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین پایه‌گذاران هند نوین





باانتشار تمبر یادبودیکصد وبیست وپنجمین سال تولد سرجمشیدجی نسروانجی‌تاتا هندبیکی از پایه‌گذاران هند نوین که تمام‌افکارش بحقیقت پیوسته احترام میگذارد وافتخار میدهد.

جواهرلعل نهرو نخست‌وزیر فقید هند در سال ۱۹۵۸ وقتیکه ازکارخانه فولاد وآهن تاتادر شهر جمشید پور دیدن میکرد اورایکی‌ازبزرگ ترین پایه‌گذاران هند نوین خواند واین‌افتخار بزرگی بود برای سرجمشید جی.

جمشید جی درزمانی زندگی‌میکرد که‌تمام سران وبزرگان‌دولت‌ـ نویسندگان وسیاستمداران مشغول مبارزه برای بدست آوردن آزادی‌بودند اما جمشید جی تاتا دراین فکر بودکه بدون صنایع سنگین و ذوب آهن هنـد خوشبخت نخواهد شد وپیشرفت نمیکند.

برای این منظور هند بیك مرد باهمت ودوراندیش احتیاج داشت تاخواسته هندکه همان پایه صنایع سنگین بود پی‌ریزی کند و در نتیجه هند بصورت یکی ازقدرتهای بزرك صنعتی درآید.

این شخص سرجمشید جی تاتا بودکه برای رسیدن بهدف تحمل مشقات زیادکردو ازهیچگونه مشکل ومزاحمت‌نهراسید.

برای اولین مرتبه در تاریخ هند نخستین کارخانه فولادسازی (ذوب آهن) بوسیله جمشیدجی در دهی نزدیك شهر کلکته پایه‌گذاری گردید زیرا او دریافت که هیچ ملتی بدون آهن - ذغال و نیروی آب نخواهد توانست سعادتمند شود.

کارگاه عظیم آهن وفولاد تاتا روزبروز ترقی کرد و بآن عظمت رسید که امروز بزرگترین کارخانه ذوب آهن درآسیا وممالك مشترك المنافع میباشد.

درحال حاضر دهها هزارنفر کارگر با خانواده‌شان درآن دهکده سابق که اکنون بصورت شهر بزرگی بنام «جمشیدپور» تبدیل شده زندگی‌میکنند این شهر درنزدیکی کلکته واقع شده است.

درتاریخ سوم مارس ۱۹۵۸ وزارت پست وتلگراف هندتمبر یادبود پنجاهمین سال تأسیس صنعت آهن درهند انتشار داد بروی، تمبر عکسی از دورنمای کارخانه ذوب آهن تاتا در جمشیدپور ونیز عکس جمشید جی در گوشه آن آن‌بچاپ رسانید و منتشر ساخت واین برای دومین مرتبه است که عکس جمشید جی تاتا بروی تمبرهای کشور هند ظاهر میشود.

علاوه برکارخانه ذوب‌آهن جمشیدجی موسس برق آبی است که درفاصله بین پونه- بمبئی واقع شده. او هرگز ازدیگران تقلید نکرد وفقط فکر خودش را بکار میانداخت و باساختن سد بزرگ و ایجاد دریاچه‌ای ازآب باران کارخانه برق آبی خودرا براه‌انداخت و این کارخانه برق بزرگترین سیستم نیرو در جنوب شرق آسیا است و نه فقط تمام برق شهر بمبئی را تأمین میکند بلکه نیروی ایجادآن کمی بیش ازیك چهارم نیروی موجوددر سراسر هند است.

عشق وعلاقه سرجمشیدجی تاتا به علم وصنعت سبب گردید تامؤسسه تحقیقات علمی را درشهر بنگلور تاسیس نماید و بهترین‌تکنیسین وصنعتگر فارغ‌التحصیل تحویل جهان‌صنعت دهد.

گذشته از آن بودجه‌ای تامین نمود که هرسال بهترین دانشجویان رابرای‌تحصیلات تخصصی بدانشگاههای بزرگ جهان بفرستند. ازروز تأسیس آن یعنی سال۱۸۹۲ تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر دانشجو برای تحصیلات عالیه بخرج این مؤسسه بخارج فرستاده شده‌اند.

جمشید جی تاتا نه‌فقط بکارهای صنعتی علاقه داشت بلکه بکارهای عام‌المنفعه‌دیگر نیز میپرداخت. اویکی از بهترین مهمانخانه‌های هند یعنی هتل تاج محل را در شهر بمبئی

بقیه در صفحه۵۳

کتابخانه

زرتشت و تعالیم او

نویسنده دانشمند وجوان آقای هاشم رضی که در افق نویسندگان سیمائی درخشان و دراجتماع ما نیز چهره‌ای آشناست درماه گذشته کتابی بنام زرتشت و تعالیم او دراختیار اهل تحقیق ومطالعه قرارداد.

در این کتاب قسمتی از اصول وتعالیم عالی اشوزرتشت را درهیجده فصل با روشی دانش‌پسند بتوجیه پرداخته وخواننده رابمفهوم حقیقی مذهب رهبری نموده‌است برای‌آنکه خوانندگان مجله باهمیت این‌کتاب واقف‌گردند نمونه‌ای ازآنرا در اینجا نقل مینمائیم مثلا درفصل یکتاپرستی چنین آمده است :

« درگاتاها از خداوند یکتا ، خردکل جهان وآفریننده بی‌همتا باعناوینی چون اهورامزدا ـ مزدااهورا ـ مزدا ـ اهورایاد میشود » زمان عقل بودو هنگامه خردمندی بهمین جهت اهورامزدا خداوندگارکل جهان معرفی شد .

دقتی درگاتاها ومطالعه سرودها آئینی را برای ما مجسم میسازدکه در رأس آن اهورامزدا سروردانا وخالق‌کل عالم قرار داردکه زرتشت پیامبراوست البته این‌توجیهات تنها وسیلهٔ تفهیم و تفاهم و بیان موضوع است چون الهاماتی که زرتشت بوسیله آنها سخن میگفت وآئین را اعلام میکرد مبتنی بود براصل نیروی دراکه ـ هوش و بینش فوق‌العادهٔ او ـ نه‌آنکه برپایه یك‌احساس صرف ـ درك پیش ازوقوع وشکلی از اشکال خیالی‌الوهیت باشد آئینی‌که بدینوسیله اعلام شدبرای پیروان زرتشت انقلابی آسایش‌بخش‌محسوب‌میگشت چون قید و بند خرافی رامیگسست واندیشه‌های انسانی راآزاد میکرددررأس دیانت‌جدید اندیشه نیك ـ گفتارنیك وکردارنیك قرار داشت سه اصلی‌که باآندکی از خودگذشتگی بمرحله اجرا درمی‌آمد وروابط انسانها رانیکو وآسایش‌شان را از دیدگاه روحانی و مادی تأمین میکرد.»

همچنین در فصل یگانگی یا دوگانگی نیز موضوع تازه و بحث جدیدی را عنوان نموده که‌بسیار جالب‌است :

« اگر بخواهیم دقیق‌ترشده ومفهوم حقیقی آئین دوتائی را دریابیم باید دانست تنها زمانی میتوان یك مذهب را دوتائی خواندکه هر دو اصل خوبی وبدی با شرایط و

امکانات متساوی روبروی یکدیگر قرارگرفته وتحت شرایطی برابر وباندازه یکسانی در جهان نفوذ نموده باشند و بشر خویشتن را بطور متساوی‌مقید ووابسته باین‌دونیرواحساس کند ونیروی مافوق برآن دو برابری ونفوذ نداشته باشد» وآنگاه‌چنین نتیجه گرفته‌است «که لازمه یك سیستم دوتائی آنست که گروه مردمان همانطورکه برای‌نیروی خیریاارواح خوب احترام قائلند برای ارواح خبیث نیز به پرستش واهدای هدایاپپردازند حال‌آنکه تعارض وتضاد وستیز نیکی یابدی - خیر باشر ومثبت ومنفی درآئین زرتشت در تمام‌جهان مشهور است یك مزداپرست باتمام قوایش بانیروهای شر ستیزه ودشمنی میکند واهریمن‌و نیروهای اهریمنی را دشمن میشمارد وبآنان لعنت ونفرین میفرستد ومیکوشد تاحدمقدور نابودشان سازد ازاینجهت روشن است که آئین زرتشتی یك سیستم دوگانه‌پرستی نیست و اهورامزدا تنها خالق عالم وجود است»

آنچه دراین کتاب مورد بحث قرار گرفته بانحوی صریح وروشن روشن نتیجه‌گیری شده است ودرواقع خواننده رابه ژرفنای حقایق تعالیم ومذهب زرتشت میرساند.

زحمت وکوششی که نویسنده دانشمند آقای هاشم رضی در راه گـردآوری مطالب و تدوین کتاب کشیده درخور ستایش وآفرین گوئی است بیگمان آنهائی که درجهان پژوهش راه‌پیمائی میکنند با مطالعه‌این کتاب زودتر بمقصود وهدف میرسند یقیناً همکیشان ارجمند نیز برای آشنائی بیشتر بحقایق درخشان مذهب خود از مطالعه این کتاب گرانبها دریـغ نخواهند نمود.

ما همواره برای این‌جوان دانشمند وپرکار وکوشا موفقیت‌بیشتر آرزونموده‌خدمات گرانبهایشان را درراه گسترش فرهنگ وآئین باستانی ایران میستائیم.

بقیه سر مقاله

اندرزی کافی دهند که ایران مال ایرانی وبدست ایرانی باید اداره شود . شاهنشاه‌فیروز بخت بعد از سالها تلاش وکوشش درراه برقراری آرامش و امنیت در خاك میهن چون نتیجه مطلوب را حاصل دیدند دست بتهیه طرحها ونقشه‌هائی مترقیانه زدند ودرراه رفاه‌و سربلندی وپیشرفت فرهنگ و بهداشت ملت خویش وآزاد ساختن نیمی ازمردمان کشورازقیود قوانین غلط وبیهوده پیشین و تفویض کار بکاردان وتحویل زمین زراعتی بکشاورزان زحمتکش ودادن سود سهام کارخانجات بکارگران شریف ایرانی گامهای سریعی بجلـو برداشتند و با شجاعت ودرایت بیحد و حصر ذاتی خویش انجام آنرا دنبال نموده وبرای احترام بآراء افراد میهن خود آنرا دروطه افکار عمومی قرار داده برنامه مترقی خود را بتثبیت ملی رسانیدند.

این‌منشور شش‌ماده‌ای که بنام انقلاب‌سپید شاه ومردم موسوم گردیده‌است ازآنجائی که باترقی سریع ملت ایران بسوی پیشرفت و تعـالی بستگی دارد خوشبختانه بنا باراده توانای شاهنشاه باپافشاری وسرسختی‌عجیبی‌ دنبال‌میشودچنانکه باوجودآنکه مدت زمانی طولانی از تصویب واجرای آن نمیگذرد اثرات نیکوی آن بمنصه ظهور رسیده است چه جوانان ارزنده و دانشمندکشور درگروههائی متشکله بنام سپاههای بهداشت ودانش‌برای رهانیدن توده‌های مردم از چنگال بیماری وغول بیسوادی وجهالت بسوی‌دهات و آبادیها روانه‌گشته‌اند .

زنان‌کشور در تعیین سرنوشت‌کشور خود شرکت جسته با تشریك مساعی‌درامورات مختلف مملکتی در حقیقت نیمی از قوای فعاله‌کشورکه بحالت رکود درآمده بـود بکار و کوشش افتاده ومیتوان‌گفت‌جمعیت فعاله ایران‌بدوبرابر سابق‌افزایش یافته است. برزگر ودهقان ازخود صاحب زمین وملك شده ونسبت بخاك میهن و آبادانی سرمنزل خـویش دلبستگی کامل‌یافته‌اند .

کارگر در سودکارخانه سهیم‌گردیده نسبت بکار خویش علاقه‌ای خاص مبذول داشته با دلگرمی بیشتر در افزایش سطح تولید و مـرغوبیت جنس دقتی کافـی مبذول میدارد که‌درنتیجه همه باهم موجبات‌افزایش سطح زندگی‌ورفاه وآسایش‌افرادمیهن رافراهم‌نموده است .

بعلاوه شاهنشاه ایران درطول سلطنت خویش توجه خودرا به بسط وآبادانی میهن فرموده و بامهارکردن آبهای سرکش توسط ایجاد سدهای عظیم وتأسیس کارخانجات‌تهیه کود شیمیائی افکار عالی خودرا ببهترین وجهی نمودار ساخته‌اند و از نظر صنعت نیز با

ایجاد کارخانجات پتروشیمی وتهیه مقدمات ایجاد کارخانهٔ ذوب آهن وکمکهای فکری در راه سرمایه‌گذاری هم‌میهنان برای کارهای تولیدی و صنعتی وراهنمائی وتشویق افراد در راه ایجاد مؤسسات صنعتی کشور را تاسرحد ممکنه بپای کشورهای مترقی رسانیده‌انـد و علاوه براین شاهنشاه ایران با مسافرتهـای عدیده بکشورهای بیگانه و شناسـانیدن کشور ایران بخارجیان و حفظ و بالابردن موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور منتی بزرگ برملت ایران نهاده ودین خویشرا نسبت بمیهن بطورکامل ادا فرموده‌اندو نظر بهمین فداکاریهای بی‌شائبه است که ملت ایران بپاس قدردانی ازپدر تاجدار خویش بمنـاسبت کسب اینهمه موفقیت در افزایش ارزش بین‌المللی وآزادی وآسایش و ترقی وسربلندی خویش ، آغاز بیست وپنجمین سال شاهنشاهی پدر تاجدار خودرا جشن میگیرد .

ودر چنین هنگامی که در پرتو عنایات خاص شاهنشاه بزرگوار تمام طبقات از نعمت آزادی برخوردار گشته‌اند ما زرتشتیان که از باستانی‌ترین دوران تاریخ خدمتگذاری صدیق و فرزندی وفادار برای اینکشور بوده و پیوسته درحفظ و حراست میراث کهنسال خود با تحمل رنجها کوشیده‌ایم استدعای عاجزانه داریم که به میمنت بیست وپنجمین سال سلطنت پرافتخار آن شاهنشاه با فروجاه وبشگون این جشن بزرگ میهنی همان موهبتی که در خدمات لشکری بما زرتشتیان عنایت فرموده و با افتخار به ایرانی‌الاصل بودن راه ترقی وطی مدارج‌عالیه را درارتش شاهنشاهی بروی‌ماگشوده‌اند اینك درخدمات‌کشوری ـ قضائی وسیاسی ما را ازاین موهبت برخوردارو اثر نامطلوبی که ازاصل ۵۸ متمم قانون‌اساسی باقیمانده امر برفع آن‌فرمایند وافتخار بزرگ دیگری برلوحه زرین افتخارات تاریخی خویش بیافزایند .

در این جشن بزرگ همه طبقات‌کشور شرکت میکنند-تا مراتب حقشناسی خود را بطوراکمل باثبات رسانند، جامعه زرتشتیان ایران نیز که همواره دلی آکنده ازمهرمیهن وقلبی مملو از عطوفت شاهنشاهی داشته و دارند و پیوسته در تحت عنایات ویـژه شاهنشاه عظیم‌الشأن خویش از رفاه وامنیت کامل برخوردار بوده وتوانسته‌اند درکشور عزیز خود مصدر خدمات ذیقیمتی باشند با خلوص نیت روزهای خجسته ۲٤تا۲۷ شهریور سال جاری را جشن خواهندگرفت و از هم‌اکنون انجمنها وجمعیتهای وابسته بزرتشتیان ایران بـا شور وشعفی فوق‌العاده خودرا برای شرکت دراین جشن بزرگ ملی حاضر و آماده می سازند. مانیز بدینوسیله تبریکات صمیمانه وادعیه خالصانه‌خودرا بمناسبت‌این‌پیروزی‌بزرگ بپیشگاه شاهنشاه بافروجاه خویش وملت نجیب ایران تقدیم داشته واز درگاه‌اهورامزدا تقاضا مینمائیم که ملت ایران سالیانی بس‌دراز بدرك این‌چنین اعیاد بزرگ درسایه درفش شاهنشاهی ورهبری‌خردمندانه اعلیحضرت‌همایونی‌محمدرضا شاه پهلوی‌موفق ومنصورباشد .

نوشته :
پریرخ بهروزیان

زندگی بمعنی واقعی

دوستی دارم که دختری است خوب و دردوران تحصیلش هم جدی و زرنگ.

چند وقت پیش از یکی دیگر ازدوستانم شنیدم که او در یکی ازدروسش تجدید شده خیلی ناراحت شدم زیرا اوزرنگ بودونمی بایست تجدیدشود. ازآنجائی که خیلی ناراحت بودم بمنزلش رفتم وقتی تکمه زنگ را فشار می‌دادم دستم می‌لرزیدوقلبم می طپیدهنگامیکه درباز شد بسرعت وارد شدم ویك راست بطرف اطاق دوستم روانه شدم باآهستگی چندضربه بدر نواختم و داخل شدم هنگامیکه قدم بدرون اطاق وی نهادم متوجه شدم که دوستم در گوشه‌ای ازاطاق چمباتمه زده وبه تلخی می‌گرید برای اینکه شرط ادب و ادای احترام را بجا آورده باشم سلام کردم وحالش راپرسیدم، وماجرا را برایم شرح داد واظهارتألم زیاد نمود خلاصه بادلداریهایی که باودادم ونوازشهایی که باودادم ونوازشهایی که باوکردم کمی آرام گرفت وبا دستمالی که دردست داشت به آهستگی اشکهایی راکه برپهنه صورتش جاری بود پاك نمود.

میدانید، قصد من از رفتن بمنزل او این بودکه او را دلداری دهم وتمام قدرتم را برای آرام ساختن‌وی و آشنا کردنش با زندگی مصروف دارم باین دلیل کم کم آنچه راکه می خواستم باو بگویم به این ترتیب شروع کردم.

دوست‌من انسان‌هنگامیکه کلمهٔ «زندگی» رابزبان‌می‌آورد خیلی‌آسان بتلفظدر میآید وشایدهم کلمهٔ زیبایی بنظربرسدولی‌فهم‌آن ودرك ومعنی«زندگی» دشواراست‌خیلی‌هم‌دشوار است ولی برای‌کسانی سخت ودشواربنظر می آیدکه معنی آنرا درك نمی‌کنندونمی دانند زندگی یعنی چه ؟

زندگی یعنی خوردن و خوابیدن ؟ یعنی تفریح وگردش؟ یعنی غم و اندوه ؟ یعنی

شکست و ناکامی ؟ .... نمیدانند تقریباً مانند توکه هم نوعی ازآنها هستی. دوست من توهم هنوز زندگی رابمعنی واقعی درك نکردی ومعنی آنرا بطوری که باید نفهمیدی. زندگی غم خوردن وگوشه‌ای نشستن وگریه‌کردن‌نیست زندگی این نیست که انسان وقتی با مشکلی روبرو شد و یادرکاری شکست خورد درگوشه‌ای‌چمباتمه زندوباصطلاح آبغوره بگیرد وخود را ازهمه پست‌تر حس‌کند. زندگی این نیست‌که هرگاه انسانی بابی‌توجهی مواجه شد وکسی برای او وکارش ارزشی قائل نشد بفکرفرورود وخود را فردی بدبخت وکم ارزش وبیچاره پندارد. زندگی این نیست‌که تودر اینجا بنشینی‌وبرای هرهیچ وپوچ خود را غمگین سازی وبرای خود غم تراشی‌کنی.

آری دوست من زندگی این نیست.

دوست عزیز زندگی را باید باهمهٔ خوبیها و بدیهایش درنظر مجسم ساخت و همهٔ اطـراف و جـوانبش را در نظر گرفت انسان باید با خود فکرکندکـه در زندگی چه می‌خواهد ؟آیا طالب ثروت وثروت اندوزی است؟ آیا مقام و شهرت را خواستار است وآیا بقول معروف می‌خواهد الکی خوش باشد وهرجا خوش بود همانجا باشد وروزگار را بدین منوال سپری سازد؟

وقتی هدف خودرا درزندگی پیداکرد باید درپی‌کوشش آن برآید و درراهش تا آنجا‌که‌می‌تواند وبرایش مقدورمی باشدبکوشدلابدخواهی گفت که‌اگرکسی مانند من‌کوشید وشکست خورد آنوقت چه باید بکند؟سری بعلامت تصدیق تکان داد. خنده‌ای‌کردم‌وگفتم آنوقت باید مانند تو دراین‌گوشه بنشیند وگریه‌کند لبخندی‌گوشه لبانش نقش بست. بعد .... گویی خود را برای‌گوش دادن بسخنانم آماده می نمود. خود را جمع و جورکرد وآهی‌کشید گفتم نه دوست من بایدآنقدرازخودقدرت نشان دهد وآنقدرصبورباشد تابتواند دربرابرغول وحشتناك شکست پایداری‌کند ودرصدد آن باشدکه با قدرت ونیروی بیشتری این شکست را جبران‌کند نه اینکه دربرابرآن‌ضعف نشان دهد وخود را موجودی‌بدبخت حس‌کند دوست من توهنوزنفهمیدی‌که زندگی یعنی مبارزه یعنی‌جنگ وجدال باناکامیها. زندگی یعنی پایداری ومقاومت دربرابر پیشامدهای ناگوارزندگی.

دوست عزیزاین‌که غمی نیست توداری این قسمت خیلی‌کوچکی است ازناراحتیهای زندگی‌که بایك‌کوشش سریع وبایك جدیت‌کامل برطرف خواهدشد اصولا درزندگی باید ازاین قبیل چیزها وجودداشته باشد درزندگی باید سختی و رنج و شکست باشد باید غم واندوه باشدتا آدم قدرخوشی وخوشبختی را در یابد. وتوهم این را بدان‌که هرکس در زندگی غم وناراحتی دارد ولی هرکس بیك نحوی آنرا دارا می‌باشد تو ازاین راه غم

می خوری وخود را آزارمی دهی‌کس دیگر درراه دیگری غم می خورد مثلا یکی دیگر غصه می خوردکه چرا فرضاً مایونداردا تامانند دیگران بدریا برود.... دراین موقع هر دو باهم خندیدیم گویی او آدم چند دقیقه پیش نبودکه‌گریه می‌کرد وروزگار را برخود تنگ‌کرده بوددرچهرهٔ اودیگراثری ازغم وناراحتی دیده نمی شدگویی سخنان من مؤثر واقع شده بودوکارخودراکرده بود خلاصه هنگامیکه می‌خواستم ازاو خدا حافظی‌کنم باو گفتم ماهی را هر وقت از آب بگیرند تازه است هنوز هم دیرنشده و تومی توانی‌کاملا کوشش‌کنی و خود را برای امتحان آماده سازی دستم را بگرمی و صمیمیت‌فشرد وگفت راستی‌که حالا معنی زندگی را درک‌کردم و فهمیدم‌که تا بحال چقدر بیخودی غصه می خوردم و وقت تلف می‌کردم و چقدر خوب شدکه تو آمدی ومرا ازاینهمه غم بقول تو خودم برای خودم تراشیده بودم نجات دادی موقعی‌که می‌خواستم بروم این شعر عمر خیام را برایش خواندم‌که می‌گوید

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم — وین یکدم عمر را غنیمت شمریم
فرداکه ازاین دیرکهن درگذریم — با هفت هزار ساله گان همسفریم

بعد دست اورا بگرمی فشردم وازاو خدا حافظی‌کردم ورفتم. آری آن چهره‌ای که من در آخرین لحظه می‌دیدم دیگر ناامید و غم زده نبود بلکه چهره‌ای بود پر از نشاط وامید آری امید..... امید .....

بقیه جمشید جی

ساخت. رفتاراو باکارگران بسیار خوب بود و برایشان تمام وسائل‌آسایش وتفریح‌ازقبیل کتابخانه ـ زمین‌بازی ـ حقوق خوب ـ اضافه‌حقوق وغیره‌فراهم میکرد . اواولین‌شخصی بودکه‌کارگران را در سودکارخانه‌ها سهیم نمود.

بعداز درگذشت جمشیدجی تاتا پسران ونوه‌هایش روزبروز درتوسعه مؤسسات‌صنعتی وتجارتی تاتاکوشیدند واکنون باداشتن کارخانجات ذوب‌آهن ـ فولادسازی ـ لکوموتیو سازی ـ اتومبیل سازی ـ روغن‌کشی ـ صابون‌سازی ـ عطرسازی ـ ریسندگی و پارچه بافی بزرگترین مؤسسه صنعتی و تجارتی درهند هستند.

نوه جمشیدجی آقای جهانگیر تاتا اولین شخصی بودکه در۲۵ سال پیش خطوط تجارتی هوائی هند را تشکیل داد . امروز شرکت هواپیمائی هند با داشتن هشت فروند جت مسافربری یکی ازبهترین شرکتهای هواپیمائی آسیا واروپا است وروزانه دو پرواز بلندن دارد.

نامه‌های رسیده

دو نامه از آقای کیخسرو مژگانی رسیده که در نخستین نامه راجع بآرامگاه جدید و مجهزی است که ازچندسال پیش دریزد ساختمان آن آغاز واینك روباتمام است نگاشته و یادآورشده‌اند که خوبست هرچه زودتر موجبات افتتاح آن فراهم وباوسائل لازم محاسن واصلیت استفاده ازآرامگاه رابهمکیشان مقیم یزد یادآورشوند و اینك که اکثریت قریب باتفاق افراد حاضرند از آرامگاه برای دفن اموات استفاده نمایند ترتیبی اتخاذ شود که سپردن جسد بدخمه موقوف گردد.

هوخت ـ انتظار میرود پس‌از تکمیل وافتتاح آرامگاه و همانگونه که نوشته‌اید با موافقتی که اکثریت‌دارند وهمچنین با مقتضیات زمان‌بخودی خود آن اقلیت هم‌ازاکثریت تبعیت نمایند .

***

دومین‌نامه درباره صدور کارت‌شناسائی ویژه افراد زرتشتی مقیم مرکز که ازطرف انجمن محترم زرتشتیان تهران‌آگهی شده نگاشته‌اند و بقراریکه از آن استنباط میشود مواجه باسوء تعبیر گشته ویادآورشده‌اندکه خوب است تمام افرادزرتشتی یزد را هم جزء سایر همکیشان تهرانی خود محسوب نموده واینگونه موضوعات راکه جنبه عمومی داردبه مسئولین مربوطه دریزدهم اطلاع دهندتا اقدامات لازم بعمل‌آورند ودرضمن درباره‌صدور کارت شناسائی ترتیبی داده شودتا تمام‌افراد زرتشتی چه دریزد وچه درشهرستانها بتوانند آنرا دریافت و بدون دغدغه خاطر درمجامع دینی وانجمن‌ها حضور بهمرسانند .

هوخت ـ کارت شناسائی‌که ازطرف انجمن زرتشتیان تهران‌صادر شود همانندکارت انتخاباتی است وبمنظور شرکت ومعرفی در انتخابات انجمن زرتشتیان تهران میباشد و ازاینجهت اختصاص بزرتشتیان ساکن تهران دارد بدیهی است هرانجمنی میتواند چنیـن کارت شناسائی رابرای افراد وابسته خود صادرنماید تادر موقع انتخابات معرف شرکت کنندگان باشد اما نداشتن کارت شناسائی مانع ازحضور درمجامع دینی نخواهدبود.

بقیه اصول شش گانه

همچنین در ((ویسپرد ـ کرده ۳ بند۲)کشاورزان در ردیف موبدان ، شهرداران و لشکریان ستوده شده‌اند. دربخشهای بسیاری از اوستا ازکشاورزو واستریم سخن رفته است .

در فرهنگ ایرانی امتیازات فاحش طبقاتی موقعیتی ندارد واگردر تاریخ ایران گاهگاه و ازجمله دراواخر دوران ساسانیان به امتیازات فاحش برمیخوریم نباید آنرا بحساب فرهنگ ایرانی بگذاریم. اینها آفاتی بودندکه به ضعف وناتوانی اجتماع ایران کمك کرده وامکان دادند از خارج ضرباتی برپیکرملیت ما وارد آید. درفرهنگ ایرانی آسایش ،شادمانی ورفاه برای همه پاگان خواسته شده است (های۱۱ بند۱۵) .کارگر و کارفرما وسایر طبقات همه باید از حـد اقل زندگی و حداقل آسایش و رفاه اجتماعی برخوردارباشند. الواح گلی که از تخت جمشید بدست آمد ودرروی آنها میزان دستمزد، ساعات کار وآسایش، وسائرشرائط کارکارگرانی که درساختمان آن کاخ عظیم شرکت داشته‌اند منقوش گردیده است مـؤید وجود قانون کار دقیق وکامل بوده است که در مورد همه ساکنین امپراطوری عظیم ایران صرفنظرازنژاد وملیت ومذهب اعمال میشده است. ابتکارخردمندانه شاهنشاه معظم درسهیم کردن کارگران در منافع کارگاه قدم عظیمی بوده دربرقراری حسن نیت بیشتروهمکاری کاملتر بین کارگروکارفرما وتأمین رفاه بزرگتری برای کارگران چنانچه **درگاتاها برای نخستین بار راجع به کارگر سخن رفته و چنین آمده است... آری ای مزدا پاداش گرانبها را بدستیاری وهومن (نیك اندیشی) درهمین جهان خاکی بکسی بخشی که درکار وکوشش است. چنانچـه در آئین نیك تواز آن وعده شده است آئینی که کارگران را بسوی عقل و تدبیر کشاند .**

درفرهنگ ایرانی آزادی فکرواندیشه، آزادی تصمیم وآزادی عمل همه‌جا محترم شمرده شده است منتهی در این آزادی همیشه باید با «خردمقدس» مشورت شود وبااندیشه روشن مسائل بررسی گردد. ضمناً راه زندگی روشن است وایـن راه یکراه بیشتر نیست و آن «راه راستی» است (های۲۷ بند ۱) .

در نماز معروف «اشم‌وهو» تأکید میشود که خوشبخت کسی است که راست وطرفدار راستی باشد . با این ترتیب باوجود آزادی فکر واندیشه امکان بی‌راهه رفتن باقی نمی‌ماند .

درگاتها این آزادی فکر واندیشه و تصمیم ببالاترین وجه در جملات زیر تجلی

می کند : « باگوشهایتان بسخنان مهین گوش دهید وبا اندیشه روشن بآنها بنگرید و سپس شما زنان ومردان باآزادی راه‌خودرا برگزینید» .

همچنین در فرهنگ ایرانی ملاك برتری شخص بردیگری فضیلت اوست آن‌مردان وزنانی در فرهنگ ایران ستوده شده‌اند که در اندیشه نیك ، کردار نیك و گفتار نیك بالاتر از دیگران باشند (ویسپرد ـ کرده ۳ بند ٤) .

روشن است که تنها وسیله تحقق هدفهای فوق داشتن دانش وسواد است . برنامه‌مبارزه با بیسوادی که بدست شاهنشاه خردمند و بیداردل ما طرح ریزی شده است و سپاه دانش مأمور انجام آن میباشد برای اینست که مردم این سرزمین با برخورداری از سواد و دانش بتوانند خوشبختی خودرا تأمین نموده ، مصالح اجتماعی را بدرستی تشخیص داده با آزادی فکر وتصمیم ، با اتحاد و اتفاق‌کامل تحت هدایت و رهبری شاهنشاه درنوسازی وطن مقدس بکوشند.

(مانده دارد)

بقیه تاریخ کرمان

سه چهار پسرودختر ناصرالدوله را از حیات عاری ساخت لهذا اوراکسالت وغم فراگرفت پیوسته درحزن آن نونهالها بسر برد تا دراوایل سال یازدهم حکومت خودنیز مبتلا بزکام مسری شد ودرآن سال درتمام ایران بروزکرده بود و درکرمان نیزسرایت نموده بود و پس ازچندروزمنجر به چند مرض متضاد مثل محرقه ومطبقه واسهال گردید ودرآخر رمضان بسرای دیگرشتافت ونعش اورا باکوکبه و جلال در مزار مشهور به قبرآقا درخارج شهر کرمان امانت سپردند .

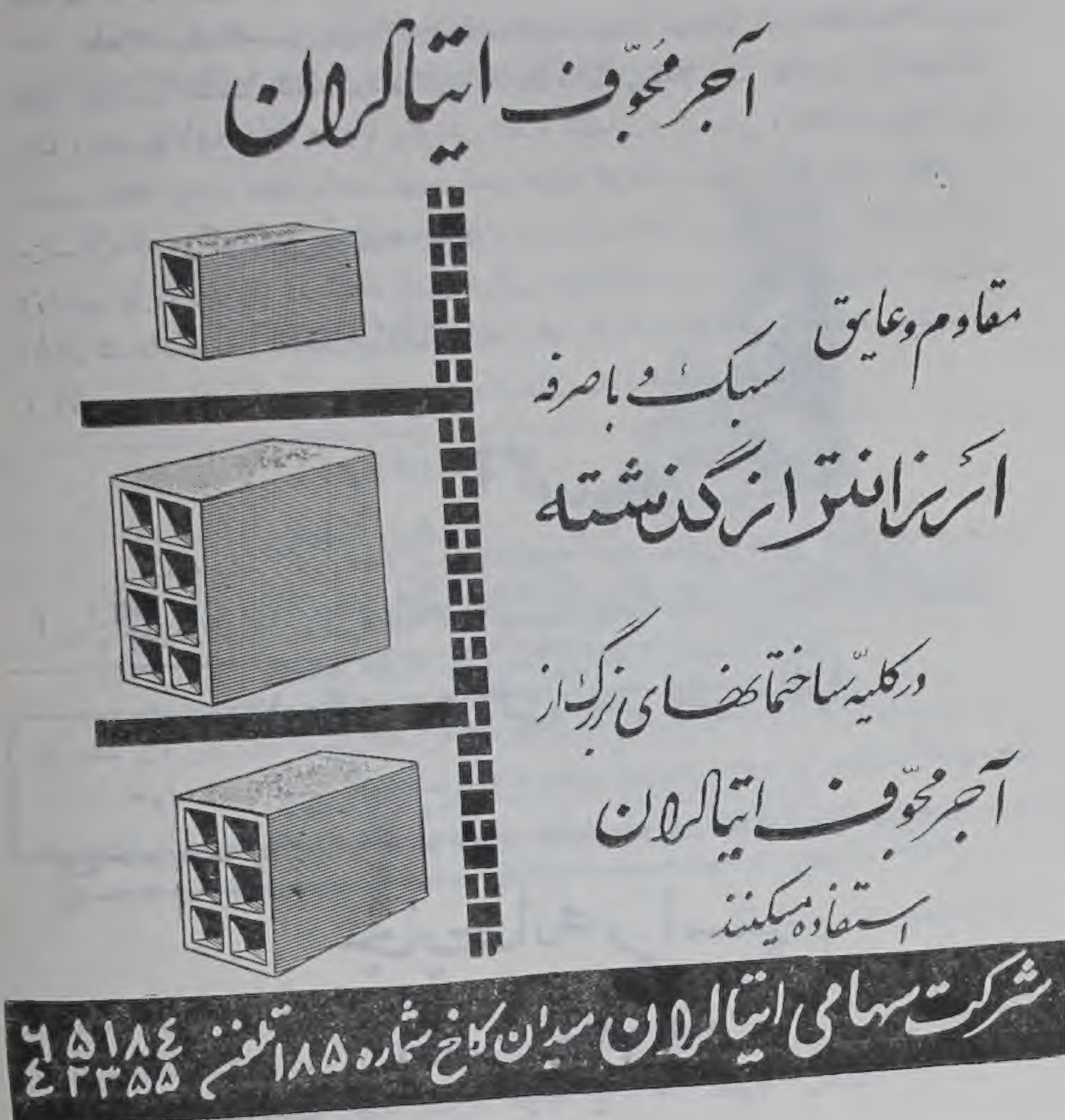
شاهزاده عبدالحسین میرزا نصرت‌الدوله پسرفیروز میرزای نصرت‌الدوله که دراین موقع درتبریز خدمت ولیعهد بود وبفنون اداری و نظامی‌کاملا آشنا بود لقب فرمانفرمائی یافته درتاریخ ذی‌الحجه ۱۳۰۹ بکرمان آمد و خدمات و آبادانی و امنیت فراوان نمود و چون علاقه زیادی بنظام داشت طوری امورافواج توپخانه ـ قورخانه سوار تفنگچی را مرتب‌کردکه هرگز باین خوبی و نظم و ترتیب دیده نشده بود و درهمین سال‌که اشرار وسارقین عرب وبهارلو در حدود فارس خرابی ببارآورده بودند ازطرف دولت مأمورتنبیه ایشان شد وازکرمان بالشگرفراوان بدانجا رفته اشرارا تار ومار وآنجا را منظم‌ساخت و بالاخره پس از مراجعت درسال دوم حکم رانی بدارالخلافه احضار شد

بقیه بیانات آقای دکتر آرمین

بنده ایستاده‌اند و باهمان قیافهٔ ملکوتی خویش شمارا خیر مقدم میگویند ودعای خیرمی- نماید و ازشما میخواهد که درزندگی همان راهی راروید که‌او درنوردیده است‌یعنی‌انسانی کامل و بشری باحقیقت گردید .

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند



شماره مسلسل ۱۸۵

سال ۱۶ شماره ۶

دارندهٔ امتیاز- دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

نشانی :
خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام
داروخانه داریوش
تهران - ایران

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »


EMU
EMU
کاملترین پمپ
پمپ شناور اِمو آلمانی
یک فاز سه فاز
به اندازه های ۱/۴ اینچ الی ۲۴ اینچ
اِمو
بهترین و ساده ترین پمپ برای باغات و مزارع کشاورزی
اِمو
برای چاههای ۲۰ متری تا ۳۰۰ متری
نمایندهٔ انحصاری در ایران: شرکت زرتشتی - تهران - خیابان سعدی کوچه ممتاز ساختمان زرتشتی تلفن ۳۵۲۸۲ ۳۸۶۲۱

مهر ۱۳۴۴

هوخت

گفتار نیک



مراسم گشایش کنگره جهانی مبارزه با بیسوادی بدست مبارك شاهنشاه آریا مهر

شماره ۷

ل ۱۶

فهرست مندرجات

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان در جشنهای زرتشتیان تهران

اهورمزدام ریونتم خره ننگهنتم یزه میده خدای دانای هستی بخش پرفروغ و شکوه را می‌ستایم

ائریه‌نم خورنو یزه میده فرایران را می‌ستایم

خشتریانه خورنو یزه میده فرشاهنشاهی را می‌ستایم

خشتریانه هوداد یزه میده شاهنشاه نیك آئین را می‌ستایم

سروران ارجمند موهبتی که امروز ملت ایران ازآن برخورداراست ازنظر کسی پوشیده نیست و نعمتهائی که از پرتو کوششهای شبانه روزی اعلیحضرت همایون شاهنشاه دادگستر از آن بهره وریم هرچند سپاسش بجـای آوریم یقیناً از عهده آن قاصریم بقول سعدی سخنور شیرازگر بهرموئی زبانی باشدت ـ شکر یك نعمت نگوئی از هزار

جشن و سروری که بفرخندگی خجسته جشن آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار شهریار خردمند برپاست خودگواه حق شناسی و سپاسداری مردم اینکشور است ما زرتشتیان که آئین شاهدوستی و میهن پرستی در خون و سرشتمان بودیعه گذاشته شده وازسرچشمه لایزال تعـالیم مذهبی خود برخورداریم درخود بیش از همه این سرافرازی و شادمانی رااحساس میکنیم از این جهت بخجستگی این روز فرخ واین جشن پرشکوه شایسته آندیدم که برای نخستین بار نیایشی که دارای بزرگترین فضیلت ودرمقام تقدس ممتاز است بازگو نمایم یقیناً آنرا تا بحال نشنیده‌اید و اینك از شنیدن آن احساس غرور خواهید نـمود آنچـه خواهیـد شنید آرزوئی است بصورت راز و نیـاز از زبان پیامبر بزرگ باستانی اشو زرتشت که در حق شاه گشتاسب پادشاه کیانی جاری شده و هنوز هم از هر واژه و جمله آن درخشندگی خاص نمایان است و از آنجائیکه مـا همه ستایشگر وجود شاهنشاه با فـر و داد بوده به میمنت این جشن خجسته همان نیایش راکه آرزوی قلبی فرد فرد همگی است بازگو می‌نمایم واستدعادارم باحترام این سخنان خجسته بر پا خاسته و دراین دعا و نیاز شرکت فرمایند.

دعای ویژه

ای اهورامزدا ترابه اشوئی وپارسائی سپاسگذارم که مرا از فره ایزدی برخوردار

فرمودی. پادشاهاکه تراست شهریاری به تو آفرین خوانم وآرزومندم اززندگانی نیك۔ از زندگانی برتر و اززندگانی دراز بهره ورباشی.

خواستارم که مردان و زنان کشورتو دیرزیوند - فرزندان‌تنی‌تودیرزیوند بشودکه فرزندان تو همانند جاماسب دانا وبشاه کشوری چون تو آفرین خوانند.

بشود چون مزدا سود بخش باشی - چون فریدون پیروزمند شوی همانند دادگران نیکوکارسرورجهان گردی وهمانند سیاوخش زیبا پیکرو تابنده رخسار باشی.

آرزومندم چون خورشید از درخشندگی و نور افشانی برخوردار باشی و همچون ماه روشن روی و مانند آذرفروزان باشی - هماره چون مهر مهر ورز و دلیرخوی باشی چون سروش پاك بلند بالا و پیروزگر شوی همانند بهرام اهورا آفریده براندازنده بد منشان وباکامیابی وپیروزی برخوردارباشی.

مانند رام دهشمند وپربخشایش باشی - چون کیخسرو نیکنام وجاودان‌باشی.

شاهنشاها - از اهورا خواستارم چنان‌کامیاب گردی آنچنان‌که همه راآرزوست.

شاهدوستی ومیهن‌پرستی آئینی است‌که برپایه تعالیم مذهب باستانی‌این‌کشوراستوار و پابرجا مانده وهیچ حادثه‌ای در ارکانش رخنه‌ای ایجادننموده است ولحظه‌ای ازخون وسرشت مردم اینکشور جدانشده است .درآن هنگامیکه پیامبر باستانی ایران اشوزرتشت آئین یکتاپرستی رابمردم این‌کشور وجهان‌آموخت در آنزمان شاهنشاه کشور مظهرقدرت خداوندی‌ونیروی جاودانی اهورائی دانسته شدکه برای نمونه چند مورد آنرا باستحضار میرسانم.

ای اهورامزدا بشودکه ما جاودان ازکشور نیك تو بهره‌مند شویم‌بشودکه شهریار نیك در جهان بر ما فرمانروائی‌کند تو ای درمیان موجودات برترین. ودرجای دیگر چنین فرموده است.

در حقیقت‌پادشاهی برای‌کسی رواست وآنرا سزاوار وحق‌کسی میدانم وبرای‌کسی خواستاریم‌که بهتر بآموزش آئین اهورائی و راه نیك راستی و پارسائی بکوشد.

همچنین پیرامون سجایای پادشاه چنین آمده است:

آن فرمانروا وپادشاهی راست ودرست است‌که در آبادی‌کشور بکوشد - بینوایان را آرامش وآسایش بخشد وداد وآئین راست برپا دارد و بیداد و ستم را ازخود وملتش بدور سازد.

اینها اندکی بود از آنچه‌که راجع بشهریاری وشاهنشاهی درفرهنگ باستانی به۔ **یادگار مانده است.**

مطلب دیگری که در اینجا باید باستحضار برسد مربوط به واژه ماه شهریور است این واژه که ریشه اوستائی آن خشتراوئیریه است و نام ششمین ماه سال است مفهوم آن مظهر قدرت ایزدی و فر و اقتدار خداوندی میباشد در جهان مادی نماینده نیرومندی و سروری و توانگری است که وجود شاهنشاه را مظهر آن دانسته و فر وفیروزی پادشاهان دادگر از پرتو این فرشته خوانده‌اند شگفت آنکه درچنین ماهی که دردوران باستان ویژه جشن و شادمانی شهریاران و پادشاهان بوده و در این ماه جشنهای شاهانه بر پا میگشته است در بیست وچهارم چنین ماهی شاهنشاه دادگستر ما زمام امورکشور را بدست گرفت و بمقام پر فر و جاه سلطنت رسید و اینك نیز درچنین ماهی در سراسر کشور مجالس جشن و شادمانی برپاست و همه از جان و دل شاهنشاه خودرا میستایند و زندگانی دراز وکامیابی برایش آرزو مینمایند یعنی برای همان شاهنشاهی که ازآغاز سلطنت پرافتخارش تمام آرزو و امیدش بررفاه وآسایش مردم‌کشورش استوار بوده و در راه رسیدن باین هدف عالی هرگونه مساعی لازم مبذول فرموده است و اینك همه یکدل و یك زبان می ـ گوئیم :

اردشیر وطن و نادر دورانی تو   حامی کارگر و یاور دهقانی تو
ربع‌قرن‌است‌بایرانی‌وایران‌شاهی‌تو   مایه فخر و مباهات به ایرانی تو

چون‌گفتار شاهنشاهان و بزرگان آئینه درخشانی از اندیشه وآرزوهای آنانست که یقیناً پایه‌گذار سعادت و رفاهیت جهان و جهانیان خواهد بود از اینجهت برای شگون این جشن نمونه‌های چند از بیانات شاهنشاه که مبین افکار بلندوروح دادگستر وملت‌نواز است در اینجا بازگو مینمایم واحساس میکنم ازهر شیرینی وشربتی‌کام شنونده راشیرینتر خواهد نمود.

در اول فروردین ۱۳۲۲ در پیام نوروزی چنین فرمودند:

شما ای ملت عزیز من و ای هموطنانیکه خون ملیت را در رگها و عشق به ایران را دردلهای خود دارید بیائید همه یکدل‌ویکزبان در راه این منظور بکوشید و خصایل پسندیده پیشینیان خودرا دوباره زنده کنید وبا پندارنیك ـ گفتارنیك وکردارنیك‌زندگانی خودرا اداره نمائید ویقین داشته باشید که ایران در سایه سعی وکوشش شما دوباره در میان اینهمه مصائب وشداید قد مردانگی برافراشته و دربرابر تاریخ‌کهن خود سربلند و مفتخر خواهد بود.

در آذرماه سال ۱۳۲۸ در امریکا چنین فرمودند.

تاریخ قرون‌گذشته امشب برای ما معنی خاص دارد ولی قبل ازهرچیزی میخواهم

شرحی راجع بخصوصیات اخلاقی که ما از اجداد خود بارث برده‌ایم و در این دوره دوهزار وپانصد ساله سهم بزرگی در تشکیل و پیشرفت تمدن باختر داشته وحتی در این دنیای پرآشوب بعد ازجنگ هم صفا وجلای خودرا از دست نداده است بسمع شما حضار محترم برسانم .

بیش ازهزار سال قبل ازظهور مسیح یك معلم بزرگ ایرانی بنام زرتشت ضمن تعلیمات خودگفت که دنیا را دو نیروی بزرگ یکی «یزدانی» و دیگری «اهریمنی» اداره میکند وزندگانی سعادتمند جز با پندارنیك ـ گفتارنیك وکردارنیك میسر نیست .

نفوذ و تأثیر این فلسفه عالی درمذاهب یهود ومسیح واسلام کاملا هویدا است .

شك نیست که در زندگی کنونی مااصل‌اخلاقی (پندارنیك) معنای خاص وبسیارمهمی دارد اکنون که تمام ملل بامنتهای جدیت در جستجوی حقیقت میباشند ومیخواهند درست و نادرست را ازهم تمیز دهند این اصل اخلاقی اهمیت مخصوص پیدا میکند «پندارنیك» طرز فکر صحیح ما را بطرف حقیقت‌سوق میدهد . درکنفرانس مطبوعاتی سانفرانسیسکو چنین اعلام فرمودند .

کشور من یکی از ممالك کهنسال گیتی است ومسئله اقلیت‌ها در این مملکت اصولا مطرح نیست ـ هر نژاد هر ملیت و هر مذهبی درکشور من در پناه قانون قراردارد و هیچگونه تبعیضاتی برای آنها موجود نیست . در بهمن ماه ۱۳۳۲ برای اعضای شورای دانشگاه حنین بیان فرمودند .

من تا آنجائیکه مقدور بوده و درقوه‌داشتم برای ترقی وسعادت ملك وملت کوشش کردم زیرا من هدفی جز حفظ ملك وسعادت ملتم که بعهده‌ام گذارده شده نداشته وندارم ونخواهم داشت .

فرهنگ ایران بسیار قدیمی وگرانبهاست این فرهنگ وسنت تاریخی و قوی در بحرانی‌ترین روزگاران مانند چراغی ایران را بسوی سعادت رهبری کرده وملت ایران را ازسقوط در وادی اسارت و بندگی حفظ نموده است. برای حسن ختام یك قسمت‌دیگر از فرمایشات شاهانه راکه هنگام شرفیابی هیئت رئیسه مجلسین در۱٤ امرداد ۳۹ بیان فرموده باستحضار میرسانم :

قانون برای همه مساوی وعموم دربرابر آن یکسان هستند وهر فردی که در این مملکت زندگی میکند مثل سایر افراد از تمام مواهب باید استفاده کند در زمان سلطنت خودم من همیشه سعی کرده‌ام که این اصول روزبروز بیشتر تعمیم پیداکند .

بقیه درصفحه ٤۵

دادبه

«من» و «دل»

ره بسر منـزل مقصود نبـردند صفا
بجز آن قوم که رفتند بپای «من» و «دل»

صفائی اسپهانی

از پشت و روکردن دل ؛ خسته وچشمم برنمیداشت :

« دمی‌هوش ورای وکوشش رابانیکهای درون و برون ؛ هماهنگ و دیگردم ؛ ناهم‌آهنگ ببینم » بتنگ بودم ویکرو شدن را باجان خریدار وبخود میگفتم **«یا مرگ دلخواهی یا مردن »** .

میخواستم این رهنامه را بربینشی خودآگاه استوارکنم . ناچارگومگوهای درونی بالا میگرفت و از دل میرنجیدم .

سرانجام بمژگان هنر وزهره‌ی بی‌باکی ، سیه‌خالی بچهر هستی‌کوبیده وبی‌چشم زدن چشم دوختم ویك رایی را بجائی رساندم‌تادل دل سوخت و چکه‌ی گوهرش ازچشمه‌ی چشم جوشید و دیدگاهمرا فراگرفت وگوئی در دل دریا دیده بگشودم . مروارید دل از دیده بدامن غلتید و اشك و دامن دردیدگاه معنی جوکناری‌گردید و مرا در خـود کشید و همینکه سر فرو بردم بی‌کرانه دریائی شدکه ......

نوای دم؛ در سینه‌ی خاکی‌بگوش جان میرسید و بآهنگ شورانگیز شرشر بـاران هستی می‌پیوست .

«من» گاه بژرفا رفته وگاه سر برمیکشیدم . ناگه بکله‌ی‌کوهی‌که از دریا سرکرده بود، با نیزه‌ای زرین‌که ازدوسو به‌بی‌پایانیها میرفت وهستی جویدان‌آسمانی وخاکی‌گردش میگردیدند ، ایستادم. دیری‌کشید ، ازگردش‌چرخ؛ خسته و سربگریبان برده ، بزمزمه میگفتم :

این دل آوارهٔ من گرز سفر باز رسد خانه تهی یـابد او هیچ نبیند اثـرم

پیر بلخ

ناگاه دل رخ نمود و شکرخنده‌ی زد و و پرسید **چونی ؟** گفتم :

دوسالیست ، کوزه گر«من» ، «من» را شکسته وبنیادی نوبرای سبویی نو وسالی نو ریخته وبا اینکه از«من» گل سی‌لگه‌ی ، در خورهرکوره ساخته ، باز آستین بالانکرده وچرخی نچرخانده ودستی هوای «من» نگرفته وگوئی بباد فراموشی‌ام سپرده .

دل بقهقهه خندید وگفت :

هله نومید نباشی چو تو را یاد براند
که چوامروزبراندنه که فردات بخواند
در اگر برتو ببنددمرو وصبر کن آنجا
بسر صبر تو را او بسر صدر نشانـد
وگراو بر توببندد همه درها وگذرها
ره پنهان بگشاید که کس آن راه نداند
نه‌که قصاب بخنجر چوسر میش ببرد
نهلدکشته‌ی‌خود راکشد، آنگاه کشاند!

پیر بلخ

گفتم ای دل پر بهیچم مگیر که بیم و امید پیشم یکیست . بکام وناکامی کارم نیست، راهی خواهم که از توشه وهمراه‌بی‌نیاز است . دل ، چشمکی زد و زیرلب گفت :

« بپای دل سفر کن گر هوای ملك جان داری»

گفتم : « تاتی دل نمیدانم ؛ دستم بگیر و پابپا بر تا شیوهٔ راه رفتن‌آموزم » دل ، سرانگشت فرمان بالاگرفت و باهنگی‌که درهستی پیچیده بود فرمود :

« هردمی‌که بیهوده بگذردگناهیست نابخشودنی. تازمان را به‌پیاله‌ی هودمی نپیمانی ، از جهان معنا بگیتی آشکار نپیوند و نیکبودی نگیرد تـا بهم آهنگی هوهستیها درآید. پیوسته دروازه‌بان دروازه هستی‌باش ، چشم از دوچشم خویش مدار و درکار خودشناسی ، خودسازی، خودیاری ، هستی پیرائی ، هستی‌آرائی و هستی‌بانی ؛ همواره هوش و رای وکوشش جاوید را با هوهستیهای درون و برون هم‌آهنگ سازد و نهانزیبائی گیتـی شو ، در کار ، بدیده‌ی دل می‌بینی که ، این شیوه ؛ آفریدگار اشوئی ، هومنی ، توانائی ، مهربانی ، سرشاری ، بی‌مرگی ، خدایگانی، و نیکیهای بی‌پایان

شناخته و ناشناخته است . سخن اینست و بس ، آنکس کــه فهمید آسانش گرفت و کار بست و کسی که ندانست شکنجه‌اش پنداشت .»

گفتم ای دل ، با این کلید ، ره صد ساله پیمودم و گنج جاویدانی که ارزانی داشتی ارج میدارم .

سپس خواستم تا از سخنان پیر بلخ پرده برگیرم و گومگوهای خودمانی را باپژوه آغاز کنم ، ناگاه بیگلربیگی دیر فراز آمد و از کار پرسید . گفتم در اندیشه‌ی آنم که آئینه‌ی آئین چکامه‌ی پیر بلخ را بتماشای تماشاگران بگزارم . بی‌درنگ چین به‌پیشانی زد و گفت :

« آنسان که شایسته و بایسته است از راز :

ای مــزاجت سرد کو تاس دلت تــا درآن گرمابه تــوگیری قرار
شش جهت حمام و روزن لامکان بــر سر روزن جمال شهــریــار
پیر بلخ

پرده برمیداری ؟

گفتم :

تا آنجاکه سزاوار است به پیمانه‌ای چند ، لب و کام تشنگان را ترمیکنم .

خشمش گرفت و گفت :

« دیر مغان پروا نمیدهد که آئینه‌ی آئین پیران را بی‌شیوه، برخی اینگونه اندیشه سازی و چشمه‌ی آب زندگانی جاوید را شبنم شبنم بدست هوا بسپاری ! از ریخت و پاش بپرهیز و سدی راستین در پیش این چشمه بپاکن تا تشنگان وادی‌این راه یکجا سیراب شوند .

گفتم ....

انگشت گزید و گفت :

فرمان پیر مغان اینست ، خودسری مکــن ، رهنامه‌ی دل را یکجا بــه پژوه و دوستارانش ارمغان ساز وکاری مکن که خرمن این رنج به برق هوس بسوزد.

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۳)

٤ - ابراهیم در تاریخ

در تاریخ ملل باستانی خاور زمین ، از آنمیان مصر ؛ میخوانیم که : - درواپسین روزگار خاندان شاهان «طب» نیرو وتوان آنها بسستی گرایید ، ایل هیکسسHycsos بیابان گرد چادرنشین ، از تنگه سویس به مصر تاخته ، مدت دو سده در آنجـا شاهی کردند . در دوره آنها مردمانی از آسیا بمصر درآمدندکـه از آنان یکی‌هم - خاندان یعقوب پیغمبر است که بهوای پسر خود یوسف بآن کشور روانه شد . [اما رفتن یعقوب و یوسف به مصر در تاریخ آن کشور یاد نشده ، بلکه فروغی در ترجمه و تألیف تاریخ خود چنین قیاس میکند] . در تاریخ ملل شرق و یونان تألیف « البر ماله و ژون ایزاك » - هجوم قوم هیکسس بمصر را در پیرامون ۱۷ سده پیش از میلاد میداند و در باره ابراهیم مینویسد :

« ابراهیم یکی‌از شیوخ یهود بوده (البته از نظر تورات) که در شهر «اور»کلده در زمان شاهی «امرافل» (Amraphel) که بساهمان «حامورابی» باشد ، زندگی می کرده است » .

٥ - ابراهیم در قرآن

چنانکه گفته شد ، تورات نامها را با لهجه عبرانی خود تحریف میکند ، نـژاد ابراهیم راکه بساهندو آریائی بوده پنهان میدارد، از اینروی برهمایابرهمان، «ابرام» و سپس ابراهیم میشود و نـام پدر اوکـه آذر بوده ، بدون ابراز نسبت او بهٔابراهیم - «العاذر» میگردد. اما در قرآن چنانکه‌گذشت محمد خود را از ملت ابراهیم میداند و در سوره انعام آیه ٧٤ چنین میفرماید :

« آنگاه‌که ابراهیم به پدر خود «آذر» گفت ، آیا بت‌ها را بخدایی گرفته‌ای ؟ ـ من تو و قومت را درگمراهی آشکار می‌بینم» . در تفسیر این آیه نوشته‌اند آذر عمو یا مربی او بوده و در نزد عرب چنین کسی را پدر میگفته‌اند ، یعنی قرآن از سنت تبعیت کرده ، و حال آنکه درچند آیه دیگر بدون بردن نام آذر تنها بگفتن«پدر» اکتفا شده ، چه مانع داشت‌که یکبار هم‌عنوان‌عمو یا مربی‌برده شده باشد؟ اکنون گیریم‌آذر عمو یا مربی ابراهیم بوده ، سخن برسر نام آذر است‌که تورات آنرا به «عاذر» تحریف‌کرده و چون لهجه عبری و عربی یکی است ، چرا قرآن آذر میگوید و از تورات تبعیت‌نکرده است ؟ . پس این نام ارجمند پارسی و از رهگذر معنا مقدس‌و سمبولیک‌کیش مشترك نژاد آریان هند وایران پیش از زرتشت بوده ودر آیین مزدیسنان جایگاهی والاوفلسفه‌ای ویژه در نیایش داردکه راز آن‌گفته خواهد شد .

۶ـ مکتب ابراهیم در قرآن

در سوره انعام از آیه ۷۵ تا ۸۲ چنین‌است : ـ « و همچنین به ابراهیم ، ملکوت وباطن آسمانها وزمین را نمودیم تا بمقام اهل یقین رسید » . این برهان رشد فکر در یکتاشناسی است و باکیش اهورائی تطبیق میکند، چه هرگز در دین مزدیسنان آمد وشد فرشته بلکه وجود فرشتگان در پیکر مادی راه ندارد، مگر اینکه ملکوت بعنوان صفات وبه خصلتهای عالیه انسانی توجیه میشوند و درقرآن هم : آنها دیده شدنی‌نیستند ، بلکه عوامل طبیعت و مظهر اراده «الله» و خواست الهی هستندکه خداوند عظمت وجلال ، آثار و اطوار قدرت خود را عموماً بفرشتگان منسوب میدارد. نمیتوان‌بفرشتگانی‌که درقرآن یادشده ، لباس موجودیت ویژه‌ای پوشانید . درقرآن فلسفه وجودی نیروی بی‌پایـان و قوای‌گوناگونی‌که از بودها ونمودها مکنونست تعبیربه ملائکه شده است‌که از میان‌آنها یکی هم ابلیس یا شیطانست و این فلسفه درست با امشاسپندان شش‌گانه و دوگوهر نیك و بد سپنتا مینو وانگرامینوی اوستا تطبیق میکند.

در تفسیر قرآن ، سرسیداحمدخان هندی ، در اینباره مینویسد:

« انسان مجموعه‌ایست ازقوای ملکوتی وقوای بهیمی وبرای هردوی آنهاهم ذریاتی بی‌حد و حصر هستندکه درهرقسمت از اقسام خیر و شر ظاهر و هویدا میشوند » . این همان قضیه دوگوهر همزادگاتـاهاست‌که هر یك عوالم گوناگونی ازنیکی و بدی دارند و پیوسته در وجود انسان در کشمکش هستندکه‌گزارش آنرا درگفتارهای پیشین خواندید .

هدف از این یادآوری توضیح این نکته است‌که درزمان ابراهیم درکلده «مردوك» خدای جهان‌کلدانیان سلطنت دینی داشته ، اینگونه مطالب معنوی و فلسفه الهی در آنجـا

رواج نداشته ، پس این آیات قرآن درباره ابراهیم مناسبت ووجه مشابهتی با کیش کلدانیان نداشته است .

در آیه ۷۶ ببعد میگوید ـ پس چون شب تاریك پدید آمد ، ستاره درخشانی دیده گفت این پروردگار من است . چون ستاره ناپدید گردید گفت نه ؛ آنچه نابودی پذیر است دوست ندارم ـ آنگاه که ماه تابان برآمد ، گفت این است پروردگارم ـ وقتی آنهم پنهان شد، گفت اگر پروردگار مرا هدایت نکند ، من نیز از گمراهان خواهم بود ـ پس چون بامدادان خورشید سرزد گفت اینست خدای من، این بزرگترست. چون آن نیز فروکشید گفت ـ ای قوم من از آنچه شما شریك قرارمیدهید بیزارم ـ من باایمان خالص روی بکسی آورم که آفریننده آسمانها وزمین پاك است و من از مشرکان نخواهم بود.

مردم با او درافتادند ـ گفت آیا بامن درباره خدائیکه بدرستی شناختهام میستیزید؟ من از آنچه شما شریك خدا میخوانید بیمی ندارم مگر آنکه خدا بر من چیزیرا بیمناك بخواهد ـ علم پروردگار من به همه چیز محیط است وشما به این حقیقت پی نمیبرید ـ ومن چگونه از آنچه شما شریك خدا میدانید بترسم وشما از این شرك آوردن نترسید ، در حالیکه هیچ برهانی برآن شرك ندارید ؟ آیا کدام ازمن و شما به ایمنی سزاوارتریم، اگر بتوانید بدرستی دریابید؟ آنانکه بخدا ایمان آورده وایمان خودرا باللباس ستم نمی آرایند امنیت و مصونیت دارند و به حقیقت هدایت شدهاند » .

این گفتگو واستدلال ماجرای یك شبانه روزیا یکسال وصدسال نیست، بلکه سرگذشت قرنهاست که بر هندی وایرانی آریان گذشته تا بارشد تدریجی وفکر وشعور باطن؛ بیهودگی پرستش عوامل طبیعت هویدا گشته وآشوزرتشت فیلسوف بزرگ اجتماعی واقتصادی وپیشوای فکر بجهان آمده ومردم رابه یکتاشناسی خوانده ودانایان قوم بدوگرویدهاند و ابراهیم در جوانی از آموزش آیین زرتشت برخوردار گردیده و به اصول کیش اهورایی پی برده، خانواده و مردم شهر خودرا تبلیغ میکرده است .

در سوره مریم از آیه ٤٤ تا ٥٠ درباره جدال ابراهیم با مردم وموضوع کید و عناد شیطان سخنهایی است که باگفتههای زرتشت درباره انگرامینو البته با زبان زمان یکسانست. در سوره انبیا این ماجرا بآنجا میانجامد که ابراهیم بتها رامیشکند و کار به درآتش انداختن ابراهیم میکشد که درتورات دیده نمیشود. اکنون بهبینیم فلسفه آتش زرتشت که سمبول کیش اوست دریسنا چیست ؟

درقرآن میگوید : ـ « قوم گفتند ـ » ابراهیم رابسوزانید وخدایان خودرا یاری کنید ـ اگرکاری ازتان ساخته است ؟ ما بهآتش خطاب کرده گفتیم ـ ای آتش برابراهیم سرد و سالم باش . قوم در مقام کید و کینه برآمدندوما آنها رابه سختترین زیان وحسرت

انداختیم » .

۷- راز آذر در یسنا و رستن ابراهیم از آتش

هات ۳۱ بند ۱۹ ــ « به آن کسی باید گوش فراداد که راستی را اندیشیده ، به‌آن دانایی که پزشك زندگی است . ای اهورا ــ به‌آن کسی که سخن خویش آنچنانکه باید تواند نمود ، دربرابر «آذر» فروزان تو ، ای‌مزداهنگام‌بخشش مزدهردوگروه (نیکوکاران و بزهکاران) . این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند ـ کسیکه گوش هوش فراداده و راستی را نیوشیده و پزشك زندگی است، خود زرتشت است چه ، او میتواند سخنان خودرا چنانکه باید استوار بدارد، اوست که در برابر آذر فروزان اهورا از بوته آزمایش‌پاك و بی‌غش درآید وپاداش خودرا بگیرد ونادانهای گمراه پادافره ناپاکی وبزهکاری‌خویش‌رادرمییابند.

هات ۳٤ بند ٤ ــ « ازآذرتوکه از راستی زورمندست، ای اهورا ــ ازآن‌نیرومندی که پیمان رفته خواستارم که ، به دوستان آشکارا رامش دهنده بود ، نك‌ای مزدا بدشمن بخواست دست تو هویدا رنج دهنده » .

درگزاره این آیه آقای پورداود مینویسد :ــ «درین بند چنانکه دربند ۱۹ و در بسیاری از بندهای دیگر ، از آزمایش آتش افروخته وآهن‌گداخته یاد شده است ــ در برابر آذر فروزان ، نیکوکاران گزند نیابند ، اماگناهکاران ازآن آسیب‌یافته‌گناهشان آشکارگردد ». خواست دست‌کنایه از قدرت اراده است و جنبه ادبی داردنه عنصری مراد اینست‌که در روزآزمایش واپسین‌کافی است‌که زبانه آذر دررامش بخشیدن یاآزار وزیان رساندن ، نیکوکار را از بزهکار و پاك را از ناپاك بازشناسند.

از این آیات چنین درمی‌یابیم که‌آذر فروزان‌کنایه از محیط زندگی مادی است، چه دنیای انسان سرشار ازآتش فروزانست، انسان میتواند محیط آتشین زندگی را ازراه خرد ودانش‌بااخلاق ستوده بر خود گلستان یا بهشت سازد وبرای‌کسیکه دارای این‌شرایط نباشد ، آذر فروزان ، سوزاننده ودوزخ خواهد بود. پس انسان داناکه بعالم انسانی‌پی برده و بامکارم اخلاق‌آراسته است، در روشنایی این‌آذر فروزان ، یك زندگانی‌بی‌آلایش وبا آرامشی طبیعی خواهد داشت واین معنی جهان مینوی یا بهشت زرتشت است .آنکس که بد دل ، بدخواه ، بداندیش ، بدخوی ونادان بوده ولی خودرا از همه داناتربداند وزندگی دیگران را برای خوشی وخودکامگی خویش تباه میسازد ونام آنرا زرنگی و زیرکی نهاده با دروغ ونیرنگ ، بافریب‌کاری و روی وریا راه زندگی بسپرد ، فرجامی ننگین خواهد داشت ؛ درمیان مردم به‌بدی انگشت‌نما ورسوا خواهد بود . اوهمواره نیز

بقیه درصفحه ٤٤

جشنهای زرتشتیان ایران بمیمنت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

تهران - انجمن زرتشتیان تهران باهمکاری سازمان فروهر « جوانان زرتشتی » و سازمان زنان زرتشتی و سازمانهای فرهنگی این جشن خجسته را هفت شب متوالی در محل انجمن برگذار نمود و از حضار وشرکت کنندگان با شرینی وشربت پذیرائی شد که جزئیات آن بدینقرار است.



١ - در نیایش بزرگ همگانی نیمه شب بیست وچهارم شهریور شرکت جسته وآئین دعا را بجای آوردند.

۲ - در شبهای جشن سخنرانان و چکامه سرایان بـا ذکر حقایقی از خدمات و اصلاحات اجتماعی که در پرتو رهبری شاهنشاه خردمند انجام‌یافته مطالب مفصلی باطلاع حضار که هرشب گروه انبوهی را تشکیل میداد رسانیدند . سخنرانان و چـکامه سرایان عبارتند از :

۱ ـ جناب آقای ارباب رستم‌گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان
۲ ـ آقای سهراب سفرنك دبیر انجمن
۳ ـ آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن .
٤ ـ سرکار بانوتوران بهرامی (چکامه‌سرا) عضو هیئت‌مدیره سازمان زنان.
۵ ـ آقای دکتر داریوش جهانیان رئیس هیئت مدیره سازمان فره‌وهر
۶ـ آقای خسرو باستانی عضو هیئت مدیره سازمان فره‌وهر
۷ ـ آقای خدایار هورمزدی (چکامه‌سرا) عضو هیئت مدیره سازمان فره‌وهر
۸ ـ سرکار بانوخانم فریدونیان (ورزا) عضو سازمان زنان زرتشتی

اخبار جشن و سخنرانی مرتب در رادیو پخش و صحنـه‌ای از آن در تلـویزیون



ایران نمایش داده شد.

۵ ـ یکی از مراسم باشکوه هفت شب جشن اجرای آئین نیایش شاهنشاهی توسط موبد خسرو برابر سنت باستانی وشرکت عموم حضار در این آئین مذهبی بود.



۶ ـ برنامه‌های هنری جوانان سازمان فروهر و دوشیزگان سازمان زنان ازهر جهت جالب و بخصوص سرود مهرشاه و ترانه منشور جلوه خاصی داشت . رقص محلی دوشیزگان نیز هنرمندانه بود .

ضمنا قسمت دیگری که تحسین‌آمیز بنظر رسید پذیرائی دوشیزگان سازمان زنان‌و جوانان سازمان فروهر از مدعوین وشرکت‌کنندگان جشن بودکه این وظیفه را بانظم وترتیب انجام دادند .

خلاصه آنکه هفت شب‌جشن درمیان نورافشانی چراغهای رنگارنگ با شادمانی و سرور زایدالوصف حضار باخاطره بسیارخوشی برگذارگردید.

اهواز ـ انجمن زرتشتیان باهمکاری سازمان جوانان زرتشتی اهواز مجلس جشن وسروری برپا وضمن سخنرانی وستایش ازخدمات ۲۴ساله اعلیحضرت همایون شاهنشاه با برنامه‌های سرگرم‌کننده حضار را مشغوف داشتند.

یزد ـ زرتشتیان یزد تحت هدایت انجمن زرتشتیان وهمکاری سازمان جوانان مجلس جشن وسرور ونیایش در محل آتش بهرام ترتیب داده بودند که جناب آقای فرماندار وعده‌ای از رؤسای محترم دوایر و وجوه اهالی حضور یافته در مراسم شرکت جستند . ضمناً سه شب متوالی یکهزارو پانصدنفر ازمستمندان اطعام شدند . برنامه جالب دیگری در نیمه شب ۲۴ شهریور بربالای کوه شیرکوه توسط جوانان ورزشکار سازمان جوانان زرتشتی بسرپرستی آقای دیانت باآتش افروزی ونیایش خوانی انجام یافت که از هر جهت جالب وتحسین آمیز بود .

کرمان ـ ساعت پنج بعد از نیمروز ۴۴/۶/۲۴ مجلس جشن و آفرین خوانی در محل پذیرشگاه مهرابی برپا گردید که در آن جناب آقای استاندار و عده‌ای از رؤسای دوایر دولتی ووجوه اهالی وجمع کثیری از همکیشان حضور یافته ودراین مراسم پرشکوه شرکت جستند .

در نیمه شب ۶/۲۴ نیز درصحن آتش بهرام مجلس مخصوص نیایش ودعا برابرسنت



دوشیزگان هنگام خواندن سرود

باستانی باشرکت عده کثیری ازهمکیشان و حضورجناب آقای استاندار و عده‌ای ازرؤسای محترم دوایر تشکیل یافت که باشکوه وجلال و درعین حال باروحانیت خاصی آئین دعا و نیایش انجام گردید ضمناً دعای ویژه زرتشتیان (ترجمه‌ای ازاوستا) که بکوشش آقای ارباب جمشید سروشیان چاپ شده بود بین مردم توزیع گردید .

دهات زرتشتی‌نشین یزد - برابر اخبار رسیده در تفت وخیرآباد، شریف‌آباد اله آباد و دیگر دهات جشنها ومجالس نیایش برپا داشته ازمسرت و شادمانی همگانی برخوردار بوده‌اند ومجالس خود را بادعا ونیایش بپایان رسانیده‌اند.

شیراز - روز پنجشنبه ۲۵ شهریور مجلس جشن ونیایشی باحضور زرتشتیان‌شیراز برپا گردید در این مجلس آقای موبد خسرو آئین نیایش مخصوص را اجرا و برای دوام سلطنت و بقای عمر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و والاحضرت ولایتعهد و خاندان جلیل سلطنتی دعا نمودند . این مجلس تاساعت۸ باشادمانی فراوان ادامه داشت .ضمناً ازآقای سهراب یزدانی که برای تزئین باغ‌همت بخرج داده‌بودند قدردانی شد.



تهران - چون در برنامه جشنهای زرتشتیان تهران پیش‌بینی شده بود که خیابان بزرگ تهران کاخ بنام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر نامگذاری شود ازاین جهت ضرورت داشت که از پیشگاه شاهنشاه کسب اجازت شود. بدینمنظور آقای اردشیر موبد مدیرعامل شرکت آبادانی تهران کاخ طی عریضه‌ای از پیشگاه مبارك شاهنشاه استدعا نمودند که دراین‌باره امرملوکانه شرف‌صدوریابد بنابراین برابر امریه ۳۶۳۱-۴۴/۶/۲۲ صادره از دفتر مخصوص شاهنشاهی (بشرح زیر) مراتب بنامبرده ابلاغ شد :

« عریضه مورخ ۴۴/۶/۱۵ شما حاکی از تبریکات صمیمانه وابراز احساسات بی‌شائبه‌ای که بمناسبت آغاز بیست‌وپنجمین سال پرافتخار سلطنت‌اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی تقدیم داشته وضمناً یکبرگ نیایش بدرگاه ایزد متعال ضمیمه نموده و استدعاکرده‌بودید **خیابان سی متری کوی تهران کاخ بنام نامی مبارك ملوکانه نامگذاری شود از شرف عرض لحاظ مبارك گذشت و موجب خوشوقی وانبساط خاطرمقدس شاهانه گردید اجازه فرمودند خیابان مزبور بنام نامی مبارك ملوکانه نامگذاری‌شود عواطف‌خاصه ذات اقدس شهریاری رابدین‌وسیله بشما ابلاغ مینماید.**

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی هیراد

بنابرین قراراست در طی یك مراسم رسمی و برگزاری جشن شایسته‌ای توسط یکی از مقامات صلاحیتدار ازروی لوحهٔ خیابان نامبرده پرده‌برداری شود.

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل‌کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع‌دهندتا مجله بآدرس‌جدیدآنهافرستاده‌شود

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران بمناسبت جشن فرخنده آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه دادگستر ایران

بانوان و آقایان ارجمند از اینکه دعوت انجمن زرتشتیان را قبول و برای شرکت در این جشن خجسته و فرخنده که بمیمنت آغاز ۲۵ سال سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه والاتبار و دادگستر ایران تشریف آورده‌اید اظهار تشکر و سپاسگزاری مینمایم . بواقع وازروی حقیقت عرض مینمایم امروز یکی از بزرگترین و پرافتخارترین



روزهای تاریخی ملت ایران است زیرا خاطرات خدمات و زحمات و فداکاریها و جان‌بازیهای اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه عظیم‌الشان ایران را در مدت ۲۴ سال سلطنت پرافتخار خودبرای فراهم‌نمودن موجبات‌آرامش و سعادت و پیشرفت و افتخارات ملت ایران رابخاطرآورده و درنظرمجسم فرمائید.

آن‌وقت تصدیق میفرمائیدکه جزفره ایزدی شاهنشاه و عنایت و موهبت خدادادی امکان اینهمه موفقیت میسر نبوده .

ازاینرو ملت ایران حق داردبشکرانه این موهبت الهی وبادعا و نیایش بدرگاه خدای بزرگ درپیشگاه شاهنشاه‌عظیم‌الشان هم‌که اینهمه موجب افتخار وآسایش وسربلندی ایران و ایرانیان رافراهم فرموده‌اند و مورد احترام وستایش جهانیان نیز میباشند سر تعظیم و تکریم فرودآورده وبرای طول عمر و دوام وبقای سلطنتش مجالس نیایش وجشن و سرورفراهم نمایند

باردیگر با اظهارتشکروسپاسگزاری ازتشریف‌فرمائی و شرکت حضارارجمنددراین جشن فرخنده ازهمکاری سازمانهای اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان بویژه جوانان هنرمند سازمان فروهراظهارقدردانی وامتنان مینماید.

آگهی

باستحضار همکیشان ارجمند میرساند چون در دومین جلسه فوق‌العاده همگانی پنجشنبه ۱۳۴۴/۷/۱ نیز اکثریت حاصل‌نشد ازآقایان همکیشان گرامی خواهشمنداست ساعت شش و نیم بعد از نیمروزآدینه ۱۶ مهرماه ۱۳۴۴ که سومین جلسه تشکیل می‌یابد در تالار خسروی حضور بهمرسانند ،

دستور جلسه

تصویب اساسنامه اصلاح شده انجمن زرتشتیان

ضمنا یادآور میشود که در سومین جلسه حد نصاب حضور عده حاضر در جلسه خواهد بود .

انجمن زرتشتیان تهران

بیانات آقای سهراب سفرنگ رئیس دبیرخانه انجمن زرتشتیان در مجلس جشن زرتشتیان که بمیمنت آغاز بیست پنجمین سال سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه دادگستر در محل انجمن زرتشتیان برگزار گردید

بانوان و آقایان ارجمند بطوریکه حضار گرامی استحضار دارند دراکثر ملل وجماعات عالم روزهای پرافتخار تاریخی وجود دارد که موجب سربلندی و سرافرازی و مایه غرور ملی و مباهات آن ملل و جماعات است که بیاد و یادبود آن هرسال جشن گرفته ومجالس سرور و شادمانی عمومی فراهم مینمایند و خوشبختانه ملت شریف ایران نیز درطول تاریخ



پرافتخار ودرخشان سه‌هزارساله‌خوددارای‌روزهای تاریخی فراوان و افتخارات‌درخشان فنا ناپذیر بوده و میباشدکه دنیای متمدن دیروز و امروزنیز بواقعیت و حقیقیت و عظمت آن ایمان و اعتراف دارند و ایران را مشعل‌دارتمدن جهانیان میدانند.

و این قولی است‌که جملگی بر آنند

امروزهم بواقع‌یکی ازبزرگترین‌روزهای پرافتخار و جاودانی و تاریخی‌ایرانیان و یکی ازروزهای مسرت‌بخشی است‌که ملت بیدار و هوشیار ایران‌بپاس خدمات برجسته و پرارزش و معجزه‌آسا و نجات‌بخش‌که درطول مدت ۲۴ سال قـدارکاری و جـانبازی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه‌آریامهروپدر تاجدارما ایرانیان در ظل عنایت و حمایت خدای‌بزرگ نصیب ایرانیان فرموده‌اند جشن‌گرفته وبا اظهارقدردانی و حق‌شناسی و سپاسگذاری درهمه شهرهای ایران حتی دهات و قراء مجالس جشن پرشور و سروری برپا نموده و با دعا و نیایش برای سلامتی ذات اقدس شاهنشاهی و پایندگی دودمان جلیل پهلوی شکرگزاری و ابرازمسرت و شادمانی مینمایند.

از اینرو ازخدای بزرگ مسئلت داریم ایـران عزیزکـه سرزمین شاهنشاهان و زادگاه پاکان و اشوان و نیکان و راستان‌است درتحت توجهات وعنایات‌اعلیحضرت‌همایون محمد رضاشاه شاهنشاه‌آریا مهرکه وارث بالاستحقاق‌کورش‌بزرگ و رضاشاه‌کبیرهستندمجد و عظمت ایران‌کهن تجدید و ملت شاهدوست و میهن‌پرست وحق‌شنـاس ایران‌براهنمائی و رهبری پدر تاجدار وعظیم‌الشان خود همدوش و همگام باپیشرفت زمان‌راه سعادت‌وترقی‌و تکامل‌را بپیماید.

باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

جاوید شاه - پاینده ایران - کامروا باد ملت قدردان ایران

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش ببانوان و آقایان گرامی که تاکنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت ننموده‌اند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان بـا در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ٤ بـدبیرخانه انجمن زرتشتیان مـراجعه وکارت شناسائی دریافت فرمایند.

سروده توران بهرامی

خسرو عادل

بنام خدائی که داد آفریـد بشررا خرد در نهاد آفریـد
بخورشید نـور و بسر شور داد بدو عشق و در بازوان زور داد



بما رهبری داد روشن روان   خردمند و بیدار و پاکیزه‌جان
از او آریائی سرافراز شد   شکوه کهن از نو آغاز شد
اهورا در این کالبد جان دمید   وزا و آریا مهر آمد پدید
نمودا رشد فره ایزدی   زبون گشت آئین نابخردی
روشهای دیرین ز نو زنده شد   سیاهی چو ابری پراکنده شد
در اینجا ز سعدی دلیل آورم   سخن را به شهدو شکر پرورم
بقومی که نیکی پسندت خدای   دهد خسروی عادل و نیک‌رای
چراغ هدایت چو گیرد بدست   بنادانی و جهل آید شکست
چو خورشید تابنده نور افکند   بدلها امید و سرور افکند
براند پلیدان بدکار را   کف کاردان بسپرد کار را
ستمدیده‌ای چون شود دادخواه   ستمکار را میدهد انتباه
بخاك اوفتد دیو ناراستی   گریزان شود کژی وکاستی
بدستش مساوات بار آورد   برو میوه شاهوار آورد
چو گیرد بکف مشعل داد را   کند ریشه کن بیخ بیداد را
فزاید بآزادی و ایمنی   بتازد بنیروی اهریمنی
زتدبیر او کارگر سرفراز   کشاورز بیچاره را چاره ساز
بافتاده خسته جانی دهد   بدرمانده توش و توانی دهد
زن و مرد باهم برابر شوند   چو یك جان که اندر دو پیکر شوند
کنون بند بگسست از پای زن   نمایان شود دانش و رای زن
اگرچند میدان آورد نیست   زن این زمان کمتر از مرد نیست
سیاسی ورزمی و دانشور است   ولیکن بهرحال او مادر است

بقیه درصفحه ۴۳

سروده : خدایارهرمزدی

بمناسبت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شهریارعظیم‌الشان ایران



بشادی کوش جشن شهریاراست
شهی کـو مهربان‌وکامکار است
شهنشاهی که بیست وپنج سالش
پی‌آسایش ایران بـه بـار است
براورنگ کیان روزی که بنشست
نبد رامش کنون بس آشکاراست
کسی کودیده‌آنروز این بداند
نه‌پندارد که اکنون آن‌دیاراست
سراسررنج بود و درد و انـدوه
کنون‌آبادی وشادی هزار است
شده از کوشش شه کشور آبـاد
بهرجا پیشرفت بی‌شمار است
بهرنیکی که شه اندیشه فرمود
پی‌آن‌دیگران را رهگذار است
ز مهـر او کشاورز تبـه روز
کنون‌آسوده‌وخوش‌روزگاراست
همه از مهـربـانی شهنشاه
برامش کارگر سر گرم کار است

بقیه درصفحه ۵۳

سخنرانی بانو خانم فریدونیان در جشن بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

سروران ارجمند . بسیار خوشوقتم در این جشن خجسته که بمیمنت بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برپاست بما بانوان فرصت اظهاراحساسات وشرکت درنیایش وستایش داده شده است .

از اینجهت اینجانب نیز ازاین موقعیت استفاده نموده دست نیاز بدرگاه اهورای بی‌نیاز درازنموده اهورامزدا را سپاسگذارم که ازدریای بیکران بخشش خود شاهنشاهی محبوب وآزادمنش بما عطا فرموده که از پرتو وجود با تدبیرش ما زنان زرتشتی شاهد آزادی و برابری زنان ایران باشیم و دردرگاهش شکرگذاریم که بدست‌توانای‌شاهنشاه دادگستر درهای فضل و دانش بروی ماگشوده شد.

بآستان اهورا سرمیسائیم که بکف باکفایت شاهنشاه خردمند همگی‌ازعدالت‌اجتماعی برخوردارگشته‌ایم.

در برابرکراماتش سر بکرنش فرود میآوریم که درنتیجه داد و دهش شاهنشاه بزرگوار ریشه جهل و بیماری‌سست‌بنیان‌گشته ودر شرف نابودی است .

خدایرا سپاس میبریم که دردوران سلطنت‌شاهنشاهی بسر میبریم که در سراسر جهان سربلند وسرافرازیم واگر زمانی فقط درخانه عهده‌دار تربیت فرزندان خود بودیم اینك این وظیفه خطیر را دربیرون ازخانه هم بردوش گرفته‌ایم .

سپاس بی‌پایان بدرگاه پروردگاریکه سایه شاهنشاه را پناهگاه درماندگان و بیچارگان قرار داد و دستهای نیازمندی‌که بدرگاهش درازشود بآسایش‌خواهدگرائید و گره‌های بسته بدست توانایش بازگشوده خواهد شد.

پروردگارا شاهنشاه مارا به دیرزیوشنی و نیرومندی کامروا فرما
ولیعهد عزیز ما را در پناه خود به برومندی ودراز زیوی‌برخوردارساز
کشور عزیز ما ایران را پاینده بدار

سخنرانی آقای محمودی بختیاری در سازمان فروهر

(جوانان زرتشتی)

راهی بمکتب حافظ

روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه بنا بدعوت سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) عدهٔ زیادی از علاقمندان جهت استفاده از سخنرانی آقای محمودی بختیاری در بارهٔ « راهی بمکتب حافظ » در سالن بهمن حضور بهم رساندند .

در این جلسه آقای محمودی بختیاری اظهارداشتند :

بیشتر، بلکه همهٔ اندیشمندان ما ناشناخته مانده‌اند از جمله حافظ که بکلی رنگ دیگری بخودگرفته است . با اینکه دهها کتاب در بارهٔ حافظ نوشته‌اند ولی هیچکدام

بقیه درصفحه ۵۵



جشن آغاز تحصیلی دانشگاه با تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر و علیاحضرت شهبانو بدانشگاه

بعد از نیمروز سوم مهرماه در ضمن مراسم پرشکوهی با تشریف‌فرمائی اعلیحضرتین و برگذاری جشن مجلل وشایسته‌ای سال تحصیلی دانشگاه آغاز گردید .

نخست سرود شاهنشاهی نواخته شد وسپس سرود دانشگاه اجرا گردید در اینموقع گزارش امور تحصیلی دانشگاه توسط جناب آقای دکتر صالح بعرض رسید.



یکی از برنامه‌های جالب وتحسین آمیز (سرود بزرگ) اپرای تخت جمشید بود . این اپرا باکوشش شبانه روزی چند ماه دانشجویان و حسن مراقبت آقای رضا ناروند ونویسنده آن برروی صحنه آمد وتوأم با اشعاروسرودهائی بودکه هر شنونده را تحت تأثیر مطالب اخلاقی و اندیشه بلند نیاکان قرار میداد مخصوصاً آنگاه‌که داریوش بزرگ درآئین نیایش شرکت جسته و سپاس اهورامزدا را بجای می‌آورد صحنه بسیار افتخارآمیز بود.

انتظار همگی برآنست‌که چنین اپرای میهنی‌که نشان دهنده گوشه‌ای از تاریخ پر جلال کشور است بازهم بنمایش گذاشته و اجازه دهند دیگران هم از دیدن آن در خود احساس غرور نمایند . پس از اپرا دانشجوی فارغ‌التحصیلی خطابه‌ای بعرض‌رسانیدآنگاه شاهنشاه جوائزرا اعطا فرمودند ودرپایان ازمدعوین پذیرائی بعمل آمد.

اینك اشعاری‌که خوانده شد عیناً نقل میشود.



اپـرا

تخت جمشید

سرود بزرگ

اثر: رضا ناروند

اشعار از: استاد ابراهیم پورداود کریم فکور

اشم وهو یتا اهو و ایریثو

هان موبدا آتشی‌فروز پرده‌سیه‌زین‌زبانه‌سوز کیش‌باستان‌زنده‌دان‌هنوز زایزدی‌فروغ برمتاب‌رو

اشم وهو یتا اهو

ای‌موبدموبدان‌بیا دست‌خود بر گشا کن‌بخرمی آتشی‌بپا تا دل یابدجلا
شعلـه از صفـا شد فسانـه‌گـو نـور ایـزدی بـردمد از او

اشم‌وهو یتااهو

باشد این فـروغ جلوه بخش جان یادگاری از کیش بـاستان
میدمـــد بـدل بـــرق آرزو رمـز پـاکی از شعله‌اش بجـو

اشم وهو یتا اهو

شد نصیب مـا بخت سرمدی رهنمـای مـــا نـور ایـزدی
نیکـی و صفا شد شعار مـا خوش بود از آن روزگار مـا

شعله بر کشد سر بر آسمان تیرگی رود از میان
در نهاد ما آتشی نهان گشته پرتو افشان

گشته اهرمن دور از این سرا باشد او جدا از نهاد ما
در ستایش مزدئه اهور روح و قلب ما گشته پر زشور

دل پر ازمهر اهورا مزدا بود سوزد اهرمن ز شرر ما
طی کنیم آن ره که ره صفا بود هان دوری باید زره خطا

داریوش

روان بود نام ما بهر دیار از جهان روا بود کام ما بیاری آسمان
حافظ میهنم در دل روشنم نور ایزدی شد عیان
باشد این سرزمین ایمن از جور کین فتنه گر رود از میان

قسم بیزدان پاك

از ره داد و دهش راه نیکی و شرف برنکشم پای خود گر رودسرم زکف
ملتی قهرمان دل دهد بسخن ما ریشهٔ فتنه‌ها کنده شد ز وطن ما

رهاشد این خطه ازطوفانها

اتوسا

یاران هر دم خیزد از دل آوای ما
باشد ما را شوری برجان از این آوا
مائیم اکنون شاد و خندان با هم دور از غم‌ها
نور پاکی گوئی تابد از ما بر این دنیا
بود نام ما بر زبانها

نور پاك یزدان بر خاك ایران — پیوسته تابد ای همرهان
مرز و بوم ایران گردد گلستان — با كوشش ما شاهنشهان
پندار نیك گفتار نیك — كردار نیك شد آئین ما
روشن بود هر نیك و بد — در دیدهٔ روشن بین ما

مرز و بوم ایران گردد گلستان — با كوشش ما شاهنشهان
نور پاك یزدان بر خاك ایران — پیوسته تابد ای همرهان
پندار نیك گفتار نیك — كردار نیك شد آئین ما
روشن بود هر نیك و بد — در دیدهٔ روشن بین ما
عشق‌وطن‌میجویم زنده‌شداز آن‌جان‌من — عشق‌وطن‌میجویم تابودمرا جان‌درتن

ای مهر ایزدی جلوه كن — دردل وجان ما كن‌فزون عشق‌مارا
ما سر بر درگهت آوریم — با دلی پر صفا عقده‌ها ز دل بگشا

مرز و بوم ایران گردد گلستان — با كوشش ما شاهنشهان
نور پاك یزدان برخاك ایران — پیوسته تابد ای همرهان
پندار نیك گفتار نیك — كردار نیك شد آئین ما
روشن بود هر نیك و بد — در دیدهٔ روشن بین ما

باهم‌ای‌وطن‌پرستان برلب‌آریداین‌آوا — نور پاكی ودرستی شد دلیل راه ما
خوش بود طنین نغمهٔ فرشتگان — بین بود ز شادی چشم ما بر آسمان
باهم‌ای‌وطن‌پرستان برلب‌آریداین‌آوا — نورپاكی و درستی شد دلیل راه ما
ای‌بهشت‌آزادگان جلوه‌ازتوبا‌بدجهان — فر توجاودان ای ایران

نوشته وگردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

خلاصه‌ای از وقایع کرمان در جنگ بین‌الملل اول

(۱۹)

ذیلا خلاصه‌ای از وقایعی راکه درزمان جنگ بین‌الملل درکرمان و جنوب ایران گذشته و در وقایع سیاسی ایران وحتی دنیا مؤثر بوده است ذکرمیکنیم.

توضیح اینکه در این ایام تبلیغات دولت آلمان در ایـران و خصوصاً در جنوب برای انگلستان و روسیه خطرناك تشخیص‌داده شده بود چه آلمانها دراین وقت عملادست بفعالیت دامنه داری در ایـن نواحی زده بودند در سال ۱۹۱۵ ستاد ارتش آلمان یك هیئت نظامی بایـران گسیل داشت شخصی بنام‌کلین بین ایلات لرستان وکردستان مشغول اقـدام شد و هیئت دیگری بریاست (زوگمایر) مأمور اصفهان وکرمان گردید . سایکس درتاریخ خود مینویسد درپایان سال ۱۹۱۵ نفوذ آلمانها درجنوب بدرجه‌کمال بود هفت شعبه بانك شاهی بـدست آنها افتاده بود(کـرمانشاه ـ همدان ـ اراك ـ اصفهان ـ یزد شیراز ـ کرمان) و یکصد هزارلیره از آنها غارت شده بود عده‌آلمانها در این وقت سیصد نفر(با اتریشی‌ها) و۵۰ نفرترك وهندی ویکهزارنفر چریك ایرانی بود. (ص ٦۹٤) در ماه مارس ۱۹۱۶ (۱۳۳۳ هجری) انگلستان یك هیئت نظامی بریاست ژنرال سر پرس سایکس به خلیج فارس فرستاد .

خود سایکس مینویسد مأموریت این هیئت این بودکه سپاهی بحدود ۱۱ هزار نفر بجای ژاندارمری تهیه نماید ودولتین روس و انگلیس سالی دویست هزار تومان از این بابت بایران بدهند سایکس ازدهلی حرکت‌کرد و در ماه مارس وارد بندرعباس شد.

سایکس پس از ورود بـه بندر عباس مینویسد سربازگیری بلافاصله شروع شد ولی تبلیغات ضد انگلیسی هنوز شیوع داشت بحدی‌که چند روز بعـد همه افرادی‌که داوطلب شغل نظامی شده بودند آمده پولهائی‌راکه بطور مساعده‌گرفته بودند خواستند پس بدهند چون مایل نبودند با آلمانها جنگ‌کنند این اشکال مرتفع شد کاپیتان ر. س راك آنها را

اداره کرد و تمرین انجام شد و درتاپبند اردوگاه زدیم.

در بهار سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۲ ق) ترکها درکرمانشاه پیشرفت نموده بودند و این خبر که باصفهان رسید نایب قنسول روسیه را دراصفهان کشتند وژنرال قنسول انگلیس نیز زخمی شد و بانك شاهی را مردم غارت کردند در همین وقت درکرمان نیز چنین وضعی پیش آمد در این ایام سردارظفر بختیاری درکرمان حکومت داشت.

مرحوم میرزا حسینخان عدل السلطنه (سردارنصرت) پدر عدل السلطنه فعلی رئیس بختیاری بنظرمیآیدکه موافق متفقین باشد ولی درحقیقت معلوم شدکه او متوجه پرکردن جیب خودش است (ص ۶۸۵).

دراین ایام زوگمایرکه پروفسور طبیعی دانی بود درسال ۱۹۱۱ نیز بکرمان آمده بود باسی نفر آلمانی و اطریشی و هفتاد نفـر ایرانـی بکرمان آمـد که ببلوچستان و افغانستان برود ژاندارمری با این عده کمك کرد درهمین ایام فرخ خان برادرزاده آقا-خان ظاهراً بعنوان بازگرفتن و رسیدگی باملاك خود و شاید هم برای مأموریتی خاص بکرمان آمدکه بر اثرتحریکاتی دروسط بـازارکشته شد. از طهران حکم‌احضار رئیس ژاندارمری رسید این امرموجب انقلاب شد آزادیخواهان کرمان که دراین وقت مرحوم بهمنیار(احمد دهقان) میرزا غلامحسین کرمانی علی‌کاکو. درگاهی (دبستانی) و چند تن دیگر بودندبا تحریك مردم وبکمك ژاندارمری شهر را تصرف کردندوبانك روس‌غارت شد.

سایکس گوید. هیئت آلمـانی درکرمان آنچه‌کردندکه سردار ظفر بختیاری را با خود همراه کنند نتوانستند ونیز زحمت‌ها کشیدندکه سردارنصرت رئیس‌قشون رانیزموافق نمایند ولی نشد اما درعین حال حاکم بختیاری‌که مشغول چپاول بودمردم رااز تعدیات به تنگ آورده و سردارنصرت نیز بااو مخالف بود (ص ۶۹۸).

پاریزی گوید: انقلابیون با سخنرانی‌ها مردم را برانگیختند ازیکی از شرکت - کنندگان درآن مجامع شنیده است کـه مرحـوم صنعتی مـؤسس پرورشگـاه در جلسه‌ای بانقلابیون‌نصیحت میدادکه باانگلیسها درنیفتند ودرحقیقت مخالف جریان بود. انقلابیون وآزادی خواهان فریادزدندکه بیخودنگوواورا تهدیدکردند وبدگفتند وخلاصه تظاهرات شدیدی علیه اوکردند. مرحوم صنعتی (که‌کر بود ومعروف بحاج اکبرکر شده بود) پس از تظاهرات جمعیت رو بآنهاکرده وگفت مردم حرف مرا خوب شنیدید یا نه؟ همه‌گفتند آری و بیخود میگوئی اوبـا همان آرامش و ملایمت گفت خوب دیگر عرضی ندارم ولی اینرا هم بدانیدکه هرچه شماگفتید من نشنیدم زیرا من‌کرهستم و از مجلس خارج شد.

بـاری وضع شهر بصورت وخیمی درآمد و درهمین حال بودکه این تلگراف از کرمان بتوسط قنسولگری روس مخابره میشود.

یکشنبه ۱۱ جمادی الاول **۱۳۳٤** (۱۹ مارس ۱۹۱٦) توپخانه وارگ در تصرف ملت و آلمانها وژاندارمری است تمام برجهای شهر سنگر بندی و دست آلمانها وژاندارمری‌ها میباشد ایالت در باغ ناصری و سردار نصرت در باغ نشاط محاصره میباشد و ده ساعت مهلت گرفته که حرکت نماید مجاهدین با یك هیجان فوق العاده مشغول اقدامات جدی هستند نقداً تمام شهر در تصرف سنگر مجاهدین و ژاندارمری و آلمانها است (ایران در جنگ بزرگ تألیف مورخ الدوله سپهر) .

در همین وقت اتباع روس و انگلیس کرمانرا ترك گفته به بندرعباس رفتند .

سایکس مینویسد . وقتیکه آلمانها دیدند که سردار نصرت وکیل‌الملك دوست و همراه انگلیسی‌ها است چند روز پس از پیاده شدن به‌بندرعباس خواستند بابمب دستی کار اورا بسازند ولی اتفاقاً بمب به بعضی ازهمراهانش اصابت‌کرده خود با جراحت خفیفی از میان جسته وگریخت (٦۹۹).

ظاهراً سردار نصرت که براسب سوار بود و ازباغ نشاط (منزل شخصی‌خود) بشهر آمده بود در بین راه از پشت دیوار خرابه‌ای نارنجکی بطرف او پرتاب میشود قطعات نارنجك باسب اصابت‌کرده اسب را میکشد و سردار از اسب بزمین میافتد در همین وقت پسر حسین شاه‌چوپاری رسیده سرداررا بـه پشت‌گرفته بباغ نشاط باز میگرداند سردار نصرت پس ازاین جریان برفسنجان‌مسافرت میکند. دراین جریان اوضاع تغییر کرد (یکی از هواخواهان سردارنصرت تیری چند بطرف قلعه خالی‌کرد این امرسبب‌شدکه بختیاریها بهیجان آمده دست به تفنگ زدند سردارظفر متلون تحت فشارایل قرار گرفت وبفرمان او دموکراتها وافراد ژاندارمری را خلع سلاح‌کردند دسته آلمانی‌که درکرمان بودند راه سیرجان پیش‌گرفتند لیکن در وسط راه گرفتار ایـل بچاقچی‌که زیر فرمان سردار نصرت بودند شده صدمات و خسارات زیاد وتلفات جانی چندی دیدند(ص۷۰۰سایکس)

در همین حال سایکس بفکر آرام‌کردن وضع کرمان و حرکت بانصوب میافتد و مینویسد. پس ازاینکه مدت توقفم دربندرعباس طول کشید دریافتم عده‌ای ازدوستان‌کرمانی من که علاقمند بامنیت و حسن انتظام‌کشوربودند از حرکت من بآن شهرستان خوشحال بوده و حاضرند مرا بحسن استقبال بپذیرند رؤسای دو ایـل صحرا نشین‌کرمان هیئتی تحت ریاست منسوبین خودشان با نامه‌های چندی در همین زمینه نزد مـن فرستادند من مراتب را بمقامات رسمی خودگزارش داده و ضمناً اظهارداشتندکه اگریك اسکورت با توپهای کوهستانی و یك اسکادران سواره نظام و پانصد پیاده دراختیار من‌گذارده شود امیدوارم بتوانم آلمانها را از کـرمان بخارج برانم و تـأسیس پلیس جنوب راکه بعداً

بقیه درصفحه ۵۷

چکامه نورافروز کرمانی

بمناسبت آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه

روز شاهنشاهی پر افتخار ما رسید — جشن ربع قرن شاهی شه دانا رسید

بیست‌وپنجم‌سالروزپرشکوه سلطنت — با نوای‌چنگ‌وعودو بانگ‌روح‌افزا رسید

شکر ایزد رابجای‌آریدای‌ایرانیان — کاینهمه فر و شکوه ازعالم‌بالارسید

فر ایزدشامل حال شه ایران ماست — بارها اثبات این ازجانب مزدارسید

فخراولاد کیان‌تاج کیان‌وشاه ماست — حق اولاد کیان تا اینزمان‌حقاًرسید

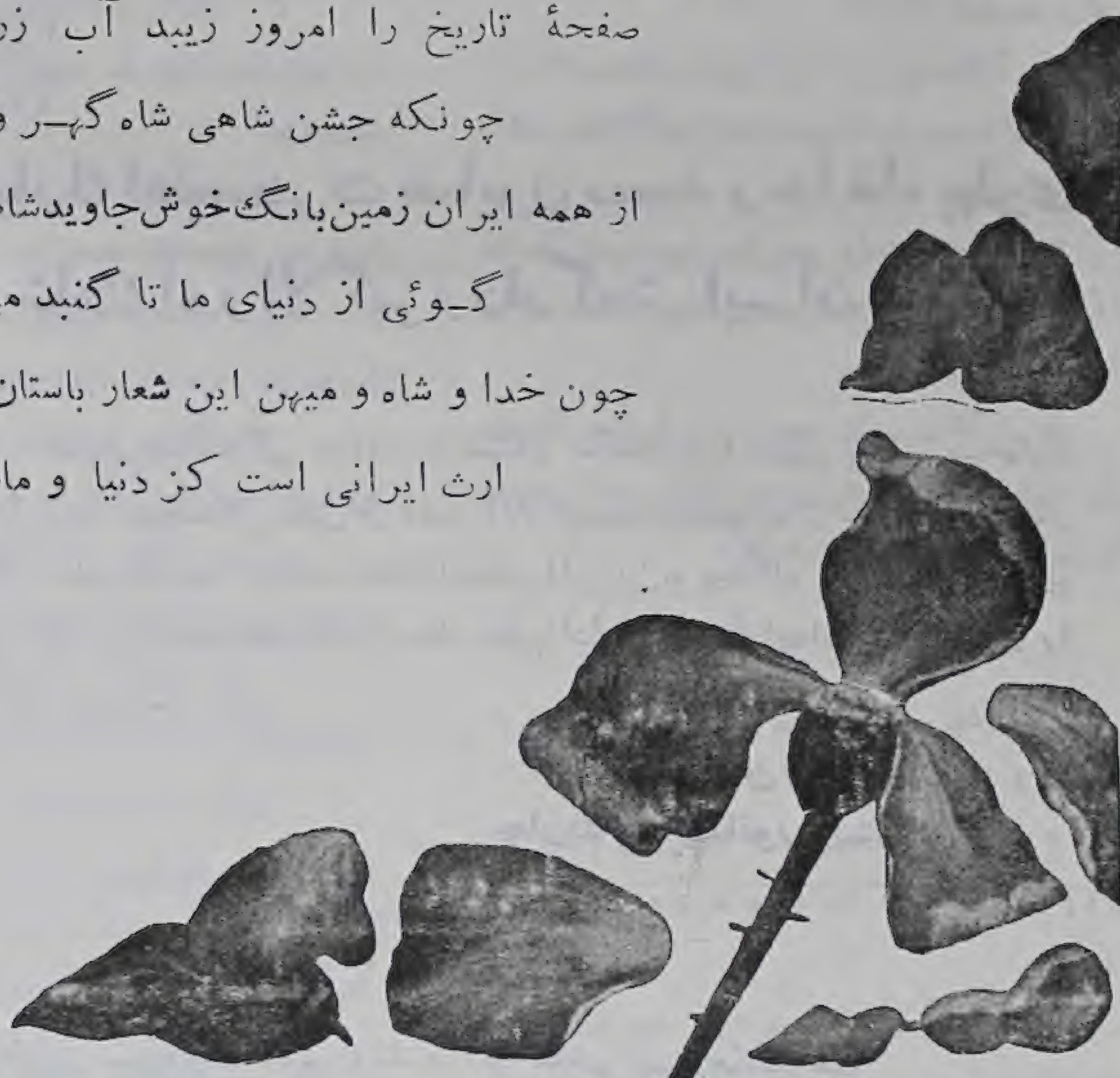
سربسوی‌مسجدومحراب‌ازبهرسپاس — آوریدا کنونکه‌این‌جشن‌اولی‌العظمی‌رسید

جشن‌شاهی‌جشن‌عدل‌وجشن‌دادمحض‌هست — کاین‌چنین‌امروز‌بیمانندو‌بیهمتارسید

صفحهٔ تاریخ را امروز زیبد آب زر
چونکه جشن شاهی شاه گهـر والا رسید

از همه ایران زمین‌بانگ‌خوش‌جاویدشاه
گـوئی از دنیای ما تا گنبد مینا رسید

چون خدا و شاه و میهن این شعار باستان
ارث ایرانی است کز دنیا و مافیها رسید



وزارت پست و تلگراف و تلفن

۵۶۸

کاخ سعدآباد - شهری شماره ۲۲۵

کلمه ۴۵-۴۴/۷/۳

پاسخ ۱۷۸۵ - ۶/۲۴

آقای رستم گیو سناتور

تلگراف شادباش که بمناسبت آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پرافتخار ذات‌اقدس شاهانه مخابره نموده بودید از شرفعرض لحاظ مبارک ملوکانه گذشت‌وخاطر خطیرهمایونی قرین مسرت وخشنودی گردید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی
هیراد

۲۸/۳۰۶۰

۴۴/۶/۲۴

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه والاگهر و دادگستر ایران

شاهنشاها

انجمن زرتشتیان بنمایندگی جماعت زرتشتیان شاهدوست و میهن پرست بـا نهایت شادمانی و سرافرازی بخجستگی جشن فرخنده آغاز بیست وپنجمین‌سال سلطنت پرافتخار شاهنشاه والاگهر ملت دوست تبریکات وشادباشهای قلبی را به پیشگاه پدر تاجدار تقدیم داشته پایندگی سلطنت وعظمت وقدرت شاهنشاه عظیم‌الشأن وبقای خاندان‌جلیل پهلوی را از خدای بزرگ درخواست دارد.

ازسوی انجمن زرتشتیان
جان‌نثار - سناتور رستم گیو

آگهی

کتاب سودمند تعالیم زرتشت اثر هاشم رضی منتشرشد

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ - آقای بهرام مرزبانی فرزند برزو با دوشیزه آذردخت یزدانی حسین‌آباد دخت آقای مهربان در ٤٤/٥/۲۸

۲ - آقای پیروز ابتدائی فرزندمهربان با دوشیزه گل‌افروز باستانی‌یزدی‌دخت‌آقای‌فریدون در ٤٤/٦/۱۱

۳ -آقای دینشاه سهراب فرزند آقای جهانگیر با بانو همایون ایدون دخت آقای‌ارباب خدامراد در٤٤/٦/۲٤

٤ - آقای رستم جهانیان فرزند آقای دینیار جهانیان با دوشیزه مهرانگیز حکیم‌دخت آقای موبد رشید در٤٤/٦/۲٦

سدره پوشی

۱- دوشیزه شیداخانم پرویز رستگاری در ٤٤/٦/۲۷ ازطرف خودشان در منزل

۲ -آقای اردشیر فریبرز مهربانی در ٤٤/٦/۹ ازطرف وراث موبد فریدون‌صداقت در منزل

۳ - آقای رستم هرمزدیار مهربابا در ٤٤/٦/۹ ازطرف وراث موبدفریدون صداقت در منزل

٤- آقای مهرداد اسفندیارکوچکی در ٤٤/٦/۹ ازطرف وراث‌موبد فریدون صداقت‌در منزل

۵ - آقای داریوش رشید اورمزدی در ٤٤/٦/۱۲ از طرف خودشان در سالن جشنگاه خسروی

٦ - دوشیزه دلنواز رشید اورمزدی در ٤٤/٦/۱۲ ازطرف خودشان در سالن جشنگاه خسروی

۷ - دوشیزه میترا بهمن ستودیان در٦/۱٤ ازطرف خودشان درمنزل

۸ - دوشیزه مهوش‌رستم مژگانی در٦/۱۵ از طرف خودشان در منزل

۹ - آقای فرامرز رستم فلاحتی‌در۲۰/٦ ازطرف شیرمرد آذر در آذریان

۱۰ - آقای داریوش رستم مهربانی در ٤٤/٦/۲۱ ازطرف خودشان درمنزل

۱۱ - دوشیزه مروارید رستم مهربانی در ٤٤/٦/۲۱ از طرف خودشان در منزل

۱۲ - دوشیزه گوهر خدارحم نمیرانیان ٤٤/٦/۲۳ ازطرف خودشان در آذریان

۱۳ - دوشیزه سرور خدا رحم نمیرانیان در٤٤/٦/۲۳ ازطرف خوشان درآذریان

دهش خیراندیشان

آقای خسرو پارسی‌بابت‌روانشادی‌مروارید

کیخسرو کشاورزی برای کمک هزینه‌دانش‌آموزان بی‌بضاعت ۱۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱- آقای رستم زرتشتی و برادران گرامی بمناسبت سرسال روانشاد موبد بهرام اسفندیار زرتشتی‌پدر بزرگوارشان برای کاخ فیروزه‌صندلی فلزی ۵۰ عدد

۲ - دهش بانو پریچهر سروشیان نیاز شاهورهرام ایزد قابلمه بزرگ یکعدد

۳ - دهش بانوهمایون گیو(فرین) نیازشاه ورهرام ایزد قابلمه روسی ۳ دانه

۴ - دهش بانو گوهر خداداد جمشیدیان نیاز آدریان طاس رود وقاشق وپیاله ۶دانه ایضاً بشقاب مسی ۷ دانه

۵ - بنامگانه روانشاد آبادان‌رستم‌سپهری نیاز آدریان دیگ و بشقاب وطاس مسی۲۱ دانه

۶ - بنامگانه‌روانشاد گلستان رستم سپهری نیاز آدریان طاس وبشقاب‌مسی ۹دانه

۷- آقای شهریاراورمزدی‌بنامگانه روان‌شاد شیرین خرمی کارد آشپزخانه۶ دانه

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱- آقای بهمن شهریاری ۵۰۰ریال
۲- « رستم ستوده‌نیا ۲۰۰ «
۳- « پروین بهروزی ۲۰۰ «
۴- بانوپروین یادگاردستان ۲۰۰ «
۵- « لعل سروش ۲۰۰ «
۶- آقای دکتر دینیاری ۲۰۰ «
۷- «شهریاراورمزدی‌خرمشاهی ۲۰۰ «
۸- « داریوش زارع دوفقره ۲۵۰ «
۹- « شیرمردآدر شیرمردی ۱۰۰ «
۱۰- بانو پروین‌یادگاردستان ۱۰۰ «
۱۱- « سیمین هوشنگی ۱۰۰ «
جمع ۲۲۵۰ «

شاهورهرام ایزد

۱ - آقای جمشیدهرمزدیارجمشیدی ۲۵۰ ریال
۲ - « رشید امانت ۱۵۰ «
۳ - « بهمن کیامنش ۱۵۰ «
۴ - « بهرام آتشبند ۱۰۰ «
۵ - « مهربان زرتشتی ۱۰۰ «
۶ - بانو بانوخسروی ۱۰۰ «
۷ - آقایان - بهرام فرهی - رستم بلندی- بهمن جمشیدیان - مهربان هخامنش - اردشیر اشیدری - بهی‌زاده - فرامرز فرامرزی - خانم پوران پیرغیبی جمعاً ۴۰۰ ریال
جمع ۱۲۰۰ ریال

گواه‌گیری وسالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای مهندس هوشنگ بنداری بابت مهمانی ۲۰۰۰ ریال

۲ - آقای بهرام مرزبانی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۳ - آقای رشیداورمزدی بابت سدره پوشی دو فرزندش درسالن خسروی ۲۰۰۰ ریال

٤ - آقای فیروز ابتدائی بابت گواه گیری وسالن ۳۰۰۰ ریال

۵ - آقای دینشاه سهراب بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

٦ - آقای رستم جهانیان بابت گواه گیری ۶۳۰ ریال

جمع ۱۰۶۳۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱- وراث روانشاد فریدون منوچهر فریدونی ۱۰۰۰ ریال

۲- وراث روانشاد شیرین مهربان شیر مردی ۳۰۰ ریال

۳ - وراث روانشاد همایون بهروزی ۲۵۰ ریال

٤ - وراث روانشاد بانو خداداد آبادانی ۲۰۰ ریال

۵ - وراث روانشاد اسفندیار میرزا اردشیر زارع ۲۰۰ ریال

٦ - وراث روانشاد سرور بمان مهربانی ۲۰۰ ریال

۷ - وراث روانشاد جمشید اردشیر خدابخشی چمی ۲۰۰ ریال

جمع ۲۳۵۰ ریال

درگذشت

۱ - روانشاد همایون رستم بهروزی در ٤٤/۵/۳۱

۲ - روانشاد خورشید رستم روزبه زاده در ٤٤/٦/۲

۳ - روانشاد بانو خداداد آبادانی در ٤٤/٦/٤

٤ - روانشاد اسفندیار اردشیر زارع زردشتی تندری در ٤٤/٦/۸

۵ - روانشاد فیروزه کیخسرو کلانتری در ٤٤/٦/۱۳

٦ - روانشاد سرور بمان غنچه ارغوان در ٤٤/٦/۱٤

۷ - روانشاد جمشید اردشیر خدابخشی چمی در ٤٤/٦/۱٦

از جهان درگذشتهاندروانشان شاد باد

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۱۲۷۱ نفر
« دندانپزشکی	۲۷۹ «
« داروخانه	۱۰۱۱ «
« آزمایشگاه	۱۰۵ «
« تزریقات وپانسمان	٦۵۱ «
« دیاترمی	۵ «
« بخور پنسیلین	۸ «
« واکسن وبا	۱۲۵٤ «
جمع	٤۵۸۳ «

اخبار سازمان فروهر (جوانان زرتشتی)

جشن

بطور کلی درماه گذشته قسمت اعظم فعالیت

اهم اعضاء سازمان فروهر مصروف برگزاری و شرکت در بزرگداشت جشن آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گردید.

باید دانست که جهت تنظیم و آماده کردن برنامه‌ها و همچنین تزئینات و چراغانی، اعضاء سازمان دست بدست هم داده و بطور کلی بیش از یکماه وقت صرف نمودند.

کتابخانه

بمنظور توسعهٔ فعالیتهای فرهنگی و ایجاد علاقهٔ بیشتر جوانان بمطالعه، سازمان مصمم شد کتابخانه‌ای درمحل خود تأسیس نماید.

ازهم‌اکنون مقدمات کار فراهم شده وامید است باخرید کتابهای سودمند و نیز کمک علاقمندان این منظور ازهرحیث عملی گردد.

ورزش

روز جمعه بیست وششم شهریورماه مسابقهٔ والیبال بین تیم سازمان فروهر و تیم دانشکده پزشکی انجام گرفت و نتیجه دو برسه بنفع تیم پزشکی خاتمه یافت.

جشن مهرگان

بمنظور برگزاری جشن مهرگان هنرمندان سازمان همچنان بتمرینات خود ادامه میدهند. جشن درروزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مهرماه برگزار خواهد شد.

دهش خیراندیشان

آقای ارباب رستم زرتشتی برای کمک به ـ کلاسهای دینی ۵۰۰۰ ریال

ایضاً بمنظور تهیه‌لباس برای اطفال بی‌ـ بضاعت ۵۰۰۰ ریال

آقای ارباب افلاطون گشتاسب کمک ببودجهٔ عمومی سازمان ۵۰۰۰ ریال

آقای ارباب رستم‌ایدون برای کمک بچاپ کتاب ۲۵۰۰ ریال

آقای بهرام انوشیروانی، دوفقره، کمک ببودجهٔ عمومی ۷۵۰۰ ریال

سرکار سرگرد خدارحم‌شهریاری بنامگانهٔ روانشاد بهمن خشنودی ۱۳۰۰۰ ریال

یکنفر خیراندیش ۷۰۰ ریال

نیازمندیهای سازمان مطابق لیست دوماه قبل بقوت خود باقی است.

اخبار شهرستانها

یزد

از: آقای نسیمی

دهش خیراندیشان

آقایان محترم ارباب شاهجهان گودرز ورزا ارباب فریدون گودرز ورزا ـ ارباب اردشیر گودرز جهانیان ـ ارباب مهربان گودرزورزا مبلغ ۴۰۰۰ ریال بسازمان وجوانان زرتشتی یزد مرحمت نموده‌اند که موجب سپاسگزاری میباشد.

آقایان محترم ارباب فریدون زرتشتی و ارباب مهربان زرتشتی مبلغ ۵۰۰۰ ریال بسازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد مرحمت نمودند که موجب سپاسگزاری است.

خبری از اهواز

آقای مهندس اردشیر امانت بسمت رئیس اداره مهندسی عمومی و طراحی قسمت مهندسی منصوب شده‌اند.

بقیه اشعار خانم توران بهرامی

بعصری که کیهان نوردید زن نشاید دگر قید و بند و محن
تجلی کن ای زن برنگ خرد ترا جلوه با رنگها کی سزد
خرد باید و سادگی و وقار کـه شایستگیها شود آشکار
نشاید ز نیروی جان کاستن عروسك صفت چهره آراستن
توای مرغ پربسته از دیرباز کنون پر گشا طایر سرفراز
ببین در رهت دانـه و دام را ز آغاز بنگر سر انجام را
بهش باش کاهریمن بدسگال نپیچد ترا ره بسوی زوال
سپاس از زنان باد بر شهریار بکامش بود گردش روزگار
نهـال حیاتش برومند بـاد بسی سال باخرد و پیوند باد
بزیبد باو تاج و تخت کیان بماند بر اورنگ شاهنشهان

بقیه دین و فلسفه

هدف سرزنش وجدان خویش است . باهمه دارایی وتوانایی ، دیوآز او را آسوده نمی ـ گذارد، چون هرگز احساس‌سیری وآسایش نمیکند. کارهای ناهنجار و ستمگرانه پیوسته در فکرش پیکر میگیرد ومانند پرده سینما در برابر چشمانش رژه میروند ، چه دوزخی از این سوزان‌تر وشکنجه کننده تراست؟ . ولی آنکه از مرز انسانیت گامی فراتر ننهاده و از دسترنج وفکر سالم خود روزی میخورد ، حسابش در دفتر ضمیر ؛ پاك وبی‌غش است، دغدغه خاطر ندارد ، گواینکه دستش ازدارائی‌افزون ازنیاز تهی و جاه ودستگاهی نداشته باشد ، برهنه‌ایست که شرمسار نیست ومحال است از نیازمندیهای اصولی زندگی محروم بماند ، چه او درسایه پاکی ومیانه روی باکار وکوشش روزگاری بـا خوشنامی وشیرین کامی میگذراند . چه بهشتی ازاین بهتر وجایگاهی والاتر ؟ .

من باور دارم که نوید بهشت وتهدید به دوزخ درقرآن نیز ماجرای همین جهان و زندگی مادی است . قیامت یا عاقبت وروزشمار کنایه از سرنوشت انسان بدست خود او؛ درهمین سرای خاکی است ، چه بخوبی میدانیم ومی‌بینیم که اگر کشته وهشته آدم ؛ در این جهان پسندیده وستوده باشد ، اندوخته وپشتوانه‌ایست که سودآن آزادی و آسودگی درجهان دیگر نیز خواهد بود .

بر کام دل بگردش افلاك دل مبند
کاین‌چرخ‌خیره‌گرد، نه‌بر آرزو رود

آنکس که سر بجیب‌قناعت‌فرو نبرد
بگذار تا به چـاه مذلت فرو رود

کردیم هرگناهی و ازکرده غافلیم
ای وای‌اگر حدیث کنه رو‌برو رود

همائی

بقیه سرمقاله

اینها قسمتی از آرمانهای قلبی شاهنشاه بزرگوار ما بودکه همه برفلسفه وفرهنگ اصیل باستانی ایران استوار وخوشبختانه یکی بعد ازدیگری بثمر نیك رسیده واینك همه از این موهبت برخورداریم و از جان و دل دست نیاز بدرگاه اهورای بی‌نیازدرازنموده خواستاریم که زندگانی افتخارآمیز شاهنشاه توأم باعظمت واقتدار دراز دارد ووالاحضرت ولایتعهد نور چشم مردم ایران را همواره با تندرستی وشادکامی ونیرومندی به دیر زیوی بهره‌مند سازد .

و خاندان جلیل پهلوی را درپناه خدای بیهمتا از بخشش اهورائی وکامروائی در زندگانی برخوردار سازد . بشودکه آرزوی ما برآورده شود .

ضمناً باید عرض کنم که در این چند روزه واژه زیبا ومقدسی برسر زبانهاست که از معنای عالی آن کمتر کسی اطلاع دارد ازینجهت لازم میدانم مفهوم آنرا باستحضار حضار محترم رسانم .

آریا مهر از دوواژه اوستائی ائیریه ومیثره است که ائیریه معنای آزاده وآزادمنش را میدهد ونام قومی است که از شمال باین سرزمین وارد ودر اینجا مسکون شدند وبنام آریائی که ازهمین واژه است مشهور گشتند و این سرزمین هم بنام نژاد و قوم مسکون نامگذاری گردید .

میثره که در فارسی مهر گفته میشود دارای معنای بسیار وسیعی است که در آن‌میان فروغ از همه جامعتر وجالب تراست بنابراین معنای آریا مهر فروغ آزادمنشی است و از آنجائی که شاهنشاه بـا فر و داد ما مظهر آزادمنشی است ایـن معنا و مفهوم شایسته عنوان شاهنشاه است.

سخنرانی آقای شهریار خدایاری در ساعت ۲۴ روز ۲۴ر۶ر۱۳۴۴ درمعبد زرتشتیان یزد بمناسبت آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایونی محمد رضا شاه پهلوی

جناب آقای مهندس اعتضادی مدیر کل معظم وزارت کشور و فرماندار محبوب یزد

سروران گرام - خواهران و برادران رزتشتی

نهایت افتخار دارد ازطرف انجمن زرتشتیان یزد تشریف‌فرمائی شماسروران گرام را باین مکان مقدس خیرمقدم عرض نموده آغاز بیست وپنجمین سال‌سلطنت پرافتخارپدر تاجدارمان اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی را بهمگی تبریك و شادباش عرض نماید .

ما زرتشتیان با خلوص نیت و با قلبی آکنده ازمهر شاه ومیهن در این‌دقایق آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پدر تاجدارمان دراین مکان مقدس گردهم جمع شده تادست نیایش بسوی پروردگار توانا درازنموده وآرزو نمائیم که همیشه اوقات پدر تاجدارمان- والاحضرت ولایتعهد و خاندان جلیل سلطنت را درکنف حمایت خویش حفظ فرماید

افراد باشگاه جوانان‌زرتشتی‌یزد در این دل شب درقله‌شیرکوه مشغول آتش‌افروزی ونیایش بدرگاه پروردگار برای سلامت ذات مبارك شاهنشاه میباشند . آنها بانصب‌پرچم سه رنگ ایران درقله شیرکوه آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پر افتخار اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی را جشن میگیرند و شادمانی مینمایند . مانیز ترجمه آیه (آفرینامه خشتریانه) که ویژه دعا در حق شاهنشاه ایران است ازکتاب آسمانی خودمان اوستا قرائت مینمائیم .

آری مازرتشتیان افتخار داریم که از روز تابش آفتاب‌تمدن ایران پرستش‌خداوند مهر شاه - حب وطن درجان وخون ورگ وتن ما سرشته وعجین بوده است . پدران و

بقیه درصفحه ۴۹

موسسات فرهنگی مارکار و میرزا سروش لهراسب

در چهل و پنج سال قبل یکی از پارسیان خیرخواه و دانش‌پژوه بنـام پشوتن جی دوسابائی مارکار از هندوستان عزم وطن نمود و برای دیدارهمکیشان گرامی خود قدم به ـ خاك پاك ایران وجایگاه نیاگان واجداد خویش نهاد وضع رقت بار و پریشانی احوال هموطنان خودراکه درجهل ونادانی وبیسوادی گرفتار بودند از نزدیك ملاحظه نمود بیاد عظمت وقدرت وشوکت شاهنشاهی ایران افتاده اشك حسرت وناامیدی بریخت ولی‌ازطرف دیگر چون سلطنت قاجار منقرض و بجای آن سرباز وطن قدمردانگی وشجاعت برافراشته وحافظ تاج وتخت ایران باستان شده بود نورامیدی دردل او جهیدن‌گرفت و بنـام پر افتخار ایران و ایرانی ندای فرهنگ سرداد وبرای تعلیم وتربیت و آموختن علم و هنر نوباوگان ملت ایران همت‌گماشته درشهرستان‌یزد مؤسسه‌ای بنیاد نهادکه ازهرحیث‌باعث سربلندی و افتخارگردید.

نامبرده مؤسس مارکار مورد تفقد وعنایت شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضـا شاه‌کبیر قرارگرفته بادست مبارك خودنشان‌درجه‌اول علمی رابسینه آن رادمردبزرگ وخدمتگزار وطن آویخته واورا بطرز شایسته‌ای‌تقدیرنمودندا‌کنون‌نام نیك‌آن‌بزرگوار پایدار ودرود ملت ایران همراه اوخواهد بود.

در آن روزگار تاریك‌که بوئی از علم وادب‌بمشام نمیرسید بر اثر همت‌آن‌رادمرد پارسی نژادمؤسسه مارکار درشهرستان یزدتأسیس ودبستانهای تابعه آن در دهات واطراف تشکیل و مدیریت و سرپرستی آن مؤسسه بزرگ علمی را بمردی دانشمند وفرهنگدوست (جناب آقای سروش لهراسب) واگذارنمود.

این مرد دانش‌پژوه وخیرخواه‌کمر همت ومردانگی بربست و برای تعلیم وتربیت نوباوگان حاضر شد وچهل‌سال از عمر وجوانی خود راصرف فرهنگ وطن‌نموده‌بسیاری از مردم این دیار را از جهل ونادانی برهانید این‌فرزانه ارجمند درطول خدمت ٤٠ساله با آنکه انرژی وجوانی خود را دد راه خدمت بمردم مصروف داشته امروزبازهم‌دقیقه‌ای

بقیه درصفحه ٤٩

سرمایه جاویدان



هدیه‌ای ارزنـده بسازمان فروهـر جوانان زرتشتی که براهی سودمند بکاربرده خواهد شد. در فروردین سال ۱۳۴۰ دست ستمگر روزگار و تند باد غارتگر دوران ناسازگار گلبنی برومند و نهالی نورسته را که ازگلستان خرد ودانش بهره‌ها برگـرفته و از هنر و بینش چون اختـری فـروزان میرفت پـرتو-افشانی آغازکند ناگهان بخاك تیره درغلتاندو آن نوگل‌شکفته را پرپر کرد که دل همه بستگان و دوستان وآشنایان را بسختی سوخت وهمگان را داغدار وسوگوار نمود.

آن نهـال سرسبز و نـوگل نورستـه همانـا روانشاد فریدون رستم خسروی (اشتری) بودکه در آمریکا ناکام از جهان ناپایدار به مینو رخت بربست.

خاندان نیك اندیش و پاك منش آن روانشاد و خانواده رستم خسروی (اشتری) بویژه آقایان گودرز خسروی وفیروز نادرو سیروس خسروی بنامگانه آن نـاکام روانشاد دست بکارنیکی زدندکه نیك نـامی آن ناکام وکار ستوده و پسندیده وسودمند آن خاندان ارجمند تا همیشه جاوید و پاینده خواهد مانـد.

آنچه کردند: اهداچهارصد وپنجاه هزار ریال به سازمان فروهرجوانان زرتشتی است که بنام ونامگانه آن ناکام از درآمد آن کمك به چاپ وگسترش کتاب‌های بایسته و سودمند دینی وهمگانی که همه همکیشان وایرانیان و دانش پژوهان رابکار آید.

بقیه درصفحه ۵۶

بقیه سخنرانی آقای خدایاری

نیاکان ما ایرانیان از بدو تاریخ بخوبی میدانستند وعقیده داشتند و درعقیده خود باکمال اخلاص استوار وپای‌بند بودندکه نگهدار شاه ومیهن خداوند است و نگهـداری استقلال میهن و تاج و تخت شهریاری و پرچم سه رنك را خداوند بدست پادشاه سپـرده است . روشن است که شاه برای مملکت وبرای تاج وتخت و پرچم حکم‌سردارد وهنگامی‌مملکت سرسبز و مردم در آسایش وآرامش وپایه‌های تاج وتخت استوار وپرچم در اهتزاز است که زمام آنها درکف باکفایت شاهنشاه باشد .

ایرانیان شاهدوست هر وقت پای مصالح میهن وتاج وتخت و پرچم واستقلال بمیان آمده است جان‌بکف با اجنبی‌خواهان وبی‌وطنان برخاسته درحین شهادت انگشتان‌لرزان خویش را درخون خود آغشته‌کرده ودر دامان سفید وطن‌شعار مقدس (خدا ـ شاه ـ میهن) را نوشته‌اند.

ما نیز پیوندمان باشاهنشاه دادگسترمان ناگسستنی است و جان بکف در راه حفظ استقلال ایران عزیز ایستاده‌ایم و دراین دل‌شب دعا میکنیم‌که :

پروردگارا پدر تاجدارمان اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی راهمیشه به‌سلامت دار . آمین

خداوندا والاحضرت ولایتعهد ما رضا پهلوی را برومند ونیرومند ساز ودرزیرسایه پدرتاجدارمان حفظ فرما (آمین) .

پروردگارا خاندان جلیل سلطنت راهمگی بسلامت دار وایرانیان را در خدمت به شاهنشاه‌دادگسترمان موفق‌فرما (آمین)

خداوندا ایران عزیز راهمیشه سرسبز ومستقل وپرچم شیرو خورشید را دراهتزاز باقی‌دار (آمین).

بقیه موسسات فرهنگی

ازخدمت و خدمتگذاری بفرهنگ این آب وخاك فروگذاری ننموده دمی آرام نمی‌نشیند در حقیقت چنین مرد پاك سرشت ومیهن‌پرستی راقلباً باید ستود ویقین‌دارم وزارت فرهنك وآموزش و پرورش و بزرگان ودانشمندان هم بشئونات او احترام گذارده خادم اصلی و حقیقی وطن راخواهندستود .

ما با قلبی پرازاحساسات ودلی پراز مهر میهن‌وشاه این بانی خیر ومؤسس‌نیکوکار پارسی‌نژاد رامیستائیم واز فرزانه والاگهر آقای سروش لهراسب مدیر و سرپرست ایـن مؤسسه بزرگ قدردانی وسپاسگزاری نموده وموفقیت بیشتراو را ازاهورامزدا درخواست مینمائیم وآرزمندیم نام مارکار پایدار بماند .

فریدون مهربانی

از : سرهنگ ۲ میرمهدی موبد (سرباز)
دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

سپاهیان انقلاب

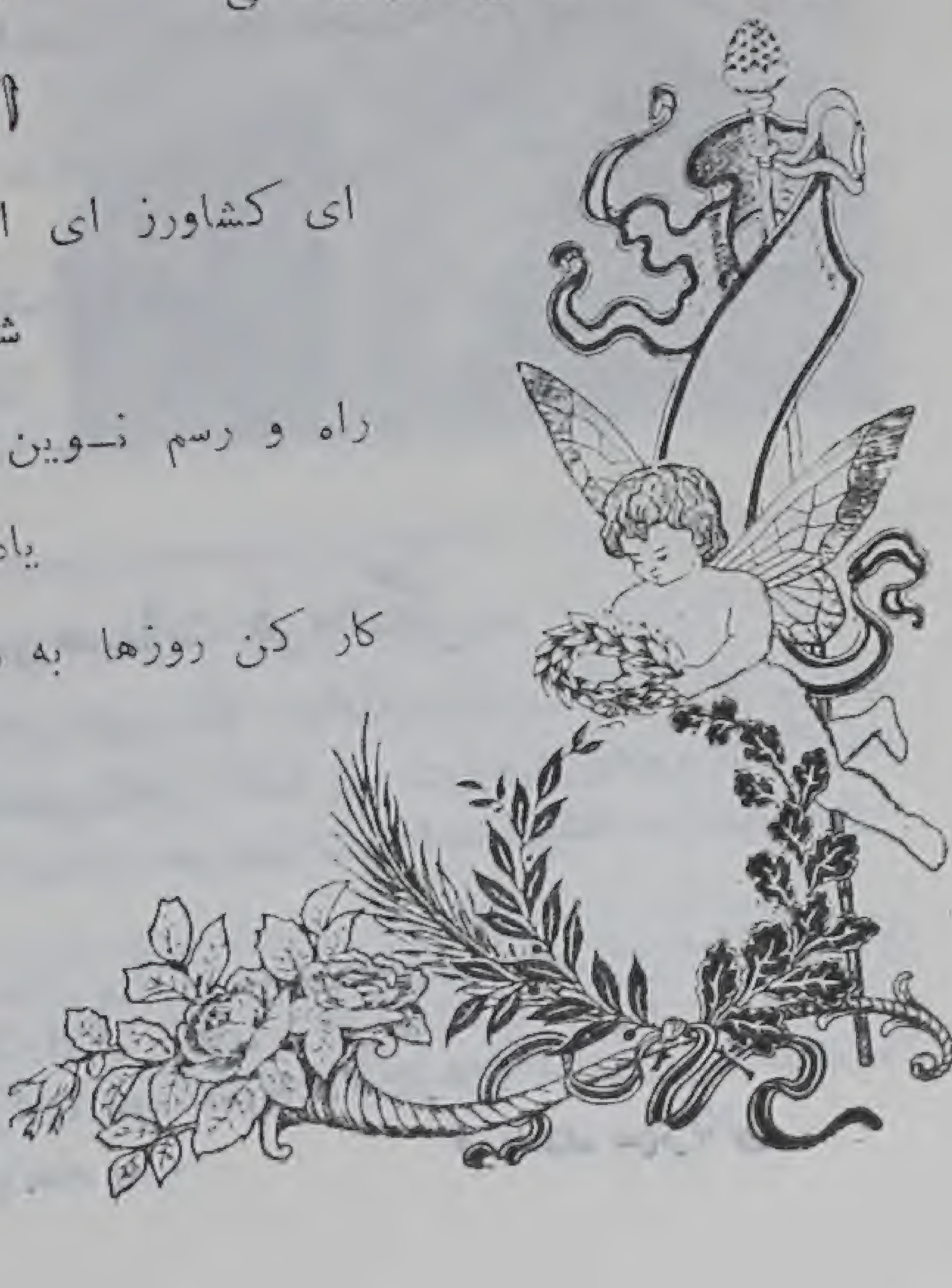
بمناسبت جشن پایان تحصیلی نخستین دورهٔ سپاه ترویج و آبادانی و سومین دورهٔ سپاه بهداشت و ششمین دورهٔ سپاه دانش که در ٤٤/٦/١٥ درپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ ارتشتاران در دانشگاه نظامی برگزار گردید.

شاهنشاها

اردشیر وطن و نـادر دورانـی تو
حامی کارگـر و یاور دهقـانی تو
ربع قرن است بدایرانی وایران شاهی
مایه فخر و مباهات به ایرانی تو

ای دهقان

ای کشاورز ای امیـد وطن
شادمان باش در جهان زین پس
راه و رسم نـوین دنیـا را
یاد گیر از (سپاهیان) زین پس
کار کن روزها به دلگـرمی
دانش آموز درشبان زین پس
آب وخاک است همچو ناموست
مده ازدست رایگان زین پس
نشوی هـان اسیـر بیکاری
نبرنـدت دوباره بیگـاری



....

کار کن افتخار تو کار است
کارصیقل دهدبه جسم وروان
کار کن ازجفای چرخ منال
گردش چرخ راتوبر گردان
هان مخور در طویله ارباب
شب نوروز نیمخورد کسان
پی بیهوده گو مرو زین پس
به‌هوسران مده دگر میدان
تا دوباره سوار تو گردد
دزد ناموس و کار تو گردد

....

هر زمان از (سپاهی ترویج) روستای تو گردد آبادان
چون‌تودارای آب‌وخاك شدی خاك بر سر شدندبدخواهان
جمله گشتندخوارچون‌دیدند شاه را همنشین دهقانان
نام دهقان دگر (رعیت) نیست نام (ارباب) رفت از ایران
شاه قرن اتم چنین باشد با کشاورز همنشین باشد

....

ای سپاهیان انقلاب



ای سپاهان انقلاب سفید
با خوشی ازدل وتن دهقان
دور سازید جهل و بیماری
خانه‌اش را کنید آبـادان
روش علمـی کشـاورزی
یاد دهقان دهید تا پس‌ازآن
بیشتر بهره گیرد از کارش
چهره او شود چو گل‌خندان
پاك وخوشرو و پارسا باشید
مورد رحمت خدا بـاشید

....

رفت از روستا سیه روزی
ز ابتـکار شهنشه ایـران
دیو جهل از (سپاهی‌دانش)
دور می گردد از کشاورزان
رنج ودرد از(سپاهی‌بهداشت)
میشود پاك از تـن دهقـان
روز جشن(سپاه ترویج)است
کشور آباد می‌شود از آن
گشت بنیان گزاراین‌سه‌سپاه
انقلاب سفید ملت و شاه



بقرار اطلاع آقای دکتر ایرانپور بوستانی در امتحانات (اف آرسی اس) کالج سلطنتی جراحان انگلستان قبول شده است این موفقیت موجب شادمانی همگی گردید.

دکتر بختیاری

بقیه اشعار آقای هرمزدی

به داد ار مرد و زن با هم برابر / شده ازسایه پرورد گار است
سپاه دانشش سیراب بنمود / ز نادانی رهاند ابر بهار است
سپه بهداشت درد بی نوایان / بهر جا کرد درمان بخت یاراست
سپه ترویج آبادی شب و روز / به دیه و کوهساران بر گزاراست
ز سد و کارخانه آنچه بینی / همه دستور شاه نامدار است
نیارم برشمردن آنچه شه کرد / گواهم شهر و دیه و کوهسار است
کنون کز شه همه آوازه برخاست / بگویم هر چه هست از شهریاراست
شهی کو چون کورش بخرد چو جاماسب / که ازشاهنشهان او یاد گاراست

خدایا سایه‌اش پاینده فرما
بما بر تا جهان اندر مدار است

بمناسبت سال درگذشت روانشاد دکتر انوشیروان انوشیروانی

یکسال ز مـرك یـار نـاکام گذشت — پرسوز گذشت گرچه آرام گـذشت
یکسال دل و دیده خـونبار مـدام — روزش به فغان و اندهش شام گذشت
سد دادگه گردون ستمگر بـربـود — از گلبن ما گلی اگرچه خوش نام گذشت
افسوس که شمع جمع ما شد خامش — یکسال بسوگـواری ایـام گـذشت
از داد خدا چسان توان گله نمود — تقدیر چنین بـود بفرجام گذشت
نـوشیروانا روان پـاکت شادان — آئیم همه که یـار و از دام گذشت

تهران ـ خدایارهرمزدی

رفتی و شکست مجلس ما هم مجلس و هم دل ما

[redacted]

هرمزد عزیز یکسال میگذرد که من و خواهرم بی‌تو زندگی میکنیم یکسال نبـود بلکه یك قرن گذشت یکسالی که با اشك وناله گذشت.

هنوز هم‌من وخواهرم وفرزندانت درانتظار بازگشت تو چشم بدروگوش بصداداریم هرمزد عزیز با آنهمه انسانیت و محبت ومهربانی که نسبت بهمگی ما داشتی از جمـع ما رفتی ومارا باتش فراغ مبتلا ساختی .

هرمزد عزیز ماهمگی از پروردگار آمرزش ترا خواستاریم .

برادرزن داغدیده تو فریدون خسروهوشنگی

یادی ازهرمزدیار خسروی



روز ۸ مهرماه۱۳۴۴ یکسال ازدرگذشت شادروان هرمزدیار خسروی میگذرد ودوستان و یاران آن شادروان هنوزباور ندارند آن وجود عزیز ازمیان ایشان رفته ودر زیرخروارها خاك خودرا پنهان کرده است .

چشم براه‌روئیدن لاله برآرامگاه‌همیشگی آن‌یار ازدست رفته میباشند.

روانش شاد باد و ببازماندگانش شکیبائی ارزانی باد.

بخانواده هوشنگی وخسروی تسلیت عرض مینمایم .

مرزبان خداداد سلامتی

بقیه راهی بمکتب حافظ

سیمای واقعی حافظ را نشان نمیدهند ، در حالیکه همین حافظ از دیدگاه دو اندیشمند بزرگ باختر یعنی گوته ونیچه بصورت دیگری جلوه‌گری میکند واگر از دیدگاهی که من امشب مورد بحث قرار میدهم نگاه کنیم ما نیز میتوانیم همان‌حافظی راکه گوته و نیچه شناخته‌اند بشناسیم. در اینصورت است که می‌بینیم تاکنون چقدر در بارهٔ حافظ راه خطا رفته‌ایم واندیشمندی که میبایست جامعهٔ ایرانی‌و بلکه جوامع بشری از تراوشات اندیشهٔ تابناکش برخوردار شوند وجهان از پرتو اندیشه‌اش آباد و خرم وسرسبز گردد بصورت درویشی بیحاصل جلوه گری کرده است. تعبیرهای بیجائی که دربارهٔ حافظ کرده‌اند بیشتر موجب این گمراهیها شده است .

سپس آقای محمودی با استناد بگفتار حافظ شرح مبسوطی در اطراف فلسفهٔ حافظ ایراد نمودند و در پایان بسؤالات حاضرین پاسخ گفتند .

امید است خلاصهٔ این سخنرانی بعداً در شماره‌های آیندهٔ مجله انتشار یابد. ضمناً طبق اطلاع آقای محمودی درنظر دارند پس از تکمیل متن سخنرانی آنرا بصورت کتابی انتشار دهند .

خبری از کرمان

از بانو کشور مزدیسنا

گزارش کار خیر و نیک یکنفر رادمرد بزرگوار کرمانی ساکن تهران

همت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند بجایی رسیده‌اند

در نیمه اول اردیبهشت ماه گذشته جناب آقای خدایار مزدیسنا دائی اینجانب ساکن تهران تمایل خویش را برای ساختمان ۲ باب اطاق درس و کریدور جلو آن در دبیرستان کیخسرو شاهرخ بوسیله اینجانب کشور مزدیسنا، ابراز نمودند که بلافاصله پس از تهیه نقشه و موافقت ایشان، ساختمان مزبور شروع و با صرف مبلغ ۲۲۱۰۰۰ ریال در نیمه دوم امرداد ۴۴ بپایان رسید.

دبیرستان دخترانه کیخسرو شاهرخ که سالها با کمبود کلاس و اشکال مربوط بدان مواجه بود با اقدام بزرگوارانه و انجام نیت خیرخواهانه جناب آقای خدایار مزدیسنا، این دبیرستان از اول سال تحصیلی ۴۴-۴۵ دارای ۲ اطاق درس تازه و مدرن دو مرتبه و وصل بسایر کلاسها میباشد.

بدین لحاظ دانش‌آموزان دبیرستان کیخسرو شاهرخ و همچنین اینجانبه از همت بلند و کار نیک و بسزای جناب آقای خدایار مزدیسنا کمال شکرگزاری را داریم و بدین وسیله مراتب امتنان قلبی و قدرشناسی خودمان را بحضورشان تقدیم و آرزومندیم اهورامزدا بهمه ما عنایت فرماید تا افتخار خدمت و کمک بمردم را داشته باشیم و از درک چنین موهبتی برخوردار شویم.

بقیه سرمایه جاویدان

براستی چه اندیشه بزرگ و کار مفیدی را در نظر گرفته و راهی بس سودمند را برگزیدند. آری هردارائی شایسته بخشش درراه نیک بختی‌همگان و هرخواسته سزاوار پیشگاه اهورامزدای بخشنده مهربان شادی روان آن ناکام و دیر زیوشنی بازماندگان و خاندان ارجمند رستم خسروی (اشتری) را درخواست داریم.

روان پاک فریدون رستم خسروی (اشتری) تابناک و فروزنده یاد ایدون باد ایدون تر اج باد.

بقیه گوشه‌ای از تاریخ کرمان

بهمین نام خوانده شد ادامه دهم پیشنهاد مزبور مورد قبول واقع گردید و در آخرماه آوریل یك قسمت توپخانه کوهستانی شماره ۳۳ تحت فرماندهی ماژور.س. رائول ویکدسته از نیزه داران شماره ۱۵ تحت فرماندهی ماژورس.م بروس و یکدسته ۱۲٤ نفری بلوچ تحت فرمان سرهنگ دواف .تویك از بوشهر وارد بندرعباس شدند واقعاً از سردارنصرت و نایب‌الحکومه عباسی باید خیلی ممنون بود که همراهی کرده وآذوقه وعلیق را تهیه کرده و بتدریج حمل نمودند درضمن نمایندگانی بآبادیهای خط سیرفرستادیم که باهالی حالی کنندکه این حرکت ما دوستانه و مقصود حفظ امنیت است.

عمده نگرانی سرمسئله نقلیه بودگرمای بندرعباس‌درآخرماه مارس (اوایل‌فروردین) آنقدر سخت وشدید میشودکه هیچ گاری و شترداری از داخله ایران بطرف گرمسیر حرکت نمیکنند وشتران محل نیزکم بارحمل میکنند و محمولات تجاری معمولا باالاغ که کند حرکت میکند حمل میشود خوشبختانه یکنفر مأمورقابل تلگراف را درخدمت داشته ونیزناظم بانك کرمان در عقد مقاطعه‌های لازم‌کمك فراوان نمود تصمیم بر این شدکه در دو ستون حرکت‌کنیم ستون اولی در۱۷ مارس (اسفندماه) بندررا بصوب‌کرمان ترك‌گفت راه و خط سیر در دو منطقه بود اولی‌که از وسط‌گرمسیر میگذشت مرکب از هشت منزل ولی نهایت درجه‌گرم و مالاریائی بود در اوایل‌گرما شدید و حد متوسط حرارت ۱۱۰ درجه فارنهایت (٤۳ درجه) بود اما سایبان و پناهگاه بآسانی پیدا میشد و شبها هم هوا سرد بود عبور ما دراین راه به تنگ زندان مخوف افتادکه بسیاری از کاروانها را مسیل به ته دره برده بود بخت بمایاری‌کرد و قوای ما بآسانی ازتنگه عبورکرده وارد آبادی پوراحمدی شدند خان حاکم اینجاکه از سران معروف دزدان بود برای ما خواروبار تهیه‌کرد ومعلوم بودکه ازروی رضا ورغبت نیست دوروز بودما وارد دولت آباد شدیم در این محل یك عده ازدوستان قدیمی ازما پذیرائی‌کرده نامه‌هائی هم باامضاء وجوه اهالی آنجا مشعر بر تبریك ورود بمن دادند از این نقطه ببعد امیدواری ما زیادتر شد.

از سلسله جبال زیبای لاله زارگذشته و ناحیه برد سیررا ازگدارکفنوکه ارتفاع آن بالغ نه هزارپا از سطح دریا میباشد پیمودیم پس از چند روز سردار نصرت با عده‌ای از نجبای‌کرمان باستقبال ما آمده و ما را از وسط بازارکرمان باکمال احترام عبور دادند اداره تلگراف و بانك بسرعت شروع بکارکردند

شهرکرمان یکمرتبه امن و امان شد و آشوب طلبان ناپدید شدند.

یکی از ملاکین‌کرمان میگفت تاشب قبل از ورود قوای شما سی تن ازرعایای خود را برای محافظتم گمارده بودم ولی بعد از ورود شما خواب راحت میکنم .

رئیس جدید سازمان جوانان زرتشتی ایرانی - بمبئی

آقای خدایار ایدون رئیس سازمان جوانان زرتشتی بمناسبت مسافرت خارج از بمبئی از ریاست سازمان جوانان استعفا دادندوآقای هوشنگ بخت باتفاق آراء بریاست جدید سازمان جوانان زرتشتی بمبئی انتخاب گردیدند.

سال ۱۶ شماره ۷ — شماره مسلسل ۱۸۶

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

داخله	خارجه
یکساله ۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه ۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

هوخت

گفتار نیک

آبان ۱۳۴۴



شماره۸

سال ۱۶

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر





در هر زمان که ماه آبان فرامیرسد ملت حقشناس ایران خود را برای شرکت در جشن بزرگی آماده میکند که همواره مستوجب آن بوده است چه از ازمنه قدیم تا کنون این ملت خودرا عادت داده است که همیشه برای خویش شادی بیافریند و جشنی ترتیب دهد و در وراء آن غبارغم ازدل بزداید و روح و فکر خود را نزهت وصفا بخشد تا در موقع کار توانائی فکری وقوای جسمانی داشته‌در پناه آن خویشرا بسرحد



کمال رساند و اقلا در هرماه که نام یکروز آن مصادف باهمان‌نام ازماه قرار میگرفته بدین مناسبت جشن بزرگی ترتیب میداده و بپاس فرا رسیدن آن روز در شادی و نشاطی بیحدو حصر غوطه ور شده و بدینوسیله درهای سعادت وکامرانی را بروی خود میگشوده است.

ماه آبان که روز چهارم آن نیز بنام‌آبان موسوم است در ایران کهن بنام جشن‌آبانگان معروف بوده استوفرشته آبان که جاری کننده ـ حامی ونگهدارنده‌آبهای روان در سراسر کره افلاك میباشد در نزد ایرانیان قدیم مورد احترام ویژه‌ای قرار داشته‌است چه ایرانیان قدیم عقیده داشته‌اند که در این‌روز بخصوص ازسال فرشته آبان تمام آبها را از پلیدیها مبرا داشته‌مشیمه‌های پاك ببار آورده و فرزندانی پاکنهاد بعرصه وجود میآورده‌وهمواره درروز چهارم آبان درسراسر ایران جشنهای‌بزرگی بر پا داشته به شادی و نشاط می‌پرداخته‌اند.

درعصر درخشان پهلوی بزرگ که کشور ایران بسوی کمال وترقی هدایت گردید و بهمت آن رادمرد والاگهر زنجیرهای اسارت و مرامهای بیگانه وبیگانه‌پرستی از هم گسسته ومحو ونابودگردید دوباره با تجدید برگزاری مراسم اعیاد باستانی روح‌جدیدی



در پیکر مردم ایـران دمیده شد و ملت ایران که بویژه در ایـن راه خودرازنده‌مجددمییافتند بیش از حـد پـرستش شاهنشاه بزرگ خویشرا مـدیـون و سپاسگـزار گردیدند.

خوشبختانه برقراری مراسم اعیادکهن دردوره کنونی بمنتهـای قـوت خود رسیده است و جای بسی خوشوقتی است کـه جشن بزرگ آبـانگان مصادف با میـلاد مسعود شاهنشاه محبوب ایـران گردیده و همانطوریکـه ایرانیان باستان معتقد بوده‌اند در روز جشن آبانگان گرانمایه مردی پای بعرصه وجودنهادکه براستی از هر لحاظ مظهر الطاف الهی بوده ووجود مقدسشان برای کشور بزرگ ایران همواره باعث حصول خیر و بـرکات الهری وکسب افتخـارت جهانی و پـایداری و بـرقراری بوده است .

آری روز چهارم آبان روز میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر میباشد که ملت ایران همواره شاهد درآغوش کشیدن نتایج بزرگ ابتکارات وفداکاریهای معظم‌له میباشند و از اینروست که همه افراد ملت ایران یکدل ویکزبان در اینروز فرخنده مبارك تا سرحد توانائی‌خویش باابراز احساسات پرداخته و برای جبران و تلافی اینهمه گذشت‌وفداکاری درراه ملك ومردم ازهیچگونه مجاهدتی‌فروگذاری‌ندارند چنانکه‌ورزشکاران‌وپیش‌آهنگان زمینهای ورزشی شهرهای ایران را با قدمهای محکم ومتین خویش بلرزه درآورده مردم عادی شهرها را با چراغانی زینت بخشیده ، مطبوعات ببهترین وجهی ترجمان احوال هممیهنـان عزیز شده و خلاصه هر فردی در هر لباس دست دعا بدرگاه پروردگار توانا



برداشته وببهترین نحوی دریك جشن بزرگ ملی معاضدت وهمکاری مینمایند وهمگی آرزومندند که مراتب عبودیت وتبریکات خالصانه‌شان نزد پدر تاجدار مورد قبول واقع شود.

برای جامعه زرتشتیان نیز نهایت مباهات و افتخار خواهد بود که شادباشهای قلبی وتبریکات بی‌شائبه‌شان بمناسبت میلاد مسعود شاهنشاه آریا مهر در پیشگاه مبارك معظم له موردقبول واقع گردد.

ماکه‌همواره درنماز پنجگانه روزانه خویش بشاهنشاه باعز و جاه خویش وکشور عزیزمان ایران درود می‌فرستیم پیوسته آرزومندیم که دعایمان نزد خالق منان مورد اجابت قرار گرفته برطول‌عمر و شکوه و جلال شاهنشاه دادگسترمان بیفزاید تا ملت ایران پیوسته از فیض برکات‌لایزال الهی وعطوفت شاهنشاهی مستفیض و برخوردار گردد.

خوشبختانه خداوند عالمیان درماه آبان الطاف بیکران خودرا نسبت بمردم‌ایران تکمیل کرده‌و درروز نهم‌آبان والاحضرت ولیعهد یعنی چشم وچراغ خاندان جلیل سلطنت وملت ایران برای ادامه شاهنشاهی و ثبات وپایداری ملت دراین سرزمین دیدگان خود را بروی ملت خویش گشوده‌اند.

بدینجهت ما باکمال مسرت جشن میلاد مبارك ولیعهدایران را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران تقدیم داشته و امیدواریم که برای تکمیل سعادت ملت ایران عنایات پروردگاری پیوسته خاندان جلیل سلطنت را ازهرلحاظ درامان‌داشته

بقیه درصفحه ۱۱

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۴)

۸ـ راز قربانی ابراهیم فرزند را

داستان قربانی اسحاق درتورات که بجای اوقوچی قربانی شد ، در پیش گذشته ، دوباره گویی بیجاست . درسوره صافات قرآن ازآیه ۱۰۱ تا ۱۱۲ در اینباره سخن رفته ، چکیده آن اینستکه :ـ ابراهیم دست بدعا برداشته ازخداوند درخواست میکندکـه فرزند صالحی باو عطا شود ، نیازش برآورده میشود ، آنگاه که پسر رشد یافته و باپدر درزندگی بهتلاش وکوشش میافتد ، پدر به پسر میگوید ـ درخواب باوفرمان داده شده که اورا درراه خدا قربانی کند و نظرفرزند را خواسته است . پسر پاسخ داده که مأموریت خودراانجام دهد ، او شکیبا خواهد ماند . درآیه ۱۱۲ میگوید ـ و باز مژده اسحاق کـه پیغمبری از شایستگانست به ابراهیم داده شد . مفسران قرآن بدین آیه استدلال میکنند که پس فرزند قربانی باید اسماعیل باشد نـه اسحاق که هنوز بدنیا نیامده بود ، ولی در قرآن نامی از اسماعیل یا اسحاق برده نشده است .

در این داستان دیده بنام و نشان فرزندیکه سوژه قـربانیست نداریم ، ولـی این پرسش بمیان میآید که چرا به ابراهیم فرمان رسیده که نخستین و یگانه فرزند خود را قربانی کند ؟ از زمینه تورات و قرآن چنین برمیآید که اسماعیل جوانی برومند بوده و هنوز اسحاق بوجود نیامده بود، درحالیکه یهوه چندبار افزایش زاد و برزاد ابراهیم را بشماره ریگهای بیابان و ستارگان آسمان نوید داده بود ، چگونه میخواسته نخستین فرزند او در راه خدا قربانی شود ؟ خواننده اگر به گفتار نوزدهم با دقت بررسی کند ، این رازآشکار میشود که اگر ابراهیم برهمن هم نبوده ولی قربانی انسان را روانمیداشته زیرا درکتابهای برهمانا قربانی انسانهم مجازبوده ولی برهمنان آنرا تبدیل بحیوانات میکردهاند و بسا ابراهیم کیش مزدیسنان داشته ولی چون درمحیط یهود تا مصروعربستان

قربانی انسانی رواج داشته و در کیش زرتشت قربانی دامها هم غدغن بوده ، ابراهیم میخواسته اگر نمیتواند قربانی‌حیوانات راما نع گردد ، دستکم ازکشتن انسان جلوگیری نماید و بدین دستاویزپرداخته‌که بجای پسر؛ گوسفندی که خود میدانسته چگونه‌ناگهان پیدا میشود؛ قربانی‌کند تاقربانی انسانرا تبدیل به حیوان کرده باشد .

تورات قربانی انسان راهم روا میدارد

پس از ابراهیم ، یهودباز روش قربانی انسانرا درپیش گرفتند و در تورات نیزاین کار غیر انسانی بفرمان‌یهوه انجام میگرفت ولتر Voltaire فیلسوف‌و شاعر نامی‌فرانسه میگوید : ـ « قوم یهود دختران و پسران‌را قربانی میکردند و این‌کار را « اناثیما » Anathima میخواندند ، چه درفصل ۲۷سفر لاویان ـامرشده است ؛ کسانیراکه نذر خداوندکرده‌اند ؛ ازکشتن معاف نکنند » . راستی‌که من از این‌گفته دودل و بدگمان شده ، به سومین‌کتاب تورات (سفرلاویان) روکردم . این کتاب ۲۷ باب در بردارد و رویهمرفته‌کتاب فقهی و دستورقربانی ، جرایم‌گناهان و باری قانون مالیات مستقیم و درآمد دارایی و عمل‌بوقف و نذرهاست و اجرای‌آن با هارون و فرزندانش واگذار و همه بفرمان یهوه درکوه سینا خطاب به موسا بوده است . درباب بیست‌وهفتم‌آیه۲۸چنین است : ـ « اما هرچیزیکه‌کسی برای خداوند وقف نماید ، ازکل‌مایملك خود ، چه از انسان ، چه از بهایم و چه اززمین ملك خود ، نه فروخته شود و نه فدیه داده شود ، زیرا هرچه وقف باشد برای خداوند قدس اقداس است .» آیه۲۹ـ « هروقفیکه از انسان وقف شده باشد ، فدیه داده نشود، بلکه‌کشته شود » . مفهوم این دوآیه هیچگونه تاویلی نمی‌پذیرد مگر اینکه انسان‌نذر شده به خداوند قدس اقداس ؛باید قربانی شود !! ـدر پایان این‌باب مینویسد :ـ « اینست اوامریکه خداوند به موسا برای بنی‌اسرائیل درکوه سینا امرفرمود . »

ژووناليس (Juvenalis) مینویسد: ـ « درمیان مصریان‌کهن ، همان ملتی‌که به عقل و دانش و قوانین خود معروف شده است ، ملتی‌که ازشدت پرهیزگاری و تدین تیمساح و پیاز راهم ستایش میکرد ، اقوام « تین‌تیری » یکی ازدشمنان خود راکه اسیر کرده بودند ؛ خوردند . اگرروزگاری اعتقادات باطل و خرافات موجب قربانی‌کردن فرزندان‌آدم درراه خدایان شده ، احتیاج به خوراك نیز مردم را بـه خوردن‌کشتگان می‌انگیخت ».درباره یهود بااشاره به‌تورات میگوید : ـ «بطریق پیشگو» خبرمیدهدکـه خداوندآنانرا اگذشته‌ازخوردن اسبان دشمن ـ به خوردن‌سواران و جنگجویان دیگرنیز وادار خواهدکرد . این خبرصریح و قطعی است و راستی هم چرا باید پنداشت‌که قوم

یهود آدمخوار نبوده‌اند ؟ ـ زیرا اگر آدمخوار نمی‌بودند ، برای اینکه منفورترین مردم زمین باشند ، چیزی کم میداشتند !!» .

یکی از داوران «کدعون» از تیره منسیه (Manassah) بنام یفتاح که کشاورز بود، درجنك مخالفان بر آنها چیره و پیروز گردید ، بنی‌اسرائیل او را دعوت کردند که در جنگ با عمونیان فرمانده سپاه باشد ، اوپذیرفت ، ولی پیش از آغازجنگ نذر کرد که اگر پیروزشد ، نخستین کسیکه از خانه‌اش بیرون آید ، وقف خداوند و او را در راه پروردگار قربانی کند . یفتاح درجنگ پیروزمیگرددو در بازگشت بخانه ، یك دسته دختر به‌پیشواز او بیرون میایند که دختر خودش پیشاپیش آنها بوده ، یفتاح چون اورا می‌بیند اندوهناك شده به دخترخود میگوید ـ چنین نذری کرده و پیمانی با خدا بسته ، دختر میگوید به عهد و نذر خود وفاکند و باری پدر ویرا قربانی میکند . این داستان پس‌از موسامیباشد که بحکم تورات قربانی انسانی انجام میگرفته است .

عرب و قربانی انسان

نذر و قربانی‌های انسانی درعربستان نیزرواج داشته ولی درآنجا بانیایش بتها و خدایان تیره و طوایف جزیره که مرکز آنها مکه و بتخانه بزرگ کعبه بود ، انجام میگرفت و داستان این گونه قربانیان مانند سایه‌ای از افسانه برسیمای تاریخ است.

درآستانه پیدایش‌اسلام و برخاست محمد (ص) یك چنین واقعه در خاندان اشرافی خود این پیغمبر رخداده که درمتن تاریخ زندگانی او یاد شده، دراینجا مطرح است .

عبدالمطلب نیای محمد امیرقریش وکلید دارد کعبه خوابی دید که درصحن بتخانه یك گله جا به اونشان داده شده که آنجا را بکند تا به چشمه‌آب برسد . یك روز او را دیدند که با حارث یگانه‌پسرش کودکی‌شش‌هفت ساله سر گرم کندن گودالی است.رهگذران بتماشا ایستاده، درشگفت بودند که بزرگ و سرور قریش از این کند وکاو چه چیز را میجوید و خواستش از اینکار چیست ؟. او که دختری ندارد تابرای رهائی‌ازننگ‌بخواهد زنده بگورش کند ؟ . هبل (بت‌بزرگ) تنها یك پسر به او داده است ! . عبدالمطلب‌زمین را میکند و پسرك خاکش را بالا می کشید .

روزدوم به اوگفتند ـ ای عبدالمطلب ، اگرخدا بیش ازیك پسربتوداده بود چه خوشبخت بودی و امروز تو را یاری میکرد. پیرقریش‌چیزی به‌آنها نگفت ولی سر بآسمان کرده زیرلب گفت :ـ پروردگارا اگرده‌پسر به من دهی بهترین‌آنها را درراه توقربانی میکنم . تماشاگران لبخندی زده گفتند ـ ده پسر برای کسیکه جزیکی ندارد ! . کندوکاو

دنبال میشد ، داستان درازی دارد ، سخن کوتاه ، روزسوم چند تندیسه آهو ازطلای ناب و برخی ابزارجنگ ازشمشیر ، سپر، زره و دیگرچیزها یافت شد ، ولی باز مرد بزرگ می کند ومی کند تا به تخته سنگی رسید ، نوك کلنك را بزیرسنك انداخته باهمه توش و توانش آنرا بر کند ، درزیرسنك چاهی از آب زلال و با مزه اشك چشم یعنی شوروش، نمایان گردیدو آنرا « زم زم » نامید [به دیده من واژه «زم» پارسی و بمعنای « خنك » است ، چنانکه موسم سرما را زمستان میگوئیم واژه « ستان » بمعنی ظرف است مانند باغستان ، سروستان ،گلستان و دشتستان و زمستان یعنی فصل خنکان ، همچنین تابستان یعنی موسم گرما ، زیرا تاب ازتابش و بمعنای گرماست و دیگر واژه زمین یعنی خنکین دربرابرآسمان که جایگاه خورشیدکه کانون آتش و حرارت است و زمهریر که در برابر دوزخ گفته میشود نیز برهان دیگر این نظریه است] چون آب چاه خیلی خنك بوده آنرا « زم زم » برسم مبالغه خوانده‌اند .

عبدالمطلب ازچند زن دارای ده پسر گردید که جوانترین ، شجاع ترین وزیباترین آنها ، عبداله (بعدها) پدر محمد بود .هبل (Hebel) بت بزرك، خدای آب، رواکننده حاجات و دارنده کلید پیروزی درجنك و مشکل گشاکه رختهای رنگارنك ابریشمین به او می‌پوشاندند، باگوهرهااو راآراسته و اورا آغشته به عطرگل میکردند ، اکنون که عبدالمطلب نیازش برآورده شده ، طعمه خود رامی‌خواهد و عبدالمطلب باید بهترین پسران راکه نذر کرده درراه هبل قربانی کند . وجود ده پسر برافتخار سرور قریش افزود ، گاهی که به مسجدالحرام (کعبه) می‌آمد ، با ده پسر بدنبالش هاله‌ای ازسرافرازی و نازش برسروبر عبدالمطلب افکنده‌میشد. ولی اکنون که هنگام وفای به پیمان رسیده ، او نمیدانست کدامین را برای قربانی برگزیند . چه هیچیك از مادران حاضر نمی‌شدند جوان جگر گوشه خودرا در اختیار پدر بگذارند .

ناچارراه قرعه کشیدن را اختیارکرد . قرعه یا فال درکارهائیکه نمیدانستند چه راهی را اختیارکنند درحضور هبل باخشنودی و فرمان او انجام میگرفت و آنرا «زلمه» Zalma می گفتند . ترز کار چنین بود که روی چند تکه چوب سر تیرمانند نام اشخاص و برای انجام مهمی، خوب یا بد ـ آری و نه ـ روی تیرها مینوشتند و این تیررا « زلم» مینامیدند و درکیسه ابریشمین که دربارگاه هبل بدیوار آویزان بود ،گماشته ویژه اینکار میریخت ، آنگاه با اجازه از بت بزرك ، تیرها را یکی یکی بیرون می‌آوردند، هرچه روی اولین تیر نوشته شده بود باید اجراکنند . جمع زلم ـ ازلام گفته میشد ، درباره این ده پسر، روی ده تیرنام آنها نوشته شد ،گماشته ازلام پهلوی هبل ایستاد سران قریش وگروهی از مردم

در بارگاه هبل سرپا ایستاده ، همه چشمها به کیسه و عبدالمطلب دوخته شده بود ، گماشته تیرها را در کیسه ریخت و بهم آمیخت آنگاه گفت : ـ « ای هبل ـ درمیان پسران عبدالمطلب یکی را برگزین » . کیسه بهم خورد ، عبدالمطلب دست در کیسه فرو برد و یکی را درآورد و با صدای لرزان نام عبداله را خواند ، هبل اشتباه نکرده ، بهترین و عزیزترین پسرانش را برگزیده بود .

قرعه فال بنام عبداله، ناله از دل مردم و آه از نهاد مادرش برآورد. عبداله نزد همه مردم عزیز و معشوق همه دختران دم شوهر مکه بود (چنانکه نوشته‌اند درعروسی او با آمنه دختر وهب ده‌ها دختر زیبا خودکشی کردند) ولی عبدالمطلب با آن عقیده و پیمان برگشت ناپذیرش ، جز کشتن عبداله چاره‌ای نداشت . پدر درجلو و پسر با تبسم برلب و گام استوار درپی پدر و انبوه مردم بدنبال آنها و مادران پریشان حال باچشم گریان به قربانگاه رفتند . عبدالمطلب خنجر کشید ، عبداله سررا برهنه کرد ، زلف بلند تابدار و سیاهش روی گردن و سینه پسر و روی دامن پدر ریخت ، همینکه خواست دم خنجر را به گلوی پسر آشنا سازد ، پیرمردی ازمیان گروه فریاد برآورد، دست نگاه دارد، بهزن غیب گو رجوع شود که این نذر بی‌چون وچرا باید اداشود یا نه ـ همین کار را کردند کاهنه گفت : ـ آری باید نذر ادا شود ولی میان عبداله و ده شتر قرعه کشیده شود، دوباره مراسم قـرعه کشی دربرابر هبل انجام گردید ،تا نه بارهر بار ده شتر دربرابر عبداله قرعه کشی شد و نام عبداله درآمد ، باردهم نام شتر خوانده شد و صد شتر عبدالمطلب قربانی کرد و عبداله نجات یافت.

بقیه سر مقاله

باشد و از آنجائیکه این مـاه خجسته و خـیرانگیز آبان مصادف بـا تولد والاحضرت های والاگهر شاهزادگان شمس ـ اشرف و شهناز پهلوی نیز میباشد بدین‌لحاظ این ایام فرخنده را با خلوص نیت تهنیت عرض کرده امیدواریم که خداوند عالمیان به‌پایندگی و برقراری فرداً فرد افراد خاندان جلیل سلطنت افزوده پیوسته دربار شاهنشاهی ایران را غرق درخوشی وشادکامی وکامرانی داشته همواره جهانشان بکام وستاره اقبالشان فروزان و تابناك باشد آمین .

نوشته: اردشیر جهانیان

پشوتن جی دوسابائی مارکار

نیکوکاری فرشته خصال در ۹۴ سالگی جهان را بدرود گفت



هر کس از شهر یزد دیدن نموده و یا از آن گذشته است آثار خیر و موسسات وسیع فرهنگی مارکار در برابر چشمش یقیناً مجسم است این مرد نیکوکار درجوانی همسر خود را ازدست داد واز آنزمان خود را ازلذات مادی محروم و هم خود رادرراه معنوی وخدمات اجتماعی معطوف داشت باآنکه از مال و ثروت مادی بهره کافی نداشت با اینحال چون دارای همت بلند وآرمانی عالی بود مردانه وارد میدان شد و درراه هدف خود به تلاش و کوشش پرداخت

نخستین اقدام خود را متوجه آموزش و پرورش کودکان بی‌سرپرست

و یتیم نمود درسال ۱۳۰۱ خورشیدی پرورشگاه پسرانه مارکار را دریزد تأسیس و سپس برای تاسیس دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه کوشید و درسال ۱۳۰٦ بدین امرخطیر کامیاب گشت .

برای آنکه باهمیت اقدام خیرخواهانه این مرد نیکوکارپی برده شود لازم است اندکی اوضاع آموزش و پرورش کشوردر سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰٦ مورد مطالعه قرار گیرد یعنی در آن سالها که تازه مردم کشور بهمت مردی توانا وسرداری شجاع یعنی رضاشاه کبیر ازخواب سنگین غفلت به‌بیداری گرائیده‌و وسائل لازم برای زندگانی روزمره هم بزحمت دراختیار داشتند و شاید درسراسر کشورتعداد دبستان و دبیرستان به ۵۰ باب نمیرسید و اصولا سواد دارشدن ازکارهای تجملی بشمار میرفت و اگر گزاف پنداشته نشود در انحصار طبقه خاصی قرارداشت درچنان روزی بود که پشوتن‌جی مارکار با همتی بلند باین امرخطیر پرداخت و نخست ازطبقه بی‌سرپرست و محروم آغاز نمودو آنگاه توفیق یافت آنچنان موسسات سودمندی بوجود آورد که امروزپرورش یافتگانش مایه‌افتخار و ازافراد خدمتگذار بشمارآیند وهنوز هم آثارنیکش آنچنان برپایه درست و اصولی صحیح استوار است که جاودانه نام نیکش را برقرارخواهد داشت .

مارکار سه‌بار باین کشوریعنی کعبه‌آمالش مسافرت نمود و بدیدار برادران وهم‌میهنان خود شتافت نخستین‌بار درسال ۱۳۰۳ خورشیدی بود که درضمن ازپرورشگاه نوبنیاد خود بازدید بعمل آورد وثمره نیك نیت عالی خود را دریافت وآنگاه به‌توسعه و انجام آرمانهای دیگرخود پرداخت باردوم درسال ۱۳۱۳ یعنی هنگامیکه ساختمانهای نوبنیاد پرورشگاه و دبستان و دبیرستان پسرانه‌آماده‌گشت برای شرکت درجشن‌گشایش‌آن رنج سفربرخود هموار نمود و بآ نسامان روانه‌گشت .

سومین‌بار درسال ۱۳۲۸ بود که بمناسبت بیست و پنجمین‌سال‌خدمت پرورشگاه‌وآغاز ساختمان دبستان و دبیرستان دخترانه روانه ایران ویزدگشت و بزرگترین لذت‌معنوی را ازحاصل‌کشته خود احساس نمود یعنی جوانانی‌که روزی ازکودکان بی‌سرپرست وفاقد همه‌چیز بودند دربرابرخود باشور و احساسات بشردوستانه‌ای مشاهده نمودکه همه‌برومند و شاداب و ازافراد سودمند اجتماع بشماربودند و هریك صاحب مقام وبرای خود ارج و احترامی داشتند درآن لحظه بودکه مارکاردروجدان شریف خود عالیترین افتخار و سربلندی را درك‌نمود ودریافت که‌اگرتصادف‌روزگار او راازداشتن فرزند محروم ساخته چنان حکمتی داشته است‌که روزی صاحب فرزندان بسیار اما شایسته وکاردان‌گردد آری

بقیه درصفحه ۵۳

مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار

انجمن زرتشتیان تهران بپاس خدمات فرهنگی و اجتماعی و بنیاد آثار خیری که روانشاد مارکار دریزد برپا داشته ازساعت پنج تا هفت بعدازنیمروزشنبه ۲۴ر۷ر۴۴ مجلس یادبودی برگذار نمود که درآن عده کثیری ازهمکیشان و هم میهنان شرکت جسته بـروان تابناك این جوانمرد نیکوکار درود فرستادند پس‌از نیایش‌خوانی و برگذاری آئین مذهبی جناب‌آقای ارباب رستم گیو رئیس انجمن زرتشتیان تهران و سناتورمحترم شرح مبسوطی درستایش ازخدمات آنروانشاد اظهار و از شرکت کنندگان سپاسگزاری نمودند که عین آن در اینشماره درج است سپس جناب‌آقای محمد علی روشن یکی از شخصیتهای اجتماعی کشور که دوسال فرمانداریزد بوده وآثارنیك و نتیجه خدمات روانشاد مارکار راشاهد و ناظر بوده‌اند بابیانی شیوا ومفصل بیاناتی‌ایراد داشتند که‌عیناً دراینشماره درج‌است آنگاه‌آقای اسفندیار ماوندادی یکی ازفارغ‌التحصیلان‌موسسات‌فرهنگی مارکار اززبان دل به‌بیان‌نتیجه خدمات فرهنگی مارکارپرداختند آنچنانکه‌شنوندگان رابردل نشست‌وپس‌ازآن آقای‌مهربان خانی چکامه‌ای که دروصف خدمات مارکار سروده‌بودند خود قرائت نمودند همچنین‌آقای ارباب خدایار هورمزدی عضوهیئت مدیره سازمان فره‌وهر جوانان زرتشتی نیزچکامه‌ای که سروده بودند برای حضار خواندنـد و درپایان آقـای سهـراب سفرنك دبیرانجمن زرتشتیان‌تهران ازسخنرانان وچکامه‌سرایان وشرکت کنندگان درمجلس‌اظهارتشکر نمودندو مجلس با روحانیت وشکوه‌خاص پایان پذیرفت .

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش ببانوان و آقایان گرامی که تاکنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت ننموده‌اند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان بـا در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ٤ بـدبیرخانه انجمن زرتشتیان مـراجعه وکارت شناسائی دریافت فرمایند.

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار

حضار ارجمند از اینکه دعوت انجمن زرتشتیان راقبول و برای شرکت در مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار یکی ازپارسیان شاهدوست وایران‌پرست که از مردان نیکوکار وفرهنگ پرور بوده دراین مجلس تشریف آورده‌اید اظهار سپاسگزاری وتشکر مینمایم.

زیرا حقیقتاً بزرگترین و مؤثرترین موجبات پیشرفت و ترقی و توسعه فرهنگ و کارهای سودمند وعام‌المنفعه یك جامعه وملت تشویق و تقدیر از خدمتگزاران آن جامعه وملت است چه درزمان حیات و زندگیشان و چه پس ازممات ومرگشان و بواقع روانشاد پشوتن‌جی مارکار پارسی هندوستانی یکی‌از این‌اشخاص خدمتگذار بوده که درزمان‌حیاتش بپاس عشق وعلاقه بایران‌که وطن وزادگاه اجداد ونیاکان نامدار و پرافتخار خود بوده بمنظور خدمت بهم‌میهنان خود تمام هستی ودارائی خود را صرف تأسیس پرورشگاه و دبیرستان ودبستان درشهرستان یزد برای تعلیم وتربیت وآموزش و پرورش فرزندان این آب وخاك نموده که خوشوقتانه امروز عده زیادی از تربیت‌یافتگان مؤسسات تربیتی و فرهنگی مارکار با قابلیت وشایستگی کامل بخدمات فرهنگی و اجتماعی کشوراشتغال‌دارند وهمیشه ذکرخیر روانشاد پشوتن‌جی مارکار ورد زبان‌آنها بوده وهست.

جای خوشوقتی وسپاسگزاری است‌که دولت معظم شاهنشاهی ایران نیزقدرخدمات آن شادروان را دانسته ووزارت محترم فرهنگ وقت درزمان حیات روانشاد مارکار آن شادروان را بااعطای نشان، مدال درجه یك‌سپاس ونشان همایون‌مفتخر ومباهی‌فرموده‌اند و امروز نیز پس از درگذشتش برای قدردانی‌از خدمات‌آن‌روانشاد درتهران وشهرستان یزد مجالس یادبود برگزار وروانش را شادمینمایند.

چون دیگر آقایان سخنرانان محترم بویژه آقای‌محمدعلی روشن‌که سالیان دراز فرماندار شهرستان یزد واز شخصیتهای برجسته‌کشوری وخدمتگزارصدیق شاهنشاه‌آریا مهر میباشند واز تأسیسات مارکار دریزد کاملا اطلاع دارند بتفصیل‌حقایق رابیان‌خواهند

بقیه درصفحه ۳٤



سخنرانی جناب آقای محمد علی روشن در مجلس یادبود روانشاد مارکار

باعرض ادب و سلام خدمت خانم‌های محترم وآقایان گرام . فقدان روانشادمارکار را تسلیت عرض میکنم . امروز صبح که برحسب تصادف باآقای اردشیر جهانیان که از دوستان قدیم و دانشمند اینجانب هستندتماس حاصل شد و ازخبر تاسف اثرفوت روانشاد مارکارآگاه شدم که ازقرارچند روزپیش درسن نودوچهار سالگی با روانی آرام و آسوده رخت ازجهان بربسته‌اند و ضمناً مطلع شدم که امشب ازطرف انجمن محترم‌زرتشتیان‌مجلس یادبودی برای فقید سعید در این تالار تشکیل میشود برخود فرض دانستم که دراین‌جلسه حضوریافته و دراین سوگواری شرکت نمایم .

اینجانب ضمن خدماتی که درموقع اشتغال بخدمت درشهرستان‌ها عهده‌دار بودم دو سال هم درشهرستان یزد بسمت فرمانداری‌ایفاءوظیفه نموده‌ام شاید حضارمحترم استحضار داشته باشند که طبق موازین‌قانونی مخصوصاً قانون تقسیمات‌کشور فرماندارهرشهرستان که نماینده اول دولت‌است و فرمان مبارك همایونی دردست دارد نظارت عالیه بادارات محل‌خدمت خود خواهد داشت و ازاین‌رو وظیفه فرماندار است که چنانچه نواقصی در درامورمشاهده نمود تذکر دهد و دررفع آن بکوشد و ازکمك‌ها و هم‌کاریهای لازم مضایقه نکند و چنانچه مشکلاتی برای هریك ازادارات پیش‌آید مرتفع سازد .

اینجانب درسنین ایام تحصیل متوجه شده وپی‌بردم که یکی ازموجبات ترقی وتعالی هرملتی گنجینه فرهنك‌آن ملت است و فرهنك‌است که درتمام شئون اجتماعی موثرو راهنما

است باین‌جهت‌درشهرستان‌هائی که‌سمت فرمانداری یا معاونت استانداری‌راداشته‌ام همواره درحدود وظائف و مقدورات خود تا سرحد امکان درمعاضدت و یاری فرهنگیان و اقدام در پیشرفت امورفرهنگی ساعی وکوشا بوده‌ام .

درشهرستان یزدشاید هفته‌ای دو یا سه‌روز اوقات اینجانب صرف سرکشی و بازدید موسسات فرهنگی میشد موقعیکه با سازمان فرهنگی زرتشتیان آشنا شدم و پرورشگاه و دبستان و دبیرستان راازنزدیك دیدم وچندنوبت بازدید موسسات مذکورتکرارشدباتحقیق ازنام ونشان بانیان و بنیان‌گزاران‌این موسسات جالب و این‌خدمت‌بزرك‌اجتماعی‌وکمیت اعتبار برای ساختمانهای مذکورکه ازهرجهت‌آبرومند و مناسب برای مـدرسه ساخته و آماده شده بودند باین‌رسیدم که‌پایه گذارحقیقی‌این‌آثار روانشاد مارکار بوده‌است‌وباپی‌جوئی‌های دیگری‌که بعمل‌آمد چنین استنتاج گرفته شد .

درتاریخ ۱۳۰۳ شمسی یعنی درزمانیکه در اثر ضعف دولت های گذشته وگسیختگی شیرازه‌های شئون‌مختلف کشورعزیزماهنوزدچار بی‌انضباطی وهرج‌ومرج بودومیرفت‌دراثرقیام مردانه‌سردارفداکارمیهن‌ازخواب غفلت‌بیدارشده‌وبسوی اصلاحات بپیش رود مرحوم‌مارکار باتفاق یك‌گروه بیست‌نفری ازبمبئی‌که محل تولد اوبوده برای دیدار وطن نیاکان خود وهمکیشان و دوستان وبستگان به‌یزدآمده و درمدت توقف دراین شهرستان ومشاهده فقر اجتماعی و اوضاع عمومی‌آن شهرستان بچاره‌جوئی می‌پردازد .

قبل ازهراقدام متوجه فرهنك‌محل وعقب‌افتادگی اطفال زرتشتی از تحصیل میشود و تعلیمات عالیه شت‌زرتشت راکه دراعتلاء فرهنك و دانش زمان خود وبه‌کمال رسانـدن اخلاق اجتماع فرموده (کسانی میتوانندمرابشناسندکه‌دانش را شناخته باشند) نصب‌العین قرارداد .

همانطورکه شارع مقدس اسلام درکسب فضیلت ودانش می‌فرماید (طلب‌العلم‌فریضه علی‌کل‌مسلم و مسلمه) « طلب علم فریضه‌ای است برای هرمرد وزن مسلمان) .

این مرد پاکدل باعزمی‌راسخ تشکیلات سازمان فرهنگی یزدراتصمیم قرارداد ، و به هندوستان مراجعت میکند .

پس از ورود به بمبئی سی‌هزارروپیه موجودی نقدی خود را بنام سرمایه ابتدائی بحساب اعتبار سازمان فرهنگی شهرستان یزد به‌صندوق بانك میریزد و برای‌تحکیم‌اساس این‌نیت مقدس ضمن سخنرانی‌ها و ایراد خطابه‌ها درمجالس مختلف‌کمك مالی آقایـان زرتشتیان محل را جلب مینمایدکه در نتیجه پشت‌کار و فعالیت خستگی‌ناپذیر آن روانشاد موجودی‌حساب مذکوردربانك به‌پنج‌برابر سرمایه ابتدائی بالغ می‌گردد .

بقیه در صفحه ۵۰

سخنرانی آقای اسفندیار ماوندادی در برگزاری مراسم پرسه روانشاد پشوتن‌جی مارکار

خانمهای محترم و آقایان بزرگوار و استادان ارجمند که در این محل انجمن زرتشتیان تهران گرد آمده‌اید در مقابل استادان خود وسخنوران ارجمند بنده حقیر قابل اینکه سخنی گفته ووصف و تعریفی ازخدمات اجتماعی و فرهنگی مرحوم پشوتن‌جی مارکار موسس دبیرستان و دبستان و پرورشگاه بزبان آورده وتمجید نمایم نیستم . ولی چون دانش آموز آن دبیرستان بوده وازهر لحاظ و ازهر امتیاز و موقعیت آن تاسیسات ببهترین وجه استفاده نموده‌ام برخود واجب میدانم که ایفاء وظیفه کرده و برای شادی روح مرحوم پشوتن‌جی مارکار گفتاری چند درباره سجایای اخلاقی و همت والای آنمرحوم بعرض حضار محترم برسانم . مرحوم مارکار دنیای فانی را بخوبی شناخته و خودرا نیز کاملا وقف ملت خود خاصه زرتشتیان ایران و نونهالان یزدنموده و درنجات آنان گامی استوار برداشته و براستی سرمشق خدمت بنوع بشر بودندوایشانهم میدانستند که تنها راه ترقی و تعالی هر فردی داشتن دانش و بینش میباشد این شد که کمرهمت برای ریشه کن نمودن جهل و بیسوادی بستند و بحمداله موفق شدند چنانکه شاهنشاه عظیم الشان آریامهر بزرگترین پرچمدار ریشه کن نمودن جهل و بیسوادی دردنیا معروف شدند و دنیا بتبعیت ازشاه ایران گام برمیدارد.

ولی من که یك شاگرد شیطان و بازیگوش و درس نخوان بودم هنوز که هنوزهست خاطرات خوش خودرا ازآن تشکیلات و آنهمه وسایل بخصوص میادین مناسب ورزشی وحتی ابزار کریکت ـ هکی که شاید خیلی از ورزشکاران هم آنها راندیدند ما درآن دبیرستان داشتیم و بازی میکردیم . امروزدردنیای متمدن فرهنگی جلو رفته و مترقی نامیده میشود که اول وسیله و محیط مناسب برای دانش آموز ـ دانشجو فراهم کند آنوقت استعدادخود بخود بروزمیکند علمای روانشناسی معتقدندکه همه مردم وبچه‌ها استعداد دارند فقط وسیله و محیط لازم دارندآن محیط که مرحوم مارکار بوجود آورده بودندقابل ستایش است و من شخصاً هرچه دارم ازسواد معلومات مرهون زحمات جناب آقایان سروش لهراسب خدمتگذارعلم و فرهنك زرتشتیان و موسسات مارکار مهندس مهربان گیل ـ هرمزدارع ـ مهربان خانی ـ مهربان بیوکی ـ اسفندیارکاویانی مرحوم استاد بمان مریم آبادی استاد خط و اوستا ـ مرحوم میرزا محمد حسین آموزنده ـ آقای مهندس تابان (بلوری قدیم)

آقای کیخسرو برزو ـ آقای رستم‌شهزادی ـ آقای کیوانفر و خیلی استادان زحمتکش دیگر که درنظرم‌نیست و فراموش کردم وخواهندمرا ببخشید فراموش نمیکنم که یکی ازهم‌محلی‌هایم که پدرش او را ازآمدن بمدرسه بازداشته بود و استعدا ذاتی خوبی هم داشت وقتی اورا دیدم وگفتم چرا بمدرسه نمیآئی گفت پدرم مخالف است و ایکاش منهم مانند دیگران پدر نمیداشتم که بتوانم درآن آموزشگاه وپرورشگاه درس بخوانم این یك حقیقت محض است و من شخصاً افتخار میکنم که اولا اهل‌قاسم آباد حومه‌یزد که درحقیقت ده میباشد هستم و ضمناً تربیت شده آن آموزشگاه وآن پرورشگاه وآن تاسیسات و آن استادان میباشم و من صداقت وصفا وحقیقت گوئی و صراحت را ازآنان وآنجا یادگرفتم .اگرتعریف از خود نباشد رستگاری خود را نیزدرهمین چندکلمه میدانم مرحوم مارکار بـا کمال آرامش و آسایش خیال وجسم٩٤سال عمر نمود ولی‌اولاد نداشت شك نیست که عموم دانش‌آموزان آن موسسات اعم ازدختـرانه ـ پسرانه ـ دهات دورونزدیك ازاولادان آنمرحوم میباشیم خاصه برادرانی که برسریك سفره نشسته وزیردست استادانی‌داناوبی‌غرض تربیت شدیم وگرچه ما فرزندان بپاس‌خدمات و حمایت وهمت آنمرحوم همیشه شادی روح اورا از ایزد متعال خواستـاریم و شك‌نیست که بهشت گروسمان‌مکانش میباشدولی هیچوقت احترام وسپاسگذاری استادان ارجمند خود راکه‌زنده‌هستندفراموش ننموده‌وسلامتی وموفقیت آنان‌رانیزازخداوند خواستاریم و شك‌نیست خدمـات صادقانه و اعمال خیرمرحوم مارکار ودیگران که بانی‌خیر بوده و خواهندبود ازنظرمردمان بی‌نظر وبی‌غرض پنهان نمانده وآشکارا درود میفرستیم و موفقیت آنان نیز ازخدا خواستاریم و امید است که هرکس بقدرهمت والای خویش قدم خیردرراه افراد همگروه بردارد بخصوص امرتعلیم و تربیت فراموش شدنی‌نیست‌وبدانید که حق ازبین‌نمیرود و هستندکسانیکه حقوق حقه‌خدمتگذاران و خادمان ملت را بجای میآورند ازاینکه انجمن زرتشتیان تهران خاصه ارباب رستم‌گیو اجازه فرمودندکـه در این مراسم یادبود انجام‌وظیفه نموده‌واحسـاسات درونی خود رانسبت‌بمرحوم مارکار ابراز دارم کمال‌تشکر رادارم وازاینکه‌آقای روشن فرماندار یزد نیز درشناخت مرحوم مارکار بیاناتی فرمودند جای امتنان و سپاسگزاری میباشد ازحضارمحترم که تحمل‌فرموده گفتار مراشنیدند وبی‌نهایت سپاسگذارم .

از مشترکین محترم‌خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم‌هرماه‌مجله‌هوخت نرسد بداروخانه داریوش‌ویاچاپخانه‌راستی تلفن۳۹۶۲٤اطلاع‌دهندوهمچنین آنهائیکه‌مایل باشتراك‌مجله‌هستند میتوانندتلفناً نام وآدرس خودرااطلاع دهند تا قبض‌آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود .

سروده
مهربان خانی

بیاد روان شاد پشوتن مارکار

رفت از گیتی بزرگ نامدار — پارسی فرزند ایران مارکار
آنکه کرد ازراه دانش پروری — مال خود را در ره میهن نثار
آنکه دستور اشوزرتشت را — بست اندر زندگی دایم بکار
زیست با اندیشه و گفتار نیك — بود کردار نکو او را شعار
آنکه‌در داد ودهش همتای‌او — کم تواند دید چشم روزگار
از خرد سرمایهٔ فانی بهشت — شد بهشت‌جاودان را خواستار
ثروتی کزراه دانش گرد کرد — برد آنرا در ره دانش بکار
کرد برپا همت والای او — بهترین بنگاه فرهنگی چهار
دودبستان‌دودبیرستان که‌هست — در بنا از بهترین شاهکار
کرد بهر خدمت هم میهنان — پرورشگاه یتیمان استوار
گرچه‌فرزندی‌نبوداورا کنون — دارداو فرزند افزون ازهزار
هریکی دانشورو دانش‌پژوه — سرفراز و نیکبخت و کامکار
هریك ازاعمال نیکش حقشناس — هریك‌از کردار نیکش حقگذار
رادمردی اینچنین‌باشد یقین — پیش یزدان سربلند ورستگار
گرچه‌رفت‌ازاینجهان‌هرگز نمرد — زی بهشت جاودان شد رهسپار
اونمرده‌است‌ونمیردز آنکه‌هست — در زمانه نام نیکش پایدار

هست خانی در بهشت برترین
روح پاك شت پشوتن مارکار

سروده آقای خدایار هورمزدی که در مجلس یادبود روانشاد مارکار قرائت نمودند

به هر روز تابد بلند آفتاب / ز خاور سوی باختر بی شتاب
به جنبندگان نیروی زنده گی / بهر روز بخشد ز تابندگی
جهان تا که بوده است و باشد بپای / چنین بد بفرمان یکتا خدای
در آن آدمیزاده سر گرم کار / ولی کارشان بر سه گونه بدار
گروهی زیان آورد کارشان / که کژی و آز است بازارشان
دوم دسته نه سودشان نه زیان / بکس میرسد مردگانشان بدان
ولی سومین دسته بس سودمند / بهم کیش و هر کس که باشد شوند
از آن دسته سومین در گذشت / مرامروزرادیخوش اختر گذشت
روان پشوتن جی مارکار / به مینو روان شد بر کردگار
دریغ است مرگ چنین رادمرد / نشاید به امر خدا چاره کرد
بگویم ز بخشنده گی مردمی / چه کرد این نکونام درزندگی
چهل سال پیش او همه خواسته / که بودیش با چهری آراسته
به همکیش ایرانیان پیشکش / بفرمود از آن شت خرم دلش
بدون ریا داد هر چش که بود / بفرمود و به پاداش خودبرفزود
از آن پاك بخشش از آن خواسته / بشد یزد و فرهنگش آراسته
از آن بهره ور مستمندان شدند / بدانش رسیدند و پویان شدند
از آن پایگه آنچه برخاسته / جوانان از دانش آراسته
هزاران تهی دست دانش پژوه / بدانش رسیدند از هر گروه
نگه کن بدین خدمت مرددین / که برجان پاکش هزار آفرین

بقیه در صفحه ۵۲

بیانات آقای سهراب سفرنگ رئیس دبیرخانه انجمن زرتشتیان تهران در مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار

بانوان وآقایان ارجمند :

الساعه جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم ورئیس انجمن زرتشتیان به بنده فرمودند برای ختام مجلس وپایان جلسه مطالبی بعرض برسانم.

بطوریکه شنیدید جناب آقای ارباب رستم گیو بطور اختصار و جناب آقای محمد علی روشن فرماندار محترم سابق شهرستان یزدکه خود تأسیسات پرورشگاه و دبیرستان ودبستان مارکار رابرأی‌العین مشاهده وشاهد وناظر حسن اداره ونظم وانضباط و پیشرفت مؤسسات خیریه وفرهنگی نامبرده بوده‌اند بطور تفصیل وجامع و با سخنان بلیغ وفصیح خود خدمات پر ارزش روانشاد پشوتن جی مارکار را بیان ونه تنها موجبات تشویق از خدمتگذاران فرهنگ و اجتماع رافراهم نمودند بلکه روان‌پاك شادروان‌پشوتن جی‌مارکار را نیز شاد فرمودند .

لذا بنا بمأموریتی که به بنده داده شده‌از جناب آقای محمدعلی روشن که ازشخصیت های برجسته‌کشوری و از خدمتگذاران صدیق وفعال شاهنشاه آریا مهرهستند اظهارتشکر و سپاسگزاری مینمایم همچنین بیانات مؤثر وحق‌شناسانه آقای اسفندیار ماونددی که از تربیت‌یافتگان و فارغ‌التحصیلان تأسیسات خیریه و فرهنگی مارکار و امروز دبیر لایق و کاردان اداره تربیت‌بدنی هستند نیز حاکی و دلیل پاکی‌طینت وحس قدردانی وحقشناسی ایشان بودکه شایان تحسین میباشد.

بعلاوه اشعار نغز و دلکش آقای خدایار هورمزدی و آقای مهربان خانی کـه از سرایندگان باذوق وبا استعداد و از خدمتگذاران اجتماع هستند وخدمات سودمند و پر ارزش فرهنگی و اجتماعی روانشاد پشوتن جی‌مارکار را بنحو شایسته بزبان شعر تشریح و بیان فرمودند در خور قدردانی وسپاسگزاری است.

در پایان ازعموم حضار محترم که اکثراً تأسیسات‌فرهنگی واجتماعی روانشادپشوتن جی مارکار را درینردمشاهده فرموده وبعضی هم ازفارغ‌التحصیلان دبیرستان مارکارهستند

بقیه در صفحه ٤٠

نوشته وگردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

خلاصه‌ای ازوقایع کرمان درجنك بین‌الملل اول

(۲۰)

در این سال میرزا فتحلیخان صاحبدیوان پسرزاده حاجی ابراهیم خان شیرازی اعتمادالدوله فتحعلیشاه بحکمرانی کرمان و بلوچستان منصوب شدودر زمان اوکنسولگری انگلیس درکرمان تأسیس شد (تاریخ سایکس) ایشان پس ازنزول بکرمان عمل پیشکاری را بمیرزا حسینخان معتمد دیوان تفویض نمود ولی طولی نکشیدکه میانه صاحبدیوان و معتمد دیوان در سر محاسبات و قرارداد مالیاتی اختلاف زیاد پدید آمد و همین اختلاف بگوش تهران رسید وصاحبدیوان بمرکز احضارگردید و مدت حکومت صاحب دیوان در کرمان قریب یکسال بود. در سال ۱۳۱۲ که صاحبدیوان بمرکزاحضارشدمجدداً حکومت کرمان بشاهزاده فرمانفرما واگذارگردید وایشان بهجةالملك امیرتومان راکه قبلا هم نایب فرمانفرما بود مجدداً به نیابت بکرمان فرستادکه دوذی حجه ۱۳۱۲ واردکرمان شده و به تنظیم امور پرداخت و در اواخر ۱۳۱۳ شاهزاده فرمانفرما بکرمان وارد شد و با بهجةالملك امور کرمان رااداره مینمودند تا روز دوشنبه هیجدهم ذی حجه ۱۳۱۳ تلگرافاً خبر کشته شدن ناصرالدین شاه رسید و چون در یك چنین مواقعی اشرار و متجاسرین منتظر فرصت میشوند لذا فرمانفرما اطراف و جوانب‌کار را کاملا محکم و بهر طرف مأموروقشون گماشت و بطوریکه از هیچ طرف صدائی برنیامد و اتفاقی نیفتاد گویا محرك میرزا رضا درقتل ناصرالدین شاه صحبتی بوده‌که سید جمال‌الدین در اسلامبول به میرزا رضاگفته بود سید درجواب میرزا رضاگفته بود میبایست قبول ظلم نکنی دراین‌گیر ودار فقط اعراب بهارلوی فارس مجدد سیرجان آمده قتل و غارت نمودندکه با اهتمام فرمانفرما سرکوب وبسزای خود رسیدند .کارهای کرمان با تمشیت نایب‌الحکومه بهجةـ الملك امیرتومان میگذشت و در بیستم محرم ۱۳۱۴ فرمانفرما برحسب استدعای خودش بدارالخلافه احضارو امیرتومان‌کما فی‌السابق امورزا فیصله میداد تا اینکه دراواسط صفر

برحسب تلگراف دولتی حکمرانی ولایت کرمان بلوچستان بشاهزاده کامران میرزا برادر کهتر پادشاه داده شد بعداً مجدداً حکومت به‌فرمانفرما رسید که ایشان از تهران دستوراتی به امیرتومان میدادند و بهجةالملك کمافی السابق امور را اداره میکرد پس از فرمانفرما دراول جمادی‌الاول سنه ۱۳۱۵ حکومت کرمان به‌حاجی غلامرضاخان شهاب الملك ملقب به آصف الدوله رسید ونیابت حکومت را نیز بشاهزاده محمد رفیع میرزا دادند ولی در مدت حکومت این شخص اختلافاتی‌بین اجزاء روی داد وبخصوص در سیرجان وبلوچستان منجر به سرکشی اشرار گردید که خود آصف‌الدوله جهت تنظیم اموربلوچستان بدانصوب اردوکشی نمود و همچنین بواسطه خشگسالی وکمبود غله گرانی پدید آمد و بپول آنروز گندم به خرواری بیست وچهارتومان رسید و علی اصغرمیر پنجه حکمران سیرجان که از اقوام نزدیك حکومت بود در امور غله سوء استفاده‌هائی نمودند وبعلاوه سارقین و ایلات مجاور نیز شروع بتاراج اموال مردم و قوافل گذاشتند بطوریکه اسفندیار خان بچاقچی حاکم سیرجان راگرفته وخودمدت ۸ روزدرسیرجان حاکم بود وبالاخره با غارت اموال مردم از سیرجان خارج شد و سایکس او را روبن هود ایران معرفی مینماید که در یك مجلس روضه خوانی بدست حاج رشید کشته میشود وعجیب آنکه خود حاج رشیدهم بعدها بدست‌نوکرش در ۱۳۲۲ شمسی در خانه‌کشته میشود و خانه او میسوزد.

بعد آصف‌الدوله‌کوکب اقبال باکرمانیان بود و بعد ازآنهمه اغتشاش و ناراحتی و غارت حکومت بامیر نظام‌گروسی‌که یکی از حکام بسیارخوب و خدمتگزار بود واگذارو ایشان مصدر خدمات بزرگی شدند ومردم در زمان اوبراحت زندگی‌کردند ولی متأسفانه ایشان‌که در درهفدهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۷ بکرمان وارد شده بوددرپنجم رمضان همان سال فوت شدندکه طبق وصیت خودش قبرش در جوار مقبره شاه نعمت‌الله ولی میباشد.

توضیح اینکه جد اعلای ایشان جناب محمد امین خان سردارگروسی نیز در زمان سلطنت‌کریمخان مدتی درکرمان حاکم بود.

امیر نظام شرح مفصل زندگی داردکه اگرچه قابل بحث و تذکـر میباشد ولی چون در تاریخ‌کرمان اثری ندارد از ذکرآن صرفنظر وبموقع مناسب موکول میگردد.

پس از امیرنظام درذیعقده ۱۳۱۷ زین‌العابدین خان همدانی پسر مرحوم علیخان میرپنجه‌که مردی باکفایت بود بکرمان آمد و او نیز مـردی عادل و رعیت نواز بود و موقعیکه بطهران احضارشد عده‌ای از فضلا ومعاریف درتلگرافخانه‌گرد آمدند و استدعای ابقای او را نمودند ولی مرکز موافقت ننمود و حکمرانی را بـه محمود خان علاءالملك دادند در آن وقت مرسوم بود هرگاه حاکم سوار میشد و برای بازدید میرفت متجاوز از

صد فراش چوب بدست درجلو اسب حاکم میافتادند ومردم رااذیت میرساندند علاءالملك این کار را موقوف کرد خود سوارالاغ میشد یکنفر از نوکرانش‌هم سوار اسب یاالاغ میشد وبا او حرکت میکردچنانکه معروف بحاکم دوخره شده است دررسیدگی بعرایض رعایا بنفسه رسیدگی مینموددرسیستان با انگلیسیها مشغول مذاکره وتسویه امورسرحدیه گردید و باعلماءکرمان مباحثه و مذاکره علمی مینمود.

پس از مراجعت از کـرمان وزارت عدلیه را داشت بعد از خرابی مجلس مأمور خارجه گردید.

میرزا محمود خان یکسال ونیم درکرمان بود.

ضمناً دردستگیری آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی درزمانیکه حکومت اسلامبول را داشته مؤثر بوده است و بطوریکه میدانید میرزا آقا خان کرمانی و شیخ احمد روحی و میرزا حسینخان خبیرالملك در تبریز بامر ولیعهد محمد علی میرزا پس از کشته شدن ناصرالدین شاه بقتل رسیدند و پوست آنها راکنده ازکاه پرنمودند و بعد ازعلاءالملك از سال ۱۳۲۰ هجری قمری تا۱۳۲۵ (دوره پهلوی) جمعاً ۱۵ نفر بحکومت‌کرمان منصوب گردیدندکه از ذکر نام آنها خود داری میشود وبعضی‌ها هم برای باردوم آمدند دراین سالهاوقایع زیادی اتفاق افتاده است‌که بازهم بوی دوئیت وپشت هم اندازی داشته وبضرر مردم بیچاره تمام شده است مثلا شخصی بنام شیخ شمشیری بحرینی‌که جـوانی بوده بسن ۳۰ ـ ۲۵از طرف خراسان بکرمان وارد و مرتباً از زرتشتیان و هنود بد میگفته و اغلب درمنبرازمذهب وطریقه شیخیه درکمال وقاحت بدمیگفته است وقتی هم‌کارگزاران حکومت شبانه او را براور تبعیدکردند شهربهم خورد و بلوا شدکه حکومت را مجبورکردند او را برگرداند ولی باز هم دست برنداشت و به تحریکات خـود ادامه داد در زمان حکومت ظفرالسلطنه بختیاری (۱۳۲۱) قونسولگری روس درکرمان برپا شد ودر سال ۱۳۲۲ خط تلگراف ازکرمان گذشته به نصرت‌آباد رسیدکه ازآنجا به شالکوت متصل شود.

تحریکات شیخ بحرینی بخصوص درباره سابقه شیخیه دامنه دارشد تا روزی بالاخره منجر به تیراندازی وکشته‌شدن ومجروح گردیدن عده‌ای گردید. موقعیکه بعد ازاین بلوا که در زمان حکومت رکن الدوله اتفاق افتاده بود ومجدداً ظفرالسلطنه بحکومت تعیین شده بود برای خدا حافظی نزدآقای طباطبائی میرود و آقای طباطبائی میگوید چه ضرر دارد شما درکرمـان شروع بمقصودکنید و مقصود ما ازکرمان بروز نماید (طباطبائی و ظفرالسلطنه قبلا درمورد مشروطیت باهم هم قسم شده بودند) درزمان حکومت فرمانفرما یکی‌ازعلمای‌کرمان بنام حاج محمد رضا را (۱۳۲٤) روانه مشهدنمودنداین خبربطهران

بقیه درصفحه ۵۳

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان

بکوشا که دانا و آگـه شوی
چو آگه شوی واقف ازره شوی

بـود ارزش آدمـی آگـهی
که آگه مصون است از گمرهی

کسیکه بوداز خودواز جهان بیخبر
وجودش بود عاطل و بی ثمر

بود هر که آگاه اندر جهان
بعبرت نظر میکنـد انـدر آن

بتاریخ بگذشتمان کن نظر
که آگه شوی از ره و رهگذر

شوی آگه از گردش روزگار
تو را آن بود پند و آموزگـار

چرا از خود و از جهان غافلی
تفکر بکن یکـدم از عـاقلی

هر آنکس که آگه بود آدم است
هم آگه زخویش وهم ازعالم است

ز روی تفکـر بعقل و بصر
دمی بر خود وبر جهان کن نظر

ببین در تو خود یك جهانی بود
ز جان جهان در تو جانی بود

تو خود یك جهانی اندر جهان
جهـانی بـود در دل تو نهـان

تو دیده ز دیـدار آن بستهٔ
چو جغدان به ویـرانه بنشستهٔ

مکن ضایع عمر گرانمایه را
مده رایگان سود و سرمایه را

که این جان نه آن جان گاو وخر است
که آخور ورا اول و آخر است

غذای تو از خوان روحانی است
نه این آخور پست حیوانی است

چو آزادگان پاك ووارسته باش
مجو دانه از دام و تورسته باش

بود زندگی یك مسیر کمـال
مکن صرف آنرا بورزد وبال

هر آنکس که باخویشتن همدم است
بداند که عمر جهان یکدم است

طلب کن تو از صاحب دل مدد — برون کن توازدل مراین‌دیوودد
چو ازدل شوی پاك وپرهیزکار — تجلی کند اندرآن حسن یار
بکن همتی تا شوی اهل راز — بیاسائی از شهوت و حرص و آز
جوانی برفتی پی عیش و نوش — باندرز پیران نکردی تو گوش
که آن نوشهاجملگی نیش شد — بپیری غم و رنج و تشویش شد
بدان درجهان دانه بی دام‌نیست — دراین دام جز درد وآلام نیست
جهان بهر انسان یك منزل‌است — سلامت گذشتن‌از آن‌مشکل‌است
مگر مردم پاك پرهیزکار — روند زین جهان‌نزدحق رستگار
بکن پیشه در زندگی راستی — بپرهیز از کژی و کاستی
بکوشا که تا وانمانی ز راه — که غفلت ببار آرد افسوس وآه
که‌این‌زندگی‌نیست‌جزرنج‌ودرد — گه از گرم نالیم وگاهی ز سرد
جوانی آن شهوت ونخوت‌است — به پیری‌رسی‌سستی ورخوت‌است
ز بیماریش سخت اندر گزند — ز بیش و کمش بیمناك و نژند
پرستش مکن تو خرافات را — برون کن زدل وهم وطامات را
حقیقت منزه ز آلایش است — ز وهم خرافات و پیرایش است
چودل گشت از لوث اوهام‌پاك — ز نور حقیقت شود تابناك
که اوهام‌ازجهل وظلمانی‌است — که‌چون‌پرده بر عقل‌نورانی‌است
بدر پرده جهل و اوهام را — ببین نور عقل دل آرام را
بود هر که با عقل و پرهیزکار — بهر دو جهان او بود رستگار
که‌تقوی وعقل‌وادی ایمن‌است — در آنجا نه‌دیو و نه اهریمن‌است
اگر خواهی یك‌نعمت‌بی‌زوال — بدانش مده نفس خود را کمال
بود آزموده بر هوشیار — نشد هیچ کس در جهان کامکار

مگر آنکه آموخت علم و هنر — به نیـکی گرائید شد نـامور
دل مرد دانا دبستان اوست — دبستان هم باغ و بستان اوست
ز گلهای دانش دلش گلشن است — ز نور معانی چو مه روشن است
ببندد بر خود در حرص و آز — نـدارد بـه دل آرزوی دراز
ز آلایش دنیـوی رسته است — بهمت ازین دامگـه جسته است
سخن گر بگویـد سنجیده است — بر اهل معنی پسندیـده است
سخنهای دانا پراکنده نیست — بهزل و خرافات آکنده نیست
بسنجد وانگه بگوید سخن — منزه ز خودبینی و مـا و مـن
هر آنکس که داناودل آگه است — بداند که اوچون رهی دررهاست
دل از غیر حق پاك و پرداخته — همه نـزد هستی بحق بـاخته
زمان کاروان است و ما رهروان — شتابان همـه سوی مقصد روان
دونوع رهرواست اندراین کاروان — یکی راست دیگرسوی چپ روان
یکی میرود راست سوی کمال — دگرچپ رود سوی نقص وضلال
یکی ظالم است وستم پیشه است — یکی صاحب فکر واندیشه است
ره چپ ره نفس امـاره است — فریبنـده و سخت پتیـاره است
رود آدم حق پرست سوی راست — که چپ رفتن ازغفلتی وازخطاست
بپرهیـز از شر این نـابکار — فریبش مخور تا شوی رستگار

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

پریرخ بهروزیان

در آستانه پائیز

باردیگر پائیز فرا میرسد و گرد غم بردلها می‌نشاند و دل را غمگین‌تر می‌سازد.

روزهای غم‌انگیز پائیز انسان را بیاد بسیاری ازچیزها میافکند و آدمی را بتفکر بیشتری وامیدارد. پائیز زمانیست که انسان را بیاد دردهای دردمندان و ذلت‌مستمندان میاندازدآن هنگام‌ست که آدمی دیده بصیرت می گشاید و با تمایل هرچه‌تمامتر درباره این گونه اشخاص میاندیشد.

آری پائیز با خود غم و اندوه بارمغان میآورد نظاره برصحنه دلخـراش درختانی که برگهایشان فرو ریخته‌اند و درزیر گامهای رهگذران لگدمال میشوند و ازبین میروند و درختانی‌که عریان میگردند و باد بیرحم پائیزی همچون تازیانه برپیکر استخوانی و عریانشان فرود می‌آید. درختانی‌که پیروفرتوت گشته‌اند و با تکان شدید یك‌باد تاب و توان خویش را ازکف میدهند و ازجای درمیآیند و برزمین در میغلطندآری نظاره بـر برگهای زرد و غمزده‌ای‌که ازشاخسار درختی بروی زمین درغلطیده و انسانها با قدوم خویش‌آنها را ازآخرین دقایق حیات ساقط میکنندآدمی رابتفکری عمیق وامیداردکه‌در اجتماع‌بشری نیزخزانی وجود داردآن خزانی است تلخ و ناگوارخزانی‌که در زندگی بشری وجود دارد بهمان‌اندازه که‌درزندگی‌درختی وجود خواهد داشت دردناك ونامطبوع میباشد و شاید اندکی نیزنامطبوع‌تر و ناگوارترباشد زیراخزانی‌که درزندگی‌آنهاوجود دارد برای همهٔ‌آنهاست و همه دراین خزان شریکند لکن پائیزی‌که درزندگی افراد بشر خواهد بود برای معدود شاید هم عده‌ای کثیری باشدکه ازآن رنج میبرند ولی‌دم برنمیآورند وکسی ازغمها ورنجهای درونشان‌آگاه نیست و شاید هرکسی‌که‌آنها رامی‌بیند تصورکندکه‌آنها هیچ‌گونه غمی‌ندارند و حتی‌فکر نمی‌کنندکه ممکنست‌آنها نیزغمی داشته باشندآری دراین دنیای پهناور وسیع‌هیچ‌کس ازدردها و غمهای دیگری بطورکامل‌آگاهی ندارند و حتی نمیتواند حدس‌بزندکه خانواده‌ای باچه سختیها و مـلالتها زندگیشان را تأمین میکنند و نمیتواند بیندیشدکه‌آن دختری‌که همیشه‌با رویی‌گشاده و خندان بمدرسه قدم می‌نهد دردرونش چه غوغایی برپاست و درضمیرش چه میگذردآری هیچ‌کس نمیتواند درك‌کندکه ممکنست زندگی برای او همیشه خزان باشد خزانی تلخ، خزانی‌که او فکر میکند هرگزبهاری دربرنخواهد داشت خزانی اندوهبار و خردکننده.

آری هرگز بفکر کسی خطور نخواهد کرد که این دختری که باصورتی بشاش وسیرتی پاك و منزه باآنان روبرومیگردد، میگوید و می‌خندد چگونه زندگی می کند وزندگیش چگونه است .

نمیدانند که او همیشه گوشهٔ عزلت می گزیند ودرتنهائی فرومیرود و با خودمیاندیشد و فکرمیکند ، فکرمی کند که آیا او میتواند کسی باشد که زندگیشان را از این غم واندوه بدرآورد وآنرا مانند بهاری دلپذیروزیبا سازد که بلبلان زیبا و نغمه‌سرا درپهنهٔ این بهار بنغمه‌سرایی مشغولند و پائیز و غمهایش را ازضمیرمحو نمودند وکانونی گرم و صمیمی تهی ازغم و اندوه تشکیل داده‌اند ؟

آری رؤیاهای او خیلی شیرین و مطبوع است لکن زندگیش هماره مخلوطی از غم و تنهائی است که افکار مختلف نیز باآنها همراهی دارند .

او تنها یك چیزدرزندگی میخواهد وحاضراست حتی برای بدست آوردنش ازبذل خون خویش نیز دریغ نداشته باشد وآن اینکه روزگاری بتواند با پیروزی درزندگی تحصیلش زحمات بی‌پایان و فداکاری اولیاءاش را جبران نماید و بدینوسیله آنها را شادمان سازدو قهقهه‌شادیشان را بشنود وقلب آکنده ازمهرومحبتش باهتزازدرآید آنگاهست که دیگرخزان با آنهمه غم و اندوه بسرمیآید و بهاری دلنشین جایگزین آن خواهد بود اوتنها باین امید زنده است و تا روزواپسین نیزازپای نمی‌ایستد و همواره درمقابل مشکلات وموانع زندگی پایداری می‌نماید تاشاید روزی ازآرزویش کام برگیرد .

اوبا خویشتن چنین می گوید : ای مرغ دلم آیا سخنانم راشنیدی و غمهایم را درك کردی آیا شرح و حال خزان زندگیم بسمعت رسید ؟

اگررسید بآسمانها پروبال گشای ودردورترین نقطه آن اوج گیرو بـا آوای غمینت گفته‌هایم رابرای یزدان بزرگ بازگوئی کن تا او تنها کسی باشد که رازدرونم بداند و تنها آرزویم را دریابد .

ای قاصدی که دردلم جای داری اگر گفته‌هایم را دریافتی هرچه زودتر در آسمان اوج گیروندایم را بدرگاه ایزد متعال رسان .

هرخزان را بهاری دربراست ، همغم و اندوه را شادی و عیشی درپی خواهدبود و هراشك که ازتأثر وغم برگونه درغلطد اشکی ازشوق نیز بدنبال دارد .

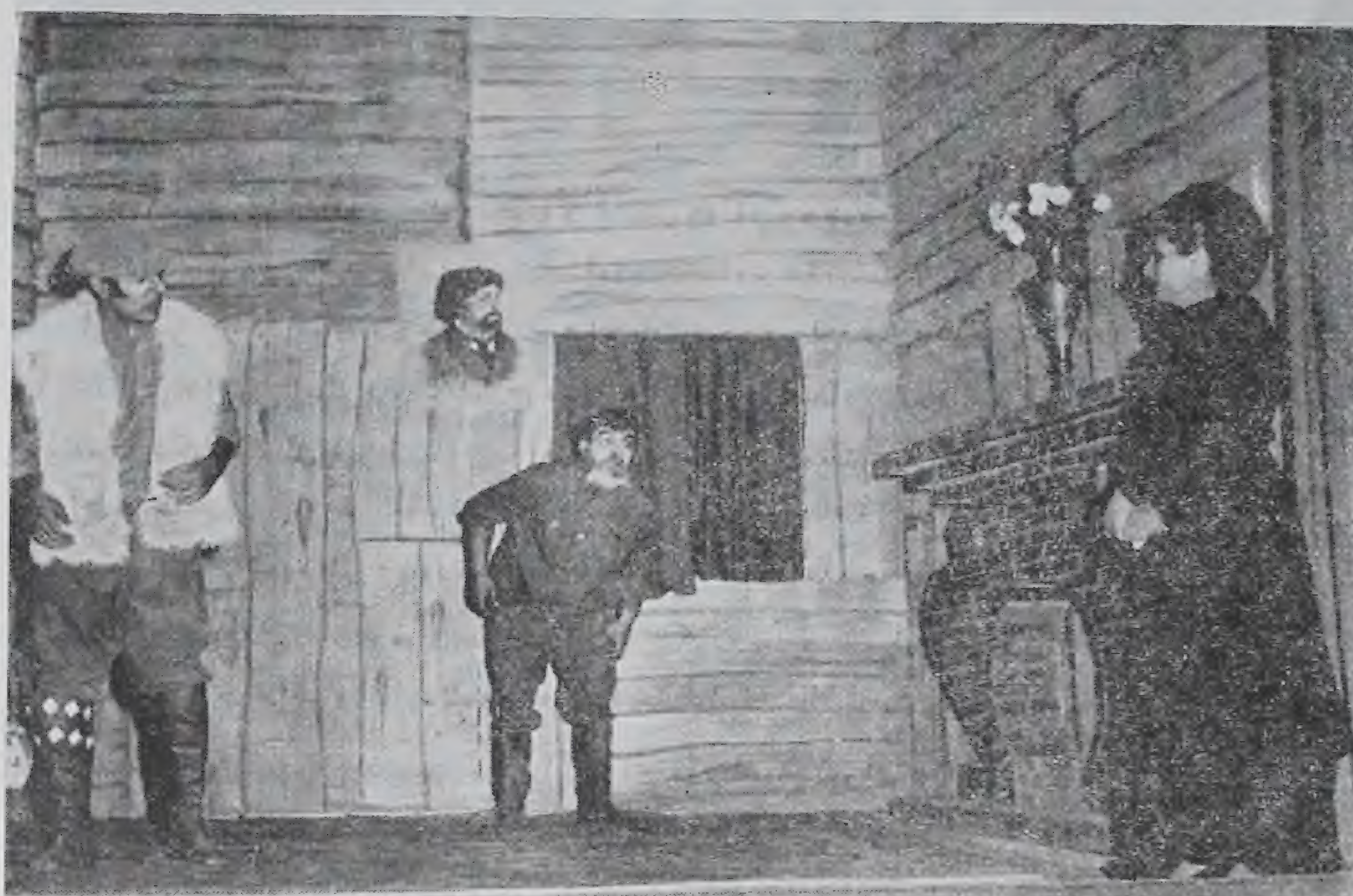
برگزاری جشن مهرگان

توسط سازمان فروهر (جوانان زرتشتی)

بهمت و پشتکار جوانان هنرمند سازمان فروهر، جشن مهرگان در روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مهرماه باشکوه هرچه تمامتردرسالن دبستان گیوبرگزارگردید جشن شامل ۱۲ قسمت برنامهٔ هنری ، مذهبی و سخنرانی بود .

پس از سلام شاهنشاهی ، نیایش مذهبی طی مراسم با شکوهی توسط یکی از آقایان موبدان اجراء شد و بلافاصله ترجمهٔ آن نیز باستحضار حضار رسیده سپس آقای باستانی و شب سوم آقای هورمزدی از طرف سازمان مزبور بحضارخیر مقدم گفته و در ضمن اهمیت همکاریهای اجتماعی و امورخیریه را یادآورشدند . همچنین آقای محمودی بختیاری نیز با سخنان آتشین و شیوای خود فلسفهٔ مهرگان واهمیت میراث ملی ایران را تشریح نمودند.

درقسمت چهارم برنامه، دستهٔ کر سازمان فروهر که بتازگی تشکیل شده است، برهبری





آقای سروش مهرخداوندی چندقطعه‌محلی اجراء نمود واین برنامه نوین موردتوجه‌فراوان قرارگرفت ، پس از برنامه دسته‌کر خانم‌کاویانی دکلمه جالبی اجراء نمودنـد و سپس نمایشنامه پروین‌دخت ساسان نوشته‌شادروان صادق هدایت بکارگردانی‌آقای منوچهرآذری باشرکت خانم خوبچهرکشاورزی وآقایان منوچهرآذری ،گودرزکشاورزی ، داریـوش خدیوی ، آبتین استواری ، ایرج فرزانه ،مهربان خداوندی و سیروس آتشبند بروی‌صحنه آمده دکور مجلل این برنامه راآقای علیرضایحیوی طرح وآماده ساخته و موزیك رانیز آقای طاهری تهیه و تنظیم‌نموده بودند ، مدیریت صحنه راآقای منوچهرنوذری‌عهده‌دار بودند وپخش موزیك و نورتحت‌نظرآقای گودرزکشاورزی بود

بطورکلی بازی قوی هنرمندان ، دکورزیبا ، موسیقی و سرانجام‌کارگردانی‌توانا دست‌بدست هم داده و نمایشنامه پروین دخترساسان را بنحوی موثر روی صحنه آورده و تماشاچیان رابخوبی درمسیریکی ازوقایع مهم‌تاریخ ایران درزمـان یورش اعراب قرار میداد .

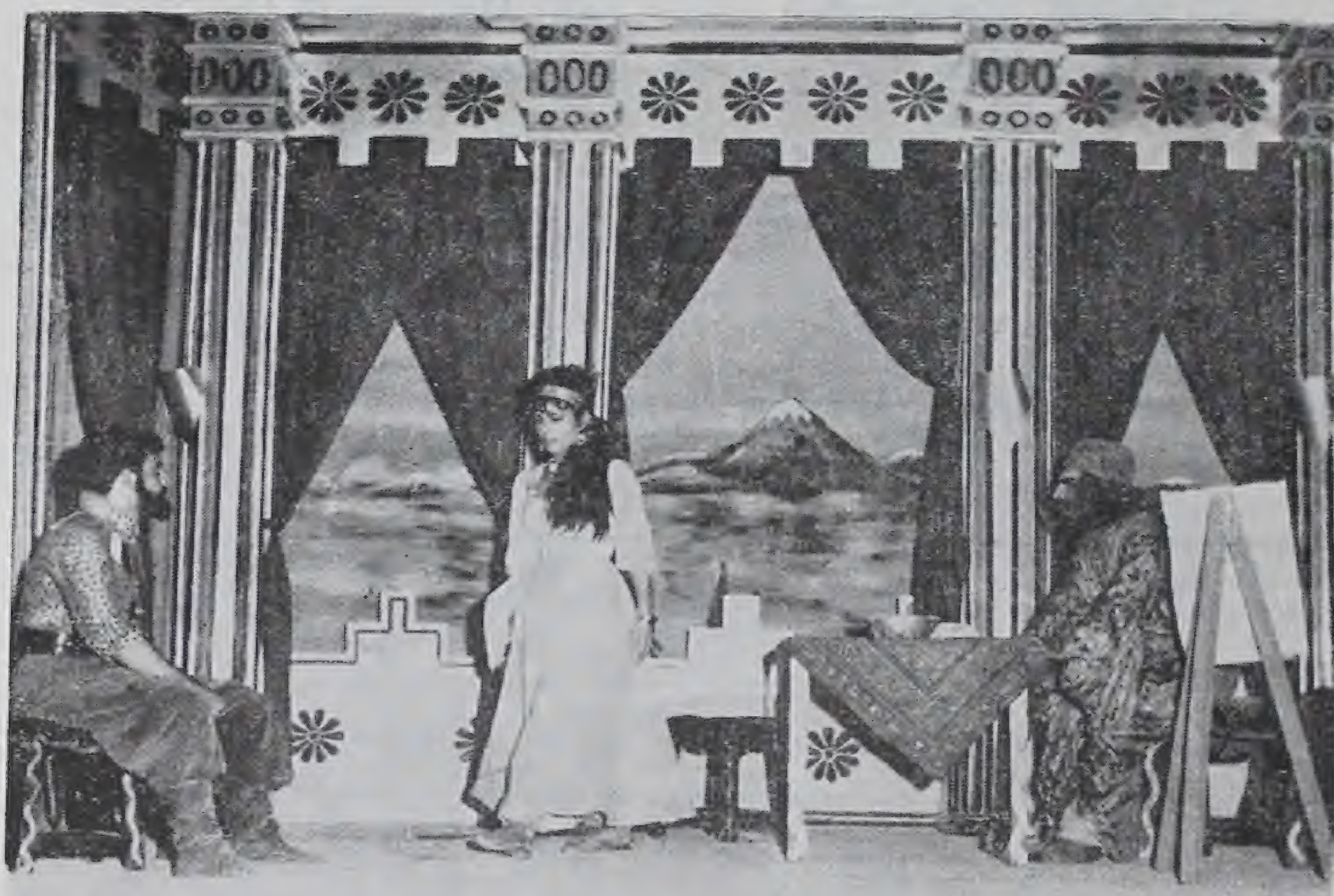
دربخش هشتم موسیقی محلی‌شیرازی باآوازآقای شهریارخسرویانی اجراگردید .

سپس نمایشنامه « خرس » اثر چخوف بکارگردانی آقای منوچهر غیبی بـروی صحنه آمـد و بازیکنان این برنامه یعنی خانم کرمانی‌زاده و آقایان غیبی و فریدون رستگاری بـا بازی هنرمندانه خود براستی تحسین حضار را برانگیختند.

پس از نمایش خانم هما آذرگشسب آهنك سکوت نیمه‌شب ساخته آقای سروش مهـر خداوندی را بهمراهی ارکستر جاز سازمان فروهر اجرا نمودند درقسمت یازدهم نیز برنامه موسیقی جاز خارجی اجرا گردید. بطورکلی نوازندگان ارکسترهـا عبارت بودنـد از :

آقایان مهرخداوندی (ویلن) ، سیروس دولتزاده (تار و مـاندولین) رشید پـارسی (آکوردئون) خسروورزاء (پیانو) فریبرز جهانیان (آکوردئون) کورش کشاورزی (جاز) و سهراب مهرخداوندی (ضرب) که بیاری یکدیگر ارکستری بس جالب بوجود آورده بودند و باهنرنمائی خود تحسین همگی را برانگیختند.

درپایان یك برنامه نوین دیگر تحت عنوان (کنسرت بزرك) بکارگردانی آقای فریدون رستگاری بروی صحنه آمد این برنامه که بصورت یك ارکستر کمدی اجرا گردید ازهرحیث مورد توجه مدعوین قرار گرفت و سرانجام حضار با خاطره‌ای خوش سالن را ترك گفتند.



سروده خدایار هرمزدی

جشن مهرگان

دلا برخیز جشن مهرگان است
سراسر کشور از آن شادمان است
شده انباز با جشن شهنشاه
خجسته جشنی از شاهنشهان است
بهار ار نیست سد رنگ است گلشن
چه زیبا باغ و راغ و بوستان است
نگارستان چین با نقش مانی است
به بستان همچو زر برگ رزان است
پر طاووس بس گسترده بینی
به گلشن تا نسیم خوش وزان است
توان افزا نسیم مهرگان شد
شگفت آور چنین باد خزان است
همه شادند از آزادی و کوشش
ز سود کار خوشدل دیهگان است
کشاورز ار بسالی رنج برده
گرفته بهره زان خرم بجان است
جوانان پای کوبان دست افشان
بلی جشن بزرگ مهرگان است
همیشه شاد باد ایران و آباد
همی تا مهر و مه اندر جهان است
خدایا سایه شاه جوانبخت
بما پاینده دار این آرمان است

بقیه بیانات آقای رستم گیو

فرمود بنده بعرض خود پایان داده و بار دیگر از حضار گرامی بویژه جناب آقای محمدعلی روشن که برای ذکر خیر و شادی روان پشوتن‌جی مارکار در این مجلس یادبود شرکت فرموده‌اند اظهار قدردانی و سپاسگزاری نموده با درخواست آمرزش شادروان مارکار پایندگی نام نیکش را از خدای بزرگ خواستارم.

زنده وجاوید ماند هر که نکونام زیست
کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

از : سهراب رستم دهموبد چمی

جشن مهرگان در بمبئی

سازمان جوانان زرتشتی بمبئی جشن مهرگان را با برنامه پرشکوهی روز مهرایزد و مهرماه ۱۳٤٤ برابر با دوم اکتوبر ۱۹٦۵ در تالار بنگاه خاورشناسی کاما بمبئی برگزار نمود جناب آقای بهمن آهنین سرکنسول محترم دولت شاهنشاهی ایران در بمبئی و دیگر اعضای سرکنسولگری و شخصیتهای برجسته مجلس جشن را مـزین فرمـوده بـودند و سالون مملو ازجمعیت بود .

برنامه جشن با سرود شاهنشاهی آغاز وآقای دینشاه بهرام ایرانی سرپرست محترم سازمان بحضار محترم خیرمقدم گفتند . آقای هوشنگ بخت در مـوضوع جشن سخنرانی نمودند . آنگاه آقای یزدانیار بنشاهی مژده پیشرفت و ترقی قابل توجه وطن عزیز ایران را دادند و راجع به کنگره جهانی مبارزه با بیسوادی درایران و افتخاراتی که اخیراً از

بقیه درصفحه ۵۲





خرم کازرونی

نشانه ما

بسوز شمع دل افروز آشیانه ما — بتار گیسوی چنگ عرضه کن ترانه ما
حدیث روز قیامت مکن که مطرب عشق — گرفت از دل ما آخرین فسانه ما
کبوتر ره صلح آمد از نسیم شمال — تو کوس جنگ چرا میزنی بخانه ما
رضای خاطر دل می‌طلب بطالع سعد — برای خاطر سرگشته زمانه ما
بساط باده بیارای کز توجه عشق — ملال زهد ندارد می مغانه ما
کنونکه سرخوش و مست آمدی ببستر وصل
بیا و زلف پریشان بزن بشانه ما
بعیش و نوش توسل بجوی و خوش بنشین
که سالك از تو نخواهد جز این نشانه ما
هوای بام دگر داری وسرای دگر — اگرچه بال گرفتی زآب و دانه ما
بحکم عقل دگر نشنود کسی خرم
دعای نیمه شب و ناله شبانه ما

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ـ آقای منوچهر دشتکی مبارکه فرزند رستم با دوشیزه فیروزه بوستانی دخت اسفندیار در ۴۴/۶/۳۰

۲ ـ آقای هرمزدیار اورمزدی فرزند اردشیر با دوشیزه پروین هرمزدیاری دخت اردشیر در ۴۴/۷/۴

۳ ـ آقای گودرز دارای نام خانوادگی گودرز فرزند آقای ارباب شاهجهان گودرز با دوشیزه مهوش سروشیان دخت آقای ارباب جمشید سروشیان در ۴۴/۷/۱۷

۴ ـ آقای فرهاد سروش مزرعه کلانتر یزد بادوشیزه ایراندخت ماندگاری حسن آبادی دخت مهربان در ۴۴/۷/۱۸

۵ ـ آقای بهرام ایزدفرزند روانشاد بمان بادوشیزه منیژه لهراسب دخت آقای منوچهر در ۴۴/۷/۲۳

در گذشتگان

۱ ـ روانشاد بانو دولت مهربان ماندگاری در ۴۴/۷/۷

۲ ـ روانشاد مهندس افلاطون هرمزدیار اشیدری در ۴۴/۷/۲۳

۳ ـ روانشاد دینیار بامس باستانی در ۴۴/۷/۲۵ از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد باد.

سدره پوشی

۱ ـ آقای هوشنگ هرمزدیار خسروی در ۴۴/۷/۸ ازطرف خودشان درآدریان

۲ ـ دوشیزه شیرین هرمزدیارخسروی در ۴۴/۷/۸ ازطرف خودشان در منزل

۳ ـ آقای ایرج فریدون پولادی چمی در ۴۴/۷/۱۶ ازطرف خودشان در آدریان

۴ ـ دوشیزه سیمیندخت جهانگیرپوربهرامی در ۴۴/۷/۲۳ از طرف خودشان در منزل

۵ ـ دوشیزه دلبرجهانگیر پوربهرامی در ۴۴/۷/۲۳ ازطرف خودشان در منزل

اعانا تیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ خانواده روانشاد بهرام فولادچمی ۶۵۰ ریال

۲ ـ آقای پرویز بهروزی ۳۰۰ ریال

۳ ـ « رستم ستوده نیا ۳۰۰ «

۴ ـ » بهرام یزدانی	۲۵۰ »
۵ ـ » گودرزی	۲۵۰ »
۶ ـ » اردشیرزارع	۲۰۰ »
۷ ـ » شهریار اورمزدی	۲۰۰ »
۸ ـ » دکتر دینیاری	۱۰۰ »
۹ ـ » دکتر بنداری	۱۰۰ »
۱۰ـ » مهندس آبادی	۱۰۰ »
۱۱ـ بانوپروین یادگاردستان	۱۰۰ »
۱۲ـ » همایون‌خسروهوشنگی	۱۰۰ »
۱۳ـ » دولت‌مهربان‌ماندگاری	۱۰۰ »
جمع	۲۷۵۰ »

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ ـ آقای منوچهر دشتکی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ ـ آقای مهندس هرمز اورمزدی بابت گواه‌گیری و سالن ۳۵۰۰ ریال

۳ ـ آقای گودرز فرزندآقای ارباب شاهجهان گودرز ورزاء بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۴ ـ آقای فرهاد سروش بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۵ ـ آقای بهرام ایزد بابت گواه گیری و سالن ۴۰۰۰ ریال

جمع ۱۲۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان

آقای گودرز فرزندآقای ارباب شاهجهان گودرز ورزا بابت‌شگون زندگی‌نوین برای کمك

بازدواج زرتشتی غیرمتمکن ۵۰۰۰ ریال

شاهورهرام ایزد

۱ ـ بانو لعل سروش	۱۰۰ ریال
۲ ـ آقای فرامرز ماوندادی	۱۰۰ »
۳ ـ » وفادار تفتی	۱۰۰ »
۴ ـ بانو طوطی اورنگی	۱۰۰ »
۵ ـ » بردبار تهرانی	۱۰۰ »
۶ ـ » لعل سروشیان	۱۰۰ »
۷ ـ بانوخرمن باستانی- شهریارخرمشاهی اشیدری وکتایون آمیغی جمعاً	۲۰۰ »
جمع	۸۰۰ »

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ ـ دهش بانو همایون گیو (فرین) نیاز شاهورهرام ایزد کارد میوه خوری ۶ عدد ایضاً کارد سفید ۶ عدد

۲ ـ دهش گوهر خانم رستمی بنامگانه شادروان‌خدامراد شهریار رستمی‌نیاز شاهورهرام ایزد بشقاب مسی‌کوچك ۶ عدد ایضاً بنامگانه شادروان بهمن خدامراد رستمی‌طاس مسی‌کوچك ۶ عدد

۳ ـ دهش آقای اردشیر سرکلانتری نیاز شاهورهرام ایزد قاشق سوپخوری ۶ عدد ایضاً بشقاب پلاسکو ۶ عدد

۴ ـ دهش‌میناالمیار رستمیان شریف‌آبادی نیازشاهورهرام ایزد دیگ مسی متوسط یکعدد .

سالن ایرج = پرسه

۱ ـ وراث روانشاد همایون بهروزی ۳۰۰ ریال

۲ ـ وراث روانشاد دولت مهربان ماندگاری
۲۰۰ ریال
۳ ـ وراث روانشاد مهندس افلاطون اشیدری
۳۵۰ ریال
٤ ـ وراث روانشاد دینیار بامس باستانی
۳۵۰ ریال
جمع ۱۲۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۱۲۳۰ نفر
» دندانپزشکی	» ۲۳۷
» داروخانه	» ۹٦۵
» آزمایشگاه	» ۱۲۱
» تزریقات و پانسمان	» ٤۹٦
» واکسن وبا	» ۷۱
» بخور پنیسیلینی	» ۱۵
» دیاترمی	» ۸
جمع	۲۱٤۳ نفر

اخبار شهرستانها

یزد

خبری از شریف آباد یزد

بمناسبت درگذشت روانشاد نیکوکار پشوتن جی مارکار که درروز دین ایزد ومهرماه باستانی برابر ٤٤/۷/۱۸ که در بمبئی اتفاق افتاده مجلس یادبودی درروز انارام ایزدومهرماه برابر ۷/۲٤ ساعت ۳ بعد ازنیمروز در معبد شاه‌ورهرام ایزد شریف آباد برپا گردید که تاساعت ۷ بعدازنیمروز ادامه داشت ودراین مجلس عموم زرتشتیان ساکن آنحدود شرکت جسته و ازین شخصیت نیکوکار تجلیل نمودند.

درپایان نیز آقای رستم بلیوانی رئیس انجمن زرتشتیان شریف آباد درضمن توضیحی ازاقدامات خیرخواهانه آن روانشاد وستایش از خدمات فرهنگی و اجتماعی آن رادمرد نیکوکار برروان تابناکش درود فراوان نثار نمودند.

جشن مهرگان در نصرت آباد یزد بطور آبرومندی برگزار شد

روز مهر ایزد و مهرماه مصادف با جشن فرخنده مهرگان جشن مجلل و باشکوهی متشکل ازنمایش وپیش پرده وسخنرانی توسط هنرمندان سازمان جوانان زرتشتی نصرت آباد برگزار گردید .

این خودگویای فعالیت و جنبش جوانان بوده امید چنانست که هم‌واره در حفظ وحراست سنت ومذهب کوشا وقدمهای مؤثر ومفیدتری در راه گسترش دین بهی بردارند.

یك خبر از شیراز دهش خیر اندیشان

آقای هرمزدیار تیمساری مبلغ دوهزار و پانصد ریال برای تعمیر وتکمیل آرامگاه شیراز پرداخته‌اند.

سروده روانشاد سروش سپهری

نصایح

نصیحت ز من بشنو ای هوشیار
اگر خواهی اندر جهان اقتدار
مکن همنشینی ابا بـد نژاد
کزو مـی نبینی بغیـر از فساد
میفکن ز کف گوهر راستی
کـه نبود ز کـژی بجز کاستی
گمان بد اندر حق مـردمان
مبر ای خـردمند روشن روان
که گر بد گمان باشی اندر جهان
نبـاشی پسندیده نـزد مهـان
مکن غیبت اندر قفای کسی
که آخر بری شرمساری بسی
بمنصب مکن تکیه درروزگار
نماند جهان بر کسی پـایدار
ز دونان مبر منت اندر جهان
که مردن زسختی بود - به‌ازآن
بعمری اگر سنگ کندن‌ز کوه
کشیدن بدوش وشدن زان‌ستوه
بآتش نهـادن تن خویشتن
دو صد زخم خوردن بروی بدن
بنزد سپهری بـود بـه از آن
که‌خواهدزدونان بروزی‌امان

بقیه‌بیانات آقای سهراب سفرنگ

و برای شرکت وفرستادن درودبروح‌آن شادروان دراین مجلس یادبود شرکت‌فرموده‌اند اظهار تشکر وسپاسگزاری نموده توفیق‌همگان را از خدای بزرگ‌خواستاریم و بطوریکه جناب آقای ارباب رستم‌گیو درپایان بیانات خود فرمودند.

دولت جاوید یافت هر که نکو نام زیست
کز عقبش ذکر خیـر زنده کند نـام را

از : سرهنگ دو میرمهدی موبد (سرباز)

آفرین باد بر گوهرهای نهفته

دوست دانشمندم سرکارسرگرداورنك سالهاست شمشیررا بهیکسونهاده خامه برکف گرفته درکتاب دینی (آویستا) که گنجینه فرهنك ایران باستان است باجستجو و آزمایش دانشمندانه پژوهش میکند وتاکنون هوده کوششهای خود را درسیزدهجلد بایرانیان پاك نهاد ارمغان ساخته .

اینك چهاردهمین نوشته اوبنام (گوهرهای نهفته) درآسمان فرهنك همچون ماه چهاردهشبه درخشید و برای ایرانیان بیداردل رازهایی ازآویستا را روشن‌نمود .دراین نوشته اورنك ما ازلغزشهای‌آویستاشناسان اروپایی وپیروان ایرانی آنها پاکدلانه پرده برداشته و راستیها راچنانکه‌بوده به‌پژوهندگان این‌راه‌نشان داده‌است. بر ایرانیان است که باخواندن این‌نوشته ارزنده ازراه وروش پاکمرد ایران‌باستان زرتشت اسپنتمان‌آگاه باشند . بویژه برجوانان غیرتمند است که بجای خواندن رمانهای عفت برباده که ارمغان اروپائیگری است اینگونه نوشته‌های ارجداررا بخوانند و روان‌نیاکان بافروداد‌خوددراشاد سازند. من‌نیز بنام‌یك (سرباز) ایرانی این‌نوشته را خواندم وپاکمرد ایران‌زرتشت راکه نخستین‌پرچمدار یکتاپرستی است شناختم وبرنویسنده ارجمند ونوشته ارج دارش آفرین بادی‌سرودم‌که اینك ارمغان میدارم.

درود فراوان بر اورنك پاك — دلم شد زآثار او تابناك
اوستا شناسست روشن ضمیر — جوان‌بود وکوشید وگردیدپیر
پژوهشگر نامه باستان — هوادار برنامه راستان
پژوهید در متن آویستا — برون کرد از پرده بس رازها
به صد آزمایش به صد جستجو — شکسته سفالان ازو شد سبو
بسی رنج دارد چنین کارها — بدین‌کارها دست زد بارها
ز اوستای (زرتشت) باابتکار — بکوشید و زدپرده را برکنار
همای گلستان فرهنگ شد — برای پریدن قفس تنگ شد
نشد خسته از کوشش وکار خود — خرد را همی‌کرد پرگار خود
چه‌خدمت‌به فرهنگ ایران‌نمود — چه خوش راستیها نمایان نمود

بقیه درصفحه ٤٤

مجالس یادبود روانشاد مارکار در یزد چگونه برگزار شد

در دبیرستان دخترانه مارکار

مقارن ساعت چهار بعدازظهر روز ۲٤ مهر ٤٤ مجلس یادبود روانشاد مارکار باشرکت بانوان جماعت و اعضای انجمن خانه ومدرسه دبیرستان درتالاردبیرستان دخترانه‌مارکار برگزارشد. دراین مجلس بانوان‌مسلمان و زرتشتی دسته دسته وارد میشدند وباقای‌لهراسب و خانم محترمه و اولیای دبیرستان تسلیت میگفتند پس ازآنکه تالار دبیرستان مملـو از جمعیت شدآقای شهریار خدایـاری دبیرانجمن خانه ومدرسه دبیرستان دخترانه مارکار پشت‌تریبون قرارگرفتند وازطرف انجمن خانه و مدرسه بخاندان روانشاد مارکار وآقای لهراسب سرپرست موسسات مارکارو اولیای‌دبیرستان و دانش‌آموزان‌تسلیت گفتند وبااعلام یکدقیقه سکوت برای ادای‌احترام بروح‌تابناك مارکارهمگی‌قیام‌نمودند و سکوت غم‌افزایی درسالن حکمفرما شد سپس‌آقای‌خدایاری‌درپیرامون شخصیت مارکار وزندگی پرافتخارآن بهشت‌آشیان سخن‌گفتند وبا تسلیم دسته‌گلی ازطرف انجمن خانه و مدرسه بـآقای پیرنیا معاون انجمن خانه و مدرسه بپای عکس روانشاد مارکار نثار وادای احترام‌گردید سپس خانم نسیمی مدیره دبستان مـارکار بیوگرافی روانشاد مارکار و خدمات‌آنشادروان رابیان نمودند و باتسلیم دسته‌گلی ازطرف دبیرستان بآقای لهراسب سرپرست موسسات مارکار بپای عکس روانشاد مارکار نثار وادای‌احترام‌شدآنگاه دوشیزه پروانه رئیس عضو سازمان دوشیزگان ازطرف سازمان‌دوشیزگان‌سخنرانی‌نمودند وباتقدیم دسته‌گلی ازطرف‌سازمان به‌پروین خانم لهراسب سرپرست سازمان دوشیزگان بپای عکس شادروان مارکار نثار و ادای‌احترام‌گردیدآنگاه برنامه‌جالبی که ستایش ازخدمات روانشاد مارکار وادای احترام بروح‌تابناکش بود ازطرف افراد سازمان دوشیزگان اجرا شد و درپایان‌این مراسم‌آقای سروش لهراسب سرپرست موسسات مارکاربیانات جامعی درپیرامون خدمات مارکارایرادو از همگی اظهارتشکرنمودند و با امضای دفتریادبود ازطرف شرکت‌کنندگان این‌مراسم درساعت شش‌بعد از ظهرپایان‌یافت .

در دبیرستان پسرانه مارکار

مقارن ساعت ۹ صبح روز ۲۵ مهرماه ٤٤ مجلس یادبود روانشاد مارکار در تالار دبیرستان پسرانه مارکار ازطرف موسسات مارکار برگزار و برادران جماعت شهرودهات و اولیای دبستان و دبیرستان پسرانه مارکار و دانش‌آموزان دراین مراسم شرکت نمودند دراین مجلس نیزآقای شهریار خدایاری ازطرف انجمن زرتشتیان و سازمان جوانان زرتشتی یزد به‌آقای سروش لهراسب سرپرست موسسات مارکار وخاندان روانشادمارکار و دانش‌آموزان و اولیای دبیرستان تسلیت گفتند و با اعلام یکدقیقه سکوت خدمات شادروان مارکار رابیان نمودند. آنگاه‌آقای منیری مدیردبیرستان سخنرانی مبسوطی در پیرامون خدمات روانشاد مارکار ایراد وآنگاه‌آقای خوشرو مدیردبستان مارکار بیوگرافی شادروان مارکار را باستحضارحضار رسانیدند و درپایان این مراسم آقای سروش لهراسب پشت تریبون قرارگرفتند وضمن بیانات بسیارجامع و مفصل از شرکت کنندگان در این مجلس اظهار تشکر نمودند و حضار دفتریادبود را امضا واین مراسم نیزدرساعت ۱۱ پایان یافت.

درسالن معبد زرتشتیان یزد

انجمن زرتشتیان و سازمان جوانان زرتشتی یزدمقارن ساعت ۹ صبح روز ۲۷ مهر ماه ٤٤ برابراعلامیه صادره مجلس یادبود روانشاد مارکار را درتالارآتش‌بهرام یزد برگزار نمودکه درآن مجلس علاوه برشرکت جماعت زرتشتی شهرو دهات ریاست محترم اداره کل آموزش و پرورش و عده‌ای از فرهنگیان و آقایان روسای ادارات پست و تلگراف و اداره تلفن وکارمندان وابسته و اولیای دبیرستان کیخسروی ومارکارودانش‌آموزان‌هردو دبیرستان شرکت‌نموده‌بودند. دراین مجلس‌آقای شهریار خدایاری دبیرانجمن زرتشتیان یزد ومعاون سازمان جوانان زرتشتی ازطرف انجمن و سازمان به‌بازماندگان شادروان مارکار وآقای لهراسب تسلیت گفتند و برای‌ادای احترام بروح پرفتوح مارکار یکدقیقه سکوت اعلام وسپس زندگی‌پرافتخار مارکاردا برای حضاربیان‌نمودندوآنگاه‌آقای اردشیر خورشیدیان ازطرف دبیرستان کیخسروی سخنرانی‌نمودند و سپس‌آقای لهراسب ازانجمن زرتشتیان وسازمان جوانان زرتشتی‌یزد سپاسگزاری‌نموده بیوگرافی روانشاد مارکار را بیان فرمودند پس ازپایان بیانات‌آقای لهراسب ریاست محترم اداره‌پست وتلگراف پشت تریبون‌قرارگرفتندو بنحوی شایسته‌ازروانشاد مارکاریاد و تجلیل نمودندکه مجدداازطرف آقای لهراسب اظهارتشکرشد وبا امضای حضاردردفتریادبود این‌مراسم درساعت ۱۲ ظهر **پایان یافت.**

جشن مهرگان دریزد چگونه برگزارشد

ازساعت چهاربعد ازظهرروزدهم مهرماه ٤٤جشن مهرگان درتالار معبد زرتشتیان یزد ازطرف سازمان جوانان‌زرتشتی‌یزدبرگزارگردید .دراین مجلس که‌جماعت‌زرتشتیان شهروحومه شرکت‌نموده‌بودند نخست مـراسم جشن‌خوانی وسیله موبد مهربـان سیاوخش انجام‌شد وسپس‌آقای شهریار خدایاری معاون سازمان جوانان‌زرتشتی‌یزدبحضارخیرمقدم گفتند و درپیرامون جشن‌مهرگان وفرشته‌پرفروغ‌مهربیانات جامعی ایراد واضافه‌نمودند که افراد سازمان جوانان زرتشتی چند پرده‌نمایش تاریخی نیزتهیه نموده بودندکه بعلت شرکت‌آنان درجشن فرخنده‌بیست وپنجمین سال‌سلطنت اعلیحضرت همایونی اجرای‌نمایش به‌جشن سده موکول گردیدکه انشاءاله درسه‌شب برگزار خواهد شد. سپس آقای سروش لهراسب پشت تریبون قرارگرفتند و بیانات جامع و مفیدی ایراد و خدمات سازمـان جوانان را ستودند و این مراسم مقارن ساعت ۷ بعد ازظهرپایان یافت .

افتخاری بزرگ که نصیب زرتشتیان گردید

درجشن فرخنده بیست وپنجمین سال سلطنت‌پرافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه که ازطرف اداره اصلاحات ارضی و اداره‌کشاورزی دریزد برگزارشد چون‌آقای ارباب جمشید امانت درقسمت‌کشاورزی درجه یك شناخته شده‌بودند یکعددگلدان نقره ازطرف اداره مزبور وسیله جناب آقای مدیـرکل وزارت‌کشور و فرماندار محبوب یزد بایشان اعطاءگردید .

بقیه آفرین باد

زآثار او باز شد راه کـار
نهان گوهر ازکار او سفته شد
شب و روزکوشید درکار خـود
به‌کارش هر ایرانـی‌کاردان
بود یاور و یار او (هورمزد)
از این خامه (آفرین‌باد) من
بردرشگ‌برکار (اورنگ) مـا
حقیقیت پژوهی شعار من است
نه‌آنـم به یاوه سخن سر کنـم
سخن‌های (سرباز) بی‌پایه‌نیست

برای جوانـان بـا پشتکار
بسی‌گفتنیها نکـو گفته شد
بـه‌ما ارمغان کرد آثار خـود
درود فراوان کند ارمغـان
ببخشاید او را خدا دستمزد
بد اندیش ایران ز فریاد من
بدان مردپـرکار و یکرنگ‌ما
خوشایندگویی نه‌کار من است
خـرد را بهـرکـار داور کنم
مراو رابجز راستی مایه نیست

متن سخنرانی محمودی بختیاری بمناسبت جشن مهرگان در تالار دبستان گیو آدینه ۱۶ مهرماه

یادی از مهرگان

با سپاسگذاری بسیار از اینکه بمن این مجال داده شد تا در این انجمن بزرگ واین جشن با شکوه یادآور جشن مهرگان شوم سخن خودرا بـا این بیت ازمسعود سعد سلمان که همه ویژگیها نامگذاری مهرگان را در بردارد آغاز میکنم :

روزمهر وماه مهر وجشن فرخ مهرگان
مهر بفزا ای نگار مهر چهر مهربان

چگونگی تاریخ زندگی هر ملتی را باید در فرهنگ و سنتهـای آن ملت جستجو کرد کنکاش وپی‌جوئی دراین سنتها اگر با تیزبینی ودلبستگی به پدیدآمدن راستی همراه باشد جوینده را بسرچشمه راستین رهنمون میشود وگرنه چشم‌آلوده‌نظرازدیدن راستی‌دور است و هرچند از دیدنیهای خود بگوید و بنویسد باید گفت‌که دردیدن راستی‌کور است. من در اینجا اشاره‌یی‌کوتاه به پیشینه مهرگان و سبب برگذاری این‌جشن درروزگاران دیرینه میکنم و میگذرم تا در این فرصت‌کوتـاهی‌که دارم به سیر آن در پس از اسلام بپردازم .

آنچه در اوستا آمده اینست‌که :

ایزد مهر در خور ستایش است و آنکه بوی دروغ گوید ویران‌کننده کشور ودشمن راستی است وهرکه پیمان شکند دشمن مهر است. مرد آزاده دیندار ومزدیسنی کیش‌حتی با دیویسنی نیز پیمان شکنی نمیکند..... ایزد مهر همواره بیدار وآمـاده کارزار است او برای برانداختن دروغگویان و پیمان‌شکنان در تکاپو میباشد ...

ایزد مهر ایزد ویژه جنگجویان وسپاهیان است. اونگهبان سپاه ایران است زیرا سپاه ایران بهرسوکه‌گذرمیکند با خودراستی وآئین بهی ومردمی و آبادانی میبرد. ایزد مهر را چنین توصیف میکنند که او بر گردونه‌یی درخشنده و زیبا می‌نشیند و اسبانی سفید

گردونه‌اش را میکشند و او سپاهیان رایاری ونگهداری میکند. مهر ایزد ویژه آزادگان و برگزیدگانست .

ایزد مهر هزارچشم وهزارگوش دارد ایزدان دیگر چشمها وگوشهای ایزد مهرند او با این چشمها وگوشها برهمه چیز آگاه است ومیکوشد تا فروغوروشنائی وراستی و مهر و پیمان و دوستی درمیان مردمان پایدار بماند. پاکیزگی از ویژگیهای آئین مهر است .

دوستی وبسیاری از خاورشناسان مهر را میانجی میان پروردگار و آفریدگان‌می‌دانند - مهر درکتاب ودانیز همین‌معنی راستی ودرستی وپیمان را دارد زیراهند ازایران جدا نبوده است این بحث بسیار دراز است ازآن باهمین شتاب‌میگذرم بیك داستان‌دیگری که پایه و انگیزه اصلی برگذاری جشن مهرگان درمیان ایرانیان‌شده میپردازم که شاید



توجه ژرف بفلسفه پیدایش آن راز بزرگی را برما بگشاید وتازیانه بیدار باشی بر دوش ما بکوبد .

و آن داستانی است که هم درشاهنامه آمده وهم ابوریحان بیرونی مفصل درپیرامون آن سخن گفته است از آنجمله میگوید:

در اینروز فریدون بر بیوراسب که ضحاکش خوانند دست یافت زیرا درچنین روزی ایزدان بیاری وی فرود آمدند زانسپس درجشن مهرگان بیادآن روز دربارگاه پادشاهان مردی دلیر می‌گماشتند و بامدادان بآواز بلند میگفت ای فرشتگان بسوی زمین بشتابید وجهان را ازگزند اهریمنان برهانید ... چنانکه گفتم سخن در این زمینه‌ها بسیار گفته اما من دراینجا یك نتیجه میتوانم بگیرم وآن اینست که داستان فریدون وکاوه با ضحاك چه افسانه باشد وچه داستان چه تاریخ و چه میتولوژی ایجاد یك فلسفه ویژه زندگی برای ایرانی کرده است وآن اینکه گفته شده کسی که غیر ایرانی بود برایران چیره شد او بیدادگر و خونریز بود وبراثر بیدادگری و خونریزی شادی را از میان برده بودو رنج و اندوه راجانشین آن کرد . مردم ایران در برابر این بیدادگری قد برافراشته و اهریمن زشتکاری واندوه گستری را سرنگون کردند ویکی را از تخمه پاك آزادگان بنام فریدون برگزیدند و افسر شاهنشهی برتارکش نهادند اوبفرمود تاآتش برافروزندوجشن بگیرند ورخت نو بپوشند ومی بگسارند وپای بکوبند و دست برافشانند و اهریمن را در کوه دماوند ببندبکشانند و باردیگر آزادگی و شادی را در سراسر ایران زمین گسترش دهند . و فرمان دادکه دراین روز که **روزمهر و مهرماه** بود هیچکس باغم و اندوه دمساز نباشدوحتی شاه که میباید همیشه نمودارادب ووقار وسنگینی باشد . ودر میخوارگی نباید زیاده روی کند دراین روزآزاداست که درصف میخواران درآید ومست وخراب شود وهمراه مردم بپایکوبی ودست افشانی بپردازد ..... ناتمام

بیاد جوان ناکام مهندس افلاطون اشیدری

بر روان همهٔ فرزندان پاک نهاد درود باد

چند سال پیش که چندان هم دور نیست نوگلی در بوستان زندگی خانوادهٔ ارجمند دمید. گلی بیخار بود. باغبان در پرورش او جدیت کرد تاجائیکه این گل بحداکثر پرورش رسید. رهسپار دیاردیگرشد. درآنجا براهی رفت که پیامبر بزرگ باستانی ایران ستوده بود ودر دستورهای دینی پیروانرادرانجام تکالیف دنیوی وابسته بآن تأکیدفراوان نموده بود. زیرا صلح و صفا و فراخ روزی در آن بود پس ازسپری شدن دورهٔ مربوطه مجدداً بسوی زاد و بوم نیاکان برگشت و مدتی رادریکی ازکارخانجات بکارهای‌سودمندپرداخت ولی‌کاردرآنجا شعله‌های فروزان و تابناك عشق او راکه خدمت درراه آب و خاك بود جوابگوئی نمیکرد. رفت بهمان راهیکه پیامبر بزرگ باستان نشان داده بودکرد همان کاریکه امروز مورد توجه شاه و ملت است خواست از دل خاك تیره توشهٔ حاصل بیاورد تا بنوبهٔ خودخدمت شایسته راانجام داده باشد.

زیرانخواست مثل هزاران نفر دیگر وقت بگذراند وروزی رابه شب برساند. بلکه علاقمند بود منشاء اثرو مرد مثبتی باشدکما اینکه ازاقدام اولیه‌که مشکل و نامعلوم بود نهراسید عمل‌کرد و نهالهای اولیه را بزمین نشاند و بتدریج موقعی فرا رسیدکه حاصل دسترنجش او وسایرین راشاداب سازد! و همچنین هزاران نویدهای امید بخش دیگرکه از ذکر آن صرف نظر میشود!

در یکی از روزهای اخیر بامید دیدار مادر وکسان عزم مسافرتی‌کوتاه نمود، اما چه مسافرتی بی پایان!

در راهی رفت‌که دیگر برایش بازگشت نبود. درراه دیدارکسان راه پیمود، شبانه راه پیمود، باخواب و خستگی مبارزه نمود بوصل نزدیك شده بود بیش از چند لحظه با شاهد مقصود فاصله‌نداشت‌که خستگی‌و وبیخوابی غلبه نمود وبالاخره آنچه راکه‌نبایستی اتفاق افتد پیش‌آمد نمود ویك دنیا لطف ومحبت ونجابت وکار وفعالیت‌مبدل به رنجوری ناتوان گردید.

نمیتوانم بیش ازاین مطلب را دنبال نمایم زیرا میسوزد و میسوزاند..

آخرین لحظهٔ که دربیمارستان در بستردیدمش نگران بودبا چشمهائی مواجه شدم که تاکنون چنین ندیده بودم بدلداری‌اش پرداختم ازآینده وامید به بهبودی بر اوسخن راندم و در واقع هم غیر از این نبود.

آیا چه میشودکرد روزگارو پدیده‌هایش بازی بردارنیست، زندگی جاوید یافت و بمسافرت ابدی رفت. پیش آمدآنچه‌که نبایستی بشود! شاید برای دنیای دیگری پرورش یافته بود. بلی درغمت سوزاندی . سخت ترین اشخاص نتوانستند خود داری نمایند آری سوزاندی. همه رامتأثر ناراحت و اندوهناك یافتم. کسانت درفراغت تا چه‌اندازه میتوانند استقامت نمایند! بسته بیاری ذات پروردگار است ولی میدانم تبدیل بموجوداتی نگران و سرگشته‌اندکه باز هم باید بهمان‌خدای بزرگ پناه بردکه همه را صبر عنایت فرماید که بتوانند این مصیبت را تحمل نمایند

خیلی مایل بودم روزی شاهد پیروزیهایش باشم وقلم را درآن راه بکار بیندازم و کارش در سرزمین سوزان جیرفت یاهند ایران برای سایرین نمونه باشد ولی افسوس و هزار افسوس‌که قلم ناتوان در مرثیه‌اش برکاغذ نوحه سرائی میکند.
«با قضاکارزار نتوان‌کرد» .

دخترعمو نمیدانم چگونه‌تسلیت بگویم، پیش آمد بسیاراندوهباراست،طاقت فرساست، سوزاننده است ، ریشه جگرت است امید آتیه‌ات بود، مایه تسلی خاطرت بود... ولی درعین حال بازهم باید دست بسوی الطاف خداوندی‌درازکرد وازاو استعانت جست.

گرچه خود احتیاج بتسلی وتسلیت دارم بادلی‌افسرده ونالان به عموزاده وهمچنین عموزادگان همگی تسلیت عرض میکنم‌وامیدوارم‌که خداوند بهمه صبر دهد تاقدرت‌تحمل مصیبت را داشته باشند . برای اینکه بتواند خود وسایرین را دلداری داده باشد بازهم ازکتاب نیاگان وکلمات‌گذشتگان و دستورات پیامبر استعانت جسته ومیگوید:

بر روان پاك همهٔ پیشرفت دهندگان و سود رسانندگان جهان درودباد. برروان پاك همهٔ آموزگاران راه پارسائی درودباد بر روان پاك همه پیروان راه پارسائی درود باد . برروان همه مردان وزنان پارسا درودباد برروان‌پاك همه‌درگذشتگان‌وخویشاوندان این خاندان از استاد وشاگرد ومرد وزن پارسا درودباد . برروان‌همه فرزندان پاك‌نهاد ودرستکار درود باد....

بالاخره برروان پاك توای جوان ناکام‌که خواستی با پیروی از دستورات پیامبراز

بقیه درصفحه ٥٤

بقیه سخنرانی آقای محمد علی روشن

دردرجه اول اولین‌قدمی که ازمحل‌اعتبار مذکوردرشهرستان یزد برداشته شدایجاد پرورشگاه شبانه‌روزی برای ایتام بود که اکنون چهل‌وسه‌سال ازتاسیس این‌بنگاه سودمند میگذرد . دراین‌بنگاه نه‌تنها اطفال ازهرجهت‌پذیرائی شده وتحت‌تعلیم قرارمیگیرند‌بلکه بعد ازپرورشگاه به‌کودکستان و ازکودکستان بدبستان و ازدبستان به دبیرستان میروند و پس ازاخذگواهی‌نامه متوسطه (دیپلم) هریك ازدانش‌آموزان که‌ممتازباشند به‌هزینه‌همان اعتبار موجود دربانك بمبئی برای تکمیل تحصیلات بدانشگاه‌های هندوستان اعزام شوند این است نتیجه یك همت‌والا و فداکاری درراه ترقی وتعالی کشورعزیز .

درسال۱۳۱۲روانشاد مارکار زمینی‌بمساحت یکصدهزارمترمربع ازمرغوبترین نقطه شهرستان یزد خریداری نمود و ساختمان‌های دبستان و دبیرستان شد .

برج ساعتی که اکنون‌پس‌ازسالهـا درود فرهنگیان را بوسیله طنین زنك خودبروان آن روانشاد میرساند درمقابل ساختمانهای فرهنگی مارکاربرپا است ازآثار اوست .

بذری راکه مرحوم مارکاربا حسن‌نیت بدون‌ریا و تظاهر بمنظور تقویت‌فرهنك‌پاشید به‌ثمررسید و سالها است‌که‌پرورشگاه دائرودبستان ودبیرستان‌مارکار بابهترین‌آموزگاران و شایسته‌ترین دبیران اداره میشوند نظم‌وترتیب دراین موسسات بحدکامل حکمفرما است و مردی با تدبیر و مودب و پاکدامن وفاضل‌که بحق اورا میتوان مدیرنامید بنام‌سروش لهراسب مدیرموسسات است وبنحواحسن وظائف خود را انجام میدهد اینجانب مـادام‌که دریزدبود فرزند خود را بدبستان مارکار می‌فرستادم .

فقید سعید مارکار درسایه وطن دوستی و عشق به‌آب و خاك پدران خوددر بمبئی انجمنی‌بنام‌ایران‌لیگ‌تشکیل‌داده‌است که فعلادائرونسبت باموراجتماعی‌واقتصادی وفرهنگی ایران فعالیت مینماید .

مرحوم مارکار هرچه‌کرد منعکس ازدل اوبود دلی‌سرریز ازعشق وطن وآکنده از مهرشاه دلی پرشور وحرارت . درود فراوان برروان‌او .

روانشاد دارای نشان درجه‌یك بودنشان علمی و نشان سپاس‌و همایون

زرتشتیان مقیم یزد ازاخلاق و رفتار وکردار جملگی قابل تحسین و تقدیر هستند درمدت دوسال که‌اینجانب دریزد خدمت‌می‌نمودم کوچکترین خلاف یاخطائی ازآنهادیده و شنیده نشد سازمان جوانان زرتشتی‌هم بانهایت متانت وآرامش باشگاه ورزشی و علمی خود را اداره نمود و همواره درامور فرهنگی و اجتماعی خدمتگذارند .

امیدوارم که همواره طبقه شریف زرتشتی درپناه خدای یکتا و سرپـرستی شاهنشاه آریامهر درامر بسط و توسعه فرهنك و خدمات اجتماعی موفق باشند .

خبراز: یزدانیار بنشاهی بمبئی

خانم سر رتن تاتا در گذشت



این عنوان خبری بود که درتمام روزنامه های هند درصفحه اول با عکس بچاپ رسید و شرح و حال او بشرح زیردرج گردید.

خانم سررتن تاتا ارشدترین رئیس شرکتهای تاتا درسن ۸۸ سالگی دربمبئی درگذشت خانم سررتن تاتا یکی ازاعضاء اوقافهای سردارابجی تاتا - لیدی تاتا - ان - آر - تاتا وهیربای تاتا بود

در۲۳ دسامبر ۱۸۷۷ در خانواده اردشیر مروانجی ست بدنیا آمد وبعداً با سررتن تاتا جوانترین پسرسر جمشید تاتا ازدواج نمود

پس ازمرگ سررتن تاتا بنگاه خیریه سررتن تاتارا بنیاد نمود ومبلغ ۲۰میلیون روپیه (سی میلیون تومان) برای کارهای خیریه بآن بنگاه پرداخت. ونیز موسسه صنعتی سررتن تاتا را تأسیس نمودکه درآن دهها دختروزن زرتشتی کار آموزی مینمایند.

ازکارهای خیریه دیگر خانم تاتا وقف نمودن تمام دارائی و زمینهای خود در نو- ساری - متاران و اوت کمانه برای استفاده زرتشتیان میباشد ونیز پرداخت یکمیلیون و دویست هزارروپیه به مؤسسه تحقیقات ملی ذوب آهن درجمشیدپور میباشد.

درزمانیکه فقط چند نفراز هند بخارج مسافرت نموده بودند او همراه با شوهرش از شهرهای لندن پاریس - توکیو وپکن دیدن کرد.

در تشییع جنازه او هزاران نفرشرکت نمودند وکارخانه ذوب آهن تاتا درکلکته و سایرکارخانهها و مؤسسات تاتا درسراسر هند وکمپانی ولتاس یکروز تعطیل نمودند.

البته احترامی که مطبوعات و جامعه هند نسبت به خانم سر رتن تاتا ابراز داشتند برای این نبودکه ثروت داشت بلکه برای انسان دوستی و کارهای بزرگ خیریه او بود

بقیه جشن مهرگان در بمبئی

نتیجه اقدامات خلل ناپذیر شاهنشاه عالیقدر ما نصیب ما ایرانیان شده است سخنرانی جالبی ایراد فرمودند وسپس رقص وآوازشروع شد و پنج پرده رقص جالب و دلفریب بوسیله دوشیزگان دالی ایرانی و خرمن مرادیان اجرا و دربین هرپرده آواز خوانده میشدکه همه حضار را مسرورساخته بود .

دراین هنگام آقای سهراب دهموبدی دبیرسازمان ازجناب سرکنسول وحضارمحترم و هنرمندان سپاسگزاری کردند و دسته و حلقه‌های گل از طرف سازمان بایشان تقدیم نمودند . سپس هدیه‌ای که جناب آقای خدایار ایدون رئیس محترم قبلی سازمان داده بودند بتوسط خانم آهنین به دوشیزه دالی ایرانی و خرمن مرادیان اهداشد و زنگ تنفس اعلام و آشامیدنی که از شرکت کوکاکولا هدیه رسیده بود بین حضار پخش شد پنجم فیلمهای قشنگ ایران امروز و روزشاه و مردم غیره نشان داده شد و برنامه جشن باسرودن سرود ملی هند پایان یافت .

بقیه اشعار آقای خدایار هورمزدی

بلی این چنین مرد راه خداست — ورا زنده جاوید خوانی رواست

دریغا جهان کم چو او پرورید — بدین گونه بخشش کسی کم رسید

زمانه از اینگونه بخشش گران — برامش گراید توجز این مدان

کنون کز ره مرگ نبود گریز — بگیتی نماند ترا مال و چیز

براه نکوگر پذیره شدی — بر اهریمن آز چیره شدی

تو را نام نیکو بماند بجای — بهشتت بود جا ز یکتا خدای

ترا مارکار است نام نکو — بر این نیلگون چرخ پاینده او

روانت فروزنده و شاد باد — به مینو نشستنگه آزاد باد

بقیه پشوتن جی

آری بهشت واقعی و خوشبختی جاودانی را در وجدان خود دریافت و یقین حاصل نمودکه بهترین راه زندگانی را پیموده و با سرافرازی کامیاب گشته است خوشبخت آنکه راه مارکار را به پیماید و بزندگانی جاودانی توفیق یابد .

مارکار مردی خداپرست ـ دیندار و انساندوست و در حقیقت انسان واقعی بود در کارهای اجتماعی ازبذل مال و صرف وقت خود دریغ نداشت از موسسین انجمن ایران لیك بود و درانجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی ازعنصرفعال وصاحب سمت بود دردوره‌های متوالی ریاست این انجمن و مقام معتمدی رابرعهده داشت برای آنکه حق خدمت فردوسی شاعر نامدار وزنده کننده زبان پارسی را ادا نموده باشد دریکی از میدانهای یزد برج ساعتی بزرك بنام گاهنهای فردوسی برپا داشت و به شهرداری یزد اهدا نمود .

مردم حق‌شناس یزد هرزمان که این شخصیت خدمتگذار بآنجا وارد شد مورداستقبال شایان توجه خود قرارداده و همانند پدری مهربان او رادرآغوش می گرفتند و ازدیدارش اشك شوق نثارقدمش می‌نمودند .

خوشبختانه خدمت مارکار همواره مورد قدردانی و ستایش مقامات کشوری قرار داشته وآنروانشاد را بدریافت نشانهای درجه اول علمی ـ درجه اول سپاس و همایون مفتخرداشته‌اند درسال ۱۳۲۸ نیز افتخارشرفیابی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر حاصل‌نمودند گرچه درظاهرپشوتن‌جی مارکار ازجهان رخت‌بربسته اما درحقیقت او زنده جاوید است و نام نیکش برای همیشه درجهان باقی خواهد ماند .

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز　　　مرده آنست که نامش به‌نکوئی نبرند

بقیه گوشه‌ای از تاریخ کرمان

رسید علماء برآشفته و بر عین‌الدوله تاختند درتهران مجدالاسلام وناظم الاسلام کرمانی از این جریان استفاده بسیارکرده و درخواست عزل عین‌الدوله و صدور فرمان مشروطیت را خواستار شدند وعلمای تهران نیزچنین کردندبدین ترتیب کرمان نیز سهمی درمشروطه ایران دارا بودند.

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع دهندتا مجله بآدرس جدید آنهافرستاده‌شود

بقیه بیاد جوان ناکام

جمله پیشرفت دهندگان و سود رسانندگان باشی درود باد.

در خاتمه یکبار دیگر بهمه کسانیکه دراین مصیبت وارده داغدیده شده‌اند بـویژه مادر رنجدیده تسلیت میگوید.

کرمان ۴۴/۷/۲۶

سرهنگ دکتر جهانگیر اشیدری

سال ۱۶ شماره ۸ | شماره مسلسل ۱۸۷

دارنده امتیاز: دکتر صرفه

زیر نظر هیئت تحریریه

نشانی:

خیابان شاه (ناصرخسرو) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS
(The Hukht Monthly Magazine)
C/O Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran
Iran

آبونمان مجله ماهانه هوخت

داخله	خارجه
یکساله ۱۵۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه ۸۰ ریال	۱۰۰ ریال

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	160 Rls	198 Rls
" 6 "	100 "	98 "

هوخت
گفتار نیک

دی ۱۳۴۴



تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران

رجوع شود بصفحه ۵

شماره ۱۰

۱۶

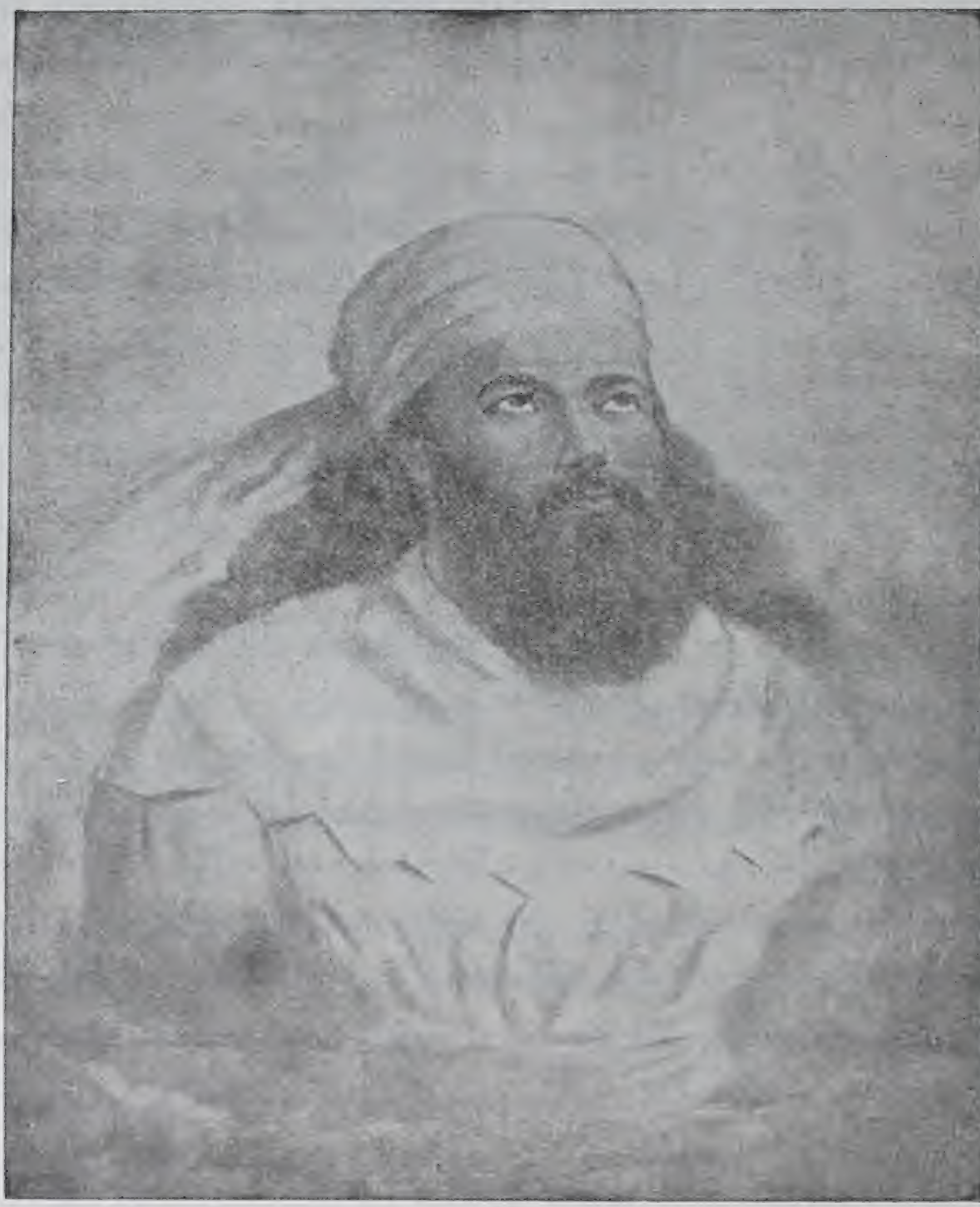
فهرست مندرجات

نوشته : اردشیر جهانیان

خورشیدی که در ماه دی غروب

نمود ولی برای همیشه درخشان است

خورشیدی که در یکی از روزهای آغاز بهاری یعنی ششم فروردین در آسمان کشور



ما درخشیدن گرفت در روز خیر از ماه دی برابر پنجم دی‌ماه غروب نمود. اما با تعالیم عالیه خود چنان کاخ رفیعی از اخلاق ودانش برافراشت که تا جهان باقیست بر جهانیان پرتوافکن خواهد بود.

زرتشت آنچنان مایه وسرمایه‌ای بآیندگان بخشید که درهر تعالیم وفلسفه ورشته‌از دانشی پرتوی ازآن نمایان است.

«آئین یکتا پرستی ودستورهای اخلاقی وفلسفی که این پیامبر بجهان آموخت‌هنوز هم سرمشق تعالیم دانشمندان وبزرگان فلسفه وحکمت قرار دارد.»

شاید هزاران کتاب بزبانهای گوناگون باصرف عمری گرانبها درجهان انتشار یافته که از سرمایه اصلی آموزشهای زرتشت غنی گشته وبیشتر پژوهشهای آنان بر سخنـان و گفتارهای وی مبتنی است.

«خداوند وآئین توحیدی که زرتشت بجهانیـان آموخت ودر شناخت‌آن تا پای جان ایستاد آفریدگاری است دانا ـ توانا و بیهمتا بنام اهورامزدا که بمعنای سرور (بزرگ‌) دانای هستی‌بخش است خداوندی‌است یکتا ـ نیکی و راستی ـ روشنائی شادمانی وکمال از ذات جاودانی‌اش سرچشمه گرفته است.»

آنچنانکه زرتشت دریکی از قطعات سرودهای خود درگاتاها میفرماید :

« ای اهورا همانکه ترا بادیدهٔ دل نگریستم ـ بانیروی اندیشه خود دریافتم ـ که توئی سرآغاز ـ که توئی سرانجام ـ که توئی سرچشمه ـ منش پاك ـ که توئی داور دادگر اعمال جهانی»

زرتشت اهورامزدا راباچنین قاطعیت شناخت وبدین نحو بجهان معرفی‌نمودو سپس راز دیگری‌که بدان دست یـافت یعنی نیروهای درونی ومعنوی بود بـرای بشر آشکار ساخت و خود نیز درك حقیقت را با نیروی اندیشه میسر دانسته وفرموده «بانیروی‌اندیشه خود دریافتم» این نکته اصولی‌ترین توجهی است که بشربآن آشناگشت و همین نیروست که دانشمندان آنرا تعقل نامیده وبدستیاری‌آن یافت راه ترقی وکمال رامیسردانسته‌اند و برتریت بشر برسایر موجودات را باداشتن همین نیروی اندیشه برشمرده‌اند وازینروست که زرتشت اصلاح اخلاق را برپایه اندیشه وگفتار وکردارنیك استوارداشته است.

در حقیقت اعمال و اخلاق انسانی از سرچشمه نیکی و یا بدی اندیشه برخوردار است . این قاعده از آغاز زندگانی وآفرینش جهان برقرار بوده و تاپایان حیـات نیز برقرار خواهد بود.

بقیه درصفحه ۵۵

بفرمان مطاع شاهنشاه آریا مهر بزرگ ارتشتاران

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا بریاست ستاد بزرگ ارتشتاران

منصوب گردیدند

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا درهر مقامی باشایستگی وکاردانی اوامر مطاع ملوکانه ووظایف سپاهیگری را درنهایت میهن‌پرستی و بنحو احسن انجام‌داده ودر حقیقت از مفاخر افسران ارشد کشور بشمارند.

در مقام علمی نیز ستاره درخشان ارتش بوده ودوره‌های دانشکده افسری‌ودانشگاه جنگ کشور وهمچنین دوره‌های دانشگاه جنگ فرانسه و تحصیلات عالیه نظامی ارتش آن کشور راباموفقیت گذرانیده ودررشته حقوق بین‌المللی درفرانسه باخذ درجه عالی دکترا نائل گشته‌اند.

تیمسار آریانا درخدمات درخشان ارتشی خود تا کنون از افتخاراتی بس بزرگ برخوردارگشته و باینطریق به امتیازات عالی و اخذ نشانهای لیاقت - خدمت عالی تیر - پاس - درجه دوتاج - درجه ۱ همایون وهمچنین از کشور فرانسه نشانهای لژیون دونور درجه‌یک با حمایل واتوال‌نوار ولژیون دونور افسری ولژیون‌دونورعالی افسری وازکشورهای دانمارك واطریش وبلژیك وهلند وتونس و نروژ نیز باخذ نشانهای درجه ۲ توفیق یافته‌اند.

تیمسار آریانا دارای تألیفات متعددی هستند که برای‌نمونه کتاب دفاع‌ملی وناپلئون رامیتوان نام‌برد. این سوابق درخشان است که این انتصاب ازطرف عموم‌طبقات باشادمانی استقبال گشته است. اینك وظیفه خودمیدانیم که بانهایت‌عبودیت مراتب‌سپاسگزاری‌همگانی را به‌پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم‌داشته و همچنین حضور تیمسارارتشبددکتربهرام‌آریانا نیز که بعالیترین مقام ارتش‌مباهی گشته‌اند شادباش عرض‌نموده‌از درگاه‌اهورامزداخواهانیم که همواره معظم‌له رادرخدمت بشاهنشاه آریامهر ومیهن‌عزیزموفق وکامروافرماید.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۶)

بنی اسرائیل در تورات و تاریخ

از روایات تورات چنین مستفاد میشود که چون ابراهیم از کلده بکنعان (سرزمین فلسطین) رفته ، در آن جای گرفت ، پس از وی اسحاق جانشین او شد . یعقوب پسر دوم اسحاق جای پدر را گرفت و نام اسرائیل بخود گذاشت که (گزارش آن خواهد آمد) فرزندان او را اسرائیل نامیدند . بنی‌اسرائیل بنا به سرنوشتی که برای یوسف ـ یکی از پسران یعقوب پیش آمد، رهسپار مصر شده ودرآن کشورجایگزین گشتند.

در تاریخ ملل قدیمه ، ترجمه ونگارش مرحوم فروغی (محمدعلی ذکاءالملك) در باره بنی‌اسرائیل وموسا ـ مینویسد :

« چنین بنظر میرسد که خروج بنی‌اسرائیل از مصر بارهبری حضرت موسا ـ در زمان فرعون می‌نفتاح (Minephtah) پسر «رامسس» واقع شده و اگرهم درسلطنت خود این فرعون نبوده ؛ در انقلاباتی که پس ازاو در مصر رویداده بوده است» .

درتاریخ مصر هیچگونه نام ونشانی از ابراهیم ، از یعقوب و یوسف و همچنین از موسا دیده نمیشود. تنها چیزیکه یاد شده این است که ـ پس از بیرون رفتن قوم هیکسس Hyksos از مصر ، مردم بهمراهان وهواداران آنان که در مصر مانده بودند با چشم بیگانه ودشمن مینگریستند وایشانرا درفشار گذاشته ؛ به‌بیگاری در ساختمانها وراه‌سازی وسربازی وادارشان میکردند ، بدون اینکه نامی از اسرائیل ببرد .

هندریك وان‌لون H. V. Loon در تاریخ نوع بشر (Mankind) خود مینویسد :

زمانی در حدود قرن بیستم پیش ازعصر ما(پیش ازمیلاد) یك‌دسته کوچك وبی‌اهمیت، از چوپانان سامی‌نژاد ، وطن خود ؛ سرزمین‌او (Ur) کرانه فرات را رها کرده ، در جستجوی چراگاه تازه‌ای در حوزه متصرفات شاهان بابل (که در آن زمان سومریها بوده‌اند) برآمدند. این تیره بنام هبریو (Hebrew) که اکنون یهود میگوئیم شناخته

میشد . پس ازسر گردانیهای دور ودراز در مصر پناه گرفتند. بیش ازپنج قرن در میـان مصریان زندگی کردند . ولی هنگامیکه وطن برگزیده آنها بدست یغماگران «هیکسس» افتاد ، آنها بهخوش خدمتی ونازیدن به اشغالگران بیگانه پرداخته و بنای سودجوئی و دستاندازی بهکشتزارها نهادند. پس ازآنکه درجنگ آزادیخواهانه مصریها،هیکسسها از وادی نیل بیرون رانده شدند ، یهود بکیفر خطاکاریهای خود رسیده به زیردستـی و بردگی مصریها درآمدند و بکارهای تابفرسا ازراهسازی وسنگکشی در ساختمان اهرام (Pyramids) واداشته میشدند وچون راهها ازهرسوی برآنها بستهوزیرچشم ونگهبانی سربازان مصری بود ، راهگریز ازمصر برای آنها توان ناپذیر گردید . پس از سالیان دراز بردگی وزندگی سراسر رنج وآزار، سرانجام بدست جوانی موسانام ازاین سرنوشت ننگین واندوهبار رهائی یافتند» .

وان لون ـ هیچگونه اشارهای به ماجرای موسا وفرعون وقت، یاکارهای نیارستنی؛ باصطلاح معجزه موسا نمیکند ، همین اندازه مینویسد که ازپیگیری وجلوگیری لشکریان مصر رستند وجان بدر بردند » . آنچه درباره موسا ازتاریخ دستگیر میشود ، داستـان معجزات موسا مشتی گزافهگوئی وپیرایه بندی توراتنویسانست، چه درآن زمان جادوگری وشعبدهبازی ازهنرهای زیبای عصر بوده ،که در بارهگذرکردن قوم ازدریا بهافسانهگرائی پرداخته، نوشتهاند:

میان امواج خروشان ، خلاف قانون طبیعت که آب شکلپذیر نیست بـا زدن عصای موسا ، دریا خیابان وخشک گردیده ، میان صفوف آنها آب مانند پنجره گردید کههمدیگر را ببینند و بدینسان از دریاگذشتند !! .

بخوبی پیداست ومیدانیم که درآنزمان میان آسیا وافریقای شرقی ، دریا و رود ، وجود نداشته ، درگرانه شرقی مصر علیا وگوشه دریای سرخ خلیجیامسیلی بوده که هنگام جزر خشک وهنگاممد پرمیشده ونزدیکترین راه به سرزمینسینا از این مسیل بوده است. موسا، باهوشیاری وزیرکی خود میدانسته چه موقع مسیل خشک است. نوشتهاند به دستور موسا یهود ببهانه اینکه جشن یا عروسی دارند ، چیزهای سبک وزن و سنگین بهـا وزر و زیورهای زنانه را برسم عاریت ازهمسایگان وآشنایان گرفته ، شبانهبا نشانی بانگخروس و راهنمائی موسا ، راه سینا را ازهمان مسیل در پیش گرفته بسینا گریختهاند . اینمسیل همانست که بفرمان داریوش بزرگ ازآن به رودنیل ترعهای کنده شد و راه دریای سرخ به دریای سفید (مدیترانه کنونی) بازگردید و دردوره استعمار انگلیس ترعهکنونی ازهمان مسیل زده شد .قرآنهم روایات تورات را که مردم نیز باور میداشتهاند یاد فرموده و

این شیوه در قصص قرآن رازهائی داردکه برخی ازمفسران از جمله سر سید احمدخان فیلسوف و پیشوای اسلامی هند در تفسیر خود بمیان آورده که در گفتار پیشین بازگو شد.

وان‌لون ـ سرگذشت فرار یهود را چنین دنباله میدهد :

قوم موسا دردوره زندگی وراه پیمایی درکوه و دشت سینا ، به نیروی عظیم خدای بزرگ ؛ از تندر، برق وتوفان (وآتش‌فشانی سینا) پی‌بردند ، همان خداییکه برآسمانها فرمان میراند، که چوپانها ـ زندگی ، روشنائی ودم زدن را از او میدانستند . این خدا یکی از خدایانی بودکه درآسیای باختری پرستش میشد ونامش یهوه Yahova بود . با آموزش و ارشاد موسا ، یهوه ، یگانه سرور نژاد هبریو(یا جهود) گردید ، موسا با صفا وایمان درونی وپاکدلی خودکار میکرد و میکوشید ؛ تایهوه را خورسند سازد. اونه تنها باراهنمائی خردمندانه و حس‌برادرانه خود میکوشید تا قوم را از زبونی و بردگی نزد بیگانگان برهاند وبه آزادی و خودمختاری دریك وطن تازه برساند ، بلکه هر چه بیشتر کوشید تا آنها را درزده نخستین ملل یگانه پرست درآورد» .

راستیکه این مرد آزادیخواه وخویشاوند نواز ، چه رنجها برده و چه شکنجه‌های جسمی و روحی را بخود همموارساخته ، تاچنین نژادلجوج ، بهانه‌جوی وسرکشی رابراه راست آورده است. گرچه پس ازوی ؛ سرپیچی از دستور و فرمانهای اوکردند ، و چه خرافات و موهوماتی دلخواه‌که در «سفرخروج» به‌او بسته‌اندکه نمیتوان ازاو دانست . بهرروی پس ازچهل‌سال دربدری وورزیدن آنهاکه آماده همه گونه فداکاری‌درراه رسیدن به استقلال پیداکرده واز راهنمائی‌وفرآموزیهای موسا ، چنان قومی‌که همه چیزجزخدای یکتا رامیپرستیدند ، هم یکتاشناس وهم درامور زندگی و استواری دربرابر دشواریهادلیر وگستاخ گردیدند .

بگفته «وان‌لون» ـ به‌سرزمین فلسطین‌که رسیدند ، در« ژروزالم»((-Jerusalem اورشلیم) یعنی «خانه صلح » معبد یهود را بنیادکردند . دیگر موسا پیشوای قـوم نبود (مثل اینکه بازنشسته شده بوده) زیرا تنها میتوانست خاموش بنشیند وکوهستان فلسطین‌را از دور بنگرد . درچنین حالی بودکه چشمان خسته خودرا برای همیشه فرو بست» .

نکته مهم شایان توجه

با اینکه غیر از کتب عهد قدیم (Testaments) در باره موسا و عیسا ، کتابها نوشته و سخنها رانده شده ومیشود، ولی‌گویا از دیددانشمندان و پژوهندگان زیست‌شناس یا بیولوژیستهـا ، بویژه تاریخ نویسان اروپائی در جهان مسیحیت ، این دو بزرگوار ؛ اصالت تاریخی نداشته‌اند ـ وگرنه چگونه ممکن است دریك دایرة‌المعارف ، یا فرهنگ

لغات وعلوم واعلام‌مردان نامی جهان، بنام«پیرزسیکل‌اوپیدیا» **Pears Cyclopaedia** که گنجینه‌ای از مطالب مهم تاریخ ؛ تمدن ، فنون ورویدادها وسرگذشت معاریف‌جهانست و تابیست وششمین چاپ آن در۱۹۲٤ دو ملیون نسخه پخش شده وشامل ۲۱ کتاب ورساله از مطالب گوناگون در۱۰۹٤ صفحه است، بهیچ روی نام‌ونشانی از ابراهیم گرفته تاعیسا در آن دیده نشود ؟ از جمله ۲۱ کتاب ، یکی بنام **Prominent People** (مردم سرشناس) ودیگری بنام فرهنگ وقایع (**Dictionary of Events**) که از۲۲۳۵ پیش از میلاد تا ۱۹۲٤ میلادی است ونام همه شاهان و پیشوایان دین ، مردان دانشمند وسیاسی با یادداشت اندکی ازآنها دارد ، ولی ازیهود تنها نام داود ومعبد یهودا- آنهم بمناسبت تجدید بنای آن بفرمان کورش بزرگ یاد شده ، در حالیکه نام‌آشو زرتشت و حضرت محمد بایادداشت کوچکی از برخاست‌آنها نوشته شده ولی‌ازموسا وعیساخبری‌ندارد مگر اینکه در سلسله تاریخ قرون ، وقتی به آخرین سال پیش ازمیلاد میرسد، مینویسد: زایش مسیح - **Birth of Christ** همین وبس !!.

هیکسس‌ها ازکجا و چه نژادی بوده اند؟

در تورات نامی ازهیکسسها دیده نمیشود، ولی از سومریان باتحریف نام- آیاتی دارد وگزارش آن خواهد آمد - درکتاب تحلیلی «خط وفرهنگ» استاد ذبیح بهروز، درباره هیکسسها چنین است :

« از حوادث مهم این عصر (۱۸سده پیش ازمیلاد) رفتن هوکسسها به مصر وبردن اسبهای ایران بآنجاست. هوکسسها که پنج قرن درمصر پادشاهی‌کردند و عاقبت از مصر بیرون آمدند ، آثار پادشاهانشان که از جزیره کرت تا سامان بغداد دیده شده ، شهرت آنانرا تا این نقاط دوردست میرساند . مطابق معمول برسرنژاد این‌قوم هم نزاع است. ولی پس از سالها نزاع‌ولجاج اخیراً نوشته‌اندکه‌آنها ازنژاد خطی وهند و ایرانی‌هستند. درهرصورت بستگی نژادی اقوام کاشی ، خطی و هوکسس ، ارتباط و پیشرفت آنها در سرزمینهای بابل ، آناتولی و مصر و همزمانی این‌لشکرکشی‌ها و اهمیت این حوادث‌قابل انکار نیست ومخصوصاً در این قسمت از تاریخ باید دقت نمود تا در تحت تأثیر مغالطه و تبلیغات واقع نگردیم . معنی هوکسس را «امیرچوپان» نوشته‌اند که هنوز پذیرفته نشده ، ظاهراً بایدصورتی‌ازکلمه‌فارسی هوخشس **Hukhashas** یعنی شهریاران خوب‌یاامپراتور باشد .»

« وان‌لون » درکتاب نوع بشر خود ، مینویسد : - اندك مدتی پس از۱۷۰۰ سال پیش ازمیلاد، مردم طب شورش آغازنهادند وپس‌ازکشمکش درازی هیکسسها ازکشوربیرون

رانده شدند ومصر باردیگر آزاد گردید – سپس از سومریها سخن میراند.

سومریها در تاریخ و تورات

در تاریخ نوع بشر – درباره سومریها مینویسد:

« سومریها دیرین‌ترین باشندگان «مزوپوتامیا» (Mesopotamia یعنی میانه رودها) بوده، آنها درقرن‌چهلم‌پیش ازمیلاد، ازشمال‌به مزوپوتامیا [که اکنون‌بین‌النهرین گفته میشود] درون شده و برج وباروها ، معبدها وقصرها ساختندکه هنوز ویرانه آنها بنام مناره بابل وجود دارد ، آنها خطی بنام میخی داشته‌اند» .

این فشرده نوشته آن کتاب بود، اکنون ببینیم در تورات وتاریخ دیگران‌وهمچنین آنچه ازکندوکاو سرزمین فرات بدست آمده چه میباشد.

از کاوشهای ویرانه بابل در شهر «اور» (در ۱۹۲۲) و چیزهائیکه از چهل متری زیرشن یافته شده ، ثابت میشود که قوم«سومر»ازنژادهندوایرانی بوده که‌ازپایان‌خلیج‌فارس بسمت شمال بالارفته، درکرانه فرات ودجله جای گرفته‌اند . آیه ۲ تا ٤ از باب ۱۱ «کتاب پیدایش» دلالت براین معنی دارد ؛ چه میگوید :

« وواقع شدکه چون از مشرق کوچ کردند ، زمین هموارى درشنعار (Shanaar) یافتند ودر آنجا سکنا گرفتند وبه یکدیگر گفتند- بیایید خشتها بسازیم و آنهارا خوب بپزیم وایشانرا ؛ آجر بجای سنگ بود وقیر بجای گچ – وگفتند بیائید شهری برای خود بنا نهیم و برجی (مناره) راکه سرش بآسمان برسد (برپا کنیم) تا نامی برای خویشتن‌پیدا کنیم ؛ مبادا برروی تمام زمین پراکنده شویم».

این‌گفته بنا بگزارش تاریخی ؛ داستان «سومریها» است وواژه شنعار تحریف شده «سومر» است و دور نیست شهر «سامره» نیزوابسته به سومریان باشد. در تاریخ«سرپرسی سایکس» است که – سومریان کوهستانی بوده و خدایان خودرا برکوهها ایستاده نمایش میدادند وستایش میکردند. نخستین جای بومی‌آنها جنگل و بیشه بوده ، درکندوکاواخیر «دره سند» نمونه ونشانیهای تمدن بسیار همانندی باآثار سومری ؛ در بابل ؛ اززیرخاک بدست آمده که دنیائی راحیران کرده است . سنگ نبشته ونگاره‌های روی مهرهای‌چهار گوش بازرینه آلات که درآنجا پیداشده ، باآنچه در«اور»کلدان یافته‌اند میماند. استیل ساختمانهای آجری ، تندیسه‌ها ، شکل چهره‌ها ، همه نشان میدهندکه این دوتمدن ازیک دودمان‌واز یک‌خاستگاه‌بوده‌اند وچنین‌برمیآیدکه سرزمین پیشین‌سومریان دربرخی‌جاهای کوهستانی درایران ؛ مانند افغانستان یا بلوچستان بوده است . سرپرسی سایکس – در

مقاله مقدماتی صفحه «یط» مینویسد :

« اگر از من سئوال شود که این فحص و بازرسی از کجا شروع خواهد شد ؟ در جواب بندر هرمز را اسم‌خواهم برد ، همان بندری که «نه‌آرکوس» Nearchus نیروی دریائی خودراکنار رود میناب بساحل‌کشانید قبل ازآنکه به خشکی آمده ، سلامتیش را به اسکندر خبر دهد . امروزه ؛ بندرعباس برای بازرگانی هرات و مشهد وسایرمراکز میانه ، یك بندرطبیعی محسوب میشود» ،

بازگشت یهود از توحید به طبیعت پرستی

فشرده کتاب داوران تورات چنین است که : پس از درگذشت موسا و یوشع ، قوم بنی‌اسرائیل که پادشاهی نداشته ، هر طایفه (از اسباط) خودمختارگشته وبه دلخواه خود کار وزندگی میکرد. چون درکنار مردم فلسطین‌جای‌گرفتند ، مذهب سوریان‌راپذیرفته، بالای‌کوه قربانگاهی از یك تخته سنگ یا یك ستون سنگی بر پاکرده ، آنرا «بیت‌ئیل» یعنی«خدای خانه» دانسته پرستش میکردند.درختهای متبرك وآفتاب راخدای‌خودگرفته، بلکه تندیسه‌هایی ازگاو و«مار» از برنج ساخته به آنها سجده میکردند وهریك را خالقی می‌انگاشتند . در برخی‌جاها سنگهای (خوش‌تراش طبیعی) برگزیده خودرا ، بامواظبت نگاهداری‌کرده ، باور می‌نمودندکه روح خدائی دراینگونه سنگها جای دارد و دور آن دیوارکشیده «بیت‌ئیل» مینامیدند» .

برخی از این سنگها بنام «مقام» جائیکه بگفته آنها بزرگان ورهبران دین (مانند ابراهیم ودیگران)گام نهاده ، آنرا قدمگاه خوانده‌اند ، چنانکه‌کعبه‌که مفهوم خـاصی دارد وگفته خواهد شد ، قرآن ساختمان آنرا از ابراهیم یادکرده ودرسوره بقره ازآیه ۱۲۴ تا۱۲۸ در باره بنیاد آن بدست ابراهیم باکمك اسماعیل بصورت وحی آمده است . ودر سوره ابراهیم ازآیه ۳۴ تا۴۰ نیز سخن ازاین خانه است . ولی در تورات در این باره چیزی دیده نمیشود و بعکس از اسماعیل و فرزنـدان اوکه در همان فلسطین‌بوده‌اند بارها یاد میکند .

پرستش سنگ و چیزهای دیگر

آنچه میدانیم ـ در سرزمینهای ، بابل ، سوریه ، فلسطین ، عربستان ومصر ، در دوران‌کهن؛ یك‌گونه دلبستگی ترسناك تاحد پرستش به سنگ به‌جانوران وچیزهای‌دیگر داشته‌اند، سنگ چینی و ستون افراشتن ازسنگ و ساختن اهرام ، زمینه عقاید و ستایش مردم درآن سامان بوده است . پژوهندگان تاریخ ادیان ومذاهب ؛ اینگونه عقـاید را

آنی‌میسم Animism نام‌داده‌اند ، یعنی ـ جان‌داری، جان‌دهی ،کام‌بخشی همه مظاهر وساخته‌های طبیعت، بدان گونه که از دیدار و نوازش آنها ، شادمانی بطرفین دست‌میدهد، همانگونه که‌از دیدارعزیزان انتظارمیرود. باورمیداشتند که‌سنگ ، درخت وچیزهای‌دیگر دارای جان هستند ، به‌معتقدین ونیایش کنندگان‌خیر و برکت وروزی میرسانند واز گزند بدیها آنها را درامان میدارند ، از کرنش و بزرگداشت انسان بخود ؛ خشنود شده،نذر ونیازها وقربانی خونین آنهارا می‌پذیرند . مردم در نیکبختی وکامرانی یابلاهای وارده بخود، خوشنودی ودلخوری آنهاراکارگر میپنداشتند.

مذهب دیگر که بهتر است گفته شود «سنت» ـ توته‌میسم Totemism از توتم Totem بوده ، هر دودمان یا خاندان یاخانواده به شگون ومیمنت یك گونه حیوان یا رستنیها از درخت وگل وگیاههای گوناگون یاپرندگان و خزندگان عقیده داشته ، نقش آنرا روی یك تیر بلندکنده یاکشیده ؛ آنرا انگ یا علامت ویژه خود برای شناسایی و امتیاز خانواده خود برگزیده آنرا به فال نیك میگرفتند. که دور نیست‌آرم و نشان روی پرچمها ازمنشاء این عقیده برخاسته باشد. گرچه «توتم» جنبه‌آذین وامتیاز ملی داشته که هنوزهم دارد ، مگر اینکه برخی ازآنها ریشه مذهبی نیز داشته است ؛ مانند سواستیکا ـ (Swastika)که دانسته نیست چه بوده . این نقش روی‌کاشی ودرودیوار نگاشته میشده وروی نگین انگشتر ومهرکنده میشده‌که بسیاری ازاین مهرها از کاوشهای آرکئولوژی بدست آمده است ، بویژه روی کاشی وفرش‌که چون از صنایع اصیل ایرانست ، میگویند واژه « کاشی » مانند چینی‌که منسوب به چین است ، آنهم صنعت تیره کاشیان یـا کاسیت Kassites است وبساکه کاشان هم خاستگاه آنها بوده وکاشی منسوب به‌آنهاست . این نقش هنوزهم روی‌کاشی وفرشهای قدیم دیده میشود و حزب نازی آلمان هیتلری آنرا آرم ویژه سپاه‌خود قرارداد واینکه نام‌صلیب شکسته‌بدان داده‌اند ،پندارنابجایی است . فروهر Frohar اوستا ، شیرو خورشید، ماه وستاره وصلیب‌عیساهمه‌توتم‌مذهبی وملی‌بشمار میآیند. خال‌کوبی‌نیز که نقش همه گونه حیوانات وجماد ونبات ، روی بازو وهمه جای تن کوبیده میشود از آثار توته‌میسم است .

اما عقیده «آنی‌میسم» ـ گرچه نزد مردمان یادشده ؛ مفهومی جز خرافه و موهوم پرستی نداشته ، ولی دردانش و فلسفه عنوانی دارد. جانداری‌جمادات درنزد فلاسفه‌پیشینه دارد ، چنانکه طالس‌ملطی نخستین فیلسوف «لیدی» ـ کهربا ـ آهن‌ربا و اثر مغناتیس را نوعی جانداری‌جمادات میدانسته، زیرا جسمی ـ جسم دیگررا بخود میگیرد وتکان‌میدهد.

بقیه درصفحه ۵۶

« پنجم دیماه مصادف بادر گذشت پیام آور بزرگ تاریخ شت
« اشو زرتشت است . در این روز یاران نیکی و رهـروان
« طریقت اهورائی بیاد این اندیشمند بزرگ جهان و بخاطر
« بزرگداشت یادگارهای جاودانهٔ او به خیر وایثار پناه می
« جویند .
« و من شرمنده از خود ، سربسوی آستـان وخشور زرتشت
« و دل با اهورامزدای مهربان ، ناچیز هدیه‌ای نثار اصیل‌ـ
« ترین هموطنان خود ویاران‌وفادار آئین دیرین میکنم‌بدان
« امید که بزرگوارانه بپذیرند.

حبیب‌اله فرازمند

زرتشت‌نامه منظوم

به مـزدای دانـای اسرار دل
که کلکم به کوتاهی ازاوخجل

به مزدا که نیکی ومهر آفرید
جهان را چنین‌خوب‌چهر آفرید

عدم بود و او هستی آغاز کرد
به نیکان در خرمی بـاز کرد

به اهریمن او تیره فرجام داد
به او سرنوشتی بـدانجام داد

ز انوار خود نقش اختر نهـاد
به اندیشه‌ها ، نقش برتر نهاد

جهان شد منور ز خورشیـد او
فریبنده تر گشت «نـاهید» او

به سقف فلك ماه رخشان نمود
به نقش آفرینی دل ازما ربود

به «پروین» نگاهی فسونکار داد
بـاو جلوه گـاه رخ یـار داد

فروغ آنچنان در جهان گسترید
مگر چشم بینا فـروغش بدید

فروغی که تا جـاودانه بپاست،
فروغی که دردل همیشه بجاست

نشان از فروغ جهانتاب اوست
که‌دل گشته شیدا وبی‌تاب‌اوست

✿

بنامش که آغـاز آغازه‌ـاست
بمهرش که دردل همیشه بجاست
بنام نخستین پیـام آورش ،
به وخشور «زرتشت» نام آورش
که اول سرود خدا او سرود
بـر او باد از ما فراوان درود
که در شرك وبیداد، دادآفرید
که یکتا پرستید و یکتا گزید
سرود آنچنان جاودانه سرود
که چونین‌سرود آسمانی ، نبود
سخن‌بایدا کنون‌ز «زرتشت» گفت
که این گفتنی‌ها نباید نهفت
نخستین ز زادن بـدادم سخن
واز آن‌دشمنی‌ها که کرداهرمن
پس‌آنگاه گویم که‌چونان گذشت
بر این رادمرد کهن سر گذشت
چسان عاقبت رسم نیکی نهاد
به دین و به آئین تجلی بداد

✿

هر آنکس که نیکی نیارست‌دید
بجان تیره گشت وتباهی‌خرید،
بر آنکس که افسون اهریمنی
روانش بیـالایـد از دشمنی ،
هرآنکس که‌آئین زشتی گزید
بجز زشتی و زشت نامی ندید :
بجز دیو ، نامی بر آنها مبـاد
که نیرنگ بازند و تیره نهاد
چنین دشمنانی که دیوان بدند
چنین‌دیوخویان که خصمان‌بدند
سرانجام در کینه اندر شدند
وازآن کینه‌جوئی، بر آن‌بر شدند
که نیروی زشتی بسیج آورند
که زشتی به پیکار نیکی برند
نخستین زمان کامد اندر وجود
توان در تن و جان دیوان‌بسود
که بیمی بدلشان نهانی نشست
وزان بیم زنجیر دیوان گسست
به پیمان شدند آنکه«زرتشت»را
کشند آنکه‌خواهندمر کشت‌را
«دوراژان»[۱] که‌دیوی‌فسونکاربود
به دیوان دیگر هم او یار بود

(Duragan.) – (۱)

چنان شد به بیم و بظلمت فرو / که بر پا نمود انجمن زود او
بدیوان چنین گفت: کاین نورسید / بن و بیخ دیوان کند ناپدیـد
پس آنگه سه تن دیو را برگزید / دم پر فسون را در آنها دمید
که باید که کودك نماند بجـا / وگرنه کند شور و غوغا بپا
که این کودك آخر پیام آورست / درخشنده خورشیدی از خاورست
برفتند دیـوان ز خانه برون / مگر غرقه سازند کودك بخون
برفتند و آتش برافروختنـد / بسودا که کودك مگر سوختند
چو مادر نگه کرد و آتش بدید / بترسید و آهی ز دل بر کشید
سراسیمه آمد که کودك چه شد / بآتش تن و جان او خسته شد
نگه کرد و کودك ببازی بدید / که در شعله‌ها هر طرف میچمید
گلستان شد آتش بدامـان او / گزندی نه بر تن نه بر جان او
«دوراژان» که بدکار و بد کینه بود / به نیکان هم او خصم دیرینه بود
بر آن شد که کودك بجائی برد / که خیلی ز احشام از آن بگذرد
که گاوان بکودك گزند آورند / تنش را به شاخ و به سم بردرند
«دوراژان» چنین کرد و حیران بشد / چودید آنکه گاوی نگهبان بشد
گذشتند گاوان همه سر بسر / نیامد گزندی از آن بر پسر
بخشم اندر آمد «دوراژان» دیو / ز سینه برون داد بانك و غریو
بفکر اندر آمد که چاره کند / تن کودك از خشم پـاره کند
سه روز و سه شب غرق اندیشه بود / که دیوی سیه‌کار و بد ریشه بود
سرانجام «زرتشت» را دور برد / به گرگان درنـده‌اش واسپرد
چو گرگان بکودك شدند آشنا / بکردند گرگی خود را رهـا
ز گرگان نیامد ستیز آورنـد / نه چنگال و دندان تیز آورند

بقیه درصفحه ۵۲

نوشته: هاشم رضی

شاخهٔ زرین

هَ اُ مَ Haoma . در تلفظ پهلوی هوم Hom و در تلفظ مصطلح فارسی هوم Hum آن چه که از متن اوستا برمی‌آید ، نام گیاهی است ونام ایزدی است که نگهبان وموکل این گیاه بوده وهم‌اسم مرد پارسایی است که باوارستگی ودینداری زندگی‌میکرده است .

در اوستا ازهوم چه بسیار یاد شده است ودانشمندان درغرب وشرق دربارهٔ هوم و مراسم وآداب آن واصل ومنشأش کاوشهای فراوانی کرده‌اند. هوم از جمله مواردی است که همانند آن در ادبیات ودایی آمده است ونشانگر آنکه دارای پیشینه‌یی است بس‌دراز میان آریاها ، بویژه هندوایرانیان . پس از شرح و تفسیر اوستایی ، مطابق روش‌معمول دراین رشته کاوش‌ها ، ببررسی در ادبیات ودایی‌از نظرگاه پژوهش‌هایی در بارهٔ سومَ – پرداخته میشود

در اوستا ، بیستمین یشت ویژهٔ هوم است و نامزد به «هوم‌یشت» اما این یشت بسیار کوتاهی است که گمان میرود یا ازمیان رفته واین اندك مقدارش بما رسیده است ، یاآنکه آنچه در خلال یسنا آمده است ، یعنی های نهم ، دهم ویازدهم وابسته به‌این‌یشت بوده که دریسناجای داده شده است واین نظراخیر بیشتر با حقیقت سازگاری دارد. جز در یسنا و یشت‌ها ، درویسپرد ووندیداد نیز ازهوم سخن رفته است .

چنانکه اشاره شد ، دریسنا – های نهم تایازدهم است که بتفصیل از هوم سخن رفته است .[۱] در بامدادان ، چون زرتشت سرگرم انجام مراسم ستایش در آتشگاه بود ، هوم چون ایزدی دربرابرش‌نمایان میشود وپیامبر ازاومی‌پرسد که‌تو که هستی که درسراسر جهان خاکی این چنین بخشایندهٔ شادمانی وجاودانی هستی ؟ ۱ – هوم می گوید [۲] :

۱ – شماره‌های داخل کروشه [ ] اشاره است به شماره‌های بندهای – های نه و ده ویازده ازیسنا.

من هوم پاك دور دارندهٔ مرگ [دوراش Duraosha] هستم . آنچه کـه خواهانی ازمن بخواه ودر بزرگداشت من و آماده کردنم برای آشامیدن بکوش.[۳] پس زرتشت بهوی درود می‌فرستد ، اورامیستاید و میخواهد بداندنخستین کسی که او را برای آشامیدن آماده کرده چه‌کسی بوده است .[٤] هوم ، آن دور دارندهٔ مرگ پاسخ میدهد که برای نخستین بار ویونگها Vivanghan از من نوشابه ساخت[۱] ، و بـرای این نیك‌کاریش ، دارای پسری شد چون جمشید.

زرتشت میپرسد دومین تیمارگرتو که بود ؟ [۷] وهوم در پاسخ از آبتین یاد میکند و اینکه به پاداش دارای پسری شد چون فریدون. [۹]

زرتشت از سومین کس که‌گیاه مقدس را فراهم‌کرد از ایزد هوم‌می‌پرسد. اومیگوید سوم‌کس ثریته Thrita «اثرت Athrat » بود از خاندان سام Sâma که به موجب کار نیکش دارای دوپسرشد ، پسرانی‌چون گرشاسب واورواخش‌ی Urvâxshya[۱۲] پس زرتشت از چهارم‌کس می‌پرسد وهوم میگوید آن‌نیکوکار پوروشسب Purushaspa نام داشت وپاداش وی آن‌بودکه چون توپسری را داراگشت‌که پراکنندهٔ راستی و آیین بهی درجهان شدی.

در دنبالهٔ این بندها ، توصیف هوم می‌آید . زرتشت وی رامی‌ستاید ، هومی‌که نیك آفریده است ودرمان‌کننده ، دارای اندامی بلند است وزرین‌گون می باشد و آشامیدنش ازبرای روان‌آرامی وشادی بهترین است. زرتشت با بیانی رسا و شاعرانه از هـوم طلب نیرومندی وقدرت میکند تابتواند آیین بهی وراستی را درجهان پراکنده سازد، مردمان را براه راست‌گرداند وبیداد وکجروی‌را براندازد ودروغگویان ودیوان راازمیان بردارد آنچه‌که زرتشت ازهوم می‌خواهد ، در تأیید آن است‌که هوم یکی ازخدایان بزرگ‌هندو ایرانی بوده است چنانکه درصفحات بعد در باره‌اش‌گفت وگو خواهد شد . زرتشت این خواسته‌ها رابرای مردمان وخود دارد: بهترین زندگی پاك ، تندرستی ، اعتلای روان ، نیرومندی وجسارت برای ستیزه بابدی وزشتی ، درامان بودن ازراهزنان ودرندگان.

نوع وروش بیانی‌که ازهوم در سه فصل یسنامی‌شود ، جای شك وگمانی باقی نمی- گذاردکه ازوی چون ایزدی اراده شده است ، ایزدی بلند مقام ونیرومند چون ناهیدو مهر وبهرام ، اصالت اندیشه وروح آریائی ، بویژه‌ایرانیانی‌که ازهندوان جداشده‌بودند در مطالعهٔ هوم چون دیگر موارد اوستا روشن میشود.

---

۱ ــ مقایسه شود باروایتی‌که ساختن شراب وپدیدآوردنش منسوب است به‌جمشید، ودر ادبیات ودایی به پدر جمشید منسوب میباشد . مقالهٔ جمشید نگاه شود.

عناصر طبیعی ، مفاهیم مجرد وغیر مجرد ، ایزدان وفرشتگان وچیزهایی دیگر تنها دست آویزی هستند برای ساختن قالبی که روح ایرانی درآن جای گیرد . هوم که مسلماً و بدون تردید گیاهی بیش نیست ، برای جلوه گری این روح درشکل ایزدی نمایان میشود تا نیکان رانیرو بخشد وبجنبش برانگیزاند وپشتیبانی شوداز برای سجایای اخلاقی وقهرمانی آنچه که در اوستا بنام وعنوان ایزد وفرشته آمده است ، باصراحت دراین باره منعکس است واینها عنوانهایی هستند شاعرانه وبیانی تمثیلی که با تمام نیرو و قدرت در انگیزش نیکی وبهزیستی وفروکوبی بدی وبدمنش ساخته وپرداخته شده‌اند.

هوم همیشه بیدار است وهشیار . نسل نیکان رامی‌فزاید وبه نیک‌مردان پسرانی می‌بخشایدکه شایسته‌ترین کارها را درگسترش نیکی وتباهی زشتی‌انجام میدهند . به دلیرانی که اسب‌تازان درپی مقاصد انسانی هستند ، جسارت وچالاکی می‌بخشد، چون‌ناهیدهمواره مترصد است تا بزنان زاینده ، فرزندانی‌نیك ببخشاید وتنها حامی رزمیان‌نیست ، بلکه به روحانیان نیز که درآموزش آیین وطریق زندگی کوشا هستند ، هدیهٔ پارسایی و فرزانگی می‌بخشاید .

دخترانی راکه دیرزمانی درآرزوی شوی روزگار سپری کرده‌اند درحمایت هوم دارای شوهر میشوند

چنانکه اشاره شد ایزد هوم حامی روحانیان نیز هست ، بهمین جهت کرسانی Keressani راکه شهریاری بود خودسر ودر گاه شاهی مغرور، و اجازه نمی‌داد تا روحانیان بکار تبلیغ پردازند زبون کرده واز شهریاری برانداخت.

از بند بیست وپنجم دریسنا - های‌نهم ، باروشی دیگر ایزد هوم‌شناسانیده می‌شود:

خوشا به تو ای هوم که از نیروی خویش شهریار کامروا هستی ، توکه از بسیاری سخنان راست‌گفته شده بی‌نیازی. خوشا به در پناه اهورامزدا در بلندی های کوه باکمربندی ستاره‌نشان مترصد است ونگهبان کلام ایزدی است. نیایشگران و گروه مؤمنان در مراسم ویژهٔ این ایزد ، چنین می‌خوانند:

ای هوم ، بزرگ خان‌ومان ، بزرگ‌ده ، بزرگ شهر، بزرگ‌مملکت ای در تقدس دانشمدار، نیرو وپیروزی تورا برای‌تنم همی‌خوانم وگشایش بسیار رهاننده . برهان از ماکین کینوررا ، به‌گردان منش خشمگین را واز هر مردمی‌که دراین خانه ، که دراین ده‌که .... گناه ورزد برگیر ازپاهایش زود ، هوشش‌تیره ساز ، منشش درهم شکن ...برضد راهزن نابکارخونخوار

بقیه درصفحه ٥٤

نوشته و گردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

درحاشیه تاریخ کرمان

(۲۱)

زمستان گذشت در ۲۱ مارس پلیس جنوب ازطرف دولت برسمیت شناخته شده پلیس جنوب به ۸ هزارنفر رسید دوبریگارد در فارس ویك رژیمان درکرمان ماند. در ژوئن ۱۹۱۷ وثوق‌الدوله سقوط کرد و علاءالسلطنه پلیس جنوب را برسمیت شناخت.

* * *

در شهر کرمان مشهور است که منجم زرتشتی از فتح کرمان و گرفتاری لطفعلی خان در روز معین خبر داده بود و درچند روز پیش از فتح خبر به لطفعلی خان رسیدحکم‌نمود تا آن منجم را درخانه حبس کردند و شماره روزموعود نان وآب باو دادندکه‌اگرراست گفت لشگر قاجار اورا نجات دهند و اگر دروغ گفت بماند تابمیرد از اتفاقات چنانکه گفته بود واقع گردید.

وفاداری عجیب کرمانیان

در طی تاریخ کرمان به حوادثی برمیخوریم کـه شاید در دنیاکـم نظیر باشد از فداکاری مردم این شهر در حمایت احمد شاه صفوی ولطفعلی خان زند و غیرآن چیزی نمیگوئیم چه بسیار معروف است یکی دو موردکوچك هست که خود نماینده روحیه مردم این ناحیه محسوب میشود.

امیرمحمد مظفریه به حدود جیرفت به جنگ اوغانیان میرود جوانی رشید ازاهل بم بنام پهلوان علیشاه بمی با اوست جنگ در میگیرد صحرای وسیع جیرفت از گـرد و و خاك سواران اوغانی و جرمانی پوشیده میشود در ایـن گیر ودار اسب امیر محمد مظفر زخمی وکشته میشود و سوار یعنی پادشاه از آن بخاك می غلطد. سواران اوغان بر امیر محمد ظفر هجوم میآورند شمشیرها و نیزه‌ها بسوی او متوجه میشود. غوغای قیامت‌است. امیر محمد مظفر مرگ را دردو قدمی خود می بیند اما دراین حیص‌وبیص پهلوان علیشاه

بمی با اسب خود بکنار امیر محمد میرسد امیررا درگیر ودار مرگ و زندگی‌میبیند از اسب فرود میآید. مهاراسب را به امیر سپرده و میگوید سوار شو و بگریز .امیر محمد باور نمیکند در چنین حالی پدر هم بفکر پسر نخواهد بود(یوم لیفرالمرء ومن اخیه و) هیچکس‌گرد اونمانده‌بود این پهلوان‌جوانمردخودازاسب فرودآمده چنین تکلیفی‌مینماید.

در این جا روایتی هم هست که امیر محمد رو به پهلوان کرده میگوید نه تو هنوز جوانی خود سوار شو و بگریز ولی پهلوان اصرار کرده میگوید خیر تو فرمانده سپاهی نجات تو باعث نجات لشگرمیشود مرگ من اهمیتی ندارد و بهر حـال باصرار امیر محمد بر اسب او سوارشده فرار میکند و پهلوان بمی پیاده آنقدر شمشیر میزند و شمشیر میخورد تا از فرط جراحت بخاك در میغلطد.

گفتن این واقعه وبیان آن آسان است ولی تصوراین صحنهٔ درام‌که خود میتواند بزرگترین سوژه یك نمایشنامهٔ عالی خصوصاً برای کرمانیان و دانش آموزان هم باشد مشکل و عجیب است شاید نمونهٔ این حادثه را دریکی دو مورد بیشتر در تاریخ بشریت نتوانیم بیابیم. این واقعه‌درمملکتی‌اتفاق میافتدکه شاعر همان مملکت‌درباره اخلاق‌اجتماعی مردم آن گوید :

چو از سر بگذرد آب خطرمند نهد مـادر بزیر پـای فرزند

بنده نمونه این حادثه را فقط درقضیهٔ غرق‌کشتی تیتانیك خوانده‌ام و آن هنگامی است‌که کشتی غرق شده و مسافرین هرکدام تختهٔ نجاتی بگردن انداخته خود را بدریا میافکنند پیرمردی‌که تخته‌ای یافته و میخواست خود را بدریا افکند دخترجوانی رامی‌بیندکه سراسیمه بهرسوی دوان است وکشتی هم‌کم‌کم فرو میرود وآن دختر تخته پاره‌ای نمی یابد.پیرمرد دختررا فرامیخواندوتخته پاره‌خود را ازگردن درآورده بدختر میدهد و میگوید (من بمیرم آرزوئی ندارم اما توجوانی بگیرو خود را نجات بده و چنین‌کرد. دختر نجات یافت و پیرمردباعماق دریا فرورفت‌اروپائیها این واقعه را سرمشق فداکاری و اخلاق خود دانسته‌اند اما ما مردم‌کرمان‌این واقعه را درتاریخ خود عجیب تروگرمتر و پرهیجان‌تر داریم)

در این‌گیرودار مبارزالدین به علیشاه‌گفته بود: (تو هنوز نوجوانی از گلبنان امید گل مرادی نچیده‌ای باسب خویش سوارشو و ازاین ورطه خونخوار خود رابکنار اندازو از طوفان بلا بسلامت بیرون آبتصورآنکه اسب را تحمل نباشد اجابت نکرد)

مطلب عجیبی است این جوان رشید ازبیم اینکه اسب تحمل‌کشیدن دوتن رانداشته باشد وبالنتیجه هردوتن بدست دشمن افتند قبول نکردکه‌دوپشته سوار شود اسب خود را با لحاح به امیر محمدسپرد. امیرمبارزالدین سوارنمیشدو میگفت (بیست سال پیش از این

از حضرت امیرالمؤنین عزت شهادت طلب کرده‌ام) اما بالحاح سوار شده بیرون رفت و پهلوان علیشاه با ۸۰۰ مرد پایدار شهید شدند.

بارها محمد مظفر خود این واقعه را بفرزندان خود گفته بود به شاه شجاع و شاه محمود همان فرزندانی که بعدها پدررا گرفتند و بدست خود چشمانش رادرآوردند و زندان افکندند. واقعاً که خوش گفته‌اند: الملك عقیم سیاست پدر ومادر ندارد. فقط رفتار پهلوان علیشاه بود که ازسیاست گذشته به اخلاق پیوسته بود؟ آیا مرد سیاستمدار باید از از اصول اخلاقی هم پیروی کند یا خیر؟ دراین باره گفتگوها فراوان است که جای دیگر باید صحبت کرد.

علیشاه وشاه شجاع هردومردسیاست بوده‌اند.اما آن بیگانه بودو امیری را اخلاقاً نجات داد واین پسر بود و پدر را ازنظر مصلحت سیاست و اقتضای دیپلماسی کورکرد و وبخاك سیاه نشاند عجیب آنکه این شاه شجاع همیشه دم از اخلاق و تزهد و بی اعتنائی بدنیا میزده و بربی اعتباری دنیا خوب آگاه بوده است.

واقعاً وقتی آدم به‌ازخودگذشتگی های کرمانیان میاندیشدکه‌بعضی‌از آنها فقط روی خیال و توهم بوده است نه حساب زندگی و سیاست . تعجب بسیار میکنید فی المثل وقتی مخدومشاه مادرشاه شجاع باپهلوان اسد خراسانی نماینده شاه شجاع درکرمان اختلاف حاصل میکنند و طبعاً کرمانیان هم دودسته میشوند (مثل همیشه) پهلوان اسد به مادر شاه بی اعتنائی و بی احترامی میکند خواجه محمدکرمانی (بعلیابادی) از اکابرکرمان پیش مخدومشاه رفته میگوید «اگراشارت شماباشد چاخویان را بگویم که قصربرسراواندازند» واقعاً ادعای عجیبی است روی طینت وفطرت کرمانی بودن که میخواهد حداعلای فداکاری خود را نشان دهد در حضورجمع ادعا میکندکه میتواند مقنی و برزگرها را دستور دهد تا قصر را برسر اسد خراب کنند.

این ادعا تاحدی شباهت بادعای مرحوم خواجه اسد پاریزی داردکه وقتی ایلات بهارلو (بعد از قتل ناصرالدین شاه) به پاریز وسیرجان هجوم آوردند او قلاع پاریزرا مستحکم کرد جوانان بیم آن داشتندکه ذخیرهٔ باروت و سرب آنان تمام شود و خواجه اسداله‌گفته بود (بزنید هرچه میخواهید تیر بزنید اگر سرب تمام شد بجای سرب نقره بشما خواهم دادکه در تفنگ بریزند) باری ادعای شیخ محمد بعلیابادی برای کرمان ارزان تمام نشد زیرا این حرف بگوش پهلوان رسید و بدین سخن کینهٔ پهلوان مستحکم شد و شهر بندکرد و قلاع را مستحکم نمود و مادرشاه شجاع را ازکرمان بیرون کرد شاه شجاع لشگری عظیم بکرمان کشید و شهر رادر محاصره آورد نه ماه وبیست روزمحاصره

طول کشید وقحطی بدان حد رسید که کرمانیان خارج شهریك من جو بکرمانیان میدادند و یکمن نقره وطلا درازاء آن میستادند و واقعاً اگرخیانت زن پهلوان اسد نبود معلوم نبود چه تعداد از مردم این شهر میبایست ازگرسنگی بمیرند.

خدمات کرمانیان در مشروطیت

بنای مشروطیت که اولین سنگ آن با پوست کندن آقاخان بردسیری و شیخ احمد روحی درباغ شاه تبریز و پرکردن پوست سرازکاه و بتهران فرستادن آن شروع شد. پشت سر آن تبعید مجدالاسلام کرمانی و فداکاریهای ناظم‌الاسلام و ناظم‌الاطباء و بالاخره قضیه بچوب بستن حاج شیخ محمد رضا آیت‌اله کرمانی پیش میاید. همه این فداکاریها قبل از تدوین قانون اساسی است و پس از آن مثل همیشه دیگران به مشروطیت کرمان رسیدند یعنی حکومت کرمان وایالت کرمان هم سالها و حتی تاهمین اواخر بهمین عنوان دراختیار تفنگداران بختیاری بود و اینان مشروطیت خود راازکرمان میگرفتند.

شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی فرزند آقایوسف از خاندان خاندانقلی بیگ افشار بود(که در زمان نادر کشته شد) مجدالاسلام در۱۲۸۸ قمری متولد و تحصیلات ابتدائی خودرا نزد ناظم‌الاسلام بپایان رسانیددر۱۳۰۸ باصفهان‌رفت ودرآنجا بتأسیس مدرسه‌ای همت گذاشت که متأسفانه بعد از یکی دو ماه در اثر فشار روحانیون بسته شد . چندی بعد ناچاربتهران رفت ودرآنجا بامشروطه خواهان همکاری نزدیك ومؤثرداشت درسال۱۳۲۳ که روحانیون‌در شاه‌عبدالعظیم تحصن جستند.

او بجمع آوری اعانه برای آنها پرداخت‌مجدداً دراثرفعالیت های جدی در اوائل ۱۳۲٤ به کلات تبعید شدولی براثرقیام مشروطه خواهان و صدورفرمان مشروطیت‌بتهران بازگشت او روزنامه‌های ندای وطن. محاکمات. کشکول. الجمال را مدتها منتشر ساخت و مدتها مبارزات مفصل کرد. دراواخر عمر بکرمان بازگشت ومدتی ریاست معارف کرمان راداشت ودر ۱۳۰٦ درکرمان درگذشت و درمحلی موسوم به‌تخت درگاه قلی بیك‌موسوم مدفون است.

در شعر وادب ید طولائی داشته است وآثارزیادی ازاو دردست است‌ازجمله‌سفرنامه کلات تاریخ انقلاب ایران ـ شهر خاموشان وغیره.

مرحوم میرزا علی اکبرخان ناظم‌الاطباء کرمانی ازاولین افرادی است‌که درتأسیس مدارس ومکاتب جدیده سعی بلیغ کرده‌اند اوفرزند میرزاحسین طبیب است‌که دراواخرسال ۱۲۸۲ برحسب امر محمد اسمعیل خان وکیل‌الملك حاکم‌کرمان بتهران مهاجرت نمود

و در همین وقت تحصیلات طب خودرا در دارالفنون شروع کرد در ۱۲۸٤ طبیب نظامی فوج مهندسی شد در ۱۲۹۰ بریاست مریضخانه دولتی منصوب شد در ۱۲۹۸ از مریضخانه استعفاء و با میرزا حسین خان سپهسالار به مشهد رفت و چندی بعد دوباره بتهران بازگشت در ۱۳۰۳ باصفهان رفت ودرآنجا بیشتر اوقات خودرا بتألیف وترجمه کتب از زبان فرانسه وتدریس طبابت میگذراند بالاخره بطبابت دربار رسید. ازکارهای عجیب او اینکه درزمانیکه مظفرالدین شاه دستخط مشروطیت را اصادر کرد. لیکن هنوز امر مشروطیت ناتمام بود طبیب مخصوص سهواً و یا کس دیگری عمداً دوای عوضی به مظفرالدین شاه داده و آن مرحوم راگمان این بود که او را مسموم نموده‌اند. نزدیك بود خیالات مالیخولیائی بسر مظفرالدین شاه افتد که فوراً ناظم‌الاطباء که همه‌را مبهوت وشاه را مرعوب دید بقیه دوارا (که درفنجان نگاهداشته بودند واگر طبیب آلمانی دیده بود علناً میگفت این دوا سم است یامضر) ناظم‌الاطبا ملتفت شده که هم بعضی درخطرند وهم خیالات موهوم شاه راتلف میکند فوراً بقیه دوارالاجرعه به سرکشیده وته فنجانرا با آب خالص شسته و نیز آشامیده وگفت نقلی ندارد دوا مضر نیست بعدازآن به معالجه شاه و خود پرداخته تا تا چندی دیگر شاه رانگاهداشت تاامر مشروطیت مستحکم گردید عجیب اینست که ناظم‌الاطبا این راز رابکسی نگفت وراضی نشد که طبیب نادان ازنان خوردن بازماند اوسر بسته در خلوت مضار استبداد ومنافع مشروطیت را به مظفرالدین شاه میرسانید.

ازاو پنج پسر ودو دختر یادگار ماند که میرزا علی اصغرخان مؤدب‌الدوله و سعید نفیسی از جمله آنان میباشند.

گویند روزی که رضاشاه ازکرمان گذشت ودربندرعباس به کشتی نشست رو به یارانی که تاپای اسکله همراه آمده بودند کرد وگفت:

(ازقول من به اعلیحضرت شاه (شاه فعلی) بگوئید که کرمان در زمان من بهره کافی ازآبادی نبرده است اعلیحضرت بایدآنرا جبران کند وکرمانیان هنوز چشم براه انجام این توجه هستند و منتظر که عواملی مناسب شود وآب رفته بجوی بازآید).

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان

بهر کجا که بود سرو قامتی زیبا
بدانکه سایه آن قامت خرامان است
اگر بطرف چمن یاس یا که یاسمن است
وگر بشاخه گل بلبل خوش الحان است
اگر لاله بروید بکوهسار و بدشت
وگر نرگس و نسرین بباغ و بستان است
هر آنچه هست در عالم ز حسن و زیبائی
همه ز پرتو حسن جمال جانان است
کسیکه نقش کند روی گل رخش در دل
چه اعتناء دگرش بر گل و گلستان است
کسی که قصر محبت بدید و منظر دل
چه حاجتی دیگر او را بکاخ ایوان است
لطیفه‌ایست محبت ز نور یزدانی
دلی که نور محبت در اوست شادان است
خوش آن دلی که بود گرم از محبت دوست
مدام شاد و خوش و خرم درخشان است
بیاد دوست توان رست از غم و اندوه
که یاد دوست شفا و دوا و درمان است

ناتمام

نوشته : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)

هفده دی

یـــا

سالروز آزادی زنان

شادروان رضاشاه بزرگ بسیاری‌از آرمانهای‌نیکخواهان ایرانرااز : بنیادگزاری بانگ ملی ـ الغای کاپیتولاسیون ـ یکسان‌کردن رختها و مانند اینها بانجام رسانیدکه هریك بنوبهٔ خود ما را درشاهراه زندگی فرسنگها پیش برد یکی از آنها موضوع‌حجاب بودکه ازهزارسال پیش بانوان ایران‌گرفتارآن بودند .

از سالهای نخست مشروطه نیکخواهان بزیان روگیری زنان پی‌بردند و در اندیشه برانداختن‌آن بودند ولی چون‌بدخواهان ومفتخواران هرپیشرفتی را بزیان‌خودمیدانستند بنام هواداری ازدین درنگهداری زنها درچادرمیکوشیدند.

پس از روی‌کارآمدن رضاشاه‌کبیر که دست بدخواهان ازکارها کوتاه شد وحنای‌مفت‌خواران ازرنگ افتاددرباره زیانهای روگیری‌نویسندگان دلسوزومیهن‌پرستدرروزنامه‌ها گفتارها نوشتندکه سرآمد آنها شادروان احمد کسروی تبریزی‌بودکه ازیکم آذر ۱۳۱۱ به‌پراکندن مهنامه پیمان آغازکرد وازنخستین شماره‌آن زیرعنوان (خواهران و مادران ما) سود وزیان روگیری زنها را درترازوی خردسنجید وبکسانیکه روگیری وپرده‌داری راپاسبان زن میپنداشتند گفت :

« مابدیده می‌بینیم‌که زنان ناپاك هم روبند دارند واین حجاب آنان رااز نابکاری باز نمیدارد» و همچنین بهواداران روگیری زنها که آنرا دستور دین می‌پنداشتند روشن

ساخت که حجاب یا پرده‌داری زنها که پیغمبر اسلام فرموده دو چیز است : یکی آنکه با مردان بیگانه درنیامیزند و دیگر آنکه دربیرون خانه ساده وبی آلایش باشند.

سخنان شادروان کسروی ودیگر هواداران پیشرفت ایران کارخودراکرد و در دلها جا گرفت وزمینه را آماده ساخت وشادروان رضاشاه که خود نیروی محرکه هر پیشرفت بود ازاین آرمان نیك پشتیبانی کرد تا اینکه درهفده دیماه ۱۳۱۴ درتهران و شهرستانها در آغاز بانوان دانشمند و روشنفکر با خشنودی چادر از سر برداشتند ودرسال۱۳۱۵نیز صورت قانونی‌بخود گرفت وهمگانی گردید واین‌بند هزارساله بادست شاهنشاه کبیر گشوده شد .

دردهـای اجتماعی را ز راهش چاره‌کرد

هفده دی پردهٔ جهل زنان را پاره کرد

بـانوان را در شئون زندگی آماده‌کرد

ارزش ونیروی زن گردید زان پس آشکار

رفته رفته لیاقت بانوان آشکار گردید درهای دانشگاه و بیمارستانها بروی آنان‌باز شد واز آن تاریخ دوشادوش برادران خود کوشیدند بویژه درکارهای فرهنگی وبهـداشتی بیش ازمردان شایستگی نشاندادند .

اوایل برخی‌ازبانوان هوسران تند رفتند وخودرا مانندهنرپیشه‌های‌سینمامی‌آراستند وبا آرایشهای زننده که زیبنده بانوان آبرومند ایران نبود درکوچه وخیابان نمایان می شدند و بهانه بدست بدخواهان میدادند .

تا اینکه پس ازشهریور ۱۳۲۰ که بدخواهان زمینه رابرای بدخواهی و کینه‌تـوزی آماده دیدند کوشیدند که دوباره بانوان رابگرفتن رو وادارندا گر چه جز زنان پیر و یا بیسواد دیگران ازروگیری استقبال نکردند ولی چند سالی سنگ راه پیشرفت گردید. از سوی دیگر بانوان دانشمند بخردانه به نبرد پرداختند و شاهنشاه آریامهر نیز در ایـن پیشامدها ازآزادی بانوان پشتیبانی کردند تا اینکه انقلاب سفید شاه و مـردم نقشه‌هـای بدخواهان رانقش برآب کرد وبانوان در انتخابات مجلس شورا وسنا نیزهمگام‌برادران خود گردیدند .

اکنون که دوشیزگان وبانوان ایران بآرمانهای خود رسیده‌اند امیدمندیم‌همانگونه که در درون خانه بپاکدامنی وپارسائی ووفاداری وخانه‌داری شناخته شده‌اند دربیرون‌از خانه نیز ساده وبی‌آلایش باشند وبرای یاری به‌پیشرفت انقلاب سفید شاه ومردم واقتصاد کشور از خریدن وپوشیدن پارچه‌های بیگانه خودداری‌کنند وپیکر خودرا با پارچه‌های ایرانی بیارایند وبااین‌کار نیك روان رضاشاه بزرگرا شادگردانند .

حبیب‌الله فرازمند

بمناسبت ۲۵ آذر—روز مادر

تنها به تو . . . به تو . . . مادرم ! به تو .

مادر ! ترا به رقص وسوسه‌انگیز شعله‌ها
مادر ! ترا به معبد دلدادگان مهر
مادر ! ترا به ایزدان نگهبان راستی
مادر ! ترا به داور دانا ؟ به اورمزد
مادر ! ترا به آنکه نخستین سرود را :
با نام جاودانهٔ «مزدا» سروده بود
مادر ! ترا به پاک‌ترین یادگار تو :
آئین جاودانهٔ نیکان روزگار —
مادر ! ترا به تو ... به تو ... سوگند میدهم ،
هر لحظه از زمان بیادآر اینکه من :
مهر ترا همیشه بدل جای داده‌ام .
نقش ترا همیشه و هرکجاکه بوده‌ام
تصویر کرده‌ام ،
تعظیم کرده‌ام ،
و ... نیایش که : «مادری»

٭

اینك برای‌تو سوگند میخورم :
بعداز خدا ،
(که تو آموختی بمن :
او آفریدگار هستی هر آفریده‌ایست)
بعد از نیایش وخشور راستین ،
(گز گفته‌های تو آموختم‌که او :
کیش‌خداپرستی انسان بنا نهاد .)
بعد از اطاعت آئین جاودان ،
(کاین درس عشق به آئین ، هم از تو بود .)
تنها بیاد تست‌که درخواب میروم
هر شامگاه‌که تا خواب بینمت .
تنها بیاد تست‌که بیدار میشوم
هر بامدادکه آغاز زندگی‌است .

٭

بیدار میشوم‌که عاشقانه ستایش‌کنم ترا
زیراکه عاشقانه به تو مهر بسته‌ام .
تنها به تو... به تو... مادرم ! به تو .

۲۳ آذرماه ١٣٤٤

تشکیل مجلس معارفه بمنظور آشنائی با جناب آقای هرمزد تلیارخان وزیر مسکن استان مهاراشترا هندوستان

بمنظور آشنائی با جناب آقـای هرمزد تلیارخان یکی از شخصیتهای سیـاسی و اجتماعی هندوستان ویکی از اعضای هیئت حسن نیت هندوستان انجمن زرتشتیان تهـران ازهمکیشان خود دعوت نمود که روز پنجشنبه ٤٤/٩/٢٥ ساعت سه بعد ازنیمروز در تالار خسروی حضور بهم‌رسانیده وازین شخصیت عالیقدر زرتشتی دیدن نمایند با آنکه فرصت دعوت بسیار اندك بود معهذا عده کثیری از همکیشان که ازین خبر اطلاع حاصل نمـوده بودند با اشتیاق وشتاب خودرا بمحل موعود رسـانیده وبرای دیدارجناب آقای‌تلیارخان دقایقی را بانتظار گذرانیدند .



مقارن ساعت ۳ وسه‌ربع معزی‌الیه بتالار خسری ورود نمودند . حضار برپاخاسته باکف زدن ممتد ایشانرا بگرمی استقبال نمودند .

تلیارخان بآرامی ازبین جمعیت گذشته وبافروتنی وپاسخ به ادای احترام به پشت میز خطابه قرار گرفتند دراین هنگام حلقه گل زیبائی توسط سرکار بانو مروارید گیو به

بقیه درصفحه ۵۸



بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس معارفه با جناب آقای هومی (هرمزد) تلیارخان وزیر محترم هندوستان

جناب آقای هومی تلیارخان وزیر محترم هندوستان
بانوان و آقایان ارجمند .

جای بسی خوشوقتی و مسرت است که امروز جناب آقای هومی تلیار خان که از پارسیان عالیمقام و از شخصیتهای برجسته هندوستان هستند دراین مجلس تشریف دارند وحضار گرامی بدیدار وملاقات ایشان نائل میگردند وایشانهم پس از سالیان دراز که آرزوی



زیارت سرزمین مقدس ایران ودیدن زادگاه اجداد ونیاکان نامدار وهمکیشان زرتشتی را داشته واینك نصیبشان گردیده آثار شادمانی برچهره‌شان نمودار است .

اینست که بنده بنمایندگی جماعت زرتشتیان ایران ورودشان رابخاك مام میهن صمیمانه تبریك وشادباش عرض مینمایم .

جناب آقای هومی تلیارخان در ٤٨ سال پیش قدم بعرصه وجود گذاشته و تحصیلات خودرا دردانشگاههای بمبئی ولندن بپایان رسانیده وسالها از اعضای فعال حزب کنگره ملی دربمبئی و سه بار نیز بنمایندگی مجلس قانونگذاری استان بمبئی انتخاب گردیده است .

جناب آقای هومی تلیارخان در ۹ سال پیش همراه یك هیئت حسن نیت بدعوت حضرت پرزیدنت ترومن بایالات متحده امریکا سفر کرده وبعداً بمعاونت پارلمانی ریاست وزراء حکومت استان مهاراشترا که مرکز آن بمبئی است انتخاب شده ودرپنج سال پیش نیز بسمت وزارت بهداشت عمومی انتخاب گردیده است وبعلاوه باسازمانهای مهم فرهنگی واجتماعی دربمبئی نیز همیشه همکاری داشته است.

اخیراً نیز جناب آقای هومی تلیارخان که فعلا در مقام وزارت مسکن ادارات ، انتشارات وخزانه وجهانگردی استان مهاراشترای بمبئی رانیز تحت نظر دارند از طرف دولت معظم هندوستان باپنج تن دیگر ازشخصیتهای برجسته هند بعنوان هیئت حسن نیت پس ازبازدید ازچندکشور خاورمیانه بتهران تشریف آورده‌اند.

جناب آقای هومی تلیارخان علاوه براینکه همیشه وجود باشخصیت ومفید وخدمت گزار لایق وپرارزشی برای دولت وملت شریف ونجیب هند بوده نسبت بزرتشتیان ایرانی بمبئی نیز همواره راهنما ومددکار وخیرخواه بوده‌اند.

ما امیدواریم جناب آقای هومی تلیارخان وهمراهان عالیمقامشان ازکشورشاهنشاهی ایران باسوابق تاریخی و دوستی کهن فیمابین با خاطرات خوش ایران را ترك نموده و درود فراوان وپیام محبت آمیز مارا نیز بعموم خواهران وبرادران گرامی پارسی هنداعلام دارند.

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

سخنرانی جناب آقای هومی تلیارخان در مجلس معارفه انجمن زرتشتیان تهران

سناتور محترم جناب آقای ارباب‌رستم گیو رئیس انجمن - خانمها و آقایان

از مراتب تجلیل وسخنان محبت‌آمیز جناب آقای رئیس بسیار سپاسگزارم نه تنها ازطرف پارسیان یعنی زرتشتیان هند بلکه ازسوی‌عموم اهالی آنجا درود فراوان و سپاس تقدیم میدارم .

من سالها بود آرزوی آن داشتم که ازکشور شما وهمکیشان خود دیدن نمایم‌خوش‌بختانه سعادت یاری نمود که با اعضای هیئت حسن‌نیت مـأموریت آمـدن بکشور شمـا یافته وازدیدارهمکیشان خود برخوردار گردم من یقین دارم عده‌ای از شما رابطه مستقیم باکشور هند داشته واگرهم رابطه تجاری واقتصادی نداشته‌اند ازیك پیوند معنوی‌دیرین



بامردم هند و پارسیان برخوردار بوده اند متقابلاهم مردم هندوستان خودرا باشما مردم ایران دوست و برادر میدانند بسیاری ازعادات ورسوم مشترکا ازدوران بسیارقدیم ما بارث داریم واینك نیز یقین است که هردو ملت از این حسن روابط شادمان و در تحکیم آن کوشا هستند .

من ترقیاتی راکه درکشور شما مشاهده نمودم با آنچه که در روزنامه ها و گزارشها خوانده ام قابل قیاس نیست بحقیقت من شاهد ترقیات شگرفی درکشور شما هستم که برای من تصورش قبلا غیرممکن بود .

آنطوری که من احساس نمودم این ترقیات برق آسا مدیون رهبری وحمایت شاهنشاه آریامهر است ودرضمن لازم است تصریح نمایم که استعداد ذاتی وتلاش ملت ایران نیزعامل پذیرش چنین ترقی که درتحت راهنمائی وپیش برد شاهنشاه آریا مهر نصیب کشور شما گشته مثمرثمر بوده است .

مسرت دیگری که بمن دست داده آنست که همه شمارا درکوشش و کار خود موفق می بینم وهمه را دریك آسایش وشادمانی مساوی مینگرم و باز باید بگویم این کامیابی ها مدیون بذل توجه شاهنشاه شماست که همواره ناظر برترقیات این کشور است ومیدانم شما زرتشتیان همواره از عنایات مخصوص شاهنشاه آریا مهر برخوردار هستند چنانچه سایر هم میهنان شما هم ازآن موهبت بهره مندند .

بسیار شادمانم که زرتشتیان ایران همانند سایر برادران خود شهرت نیکی را در جهان برای خود حفظ نموده ودرنتیجه انجام خدمات اجتماعی ونیکوکاری مورد احترام هستند دراینجا نیز می بینم ومیشنوم که چه درتهران وچه در یزد وچه در کرمان خصایل ذاتی خودرا حفظ نموده در خیرخواهی پیوسته حسن نیت از خود نشان میدهند همانطور که شما برای کشور خود مردمان مفید هستید ما پارسیان نیز درهندوستان خدمات شایان توجهی دررشته های مختلف انجام داده ایم که ازقدردانی وتوجه مخصوص مردم هندوستان برخورداریم و ازاینطریق روابط صمیمانه خودرا باسایر مردم و اهالی هند تضمین نموده همانگونه که بین زرتشتیان ایران وپارسیان هندوستان این صمیمیت برقرار است ماپارسیان یا بهتر بگویم زرتشتیان مقیم هندوستان نه تنها در رشته مختلف خدمات اجتماعی از قبیل فرهنگ وهنر و بهبود بخشیدن اوضاع عمومی موفقیت داشته ایم بلکه قسمت اعظم صنعت و اقتصاد هند را پایه گذار بوده ووظیفه اساسی رابرعهده داشته وداریم

خدمات ما محدود بطبقه پارسی نبوده بلکه بادید وسیعتری نسبت بسایر هم میهنان خود گسترش داشته است .

باآنکه مازرتشتیان از حیث تعداد درجهان زیاد نیستیم معهذا از هرکشوری که دیدن نمودم توانستم عده‌ای ازهمکیشان خودرا ملاقات نمایم البته در ایران تعداد قابل توجهی هستندکه شنیدن ودیدن موفقیتهای آنها مرا خوشحال میسازد.

دیروزکه تأسیسات ومؤسسات فرهنگی- درمانی واجتماعی انجمن شما رادیدم بسیار برای من افتخار آمیز بود و من خوشوقت شدم که نه‌تنها این مؤسسات مورد استفاده زرتشتیان است بلکه می‌بینم که همه هم‌میهنان شمااز آن بهره برمیگیرند اینهانتیجه‌تعالیم عالیه مذهبی ماست که همه زرتشتیان جهان از آن پیروی نموده و خوشبختانه سرمشق زندگانی آنها قراردارد.

درتمام این فعالیت‌ها بمن ثابت شدکه شما لیاقت و شایستگی آنرا دارید که مقام ارزنده‌ای را دراجتماع بدست آورید یقیناً بااین روش نیکوکارانه خداوند همیارومددکار شما خواهد بود وهمین رویه است که توانسته‌اید قرنها خودرا حفظ واحترام دیگران را بخود جلب نمائید واینک‌نیز از حمایت شاهنشاه خود برخوردار باشید اینها همه نتیجه خدمات صادقانه شماست و با این تدبیر پیشرفتهای بیشتری نصیب شما خواهد گشت.

قرار است روز شنبه افتخار شرفیابی بحضور شاهنشاه آریامهر نصیب هیئت‌حسن‌نیت شود در آن‌موقعیت نیکو هدف هیئت‌که خدمت بتحکیم مبانی دوستی بین دوکشور است بعرض خواهد رسید.

دوستی ایران وهند سوابق قدیمی دارد از اینجهت هیئت‌اطمینان دارد که‌این‌دوستی را تحکیم بخشیده ووظیفه‌ای که برعهده گرفته باکمال صداقت انجام خواهد داد. اصولا مردم هند صلحدوست و از تعالیم رهبری چون گاندی برخوردارند که صلح وصفا رابرای همه مردم جهان خواستار بود و آنرا با ایمان‌کامل بجهانیان آموخت روانشاد نهرو نیز پیرو همین مکتب بود وبرای تأمین‌صلح درجهان میکوشید.

اینك بانهایت مسرت وایمان کامل بعرض میرسانم که شاهنشاه خردمند شماهم در جهان به صلح‌خواهی شهرت نیك یافته ودر تأمین وبرقراری آن‌همواره کوشیده وحسن‌نیت خود را نشان داده است‌برای‌ما مسلم است‌که مقصود ماهم مورد حمایت معظم‌الیه خواهد بود.

هند آرزومند است‌که باهمسایگان خود وبالاخص با پاکستان عوالم صلح و دوستی داشته باشد ویقیناً این مراتب تأمین خواهدگشت ما درجهان برای صلح وحفظ استقلال خود تلاش میکنیم و تحقق این آرزو را برای همه ازخداوند خواستاریم.

درکشور هند برای تمام طبقات ومذاهب مساوات تأمین است وهیچگونه محدودیتی

برای کسی قائل نیستیم کما اینکه پنجاه میلیون مسلمان در هندوستان که بعد از کشور اندونزی و پاکستان جمعیت قابل توجهی هستند باکمال آزادی و برابری زندگی میکنند و بدون هیچگونه امتیازی نسبت بدیگران ازآسایش برخوردارند.

مسلمانان هندوستان نیز همانند سایر هممیهنان خود آرزومند سربلندی هند بوده داشتن روابط صمیمانه با تمام ملل جزء آرمان آنهاست وبارها ازدولت پاکستان درخواست نموده اند که روابط صمیمانه خودرا با هند توسعه بخشند دولت وملت هند نیز آرزومندند که که با تمام دول وخاصه باپاکستان درصلح وصفا بسر برند.

ما همواره آزادمنشی وحسن نیت خود را بجهانیان نشان داده و اینك نیز امیدواریم ملاقاتی که در آینده نزدیکی بین سران دوکشور در تاشکند دست میدهد سوء تفاهمات موجود رفع ودوستی جایگزین آن گردد.

ماهر دوملت هند وپاکستان درعالم صنعت و اقتصاد درحال توسعه و آغاز امر قرار داریم وبیش ازهمه بصلح وآرامش نیازمندیم ویقیناً توفیق هردوملت مدیون برنامه ریزی صنعتی واقتصادی صحیح است که با همکاری مقدور خواهد بود همانگونه که درکشور شما عمل شده و به نتیجه نیکوئی سرانجام یافته است و با اینطریق ترقی سطح زندگانی برای مردم کشور تحقق یافته است.

بعقیده من ایجاد حسن تفاهم بین کشورها تنها ازطریق سیاسی مقدور نیست بلکه از طریق مبادلات تجاری - فرهنگی - هنری - ورزشی - توریستی وديد وبازدیدهای سیاسی بهتر تأمین میگردد.

در این دوروزه ملاقاتهائی که هیئت بامقامات اقتصادی - بازرگانی و صنعتی داشت همه را علاقمند بتوسعه روابط دیدیم شما زرتشتیان نیز که از دیرزمان روابط اقتصادی باما داشته اید اینك نیز میتوانید نقش مهمی را درتحکیم آن داشته باشید.

قبل ازاینکه بمطالب خود پایان بخشم باید بگویم که دیدار شما همکیشان برای من بسیار لذت بخش بود واز این همه عنایتی که جناب آقای رئیس در ضمن بیانات خود نسبت بمن ابراز فرموده وهمچنین ازدیگر اعضای انجمن و بانوان و آقایان حاضر در مجلس سپاسگزارم آرزوی قلبی من آن بودکه فرصت بیشتری برای دیدار همکیشان یزد وکرمان داشته باشم اینك که اشتیاق تحقق نیافت امیدوارم درآینده فرصت نیکوتری نصیب من گردد.

باردیگر باسپاسگزاری ازهمه همکیشان بسخنان خودپایان میبخشم.

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن زرتشتیان تهران در پاسخ به بیانات جناب آقای هومی (هرمزد) تلیارخان وزیر محترم هندوستان و عضو هیئت حسن نیت هند اعزامی بایران

جناب آقای هومی تلیار خان من ازطرف خود وحضار محترم ازشنیدن بیانات شیوا وآموزنده جنابعالی صمیمانه سپاسگزاری مینمایم.

بطوریکه از چهره فردفرد بانوان و آقایان مشهود است همگی از دیدار جنابعالی مسرت خاطردارند و درخود احساس غرور و افتخار مینمایند.

بااین فرصت کم مقدور نبودکه بتوانیم تمام همکیشان خود را برای حضور در این مجلس باخبرسازیم تادراین مسرت همگانی شرکت جویند و یقیناً ازاین توفیقی که‌نیافته‌اند متأسفند همچنین زرتشتیان یزدوکرمان که انتظار واشتیاق فراوان بدیدارشما دارند متأثر خواهند گشت اما امید است همانطورکه وعده فرمودید در آتیه نزدیکی با فرصت بیشتر بکشور ماآمده ازتخت جمشید، ویزدوکرمان و سایرنقاط دیدنی و دیگرهمکیشان مادیدن نمائید این موجب افتخار ماست که بازدیـد از مؤسسات اجتماعی ما جنابعالی را مسرور داشته است بحقیقت باید بگویم که پارسیان هندوستان نخستین پایه گذار آن بوده‌اند ولی زرتشتیان ایران نیز بـا شایستگی ذاتـی خود بر آن افزوده و بصورت مدرن و کاملتری امروزی بوجود آورده‌اند ما میدانیم که شما پارسیان در هندوستان این خدمت را بنحو بزرگتر و وسیعتر انجام داده‌اید که در حقیقت موجب اعجاب تمام مردم جهان است من من نیز دردو سال پیش هنگام شرکت در دومین کنگره جهانی زرتشتیان شاهد عظمت آن بودم ودر برابر آنهمه تأسیسات بحیرت افتادم وبا این طریق رازعزت واحترام شما را در میان جمعیت کثیر هند دریافتم.

خوشبختانه زرتشتیان ایران **از آغاز دوره پرافتخار پهلوی** که فرصت ابراز لیاقت یافته آنچنان در ایـن میدان کوشیدندکه امروز ما دارای عـده قابل توجهی از افراد تحصیلکرده و دانشمند دررشته‌های مختلف پزشکی مهندسی ومعماری ـعلمی وادبی

بقیه در صفحه ۵۹

از : دارا نورافروز کرمانی

مهر مادر



من اگر مهر پرستم تو مکن منع دلم — که سرشتند باین مهر همه آب و گلم
شهرهٔ شهر بد از روز ازل تا به ابد — مهر مادر که من اورا بجهانی نهلم
همه خوئی نه بنام است چو این قدسی خوی

☆☆☆

گوهر کان عزیزان جهان مادر هست — یار و دلدار همه عالمیان مادر هست
کس درین پایه و این رتبه بپایش نرسد — وانکه عمریست دو چشمش نگران مادر هست
همه روئی نه گرام است چو این قدسی روی
عشق میورزد و پروانه صفت میبازد — جان شیرین زبس اوسوزد و هم میسازد
دل پرخون وی ازلاله حمرا بدراست — داغ این لاله شررها بجهان اندازد
همه مشکی نه چو این لاله بود قدسی بوی

☆☆☆

کلك بی قدرت من قادر تـوصیفش نیست
کی توان گفت که این موهبت علوی چیست
فقط اینقدر توان گفت که ای دوست فقط
یار مطلق به جهان خواهی اگر جز او نیست
زیر پایش همه جنت بود ای قدسی جوی

نامه‌های رسیده

نامه‌ای از آقای خسرو فریدون وخشوری بدفتر مجله رسیده که درآن ازدومطلب بحث نموده است :

نخست راجع بنامه آقای مژگانی که‌راجع بروش دفن نگاشته ایرادگرفته وببرخی نوشته‌ها هم استناد نموده‌اند .

چون یادآوری آقای وخشوری از احساسات مذهب‌خواهی سرچشمه گرفته وناشی‌از علاقه برسوم وعادات تحمیلی گذشتگان است بنابرین باید آنرا قابل احترام دانست اما درعین حال لازم است توجه داشته باشندکه مذهب زرتشت وتعالیم این‌پیامبر بزرگ‌بر‌پایه خرد و اندیشه نهاده شده است و ازاینجهت دانشمندان جهان آنرا مذهب تعقلی دانسته‌اند نه تعبدی - چنانچه درسراسرگاتاهام پیروی از اندیشه نیك وخرد پاك پرمان رفته و بدوری ازآنچه‌که خردپسند نباشد دستور صریح داده شده است وازطرف دیگر چون این مذهب یك آئین جهانی وجاودانی است - تغییر وتائید رسوم وعادات ویابزبان دیگرفروع دین بدست بزرگان و خردمندان وقت سپرده شده تابا مقتضیات زمان‌ومکان‌عادات ورسوم رامنطبق با اصول مذهب برقراردارند.

بنابراین آنچه‌که غیر قابل تغییر میباشد اصول مذهب است یعنی اندیشه نیك - گفتارنیك - کردارنیك وهمانندآن وبسیاری از تعالیم اصولی دیگرکه ذکر آن در اینجا سخن رابدرازاخواهدکشید . درهرحال چنانچه رویه غیرازین‌باشد بمفهوم حقیقی مذهب عمل نشده است .

مطلب دوم آقای وخشوری راجع بآئین شادی و شادمانی درمذهب زرتشتی است‌که درنامه خود یادآور شده ومورد تائید ایشان است - این حقیقتی است مسلم ونیازباستدلال ندارد وآنچه هم انجمن محترم زرتشتیان‌تهران‌راجع بروزهای پرسه‌داری دراطلاعیه‌خود یادآورشده‌اند برمطالعات دقیق دانشمندان جماعت متکی بوده وازاصول خردپسندی که‌از تعالیم مسلم اشوزرتشت سرچشمه گرفته پیروی شده است .

نامه دوم

از دوشیزه شهناز سروش رسیده‌که درآن پرسیده‌اند (تعداد آتشکده‌هائی که در ایران ساخته شده چندبوده واکنون چه آثاری ازآنها باقی میباشد ودرصورت امکان نام ده آذرکده راخواسته‌اند)

هوخت – در زمان ساسانیان وپیش ازآن درهرشهر وده آتشکده‌ای برپا بوده که آثار بسیاری ازآن درکشور وبخصوص در استان فارس هنوز باقیست ودر کتابهائیکه راجع بآثار باستانی نوشته شده بانشانی ازآن ذکر شده است اما معروفترین آتشکده‌های باستانی که در تاریخ ازآن باحترام یاد شده عبارتند از :

آتشکده آذرگشسب در آذربایجان – آتشکده آذرفرنبغ درکاریان فارس– آتشکده آذربرزین مهر درخراسان . ازآنگذشته درکتاب مورخین بنام آتشکده‌های دیگر هم برمیخوریم که از اینقرارند :

۱- آذرنوش ۲-آذربهرام ۳-آذرآئین ٤- آذرزرتشت ٥- آذرآباد ٦ - رام برزین ۷ - خورداد به ۸- آتش کوشید ۹- آتش توس ۱۰- آتشکده بادا ۱۱- سروش آذران ۱۲- آتشکده بومپیر ۱۳- آتشکده بومجوان ١٤- کی‌اردشیر آتشکده ١٥- آتشکده پشاور۱٦- آتشکده کنگ دژ ۱۷ - ارجان ۱۸ -نیشابور ۱۹ -نسا ۲۰ - اسپینا ۲۱- آز خدا ۲۲ - مهرنرسی ۲۳- هزابند - ۲٤ استیناس ۲٥ - استخر ۲٦ - نیاسرکاسان ۲۷ - پارسا گرد ۲۸ - آتشکده شاپور ۲۹ - همچنین آتشگاه معروف باکوراکه هنوزهم آثارآن باقیمانده میتوان نام برد.

ضمناً باید درنظر داشت که دردوران باستان پیشاپیش سپاهیان ارابه‌ای کـه در آن مجمری ازآتش فروزان قرارداشته وآنرا نماینده قدرت شاهنشاه میدانسته‌اند در حرکت بوده واین مجمر فروزان پس ازفتح‌وغلبه برهر شهر وکشوری بابنای‌مخصوصی(آتشکده) درآنجا مستقر میداشته‌اند چنانچه در بسیاری ازکشورهای انیران (غیرایرانی) آثار آن کشف شده است وگاهی هم بنام معبد مهرکه همان درب مهرباشد خوانده‌اند . این سنت هم اکنون هم در مراسم ورزشهای بین‌المللی المپیا پیروی شده وآتش‌مخصوص ازآتن‌حمل ودرمیدان ورزشی مستقر میگردد.

این بود اندکی از آنچه‌که درکتابهای بسیار یاد شده و امید است دانشمندان و نویسندگان محقق کمر همت بر بسته تاریخچه آتسکده‌ها را بتفصیل گردآوری وکاری که‌تا بحال نشده بسرانجام نیك رساند .

نامه سوم

بامضای یکنفر ناشناس زرتشتی رسیده که بعلت‌ناشناس بودن امضای نویسنده ازانعکاس آن خودداری میشود اما درضمن ازمراجع واجد صلاحیت برای تحقیق ارسال ودرصورت تحقق واقتضا نتیجه رامنعکس واقدام لازم مبذول‌خواهد شد.

شماره ۱۰٤۹
تاریخ ٤٤/۹/۲۲

انجمن آثار ملی

اداره مجله گرامی هوخت

مقاله دانشمند گرامی جناب آقای اردشیر جهانیان در بارهٔ کتاب اقلیم پارس که در شمارهٔ ۹ آذرماه ۱۳٤٤ درج گردیده طی آن شرح بسیار جامع وشیوائی راجع بآثار تاریخی گرانقدر ونفیس ایران مرقوم رفته ضمناً نسبت بهانجمن آثار ملی و مؤلف کتاب نامبرده ابرازلطف فراوان فرموده بودند ملاحظه وموجب نهایت سپاسگزاری گردید.

یقین دارد اینگونه عنایات وتشویق وتوجه بهرگونه خدمت مربوط بآثار باستانیو یادگارهای تاریخی در امر تعمیر ونگهداری وپاسداری آنها ودلگرمی کسانی که بدینگونه وظائف ملی اشتغال و دل خوش دارند بیش از پیش مؤثر بوده امیدواری به ادای حق شایسته‌تر مفاخر فرهنگی ایران ومیراث معنوی این مرز و بوم را بسی افزایش خواهد داد .

پیوسته مزید توفیق نویسندگان محترم وکارکنان ارجمند آن مجله گرامی را از پروردگار بزرگ مسئلت مینماید .

رئیس هیئت مدیره

سپهبد آق‌اولی

هوخت ـ از این‌همه عنایت‌وموهبتی که نسبت‌بنویسندگان‌این مجله ابرازفرموده‌اند بی‌نهایت سپاسگزار است وتوفیق همه خدمتگزاران به شاه ومیهن را ازدرگاه‌اهورامزدا خواستار است.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم‌خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم‌هرماه‌مجله‌هوخت نرسد بداروخانه داریوش‌ویاچاپخانه‌راستی تلفن۳۹۶۲٤اطلاع‌دهندوهمچنین آنهائیکه‌مایل‌باشتراک‌مجله‌هستند میتوانند تلفناً نام وآدرس خودرااطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله‌برایشان فرستاده شود .

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)
دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

پاکمردان یا پیامبران

برتری داده به انسان با «روان» پروردگار
کرده او را با «خرد» دارای ارج و اعتبـار

آدمی شد آفریده واجد «جان» و « روان »
داده شد روز نخست انـدر کف او اختیـار

پستی وخودخواهی وآز و ستم از جان بود
هر زمان اندیشهٔ نیك از روان شد استوار

سنجش هر نیك و بد اندر جهان شد با خرد
بر خردها پاکمردان گشته‌اند آموزگـار

کشور ایران کزو برخاسته (زرتشت) پاك
گشته‌اند ایرانیان ز آیین پاکش رستگار

گفت او من می‌ستایم راستی را در جهان
مـی‌ستایم همچنان مرد و زن پـرهیزکار

او نخستین رهبر یکتا پرستی بـوده است
نام او تـاریخ ایران را نشان افتخـار

خواند (موسا) قوم اسرائیل بر دین پـاك
گشته از فرمان دهگانه کلیمی کامکار

بقیه در شماره آینده

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ ـ آقای مهندس کیخسرو اهورائی فرزند آقای موبد بهمن بادوشیزه بهدخت سلامت دخت آقای خدارحم در ٤٤/۹/۳

۲ ـ آقای خدارحم پور بمانی چم فرزند بهرام بادوشیزه فیروزه نوشیروانی چم دخت آقای بهرام در ٤٤/۹/۱۲

۳ ـ سرکار ستوان یکم پرویز ماندگاران فرزند آقای کیخسرو با دوشیزه همایون مهرانی دخت آقای مهندس خسرو مهرانی در ٤٤/۹/۱۸

سدره پوشی

۱ ـ آقای کامبیز بهرام فروغی در ٤٤/۹/٦ ازطرف خودشان درمنزل

۲ ـ دوشیزه مهیندخت اردشیرخادمی در ٤٤/۹/۱۲ ازطرف آقای فریدون ابن فریدونیان درمنزل

۳ ـ آقای شاپور شهریار اهورائی زاده در ٤٤/۹/۱۲ ازطرف آقای فریدون ابن فریدونیان درمنزل

درگذشتگان

۱ ـ روانشاد گشتاسب بهرام کیوانـی در ٤٤/۸/۲۵

۲ ـ روانشاد خداداد بمان پارسائی یزدی در ٤٤/۹/۱۱

۳ ـ روانشاد گوهر بامس فـرهنگ نژاد در ٤٤/۹/۱۹

٤ ـ روانشاد ظهراب جمشید خسروپور در ٤٤/۹/۲۱ از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد باد.

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ آقای ارباب مهربان مهروزیاد ۷۰۰ ریال

۲ ـ آقای ارباب مهربان منشنی ٤۰۰ ریال

۳ ـ « گشتاسب حافظی	٤۰۰ «
٤ ـ خانواده کاجی	۳۰۰ «
۵ ـ بانو سهرابی	۲۵۰ «
٦ ـ خانواده کیوانی	۲۰۰ «
۷ ـ آقای رستم ستوده نیا	۲۰۰ «
۸ ـ خانواده روانشاد گوهر رشید	۵۰ «
جمع	۲۵۰۰ «

دهش خیر اندیشان

۱ - توسط آقای ارباب خدامراد ایدون دهش سرکار بانو هماایدون برای مصرف خیریه ۵۰۰۰۰ ریال

۲ - سرکار بانولعل نوذر جمشیدیان به‌مناسبت سرسال روانشادان پدر و مادر گرامیشان برای کمك به نیازمندان ۱۰۰۰۰ ریال

۳ - آقای ارباب هرمزدتیمساری بمناسبت سرسال روانشاد شیرین مهربان تیمساری مادر گرامیشان برای کمك به نیازمندان ۳۰۰۰ ریال

جمع ۶۳۰۰۰ «

دهش خیر اندیشان اثاثیه

دهش آقای شاپور مهرشاهی بنامگانه‌شادروان‌ارباب‌برزوشاپور پدر گرامیشان نیاز آدریان میز آهنی یکدانه

۲ - دهش پریچهر ارباب مهربان فرین نیاز آدریان دیك‌آلمینیوم۱دانه

۳- دهش‌دولت خانم‌گیو نیازآدریان‌فنجان چینی چایخوری یکدست ایضاً کارد آشپزخانه ۶ دانه .

۳ - دهش‌تاج‌خانم‌رشیدی بنامگانه‌روانشاد هرمزان برزو رشیدی نیاز آدریان سماور نفتی یکدانه

۵ - آقای‌بهرام رستمی بنامگانه روانشاد شاپور رستمی عصرآبادی نیاز کاخ فیروزه دولچه مسی یکعدد

۶ - آقای خداداد‌خدابخش راحت‌آبادی نیاز شاهورهرام ایزد سماورنفتی‌یکعدد

۷ - دهش‌گل بانوخانم سفرنك نیاز شا[هو]رهرام ایزد چراغ مهتابی بزرگ یکعدد

۸ - دهش آقای تیرداد سروشیان نیا[ز] شاهورهرام ایزد بشقاب مسی ۳ دانه

شاهورهرام ایزد

۱ - آقای ایدلجی ایدلجی	۲۵۰ریال
۲ - « شاهبهرام ستوده	« ۲۰۰
۳ - « رستم‌کسرائی	« ۱۵۰
٤ - بانو همایون مزدائی	« ۱۵۰
۵ - آقای هرمزدیار تیمساری	« ۱۰۰
۶ - آقایان‌بهرام انوشه ـ کیخسرو خوشرو رشید فرامرزیان- جاماسب‌فره‌وشی‌جمعاً	« ۱۸۰
جمع	« ۱۰۳۰

گواه‌گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای مهندس کیخسرو اهورائی بابت گواه‌گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای خدارحم پوربمانی جم بـابت گواه‌گیری ۱۵۰۰ ریال

۳ - سرکار ستوان یکم پرویزماندگاریان ۱۵۰۰ ریال

جمع ٤۵۰۰ریال

سالن ایرج - پرسه

۱ - وراث روانشادگشتاسب بهرام‌کیوانی ۳۰۰ ریال

۲ - وراث روانشاد خداداد بمان پارسائی ۲۰۰ ریال

۳ ـ وراث روانشاد کیخسرو رشید کیخان زاده ۲۰۰ ریال

٤ ـ وراث روانشاد گوهر فرهنگ نژاد ۲۰۰ ریال

۵ ـ وراث روانشاد ظهراب خسرو پور ۲۰۰ ریال

جمع ۱۱۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۷۸٦ نفر
« دندانپزشکی	۱۸٦ «
« داروخانه	۵۳۲ «
« آزمایشگاه	۱۱۱ «
« تزریقات و پانسمان	۳۹٦ «
« بخور پنیسیلینی	۱۰ «
« دیاترمی	٦ «
واکسن و باتزریق شده	۱۸٦ نفر
جمع	۲۲۱۳ نفر

شرکت محترم نسبی فرهنگی وشرکاء برای مصرف بیماران بی‌بضاعت تعداد یکصد عدد پنسیلین بدرمانگاه یگانگی اهداء نموده است.

یزد

از : آقای نسیمی

سدره‌پوشی

۱ ـ روز انارام ایزد وشهریورماه برابر ۲٤ شهریورماه ٤٤ بمناسبت سر سال روانشاد ارباب رستم خدایار خدایاری

آقایان رستم میدوزرمگاه فرزند شهریار و هرمزدیار جوانمردی فرزند رستم سدره پوش شدند.

۲ ـ روز آذرایزد وآذرماه برابر ۳ آذر ماه ٤٤ بمناسبت سرسال روانشاد بانو آزرمیدخت رستم کی‌نژاد رئیس سابق جلسه بانوان زرتشتی یزد :

دوشیزگان سرور سیوشانسی فرزند کاوس و پوران سیوشانسی فرزند کاوس سدره‌پوش شدند.

۳ ـ روز گوش ایزد وآذرماه برابر ۸ آذر ٤٤ آقای هرمزدیار اردشیر خورشیدیان بمناسبت سرسال روانشاد مادرشان سلطان رشید. فرزندشان رشید خورشیدیان را سدره پوش کردند.

٤ ـ روز دی بمهر ایزد و آذرماه برابر ۹ آذرماه ٤٤ بمناسبت سرسال روانشاد ارباب سهراب رستم کیانیان رئیس سابق انجمن زرتشتیان یزد ـ آقایان رشید ماوندادی فرزند کیخسرو ـ اسفندیار غریب شاهی فرزند خداداد ـ جهانگیر فرودی فرزند شهریار سدره پوشی شدند

۵ ـ روز زامیاد ایزد وآذرماه برابر ۲۲ آذرماه ٤٤ بمناسبت سرسال روانشاد ارباب جمشید پرریز پرویزیان : آقایان گشتاسب خاوریان فرزند خدارحم وخدامراد کاجیان فرزند گشتاسب سدره پوش شدند.

انتخاب هیئت مدیره

روز آدینه ۵ آذرماه ٤٤ انتخاب دوازده نفر اعضای هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی یزد بعمل آمد و درنتیجه آقایان زیر انتخاب شدند.

فریبرز نسیمی رئیس

شهریار خدایاری نایب رئیس
هرمزدیار خورشیدیان - صندوقدار و حسابدار
جمشید رشید رهبر امور مالی
مهندس سیروس دیانت مدیر داخلی باشگاه
مهندس باستانی مدیر دفتر و کتابخانه
شاهبهرام کیانیان بازرس
فریدون گشتاسبی مربی زیبائی اندام وهالتر
سهراب نیکجو بازرس
رستم امانت بازرس
مهندس بهرام پیمان مدیر قسمت نمایش و موسیقی
کیخسرو مدامی بازرس

دهش خیراندیشان

آقای دکتر مهربان شهرویتی درماه گذشته مبلغ هزارریال ببودجه سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد کمك نمودند که موجب سپاسمندی است.

مجلس جشن و مسابقات در سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد

روز دهم آذرماه ٤٤ ازساعت ٤/٥ مجلس جشن در سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد برپا بود وجناب آقای فرماندار محترم ونماینده محترم وزارت اطلاعات - رئیس محترم اداره کل آموزش و پرورش - کفیل محترم شهربانی - رئیس محترم کشاورزی - معاون محترم فرمانداری و عده‌ای ازشخصیت‌های فرهنگی و اداری وبانوان وآقایان زرتشتی حضور داشتند.

برنامه جشن عبارت بودازسرودشاهنشاهی خیرمقدم وگزارش توسط آقای نسیمی - مسابقات بسکتبال و پینگ پنگ - نمایش فیلم شاهنشاه آریا مهر - بازدید جناب آقای فرماندار وجناب



آقای رئیس آموزش وپرورش واعضاء انجمن تربیت بدنی ازسالنهای زیبائی اندام ـ هالتر ـ پینگ پنگ ـ دفتر ـ کتابخانه وسالن نیمه‌تمام جماعتی هنگام بازدیدازسالن جماعتی‌جناب آقای‌فرماندار سئوال نمودندکه چرا سالن نیمه‌تمام مانده است آقای نسیمی درجواب بعرض رساندندکه بودجه ساختمان سالن تمام شده است و برای تکمیل آن درمواقع مقتضی بخیراندیشان‌مراجعه میکنیم‌ولی هنوز به‌نتیجه‌ای نرسیده‌ایم . ازخـداوند متعال آرزومندیم‌که دستی از غیب بیرون آیـد و کاری بکند .

سالن نیمه‌تمام

سالن جماعتی بطول ۲۹/۷۰ متر بعرض ۱۲ مترکه با اعانه خیراندیشان ارجمند به پای سقف رسیده سه چهارسال است‌که نیمه تمام‌مانده است و باوجود احتیاجات‌فراوان‌که بمحل‌بزرگ اجتماعی داریم هنوزاین سالن‌نتوانسته است‌برای جماعت مورد استفاده باشد.

برای تکمیل ودکوراسیون‌این‌سالن بودجهٔ در حدود پنجاه‌هزارتومان بـرآورده شده است که ازسروران ونیك‌پنداران جماعت انتظارمیرود که محل زرتشتی‌نشین راتنهاتهران‌تصورنفرمایند ونظر مساعدت واندیشه‌کمك خود را به یـزد و جوانان یزد نیز معطوف دارند وفرزندان وهم‌ـ کیشان‌عزیزخودراکه راضی‌نشده‌اندیانتوانسته‌اند یزد را ترك‌کنندبادست عطوفت وکیسه فتوت‌خود نوازش فرمایند و بدانندکه زرتشیان یزدهم حق حیات داشته و آرزو دارندکه سالن سرپـوشیده مجهز داشته باشند تا مواقع برگذاری جشن‌ها واجتماعات ومجالس سخنرانی مجبورنباشندگاهی پوشهای حسینیه‌هارااکرایه‌کنند وزمانی‌ازسالنهای کوچك آموزشگاهها استفاده نمایند.

جشن فرشتگان در سالن آموزشگاه دخترانه مارکار

روزشانزدهم آذرماه٤٤ درسالن‌آموزشگاه دخترانه مارکار یزد ازساعت ٤/٥ بعدازظهر به مناسبت سیزدهمین سال نهضت نوین پیش‌آهنگی ایران مجلس جشن وسخنرانی ونمایش درحضور جناب آقای فرماندار و بانو وجناب آقای‌رئیس کل‌آموزش وپرورش وعده زیادی ازفرهنگیان و آقایان وبانوان زرتشتی برگزارشد .

جناب آقای فرماندار و آقای رئیس کـل آموزش وپرورش بیانات جالبی ایراد وطی‌آن‌از جماعت‌زرتشتیان‌وفعالیت‌های فرهنگی‌آنان‌تعریف وتحسین نمودند.

این جشن باسرود شاهنشاهی آغازگردید بانو سیمین نسیمی خیر مقدم‌گفت‌ـ نمایش قشنگی اجرا شد ـ جناب‌آقای‌فرماندار‌بگردن‌فرشتگان دستمال‌گردن‌بستند ـ پیش‌پرده‌های جالبی‌خوانده شد ـ پذیرائی بعمل آمد ـ آقای سروش‌لهراسب سرپرست مؤسسات مـارکار ـ آقای لسانی رئیس پیش‌آهنگی یزد دوشیزه خورشید چهر دستانیان قهرمان فرشتگان وآقای خدایاری دبـیر انجمن خانه ومدرسه سخنرانی نمودند.

گشایش آرامگاه زرتشتیان یزد

روزچهارم آذرماه ٤٤ آرامگاه‌زرتشتیان یزدگشایش یافت وبانومروارید شهریارجمشیدی

بلندی در آرامگاه دفن گردید ،

آرامگاه تا اینروز برای دفن درگذشتگان آمادگی نداشت .

درنتیجه فعالیت‌ها وزحمات وآمدوشدهای آقایان شهریار خدایاری ـ شاه‌بهرام کیانیان ـ بهمن عدالت وسروش نارنجی که تاپاسی از شب گذشته بطول کشیدتا آرامگاه برای دفن آمادگی پیداکرد.

روز هیجدهم آذرماه ٤٤ کودك خردسال دوشیزه سرور شهریاری فرزند آقای دکتر شیر مرد شهریاری درآنجا دفن گردید .

روز ۱۹ آذر ماه ٤٤ بانو گلچهر دیانت، فرزند خدایار شاه‌کاوسی درآرامگاه‌مزبور دفن گردید .

دفن درگذشتگان نامبرده بالا طی مراسم مخصوص وباخواندن اوستای روان‌ونثاردسته‌های گل از طرف رئیس انجمن زرتشتیان یـزد و منسوبان درگذشتگان انجام گرفت .

بایددانست که آرامگاه زرتشتیان یزدسالن ندارد ـ ساختمانی برای اوستا خواندن و انجام مراسم ندارد ـ درختکاری و آب ندارد ـ خـانه برای مستحفظ ندارد.

اعانه خیراندیشان کـه برای آرامگـاه پرداخته‌اند بمصرف‌دیوار اطراف‌ودربهای‌ورودی وساختمان پاکشوی‌خانه وحمام ولوله کشی آن و طرح خیابان آرامگاه وغیره رسیده‌است ومحلی برای ساختمان وهزینه‌های بعدی موجود نیست. ازخیراندیشان جماعت انتظار میرودکه دست از آستین بیرون آورند وبودجه تکمیل آرامگاه را تأمین نمایند.

کرمان

تشکیل جمعیت خیریه زرتشتی کرمان

برابر اجازه‌نامه رسمی شهربانی و آگهی رسمی منتشره بمنظور انجام خدمات اجتماعی و فرهنگی وتوسعه امور مذهبی وکمك به بینوایان زرتشتی وبهبودوضع‌همکیشان جمعیتی بنام‌جمعیت خیریه زرتشتی کرمان تشکیل‌یافته که هیئت‌مدیره آن عبارتند از آقایان :

۱ ـ دکتر دینیار مزدیسنا رئیس
۲ ـ منوچهر سروشیان نایب‌رئیس
۳ ـ بهرام رستمی حسابدار
٤ ـ خداداد سیامك عضو
۵ ـ فریدون ویژه کشورستانی عضو
٦ ـ شاهرخ کیانیان عضو
۷ ـ خسروکیانیان عضو
۸ ـ شهریار سروشیان عضو
۹ ـ جمشید هماوند عضو
۱۰ ـ شهریارشهمردان عضو
۱۱ ـ رستم فرهی عضو

چون عده‌ای ازاعضای هیئت مدیره‌جمعیت از ثروتمندان بنام هستند یقیناً پیشرفت مرام و تأمین منظور اصلی جمعیت راکه همانا خدمـات اجتماعی وکمك به‌بینوایان وبهبودی وضع‌عمومی همکیشان است بادهش‌جوانمردانه وسخاوتمندانه خود امکان تحقق خواهند بخشید وبااین تدبیر موفقیت جمعیت وهدف اصلی خود تضمین وتأمین خواهدگشت .

اینك بانتظار انتشار خبرهای امیدبخش و مسرت آورتر توفیق همه آقایان را درراه انجام وظیفه اجتماعی که بعهده گرفته‌اند از درگاه اهورا مزدا خواهانیم.

یك خبر از لندن

از: شهریار بخردنیا



بمناسبت تشریف فرمائی جناب ارباب رستم و مروارید خانم گیو بلندن انجمن و باشگاه زرتشتیان مقیم لندن برای انجام مراسم آشنائی و بافتخار ایشان مجلس جشنی برپا و خیرمقدم گفته شد که بطوراختصار جریان آنرا بعرض میرسانم.

بعد ازظهر یکشنبه هفتم آذر مـاه سال جـاری مجلس و مراسم آشنائی تـوسط اعضای انجمن در محلی موسوم بخانـه زرتشتیان بـا حضور گروه بیش از صد و بیست نفر برگزارو پس از صرف چای وخوراك های خوش مزه هندی آقای جهانگیرموس رئیس انجمن در طی بیاناتی بارباب رستم و خانم خیر مقدم گفته و شمه‌ای ازکارهای خیرونوع پرورانه آن جناب را بیان و مخصوصاً ازاحداث آب انبارولوله‌کشی آن بسر چهارراه‌ها در یزد وراحت کردن مردم راز مضیقه بی‌آبی و ساختمان رستم باغ ومنزل و مسکن دادن بیش از نود خانـوار زرتشتی و وساختمان دبستانهای دخترانه وپسرانه وآدریان و جایگاه ویژه برای پذیرائی درتهران پارس‌و مدرسه دخترانه گیو در خود تهران وبسیاری از کارهای نیك دیگر ایشان و بالاخره کمك مالی بکسر بودجه انجمن و غیره غیره اسم بردند که شرح یك بیك آن نامه رابدرازا می‌کشاند سپس ارباب رستم در پشت بلندگو قرارو در جواب از رئیس انجمن‌که ایشان را بچنین مجلسی دعوت نموده‌اند تشکرواز دیدار همکیشان زرتشتی خود درلندن اظهار خشنودی و شادمانی نمودند و از اینکه پارسیان تصمیم قطعی گرفته‌اند که باشگاه و خانه بزرگتر وآدریان ایجاد کنند ستودند و از خداوندخواستارشدند که ایشانرا دراین امر مهم کامیاب داشته و در ضمن سخن اظهار امیدواری نمودند که خداوندتوفیق دهد که ایشان‌نیز بتوانند در این‌کارخیر و بـایسته شریك‌وهم انباز گردند مخصوصاً برای پیشرفت ورسیدن بمقصود افرادرا به یگانگی واتحاد تشویق وضررنفاق ودوگانگی

راگوشزد و یاد آور شدند که مضرترین و نابود کننده ترین چیز برای هر جامعه مخصوصاً جماعت کوچك چون جماعت ما زرتشتیان همین نفاق ودودستگی است ودرنهایت فروتنی وتواضع اظهار فرمودند اگر ایشان کار و خدمتی انجام داده‌اند صرفاً برای اجرا نمودن تعلیمات و دستورات اشو زرتشت بوده ولذا بجز دوری از دستورات دینی و وظیفه انسانی و وجدانی کار دیگری نکرده‌اند.

از آنجائیکه همه میدانیم پارسیان بسیار مشتاق و دلباخته ایران ومیل فراوان بدیدار از ایران و دانستن اوضاع و چگونگی زندگی برادران ایرانی خودبویژه وضع دینی‌وآموزشی آنان هستند لذا از ارباب رستم خواهش نمودند که تا ممکن است ایشانرا در جریان گذاشته و اخبارخواهران و برادران زرتشتی ایرانی خود راباآنها بگویند.

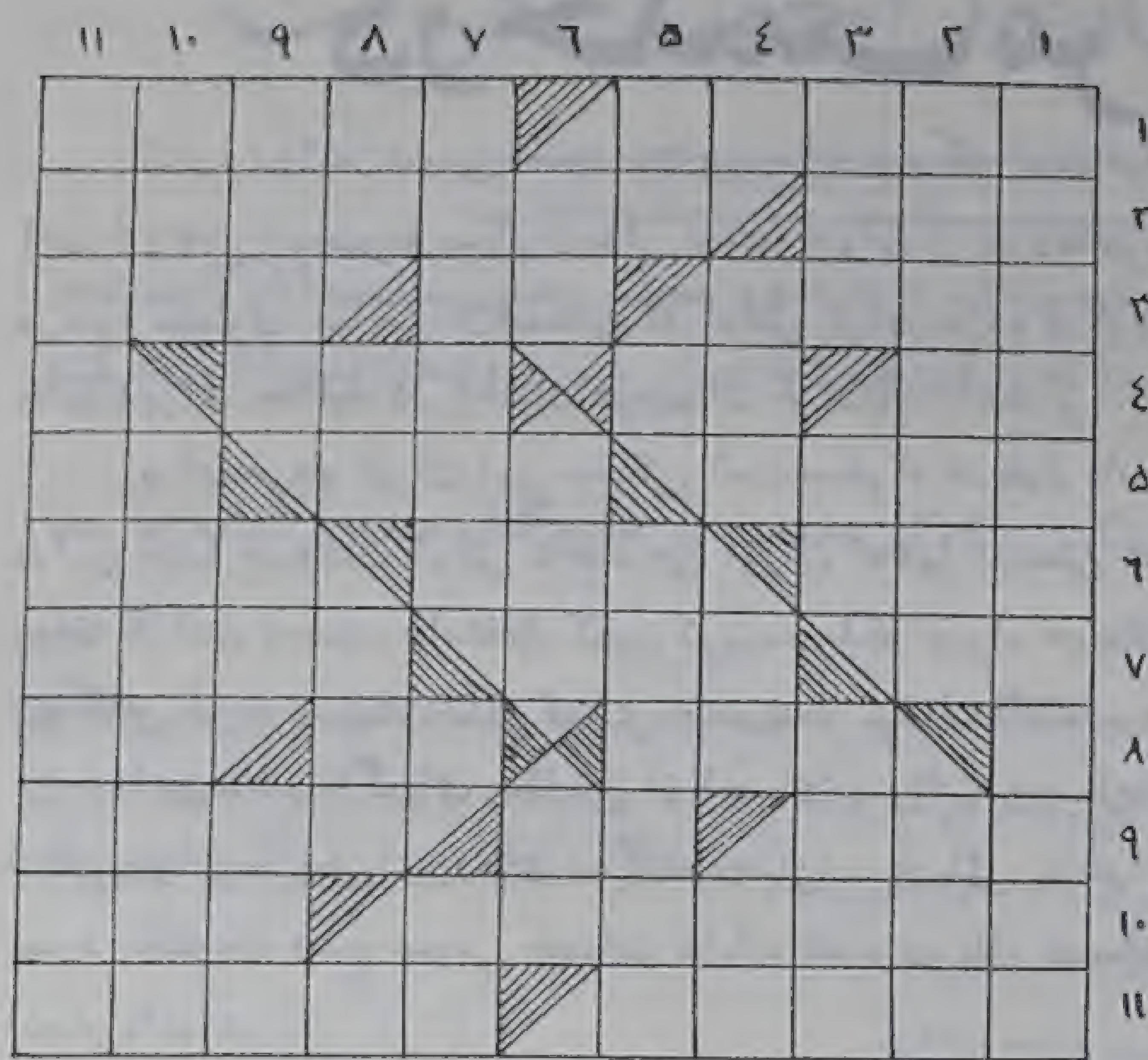
ارباب‌درجواب بدنبال سخن چنین‌فرمودند درشهرهای زرتشتی نشین هرکدام دارای‌مدارس آدریان وسایربنگاه‌های عام‌المنفعه هستندازقبیل پذیرشگاه و درمانگاه شادروان ارباب خداداد مهرابی درکرمان وآدریان‌وچهاردستگاه‌دبستان و دبیرستانهای دخترانه وپسرانه‌که بـا دهش و اعانات خیراندیشان خود محل کرمان ساخته و واداره میشوند در شهر یزد دبستان و دبیرستان های دخترانه و پسرانه مارکار و چند دبستان و دبیرستان های دیگر و یك آتش بهرام و چند آدریان چه در شهرو چه دردهات اطراف که از دهش خیر اندیشان خود محل و با پارسیان هند ساخته و اداره میشوند بیمارستان گودرز نیز در درخدمت مردم یزد قرار دارد درتهران‌دبستانها و دبیرستانهای دخترانه وپسرانه وکودکستان که دو دبیرستان آن از وجه خیریه پارسیان هند بر روی‌زمین‌انجمن‌زرتشتیان ساخته‌شده وپذیرشگاه پارسائی وچند تالار برای‌برگزاری مراسم دینی وجشن وعروسی و همچنین کتابخانه و درمانگاه یگانگی که بابهترین وجهی مجهز وموردا‌ستفاده همکیشان میباشند ویك پرستشگاه (شاه ورهرام‌ـ ایزد) ویك آدریان درخود تهران ویك آدریان درتهران پارس که با دهش خیراندیشان ایرانی تأسیس و مشغول‌کار واستفاده هستند اسم بردند که حضار همگی ازشنیدن این اخبار بسیار شادمان و مسرورگردیدند و برای اینکه بیشتراز زندگی مردم ایران آگاه شوند ارباب راازچپ وراست به‌سئوالات وپرسشهای گوناگون پیچیده وموضوع دخمه وآرامگاه وطرز نگهداری آدریان‌وتعداد موبدان و طرز اجرای مراسم پنجه وغیره وغیره پرسیدندکه بتمام پرسشهاجواب قانع‌کننده داده داده شد.

در پایان دسته‌گلی ازطرف پارسیان توسط دوشیزه شهین بخردنیابه بانو مروارید خانم گیو تقدیم گردید

سپس آقای‌جهانگیرموس جناب‌ارباب رستم و خانم را برای بازدید سایر قسمتهای ساختمان از قبیل اطاق بیلیارد و تنیس وکتابخانه واطاق پرستش همراهی وراهنمائی نمودند و جلسه در ساعت هشت بعد از ظهر با شادی‌ومسرت فراوان خاتمه یافت

طرح : اردشیر خورشیدیان

جدول کلمات متقاطع



افقی : ۱- شهری است از استان فارس - ستایش - ۲ - انار - نام گیاهیست (ازرده‌سرخسها) ۳ - .... چیه . رسمت چیه - در نواختن موسیقی از آن استفاده میکننـد - یار پراکنده- ٤ - تربت بود ربش راگـرفتند - نوعی خاك است - پیش وگذشته ۵- شیدا- همان بام است - حرف ربط - ٦ - درحمام یافت میشود- سن - دانستن در وجـه امری ۷ - فیما بین بیما بین - معروف به بی شاخ و دم بودن است - پیشوای زرتشتیان - ۸. اینهم خودش حرفیست - صبر تلخ است ولیکن ... شیرین دارد. در تاتر چون پرده کشیده شود نمایان میگردد. ۹ - مزد - مانند - دهاتی کمرشکسته ۱۰ - کوهیست درشمال - جاده ۱۱ - قصی‌القلب - رازنا گفته ناگفته.

عمومی : ۱ - ازنویسندگان مشهور فرانسوی (۱۸٤٤- ۱۹۲٤) .

۲ - قدیمی - آنرا درروزهای عید و شادمانی میگیرند - ۳ - نشان - لنگ حمامی که وسط آن پاره شده باشد - یکی ازشهرهای استان مرکزیست که حرف آخرش کمی بد تلفظ شده ! ٤ -جزو سبزی خوردنیست- بی .... وغش - نداد بیآد ۵- نیز -ازنویسندگان یونانی (٤۰٦ - ٤۹۵) ٦- اشاره بدور - دوتای ازآنها را مرغها دارند - شوهر ۷ - هم نام کشوریست وهم نام میوه‌ای - ...کس ...چیز ۸ - انگور - یکی ازشهرهای استان کرمان - اوه ! او صاحب جنس خشن است - ۹ - راه و روش - عددیست - به پیچهائیکه ازکار میافتد اطلاق میشود ۱۰ - یکی از ابزارموسیقی- یکی ازفصول سال ۱۱-آموختنیها ویاددادنیها .

نیروهای مسلح شاهنشاهی در خدمت مردم

اداره روابط عمومی وامور روانی ستاد بزرگ ارتشتاران بافتخار روز ارتش(۲۱ آذر ۱۳٤٤) مجموعهٔ بسیار زیبائی تحت عنوان « نیروهای مسلح شاهنشاهی در خدمت مردم » محتوی حقایقی ازخدماتی که ارتش برای مردم و گروه واقعی ملت انجام داده چاپ وبرای مطالعه در اختیار هممیهنان قرارداده است .

برای مردم ایران این حقیقتی است مسلم که درطول تاریخ اززمان باستان و بویژه دراین دورهٔ درخشان ارتش شاهنشاهی ایران نه‌تنها درضمن فداکاری و از خودگذشتگی بحفظ آزادی وحدود واستقلال کشور کوشیده بلکه درراه خدمات اجتماعی وپیشرفت سطح زندگانی مردم درزمان صلح کوشش بیدریغانه مبذول داشته‌است .

این مجموعه گویای حقایقی از اجرای منویات خجسته شاهنشاه آریامهر است که ارتش جوان ما یعنی نیروهای سه گانه زمینی - دریائی - هوائی از طریق تعلیم فنون و بهبود بخشیدن وضع عمومی خدمات شایان تقدیری بنام خدمات زمان صلح برای مردم انجام داده‌اند .

همین خدمات صادقانه فرزندان عزیز سرباز است که مردم ایران ارتش خودرا از جان ودل ستوده ودربرابر آن سربکرنش فرودمی‌آورد . ماهمواره‌سربلندی وسرافرازی چنین ارتش خدمتگذاری را ازدرگاه اهورامزدا خواستاریم.

سازمان زنان زرتشتی آذرگان را جشن گرفت

ار ساعت ۵ بعداز نیمروز سه‌شنبه ۴۴-۹/۲۳ مجلس جشنی بمناسبت آذرگان درمحل سازمان زنان زرتشتی برپا بودکه درآن عدهٔ زیادی از بانوان و تعدادی از آقایان همکیش حضور داشتند.

نخست سرکار بانو فرنگیس یگانگی بحضار خیر مقدم گفتند وبعد برنامه تفریحی وهنری دوشیزگان اجرا شد.

سپس آقای موبد اردشیر آذرگشسب پیرامون آذر وآتش وآذرجشن ومقام آن مطالبی بیان داشته و درپایان از آداب ورسومی که هنگام ورود بآتشکده باید اجرا شود بتفصیل توضیح دادند. درپایان نیز برنامه موسیقی باشرکت هنرمندان سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) اجرا گردید که بسیار جالب بود.

این مراسم تاساعت هفت ادامه داشت.

دوستان عزیز کمیته جوانان زرتشتی

از اینکه در روز خجسته ۲۵ آذر بذل محبت و ابراز عنایتی فرموده مرا که بعنوان غرورانگیز مادر کلوب دختران زرتشتی مفتخرم سرشار از مهر آسمانی نموده و روح شیفته ومشتاق مرا آکنده ازصفای بهشتی خویش ساخته‌اید سپاسی فراوان دارم و آرزمند آنم که پیروزمندانه درراه هدف مقدس خود پیشرو بوده و از این طریق روحانی وخدائی در اعتلای نام وطن وانهدام رخوت و سستی موفق و مؤید باشید

زمرد گشتاسب

بقیه شاخه زرین

آزار رساننده که پیکر پارسا نابود میکند ، ای هوم زرین ، سلاح برزن. بر ضد ... دروغ پرست ستمکار ... گمراه کننده ، ای هوم زرین ، سلاح برزن.

آنچه که در بادی امر اختلافات فراوانی رامیان هوم در اوستا وسوم Soma در در سانسکریت نشان میدهد ، اختلافهایی است ظاهری ، چون در حقیقت در وداها و اوستا تعابیر کنایه‌یی ورمز و استعاره ، وبهتر گفته شود، زبان شعر تغییر پیدا کرده در قسمت آینده خواهیم دید که این مدعا تاچه حد درست است . توجهی به هوم یشت[یسنا، ها : ۱۱ - ۱۰ - ۹] ومقایسه‌یی درودا ، مـا رابااین‌اصل رهنمون میشود . اینك بمضامین ومفاهیم عمدهٔ های هوم بپردازیم .

پس از عصر نخستین اوستا و صدر آیین زرتشت ، هنگامی که عناصر پیشین تجدید حیات کردند ، هوم ایزد بازهم دارای مقامی بلند گشت . هنگامی که مؤمنان سرود نیایش میخواندند ، خواهان آن بودند تاازمرز وبومشان زشتی‌ها وبدی‌ها و دیوان پـراکنده گردند ، دور شوند از : **این خان ومانی که از آن اهورامزدا است که از آن‌هوم راستی‌پرور است .**[1]

۱ - یسنا - ها ۱/۱۰

ناتمام

آگهی

از آنجا که از جشن سدره پوشی گذشته این سازمـان همکیشان ارجمنـد استقبال فرموده‌اندباخرسندی فراوان بآگاهی‌همگان برادران وخواهران گرامی میرساند که ازاین‌پس هرزمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد،سازمان اقدام ببرگزاری جشن سدره‌پوشی همگانی مینماید .

از کسانیکه خواستارند فرزندانشان را دراین جشن‌سدره پوش‌نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه ازساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ۴۲۸۳۲

بقیه سرمقاله

زرتشت انسان را آماده پیشرفت بسوی کمال تعلیم فرموده ودست‌یابیش به‌خوشبختی وکمال برپایه هفتگانه امشاسپندان یعنی ـ خوشبختی بخش‌های جاودانی و یاپاکان بیمرك مقرر داشته وانسان کامل وخوشبخت واقعی راکسی دانسته است که خود را واجـد این شرایط گرداند:

نخست ـ به یکتائی خداوند(اهورامزدا) ایمان کامل داشته باشد و اهورامزدا را آفریدگار بیهمتا بشناسد.

دوم ـ اندیشه ومنش خودرا بپاکی وراستی‌بیاراید.

سوم ـ امور زندگانی خود را براستی وبرروی نظم درست قراردهد.

چهارم ـ باور داشته باشد همانگونه‌که برای حفظ بقا و ادامه حیات نیرومنـدی لازم آمده هرکس نیز باید خودرا ازطریق جسمانی نیرومند وازراه‌کسب دانش روان را توانا سازد.

پنجم ـ باید باعشق وامید بزندگانی آئین مهرورزی وفروتنی را اختیارکند.

ششم ـ بوسیله پاکی وپاکیزگی باید درراه تندرستی تن و روان بکوشد و خود و زندگانی را ازهر آلایش وناپاکی بدور سازد.

هفتم ـ بایدکسب دانش را بمرحله‌کمال رساند ودرچنین مقامی است‌که‌بادست‌یابی بحقیقت‌کمال میتواند بیمرگ وجاودان گردد.

جاودانی این تعالیم نیاز بدلیل وبرهان ندارد اینها اصولی هستندکه باهرزمان و ومکان سازگار است ومیتواند همواره سرمشق جهان وجهانیان باشد.

پس هرآینه زرتشت بدرجه شهادت رسید وتن و پیکر خجسته‌اش بخاك تبدیل‌گشت باید بیگمان قبول نمائیم‌که آثار وجودی ودستورهای سعادت‌بخشش برای همیشه زنده و درخشان خواهد ماند.

معنای غروب هم‌که برای خورشید یاد میشود بایدگفت مفهومی است واقعی ـ زیرا غروب نه خاموشی ونه‌گرایش‌بتاریکی‌است بلکه انعکاس نور ازسوئی به سوی دیگراست.

بقیه دین و فلسفه

او میگفت :

« هرچیزی انباشته از خدایانست» طالس آب‌راماده اولیه ساختمان جهان‌میدانسته ودانش امروز عقیده او رابجامیداند، زیرادوسوم آب «هیدروژن» میباشد . بعقیده‌ایرانیان باستان و برخی ازفیلسوفان یونانی ـ جهان از چهارعنصر آتش - آب ـ خاك وبادفراهم آمده ، ولی زرتشت ، آتش راعنصر اصلی میداند وبنام «آذر مزدا» دریسنانکات مهم‌فلسفی دراینباره سروده شده‌است .

هراکلیتوس فیلسوف یونانی نیز ماده اصلی جهان را آتش میدانسته وکتابی در این مبحث تـألیف کرد . دانش امـروز ـ آتم **Atom** را از ذرات لایتجزای الکتـرون **electrons** و پروتون **protons** وماده همه عناصر ساختمانی‌جهان میداند.

بنا بفرضیه جداشدن زمین ازخورشید ، ناگزیر آب نیز ازبخار زمین پدیدگشته . آب دومین عامل حیات‌که خود زاییده آتش است انگیزه آفرینش نبات و حیوان گردیده و ازحیوان ـ انسان سرزده است ، پس بااین سلسله تطور همه‌چیز ازآتش برخاسته است.

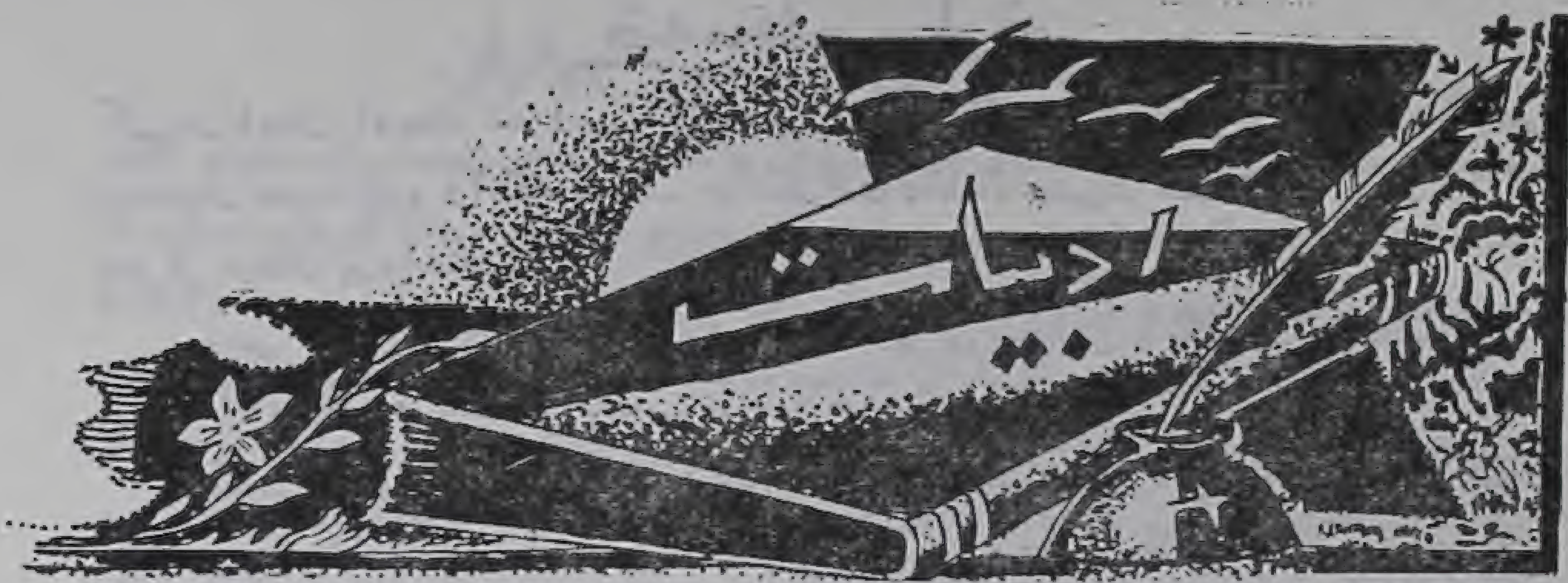
هراکلیت میگفت :

« هیچ انسان یا خدایی جهانرا نیافریده ، ولی آتش فناناپذیر و جاویدان همیشه بوده وخواهد بود.»

در باره آب که‌پدیدآور حیات‌است، درقرآن‌نیز بارهایادشده که‌حیات‌هرچیزی‌ازآب است (ومن‌الماء کل شیئی‌حی) با این منطق وآزمایشهای علمی همه‌چیز دارای جانست‌ولی چیزی وکسی درخور پرستش‌نیست. ازگنبدوآرامگاه یاازسنگ‌وزر وسیم یاچیزهای دیگر کاری ساخته نیست ونباید چشم‌یاری وانتظار برآمدن نیازی بداریم ، مگر ازذات بیچونی که در خور پرستش وستایش است وتنها او آفریننده جهان،جان وخرد است.

نمودهای اشراق یاهیپنوتیسم، خواب وخیالی بیش نیستند.درکتاب «افسانه زندگی» دکتر باستان یك رباعی دارد که پاسخ بسیار درستی به کوته‌بینان و ماده پرستانست که میگوید :

اشراق جهان جمله چو نقشی است برآب
وان آب چه آب؛ بلکه موجی ز سراب
وان موج سراب هم خیالی در خواب
وان خواب‌چه‌خواب؛خواب‌مستان‌خراب.



از : خرم کازرونی

«راز و نیاز»

در خلوت دلم توعیان‌خانه کرده‌ای — شمعی و آن حکایت پروانه کرده‌ای
در بستر وصـال تمنای عاشقـان — دل را اسیر و بنده ودیوانه کرده‌ای
بـا آشنـا بقهـر و عتـابی حالیـا — عزم وصال و خلوت بیگانه کرده‌ای
این‌لوح خاطرم همه یاد تو می کند — یادم مبر که جلوه جانانه کرده‌ای
ای ماه درحمایت حسن‌جمال‌خویش — افسونگری واین‌دلم‌افسانه کرده‌ای
سیلاب‌خون‌این‌دل‌عاشق بجبرچرخ — تسلیم جام و باده میخانه کرده‌ای
بر گیرکام و از ره زنـدان کائنات — بگذر کنون که‌دعوی‌رندانه کرده‌ای

در اختیار این دل خـرم نبوده‌ای
کز هجر گریه‌های‌غریبانه کرده‌ای

بقیه مجلس معارفه

گردن ایشان آویخته شد وسبدگلی رانیز جناب آقای سناتورگیو رئیس محترم انجمن زرتشتیان هدیه نمود وآنگاه مراتب سپاسگزاری واظهار مسرت همگانی راابراز وآنگاه بمعرفی ایشان پرداختند.

سپس جناب آقای تلیارخان بافصاحت وشیوائی سخنانی بانگلیسی ایراد نمودندکه بوسیله آقای خسرو باستانی بپارسی ترجمه میشد.

آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن زرتشتیان نیز درپاسخ به بیانات جناب آقای هرمزد تلیارخان بنمایندگی از طرف حضار در مجلس مطالب تشکر آمیزی به استحضارشان رسانیدندکه متن هرسه سخنرانی جداگانه بچاپ رسیده است.

این مجلس پرشور وشکوه پس از پذیرائی در ساعت‌پنج بعدازنیمروز باخاطره‌ای فراموش نشدنی پایان پذیرفت.

جناب آقای تلیارخان هنگام افتخار حضور و شرفیابی پیشگاه شاهنشاه آریا مهر به الطاف خاص شاهانه مباهی گشته‌اند.

آگهی

نظر بپایان رسیدن بیست وهشتمین گردش انجمن زرتشتیان تهران وبه ثبت رسمی رسیدن اساسنامه اصلاحی جدید انجمن زرتشتیان تهران از عموم بانوان و آقایان افراد زرتشتی تهران که کمتراز ۲۰ سال ندارند خواهشمند است بادردست داشتن کارت شناسائی روز آدینه بیست وچهارم دیماه ۱۳۴۴ساعت نه بامداد درمجمع همگانی که درتالار جشنگاه خسروی تشکیل میشود تشریف‌آورده در انجام‌وظیفه اجتماعی شرکت فرمایند.

دستور جلسه

۱ـ استماع گزارش کارهای گردش ۲۸ انجمن

۲ ـ تعیین هیئت نظارت انتخابات گردش ۲۹ انجمن زرتشتیان تهران

خواهشمند است کارت شناسائی را همراه بیاورند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه سخنرانی اردشیر جهانیان

و درحال حاضر در دانشگاه عده‌ای از همکیشان ما مقام استادی دارند برای نمونه آقای دکتر رئیس بهرامی که دراینجا حضور دارند نام میبرم همچنین مـا دکترهای مشهور و و خوشنامی مانند دکتر فرین متخصص در امراض قلبی داریم که به نیکی شهرت دارند و آقایان دکتر ورجاوند ودکتر نامداران صاحب مؤسسات درمانی (بیمارستان) آبرومندی هستند و درجهان سیاست آقای دکتر فرهنگ مهر داریم که همه برای ما مایه افتخارند.

اگر خواسته باشیم نام یك یك ازآقایان پزشکان ودیگر دانشمندان را بزبان‌آورم حافظه‌ام یاری ندارد واز اینجهت معذرت میخواهم همچنین مادرمقام اجتماعی‌شخصیتهای برجسته ونیکنامی مانند آقایان سناتورگیو و دکتر یگانگی داریم که مورد احترام تمـام طبقات اینکشورند خوشبختانه روزبروز عده سرافرازان جماعت افزوده میشودوامیدواریم که روزی ماهم همانند شما موفق گردیم که در رشته‌های بزرگ دانش و صنعت و اقتصاد سهم اساسی درکشور خود داشته باشیم.

من باردیگر از حضور جنابعالی در این مجلس که موجب شادمانی همکیشان خود شده‌اید از طرف خود وهمه حضار سپاسگزاری مینمایم.

بقیه زرتشت نامه

چوآنجا زمانی بر اوبر گذشت — گرسنه شد وخیره برطرف‌دشت
دو پرشیر بز گشت آنجا پدید — ز پستانشان شیر را بر مکید
دگر باره دیـو سیه کار دیـد — که چاره ندارد . بشد نا امید .

☆

چنین دشمنی ها نه کم شد بـاو — هزاران از اینگونه بی گفتگو
که ما رانه فرصت که بازآوریم — بناچـار صحبت فـراز آوریـم
سخن را رسانیم آنجا کـه او — جوان بودوائم در این‌جستجو:
که رازتباهی‌دراین‌خلق‌چیست؟ — هم‌آنکس که‌هستی‌بپا کرد کیست؟

دنباله دارد

آگهی جهت اطلاع عموم زرتشتیان

از دیر باز همراه با پیشرفت تمدن بشری عمران و آبادانی زیارتگاههای اطراف یزد همواره مورد نظر همکیشان خیراندیش بوده است و بر همین اساس درسال ۱۳۴٤ موقع زیارت همگانی در محل پیرسبز اقدام به جمع آوری اعاناتی جهت تأمین روشنائی وعمران آن محل مقدس گردید.

وجوه جمع آوری شده که بالغ برهشت‌هزار ویکصد وهشتاد ریال بود طبق صورت جداگانه **بکانون زرتشتان شریف آباد یزد مقیم مرکز** تحویل شد که بلافاصله دربانك صادرات ایران شعبه‌قصر **بحساب شماره ۶۲۲** بنام آقایان دکترماهیاراردشیری-رستم خدابخشی- بهرام‌ولی‌مفتوح درتمام‌شعب‌متمرکز گردید ضمناً یکدستگاه موتور مولد برق مستعمل که ازطرف خیراندیشی اهدا شده‌است ازطریق انجمن زرتشتیان شریف آباد و توابع سرپرست زیارتگاه مزبور تحویل و جهت تعمیر ونصب درمحل اقدام بعمل آمد.

با شرح فوق‌ازعموم‌همکیشان خیراندیش تقاضا میشود هریك باهمت عالی خود هرمبلغ که مایلند بحساب فوق‌الذکر واریز نموده ورسیدبانکی آن راباذکر نام خیراندیش وآدرس صحیح پرداخت کننده وجه بتهران ـ صندوق پستی‌شماره ۲۹۹۰ ارسال فرمایند تانسبت به تقدیم رسید رسمی این کانون اقدام مقتضی به ـ عمل آید.

نام کلیه خیراندیشان بامبالغ اهدائی درماههای آینده بتدریج جهت اطلاع عموم منتشر خواهد شد. توضیح اینکه در کلیه شعب بانك صادرات ایران می ـ توانند **بحساب شماره ۶۲۲** تهران شعبه قصر وجه پرداخت فرمایند

کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز

نام نیکو گر بماند ز آدمی
به کز و ماند سرای زرنگار



شادروان موبد بهرام اسفندیار آریانی با انجام دستورات آئینی خود ۵۱ سال زندگانی گرامی خود را درراه خدمت باجتماع وفرزندان ونونهالان زرتشتی صرف نمود.

درخت علم ودانش را آبیاری کرد و میوهٔ شیرین آنرا بهرهٔ نونهالان زرتشتی نمود.

سه سال ازدرگذشت آن شادروان میگذرد ولی نام نیك او زنده و جاویدوهمگان بویژه تربیت شدگان مکتب او بروانش درود میفرستند.

دوستداران آریائی

تسلیت

بمناسبت درگذشت بانو گلچهر دیانت فرزندمرحوم خدایار شاه‌کاوس اعضاء هیئت مدیره سازمان وافراد باشگاه جوانان زرتشتی یزد بآقایان شهریارخدایاری معاون سازمان و باشگاه و آقای افلاطون خدایاری عضو سابق باشگاه و مهندس سیروس دیانت مدیرداخلی باشگاه فرزندان آن شادروان و آقای شاه بهرام دیانت شوهر آنمرحومه تسلیت و همدردی خودرا باکمال تأسف و تأثر ابرازمیدارند و تندرستی و بقای نامبردگان و کلیه بازماندگان وآمرزش روان بانوی درگذشته راازدرگاه اهورامزدای بیهمتا آرزومندند.

سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد

تجدید انتخابات هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی اهواز

درتاریخ ۴۴/۷/۳۰ با تشکیل مجمع همگانی بانوان وآقایان نامبرده زیرانتخاب شده‌اند :

۱ - دکترساسانی رئیس ۲ - مهندس‌رستم سروش معاون ۳ - مهندس کیخسروزمردی حسابدار ۴- رستم سلامی دبیر ۵ - دوشیزه نسرین‌دخت ساسانی بازرس ۶ - بانو پریوش سروش عضو ۷- هوشنگ فارسی‌نژادعضو.

هوخت - موفقیت ایشانرا دراین‌خدمت اجتماعی ازدرگاه اهورامزداخواستاریم

سال ۱۶ شماره ۱۰ شماره مسلسل ۱۸۹

دارندهٔ امتیاز- دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

داخله	خارجه
یکساله ۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه ۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »


کاملترین پمپ
پمپ شناور اِمو آلمانی
EMU
EMU
یک فاز سه فاز
به اندازه های ۱/۴ اینچ الی ۲۴ اینچ
اِمو
بهترین و ساده ترین پمپ برای باغات و مزارع کشاورزی
اِمو
برای چاههای ۲۰ متری تا ۳۰۰ متری
نمایندهٔ انحصاری در ایران: شرکت زرتشتی - تهران - خیابان سعدی کوچه ممتاز ساختمان زرتشتی تلفن ۳۵۲۸۲ ۳۸۶۲۱

هوخت

گفتار نیک

بهمن ۱۳۴۴



جناب آقای دکتر عیسی صدیق سناتور محترم هنگام سخنرانی رجوع شود بصفحه ۲۳

سال ۱۶

شماره ۱۱

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

و اینست افتخار

این جهان پیر از بدو پیدایش انسان تاعصر کنونی پیوسته شاهد بوجودآمدن افراد دسته‌ها وملتها وهمچنین از بین رفتن آنها بوده ومیباشد وانسانها نیزهمواره ناظروجود وعدم همنوعان خویش بوده‌اند ولی همیشه باوجود نگریستن بدان سعی نموده‌اند که برای ادامه زندگی این مناظر رعب‌انگیز را در ورطه فراموشی گذاشته حیات نوینی را روی خاطرات گذشته بنیانگذاری نمایند ودر اصطلاح برای تأمین سعادت آیندهٔ خویش غمهای درونی خودرا بمصداق شعر زیر:

امروز اگرغمم بزرگ است چه غم — چون شادی و غم نپاید اندر عالم

هرچیز زید زیاده گردد شب وروز — جزغم که‌چوزیست‌زان‌شود کم کم کم

برطرف نماید.

در این دنیای بیکران هر کشوری کم و بیش در معرض حوادث روزگار غدار قرار گرفته چنانکه گروهی هستی وجودشان ازچهره کره خاکی زدوده گردیده وبعضی دوباره قامت خمیده خویشرا اززیر بارگران رهانیده قدراست وزندگی خویشرا ادامه داده‌اند صفحات تاریخ بخوبی نشان‌دهنده وجود وعدم ملتها درطول زمان بوده ومیباشد که باتوجه بدان میتوان ثبات و استقامت ملتها رابخوبی درك کرد.

آنچه بنظر میرسد تاریخ ایران پراست ازاین حوادث دلخراش که گاه‌گاه هستی وجود این ملت رابطرف پرتگاه نیستی کشانیده است چنانکه از وقتیکه قوم آریائی‌نژاد روبطرف این سرزمین نهادند وبه‌آبادانی آن پرداختند وتعالیم شت زرتشت اولین پیغمبر جهانرا گردن نهادند توانستند درپرتو آن تعالیم عالی شاهنشاهی بزرگی را بنیان‌گذاری نمایند که هنوز هم دنیا دربرابر آنهمه فکر ونبوغ وتمدن وترقی سرتعظیم فرودمیآورد و دراین باره دانشمندان کنونی ایرانی وخارجی متحدالقول بوده وهستند چنانکه در آثار هریك ازنویسندگانیکه بتمدن ایران باستان علاقه‌ای داشته و دارند این حقیقت بخوبی بچشم میخورد چنانکه دانشمند مشهور ایرانی آقای پروفسور شوشتری (مهرین) در مصاحبه‌ای بامخبر تهران مصور درضمن آنکه زرتشتی بودن هخامنشیان را تصریح نموده

راجع بزرتشت وعقاید او اینطور باظهار عقیده پرداخته‌اند :

« بنظر من زرتشت یگانه کسی است که ما ایرانیها از صمیم قلب باید باو افتخار کنیم . این مرد واقعاً از لحاظ دانش وبینش درهمه دنیانظیرش دیده نشده است ـ پایه‌های فلسفه زرتشت آنچنان محکم و عمیق و منطقی است که بتحقیق هیچ فلسفه دیگری ازاین لحاظ با آن قابل مقایسه نیست . عرفان حقیقی ایرانزمین رابایدد رگاتهای زرتشت جستجو کرد وباطمینان میتوان گفت اگر کسی بتواندگاتها را بخواند و بآن عمل کند صد در صد رستگار میشود . اندیشه زرتشت نمونه برجسته‌ایست ازروح ترقی وتکامل و ظرافت ملیونها سال اندیشه بشر که دیگر ازآن کاملتر نشده مگر آنکه شاخ وبرگی بآن افزوده شده باشد.» نقل‌از مجله تهران مصورشماره ۱۱۶۱)

پس ازآن زمانهای بس درازتا کنون که طبق شواهد ودلایل زیاد کشور ایران صحنه تاخت وتاز مهاجمین بوده است قوم آریائی‌نژاد توانسته‌اند خون و نژاد خویش را بنحو مطلوبی حفظ نمایند زیرا بطوریکه ازشاهنامه فردوسی وسایر تواریخ مدون برمیآید قوم ایرانی همیشه با اقوامی بنام تورانیان یا مردمان چین یا امپراطوریهای بزرگی مثل رم ویونان در جنگ و ستیز بوده است وگاه وبیگاه پیغمبر نماهائی‌چون مزدك ومانی‌بر آنها ظهور کرده‌اند اما ایرانی باشهامتی فوق‌العاده قادر بحفظ آئین ونژاد خودگردیده است ولی لطمه بزرگی که بحیات وهستی مردمان این‌کشور وارد شد از زمان حمله تازیان در اواخر سلسله ساسانیان آغازمیگردد که باقدرت و قوتی هرچه بیشتر به ازبین‌بردن خون ونژاد این ملت همت‌گمارده بودند و در این‌موقع بودکه اکثریت ملت ایران‌لگدمال‌جور وظلم وستم بیگانگان گشته باقلیت تبدیل شدند ولی باز باشجاعتی فوق‌العاده بحفظ خون و نژاد خویش پرداخته با جسارت و حرارتی خارق‌العاده این مسئله را دنبال نموده‌اند که خون پاك ایرانی باید نسلا بعدنسل ازهر گونه آلایشی مبری بوده وپاك ومنزه باقی‌بماند و اگر ازاین مسئله محنت‌بار بگذریم وحملات چنگیزخان مغول وتیمورلنگ را در مدنظر قرار دهیم که چگونه شهرها وآبادیهای ایران رامورد قتل وغارت وویرانی قرارداده آنها رابکام آتش‌کشیده‌اند وحتی نژاد سگها وگربه‌هارا برمیانداخته‌اند بارفتار وحشیانه دیگر فاتحین باحرکات انتقامجویانهٔ بعضی از سلاطین مانند آغا محمدخان قاجارکه در یکشب هفتادهزارجفت چشم ازمردمان کرمان رابجرم پناه دادن لطفعلی‌خان زند برگرفت مورد توجه قراردهیم بخوبی بعظمت روح و علو همت مردمانی واقف میشویم که با وجود واقع بودن در اقلیت بخوبی ازعهده انجام بزرگترین مقاصد عالی نیـاکان خویش برآمده و

خون وسرشت خودرا ازهر گزندی محفوظ داشته‌اند تا بامروزکه آنرا درقالب جامعه زرتشتیان ایران باقی وبرقرار گردانیده‌اند واینست افتخار بزرگی که جامعه کنونی زرتشتی ایران و جهان ازآن برخوردارند وآنهارا بردیگران امتیاز بخشیده است وبحق نیز باید این جامعه از کسوت نام اقلیت زرتشتی بدرآمده بنام ایرانی‌الاصل موسوم گردد تا اعمال و رفتار ایرانیان اصیلی که درطول قرنهای متمادی نه بشکل یك معجزه بلکه بصورت بزرگترین فداکاریها وابراز بالاترین شهامتها ووالاترین تدابیر وسیاستها بدینوسیله بمنصه ظهور رسیده است پاداشی کافی واجری وافی یابد والبته اولین وظیفه جامعه کنونی زرتشتی حفظ این افتخار موروثی ونگهداری این خون پاك ایرانیت ونژادبی آلایش آریائیست که باید تاجهان به ـ گردش خود ادامه میدهد ولیل ونهار درپی یکدیگر طلوع و غروب میکنند این نژاد پاك آریائی وخون اصیل ایرانی که باعث افتخار هر ایرانیست جاودانه باقی بماندواین افتخار ازنسلی بنسل دیگر بارث رسیده همواره خاندان زرتشتیان ایران و جهان بدین افتخار مباهی باشند پس فرزندان ونونهالان کنونی زرتشتیان ایران که ازمکتب پدران خویش درس ازخودگذشتگی ومردانگی راآموخته‌اند نباید نتایج زحمات و تحمل مشقات نیاکان خود را درقرون متمادی بیکی غمزه ساقی فروخته همه جانفشانیهای نیاکان نامدار را درراه کسب این افتخار بهیچ گرفته بی‌محابا قدم درمرحله‌ای گذارند که بهیچوجه باشئونات ملی موافق نبوده با افتخارات گذشته تجانسی نداشته باشد آنها باید بدانند که در جامعه‌ای که درس آزادگی وبزرگواری آموخته‌اند تا بها بد نسبت بدان جامعه مدیون اند وباید در اسرع اوقات نسبت به تأدیه این دین اجتماعی مبادرت ورزند چه مسلم است که برای رویانیدن وبارورنمودن یك درخت باید مصائب ومخارجی راتحمل نمود و همینطور است راجع به ـ بارورشدن انسانها درخانواده‌ها که گاهی نیروی رشد ونموکردن افکار فردی ازافرادخانواده بقیه اعضای فامیل در سایه خوش‌اقبالش!! رمق حیات خودراازدست‌داده گاهی فقط ناظر برز وبالا وفرو شکوهش میگردند وزمانی لگدمال حس غرورش میشوند وبدین منوال است در اجتماعات که چه بسا استعدادهای نهفته‌ای برای بارورشدن نبوغ نوابغ فدامیگردند پس جامعه زرتشتی نیز ازاین اصل کلی مجزی نبوده وبه‌پیروی ازاین اصول کلیست که وظیفه هر فردی که بیشتر وبهتر بتواند ازمواهب ملی مستفیض گردد درقبال اجتماع سنگینتر و بیشتر میشود پس بایدآنهاکه بیشتر ازمحظوظات زندگی لذت میبرند بهتر بهوای نفسانی خویش لجام زده طبع سرکش را اقناع نمایند تابهتر بتوانند بحفظ این خون وسرشت کمك نمایند مسلم است که دنیا باسرعتی خارق‌العاده بجلومیرود وباسرعت بیشتری بهم ارتباط می‌یابد

بقیه درصفحه ۶۱

درود فراوان به پیشگاه شاهنشاه آریامهر دانش پرور و سرافرازی بخش

آقای شجاع‌الدین شفا دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی اعلام کرد، برای مبارزه با بیسوادی:

ایران کشور پیشرو انتخاب شد

متن قطعنامه سازمان ملل متحد که درپیرو پیام‌شاهنشاه آریامهر بمجمع عمومی‌این سازمان درتأیید قطعنامه کنگره جهانی پیکار با بیسوادی درتهران صادر شده و همچنین اطلاعاتی درباره اعلام کشور ایران ازجانب سازمان یونسکو و صندوق اعتبارمخصوص‌سازمان‌ملل متحد، بصورت«کشورپیشرو درامر مبارزه‌بابیسوادی» و گزارش مدیر کل‌یونسکودرباره کنگره تاریخی تهران بمجمع‌عمومی‌ملل‌متحد، توسط آقای شجاع‌الدین‌شفادبیر کل کمیته ملی‌پیکارجهانی بابیسوادی‌انتشاریافت.

قطعنامه سازمان ملل

ترجمه قسمتی ازقطعنامه مفصل سازمان ملل متحد بدین قراراست:

درتعقیب قطعنامه‌های شماره ۱۶۷۷اجلاسیه شانزدهم وشماره۱۹۳۷ اجلاسیه‌هیجدهم سازمان و قطعنامه‌های سال ۱۹۶۴کمیسیون های اقتصادی منطقه‌ای و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و سیزدهمین مجمع عمومی یونسکو وباتوجه بگزارش‌های دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر کل یونسکو درمورد اقدامات مربوط بمبارزه بابیسوادی‌با تجلیل خاص از پیام بشر دوستانه و بزرگوارانه‌ای که اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران دراین مورد به بیستمین اجلاسیه سازمان ملل متحد ارسال فرمودند.

براساس نظریات بیست وهشتمین کنفرانس بین‌المللی آموزشی ماه ژوئیه۱۹۶۵ در ژنو وبراساس نظریات وتوصیه‌های کنگره جهانی وزیران آموزش درتهران که ازتاریخ ۸ تا ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۵ بمنظور مبارزه بابیسوادی ازطرف یونسکو تشکیل گردید مخصوصاً با اتکاء بقطعنامه‌های این کنگره درباره لزوم بسیج منابع انسانی و مادی برای تأمین این

منظور مراتب ذیل را اعلام میدارد :

۱ ـ موضوع بیسوادی مسئله‌ای جهانی است که باتمام عالم بشریت ارتباط دارد.

۲ ـ امر آموزش در درجه اول یك عامل اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.

۳ ـ اکنون موقعی فرارسیده است که کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در کمترین مدت ممکن کوشش جدی و پی گیری برای از میان بردن بیسوادی در سرتاسر جهان مبذول دارند.

بدین منظور اولا ازکشورهائی که درآنها بیسوادی مسئله‌ای اساسی بشمار میرود دعوت میکند که دربرنامه‌های ملی توسعه خود برای موضوع آموزش بیسوادان حق تقدم کامل قائل شوند وبراین اساس کلیه منابع ممکنه مالی و مادی و انسانی خویش را اعم از دولتی یا غیر دولتی بسیج نمایند.

ثانیاً ، ازکشورهائی که درامر تعمیم آموزش بهترین نتایج رادرداخله خود گرفته‌اند دعوت میکند که دربرنامه‌های همکاری دوجانبه خویش باکشورهای دیگر سهم شایسته‌ای برای حق تقدمی که این کشورها دربرنامه‌های توسعه خود در امر تعمیم آموزش قائل شده‌اند منظور دارند.

ثالثاً ازکلیه دولتها دعوت میکند که همه امکانات خود را برای افزایش منابعی که میباید درراه آموزش بیسوادی بکاررود ، چه درزمینه ملی وچه درزمینه بین‌المللی ازجهات مختلف مورد توجه وبررسی قرار دهند.

رابعاً از سازمانهای تخصصی بانك بین‌المللی ترمیم و توسعه، صندوق اعتبار مخصوص، دفتر کمکهای فنی، وکلیه سازمانهای صلاحیتدار بین‌المللی یا منطقه‌ای دولتی یا غیردولتی دعوت میکند که بمنظور اجرای برنامه‌های مبارزه با بیسوادی بنحوی که کاملا با برنامه‌های توسعه مرتبط باشد مساعی خویش را دراین زمینه باکوششهای یونسکو تلفیق دهند .

خامساً ازشورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد وکمیسیونهای اقتصادی منطقه‌ای دعوت میکند که درکادر برنامه ده ساله سازمان ملل متحدبرای توسعه مسائلی را که بیش ازهمه در پیوستگی امر آموزش باتوسعه‌اقتصادی تأثیر دارند مورد مطالعه ورسیدگی قرار دهند.

دبیر کل سازمان ملل متحد مأمور میشود که‌با همکاری مدیر کل یونسکو گزارش پیشرفتهائی راکه در اجرای مفاد این قطعنامه حاصل میشود بمجمع‌عمومی گزارش دهند .

کشور پیشرو

آقای شفا درباره اعلام کشور ایران بعنوان کشور پیشرو در امر مبارزه با بیسوادی اعلام داشت :

در دوازدهمین مجمع عمومی یونسکو تصمیم گرفته شد که برای اجرای یك برنامه جهانی مبارزه با بیسوادی برنامه‌هائی بطور آموزشی در چند کشور که حائز بهترین شرائط باشند و اقدامات پیشرفته‌تری درین مورد کرده باشند با کمك یونسکو و کمك مالی صندوق اعتبار مخصوص سازمان ملل متحد بمورد اجرا گذاشته شود، تا بعداً تجارب حاصله در مقیاس جهانی مورد استفاده قرار گیرد. برای استفاده از این برنامه‌های آموزشی ٤۰ کشور داوطلب شدند و یونسکو پس از مطالعات لازم ۸ کشور را از آنها برای اعزام هیئتهای متخصصین خود بمنظور رسیدگی انتخاب کرد و از این هشت کشور نیز بر اساس گزارشهای این کارشناسان سه کشور ایران و الجزایر و مالی بعنوان کشورهای پیشرو در امر مبارزه با بیسوادی برگزیده شدند. صندوق اعتبار مخصوص سازمان که از اول ژانویه سال جاری نام آن به «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» تبدیل یافته مبلغ یك میلیون ودویست هزار دلار برای اجرای برنامه های آموزشی خاصی که با کمك یونسکو اجرامیشود در اختیار این برنامه‌ها خواهد گذاشت.

آقای شفا اعلام داشت: درقسمتی ازاظهارات مدیر کل یونسکودرباره کنگره تاریخی تهران گفته شده :

«بی شك کنگره تهران که با دعوت بزرگوارانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران تشکیل شد درتاریخ مبارزه با بیسوادی مبداء تحول عظیمی است . این کنگره اهمیت حیاتی مسئله پیکار با بیسوادی را از نظر جهانی برای همه روشن کرد. بعداز کنگره تهران بیسوادی یك مسئله دنیائی شناخته شد که بایستی بمقیاس دنیائی و باکوشش دستجمعی جامعه بشری حل شودازنظر سیاست داخلی کشورها نیز اهمیت کنگره تهران انکار ناپذیر است زیرا کنگره باین نتیجه اساسی رسید که مبارزه با بیسوادی رانمیتوان ازکوشش برای توسعه اقتصادی مجزا دانست، دیگر نبایستی دراین فکر بود که مخارج باسواد کردن مردم از محل کمك های داوطلبانه ودرآمدهای غیرقابل پیش بینی تأمین گردد. بلکه بایستی بطور قاطع و منظم قسمتی از اعتبارات راکه برای توسعه اقتصادی درنظر گرفته میشود باین امر تخصیص داد.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۷)

دوره شاهی بنی‌اسرائیل

سرگذشت دوره شاهی بنی‌اسرائیل درازست ، بکوتاهی اینکه، این قوم بنا بگزارش تورات، تنها دوپادشاه نامی وتواناکه تا اندازه‌ای خردمند ومدبر نیز بوده بنـام داود و سلیمان برآنها فرمان راندند ودردوره آنها تمدن وفرهنگ‌رونق گرفته ودرامور سیاسی، ملی و انضباط دیوان داد پیشرفت‌کردند ودر برابر فرمانروایان وقدرتهای پیرامون‌خود استوار بوده ، بلکه دربرابر همگنان کوس‌برتری نیز مینواختند. کیش موسا با نفوذنخستین پابرجا بود وتکالیف دینی با تشریفات خود انجام میگرفت، نفوذکاهنان کاسته نشده بود . ولی پس‌از داود وسلیمان‌که هم مقام سلطنت و هم‌عنوان نبوت داشتند، بازماندگان‌یاوارثان تخت وتاج ، جنبه روحانی وپیشوائی دینی راازکف داده ، غروروبلندپروازیهای‌ناشایست ودژکامی تحمل‌ناپذیری را آغاز نهادند. هرتیره وشاخه‌ای ازقوم ، خودمختاری پیشه‌نمود وشاهی‌برگزید وهمچنین آنچه از تورات برمی‌آید ، کاهنان درمقام ومنصب دینی باتعصب وسختگیری بمردم روشی نکوهیده داشتند و بدانچه خلاف منطق و فلسفه دین موسا بود گرویده ، دیوانه‌وار از اصول بیگانه گردیدند و برای نگهداری پرستیژرهبری وپیشوائی خود بنام پرستش یهوه ، به تجمل‌پرستی وتوانگری درانباشتن زر وسیم وگسترش‌مالکیت زمین ازراه زورگوئی و به جبرستانی از زیردستان خودی وبیگانه یا همسایه ، سرانجام خداپرستی جایش را به‌خودپرستی دادکه‌گزارش آن در کتاب « داوران » تورات آمده است .

درکتاب اشعیاء نبی میخوانیم‌که او درباره پادشاهان‌درخواب دیدکه — «ای‌آسمان بشنو وای زمین‌گوش‌بگیر ، زیرا خداوند سخن‌میگوید : — پسران پروردم وبرافراشتم، اما ایشان بمن‌عصیان ورزیدند .گاو مالك خویشرا والاغ آخور صاحب خودرامیشناسند،

اما اسرائیل مرا نمیشناسد وقوم من فهم ندارند. وای برامت خطاکار وقومیکه زیر بارگناه میباشد. اگر یهوه صابوت، بقیه اندکی برای ماوانمیگذاشت، مثل سدوم (شهرلوط) میشدیم ومانند عموره میگشتیم. ای حاکمان سدوم، کلام خداوند مرابشنوید و ای قوم عموره، شریعت خدای ماراگوش بگیرید. خداوند میگوید:

«ازکثرت قربانیهای شمامراچه سوداست؟ ازقربانیهای سوختنیقوچها وپیه‌پرواریها سیر شده‌ام وبخون‌گاوان وبره‌ها وبزها رغبت ندارم».

ازاین گفته‌ها جنین برمیآیدکه رهبران یهود یا باصطلاح انبیاء (آگاهان رموز) و فقیهان حقیقی کیش موسوی؛ بفلسفه اقتصادی واجتماعی دین خودپی‌برده وفهمیده بودندکه قربانی‌گاو و گوسفند دردوره بیابان‌گردی درراه یهوه بمنظور خودداری ازکشتاردامها برای مصرف‌گوشت آنها وافزون شدن‌گله ورمه قوم بوده، درآن دوره آزادی درکشتار دام وخوردن‌گوشت محدود بود، مگر درراه ادای نذر به پیشگاه یهوه، آنهم درروزهای مخصوص، حیوانی باشرایط ونشانیهای ویژه‌که نادر بود؛ قربانی میشد و ازگوشت آن بهره‌مند میشدند.

موسا دردوره سازندگی قوم بود وآنها را برای بردباری هرگونه رنجی بـه امید پیروزی واپسین آماده مینمود آنها راورزش میداد، روزها گرسنه‌وتشنه میماندند ـ به‌آنها سختگیریها میکرد تامردمی سخت‌کوش، زمخت وخویشتن‌دار بارآیند و نیروی اقتصادی قوم درگله ورمه‌داری قوی‌گردد، زیراجائی برای ماندن‌وکشت وبرداشت کردن‌نداشتند. موسا نمی‌خواست درقربانی دامها بنام یهوه تندروی شود، زیرا دراینکارهم شرایط سخت بود.

چنانکه خوی هرقوم زبون وخواری‌که بارسیدن به‌ناز و نوا در هرکار تند روی و فزون‌خواهی را شعار خود میسازد و استقلال برای قوم ندیدبدیدگویااثر مست‌کننده‌دارد که‌آدم بی‌ریشه وثبات راازراه بدرمیکند وگمراه میسازد، دراین هنگام است‌که‌احساسات برخرد چیره میشود ـ «کنندآنچه راکش نباید بکار».

بیجانیست‌یادآورشوم‌که ـ روش‌مسلمانان نیز درانجام‌قربانی درخورسنجش واندیشه است. به درستی دانسته نیست‌که تا پیش از رفورم مراسم حج بفرمان محمد (ص) رفتار حج‌گذاران دوره جاهلیت‌چگونه بوده وبا تنگدستی و بینوائی بت‌پرستان جزیره، مراسم قربانی ازحیث‌کمیت چطور برگذارمیشده است؟ زیرا در آن زمان استطاعت شرط نبوده است. اما از داستان نذر عبدالمطلب نیای محمد درقربانی پسرش عبداله‌که بجای اوصد شتر قربانی شد تا خشنودی هبل بت بزرگ حاصل‌گردد ودرگفتارپیشین گزارش‌آن داده

شد، بخوبی پیداست که عرب بت‌پرست تاچه اندازه پای‌بندعقیده خرافی‌بخدایان‌خودساخته خویش بوده ، ولی‌آیا دردوره نورانی علم وحکمت‌قرآنی‌توحیدهم،همان رفتار عهدجاهلیت رواست ؟ بویژه اینکه جمعیت آن روز ومحدودیت مشرکین نسبت‌بجمعیت‌کنونی‌مسلمانان که بیش ازچهارصد ملیون است قابل مقایسه نیست وسالی صدها هزار دام از گاو، گوسفند وشتر درمراسم حج قربانی میشود آنهم درجهانیکه دچارکمبودموادخوراکی‌است وملیونها ازمردم ، دسترسی به‌گوشت ندارند وگرسنه بسرمیبرند و این دامهای قربانی که خوراك یکساله شهری بزرگست بدون استفاده ازگوشت آنها پس ازکشتن نابود میشوند! آیا در عصرما این کاربیهوده شایان تجدید نظرنیست ؟ وآیااین سرمایه هنگفت‌که‌میتواندانگیزه کار وتامین زندگی هزاران بیکار درشهرهای اسلامی بشود بدون اینکه این‌سرمایه کاهش یابد،چه هرسال برآن می‌افزاید،چه نیکوکاری‌ها که مایه خشنودی خالق است، بدین‌وسیله درباره خلق خدا میتوان کرد؟ !!.

باری ـ اززمینه‌کمی دورافتادیم ـ این‌کتاب(اشعیا) وکتاب «ارمیا» شناسنامه یهود پس از «موسا» است . خوی خشن ، رفتارزشت ، آزمندی به‌گردآوری زر وگوهر ودست اندازی به‌کشت‌زارها وتنخواه همسایگان ، خونخواری وتجاوز به ناموس واموال‌دیگران، انگیزه پراکندگی وازهم‌گسیختگی رشته یگانگی وخویشاوندی یهود گردید.

بر افتادن شاهی یهود ـ ویرانی اورشلیم ـ اسارت بنی اسرائیل

بنا به‌کتاب دوم تواریخ ایام ـ بنی‌اسرائیل ومرکزجامعه آنها«اورشلیم»فرمانبردار ودست نشانده دولت مصرگردیده بوده است چه‌گزینش شاه و ولیعهد آنها بسته به فرمان فرعون وقت بوده . واپسین شاهی‌که بفرمان فرعون بتخت نشست «یهویاقیم» بوده که در این‌کتاب میگوید :

« درنظر یهوه خدای خود، شرارت ورزید».

پس از استیلای آشوریان یهود به‌زیر فرمان شاهان آشوری درآمد . نبوکدنسر پادشاه بابل ، یهویاقیم را ازشاهی برانداخت و بزنجیر کشیده شده باچندین ظروف طلای خانه خدابه بابل برده شد وپسرش «یهویاگین» بفرمان نبوکدنسر شاه یهود شد . شاهی او نیز باتبهکاریهایش درپیشگاه خدا ناپسند افتاد واسیر شده باظروف‌گرانبهای دیگر به بابل‌گسیل‌گردید .کسان دیگری‌که بشاهی‌برگزیده شدند ، بر خدا عصیان ورزیدند ،

خیانت آنها وشرارت قوم همواره درافزایش بود تاخشم خداوندبرآنها افروخته‌شد پادشاه کلدان همه کاهنان ومردم را ازپیر و جوان ودوشیزگان به شمشیر کشت وآنچه از ظروف واثاثه خانه بازمانده بود باگنجها وشاهزادگان اورشلیم به اسارت رفتند. خانه خدا را نیز باآتش کشید ، باروی شهر را ویران کرد ، قصرهارا آتش زد، ۵۴۰۰ پارچه ازظروف طلا ونقره که بازمانده بود، با کاهنان وکسان دیگر که جان بدربرده‌بودند اسیر وبه‌بابل روانه شدند .

آزادی یهود و بازگشت باورشلیم بفرمان شاهنشاه پارس

هفتادسال دوره اسارت یهود بازیردستی وبیگارگی وبردگی‌سپری گردید که خسرو (به‌لهجه یهود کورش) کبیر شاهنشاه کیانی پارس، بابل راگشود ویهودرا ازذبونی وخواری اسارت بدرآورد. درکتاب «عزرا» سرگذشت آنان‌چنین است :

«در سال اول، کورش پادشاه‌فارس ـ (تاکلام خداوند بزبان ارمیاکامل‌شود)خداوند، روح‌کورش پادشاه فارس رابرانگیخت تادر تمامی ممالك‌خود ، فرمانی نافذکرد و آنرا نیز مرقوم داشت وگفت : کورش پادشاه فارس چنین میفرماید :

« یهوه خدای آسمانها ، جمیع ممالك زمین رابمن داده ومرا امر فرموده است‌که خانه‌ای دراورشلیم‌که «یهودا» است بنانمایم ـ پس‌کیست ازشما قوم‌اوکه خداش‌باوی‌باشد. او به‌اورشلیم‌که یهودا است برود وخانه یهوه راکه‌خدای اسرائیل وخدای حقیقی است‌در اورشلیم بنا نماید» .

این نکته در تاریخ ما روشن است ودیگرانهم تاییدکرده، سنگ نبشته‌هانیز گواهی میدهندکه طبقهٔ دوم خاندان سلطنت کیانی درپارس رایونانیان اکیانAchaeans وبشکل دیگر اکیامندز Achaeamenedes می‌نامیده‌اندکه معنی‌کیامند یاکیامنش میدهد و مردم باختر ایران آنروزکه سامی‌نژادبوده، به‌لهجه خود هخامنش گفته ومینوشته‌اند ودر هنگام‌گشایش بابل ۱۲ قرن ازعصر واقعی زرتشت میگذشته و نام آفریننده جهان در دین مزدیسنان زرتشتی؛ هورمزد ، کوتاه شده (اهورامزدا»برده میشده و پادشاهان پارس فرمان خودرا بنام اهورامزدا آغازمیکردند ولی تورات به‌لهجه خود «یهوه» نوشته‌گویاخواسته نام خدای حامی‌خودرا ازربان شاه‌بازگوکند واین خوی‌هر قوم‌نادان و ناتوانست‌که همه چیز خوب وآبرومند دیگران رابه‌خود ببنددوازآن بهره‌برداری‌کند این است‌که فرمان

شاه راکه صدها برگه تاریخی‌وجود داردکه همارهاهورامزدا عنوان میشده به یهوه تبدیل کرده است .

باری فرمان آزادی کیخسرو زمان یاکورش (Cyrus) در باره یهود محدود نبود، آنها آزاد بودندکه به اورشلیم بروند یا دربابل وشهرهای دیگر با حقوق‌وحدودیکسان بمانند ولی آنچه از آثاثه وظروف خانه قدس درخزانه آشوریان بجامانده بودبه‌آنها سپرده شد وفرمانی صادر گشت‌که بتوانند بشهر ودیارخود رفته ویرانه‌ها را ازنو بسازند وپرستشگاه را دوباره برپادارند و باآزادی وانسانیت برابر آیین امپراتوری فارس زندگی راازسر گیرند . اما مردم آنسامان بویژه فلسطینیان اصیل بلکه‌گروهی از خویشاوندان خودشان بدربار شاهنشاهی عریضه‌نگار شده ، نوشتند :

این شهر «اورشلیم» واین اسیرشدگان کانون فتنه وفساد و شرارت است باز بنای زدوخوردوکشمکش‌نهادند وهماره نمایندگانی‌ازدوسوی بدربارفرستاده دادخواهی‌میکردند، چه این نجات‌یافتگان میگفتند :

یهوه خدای بنی‌اسرائیل واورشلیم خانه خدا ـ ویژه آنهاست . تنهاآنها دردیده‌یهوه گرامی هستند . درست مانند عربهاکه محمد وقرآن را ازآن عرب دانسته ، خود را از دیگران برترمیشمردند وسرور مسلمانان میدانستند وهمه‌جورزشت‌کاری ودژکامی رابه خود اجازه میدادند. یهود نیز همین خودبینی را داشته ازکنار دریای سفید تا کرانه فرات را مال خود میدانستند ولی عرب دو امپراتوری رم وایران را ارث‌پدری پنداشتند و ازجبر تاریخ غافل بودند.

اگر شاه ایران یهود را آزادی وپروانه زندگی نوین نداده بود ، بسا که امروز بیش ازکلده وآشور نام ونشانی درتاریخ نداشتند . این قوم‌که زیرسایه همایون‌شاهنشاهی ایران باآزادی ویکسانی حقوق میزیستند ، درداستان معاشقه خشایارشاه با استر (دختر زیبای یهود) نقشه و دسیسه خائنانه‌ای چیدندکه در یك روز هزاران تن ایرانی با هیئت وزیران نابودگردند ، هنوز هم سالروز آن ماجرای رسوارا جشن میگیرند. اگرازآنها که بفلسطین رفتند بتوان چشم‌پوشی‌کرد، چرا بایدگروهی‌که ۲۵۰۰ سال است در ایران با مسالمت وبرابری حقوق پذیرفته شدند وبدرستی ایرانی شده زبانشان نیز پارسی است، درگرفتن چنین جشن توهین‌آمیزی به‌ایرانی ، اقدام‌کنند ؟ شگفت‌تر اینکه در آغازدوره رضاشاه‌پهلوی‌کبیر که از آزادی وگشایش بیشتری درزندگی برخوردارگشتند ، داستان افسانه‌نمای عشقی استرمردخای را نمایش میدادند ،گویا با اینکار میخواستند ناسپاسی و پیمان‌شکنی تاریخی خودرا یادآورشوند؟ چرا باید پول این‌کشور را بنامهای گوناگون

بقیه در صفحه ۵۸

حبیب‌اله فرازمند

زرتشت نامهٔ منظوم

(۲)

بعـهـد پیـام آور راستـین / که کاخ اشوئی بنا گشت ودین
وزان پیش کآئین بگیرد فروغ / شود چیره نیکی به ریوو دروغ
به مردم نشان از اشوئی نبود / کسی را به کس نیکخوئی نبود
بهر جا جدائی پدیدار و جنگ / وزین دشمنی‌ها دل خلق تنگ
نه آئین نیکی نه رسم صفـا / نه امید رستن ز مکر و دغـا
تن مردمان خسته از فقر نان / روانهـا ز بـی‌دانشی ناتـوان
همه خلق با رنج و غم آشنا / ز احوالشان بی خبر اغنیـا
یکی محتشم گشته با ظلم و زور / وز انـدیشهٔ ناتوانان بـدور
یکی منعم از فقر برزیگران / بمکنت جدا مانده از دیگران
گروه توانگر خداوند گنج / دگر مردمان را ستم بود و رنج
در آن روزگاران نـاباوری / نبد رسم خود کامگان یـاوری
گروهی بدام توحش دچـار / جدا مانده از رسم شهر و دیار
بیابان نشین مانده و کینه‌خواه / ز تاراجشان زندگی‌هـا تباه
فساد و تباهی از این دسته بود / ز بیدادشان جسم وجان خسته بود
همه اهرمن کیش و گم کرده راه / نه بر کار خوددیده چشمی گواه
پرستندهٔ دیو و اصنام خود / فرو مانده در کار و فرجام خود

بهنگام قربانی از بیم جـان　　بکشتند گاوان مراین جاهلان
نبستند گاوان به شخم و به‌خیش　　نه دربند کشت و نه دربندخویش
بدینگونه احشام نقصان گرفت　　وزان، قحطی وفقر بنیان گرفت
غذاشان ز یغمای زحمت کشان　　وزآنان که‌چون‌مورروزی کشان
نه عادت که مأوا به شهر آورند　　نه کشتی وزرعی که سودی‌برند
گروهی‌بدینگونه‌بد کیش‌ورای　　پرستندهٔ دیو و ریو و هوای
گروهی‌ازاین‌شیوه گردانده‌روی　　به‌شهروبه‌شهریگری کرده‌خوی
بهم یار در کار و سر گرم کشت　　نیالوده خود را بکردار زشت
بیابان رها کرده سر گرم کار　　به بهروزی خویش امیـدوار
ستوران و احشام این مردمان　　ز تیمار افزون شدی هر زمان
بکشتار گـاوان نیالوده دست　　جـدا گشته از دسته بت پرست
پرستشگر ماه بودند و مهر　　ستایشگر آتش خـوب چهر
به آب وبه باران نظر بودشان　　که خود آب وباران‌بر آسودشان
بدلشان گرامی بدی خانمان　　که از خانمان ماند زیشان‌نشان
چه سود آنکه ازجهل نابخردان　　جهان بود تیره کران تا کران
در این دوره آسودگی‌مرده بود　　که تنها به مردن تن آسوده‌بود

✲

بدینگونه‌عصر جفابود وجنگ　　بکام کسان آب صافی شرنگ
ز دلها برون رفته نیکی و مهر　　ستم پیشه گردون و ظالم سپهر
به ناگاه رخسار جنگی سیاه　　پدید آمد و هستی آمد تباه
که‌درمرز«توران»و«ایرانزمین»　　بر آمد نبرد و بپا گشت کین
جوانان و پیران رها کرده کار　　بسیجیده گشتنـد بر کارزار
در آن نوجوانان نو خاسته　　به ابـزار پیـکار آراستـه

جوان برازنده‌ای بود و گرد / که‌از همگنان گوی‌سبقت ببرد
بهنگام پیکار چالاک و چست / فلک‌برق تیغش بمیدان نجست
همو بود «زرتشت اسپیتمان»[1] / ز پشت«پوروشسب»[2] مه‌خانمان
کز آغاز درد آشنا بود و دید / به‌هستی «بد» و «نیک»آمدپدید
زیکسو رخ مردم از فقر زرد / دگرسو دل ازجنگ‌وغارت‌بدرد
نه تاب تحمل دراو مانده بود / نه میشد که غافل ز مردم غنود
فرو رفته درخویش و اندیشمند / که مردم چگونه رهاند زبند
ز بند هوا ، مستی و دشمنی / وز اندیشهٔ زشت اهـریمـنی
نپـائید جنگ و بپایان رسید / وز آثار شومش کمرها خمید
بهر گوشه جمعی پریشان و زار / گروهی تن افسرده از کارزار
غم نان و زخم تن و بیم جان / بدینگونـه آمد توان ناتوان
بدین‌رنج‌وحرمان که«زرتشت»دید / دلش گرم و خونین بغم‌درطپید
بر آن شد که‌برزخم‌درماندگان / نهد مرهم و شادی آرد به‌جان
جوان بود و هر جا قدم‌می‌نهاد / دلی میشد از مهربـانیش شاد
که درخردی از دانش روزگار / چنان عالم آمد که آرد بکار
بدینسان به پندار او چیره شد / فروغی که جانهااز آن‌خیره‌شد
دراینده‌وره «زرتشت»نیکوخصال / جوان‌بود ودرعرصهٔ بیست سال
که‌ازجنگ«توران»برآسودوزود / بدیدار خویشان خود رو نمود
چو درخانمان آمدو خانه دید / دلش غرق شادی بشادی طپید
چو خورشید رخسارمادر بدید / بشد خیره،خورشید دربر کشید

دنباله دارد

---

۱ – Spitman نام قبیلهٔ پدری اشو زرتشت است .

۲ – Porushasp نام پدر اشوزرتشت .

نوشته: هاشم رضی

شاخهٔ زرین

(۲)

روحانیان ازشاخه‌های زرین گیاه هوم ، شیره کشی کرده و باافزودن چیزهائی بدان نوشابه‌ئی فراهم میکردند که درمراسم مذهبی نوشیده میشد. گیاه هوم گیاهی بوده دارای خواص درمانی وطبی ودر اوستا سرورهمهٔ گیاهان اهوراآفریده ونیك میباشد وبهمین‌سبب است که تشخص یافته ودرمفهوم‌ایزدی ، یعنی گیاهی مورد ستایش درآمده است. این‌مفهوم دربیانی غنایی وشاعرانه ، چنین‌آمده است:

ستایم ابرها وباران راکه پیکر تورا به‌بالاندبر فراز کوه ، ستایم آن قلهٔ‌کوهی‌که تو درآنجا برویبدی ای هوم. ستایم زمین فراخ پهن کار- فرمای بخشایشگر دربردارندهٔ تورا ای‌هوم پاك ، ستایم سرزمینی راکه تو ازآنجا بسان یل‌گیاههای خوشبو وگیاه خوب‌مزدا میرویی ، ای‌هوم بروی بر زبرکوه ونموکن درهمه جا ، بدرستی تویی سرچشمه راستی.[۱]

هنگامی که موبدان‌وروحانیان درکار فراهم‌کردن وبدست‌آوردن عصارهٔ هوم‌میباشند، وددروزگاران‌کهن که مراسم ستایش ونیایش برای‌این گیاه مزدا آفریده برپا میداشتند ، این‌چنین سرودهایی رازمزمه میکردند ومیخواستند تااین گیاه درمان‌بخش‌وشادمانی‌افزا ببالد ، رشد ونموکند وبسیار فراوان گردد. درهرخانواده‌ئی ومیان هرخان ومانی‌که هوم وجود داشت ، بیماری ومرض نابودمی‌شد. هرچند نوشابه‌یی‌که ازهوم فراهم میشد، مستی آوربود، اما درآن مستی خشم وبیخودی وجودنداشت، سروری بود اهورائی ، چون‌هوم نشاط وسرور سالم همراه داشت وبه‌تن مؤمنان درستی وسلامت می‌بخشود. مطالعه در متن «هوم‌یشت» این معنا رابروشنی‌آشکارمیسازد.

هوم گیاهی بوده است‌که افزوده برخواص مستی‌آورش ، دارای‌ویژه گیهای‌فراوانی

۱ - بند ۳-٤

بوده در درمان بسیاری از بیماریها . چون دارای چنین خواصی بوده ، آنرا گیاهی ایزدی و مزدا آفریده پنداشتند و بر آن شدند که چون گیاه مقدسی است بایستی بوسیلهٔ روحانیان شیره‌اش فراهم شود و بااعمالی مذهبی همراه باشد تا اثرات درمان‌بخش آن‌دو چندان گردد و برای تأثیر بیشتر هنگام پالایش برای آن مراسم پدیدآمد ، چون عنصری مقدس پنداشته میشد وکم کم وی رابموجب ویژه گیهای نیکش تشخصی بخشیدند و ستایش کردند وقدردانی وعواطف خودرا بدینگونه ابرازداشتند . گرایندگان در نیایشش چنین میگفتند :

ای هوم مرا از آن درمانهایی ده‌که توازآنها درمان‌سازی ؛ ای‌هوم مرا از آن پیروزیهایی ده‌که تو از آن دشمن را شکست دهی. خواستارم که دوست و ستایشگر تو باشم ، یك دوست ستایشگر را دادار اهورامزدا بهتر خواند چنانکه اردیبهشت را. تو راای دلیر آفریدهٔ دادار ، بغ‌صنعت گری ساخت تورا، ای دلیر آفریدهٔ دادار بغ صنعتگری برالبرز فرو نشاند[۱]

پس خداوند برای نخستین بار هوم رادرقلهٔ البرزکوه پدیدآورده دنبالهٔ مطلب‌چنان است که دانهٔ هوم بوسیلهٔ پرندگان منتشر گشت ودرکوههای بلند این گیاه اهورائی‌روئید، گیاهی که زرگون است ودارای خواص درمانی فراوانی است . ستایندگان از این گیاه درخواست میکردند تامنش بد ، دروغ وخشم وبدگوئی راازآنان براند ، چون‌هوم گیاهی اهورائی بود وطبعاً بنابراصل فلسفی آئین زرتشتی لازم می‌آمد تاباتمام نیرو برضدزشتی وپشتیبان نیکی باشد. ازسوئی دیگر چون دارای چنان خواصی‌بود ، مردم معتقدبودنددر هوم نیرویی ایزدی موجود است وبدین سبب درهیأت ایزدی وی را تشخص بخشیدند .

هرکسی بآزادی حق نداشت تادرمراسم فراهم کردن شیرهٔ هوم‌حاضرباشد ، بویژه همه‌کسان نمیتوانستند ازنوشابهٔ هوم بآزادی بنوشند. درمقاله‌های تشتر وبهرام‌ایزدملاحظه گشت که حق استفاده ازفدیه ومیزد تنها ازآن‌مؤمنان‌است، درهوم یشت نیز این‌امرتصریح شده است .

نباید از برای من آنانی‌که از آن هوم نوشیدند بدلخواه خود مانند گاو درفش [= درفش کاویانی Gtansh Drafsha] در جنبش باشند ـ باید آنانی‌که ازتو نشأه یابند زنده دل پیش روند وورزیده وکار پرداز بدر آیند .[۲]

۱ ـ بند ۱۰-۹

۲ ـ بند ۱٤

هوم فزایندهٔ دانشها ونیکی‌ها وصفات اهورائی است. منش‌درویش آزاده راچون‌آن توانگر میکند. بردانش دانشور می‌افزاید وپهلوانان را ازنیروی بیشتر برخوردارمی‌کند وخرد رامی‌افزاید وبموجب قائل بودن بهمین خواص از برای هوم بودکـه چنین قدر و ارزشی داشت.

با توجه بهمین نکات است که میتوان افزوده‌های زرتشتی رابرهوم یشت مشخص‌کرد قسمت‌هائی ازاین‌یشت که درمراسم قربانی برای هوم وشرایط آن است، از جملـهٔ مراسم عصرآریائی پیش از زرتشت میباشدکه ریشه‌هایش درادبیات ودائی روشن است.

فشردهٔ هوم را ننوشیدن ونگاه داشتن فعلی ناشایست بوده است ودرآداب ورسوم، عملی اهریمنی شناخته میشد. بهمین جهت است که هوم‌کسانی‌راکه فشرده‌اش رانگاه‌دارند، نفرین میکندکه: بی‌فرزند شوی وبه‌بدنامی دچارگردی [1]

درعهد قدیم آریائی ازبرای هوم ایزد، ایزد موکل‌گیاهان چون دیگـر ایزدان قربانی میکردند [2] وزبان وشانه وچشم چپ قربانی ازآن ایزد هوم بوده است ودر ودائی نیز بتفصیل ازمراسم قربانی برای سوم Soma گفت‌وگو شده است. اعضائی‌ازقربانی و قسمتی ازآن‌که ویژهٔ ایزد بوده است، محترم‌ومحفوظ‌بوده وکسی راحق‌دست‌درازی‌بدانها نبوده است، چون عواقب بدش دامنگیر وی میشده است.

در همین قسمت از هوم‌یشت اشاره شده است بگرفتاری افراسیاب بوسیلهٔ هوم که داستان دلکشی دارد ودرشاهنامه نیز منعکس شده ودرمقاله‌یی جداگانه از آن گفت‌وگو میشود. پس از بند هشتم ازیسنای یازدهم، تاپایان این بخش از یسنا، سرودهائی آمده است که‌گویا موبدان بهنگام پروردن هوم میسروده‌اند.

در ویسپرد نیز ازهوم بنسبت باتفصیل یادشده است، وآن دربیان‌پیشکش‌کردن‌هوم است به ایزدان وهمهٔ عناصر نیك مزدا‌آفریده‌که با بیانی احساس انگیز سروده شده است و نه‌تنها دراین میان‌گیاه مقدس‌هوم ستوده شده، بلکه همهٔ گیاههای درمانبخش‌ستایش‌شده‌اند ومطالعهٔ این قسمت‌ازویسپرد، جهت معرفت بخواص ونیکی‌ها وکارهائی‌که هوم رابوده است سوددرسان میباشد.[3]

بقیه درصفحهٔ ٥٤

۱ ـ یسنا ـ ها ۳/۱۱

۲ ـ شایست ناشایست ٤/۱۱

۳ ـ ویسپرد، کرده ۱۱ ۲۱/۱۱-۱

آئینهائی که در روز درگذشت اشو زرتشت برگزار گردید

تهران - روز پنجم دی‌ماه (خیرایزد ودی‌ماه) بمناسبت روز درگذشت اشوزرتشت تمام مؤسسات فرهنگی - اجتماعی و مراکز کسبی و بازرگانی همکیشان تعطیل بوده و در ساعت هشت ونیم بنا بدعوت انجمن محترم زرتشتیان تهران در تالارخسروی گردآمده ودر مراسم مذهبی که باحترام اینروز برپا گشته بودشرکت جستندوپس از آنکه آئین نیایش‌خوانی انجام یافت موبد دانشمند آقای رستم شهزادی سخنان مشروح ومستدلی پیرامون‌زندگانی اشوزرتشت وتعالیم این پیامبر بیان داشتند.

درحدود ساعت ده ونیم که این مراسم پایان پذیرفت جمعیت برای‌حضور درمراسمی که ازطرف سازمان فروهر جوانان زرتشتی درتالار جمشید آبادیان واقع درکاخ فیروزه (آرامگاه) برقرار بود بوسیله اتوبوسهائی که ازطرف سازمان نامبرده آماده شده بود بدانسو روانه‌گشتند و پس از پذیرائی مراسم نیایش خوانی باحضور عده‌کثیری آغازگشت نخست آقای موبد اردشیرآذرگشسب با بیانی شیوا زندگانی وتعالیم این پیامبر را برای حضار تشریح نموده رعایت آداب ورسوم مذهبی رادرموارد مختلف گوشزد نمودند.

سپس آقای خسرو باستانی با بیانی مؤثر وپرحرارت قصور افرادرا دربرابر وظایف اجتماعی که برعهده‌دارند یادآور شدند آنچنانکه شنوندگان راتحت تأثیر قرارداد. این مراسم درساعت ٤ ونیم بعدازنیمروز پایان یافت.

برابر گزارشهای رسیده از یزد- کرمان - شیراز- اصفهان - اهواز وتمام‌دهات‌زرتشتی نشین یزد درروز پنجم‌دیماه مجالس نیایش‌خوانی وسخنرانی برپا گشته وباحترام‌اینروزتمام مؤسسات فرهنگی واجتماعی وکسبی نیزتعطیل بوده است.

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)

بیاد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷

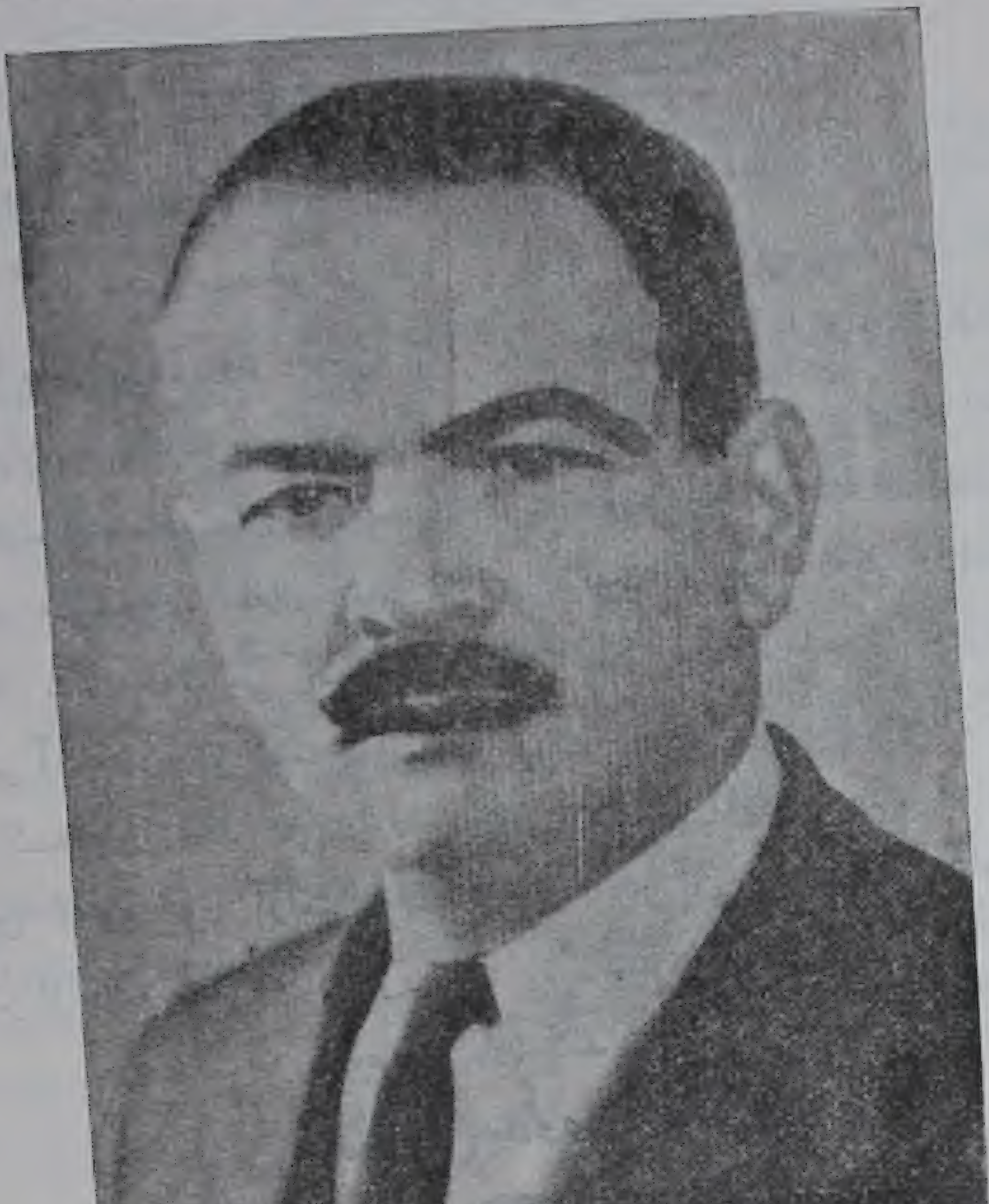
سالروز رفع خطر از شاهنشاه آریامهر

آن خدایی که کند گر آهنگ — شیشه را حفظ کند دردل سنگ
شاه را کرد هدف بدخواهی — تا کند روز وطن را شبرنگ
از خدا بی‌خبری بود یقین — جانی و تیره دل و بی فرهنگ
شد جهان در نظر ایرانی — از چنین حادثه یکمرتبه تنگ
باز خرسند و خرامان گردید — خورد چون تیرخطاکار به‌سنگ
گشت خوشنودی اطفال یتیم — سپر تیر تبه‌کار زرنگ
حافظ شاه خدا می باشد — شد رهانندهٔ شه از نیرنگ
معجز آسا ز خطر گشت رها — شد جهان در نظر خائن تنگ
هر که باور بخدا می دارد — دامن آلوده نسازد با ننگ
چون ترازو بود آرامش ما — اندر آن شاه بود چون شاهنگ
شکر از رفع خطر باید کرد — شد هناهای خیانت بی رنگ

همچو (سرباز) کند ایرانی
هرزمان یادی و پستی جنگ

سالگرد کتابخانه اردشیر یگانگی

بنا بدعوت انجمن زرتشتیان تهران عدهٔ زیادی از دوستداران فرهنگ و کتاب و همکیشان در ساعت شش بعد ازنیمروز یکشنبه دوازدهم دیماه درمحل کتابخانه حضور بهم



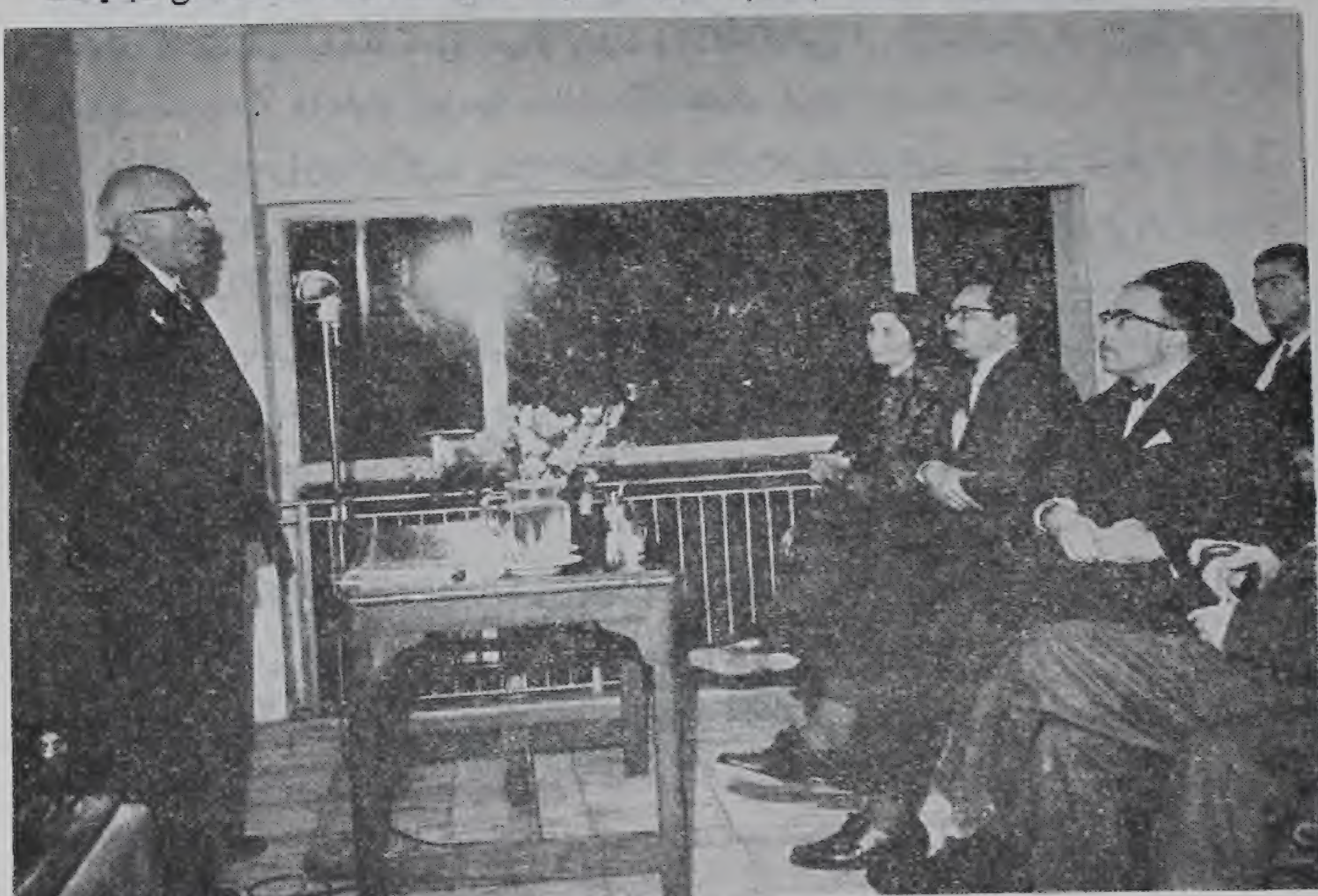
رسانیده در مراسم برگذاری سالگرد کتابخانه شرکت جستند.

نخست جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم ورئیس انجمن زرتشتیان تاریخچهٔ تأسیس کتابخانه وآمار مراجعین وکتابهای اهدائی را بیان داشتند (شرح آن جداگانه درج گردیده است).

آنگاه جناب آقای سناتور دکتر صدیق طی بیاناتی مشروح ومستدل مقام خیام رادر جهان برای حضار تشریح فرمودند که خلاصه‌ای از آن چنین است:

نخست به ستایش از خدمات فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان پرداخته و ازآماری که جناب آقای سناتورگیو راجع به فارغ‌التحصیلان از مؤسسات فرهنگی زرتشتیان بیان نداشته بودند اظهارمسرت وقدردانی نمودند وآنگاه چنین ادامه دادند:

زرتشتیان درهر جا هستند منشأاثر کارهای نیك وسودمند اجتماعی هستند کما اینکه درچند سفر بهندوستان شاهد وناظر خدمات وسیع اجتماعی وآثار نیك اینگروه خدمتگذار بوده وبهمین جهت بسیاری از خیابانها بنام نیکوکاران این جماعت نامگذاری شده است و همچنین مجسمه‌هائی از این رادمردان درمیادین بچشم‌میخورد. مبالغه نیست اگر بگویم که مؤسسه مطالعات وتحقیقات اتم واتم‌شناسی تاتا (پارسیان) درهندوستان وسعتش از بسیاری



از دانشگاهها بیشتر است کما اینکه درضمن ملاقاتی حضرت دکتر پراساد رئیس جمهور آنروز هند در تعریف از خدمات وفعالیت پارسیان فرمودند « صدوبیست‌هزار نفر پارسی برای ما ازیکصد وبیست‌میلیون نفر بیشتر ارزش دارند» خلاصه آنکه زرتشتیان درهمه جا منشأ اثر کارهای خیر ونیك بوده وهستند . اینك باصل موضوع یعنی راجع بمقام خیام در جهان میپردازم .

در جهان سه اثر پارسی شهرت ودوستداران‌فراوان دارد یکی کتاب کلیله ودمنه‌است که درزمان انوشیروان دادگر از هند بایران آورده شد و پس از ترجمه بزبان پهلوی چند فصلی هم برآن افزوده گشت ودیگر کتاب هزار افسان است که ازپهلوی بعربی ترجمه وبنام الف‌لیل بجهان عرضه شد وسوم رباعیات خیام میباشدکه امروزه درجهان‌خوانندگان ودوستداران فراوانی دارد برای نمونه دوگواه بیاددارم .

روزی برای بازدید ازکتابخانه کنگره بواشنگتن رفته بودم یقیناً نام این کتابخانه راشنیده‌اید این کتابخانه درآنزمان متجاوز ازپنج‌میلیون جلدکتاب داشت ویقیناً در حال حاضر ازدو برابرهم تجاوزنموده‌است پس‌ازملاقات بارئیس کتابخانه دستورداد معاونش‌مرا دربازدید ازکتابخانه راهنمائی کند شخص نامبرده چون استنباط نمودکه من ایرانی هستم اظهار داشت شما بایدازکشور خیام باشید وآنگاه کتابی از رباعیات خیام از جیبش بدر آورده نشان داد واشتیاق خودرا بمطالعه آن اظهار نمود .

همچنین روزی درگیشه پستی اختصاصی دانشگاه‌که درآنجا چهل‌هزارنفر دانشجو سرگرم تحصیلند برای دادن پاکتی درردیف مراجعین ایستاده بودم وچـون نوبتم رسید و مأمور پست پاکتم راگرفت ونام ایران را برآن‌خواند بالبخندی‌اظهار داشت شماازکشور خیام هستید وباارائه رباعیات خیام اظهار داشت واین‌است‌آنچه‌که من‌دوست دارم وآنرا مطالعه میکنم وحتی چند رباعی رابحفظ خواند وسپس افزودکه درآینده‌برای دادن‌پاکت از دور دست خودرا بلندکنم ودیگر منتظر نوبت نباشم با این علامت فوراً کارم را انجام میدهد .

در امریکا مؤسسات انتشاراتی بسیاری هستندکه سالیانه رباعیات انگلیسی خیام را چاپ وبفروش میرسانندکه هریك ۲۵۰ هزارنسخه هم کمتر نمیباشد .

اما سرگذشت مترجم وسراینده رباعیات انگلیسی خیام نیز شنیدنی است یقیناً می‌دانید رباعیات خیام توسط عده‌ای بزبانهای خارجی ترجمه شده است وحتی چند نفر به‌انگلیسی ترجمه نموده‌اند اما ترجمه‌ای‌که امروز خواص وعوام آنرا دوستدارند سروده و ترجمه فیتزجرالد است .

فیتز جرالد که هنگام تحصیل درکامبریج بزبان پارسی آشنا گشت وخود دارای مرام وعقیده‌ای همانند خیام بودباآنکه چند اثرفارسی‌رابانگلیسی برگردانیده بود معهذاچندان برایش لذت‌بخش ننمود تاآنکه روزی از استاد خود نسخه خطی ازرباعیات بدستش‌رسید (در این‌هنگام بوسیله سلاید فیتزجرالد ونسخه خطی رباعیات خیام بحضارنشان داده شد) وبامطالعه آن‌گمشده خودرا یافت وآنرا بانگلیسی درپیکره شعر درآورد و در دفعه اول که آنرا توسط ناشری بدون معرفی سراینده بچاپ رسانید بناکامی فرجام یافت زیراکسی بخریدش روی خوش‌نشان نداد کتابی‌که ده ریال ارزش داشت به‌یکریال‌هم‌نخریدند وجزء اوراق باطله درآمد .

چند سالی‌گذشت ویکی ازروزها شخصی درکنار خیابان یك نسخه از این‌کتاب را خرید وپس از مطالعه دوستان خودآقای‌روزتی وسوین برن رابوجود چنین کتابی‌مستحضر نمود وطولی نکشیدکه برای خرید این‌کتاب بجستجو پرداختند ولی بآسانی وببهای نازل میسرنگردید وبالاخره ازهمین جا فیتزجرالد را اقبال روی نمود و همین آقایان بدنبال سراینده بجستجو پرداخته وچون علاقه داشتند مترجم وسراینده آنرا بشناسند نسخه‌ای از رباعیات رابه راسکین نویسنده مشهور انگلیسی نشان دادند و مشارالیه هم شیفته این اثر ارزنده‌گشت وبکمك دوستان خود شتافت تاآنکه‌پس ازده‌سال جستجوفیتزجرالد راشناختند ودر انتشار اثرش بکوشش پرداختند تاآنجائیکه امروز شهرتش جهانگیر گشته و در ردیف پرفروشترین کتاب‌ها درآمده است وهمانندکتابهای مقدس در خانواده‌ها حفظ ومطالعه می‌شود .این بود اندکی ازتاریخچه‌ترجمه وانتشار رباعیات خیام‌درجهان.

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس سالانه کتابخانه اردشیر یگانگی

جناب آقای دکتر عیسی صدیق سناتور محترم.

بانوان و آقایان ارجمند از اینکه بذل عنایت فرموده دعوت انجمن زرتشتیان را قبول و برای شرکت در مجلس سالانه کتابخانه اردشیر یگانگی تشریف آورده‌اید اظهار تشکر و سپاسگذاری مینماید.

بطوریکه خاطر حضار محترم مستحضر است خوشوقتانه انجمن زرتشتیان تهران بپاس انجام وظیفه دینی و ملی و بمنظور خدمت بفرهنگ کشور و آموزش و پرورش نونهالان و فرزندان این آب و خاک که از ۵۹ سال پیش تاکنون بتأسیس دبستانها و دبیرستانهای دخترانه و پسرانه و کودکستان توفیق یافته و در این مدت از آموزشگاههای زرتشتیان ۵۲۸۱ نفر دختر و ۵۶۶۱ نفر پسر ایرانی باخذ گواهینامه رسمی نائل شده‌اند که اکثراً امروزه شاغل مقامات عالیه کشوری و لشکری و از شخصیت‌های مفید و خدمتگذار کشور



شاهنشاهی میباشد که موجب افتخار وسرافرازی است.

نظر باینکه انجمن زرتشتیان تهران بمنظور تکمیل خدمت فرهنگی ونشر و توسعه بیشتر دانش و بینش ازسال های پیش درفکر تأسیس کتابخانه برای استفاده عمومی بوده.

خوشوقتانه در ۸ سال پیش سرکار بانوفرنگیس یگانگی دخت روانشاد ارباب کیخسرو شاهرخ و همسر روانشاد اردشیر یگانگی که از مردان خیر و دهشمند و نیکوکار زرتشتی بوده‌اند بانجمن زرتشتیان پیشنهاد نمود که حاضر هستند کتابخانه‌ای بنام روانشاد همسر گرامیشان برروی زمین ملکی انجمن زرتشتیان تهران که متعلق بجماعت زرتشتی است بنا شود ازاینرو درخواست ایشان با خوشوقتی مورد قبول واقع ودرجزو ساختمانهای جدید انجمن ساختمان این کتابخانه نیز که ملاحظه میفرمائید برروی ۲۰۹ مترمربع ازاراضی ملکی بمبلغ ۷۹۴۰۰۰ ریال بنا و بنام کتابخانه اردشیر یگانگی نامگذاری گردید و امید است این کتابخانه با مساعدت وکمك مصنفین و مؤلفین و فرهنگ دوستان وخیرخواهان ازکتابخانه‌های بزرگ جهان و موجب استفاده و استفاضه دانشمندان و مطالعه‌کنندگان و چراغ فروزان پویندگان راه دانش و معرفت گردد .

ضمناً باطلاع میرساند که سرکار بانو فرنگیس یگانگی علاوه بر پرداخت هزینه ساختمان کتابخانه اردشیر یگانگی مبلغ ۲۵۷۰۰۰ ریال نیز بابت تهیه قفسه و میز و صندلی و سایر لوازم وکتب کتابخانه پرداخته‌اند که موجب سپاسگذاری است و انجمن زرتشتیان نیز از محل بودجه عمومی خود تاکنون جمعاً مبلغ ۵۱۰۴۰۴/۵ ریال بابت هزینه اداری و متفرقه‌وخرید کتاب‌و تجلید وصحافی کتب کتابخانه اردشیر یگانگی پرداخت نموده است.

تعداد کتاب موجوده.

این کتابخانه تا امروز دارای ۶۸۷۸ جلد کتاب ومجلات بزبان فارسی و لاتین و زبانهای دیگر میباشد که ازاین عده کتاب تعداد ۲۵۱۴ جلد آنرا سرکار بانو منوچهر هومجی که یکی از پارسیان بنام و محترم و روزنامه نگارهند بوده بکتابخانه انجمن زرتشتیان تهران نیازنموده‌اند که آمرزش روان منوچهر هومجی و پاداش نیك بانوی خیراندیش و نیکوکارشان را ازخدای بزرگ خواستاریم .

بعلاوه برای اینکه ذکر خیری‌ازدهش کنندگان کتاب شده‌باشد‌اسامی‌اهداء کنندگان کتاب از اول دیماه ۱۳۴۴ تا دیماه ۱۳۴۴ که جمعاً ۳۶۳ جلد کتاب بکتابخانه اردشیر یگانگی اهداء نموده‌اند بشرح زیر میباشد ضمناً باطلاع میرساند بطوریکه درگزارش سال پیش سالگرد کتابخانه یگانگی‌باطلاع حضارمحترم رسیده‌در ۷ سال گذشته نیز تعداد ۴۰۲۲

جلد کتاب ازسوی فرهنگ پژوهان بکتابخانه یگانگی اهداء گردیده است . اینك اسامی اهداءکنندگان ۳۶۳ جلد کتاب درسال اخیر.

کتابخانه آبراهام لینکلن	۸۸ جلد کتاب و ۸۴ شماره مجله
آقای منوچهر لهراسب	۶۱ « «
« اردشیر فرهادیه	۴۸ جلد کتاب
« جهانگیر موبد	۳۹ «
« پرویز یگانگی	۲۲ «
جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس	۲۱ «
بانو روشن روان	۱۹ «
« مروارید موبد	۱۶ «
آقای خسرو سترگی	۱۱ «
بانو فرنگیس یگانگی	۱۰ «
« کتایون اسپنتمان	۹ «
آقای انوشیروان ساسانی	۹ «
انجمن محترم پارسی پنچایت	۸ «
آقای مهربان مهر	۶ «
« اردشیر ساسانی	۶ «
« شجاع‌الدین شفا	۵ «
بانو مهین لهراسب	۴ «
آقای دکتر ایرج بهروزی	۴ «
بانومهین بهروزی (فرخزاد)	۳ «
« فیروزه بهروزی	۳ «
یکنفر ناشناس	۳ «
آقای افلاطون شاهرخ	۳ عدد کلیشه بزرگ عکس اشوزرتشت
انجمن زرتشتیان تهران	۳ جلد کتاب
بانو خانم بهزادیان بنامگانه روانشاد دکتر شهریارسلامت	یك جلد کتاب نفیس و ۹ شماره مجله
آقای هورپاس	۲ «
هیربد جمشید کاووسجی کاتراك	۲ «

آقای اسلام ارجمندی ۲ جلد کتاب

بانو پری پیریان وآقایان هرمزد بهروزی ـ فریدون زرتشتی ـ اردشیر جهانیان ـ جهانگیر ایرمیان ـ محمدعلی امیرافسر ـ دکتر جوانمرد ـ سرکار سرهنگ بیگلرپور ـ بهرام عدالت ـ اردشیر فرزانگان ـ باغچه‌بان ـ سرکار سرهنگ دکتر راشیدری ـ رستم ماونداد ـ قاضی مرادی ومؤسسه عالی حسابداری وسازمان فروهر وانجمن فرهنگ ایران باستان هریک یکجلد.

جمع کل ۳۶۳ جلد کتاب و۱۵٤ شماره مجله .

ضمناً باطلاع بانوان وآقایان محترم میرسانند که آقای موبد رستم شهزادی علاوه بر مدیریت کتابخانه همیشه برای راهنمائی مراجعه‌کنندگان و پژوهندوگان فرهنگ و آئین ایران باستان وکمك بمؤلفین ونویسندگان کتب ورسالات ومقالات و سخنرانیها درکتابخانه آماده بانجام خدمت هستندفعالیت وعلاقمندی ایشان ودوشیزه شهین باستانی کتابدار کتابخانه موجب سپاسگذاری است درمدت یکسال اخیر ۸۶۵ نفر ازبانوان وآقایان برای مطالعه وپرسشهای دینی وفرهنگی بکتابخانه رجوع فرموده‌اند.

درپایان ازطرف انجمن زرتشتیان از هیئت محترم مدیره کتابخانه اردشیر یگانگی بویژه ازسرکار بانوفرنگیس یگانگی اظهارسپاسگذاری نموده پاداش نیک‌ایشان وروانشادی اردشیر یگانگی همسر گرامیشان را ازپروردگار توانا خواستاریم .

همچنین ازمؤسسات محترم فرهنگی وآقایان وبانوان دانش‌دوست که بمنظورخدمت بفرهنگ وعلم وادب تعدادی کتاب بکتابخانه اردشیر یگانگی اهداء نموده‌اند با تشکر و سپاسگذاری توفیق وکامیابی همگی راخواستاریم.

موقع‌را مغتنم شمرده باردیگرازتشریف فرمائی بانوان وآقایان محترم سپاسگذاری نموده وبا اظهار امتنان و تشکر از جناب آقای دکتر عیسی صدیق که استدعای انجمن زرتشتیان راقبول فرموده‌اند خواهشمنداست با بیانات‌خودحضار گرامی را مستفیض فرمایند

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع‌دهندتا مجله بآدرس‌جدیدآنهافرستاده‌شود

دفتر مجله

« عاقل به کنار جوی تاره می‌جست»
« دیوانهٔ پا برهنه از آب گذشت»
سعدی

حبیب‌اله فرازمند

تماشای جنون

من و دل هردو، دودیوانهٔ دل باخته‌ایم
وین دل باخته در پای تو انداخته‌ایم
تا تو پیداشده‌ئی ، تیغ بهـم آخته‌ایم
چشم بگشاکه دو دیوانه بهم تاخته‌ایم
تاتو فرزانه بیائی بتماشای جنون .

در تولای تو جستیم تـولای جنون
این زمان صدر نشینیم بدنیای جنون
تاشدی جلوه گر ازصافی مینای جنون
من و دل هر شبه مستیم زصهبای جنون
تانگوئی که ترا یاروفاداری نیست.

عشق اگر جلوه کند، بارجنون باری نیست
ورجنون چهره کند، هیچ شب تاری نیست
تو مپندار که غیر ازتو دگر یاری نیست
تا جنون هست مرا باتوسروکاری نیست
مابر آنیم که ازچنگ جنون وانرهیم.

قصد ما بودکه از دست تو زیبا، نرهیم
در خم زلف تو آویخته رسوا ، نرهیم
جاودان در طلبت واله و شیدا ، نرهیم
در فراقت بشکیبیم و شکیبا ، نرهیم
اینچنین بود که فرزانگی ازیاد برفت.

شد جنون جلوه گر وعقل ز بنیاد برفت
بود ونابود من ودل همه برباد برفت
ناله از دست تو و شکوه ز بیداد برفت
از دل اندیشهٔ هر قصهٔ ناشاد برفت
مـا رسیدیم بدانجا کـه ترا راه نبود .

اندر آن خانه جنون بود وغم وآه نبود
نالهٔ نیمه شب و گریهٔ گه گاه نبود ـ
خانه‌ای بود ولی خادم و درگاه نبود
ما چه دیدیم در آن خانه؟ کس آگاه نبود
اینچنین خانه بدنیای جنون ساخته‌ایم .

من ودل هر دو، دودیوانهٔ دل باخته‌ایم
وین دل باخته در پای تو انداخته‌ایم
تا تو پیدا شده‌ئی ، تیغ بهم آخته‌ایم
چشم بگشاکه دودیوانه بهم تـاخته‌ایم
تاتو فرزانه بیائی به تماشای جنون.

نوشته و گردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

در حاشیه مسافرت جناب آقای هویدا نخست وزیر بکرمان

(۲۲)

در گفتارهای قبل عمده صحبت در باره تاریخ گذشته کرمان‌ورویدادهای آن‌سر زمین بود . بمناسبت مسافرت اخیر نخست‌وزیر بکرمان و شهرستانهای تابعه دنباله‌تاریخ کرمان را به بعدموکول نموده و در اطراف مسافرت نخست‌وزیر بکرمان‌مطالبی‌نوشته خواهد شد.

همانطوریکه میدانید مسافرت نخست‌وزیران به‌استانهای مختلف‌کشور بعد از سال ۳۲ بتدریج جزء برنامه بعضی از نخست‌وزیران مملکت شده و از نزدیك ضمن بـازدید مناطق مختلف بوضع عمومی و احتیاجات و موقعیت محلی و نواقص آشنا میشوند ومـژده اقدامات مختلفه در شئون مختلف عمران وآبادانی و تخصیص ۲ میلیارد وهفتصد میلیون ریال جهت انجام برنامه‌های‌ثمربخش خود قدم مفیدی در راه جبران بی‌التفاتیهای گذشته میباشد.

قبل از اینکه بنتایج اصلی این مسافرت بپردازد بدوموضوع اشاره مینماید .

۱ ــ در اواخر مهرماه امسال بـرای انجام مـاموریتی بکرمان رفتـم و پیشرفت کارهائی راکه در شرف اجرا بود خوب دیدم و حتی با تماسی‌کـه بمناسبت آشنائی قبلی با جناب آقای سعیدی فیروزآبادی استاندار و آقای دکتر برادرشهردارگرفته‌شدفعالیت مخصوصی بچشم میخورد و امیدوارکننده بود .

۲ ــچندسالی بعقب برمیگرددواز نامه‌ای یاد میشودکه درسال ۳۶ موقع نخست‌وزیری جناب آقای دکتر اقبال ازکرمانشاه در باره کرمان به نخست‌وزیری تقدیم و ایشان نیز بشرح زیر قول مساعد دادندکه عینا نقل میشود .

نخست وزیر

شماره ۲٦۱۷٦ – ۳٦/۹/۱۷ سرکار دکتر جهانگیراشیدری

پیشنهادهائیکه‌ضمن‌نامه مورخ ۳٦/۹/۸ در مورد آبادانی استان‌کرمان ارسال داشته‌بودید

واصل گردید البته هنگام مسافرت باین استان مورد مطالعه و استفاده قرار خواهد گرفت

امضاء نخست وزیر دکتر اقبال

و اما نامه - نامه طولانی است وقسمتهائی از آن که مورد توجه قرار گرفته و یا بمرحله عمل درآمده ذیلا برای اطلاع و استفاده سایر همشهریان نقل میشود .

۳۶/۹/۸

مقام محترم نخست وزیری

با عرض آمادگی خود برای شرکت در برنامه‌های آبادانی حتی بدترین نقاط استان بدینوسیله دو برگ پیشنهادات خودرا جهت آبادانی منطقه کرمان باستحضار رسانیده و موجب افتخار خواهد بود در این‌موقع که هیئت‌دولت قرار است از استان کرمان دیدن فرمایند من هم سهمی داشته باشم و بتوانم در آبادانی کشور و زاد و بوم خود فرد موثر و مثبتی باشم .

امضاء دکتر جهانگیر اشیدری

و اینك پیشنهاداتی که در آنروز تقدیم شد .

امروز ۳۶/۹/۸ ضمن اخبار در روزنامه خواندم که قرار است هیئت دولت دومین سفر خود را باستان کرمان انجام و ازنزدیك باوضاع و احوال کرمان و نواقص واحتیاجات آن آشنا گردند .

برای اینجانب که کرمانی علاقمند بکشور بخصوص بزاد و بوم خود میباشم نهایت مایه خوشحالی خواهد بود و ازآنجائیکه هر فردی تا اندازه‌ای بهتر ازدیگران ازاوضاع و احوال منزل خود اطلاع دارد لذا من هم بنوبه خود خواستم تا آنجائیکه اطلاع دارم نظریات خود را در اختیار بگذارم و اگر نتوانم آنطوریکه لازم است ادای مطلب نمایم بعلت شوری است که در راه آبادانی کشور در دل داشته و دارم و پوزش میطلبم .

عمده خدمت من (البته تاسال ۳۶) در کرمان - جیرفت و رودبار و سیرجان بوده است .

ضمناً از سایر شهرستانهای این استان مثل رفسنجان - بندر عباس - میناب بافت اسفندقه نیز دیدن کرده واطلاعاتی دارد و حتی قسمتی از این سرزمین را با شتر و دوچرخه طی کرده‌ام . اینك ضمن عرض آمادگی برای انجام خدمت در برنامه‌های این استان ذیلا نظریات خود را بطور خلاصه بعرض میرساند

۱ - آبادانی هر سرزمینی اول موکول بداشتن منابع طبیعی و دوم موکول بزحمت

کشیدن مردم وسوم موکول بفراهم بودن شرایط استفاده از آن منابع یعنی امنیت ـ عدالت مشتری و خریدار ـ راه ـ فرهنگ و بهداشت است .

۲ ـ این استان زرخیز دارای قسمتهای سردسیری و گرمسیری هردو میباشد هم دارای کوهستانهای نسبتامرتفع و معادن ارزنده و زیاد و هم دشتها و جلگه‌های وسیع و قابل است .

در قسمتهای ساردو ـ اسفندقه ـ بحرآسمان ـ بافت و غیره (که مامورین متخصص سازمانهای مختلفه مملکتی در سالهای اخیر بررسی‌های زیادی نموده‌اند)میتوان ازوجود منابع نهفته در زیر زمین استفاده کرد .

در قسمت سرزمین جیرفت و رودبار(که‌هند کوچکش‌نامند)دشت ارزود شتورمیتوان بهترین محصولات را از لحاظ کشاورزی بدست‌آورد.

در سرزمین بردسیراستعداد کشاورزو دامپروری و در نقاط بافت‌و بزنجان‌محصولات سردر ختی و غیره که متخصصین بهتر میشناسند . در منطقه رودان موقع‌توقف دررودبار نقاطی دیدم که‌دارای نفت بود یعنی نفت با آب‌از چشمه بیرون میاید و اهالی‌برای معالجه شتران مبتلا به‌گال مورد استفاده قرار میدادند و برای‌بعضی امراض جلدی در آبهای‌آن آب‌تنی مینمودند .

در میناب و رودان‌استعداد کشت درختان گرمسیری(موز ـ انبه ـ خرما ـ مرکبات فلفل و سایر میوه‌های گرمسیری) زیاد است .

در جیرفت و رودبار و بم و نرماشیر تا جازموریان استعداد زمین ازلحاظ‌محصول فوق‌العاده زیاد است . خود من که‌در کهنوج شاهد رشد سبزی‌جات درمدت کمی‌بودم بوته کرچك درخت میشد و بادمجان محصول دوساله میداد .

از لحاظ دامپروری همه نوع استعداد دیده میشود . نگاهداری و ایجاد جنگل و مرتع پرسود و کمخرج است حتی میتوان در آن سرزمین پهناور شترداری‌کرد نه‌بمنظور حمل بار و کالا بلکه بمنظور تهیه پشم و پوست حتی‌گوشت و سایر محصولات آن .

در سبزواران جیرفت‌آثار سدی است که‌گویا اززمانهای‌خیلی قدیم (شایدساسانیان) است و دشت جیرفت و رودبار را سیراب مینموده که اکنون فقط آثار کمی ازآن‌باقیست (خوشبختانه در مسافرت اخیر مورد توجه قرار گرفته‌است) .

در عنبرآبادجیرفت‌وکرد وسایر نقاط این جلگه هنوزهم که‌شده اهالی درخرابه‌ها و تپه‌ها میگردند و آثار وسکه‌های عهد ساسانیان‌پیدا میشود .

جلگه بم و نرماشیراستعداد خرما ـ حنا ـ مرکبات و دانه‌های روغنی رادارد.

در جیرفت استعداد دانه‌های روغنی و مرکبات و خرما زیـاد است ـ سبزیکاری و صیفی کاری در موقعیکه سایر نقاط را یخ و برف پوشانیده محصول خوبی برای بازارهای نقاط دیگر است . (درسالهای اخیر محصولات جیرفت بحد فراوان ازقبیل هندوانه و باقلا ببازارتهران آمده است).

برنج نیز بخوبی در جیرفت بدست میآید .

گاوهای بمی و دارزینی در صورتیکه خوب تغذیه شوند از گاوهای گوشتی و شیری سنگین خارجی کمتر نیستند (اخیرا ایستگاههای دامپروری در بم ونقاط مختلفه تاسیس شده وبازهم تأسیس خواهدشد) .

سرزمین بشاگرد ازلحاظ منابع معدنی مثل پنبه نسوزو آهن و سایرمنابع غنی است که هنوز بواسطه نبودن راه و دست نیافتن عمقی دولت بکرمانده است (درصورتیکه از طریق میناب وبیابان ویـاجاسك بدریاراه یابد پرسود خواهد بود).

وجود راههائی که بین بندرعباس ـ میناب ـ کهنوج ـ جیرفت دازدین یـا نرماشیر احداث شود فوق‌العاده ضروری است که فعلا نیمه شوسه است (خوشبختانه راه تا جیرفت و رودبار قابل استفاده و پل رودخانه شورنیز چندی قبل افتتاح شد وجناب آقای نخست وزیر وعده تکمیل راهها رادادند) .

بنادر میناب ـ جاسك ـ تیاب ـ بندر عباس و سایر نقاط ساحلی باید وسیله جاده ساحلی ازیکطرف بهم مربوط شوند و هم بمراکز شهرستانهای ایـن استان متصل گردند (که درباره بندرعباس و راه آن اقدامات جدی و فوق‌العاده درجریانست).

در رفسنجان و سیرجان استعداد کشت پسته ـ بادام زیاد است که محصول صادراتی خوبی است(که اخیراً خیلی خوب توجه میشود واحتیاج بآب زیاد هم ندارد).

محصول پشم و کرك ـ فرش ـ خشگبار ـ روغن و غیره را میتوان افزایش داد.

از وجود جنگلهای پسته کوهی (بنه) بادام کوهی بـا پیوند (سابقه داری) میتوان استفاده نمود قنوات مخروبه را باصطلاح کرمانیها (طـایفه) میتوان باکمك دولت و غیره مورد استفاده قرار داد .

املاك خالصه ووقفی را باید از صورت فعلی خارج ساخت یعنی خالصه را فروخت ووقفی رابمدتهای طویل در اختیارکشاورزان باجاره واگذارکرد(خوشوقت است بدون آنکه از اصلاحات ارضی درآنموقع صحبتی باشد برای پیشرفت این نظریه را داده‌بود). زیرا خالصه ووقف وضعی ایجاد میکندکه ملك آباد نمیشودکما اینکه هرجاملك خالصه و وقف است رو بخرابی رفته وآنچه‌که خراب شده آباد نگردیده است اماعلل عقب افتادگی این استان ـ که توجه مرکز (بطوریکه درگفتارهای سابق تاریخ کـرمان نیز گفته شد اعلیحضرت فقید موقع عبورازکرمان در بندرعباس فرموده بودند بکرمان توجهی نشده به

بقیه درصفحه ۵۲

سروده
روانشاد مجدالاسلام کرمانی

جشن سده

شد موسم جشن سده ساقی بیار و می بده
وز آب آتش سان رسان ما را بنار موقده
برما خدا ازمکرمت فرموده آتش مرحمت
کاین نارپر نور و ضیاء دارد هزاران فایده
زین آخشج پر بها زین نعمت نقمت نما
روشن شده تاریکها ظلمت شده آتشکده
آن ای نگار مهوشم آبی بزن بر آتشم
من باچنین آبی خوشم همچون یهود ازمائده
درهمچو روزی محترم درهمچو جشنی محتشم
باید شمردن مغتنم برخیز و ما را می بده
روزی خوش وخرم بود چون گفتگو ز آتش بود
آبی چو آتش خوش بود ویژ آنکه در آتشکده
بوده هزارین پیشتر فرزانگان جد وپدر
من هستم آنها راپسر که بوداندین ماجده
پس شمعها افروختم تا دانشی آموختم
نك از همین غم سوختم دانش بمن آتش زده
مجداین چنین گوید سخن اندرخور هر انجمن
بهتر ز استادان فن دارای چندین قاعده

از: خداداد خدابخشی

روز ششم فروردین یا روزیکه اولین خداشناس و یکتاپرست یعنی اشو زرتشت پا بعرصه وجود گذاشت

آیا لازم نیست برای بزرگداشت این روز فرخنده که دنیا بآن اهمیت میگذارد در ایران تعطیل عمومی اعلام گردد؟

چند هزارسال پیش که جهان راظلمت جهل ونادانی فراگرفته بود و مردم سراسر دنیا معتقد به پرستش خدایان متعدد و گوناگون بودند وبت‌هائیراکه خود میتراشیدند به آنها سجده میبردند وخلاصه دانش بشری بآن پایه نرسیده بودکه به یکتاپرستی ایمان پیداکنند واهورامزدا خدای توانا ویکتارا خالق همه بدانند دراستان آذربایجان نزدیکی های رود ارس طفلی پا بعرصه وجودگذاشت که او رازرتشت نام نهادند او برخلاف سایر اطفال موقع پیدایش خنده برلب داشت وگویا میخواست بمردم آنزمان بفهماندکه عقاید وکردارشان چه بسیار خنده‌دار است.

زرتشت درآغوش مادر بزرگ شد وپس ازچندین سال ریاضت‌کشیدن وفکر کردن درسن ۳۰ سالگی مردم ایران وسپس سایر کشورهای جهان رابه‌یکتاپرستی دعوت نمود. پندار وگفتار وکردارنیك پایه‌های‌محکم دینش بود والبته پس‌ازمرارت‌ها ومشقت‌هاتوانست بمردم آن زمان‌که بوئی ازدانش وتمدن نبرده بودند بفهماندکه **«راه درجهان یکی است وآن راه راستی است»** - آنهارا متقاعد سازدکه خالق همه یکیست و اهورامزدا نام دارد وبالاخره ثابت نمایدکه دینی‌که او ارائه مینماید ازسوی‌اهورامزدا است‌وپیروی ازآن باعث سعادت این جهان ورستگاری سرای دیگر است.

زرتشت کسی نیست که نگارنده بخواهم برای او تبلیغ کنم - قرنهاست که مردم او را میشناسند ودانشمندان بزرگ جهان منجمله **دارمستتر ـ مستر جاکسن ـ دکتر هاك ـ افلاطون ـ نیچه** وغیره درباره وی مقالات نوشته‌اند واورا به‌نیکی یاد کرده‌اند وبعلاوه درعصر ماکه سطح فرهنك ودانش بشری باوج ترقی وکمال خودرسیده بیش ازپیش‌درباره این پیغمبر بزرك راستگوی سخن گفته میشود و او را بزرگترین ناجی بشر میدانند ـ شوخی نیست درآن‌زمان‌که دیو جهل وبیسوادی ونادانی بر سر آدمیزاد سایه افکنده بود وفرقه‌های مختلف هریك برای خود خدایانی داشتند ونیز ازکشتن همدیگر لذت میبردند چطور ممکن بودکسی بتواند عقاید آنها رابی‌پایه قلمداد کند؟

چطور امکان داشت‌کسی قادرباشد بآدمهای‌سراپاوحشی آن‌روز درس راستی وپاکی ویکتاپرستی بدهد؟

چطورکسی جرئت داشت بیان‌کندکه او ازطرف‌کسی ماموریت داردکه اهورامزدا نام دارد ـ اوتنهاست ـ یکی است ـ جسم ندارد ـ همتا ندارد ودیده هم‌نمیشود؟

واقعاً کار مشکلی بود ـ میلیونها تن همصدا چیزی شبیه هم بگویند و او تنها چیز دیگر ، همه سراب راآب تصورکنند وزرتشت آن‌آب راسراب قلمداد کند - همه خدایان خودرا نشان میدادند وهرفرقهٔ تعداد خدایانشان بیشتر بود مهمتر خودراجلوه میدادولی اومیگفت خدایکیست وآنهم دیده نمیشود. آری چون زرتشت اولین فرستاده‌خدابود وپایه یکتاشناسی رااوبنانهاد بعقیدهٔ من‌مقامش پیش خداوند ارج ومنزلت خاصی دارد و دراین جهان‌هم‌هرکس روی‌این موضوع عمیق فکرکندباین نتیجه خواهد رسید کـه سرآمد تمام راستان ودرستان یانیك اندیشان ـ نیك‌گفتاران ونیك‌کرداران زرتشت اسپنتمان است و باید ازتعالیم عالیه اوپیروی‌کرد وبرای بزرگداشت نام اوکوشید.

بقیه درشماره آینده

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

نوشته
محمدکریم رحیمی از (هرسین کرمانشاه)

درود بر روز خجسته

ششم بهمن

نیروی معنوی وعظمت واقعی یك ملت وابسته بافرادی است که این جامعه راتشکیل میدهد هنوز ملت ایران بنام کورش وجمشید وانوشیروان میبالد ومباهات میکند که در بین فرزندان خود ستاره‌های درخشانی چون این مردان نیك کردار درعرصه سیاست ومملکت داری پا بعرصهٔ وجود گذاشته‌اند.

همانطور اشخاصی مثل ابن‌سینا ـ زکریای رازی ـ خواجه نصیرالدین‌طوسی صفحات تاریخ علمی مارا تابناك کردند .

این افراد موهبت‌هائی هستند که در دامان مام وطن پرورش یافته تاآبروی دنیائی برای ما تحصیل کنند.

بدون شك شاهنشاه آریامهر یکی از ستاره‌های درخشانی است که تاریخ خدمات ایشان را باین آب وخاك فراموش نمیکند وقلوب‌مردم حقشناس ایران فداکاریهای معظم‌له را درراه ترقی وتعالی وطن ازیادنمیبرد.

آری قرنها بودکه دهقانان باعرق جبین مواداولیه مملکت رافراهم‌می‌آوردند وعده دیگر درراحتی وخوشی بسر میبردند دهقانان درتنگدستی ومذلت بسر میبردند ولی پدر مملکت‌کسیکه بیش از همه دلش بحال مردم میسوزد یعنی شاهنشاه آریا مهر بـزرگترین انقلاب ایران یعنی قانون اصلاحات ارضی راشخصاً اجرا کردند .

یك صبح دهقان ایرانی سرازخواب برداشت دیددیگرفردی آزاد است زن ایرانی همراه شکفتن آفتاب دیدکه دیگر زنجیرسنت‌های‌تحمیلی بردست وپایش‌نیست‌کارگرایرانی دریافت در سود کاریکه میکند سهم دارد آنوقت ملتی‌پی‌برد مواهبی‌که طبیعت باو بخشیده است متعلق باوست .

درود بی‌پایان برجوانبخت شاهیکه درسایه اقبال وفروشکوهش بسرمیبریم و ازخوان فتوت وبخششهای‌بیکرانش افتادگان ودرماندگان بهره‌مند میگردند.

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)
دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

پاکمردان یا پیامبران

(۲)

گشت چون (عیسی بن مریم) رهنمای ناصری
گمرهان را رهنمایی کرد اندر روزگار
مشعل مهر و محبت را فروزان کرد او
در نصارا خوی انسان دوستی شد آشکار
عاقبت از رنج و آزار بداندیشان خود
در جوانی رفت اندر راه دین بالای دار
در میان تازیان مهر و وفا کمیاب شد
دزدی و آدم کشی بر سرکشان بود افتخار
از برای قرص نانی بود جانی در خطر
بیشتر خوراکشان شیر شتر یا سوسمار
خانه کعبه برای تازیان بتخانه شد
خون انسان پای بت میشد ز نادانی نثار
دختر تازی بسی بیچاره و بدبخت بود
دفن میشد زنده با دست پدر در گور تار
لطف حق جوشید بر آن دختران بیگناه
تازیان را کرد با دست (محمد) رستگار
از تعالیم (محمد) پاکمرد مهربان
ننگ‌های بت‌پرستی پاک شد از روزگار

پاکمردی این چنین از تازیان آن چنـان
این نباشد جز نشان رحمت پروردگار
ریشه و بنیاد ادیان خـدا باشد یکـی
مهر میهن می‌کند بنیاد دین را استـوار
آدمی را شاهراه زنـدگانی دین بـود
دین هم بایست باشد با خردها سازگار
بار از دوش بشر پیغمبران بـرداشتند
تا نگردد آدمی فرسوده اندر زیر بار
هر زمان از کوشش پیغمبران اهل جهان
گشته اندر زندگانی شادمان و رستگار
غرب اگر بر دانش دانشوران نازش کند
شرق را پیغمبران کردند بذل افتخار
پـایه آسایش و خـرسندی نـوع بشر
جز بآیین خدایی می نگردد پـایـدار
(هورمزد) و (یهوه) و (الله) شد نـام خدا
از خدا باشد نظـام آفـرینش برقـرار
بار از دوش بشر بردار اندر زنـدگی
خود مشو درباغ هستی شاخهٔ بی برگ و بار
خار از پای گرفتاران درآور هر زمان
هان مشو در شاهراه آدمیت همچو خار
مردمی اندر جهان خدمت بمردم کردن است
باش چون (سرباز) بر ایرانیان خدمتگزار

پایان

برگزاری مراسم سالروز درگذشت اشو زرتشت

روز یکشنبه خیرایزد دیماه بمناسبت سالروز درگذشت اشو زرتشت‌ازطرف سازمان فروهر مراسمی در کاخ فیروزه برگزارگردیدکه خلاصه برنامه این مراسم ذیلا درج میگردد.

برای رفت وآمد همکیشان ازطرف سازمان سه دستگاه اتوبوس ازصبح تا پاسی از شب‌گذشته ازمقابل آدریان بکاخ فیروزه وبالعکس درحرکت بوده‌اند.

ازکلیه مدعوین درتالارجمشیدآبادیان کاخ‌فیروزه با چای ونهار بطرزبسیار منظمی پذیرائی شد.

از ساعت ۲ پس از نیمروز مراسم دینی آغازگردید پیش ازآغاز این مراسم آقای موبد رستم شهزادی بجمعیت تذکردادندکه اوستائی برای همه روانان‌خوانده خواهدشد وهرکس‌که مایل باشد میتواند دراین امرهم‌بهره شود.



پس ازپایان مراسم دینی بنا بتقاضای سازمان آقای موبد اردشیر آذرگشسب پشت میکروفون قرارگرفتند وسخنرانی جامعی درباره مسائل دینی واجرای صحیح آن ایراد فرمودند .

در پایان آقای خسرو باستانی بتفصیل درباره اصول زیر بیاناتی ایراد داشتند.

۱ ـ لزوم احترام به شعایر مذهبی وتعطیل نمودن روز درگذشت شت زرتشت .

۲ ـ عظمت آئین زرتشتی واهمیت و ارزش فرمودههای شت زرتشت.

۳ ـ مفهوم واقعی فلسفه مزدیسنا وتغییراتیکه بمقتضای زمان و مکان بوقوع پیوسته است .

٤ ـ لزوم تجدیدنظر در تشریفات دینی و اجتماعی وحذف پیرایههاوتشریفات زائد بشرح زیر .

الف ـ تجدیدنظر درنحوه برگزاری مراسم پرسه .

ب ـ تجدید نظر درمراسم سی روزه ـ روز وسال و اتخاذ رویهایکه بصلاح وسود اجتماع باشد.

۵ ـ لزوم علاقمندی به امور اجتماعی وتوجه باحتیاجات و اقدام در رفع آنهابشرح ذیل .

الف ـ اسفالت راه کاخ فیروزه.

ب ـ احتیاج به ایجاد پرستشگاههای بیشتر بعلت تراکم جمعیت زرتشتیدرتهران.

ج ـ لزوم ترجمه وتفسیر کتب مذهبی واحتیاج بهمکاری همکیشان بسازمان فروهر درتأمین هزینههای چاپ وانتشار کتب مزبور.



روانشاد جوان ناکام جمشید رستم ماوندادا

افتتاح تالار جمشید رستم ماونداد در شیراز

گوهر پاك ببايد که شود قابل فيض
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

جناب آقای ارباب رستم ماونداد که در یزد بخیر خواهی مشهورند چندی قبل مبلغ شانزده هزار تومان توسط آقای منوچهر فرخی بشیراز فرستادند و آقای فرخی نیز یك سالن بسیار زیبا در آرامگاه زرتشتیان شیراز بنامگانه فرزندش جمشید رستم ماونداد که در سن بیست سالگی



درطهران در گذشته ساخته شد وروز جمعه ٢٦ دیماه ٤٤ باحضور تمام زرتشتیان آن‌سالن را افتتاح نمودند .

ابتدا بوسیله موبد خسرو جشن خوانده شد و بعد آقای فرخی طی نطق مبسوطی از آقای رستم ماونداد قدردانی نمودند و اضافه کردندکه ایشان علاوه بر مخارج این ساختمان تعداد ۲۰ صندلی و۳میز اهدا نموده‌اند.

کلیه زرتشتیان شیرازطول‌عمر وعزت آقای رستم ماونداد وفرزندان ارجمندشان را از اهورامزدا خواهانند.

مجلس جشن خوانی

روز خیرایزد ودیماه درسالن آقای رستم ماونداد در آرامگاه زرتشتیان شیراز در ساعت ۳ بعدازنیمروز بمناسبت درگذشت شت اشوزرتشت مجلس جشن‌خوانی باحضورکلیه زرتشتیان برپابود وآقای منوچهر فرخی نیز نطقی درباره حضرت زرتشت ایراد نمودند.

تسلیت

با کمال تأسف درگذشت شادروان گلچهردیانت رابخاندان جلیلشان بویژه اخوی ایشان آقای شهریار خدایاری تسلیت عرض نموده بقای عمر بازماندگانش را ازاهورامزد خواستاریم

رئیس انجمن زرتشتیان نرسی‌آباد ـ بهرام فلاحت

تسلیت

انجمن زرتشتیان رحمت‌آباد یزد با نهایت تأسف درگذشت بهشت‌آشیان گلچهره خدایاری را به‌برادرمحترمشان آقای شهریار خدایاری‌وعموم بازماندگان گرام صمیمانه تسلیت میگوید

رئیس انجمن زرتشتیان رحمت‌آبادیزد

رستم خسرویانی

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ ـ آقای جهانگیر پلزاده فرزند رستم بادوشیزه لعل نیك منش دخت گشتاسب در ۴۴/۹/۲۶

۲ ـ آقای رستم خسروی فرزند آقای فریدون بادوشیزه فیروزه مهرشاهی دخت آقای رستم در ۴۴/۹/۲۹

۳ ـ آقای خداداد مهرشاهی فرزند آقای رستم بادوشیزه آدخت ماوندادی دخت آقای جمشید در ۴۴/۹/۲۹

۴ ـ آقای مهربان جاوید یزدی فرزند سروش بادوشیزه فرنگیس فرهادی دخت آقای بهمن در ۴۴/۱۰/۳

۵ ـ آقای دکتر ایرج یزدانی فرزند مهربان بادوشیزه هما زنده نوش دخت آقای آدرباد در ۴۴/۱۰/۶

سدره پوشی

۱ـ آقای رستم خدایار خسروی در ۴۴/۹/۲۷ از طرف وراث روانشاد فرنگیس کیخسرو زرتشتی درمنزل

۲ ـ دوشیزه مهناز خدابخش بلیوانی در ۴۴/۱۰/۱۰ ازطرف وراث روانشاد دینیار شهریار کیانی درمنزل

۳ ـ دوشیزه مهرناز هرمزدیار ریحانی در ۴۴/۱۰/۱۰ از طرف وراث دینیار شهریار کیانی درمنزل

ضمناً ٤ نفر افراد زیر از طرف وراث روانشاد سیروس اردشیر یگانگی در آدریان سدره پوش شدند :

۴ ـ آقای کیخسرو اردشیر سامیا در ۴۴/۱۰/۱۰

۵ ـ » جمشید رستم دینیاریان در ۴۴/۱۰/۱۰

۶ ـ دوشیزه مهربان خسروی در » »

۷ ـ » شیمین اسفندیار رستمی در » »

۸ ـ آقای سهراب خدامراد شاد در ۱۱ »
ازطرف خودشان در منزل

۹ ـ دوشیزه هما خدامراد شاد در ۱۱ »
ازطرف خودشان درمنزل

درگذشتگان

۱ ـ روانشاد مهربان اردشیر زنده نوش در ۴۴/۹/۲۸

۲ ـ روانشاد فریدون رشید کاویانی در ۴۴/۱۰/۲

۳ ـ روانشاد بهرام جمشید نوشیروانی چم در ۴۴/۱۰/۲

۴ ـ روانشاد فریدون مهرگان خسرویان باغ خندان در ۴۴/۱۰/۵

ورهرام ایزد کاردمیوه‌خوری ۱۲ دانه
ایضاً چنگال میوه خوری ۱۲دانه
« قاشق سوپ خوری۲۴ دانه
۵ ـ دهش مهربانو خانم ایدون‌نیازشاه ـ ورهرام ایزد بشقاب چینی لب‌تخت ۱۸ دانه
ایضاً بشقاب چینی ته‌گرد ۶ دانه

اخبار سازمان فروهر
(جوانان زرتشتی)
دیدار

ساعت هفت پس ازنیمروزپنجشنبه۱۶دیماه باشرکت عده‌زیادی ازعلاقمندان جلسه دیدار در محل سازمان برگزارگردید.

در ابتدا آقای دکتر داریوش جهانیان به حضار خیر مقدم گفتند و اظهارداشتندکه سازمان برنامه‌های جالبی پیش‌بینی کرده است‌که بتدریج در آینده شاهد اجرای آن خواهیم بود سپس به تشریح تعدادی از این برنامه‌هاپرداخته و گفتند تأسیس کتابخانه ـ تأسیس کلاسهای رقص محلی ـ جلسات بحث درباره فلسفه زرتشت وایجادبرنامه های بزم شب ازجمله آنهاست که بزودی آغاز خواهد شد.

ایشان در پایان در باره دو کتاب «اعلام اوستا»و«ترجمه وتفسیرگاتها»که‌بایستی چاپ‌شود سخن گفتند و ضرورت همکاری اجتماعی را برای چاپ این دوکتاب تشریح کردند.

بعداز اجرای مسابقه آقای سروش مهـر خداوندی قطعه‌ای باویلن نواختندکه فوق‌العاده مورد توجه حاضرین قرارگرفت.

آقای محمودی بختیاری خاطراتی‌ازاوایل تأسیس سازمان نقل‌کردند آقای بهرام نامداری دربحث آزادشرکت جستندوپیرامون نظم‌وانضباط در جلسات اجتماعی سخنانی ایرادکردند.

آقای ایرج نوذری دو ترانه برای حضار خواندندکه با تحسین وتشویق‌فوق‌العاده‌حاضرین روبرو شد.

این جلسه‌که ازابتداباشور وهیجان‌وشادی فراوان شرکت‌کنندگان توأم بود درساعت ۸ و نیم پس از نیمروز پایان پذیرفت و اعلام شدکه جلسه آینده دیدار پنجشنبه ۱۴ بهمن خـواهد بود.

تشکیل مجمع همگانی

مجمع همگانی سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) بنا بدعوت قبلی‌که‌کتباً وبصورت آگهی رسمی در جراید از اعضا بعمل آمده بوددرساعت ۶ ونیم پس ازنیمروز پنجشنبه ۹ دیماه ۱۳۴۴در محل سازمان‌تشکیل گردید.

دستور جلسه عبارت بود از استماع گزارش وتصویب وبیلان سه‌ساله وانتخاب هیئت مدیره ـ هیئت امنا وهیئت بازرسان جدید.

ابتدا آقای خدایار هورمزدی بحـاضرین خوش‌آمد گفتند و ازحضور آنان تشکر کردند و اظهار داشتندکه بعلت تغییر اساسنامه سازمان در این دوره تعداد بیشتری‌ازهمکاران مسئولیت‌انجام وظایف هیئت مدیره راخواهندداشت وآقای‌دکتر داریوش جهانیان‌که درعمرپنجساله‌گذشته‌سازمان حقیقتاً خدمات ذیقیمت وبا ارزش درراه نیل به‌ـ هدفهای سازمان انجام داده‌اند متأسفانـه بعلت

شاهورهرام ایزد

۱ - بانو سهیل ۵۰۰ ریال
۲ - آقای‌مهربان‌شهمردان‌وبرادران ۲۵۰ »
۳ - بانوخسروپور ۱۵۰ »
۴ - آقای مهربان مزدائی ۱۰۰ »
۵ - » بهرام بهی‌کیش ۱۰۰ »
۶ - » دکترکابلی ۱۰۰ »
۷ - آقایان اسفندیار مذکوری - خسروخسروان کیخسروکاویانی - مهربان مهربانی - جاماسب فره‌وشی - بانوخسروپور جمعاً ۲۸۰ ریال

جمع ۱۴۸۰ »

گواه‌گیری وسالن جشنگاه

خسروی

۱ - آقای‌جهانگیر یل‌زاده‌بابت‌گواه‌گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای رستم خسروی بابت گواه‌گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال

۳ - آقای خداداد مهرشاهی بابت گواه‌گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال

۴ - آقای مهربان جاوید بابت گواه‌گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال

۵ - آقای دکتر ایرج یزدانی بابت‌گواه‌گیری ۱۵۰۰ ریال

جمع ۱۰۵۰۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱ - وراث روانشاد فریدون کاویانی‌فرزند رشید ۵۰۰ ریال

۲ - وراث روانشاد فریدون مهرگان خسرویان ۲۰۰ ریال

۳ - وراث روانشاد گوهر خداداد سامیا کلانتری ۱۰۰ ریال

جمع ۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده ۹۳۰ نفر
» دندانپزشکی ۱۸۱ »
» داروخانه ۵۱۴ »
» آبله ۱۰ »
» تزریقات و پانسمان ۵۲۷ »
» بخور پنیسیلینی ۲۰ »
» دیاترمی ۶ »
واکسن وباتزریق شده ۸۵ نفر

جمع ۲۲۷۳ نفر

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ - فرزندان نیکوکار روانشاد مهربان مهرانی (وکیل‌الرعایا) بنامگانه شادروان پدر گرامیشان نیاز آدریان قفسه بزرگ آهنی یك دانه

۲ - خواهران‌وبرادران نیکوکار روانشاد رستم‌مهرانی‌فرزند روانشادمهربان(وکیل‌الرعایا) بنامگانه شادروان برادرگرامیشان نیازآدریان دولابچه آهنی شیشه‌دار یکدانه

۳ - فرزندان‌نیکوکارروانشادبانو گل‌اندام اردشیر مهرانی‌بنامگانه‌شادروان مادرگرامیشان نیاز آدریان قفسه بزرگ آهنی یکدانه

۴ - دهش آقای کیخسرو بهریز نیازشاه-

سالروز درگذشت وخشور زرتشت اسپنتمان در یزد

مقارن ساعت ۳ونیم پس از نیمروز پنجم دیماه ۴۴ ازطرف سازمان جوانان زرتشتی یزد مراسم جشن‌خوانی درگذشت شت زرتشت پیامبر ایران باستان درسالن معبد زرتشتیان یزد درحالیکه سالن مملو ازجمعیت بود برگزار گردید.

نخست آقای خداداد اردشیرپور از طرف سازمان جوانان زرتشتی ضمن عرض خیرمقدم به‌منظور ادای احترام بروح تابناک شت زرتشت یکدقیقه سکوت اعلام وحضار درحال قیام سکوت نمودند و بروح وخشور پاک شت زرتشت درود فرستادند.

سپس آقای اردشیرپور اظهارداشتند افراد سازمان در این مکان مقدس شادی روان پشوتن مارکار را از خداوند مسئلت دارند و از همکاری افراد سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد سپاسگذارند واضافه نمودند که سازمان از جناب آقای بهرام فلاح‌زاده که طبق‌معمول سنواتی مخارج برگزاری مجلس امروز راعهده‌دارشده‌اند سپاسگزار است.

آنگاه افراد سازمان دوشیزگان زرتشتی برنامه بسیار جالبی اجرانمودند که فوق‌العاده مورد توجه وتحسین همگی قرارگرفت وبااعلام یکدقیقه سکوت بروح تابناک شت زرتشت درود فرستادند وبروان بهشت‌آشیان مارکار احترام گذاردند

آنگاه آقای سروش لهراسب سرپرست مؤسسات مارکار پشت تریبون قرار گرفتند و از ابراز احساساتی که ازطرف سازمان جوانان زرتشتی و سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد نسبت بشادروان مارکار شد اظهار تشکروقدردانی نمودند وازاینکه آقای شهریار خدایاری معاون سازمان جوانان زرتشتی یزد بعلت درگذشت روانشاد همشیره‌شان نتوانسته‌اند ازطرف سازمان در برنامه سخنرانی شرکت نمایند اظهار تأسف نموده بایشان تسلیت گفتند.

آنگاه‌ضمن‌بیانات جامعی ازترقیات‌شایانی که بعنایت پروردگار در سایه شاهنشاه آریامهر نصیب‌جماعت زرتشتی گردیده سپاسگزاری‌نمودند

سپس آقای خدایاری ازمراحم جناب‌آقای لهراسب وجماعت زرتشتی نسبت بمصیبت وارده بایشان اظهار تشکر وسپاسگزاری‌نموده‌وازحسن توجه سازمان دوشیزگان زرتشتی نسبت‌بکودکان جماعت درتعلیم علوم دینی‌وبالابردن‌سطح‌معلومات آنان سپاسگزاری کردند واضافه نمودند که تعطیل امروزسینماسهیل بمدیریت‌آقای‌شهریارشهریاری‌و کلیه بنگاه‌ها ومغازه‌های برادران زرتشتی درخور تقدیر است.

این مراسم درساعت ۶ بعدازظهر پایان یافت.

مراسم درگذشت اشو زرتشت باهمکاری سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد

دوشیزگان عشرت‌عشرت‌اشیدری. فرنگیس اشیدری ـ هما اشیدری ـ باهمکاری‌دوشیزگان‌زرتشتی یزد از ساعت ۱۰ بامداد تا نیمروز ۴۴/۱۰/۵

بمناسبت سالروز درگذشت شت وخشور زرتشت مراسمی درگهنبارخانه برگزار نمودند.

اظهارقدردانی

انجمن زرتشتیان یزد بموجب نامه ۶۸۵ مورخه ۴۴/۱۰/۱۰ ازاینکه آقای شهریارشهریاری مدیر سینما سهیل یزد بپاس احترام سالروز درگذشت اشوزرتشت پیامبر ایران باستان در ۱۰/۵ چهل وچهار سینما را تعطیل نموده است اظهار قدردانی کرده **است.**

دهش

ازطرف شرکت نسبی جمشید یگانگی و شرکاء بمنظور کمك ببودجه سازمان جوانان زرتشتی اهوازمبلغ ۲۵۰۰ ریال دراختیار آن سازمان قرار دادند.

مجلس یادبود و جشن خوانی در اصفهان

بنا بدعوت قبلی ازطرف انجمن زرتشتیان اصفهان مجلس جشن خوانی ازساعت سه بعدازظهر الی هفت بعدازظهر الی هفت بعدازظهر روزیکشنبه پنجم دیماه ۱۳۴۴ برابر باخیرایزد و دیماه به مناسبت درگذشت اشوزرتشت پیغمبرایران باستان درمحل باستان آباد و با حضور زرتشتیان مقیم اصفهان برپا گردید.

این مجلس باجشن خوانی وبرگذاری مراسم مذهبی پایان یافت.

تصحیح

لطفاً اشتباهات چاپی زیر را درشمارهٔ قبل تصحیح فرمائید:

صفحهٔ ۱۴ بیت ۱۰ وبیت ۱۲، «**هر آنکس**» نادرست و «**بر آنکس**» درست است.

همچنین درصفحهٔ ۳۷ (شعر مادر) سطر ۱۳ « نقش ترا همیشه وهر **کجا** بوده‌ام » نادرست و «نقش ترا همیشه وهر **جا** که بوده‌ام» درست است.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هرماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویاچاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهندوهمچنین آنهائیکه مایل باشتراك مجله هستند **میتوانند تلفناً نام و آدرس خودرااطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.**

بقیه گوشه‌ای از تاریخ کرمان

اعلیحضرت بگوئید باین استان نیز توجه شود) دو دستگی‌ها چند دستگی‌ها در شهر (که آنهم درگفتارهای پیشین مفصلا بدان اشاره شده است) متمرکز بودن امور تجارتی در مرکز ـ انتقال امور بندری از بندرعباس بخرمشهر درصورتیکه در قدیم بندرعباس مرکز معاملات و واردات و صادرات بوده است (که باز هم خوشبختانه امروزه تجهیز اسکله بندر عباس مورد توجه دولت است). انتقال ثروت ملاکین ازاین استان بسایر جاها (درعوض فعالیت و ثروت بعضی‌ها در تپه‌ها و زمین‌های اطراف تهران بمصرف میرسد) عدم توجه بعضی‌ها بآبادانی املاك (که با برنامه جدید جبران میشود) بالاخره بن‌بست بودن این استان (که بازهم با مژده ایجاد راههای مختلفه ازطریق بندر عباس ـ جیرفت ـ زاهدان راوروحتی ادامه راه آهن و استخراج معادن فلزات وذغال سنگ جبران شود).

راههای خدمت باین استان ـ ادامه راه آهن از طریق یزد بکرمان و زاهدان و انشعاب ازکرمان به بندرعباس (که بازهم خوشبختانه یکی دردست اجرا ودیگری درطرح میباشد). ـ بهره برداری ازمعادن ذغال سنگ وصدوربخارج (که درطرح است) ـ استفاده از منابع ماهی وکنسرو بندرعباس (که شیلات جنوب در برنامه دارد) ـ ایجاد راههای شوسه بین شهرستانها راه بندرعباس به جیرفت و زاهدان (که در طرح است) ـ فعالیت کشاورزی و دامپروری از هرجهت ـ ازبین بردن دو دستگی‌های بیجهت درکرمان ـ (که طبق اطلاع رفع شده) ـ توجه به بندرعباس (که عمل میشود) سدبندی درنقاط لازم (که درطرح است و نوید داده شده است) ـ حفر چاههای عمیق بتعداد زیاد (که در سالهای اخیر انجام وقسمتی از محصولات اخیر جیرفت محصول آبیاری چاههای عمیق است). ـ ازدیاد تلمبه‌هائیکه وسیله باد آب میدهند (درکرمان تعدادی موجود است). ایجاد صنعت در نقاطی‌که استعداد کشاورزی کمست.

این بود قسمتهائی از نامه که در سال ۳۶ بوسیله اینجانب بنام یکنفر کرمانی و و علاقمند بآبادانی وترقی زاد وبوم خود به نخست وزیر تقدیم کرد و همانطوریکه تقاضا شده بود به دوکلمه پاسخ مفتخرشدم بطوریکه درابتدا دیده شد مراتب مورد توجه قرار گرفت ونظریاتی‌که داده شده بود بهر تقدیر قسمتهائی انجام و قسمتهائی هم درطرح و در دست اجرا میباشد.

در شماره‌های آتیه مجدداً دراین باره و مسافرت‌اخیرنخست وزیر وگوشه‌هائی از از نتایج مسافرت بحث خواهد شد.

ضمناً مشتاق دریافت نظریات اصلاحی وپیشنهادات خوانندگان بخصوص همشهریان میباشد.

بقلم: شهریار خدایاری

انجام دو عمل خیر و خداپسندانه در یزد

بانوی والانژاد و خیراندیش پریزاد خانم گودرزی یکتخته قالی برای استفاده جماعت نیاز درب مهرنوش یزد (روبروی مسافرخانه پرویز) نمودند که فوق‌العاده ضروری ومورد احتیاج افراد جماعت بود بااین عمل خیر وخداپسندانه پریزاد خانم گودرزدرب مهرنوش (آتشکده) که خیراندیشان جماعت لوازم مورد احتیاج را با خلوص نیت نیاز نموده‌اند اکنون مجهز بکلیه لوازم مورد احتیاج است و اینجاست که باید گفت

گوهر پاك ببايد كه شود قابل فيض

ورنه هر سنگ وگلی لؤلؤ و مرجان نشود

دومین عمل خیر و خداپسندانه بدست آقای دینیار فریدونی تفتی انجام شد این جوان نیکوکار محل آتش بهرام را که جای عبادت زرتشتیان یزد است بنحو آبرومندی رنگ آمیزی و نقاشی نمود که فوق‌العاده ضروری بود واکنون سالن مزبور بطرز آبرومندی مورد استفاده افراد جماعت میباشد. توفیق خیراندیشان را نیز از درگاه اهورامزدا مسئلت مینماید.

درب مهرنوش درحال حاضر احتیاج مبرم به اقلا سی عدد بشقاب ملامین دارد چنانچه خیراندیشی بشقاب ملامین به‌آتشکده مزبور نیازنماید بسیار بجاست.

آقای شهریار زمردی صندوقدار انجمن زرتشتیان یزد که صندوقدار ابوابجمعدار درب مهرنوش هم هستند با دلسوزی و مراقبت خاص ازلوازم مزبور که اشخاص خیراندیش وقف نموده‌اند نگهداری مینمایند توفیق ایشان را از خداوند مسئلت دارد.

دلداری

اعضاء هیئت مدیره سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد به آقای داریوش دیانت مدیر داخلی سابق باشگاه درگذشت روانشاد مادرشان را تسلیت میگویند.

سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد

بقیه شاخه زرین

علاوه براین ، دریشت دهم ، مهریشت نیز دربارهٔ ایزدهوم گفت وگوشده است. در اینجا ایزد هوم چون پیشوایی روحانی معرفی شده است که سرودهای دینی می سراید و مراسم مذهبی انجام میدهد وشاید این کنایه ازآن باشد که این ایزد ، علاوه برمقامهائی که دارد و سرپرستی‌هائی که بـدو محول میباشد ، ازدینداری و رسوم دینی نیز پشتیبانی میکند.[1] وچنانکه گذشت ، ملاحظه شد که با بی‌دینان درمی‌افتد وآنان را به کیفر می‌رساند، چنانکه با کرسانی Keressani ، آن شهریار معاند دین رفتار کرد .

در این قسمت ملاحظه میشود که سه وجه هوم چگونه درقطعه‌یی کوتاه با استادی و زبردستی توصیف شده است ، وآن سه وجه عبارتند از شربت یا نوشابهٔ هوم ، ایزدهوم و گیاه هوم:

هوم مقوی درمان بخش و فرماندهٔ زیبا بـا چشمهـای زرد رنگ در بلندترین قلهٔ کوه هرئی‌تی [البرز کوه Haraiti] از برای آن[مهر] بی – آلایش ، آن [هوم] بی آلایش از برسم [Barsam] بی آلایش و از زور [Zavr] بی آلایش واز کلام بی آلایش فدیه آورد.

درکرده یازدهم ازویسپرد نیز به روابطی مشابه میان هوم‌ایزد و مهر ایزد مواجه میشویم ودر آنجا نیز دریافته میشود که درمراسم دینی ستایش ایزدان ، برایشان شربت هوم تقدیم میشده است. بزرگترین موبد و پیشوای روحانی که هاونن Havanan نـام داشت مأمور تهیهٔ شیره‌ونوشابهٔ هوم بود.

هاونن کلمه‌یی‌است که درآن‌لفظ هاون‌نیز ملاحظه میشود که درآن‌هوم‌رامیکوبیده‌اند همچنین هاونگاه نیز از همین لفظ است که یکی ازاوقات پنجگانهٔ روز میباشد که هنگام آن ازبرآمدن آفتاب‌تاگاه نیمروز است . پیشوای روحانی بامدادان ضمن مراسم مذهبی به تهیهٔ هوم که آنرا درهاون میکوبیدسر گرم‌میشد وبانگ هاون دینداران رابانجام‌مراسم دینی میخواند:

کسی که مثل نخستین هاونان اشام‌های هوم ستاره‌نشان مینوی تهیه شده را دربالای کوه هرئی‌تی نیاز نمود بترکیب زیبایش اهورامزدا آفرین خواند . امشاسپندان نیز آفرین خواندند ، خورشید دارندهٔ اسبهای تندتاز دور ستایش وی را بشارت داد .

---

۱ – یشت دهم ، مهریشت ۲۳/۹۰–۸۸

این بود آنچه که در اوستا راجع است به هوم . اما باتوجه به ریگ ودا وادبیات ودایی متوجه میشویم که هوم اوستایی وسوم درسانسکریت یکی است وسوم یکی‌از خدایان بزرگ هندوایرانی بوده است ، ازجملهٔ آن‌خدایانی‌که دررستاخیز زرتشتی مردود واقع شد وبعد بااندکی جرح وتعدیل وافزودن رنگ زرتشتی بدان ، دگرباره مورد قبول‌واقع گشته ودر اوستا داخل شد .

محققان وخاورشناسان ازبرای اثبات این مدعای خود، دلیلی ازگاتاهاآورده‌اند. هرچند درگاتاها بصراحت از هوم یاد نشده است ، اما صفت ویژهٔ هوم ، یعنی « دوراش Duraosha » بمعنی «دوردارندهٔ مرگ» یا « مرگ زدای » درگاتاها گونه‌یی آمده است‌که جای شك وشبهه‌یی باقی نمیگذاردکه منظور همان هوم بوده است .

برخی ازمحققان را رای برآن است‌که درگاتاها برای احتراز ازیادکردن هوم - ونام خدای بزرگ آریایی ، درکنایه از صفت یادشده است. برخی دیگر رارای بر آن است که این صفت از برای هوم ، ازنامش مشهورتر بوده است وبهمین جهت صفت را به جای اسم بکار برده‌اند.

اماآنچه‌که مهم است آنکه درتأیید اینکه در این قسمت ازگاتاها کنایتاً هوم مورد نظر بوده است سخنی نیست وزرتشت‌کسانی رانکوهش‌میکندکه از برای‌این خدای‌آریائی مراسم قربانی برپاکرده به امید آنکه بوی تقرب جویند ودرآرزوهاشان کامیاب گردند. درگاتاهاکه‌کهن‌ترین قسمت اوستا است ازهوم ومراسم آن ، جزیك مورد که با نکوهش آمده است یادی نشده .

پس از گاتها در«هفت‌ها» یعنی یسنا ــ های سی‌وپنجم تا هــای چهل و یکم که قدمت بیشتری دارد نیز ازهوم یادی نشده است ؛ اما درسایر قسمت‌های‌اوستا ، به ویژه درهوم یشت ویسنا - های نهم ودهم ویازدهم ازآن بتفصیل یاد شده است و ازیشت بیستم نیز یــاد شده است وازیشت بیستم نیز یادخواهیم‌کرد :

از برای‌ستم به وی گرهم وکوی‌ها [Grehma - Kavi از پیشوایان دیویسنان] دیرباز است‌که خرد و درج خویش فرنهادند ، چه آنان برآن شدندکه دروغ پرست را یاری‌کنند وگفته شده‌که چارپاازبرای‌کشتن است تا این‌که مرگ زدای [دوراش] را بیاری‌کردن برانگیزانند. [1]

ترکیب اوستایی دوراش ــ مطابق فرهنگ کانگاکه بویژه در این قسمت با خاور-شناسان بزرگ موافقت دارد ، از دو جزء دورDura بمعنی دور و اوش Usha بمعنی

---

۱ ــ گاتها ــ یسناها ۱۴/۳۲

مرگ و نیستی مرکب است.

در یسنای نهم ودهم ویازدهم که مجموعاً هوم یشت خوانده شده از ایـن صفت هوم بارها یادشده است [۱] به این جهت‌است که محققان هم رای هستند که درگاتاها پیـامبر در نکوهش مراسم دیویسنان که مراسم قربانی برای سوم Soma یا هوم بجای‌آورند سخن گفته است.

اما آنچه‌که در یشت‌ها بنام هوم یشت موسوم است و بیستمین یشت خوانده میشود، جز نقل‌قولهایی ومأخوذاتی ازیسنا ـ های نهم ودهم نمیباشد.

مراسم دربارهٔ هوم

مراسمی که دربارهٔ بدست آوردن عصارهٔ هوم که آنراپراهوم Parahom میگویند انجام میشود، یکی از مهمترین مـراسم مزدیسنان می باشد. به شکلی که در قسمت گذشته ملاحظه شد، ابتداگیاه ایزدی هوم درقلهٔ البرزکوه روبید و پس از آن بوسیلهٔ پرنده‌یی مقدس دانه‌های آن در جهان منتشرگشت. مراسم بدست آوردن عصارهٔ هوم بوسیلهٔ هفت موبدکه تحت سرپرستی موبدی بزرگ قرار داشتند انجام میشد. اما امروزه این مراسم بوسیلهٔ دوموبد انجام میگردد.

نخستین موبد هاونن Havanan نام داشته‌که ساقه‌های‌گیاه رادرهاون میکوبیده است. ابتدا موبدانی‌که‌گیاه مقدس راجمع‌آوری میکردند آنرا در جعبه‌یی کوچك طی مراسمی خشك میکردند تامورد استفادهٔ شیره‌کشی قرار میگرفت. قطعاتی از این‌گیاه در جامی شسته میشد ودرهاونی چنانکه مذکورگشت‌کوبیده میشد.

دوم موبد اتروخش Atravahksh نام داشت‌که نگهبانی آتش بااو بود. سوم موبد فربرتر Frabreter نام داشت که ظروف و لوازم مورد نیاز را می‌آورد. موبد چهارم بنام ابرتار Abereta مأمور آوردن آب بود. پنجمین‌که اس نتر Asnatar خوانده میشد وظیفه‌اش صاف‌کردن شیرهٔ هوم‌بود. راسپی‌یاموبد ششم مأمور تقسیم پراهوم بود، وموبد هفتم سروشاورز Srushavrs مأمور تنظیم امور و مراقب عبادتگاه بود [۲] مایعی‌که بدین طریق وضمن این تشریفات بدست می‌آمد دارای خواص درمانی بسیـاری بود ووجود همین خواص درمانی بودکه هوم را دارای چنین مقام رفیعی می‌کرد و چون در ایران باستان آنچه‌که سودرسان ودرمان‌بخش‌ونیك‌بود، قابل ستایش محسوب‌میگشت،

---

۱ ـ یشت بیستم، هوم یشت، بندیکم

۲ ـ نگاه شودبهمین‌کلمات وتفسیرآنها

آشکار است که گیاهی چنین درمان‌بخش وشادی افزا تاچه حد بایستی مورداحترام وستایش بوده باشد. [۱]

دراد‌بیات ودایی ومقایسه با روایات پهلوی واوستایی

مقدس بودن برخی ازگیاهان در ادوارکهن، مرسوم میان اغلب ملل و اقوام بوده است. ذهن ابتدایی بشرچون ناآگاه از مواددرمانی موجود درگیاهان می بود، هنگامی که بتدریج برحسب تصادف و مقتضیات متوجه میگشت که گیاهی چگونه برخی از بیماریها را درمان میکند، برای آن گیاه نیرویی خدایی و مرموز قایـل می شد و به همین جهت احساس اعجاب و شگفتی می‌کرد و همین عکس‌العمل ذهنی بودکه موجب پیدایش ارباب انواع می‌گشت . هندو اروپائیان وهندو ایرانیان در زمانهای‌گذشته بیرون ازاین روش نبودند وپس از گفت‌وگویی‌کوتاه در بارهٔ مقایسهٔ هوم در اوستا وسومSomaدر ریگ‌ودا بذکر موارد مشابه میان افسانه‌ها واساطیری از سامبان وآریاییان‌می‌پردازیم .

ناتمام

۱ - بواپسین قسمت مقاله ، خواص طبی‌هوم نگاه شود.

آگهی

از آنجاکه از جشن سدره پوشی گذشته این سازمـان همکیشان ارجمنـد استقبال فرموده‌اندباخرسندی فراوان بآگاهی‌همگان برادران وخواهران گرامی میرساند که ازاین‌پس هرزمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد،سازمان اقدام ببرگزاری جشن سدره‌پوشی همگانی مینماید .

ازکسانیکه خواستارند فرزندانشان را دراین جشن‌سدره پوش‌نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه ازساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ٤۲۸۳۲

بقیه دین و فلسفه

حتا بنام ورشکستگی وفرار به «تل‌اویو» بفرستند ؛ چنین مینماید که هستی وحیاتشان در ایرانست ولی دلشان برای اسرائیل‌می‌تپد ، درجائیکه مردم آنجا اینها راخویشاوند خود نمی‌دانند و به‌بازیشان نمیگیرند.

یهود که بارها بدست‌کلده وآشور تاراج شده واورشلیم‌زیر و روشده بود ، پس‌ازدوره باصطلاح هخامنشی در معرض تاخت وتازسلوکیدها بودند تانوبت برترکتازی رم رسید ، با ظهورعیسا جوانی آزادیخواه ومصلحی نیك‌اندیش ، بهترین‌آموزگاراخلاقی ودرویش‌مسلك، باز دستگاه آفریدگار ، مانند یك خانواده متشکل از پدر - پسر وروح‌القدس بمیان‌آمد یا حواریون باو بستند وگفتند اوخودرا پسر خدا میداند ، داوران یهودکه دم و دستگاه پیشوائی خودرا درخطردیدند، تهمت‌دزدی بآن جوان نیکخواه‌زدند واورا با دو دزدبدار کشیدند ،گناهش چه بود؟ - اومردم فاسد وزرپرست ومتعصب به دین‌واخورده وازمدافتاده زمان را که به فلسفه آن عمل نمیشد ، نکوهش میکرد وآیین نوین انسانـی را پیشنهاد مینمود و خود را بحق میدانست و مانند حسین (حلاج) عارف ایران «اناالحق» میگفت بگفته خواجه - «جرمش این بودکه اسرارهویدامیکرد» .

ابوالعلای معری فیلسوف عرب میگفت :

«درشگفتم ازیهودکه خداتراوش خون‌قربانی وبوی بخورکباب‌پروار را دوست دارد و ازنصاراکه (خود) خدا زیر بار ستم میزیسته و ازکسی‌یاری ندیده است» .

پس ازعیسا زور وفشار رومیان بریهود افزون‌گردید . هفتادسال ازمیلاد گذشته بود که سباستیان سردار «نرن»امپراتور رم ، اورشلیم رامحاصره‌کرد وپسرش برج وباروهای شهر راکوبید ، مردم را ازکوچك وبزرگ‌کشت ، خانه و بارگاه یهوه را ویران‌کرد و اثاثه خانه را ازخیمه ، تابوت عهد (قفسه تورات) خوان وشمعدان هفت‌شاخه وظروف و قندیلهای طلاو نقره وپارچه‌های دیبارابنام غنایم‌جنگی به‌رم‌برد واین واقعه ازرویدادهای مهم درتاریخ رم بشمار است .

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان

ز مهر دوست سخن میشود بدل اشراق
بیاد دوست زبان ناطق سخندان است
ز هجر دوست مرا آذری اندر دل
از آن آه دل خسته گرم و سوزان است
بهشت قرب بحق است و بعد آن دوزخ
که یاددوست بهشت‌است‌وباغ‌ورضوان‌است
ندای حق بلند است در جهان شب وروز
که هر که عاشق‌روی‌من است‌انسان است
غم جهان مخور و وقت را غنیمت دان
جهان مسیر کمال ازبرای انسان است
ز گردش فلك و روزگار عبرت گیر
که ازتحول آن عقل مات وحیران است
ببین که گردش افلاك روی نظم وحساب
همی بچرخدو بر وفق عدل ومیزان‌است
جهان نه جای تن‌آسانی‌هوس رانی است
بودچون حیوان هر که اوتن آسان است
سعادت من و تو نیست مال و ثروت جاه
کمال و فضل و هنرجاه نیك‌بختان است

بمنجلاب طبیعت کسیکه گشت غریق
مدام کشتی جانش دچار طوفان است
غلام همت آن رنـد عاقبت بین باش
که فارغ از کم و بیش زچون چندان‌است
مکن توصرف به بیهوده هیچ عمرعزیز
که هر دقیقه آن ناپذیر جبران است
اگر بروی تو خندد جهان مشو مغرور
بدانکه ازپس هرخنده دیده گریان است
برای دانهٔ خود را بـدام آن مفکن
که دام و دانهٔ آن ابتلاء حرمان است
چو منحرف شود از اعتدال نفس جهول
مدام مفرط و بدخواه و روبطغیان است
زخود پسندی و کبروغروروخواهش‌نفس
بگیرد آن ره باطل ز حق گریزان است
عنان خویش بدست هوای نفس مده
که این ستمگرپتیاره بس هوس‌ران‌است
تو نفس خویش به تقوی سپاروایمن‌باش
که آن نفس تـو را پاسبان دربان است
بچند روزه عمـر جهـان مشو مغـرور
نگر که این گذرعمرهمچو آب روان‌است
مبند دل بچیزی کـه میدهی از دست
مخواب زیـر بنائی که سست بنیاد است

نا تمام

بقیه سر مقاله

و انسانها بیشتر و بهتر میتوانند از زیبائیها ولذات دنیوی برخوردار گردند ولی آیا ملتها اجـازه میدهند تـا در اثـر برخـورد نژادهای مختلف بـا یکدیگر بنیان ملیت آنان متزلزل گردد - مسلماً خیر - پس برماست که به حراست این افتخار بزرگ که نیاکان پرارجمان بیادگار گذاشته‌اند تا سرحد جانبازی و فداکاری بکوشیم و خون پاك ایرانی ونژاد اصیل آریائی راهمواره دراثر ازدواجهای مناسب وپایبند بودن به آداب ورسوم کامل ملی برای آیندگان بارث بگذاریم واین افتخار بزرگی راکه درزمان فعلی ازآن برخوردار هستیم برای آنان نیز بیادگار بگذاریم وبدانیم که بزرگترین وگرانبهاترین میراثی که میتوانیم برای آنان باقی بگذاریم همین افتخاربزرگ نیاکان است وبس

قابل توجه مشترکین ارجمند کرمان

چون سال روبه پایان است خواهشمند است حساب آبونمان‌خودرا با آقای گودرز فرامرزی واریز نمایند . بـدیهیست ازمشترکینی که قبلا بدهی خـود را پرداخته‌اند سپاسگزار است.

هوخت

همکیشان گرامی برنامه رفت وآمد تهران کاخ را بشرح زیر تعین و اعلام میدارد

حرکت از تهران کاخ تا موتور آب ایستگاه خط واحد		برگشت به تهران کاخ	
۶/۵	بامداد	۸/۵	بامداد
۷	بامداد	۱۲/۵	بامداد
۱۱/۵	بامداد	۲/۵	~~بامداد~~
۳	از نیمروز گذشته	۴/۴۵	از نیمروز گذشته
۴	از نیمروز گذشته	۷	از نیمروز گذشته

یادآوری - چنانچه بجز از ساعات تعین شده نیازی به وسیله رفت‌وآمد باشد میتوانید به تهران کاخ شماره **۷۹۱۰۷۸** تلفن نمائید تا ترتیب وسیله رفت‌و آمد بـه‌خیابان فرح آباد ایستگاه موتور آب داده شود .

سازمان خیریه تهران کاخ

تلگراف - تهران

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا ریاست ستاد کل بزرگ ارتشتاران

مفتخراً انتصاب تیمسار معظم که نمونه توجه و علاقه شاهنشاه آریا مهر نسبت به آن جناب در راه خدمت بکشور میباشد صمیمانه تبریك عرض نموده موفقیت تیمساررا ازدرگاه اهورامزدای یکتا خواستاریم.

سازمان جوانان زرتشتی اهواز

سال ۱٦ شماره ۱۱ — شماره مسلسل ۱۹۰

دارندهٔ امتیاز- دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

داخله	خارجه
یکساله ۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
٦ ماهه ۹۰ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:

Dr. SARFEH

SUPERVISED BY

EDITORIAL BOARD

ADDRESS:

(The Hukht Monthly Magazin)

C/o Dr. SARFEHNIA

Phar. Dariush

Av. Nadery

Tehran,

Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

اسفند ۱۳۴۴

هوخت

گفتار نیک



روانشاد دکتر هومی بهابها دانشمند بزرگ اتمی رجوع شود بصفحه ۳۸

سال ۱۶

شماره ۱۲

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا
ریاست محترم ستاد بزرگ ارتشتاران

درگذشت روانشاد بانو ملکتاج آریانا همه ارادتمندان و دوستداران آن تیمساروالاگهر را دچار اندوه فراوان ساخته و خود را در این سوك هم انباز و همدرد میشمارند و از درگاه خداوند بیهمتا خواستارندکه تندرستی و شادکامی همیشگی به خاندان آریانا و بازماندگان آنروانشاد دهش فرماید.

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

ندائی برای گوشهای آشنا

ملتهای مختلف اصولا سعی مینمایند که در مواقع حساس رشد اجتماعی خویشرا به‌منصه ظهور رسانند ودربین سایر ملل گیتی حیات اجتماعی خودرا بطورکامل نشان دهندتا بتوانند در مواقع ضرورت حقوق سیاسی واجتماعی خودرابنحو مطلوبی کسب نمایند. آنها سعی می‌کنندکه همواره قشرهای فشرده‌ای را درمقابل مشکلات ومعضلات زندگی اجتماعی تهیه نمایند .

آنها پشتهای خودرا برهم می‌نهند - پنجه‌های آهنین‌خویش راباديگران درهم‌فرو می‌برند - عقل ومنطق وفهم وشعور وفكر واستعداد خودرا بکمك يكديگر ميفرستند تـا بتوانند در حل معضلات زندگی سرافراز وسربلند بدرآیند .

آنها هرگز درفکر منافع شخصی نیستند ومصالح عالیه ملی واجتماعی را بر منافع آنی رجحان وبرتری میدهند اینستکه آنها موفق بسیر درآفاق و انفاس گردیده‌اند اما ما هنوز درخم يك‌كوچه سرگردان و وامانده‌ایم .

در جامعه زرتشتی هم دوموقع موقعیت حساس را ایجاب مینمایدکه دراصطلاع‌میزان رشد ملی وشأن ومقام يك‌يك افراد اجتماعی دربرابر ديگران بثبوت برسد و اندیشه‌های پاك وتعالیم بزرك پیغمبر ایران باستان که خوشبختانه‌ماتاکنون باصول آن‌وفادارمانده‌ایم روشن وآشکارگردد .

ایندو زمان بـاریك یکی انتخاب نمایندگان مجلسین ودیگری انتخابـات انجمن زرتشتیان تهران میباشدکه البته درگذشته فعالیت دسته‌ها برای انتخاب شدن روی اصول پاك جریان داشته استواینعمل نیزدردنیا معمول بوده وهمواره رقبای انتخاباتی‌بایکدیگر بمبارزه برخواسته وباتمام قواکوشش نموده‌اند و موقعیکه رقیبی‌پیروزگردیده رقیب دیگر اولین فردی استکه پیروزی اورا تبريك‌گفته ودست اورامیفشارد وبرای همکاری‌درکنارش قرار میگیرد .

باکمال‌تأسف در انتخابات اخیر انجمن زرتشتیان‌تهران مثل اینکه موقعیت‌مناسبی برای دشمنان زرتشتیان ایران فراهم‌گردیده‌که هرکسی‌بنحوی وهرفردی بنامی‌بخادمین

اجتماع وفداکاران واقعی جماعت تهمت و افترا زده آنها را در کار خویش دلسرد و بر خدمات آنان خط بطلان کشیده راه را برای اضمحلال اجتماع هموار سازد.

آنها دشمنان جامعه زرتشتی هستند چرا که ازافشای نام خود که برملاء سازنده اصلیت آنهاست ننگ وعار دارند و چه بساکه ناخودآگاه تحریك شدگان دشمنانی هستند که پیوسته مترصد ازهم پاشیدن قوم اصیل آریائی بوده و میباشند در اینجا باید گفت که اگر ذره‌ای ازذرات خون ایرانیت وخوی اصیل زرتشتیگری درکالبد وروح خود سراغ دارید بفرمائید این گوی واین میدان وارد گود شوید وشمه‌ای از خدمات خودراکه برای ترقی وتعالی این قوم مبذول داشته‌اید بیان دارید و دقیقه‌ای از دقایق وقت خویشراکه صرف انجام امورکارهای این ملت نموده‌اندبرشمارید وانگشت برروی دیناری‌ازمال‌خودگذارید که برایگان برای پیشرفت این جماعت خرج نموده‌اید .

اینجانب باکمال شهامت وجسارتی خارق‌العاده بعرض همه افـراد دوست و دشمن میرسانم که اصولا صرف وقت وتحمل مشقت وکارکردن بسیار مشکل و ناراحت‌کننده است وکسانیکه واقعاً باخلوص نیت کاری بسیـار خطیر رابعهده میگیرند وشب‌و روز و وقت و بی‌وقت از راحت وآسایش خود وزن وفرزندان خویش میبرند وصرف‌امور عام‌المنفعه آنهم برایگان وبدون اجر وپاداشی می‌نمایند جزاینکه بگوئیم دچار یك جنون محض بـاشند چیز دیگری نیست ولی این دیوانگی چیزی جزعلاقه مفرط بحفظ شعائرملی وبزرگداشت یك ملت کهنسال چیز دیگری نمیتواند باشد.

اینستکه از سروران وزمامداران قوم ونیك‌اندیشان وپاك‌کرداران وراست‌گفتاران اجازه میطلبم که بهترین درودهای‌گرم وبی‌آلایش جامعه زرتشتی رانثار جانبازان راه‌حق وحقیقت نموده ازآنها صمیمانه درخواست نمایم که مثل نیاکان نامدار خویش شجاعـانه در برابر شدائد ایستادگی نموده واعمال اخیر وتهمت‌های ناروا وشب نـامه‌های سیاه جمعی مردم سیاه دل ونادان رابهیچ گرفته درکار خویش دلسرد نشده باهمان ثبات واستقامت و پشتکار وجدیت ذاتی خویش برای سرانجام دادن این ملت‌کهنسال بذل مساعدت نمایند.

اینجانب بنام یك فرد زرتشتی ازهمکیشان عزیز خویش استدعا دارم که بیش ازپیش‌متحد ومتفق گردند ودرنظر داشته باشند که این ملت درمقابل سهمگینترین مصائب بـا درایت و شجاعتی خارق‌العاده ایستادگی‌کرده وهمیشه فاتح وپیروز بوده است.

همکیشان عزیز اندکی بخودآئید واین نکته را بدانید که این بار دشمن نابکار از خارج بخانه جماعت نفوذکرده است . برای تار ومارکردن اودست اتحـاد بهم دهید و

بقیه درصفحه ۵۷

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

مانده گفتار ۲۷

داستان بنای کعبه یا خانه خدا

در تورات، ازساختمان کعبه بدست ابراهیم واسماعیل و رفتن آنها به عربستان، یعنی چندصدفرسنگی کنعان، باهاجر یابدون هاجر سخنی نیست. در باره بیرون فرستادن هاجر با اسماعیل ازخیمه سارا ، تورات مینویسد:

ابراهیم آنها را درزمین‌قادش نزدیك خیمه خود برد وجاداد ، ولی قرآن آیاتی‌در این‌باره داردکه میتوان چنین استنباط کردکه چون مادر اسماعیل مصری بوده‌و خوداوزن مصری‌داشته ، گرچه تورات درباره اسماعیل وفرزندان اوکه درکنعان وخانه‌پدری‌بوده‌اند بارها یادکرده ، ولی چه بسا بافرزندان پدرکه از مادران یهود بوده‌اند سازش‌نداشته‌و به عربستان رفته باشد تا ازکید وکین اسحاق وفرزندان او درامان‌بماند ودرآنجا به‌اقوام صحرا پیوسته وتشکیل خانمان داده است.

در سوره بقره ازآیه ۱۲۴ تا ۱۳۰ چنین میفرماید:

« بیاد آرهنگامیکه خداوند ابراهیم را به‌امری امتحان‌کرد - خدا بدوگفت - من تورا به‌پیشوایی مردم برگزیدم (ابراهیم) گفت به ذریت منهم ؟ خداگفت آری ولی پیمان من هرگز شامل حال ستمکاران نخواهد شد . بیادآرهنگامیکه ماخانه (کعبه) راجای‌امنی برای مردم قرار دادیم تاآنرا نمازگاه ابراهیم‌گیرند وبا ابراهیم و اسماعیل پیمان نهادیم که خانه رابرای‌کسانیکه طواف میکنند ودرآن جای میگیرند وستایش میکنندازآلایش‌پاك نگاهدارند. چون‌ابراهیم گفت - پروردگارا این شهر راجای‌امن وآسایش قرارده واهلش را ازمیوه‌ها برخوردارساز، برای هرکس ازآنهاکه به الله وروزواپسین ایمان‌آورد. خدا اورا اجابت‌کرده ، فرمود - هرکه‌کفران‌کند هر چند از نعمت اندکی بهره برد ، ولی در واپسین باآتش دوزخ - عذاب‌خواهد شد وآنجا بدترین‌منزلگاه‌است. همینکه ابراهیم واسماعیل پایه‌های خانه راگذاشته ودیوارها برافراشتند ، عرض‌کردند ؛ پروردگارا ،

این خدمت را ازما بپذیر ـ توشنوا ودانا هستی . پروردگارا ، ما و زادگان ماراتسلیم به رضای خودبدار وانجام مناسك رابما بنما و برما آسان گیر که بخشنده مهربان هستی ، پروردگارا ازمیان زادگان مارسولی برانگیز که آیات‌ترا برآنهافروخواند وکتاب‌حکمت رابه‌آنها بیاموزد وروان آنانرا صفا بخشدکه تو دانای توانائی . فرمود ، هرکه از ملت ابراهیم ، روی بگرداند ، نیست مگرکسیکه بی‌خردست وسفاهت نفس دارد و هرآینه ما ابراهیم را دردنیا بشرف رسالت برگزیدیم ودر واپسین زمان ازصالحین خواهدبود ».

این آیات بخوبی میرساند که ، محمد ـ خودرا اززادگان اسماعیل دانسته‌وازملت ابراهیم میداند . چون اسماعیل هم‌ازبنی‌اسرائیل نیست ، زیرا بنی‌اسرائیل‌فرزندان یعقوب هستند وچون ملت ابراهیم چنانکه درپیش‌گذشت از یهود نبوده ، محمدبگونه آشکاراخود را ازیهود ونصارا نمیداند ، چنانکه درسوره نحل آیه ۱۲۰ میفرماید:

« همانا ابراهیم ازتنها امت فرمانبردار خدابود وهرگز بخدای‌یکتا شرك‌نیاورد». ازاین‌روی‌او خود را ازملت ابراهیم می‌شناساند .

آغاز بت پرستی عرب از کی و چگونه بوده است ؟

عرب پیش‌از اسلام تاریخ ندارد ، هیچگونه آثار و نوشته‌ای که از عقاید وروش او حکایت کند ، در دست نیست . همین اندازه معلوم‌است‌که درصحراگردی وچادرنشینی به سنگ ، درخت ، غول وجن وارواح ناشناخته‌خوب وبد وبیمار ودیگر جانوران‌خزنده وددهای درنده ، از توهم وترس، یابه‌ستارگان وماه‌ازلحاظ‌روشنائی‌وترحم‌وبه‌ابروباران‌از حیث آسایش خود،ایمان داشته ولی دشمن خورشید بوده است. تنها جهت جامعه و مرکز اجتماعی‌درداوستد وروابط میان‌آنها وکیش‌بت‌پرستی اززمانی آغازشده که خانه کعبه بنیاد گردیده‌است . درمیان‌آنهاشاعر وداستان‌سرا بسیار بوده ،فرمانروایانی‌بنام شیوخ داشته‌اند وخدایانی بنامهای‌گوناگون‌درکعبه‌بصورت‌بت ازسنگ وچوب‌ساخته که‌آنهارامیپرستیده‌اند اما چنین مینمایدکه نام ابراهیم وکلمه «اللهم» نزد آنها زبانزد بوده بدون اینکه الله را کاره وگره‌گشایاحاجت‌رواکن بدانند ولی‌چه بسا بنای خانه‌کعبه را ازابراهیم‌میدانسته‌اند.

پس از موسا وسپس عیسا،تیره‌هایی ازعرب‌کیش موسا وعیسا را اختیار کرده و نیز مذهب دهری وکیش مانی وداکترین مزدك براثر مسافرت مبلغان این مذاهب‌درعربستان رخنه‌کرده بود ودرقریش‌کیش‌دهری ومانی‌نافذ بوده است. دراینجا سخن‌ازآغاز بت‌پرستی تازیان درمیانست ، چنانکه میگویند : هنگام ساختن کعبه ، فرشته خدا یك تخته سنگ بسیار سفید ونورانی بشکل استوانی چهارپر ، برای گزاشتن زیر پای ابراهیم که دیواردا

بالا برد ، به اسماعیل داد واونزد پدرآورد ، ابراهیم آنرا بوسیده وصورت خودرا برآن مالید ، ازآن روزگار بەپس ، ازبس مردم آنرا بالبهای چرب و چرکین بوسیده و سینه پرپشم عرق‌کرده خودرا بدان مالیدند تاآن سنگ سپید وقشنگ راپلید وسیاه کردند کـه لقب «حجرالاسود» یعنی «سیه سنگ» بخود گرفت .میتوان انگاریدکه این سنك آسمانی (Meteoz) بوده است.

دیری نگذشت‌که آن شهرت اولیه ابراهیمی فراموش گردید وعرب‌هاکه‌مانندمردم دیگر آنسامان موهوم‌پرست بودند وهمان مذهب آنی‌میسم که‌گزارش آنراخواندید،داشتند به سنگ‌گراییدند و به پرستش آن پرداختند، مردم‌آن دوران ، چون ازدرك وجودهستی پروردگارجهان درمیماندند، به سنگ وچوب و هرچه بنظرشان خوش می‌آمد یا از آن میترسیدند دست نیاز بسویش درازمیکردند ، یابرای پرهیز ازگزند روی‌عجزودرخواست ترحم بدان می‌نمودند.

باری ـ طوایف دور از مکه و بیابان گردی‌که بـه سنگ (حجرالاسود) دسترسی نداشتند ، شیخ قبیله‌که به مکه می‌رفت یك تکه سنگ سفیدخوش‌ریخت بنام نمونه ونماینده آن همراه می‌آورد واین سنگ خدای قبیله میشد . یکی ازاین سنگها بنام هبل Hebel خوانده شده بودکه از میان طوایف صحرا به‌کعبه باز برده شده وگفتند این سنگ گره گشا ومراد دهنده بوده وتوانائی انجام هر حاجتی را داشته است . سنگ دیگری الهه لات Lat بوده و در طایف چند فرسنگی مکـه‌سنگ سفید چارگوشی‌بودکه نشانه یا بازـ مانده دختری زیبا بوده است. زیر این‌سنگ چاله‌ای بنام غبغب بوده‌که چیزهای‌نذری‌از زرینه‌وگوهروچیزهائی‌که خوش‌آیندد‌ختران‌است‌درآن‌نگاهداری‌میشده‌است.عزا Azza چه بود ؟ آنهم بت دختری بوده‌که بسیارعزیزش میداشته و درنزد عرب‌دختر محبوب‌خدایش می‌پنداشته‌اند ، برای مردم باران می‌فرستاد هم به او احترام میگذاشتند و هم از او بیم می‌نمودند . ابوالعلای معری فیلسوف عرب درباره مناسك حج می‌گوید: **« درشگفتم که گروه‌انبوهی‌ازدیارهای دور برای‌پراندن ریگ(رمی‌حجر) بشیطان وبوسیدن سنگ (حجرالاسود) بمکه میآیند !!» .**

این‌ها همه وابسته به‌کیش آنی‌میسم Animism بوده‌که‌گزارش آن درپیش‌داده شد و در اعصار صباوت فکری بشرمنشاء اثرتصورمیشد ویك‌گونه‌پندارکودکانه‌درخداجوئی بشمار بوده است‌که بارشد تدریجی فکر وبالاگرفتن اندیشه بشر جنبه فلسفی‌وتصوف‌بخود گرفت ودرجامه منطقی‌تری بنام وحدت وجود درآمد که‌آثار مهم‌ترآن هنوز دربتکده‌های هند وپرستشگاههای برهمانیسم وبودائیسم چین وجنوب شرقی آسیا دم و دستگاه آراسته

بقیه درصفحه ۵۹

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان

در مجمع عادی همگانی انجمن زرتشتیان تهران

همکیشان ارجمند بانوان و آقایان

نخست لازم میدانم ازاین اجتماع کم نظیری که دردومین جلسه مجمع عادی همگانی با حضور خود تشکیل داده ایدازفردفرد حضار سپاسگزاری نموده آنگاه بهمه تبریك گویم زیرا کمتر دیده شده است که دردومین جلسه مجمع همگانی عده بیشتری ازجلسهٔ نخست شرکت جویند و بهمین جهت است که قانونگذار برای بار اول ثلث عده راتعیین وبرای بار دوم حدودی قائل نگشته است وهرقدر هم عده ازثلث کمتر باشد کافی شمرده درهرحال چنین احساسات وشرکت در انجام یك وظیفهٔ اجتماعی نشان رشد وحیات آن اجتماع است که خوشبختانه امروز ما شاهدآنیم .

پس ازین مقدمه چون تشکیل این مجمع مقدمه‌ای برای انتخاب اعضای انجمن گردش بیست ونهم است ازینجهت لازم دیدم وظایفی که باید درانجمن انجام یابد باستحضار رسانم تا با توجه بآن شخصیتهائی را برگزینند که قدرت وصلاحیت قبول این مسئولیت خطیر اجتماعی راداشته باشند نه آنکه فقط برای کسب عنوان باشد.

چنانچه بخواهیم وظایف اجتماعی را درانجمن بخش بندی نمائیم ، کارهای انجمن بسه دسته تقسیم می گردد باین شکل :

بخش اول ــ تنظیم امور مالی واقتصادی

بخش دوم ــ کارهای اجتماعی

بخش سوم ــ دفاع ازحیثیت اجتماعی ومذهبی

بخش اول که مربوط بامور مالی است . همانطور که استحضار دارید درسال ۱۳۳۹ که پایه حقوق فرهنگی وآموزشی درکشور افزایش یافت بر امورمالی انجمن نیز تأثیر فراوانی گذاشت وبالاخره همه ساله مواجه باکسر بودجه گشتیم وازطرفی برای تأمین کسر بودجه میسر نبود که همه ساله دست استمداد بسوی همکیشان دراز نمائیم هرچند که همیشه

دست ما رابگرمی فشرده‌اند اما هرکار حدودی و مقدوراتی دارد بنابراین طرح ساختمان جبهه شاهرضا ریخته شد و خوشبختانه عنقریب ساختمـان مورد بحث آغاز ببهره برداری خواهد شد وامید است گرهی ازکارها گشوده شود.

اما در موازات این طرح اقدامات دیگری هم برای حذف هزینه‌ها بعمل آمد و منجمله در امر مالیات بردرآمد مستغلات انجمن که هرساله موردکشمکش بود وحتی روزی آقای سفرنك باینجانب اطلاع دادند که مأمورین اجرای مالیاتی برای توقیف دارائی انجمن مشغول اقدام هستند بیدرنك بامراجعه بمقامات اداره کل وصول تلفناً دستور رفع مزاحمت داده شد اما این اقدام کافی نبود زیرا برابر قـانون میبایستی تشریفاتی انجـام یابد که انجمن بطور دائم از معافیت قانونی استفاده نماید و ضمناً رأی صادره ازکمیسیون عالی مالیاتی نیز ملغی گردد .

خوشبختانه بافراهم‌آوردن مقدمات‌کار وآمد ورفتهای زیاد توفیق یافتم کـه دستور قاطعی برای معـافیت دائمی‌اموال‌انجمن صادر واخذگردد وضمنا آن‌رأی هم که پس‌ازصدور اجرائیه درشرف وصول بود ملغی وبلااثر گردد .

همچنین موضوع عوارض شهرداری‌نیز که همه ساله خود مزاحمتی بشمارمیرفت‌این امرمهم همانطورکه درگزارش بنظرتان رسید ازطریق اداره حقوقی شهرداری نظرقطعی مبنی بر معافیت اخذگردید و حتی پیش‌آگهی ۴۸۰۰۰۰ریال‌که از دبیرستان انوشیروان دادگر مطالبه عوارض شده بود پس ازچند جلسه آمد ورفت بالاخره درجلسه پنجم بهمن که بمعیت آقای اردشیر موبد درکمیسیون حل اختلاف حضور یافتم‌ازین قسمت نیزانجمن معاف‌گشت و با این تدبیر اموال انجمن از جهت مالیات وعوارض بطور دائمی از معافیت برخوردار گردید .

قسمت دوم راجع بکارهای اجتماعی است ـ جمعیت روزافزون ما درمرکز ازانجمن توقعات وانتظارات زیادی داردکه دستگاه محدود اجرائی انجمن بنام دبیرخانه‌که گذشته ازوظایف سنگینی‌که ازجهت مؤسسات‌آموزش وپرورش برعهده دارد معهذا بطورتوانفرسا تقاضاها را درحدود مقدور انجام‌داده است این توقعات و مراجعات محـدود بهمکیشان مقیم مرکز وحل اختلافات فردی وخانوادگی نبوده‌بلکه‌از دورترین نقاط‌کشور نیزچشم انتظار برانجمن دوخته‌اند برای نمونه باستحضار میرسانم‌که دونفرازسپاهیان دانش‌همکیش اهل‌کرمان‌که دردهات دوردست خراسان مأموریت انجام وظیفه داشتند بشرایط نامناسب ودشواری مواجه بودندکه بانوشتن‌نامه استمداد مینمودند ودرجشن سپاه دانش‌که بمرکز آمده بودند باز تقاضای خودرا تجدید وبانجام آن اصرار میورزیدند در نتیجه اقدامات

جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور وآقای اردشیر موبد آن دو بکرمان انتقال یافتند . همچنین آنگاه که دراستخدام وتحصیل دوشیزگان زرتشتی یزددرخدمت آموزش وپرورش اشکالی ایجاد شده بود بازاقدام مجدانه بعمل آمد ودرنتیجه ملاقـات هیئت رئیسه انجمن باوزیر آموزش وپرورش وقت این محدودیت رفع ودوشیزگان زرتشتی درشهر ودهات دور ونزدیك دریزد بهامر آموزگاری ودبیری بانهایت آزادی ورفاه اشتغال دارند.

اما راجع بهقسمت سوم وظیفه انجمن یعنی دفاع ازحیثیت اجتماعی ومذهبی که بعقیده بنده ازاهم وظایف هر انجمنی است در ایندوره توفیقهای شایان توجهی نصیب انجمن گشته است .

باید باختصار بعرض رسانم درهر مقاله ونوشتهای که درآن جملهای توهین آمیز احساس واستنباط میشد درمقام دفاع برآمده وبجبران آن اقدام شده است و مهمتر ازهمه در باره کتاب کارنامه بزرگان که ازطرف اداره انتشارات وراديوی وقت چاپ و درشرف انتشار بود انجام یافت چون درفصلی که راجع بشرح احوال پیامبرمااشوزرتشت تحریریافته بود مطالب توهین آمیزی داشت که اینك برای نمونه جملاتی ازآن کتاب که تنها نسخهایست که باقیمانده ودراختیار اینجانب قراردارد دراینجا میخوانم و ازخواندن بقیه مطالب آن کـه یقیناً احساسات همگی راجریحهدار میکند صرفنظر مینمایم مثلا چنین نوشته شده بود :

(زردشت حکیمی بود ازنسل منوچهر وشاگردی افلادوس حکیم کردچون علم بیاموخت در حدود سبلان کوه آذربایجان منزوی وبریاضت مشغول گشت وکتابی ساخت که آنرا زند نام نهادگویند شاگردی یکی ازپیامبران کرده وعلم نجوم راخوب میدانست) .

بانوشتن نامهٔ مستدل وجامعی واستمداد ازجناب آقای معینیان که سلامتی همیشگی را برای ایشان از خداوند آرزو مینمائیم بیدرنك کتابها جمع آوری و باهزینه گزافی یك فرم چاپی که محتوی فصل مربوط به اشوزرتشت بود تجدید چاپ گشت ومطالب آموزندهٔ توأم باحقایقی ازتعالیم وزندگانی اشوزرتشت درآن منعکس گشت که بااجازه حضار چندجملهای ازآنرا میخوانم (حضار باکف زدنخواستند که تمامی فصل خوانده شود)

(زردشت که او را زرتشت ـ زردهشت و زرتشتره گویند از خاندان « سپیتمه » یا «سپنتمان» و پدرش «پوروشسب» و مادرش «دغدو» است ونسبش بفریدون میرسد .

در ششم فروردینماه وهمزمان باپادشاهی«شاه گشتاسب» درآذربایجان حوالیدریاچه رضائیه (چیچست) مجاور «گزن شهر» یا «شیز» تولد یافت.

در ۲۰ سالگی بهپناه غاری دربالای کوه سبلان رفت ومدت دهسال بستایشخداوند ومطالعه درراز آفرینش پرداخت وآنگاه که باسرار بزرگی آگاه گشت نبوت خود راکه

پایه‌اش بریکتاپرستی نهاده شده بود بجهانیان اعلام نمود.

چون اهالی زادگاهش عوامل طبیعت رامی‌پرستیدند برعلیه اوشوریدند و در صدد قتلش برآمدند . از اینرو بسوی شرق یعنی بلخ که در آنجا شاه گشتاسب سلطنت مینمود روانه گشت و تعالیم وپیام پیامبری خودرا درآنجا اعلام داشت ودرخت‌سرو معروف کاشمر را دربرابر کاخ شاهی کاشت.

بنا بفرمان شاه گشتاسب دانشمندان آنزمان با زردشت ببحث وگفتگو پرداختند و بالاخره پس ازمباحثات طولانی تمام‌آنها در برابر تعالیم و احکام آن‌پیامبر سرتعظیم فرود آورده بدین وی گرویدند.

آنچنانکه درگاتاها آمده شاه گشتاسب وکتایون شهبانو نخستین کسانی بودند که به آئین وی ایمان آوردند.

سرآغاز تعالیم این پیامبر پرستش خدای یگانه «اهورامزدا» میباشد کـه معنی آن «هستی‌بخش بزرك داناست» وپایه واصول اخلاقی دین اوبرراستی‌ونیکی وپرهیزگاری نهاده شده است منش‌عالی سه‌گانه «اندیشه نیك ـ گفتار نیك ـ کردارنیك» ازدستورات آن‌پیامبر بزرك است.

برای حل‌مسئله خیر وشر یعنی نیکی و بدی، فلسفه‌ای‌بنام «سپنتامینو» (مظهرنیکی) و «انگره‌مینو» (مظهربدی) که از فکر واندیشه انسانی سرچشمه میگیرد ببشر تعلیم فرمود وبا این ترتیب موضوع غامض خیر وشر که ممکن بود بردامن کبریائی پروردگار که منشأ خیر ونیکی محض است گردی بنشیند ، حل نمود.

همچنین وسیلهٔ نیل بسعادت راکار وکوشش فرمود وازآن‌گذشته بقای‌روح و اعتقاد بجهان دیگر بنام «گروسمان» یاکشور جاودانی اهورا رابرای نخستین بار این پیامبر به بشر تعلیم داد وپاداش ومجازات اعمال نیك وبد انسانی را دراین دنیا واجر ومکافات‌در جهان دیگر راقانونی تغییرناپذیر دانست.

تعالیم و اصول آسمانی که بزردشت الهام گشت بزبان اوستائی که از باستانی‌ترین زبانها وهمزمان سانسکریت است ، بنظم سروده‌شده و «گاتاها» نام دارد و بنا بامر شاه گشتاسب آنرا بردوازده‌هزار پوست‌گاو بازر نوشتند ونسخه‌ای از آن در «گنج شاپیگان (محل آتشکده آذرگشسب) ونسخهٔ دیگری در «دژنبشتهٔ» کوشك شهریاری پارس نگاهداری میشده است وآنرا ۲۱ نسك یعنی ۲۱ جلد هم نوشته‌اند.

زمان این پیامبر را دانشمندان قدیم یونان مانند «دیوژنس‌لربتوس» و«خسانتوس» و همچنین «افلاطون» و شاگردانش «ارسطو» و «اوکسوس» و «هرمدروس» ششهزار سال

قبل از جنك «ترویا» یعنی ۸۲ قرن پیش نوشته‌اند ؛ ولی مستشرقین بعدی عدد ششهزار را بششصد تقلیل داده وتا ۱۱۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح ذکر کرده‌اند.

اکثریت نویسندگان قدیم وجدید را عقیده برآنست که زردهشت هنگام دومین حملهٔ تورانیان بایران در۷۷ سالگی باهفتادتن ازپیروانش درپرستشگاه بلخ، حین نمازوستایش خدای یگانه بدست «براتور» نام‌تورانی بشهادت رسیده است.) این بودآنچه که درکتاب نامبرده چاپ ومنتشر شده است .

ازآن‌گذشته درکتابهای دبستانی ودبیرستانی نیز مطالب‌ناشایستی بچاپ رسیده‌بود که آنهم با اعتراض‌کتبی انجمن وملاقات باوزیران وقت خوشبختانه‌تمامی درچاپ۱۳۴۴ حذف‌گردید حتی روزی‌که درجشن‌کتاب منعقده دردبیرستان انوشیروان دادگر شرکت داشتم ودرآنجا گذشته ازعده زیادی ازمدعوین جناب آقای مدرسی معاون وزارت آموزش ورؤسای ادارات نگارش وتعلیمات عالیه وبخشهای آن‌وزارتخانه نیز شرکت داشتندپس‌از سخنرانی واجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده اینجانب بعنوان آنکه ازحضور حضار تشکر نمایم طی بیانات سپاس‌آمیز ازطرف انجمن زرتشتیان ضمناً چنین ادای مطلب‌نمودم:

« میخواهم با استناد از یکی ازکهنسالترین‌کتاب جهان یعنی اوستا راجع بکیفیت کتاب سخنی چندباستحضاررسانم . دراوستا چنین‌تعلیم‌رفته «راست‌ترین دانش‌مزدا‌آفریده مقدس رامیستائیم‌که راه نیك‌نماید وبگذرگاه نیك‌کشاند وسعادت‌ببارآورد» با این دستور آسمانی تکلیف‌کتاب‌که آموزنده وگسترنده دانش است کاملا معلوم‌گشته یعنی‌کتاب باید دارای چنین‌کیفیتی باشد تا برای اجتماع تأمین سعادت نماید.

در این چند روزه راجع بمحاسن‌کتاب دادسخن داده شد دراین مجلس نیز جناب آقای مدرسی وآقای جلالی بابیانی شیوا حق مطلب را ادانمودند اما شنیده‌نشدکه‌راجع بمفاسدکتاب بدکسی توجهی باجتماع بدهد ازاینجهت بااجازه حضار محترم میخواهم‌اینك که مقامات عالی آموزش وپرورش دراینجاحضوردارند این نکته را باستحضاررسانم‌که یك جمله خراب وفسادانگیز درکتاب هزاران جمله خوب وآموزنده رابلااثر خواهد نمودیا یك‌کتاب نامطلوب اثرش در اجتماع از هزارکتاب سودمند بیشتر است پس وظیفه اداره نگارش است‌که درامر کتاب دقت بیشتری بعمل آورده ومخصوصاً کتابهای‌درسی راازمطالب ناموزون منزه‌دارد »

پس ازپایان این سخنرانی همگی باستقبالم شتافته ضمن اظهار سپاسگزاری اصرار ورزیدندکه نکات مورد انتقادرا درکتاب درسی برای‌آنها بنویسم تابحذف آن اقدام‌شود. با این ترتیب تکلیفی برای اینجانب ایجادشدکه بروم و تمام‌کتابهای درسی از دبستانی و

دبیرستانی رامطالعه نمایم ومراتب موردنظررا گوشزد نمایم.

خوشبختانه پس از مطالعه کتابها باین نتیجه رسیدم که تقاضـای انجمن در اصلاح کتاب‌های دبیرستانی بمرحله عمل درآمده است اما درکتاب‌های دبستانی تاکلاس چهارم هنوز مواردی نامطلوب وجوددارد مثلا درضمن معرفی پیامبران نام‌اشوزرتشت که ازمفاخر بزرك اینکشوراست‌ذکری‌نشده وهمچنین موضوعات‌دیگر که‌طی‌نامه‌ای باطلاع اداره‌نگارش رسانیدم وباپاسخی که باینجانب دادند خوشبختانه اقدام باجرای این تقاضا را نیز وعده فرموده‌اند.

اظهار این مطالب نه از جهت خودستائی بود بلکه میخواستم داوطلبانی که برای عضویت درانجمن درنظر گرفته میشود وظیفه وبرنامه‌کار خود را برای اجتماع بدانند و برای قبول این امر ومسئولیت خطیر اجتماعی خودرا آماده‌نمایند.

اما مطلب اصلی که میخواستم باستحضار رسانم راجع بعضویت خود اینجانب در انجمن آینده است اینجانب باداشتن‌وظایف‌گوناگون اجتماعی دیگر ازقبیل عضویت افتخاری درکمیسیون عالی مالیاتی وزارت دارائی‌در هرهفته‌یکروز وشرکت درکمیسیون نظام جشن شاهنشاهی (هفته‌ای‌یکروز) وبالاترازهمه اداره امورمجله هوخت که مسئولیت‌وانجام آن بعهده‌اینجانب قرار دارد وبعقیده اینجانب و« قولیست که جملگی بر آنند» این‌تنها نشریه ما زرتشتیان باید همانطورکه درگذشته دارای آبرو واعتبار بوده در آینده نیز مقامش‌ارجمندتروشایسته‌تر حفظ وبحیاتش‌ادامه دهد وبنده انجام این وظیفه را ازوظایف دیگرمهمتر واصولی‌ترمیدانم وچون بیشتر اوقات‌بنده مصروف وظایف نامبرده‌است‌وباورنمائیدازرسیدگی باموررشخصی‌بازمانده‌ام ازاینجهت استدعایم از همکیشان‌ارجمنداینست‌که بنده‌رااز‌کسب‌این‌افتخار وعضویت‌درانجمن‌گردش ۲۹معاف‌فرمایند وشخصیت دیگری‌رابجای‌اینجانب درنظرگیرندکه باداشتن فرصت بیشتر این مسئولیت خطیر را بتواند انجام دهد از این عنـایت همواره سپاسگزار همکیشان ارجمنـد خواهم بود.

وضمناً خواهم توانست با فرصت بیشتری خاطرات چهارسال وچندماهه خدمتم‌رادرانجمن طی یادداشتی باستحضار برگزیدگان آینده رسانم تابرنامه شایسته‌ای برای انجام‌وظیفه خود تنظیم نمایند.

درپایان ازاینکه باحوصله عرایض بنده راشنیدید و مرتباً سخنانم را مورد تشویق قراردادید بینهایت سپاسگزارم وتوفیق همگی را ازدرگاه اهورا مزداخواهانم.

نوشته: هاشم رضی

شاخهٔ زرین

(۳)

هرگاه توجه کنیم که تقریباً یکدهم از ریگ‌ودا - مجموعاً درباره سوم و خواص وستایش آن است، به اهمیت آن میان هندو - ایرانیان پی‌خواهیم برد. هرچند مطابق تحقیقاتی که شده است میان گیاه سوم درمیان هندیها وهوم میان ایرانیان تفاوت‌هائی موجود است، اما با این حال بی‌گمان ریشه هردو درآغازیکی بوده است، هر چند بسیاری معتقدند که حتا گیاهی به‌نام هوم که امروزه در مراسم ویژهٔ مزدائیان بکارمی‌رود، بجز هومی‌است که در ادوار کهن مورد استعمال داشته.

سوم در ادبیات‌وافسانه‌های دینی ودایی دارای معانی ومفاهیم چندی است که برخی ازآنهابی‌تردید قابل مقایسه باهوم است وبرخیشان باتوجه به تفسیرهایی روشن، قابلیت انطباق پیدا می‌کند. سوم بمعنی شیره وشربت مقدس است که دراوستا نیزهوم چنین است. بمعنی گیاه‌جاودانی بخش است، چون«آب‌حیات» که به تقریب در اوستا نیزچنین مفهومی وجود دارد، اما در ادبیات واساطیر سومری وبابلی این مفهوم صریح‌تر به نظر میرسد که ازآن یادخواهد شد. همچنین در ادبیات بابلی افسانه Etana قابل توجه است که برای داراشدن فرزندی، باعقابی بآسمان بالامی‌رود تا ازگیاه ولادت که در ارتفاعات‌جو وجود دارد بدست آورده وبخورد ودارای فرزند شود، چون در آرزوی پسری است که وارث و جانشین وی شود. توجهی به یسنا - های نهم این شباهت فوق‌العاده را بیان می‌کند، چون هوم بکسانی‌که دارای علاقه ومحبت است، فرزندانی شایسته عطامی‌کند:

به زایندگان پسران نامور وفرزندان نامور دهد .....(۱)

همچنین صفت مشهور هوم «دورااش Durâooha» یعنی دور دارندهٔ مرگ است و این همان مفهوم گیاه حیات رامی‌دهد که در افسانه‌های بابلی گیل گمش Gilgamesh

۱ - یسنا - ها ۲۲/۹

تا درون دروازه‌های شهرخدایان بدنبالش می‌رود.

همچنین گیاه هوم دارای جنبهٔ خشم و قهری است که چون برانگیخته شود موجب نیستی ومرگ می‌شود. در اساطیر اسکاندیناوی بالدر Balder که یکی از خدایان بزرگ بود، بوسیلهٔ گیاه می‌سلتو Mistletoe «گیاه بوسه» کشت می‌شود، ودربارهٔ این افسانه‌ها پس ازذکر سوم - بکوتاهی یادخواهد شد.

گیاه سوم در هندوستان عبارت است ازگیاهی که دارای ساقهٔ پیچیده‌یی است و از تخمیر آن نوشابه‌یی بدست‌می‌آیدکه مستی‌بخش است ودر مراسم مذهبی بخدایـان بوسیلهٔ برهمنان تقدیم شده وخودنیز می‌نوشند . درمورد پیدایش گیاه سوم درودا روایتی است که باروایت « هوم‌یشت = یسنا - ها - ۱۱-۱۰-۹ » قابل مقایسه می‌باشد . چنانکه‌گذشت گیاه هوم را خداوند دربلندی‌کوه البرز می‌رویاند و پس‌ازآن پرندهٔ مقدسی‌که باحتمال قوی جز «شاهین - عقـاب » (۱) مرغی دیگر نیست دانه‌های آنرا بهمه جامی پراکند . مطابق با ریك‌ودا ، عقاب یا شاهین بهر ترتیبی‌که هست خودرا بآسمان ، بآن آشیانهٔ مستحکم خدایان می‌رساند وگیاه زندگی بخش سوم Soma را دزدیده وبزمین‌می‌آورد تا مردمان ازآن استفاده‌کنند (۲). بجاست تابه‌افسانه مشابهی دراساطیریونانی اشاره‌شود که بموجب آن اسطوره ، پرومه‌ته‌یوس Prometheus ، یکی از نیمه‌خدایان بآسمان راه یافته وآتش را دزدیده وجهت استفادهٔ سرنشینان زمین ، آنرا به کرهٔ خاکی منتقل می‌سازد .

اغلب صفاتی‌که در اوستا دربارهٔ هوم آمده است ، در ودا راجع به سوم نیزموجود است . سوم نیز بمقام خدایان ارتقاء یافته تا جائی‌که یکی ازمهتر خدایـان شده است . ایرانیان پس ازجدائی از هندوان همان معتقدات مشترك را نگاه داشتند ودرطی زمان و جدائی میان هند و ایرانیان ، در جزئیات زبان ، فرهنك ، زندگی ، دیانت و افسانه‌هاو اساطیرشان دیگرگونی‌هایی پدید آمد .

روایاتی مشابه در بارهٔ هوم وسوم از اینگونه است ودر حالی‌که اسکلت روایت و سرچشمهٔ اصلی یکی است ، دارای اختلافاتی جزئی نیز میباشد . یکـی از وجود فاصله میان هندو ایرانیان ، تغییراتی است درزبان ودرواقع زبان اوستایی و سانسکریت‌منشعب ازیك شاخهٔ اصلی هستندکه هند و ایرانیان درآغاز بدان تکلم می‌کردند. در اوستا حرف

۱ - نگاه شود بمقالهٔ «سان = شاهین»

۲- Macdonell: Vedic Mythology. P. 111

«س» شاید بدل به «ه» شده باشد چنانکه سوم ـ هوم شد واسوره Asura ، اهوره ـ Ahura گشت .

سوم ـ در ودا دارای قدرتی بی‌زوال است ، ابدی است و خدای درمان بخش است و نه تنها صحت وسلامت میبخشاید و بر همهٔ بیماریها پیروز می‌شود ، بلکه بخشندهٔ زندگی و ثروت وخواسته است و گاه آنقدر درمقامش غلو می‌شود که با خدای‌خدایان وقدرت‌اعلای جهانی یکی دانسته می‌شود . هرچند دراوستاکم و بیش ازاین‌همه قدرت دربارهٔ هوم‌نشان‌هایی موجود است، اما بااین وصف وی‌آفریدهٔ اهورامزداست ونشان اصلاحات‌زرتشت‌کاملا آن بخوبی مشهود می‌باشد.

پس از مدتی نام سوم رابه ماه دادند و گیاه سوم باماه یکی دانسته شد . در زبان سانسکریت سوم بجای ماه نیز بکار می‌رود. این یکی دانسته شدن تنها در اسم ونام‌نبود، بلکه صفات سوم‌نیز بماه اطلاق‌شد وآنرا رب‌النوع گیاهان دانستندومراسم عبادت وقربانی برایش انجام دادند وسالار گیاهان شفابخش خوانده شد . ازهمین رهگذر است که بموارد مشابه اصیل روایات ودایی واوستایی پی‌می‌بریم واین مقایسه‌ها بسیار دقیق وجالب‌خواهند بود. در اوستا بکرات اشاره باین موضوع شده است که نگاره‌های‌آسمانی ، بویژه ماه ، محل نطفهٔ گیاهان می‌باشند:

مهر و اهورای بزرگ فناناپذیر مقدس رامی‌ستاییم، ستارگان و ماه وخورشید رانزدگیاه برسم وآن مهر راکه سرور سراسرممالك است رامی‌ستاییم. (۱)

اما در باب چهارم از بند هشن است که ابهام اوستایی روشن‌تر مـی‌شود . بموجب روایت بندهشن چون خداوندگاو نر را بیافرید ، دیوان درصدد ایذا وآزارش برآمدند. چونانکه برکیومرث انسان نخست‌گذشت ، برگاو نخستین نیز این ماجرا گذشت و دیو رنج وگرسنگی ونیاز پیکرش را تکیده وناتوان ساخت تا سرانجام بمرد . چون‌لاشه‌اش متلاشی‌گشت ، دوازده قسم ازگیاهان سودرسان از آن بوجود آمد ونطفهٔ وهستهٔ اساسی‌آن گیاهان بکرهٔ ماه منتقل‌گشت وماه حافظ وسرپرست گیاهان گشت (۲) و بهمین جهت‌است که درمتن اوستا ماه رویاننده وپرورش دهنده وموکل گیاهان ورستنی‌ها شناخته شده است **و در هنگامی که ماه روشنایی بتابد همیشه دربهارگیاه سبز اززمین بروید،**

---

۱ ـ یشت دهم ـ مهریشت۱۴۵/۳۵

۲ـ دارمس‌ته‌تر Darmesteter در Ormazd et Ahriman 144-145

تاریخ ادیان ـ جلددوم ، ۹۸۵-۹۸۲

من می ستایم ماه ... سودمند سبزی رویانندهٔ آباد کنندهٔ بغ درمان دهنده را . (۱)

وچنان که ملاحظه می‌شود ، صفت درمان‌بخشی که ویژهٔ هوم است ، بماه نیز نسبت داده شده ، کاملا روشی که در ریگ‌ودا ـ میان ماه وسوم بنظر می‌رسد وآن دو رایکی‌می‌دانند . در اوستا ازجمله صفات ووجه استعاراتی که برای هوم آمده است و درنظر اول بدون توجه بموارد مشابه ودایی گنگ ونامفهوم ممکن است بنظر رسد چنین است:

از برای تو فراز آورد مزدا نخست کمر بند « کشتی » ستـاره نشان مینوی ... (۲)

آیا این کنایه‌یی ازیکی بودن ماه و هوم نیست چنانکه در ودا میباشد . توجهی به موارد مشابه این تمثیل وکنایه در اساطیر ملل دیگر، مارابرآن‌میداردکه «کمربندستاره نشان» هوم راکنایه ازآن بدانیم‌که منظور سراینده بیان یکی بودن هوم‌باماه بوده است، چون ماه است‌که ستارگان چون کمربندی گردش حلقه بسته‌اند.

سوم را در ریگ ودا وهوم رادراوستا می‌توان‌تااندازه‌یی‌بادیونی‌سوسDionisos در اساطیر یونانی ورومی مقایسه‌کرد. دیونی‌سوس یا باکوس Bacchus پسر زئـوس Zeus ومادرش سمل Semele بوده است‌که در اساطیر یونانی دارای اهمیت‌فراوانی است . وی خدای تاکستانها ، شراب وجذبهٔ عارفانه است وپیدایش شراب به وی منسوب است چنانکه در اساطیر ایرانی وهندی بجمشید منسوب است . براثر حوادثی‌که روی‌می‌دهد ، زئوس اجباراً پسر رابشهری در آسیابنام نیساNysa می‌فرستد وعده‌یی ازالاهگان آن دیار رابسرپرستی وتربیت وی‌می گمارد. پس ازچندی زئوس آن الاهگان را بصورت مجموعهٔ فلکی دبران «Hyades» درمی‌آورد که دیونی‌سوس را درمیان دارند.

دربرخی دیگر از روایات ودایی سوم ـ رادرمفهوم ماه بودنش ، پسراتری Atri که از ریشی‌هاست وهمسرش‌کهانسویا Ansoyâ می‌باشددانسته‌اند . اما روایات در بارهٔ اصل ونسب او منحصر به‌یکی دوتانیست .

دربرخی دیگر از روایات آمده است‌که دراثر توفان درردریا بوجود آمده است . مقایسه‌یی ازاین مورد باروایات پهلوی دربارهٔ هوم جالب توجه است ، چون برابربااین روایات گیاه هوم نیز میان دریا روییده است . چون درخت همه تخم درردریای‌فراخکرت بوجود آمد ، اهریمن برضدآن آسیب‌هایی آفرید ، درخت همه تخم درختی‌بودکه ازآن

۱ ـ یشت هفتم ـ ماه یشت ، بند چهارم

۲ ـ یسنا ۱۵ 9/۲۶

همهٔ رستنی‌ها وگیاهان بوجود می‌آمد ، چون دانهٔ همهٔ گیاهان دراو وجـود داشت ـ پس درخت گئوکرن Gaokrena میان دریای فراخکرت پدیدآمد که درخت همه تخم را از آسیبهای اهریمنی حفظ کند ودرخت گئوکرن راهوم سپید نیز میخوانند وبا آن یکی‌است. پس متوجه می‌شویم که چگونه ازجنبه‌های گوناگون می‌توان سوم ـ وهوم را مقایسه‌کرده هرگاه روایات‌گوناگون دربارهٔ هوم فراهم‌گشته وپس ازتلفیق وترکیب بقالب‌نخستینشان ریخته شوند ، آنگاه شکل اولیهٔ اسطورهٔ هوم بگونه‌یی کامل فراهم می‌شود.

مطابق روایات‌اساطیری ، یکی‌ازپرجاپت Parjapat‌ها ، یعنی یکی از ده‌آفریدهٔ نخستین خداوند بزرك‌که دکش Dakasha نام داشت دارای شست دختر بود که بیست وهفت‌تای آنهارا بسوم ـ درهیأت ماه بودنش داد ومیتوان استنباط‌کردکه منظور از این کنایه بیست وهفت‌منزل ماه می‌باشد.

جالب توجه اینجاسب‌که اسطورهٔ «دکش» باروایاتی‌در اوستا وپهلوی دربارهٔ‌آفرینش شباهت جالب توجهی دارد و ازسویی دیگر قابل توجه است‌که دکش در سانسکریت نام گیاهی درمانبخش نیز می‌باشد . سوم ـ بدون توجه بزنان‌دیگر ، بچهارمی دل باخت و ازآن دیگران غفلت‌کرد . احساس حسادت دربیست وسه دختر جنبیدوبپدر شکایت بردند ودکش‌نیز سوم رانفرین‌کردکه دائم ببیماری وناکامی مبتلا گردد. امادختران رادل بحال شوهر رحم‌آمد وازپدر خواستند تانفرین خودرا ازسوم ـ بردارد ، اما دیگر تغییر قضا امکان‌پذیر نبود وتنها کاری‌که دکش توانست انجام دهد آن‌بودکه بیماری سوم ـ راادواری کرد واز دائم بودن تعدیل ساخت ـ بهمین جهت است درماه تغییراتی بەوجودآمد و در صورگوناگون درآسمان ظاهرمی‌شود. بقایای این اسطوره بنحو روشنی درادبیات‌هندی و پارسی باقی مانده است ونسبتی‌که شاعران بتناوب در تشبیه ازبیماری وسلامت ماه میکنند برهمین مأخذ است‌که اصل‌آن فراموش شده است.

بقیه درصفحه ۵۳

قابل توجه مشترکین ارجمند کرمان

چون سال روبه پایان است خواهشمند است حساب آبونمان‌خودرا با آقای گودرز فرامرزی واریز نمایند . بـدیهیست ازمشترکینی که قبلا بدهی خـود را پرداخته‌اند سپاسگزار است.

هوخت

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)

جشن جاوید است روز یادبود جان فشانان
روز بذل مرحمت ازسوی شاهنشاه میهن

ای بخاك و خون فتاده از برای خاك میهن
آخرین ورد زبانت بود نام پاك میهن
چون نکردی خویشتن‌راخوارپیش‌چشم دشمن
شد فداکاری تو چون خار اندر چشم دشمن
لاجرم تحریك شد بر کشتن تو خشم دشمن
روح تو از تن جدا شد رفت بر افلاك میهن
افتخار جانفشانی تاج شد اندر سر تو
خون زخم تیر دشمن گشت زیب و زیور تو
گر کنم از پرده کعبه کفن بر پیکر تو
برتر از آن میشماری خفتن اندر خاك میهن
گر نهم سنگ سیاه کعبه را روی مزارت
میکند آن سنگ روی سینه‌ات حس حقارت
هست در خلد برین لطف خدا در انتظارت
ای بخون آغشته و آلوده بر خاشاك میهن

☆ ☆ ☆

خوش بحالت‌ای که‌دادی‌جان‌خوددرراه میهن
خاندانت مفتخر در پیشگاه شاه میهن

آفرین بر تو به پیمانت نمودی پایداری
گرچه افتادی زپا با مجد و عزت نی بخواری
گشت نام تو بتاریخ شهیدان یادگاری
ای ستون پایدار خیمه و خرگاه میهن
ای (پدر) ای آنکه پروردی شهیدی بهر میهن
در نهاد او نهادی این چنین تو مهر میهن
کی شوی در زندگانی تو دچار قهر میهن
داد جان خرسندوخندان او بمیدانگاه میهن
ای زن ای (مادر) که زادی توشهیدی بهر ایران
شیر دادی پرورانیدیش اندر مهد ایران
نام او شد زینت اوراق تاریخ دلیران
خوش درخشید عاقبت در آسمان چون ماه میهن

* * *

ای زن ای (همسر) که بودی همسر سرباز میهن
ای بکوهستان ایران تو شکار باز میهن
ای که دادی دست خود بردست مرد جانفشانی
همسر خود را ز کف دادی بدوران جوانی
نام تو با نام آن جانباخته شد جاودانی
ای نشان تیر عقل و عشق تیر انداز میهن
(دخترا) تو یادگار رادمرد جان نثاری
با سرافرازی بمان در خاندانت روزگاری
رفت از دستت پدر اما ترا شد افتخاری
چون شدی زین پس به (شاهنشاه) چون (شهناز) میهن

بقیه درصفحه ۳۲

بقیه متن سخنرانی دانشمند خاورشناس آلمانی پروفسور رمپیس که روز جمعه ششم آذر ۴۳ بآلمانی ایراد فرمودند و آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی آنرا بپارسی ترجمه نموده‌اند وقسمت اول آن در شماره دوم سال ۴۴ چاپ واینك دنباله آن درج میگردد

زرتشت از دیدگاه دانشمندان اروپائی

(۲)

اکنون شایسته است بمنظور تکمیل کار - دوسه نمونهٔ دیگر از ترجمه‌های گاهان یا کتابهائی که دربارهٔ زردشت نوشته شده است یادکنیم :

یکی ترجمه وتوضیحاتی که بزبان فرانسه از سرودهای آسمانی این پیغمبر بوسیلهٔ ژ . دوشن گیمن . J. Duchesne-Guillemin (۱۹۴۸) و یکسال پیش از این تاریخ کاری که بانگلیسی در دوجلد ازطرف ارنست هرتسفلد « زردشت و جهان او[۱] » شد دوشن گیمن خود دربارهٔ کتابش : «دین ایران باستان [۲] » صفحه ۳۹۸ میگوید که من‌این کتابرا بنابرتشویق دومزیل Dumezil دانشمند بزرك زبانشناسی هند و ژرمنی نوشتم

هرتسفلد بما زردشت پیغمبر را درکتابش یك‌درباری وسیاستمدار نخستین‌پادشاهان هخامنشی معرفی میکند، همچنانکه والترهینس W. Hinz البته بکلی‌ازجهات‌ونظریات دیگر وبهرحال ازنظر وجنبهٔ دیگری - در «رمان»ی‌که در سال ۱۹۶۱ در بارهٔ زندگی زردشت نوشته است. ترجمه‌هائی ازگاهان در پایان‌کتاب بعنوان پیوست بسی‌سنجیده‌تر و اندیشیده‌تر از دیگران داده است .

---

۱ - Zoroaster andhis world 1947

۲ - La Religian de l'Iran Ancien 1962

این ترجمه‌ها را من بمناسبت سبك توراتی آن وبنا براصول ترجمه‌ای خودم نمی‌پذیرم ولی اعتراف میکنم که ترجمه‌های هینس نخستین ترجمه است از مرد دینداری که گفتارهای پیغمبر زردشت رابرشنونده یاخواننده بسرحد اعتقاد و ایمان مؤثر میسازد و سرد ویخ زده مانند ترجمه‌های آلمانی «هومباخ» نیست . بعلاوه هینس ترجمه‌های آلمانی خودرا بازبردستی وتوانائی زبانشناسی انجام نداده است بلکه نتیجهٔ انتخاب ودست‌چینی او است. باین معنا که هرچه راکه وی‌برای تفسیر گاهان لازم تشخیص داده است آورده است .

پس ازاینکه مهمترین مترجمان‌اروپائی سرودهای‌زردشت وروش‌کارشان رایاد کردم ونقطه نظر آنان بازشناساندم - کارهای دانشمندان پارسی ، تاوادیا ، تاراپوروالا ، و بود ازموضوع بحث ما بیرون هستند ـ هنگام آنست که توجه‌خودرا بوجود خودزردشت‌معطوف گردانیم .

در این مورد بهتر است مسائلی‌که باشخصیت و وجود تاریخی او و همچنین آنچه با تعالیم او سروکار دارد یکجا مورد بحث قرار گیرد. در مورد شخصیت و وجود پیامبر ایران کهن ، زردشت ، باز بهتر ازهمه آنست که خاستگاه ومنشاء او، وآنجاکه اوزاده شده‌است وزمان زندگانی وقلمرو نفوذ او هریك جداگانه مورد مطالعه قرارگیرد.

در بارهٔ خاستگاه وزادگاه او ، بعبارت دیگر بستگی او بیکی ازطبقات اجتماعی ایران عقاید بسیاری تاکنون اظهار شده است . ازآنجاکه این نکته بستگی تمام بااوضاع واحوال وروابط ومناسبات زندگانی پیغمبر دارد وهیچکدام ازاینها راباقطعیت واطمینان نمی‌شود بحث‌کرد، یعنی هرکدام از آنها بنظر هریك از دانشمندان و مترجمان مربوط میشود ، هرگونه نتیجه‌گیری بخود محدود میشود.

فقط باید بفرضیه ا.هرتسفلد که WIŠTA-ASPÖ پشتیبان‌زردشت راباگشتاسب پیشوای هخامنشی یکی دانسته اشاره‌کنیم. هرگاه ثابت شودکه این فـرضیه غلط است ، نتیجه‌هائی هم‌که ازآن‌گرفته بیهوده وغلط خواهد شد.

این فرضیه نیز که زردشت ازگروه روحانیان وموبدان بود ، قابل اثبات نیست ، زیرا ما هیچگونه اشاره‌ای دراین‌باره نمی‌یابیم . بعکس مطالعه‌گاهان بیشتر ما را باین نتیجه میرساند که زردشت وابسته بطبقه بزرگان بود.

کاویو (Käwayö) گمان نمیرود که وابسته بطبقه دهقانان یا خوائیتو بوده است زیراوی بابزرگان نشست و برخاست داشت ونخستین‌پیروان باوفای او ازمیان همین‌طبقه بودند .

البته در یسن ۱۰/۳۲ بند یك و ۲ باکمال صراحت و روشنی برضد آن بزرگان (دئوا) سخن میگوید (ولی پیدا است که فقط برضدآن بزرگانی است که دشمن اوومخالف تعالیم اوهستند) چون پس ازاین درنشان دادن جایگاه زردشت دراین‌باره گفتگوخواهیم کرد این‌جا بیش ازاین چیزی نخواهیم گفت .

* * *

در بارهٔ زادگاه زردشت دانشمندان جوان اروپائی تااین‌جا همداستانندکه زادگاه وی دریکی از نواحی «شرق» بوده است ، یعنی بر خلاف آنچه روایات پهلوی و مکتب بارتلمه معتقد است که درغرب دردریاچهٔ چچست Cëcast (درشهر«شیز» Šïz)میپندارند که نخست درآنجا بدنیاآمده وبراثر نزاع باقبیلهٔ خود بطرف شرق گریخته است . اینان برای اثبات این مطلب به‌یسن ۳/٤٦ استناد می‌جویند . ولی درآنجا فقط گفته‌است :

« بکدام سرزمین باید خودرا ساکن کنم ؟ بکجا باید بگروم ؟ آیابایدبروم؟ »

در اینجا هیچ سخن از گریز وپذیرشی درغربت نیست . و در نتیجهٔ قبول‌این‌فرضیهٔ شرقی بودن میهن پیامبر ، دانشمندان جوان مانند ژ . دوشن گیمن هر گونه تأثیر«یکتا پرستی سامی» را در تعلیمات زردشت که در یسن ٤٤ بند۷ از مزدا اهورا بعنوان«آفریننده همه (چیز) سخن میرود که بیان هرخدای دیگری همسان یا برتر یا پائین‌ترازمزدااهورا را پاك ناممکن میسازد ، رد میکنند .

تمام این فرضیه‌ها ازسنت زردشتی متاخر درباره تعیین زمان زایش‌زردشت‌سرچشمه میگیرد . چه بنابراین‌سنت زمان زندگی زردشت پیرامون ۹۰۰ تا۶۲۸پیش ازمیلاداست برای ثابت‌کردن این تاریخ است که هرتسفلد و هینس و ف . آلتهیم محاسبات شگفت‌آوری می‌کنند و این عدد تاریخی راکه ازسوی موبدان زردشتی پایان دورهٔ ساسانی پیدا شده است یك حقیقت تاریخی جلوه دهند.

با تعیین زمان زردشت ، دربرابر قسمت اصلی سئوال قرار میگیریم زیرااین‌سئوال مربوط بشخصیت و تعالیم پیامبر هردو میشود . هرچه زمان زندگی او دیرتر فرض شود بهمان اندازه دوره‌های تاریخی موضوع که بوسیله شرح‌ها ونوشته‌های شرقی‌وغربی که باآن آشنا شده‌ایم نزدیکتر میآید وبهمان نسبت هم تأثیرات غربی دربرابر آن پیغمبر ایرانی بهتر وآسانتر ثابت میشود و درنتیجه یگانه تعلیم اورا درباره پیوند خدا وانسان همکاری انسان درکار آفرینش باید دردرجه دوم اهمیت بگذارند.

برای هر شناسندهٔ آگاه ودانندهٔ افسانهٔ پهلوانان ایرانی در نگاه اول آشکار میشود

بقیه درصفحه ۶۲

از: خداداد خدابخشی

روز ششم فروردین یا روزیکه اولین خداشناس و یکتاپرست یعنی اشوزرتشت پا بعرصه وجود گذاشت

آیا لازم نیست برای بزرگداشت این روز فرخنده که دنیا بآن اهمیت میگذارد در ایران تعطیل عمومی اعلام گردد؟ (۲)

خوانندگان گرامی درشماره قبل عرض شد که چون زرتشت اولین فرستاده خدا بود وپایه‌یکتاشناسی را اوبنا نهاد بنابراین بایدازتعالیم عالیه او پیروی کرد وبرای بزرگداشت نام‌او کوشید - ونیز اشاره شد که زرتشت رانه‌فقط دانشمندان ایرانی‌میشناسند بلکه فلاسفه ومحققین دانشمند خارجی امثال دارمستتر - دکترهاك - افلاطون‌وغیره نیز ازاین‌پیغمبر بزرك آریائی نام برده واورا بزرگترین واولین پیغمبر وناجی بشر دانسته‌اند.

چند روز پس ازارسال اولین قسمت این مقاله برای چاپ ، جناب آقای‌دکتررضا زاده شفق سناتور واستاد معظم دانشگاه درسخنرانی خودکه بوسیلهٔ سازمان فروهر(جوانان زرتشتی) ترتیب یافته بود وبنده نیز افتخار حضور داشتم‌ضمن بیانات‌پرمغز خویش تحت عنوان **«تعلیمات جهانی در ایران باستان»** اسامی چند محقق ودانشمند خارجی‌را بردند که همگی از افکار وتعلیمات عالیه حضرت زرتشت تعریف وتمجید نموده‌اند از جمله مستر ویلیام جکسن آمریکائی وتاگور فیلسوف وشاعر بزرگ هندوستان که اولی درکتاب خود ضمن ستایش اززرتشت مینویسد :

«کمتر کتاب دینی است که مانندکتاب مقدس زرتشت این‌چنین احکام صریحی داشته باشد بخصوص درباره خیر وشر وزندگی در سرای دیگر» . ودومی یعنی فیلسوف بزرگ

رابیندرانات تاگور درکتاب خود نوشته است: « زرتشت تغییر اساسی در دین بوجود آورد و بآن خاصیت اخلاقی داد و جای شبهه نیست که **زرتشت اولین شخصی است که ما میشناسیم درجهان که توحید ویکتاپرستی رابمردم تعلیم داد»**

خوشبختانه کتب ومجلات وروزنامه‌ها پراست‌ازاینگونه مطالب که همه دسترنج تحقیق دانشمندان بزرگ جهان اعم از ایرانی وخارجی می‌باشد. دانشمندان و فلاسفه خارجی پس ازتحقیق فراوان کتاب‌ها درباره عظمت زرتشت نوشته‌اند ونیز استادان ایرانی‌هم‌الحق خاموش ننشستند وحقیقت راچنانکه باید و شاید آشکار ساخته‌اند.

راه دوری نرویم - درشماره گذشته مجله هوخت هرکس سرمقاله جناب آقای دکتر سروش صرفه‌نیا بعنوان « واینست افتخار » را خوانده باشد جملاتی راکه جناب آقـای پروفسور شوشتری دانشمند محترم ایرانی بامخبر مجلهٔ تهران مصور در میان نهاده‌انـد نیز ملاحظه نموده است واینجانب تکرار آنرا در اینجا لازم میدانم چون اولا اینگونـه مطالب بهتر است بارها تکرار شود وثانیاً جناب پروفسور کاربنده وخوانندگان عزیز را آسان کرده است ومطلبی راکه من میخواستم در یك صفحه بنویسم معظم‌اله در چند جمله خلاصه فرموده‌اند. فرمایشات ایشان چنین است:

« بنظر من زرتشت یگانه کسی است که ما ایرانیها ازصمیم قلب باید باوافتخار کنیم، این مرد واقعاً ازلحاظ دانش وبینش درهمه دنیا نظیرش دیده نشده است ـ پایه‌های فلسفه زرتشت آنچنان محکم وعمیق ومنطقی است که بتحقیق هیچ فلسفه دیگری از این لحاظ با آن قابل مقایسه نیست.

عرفان حقیقی ایرانزمین را باید درگاتهای زرتشت جستجو کرد وبا اطمینان می‌توان گفت اگر کسی بتواند گاتهارا بخواند وبآن‌عمل کند صددرصد رستگارمی‌شود. اندیشه زرتشت نمونه برجسته‌ایست از روح ترقی و تکامل و ظرافت میلیونها سال اندیشهٔ بشر که دیگر ازآن کاملتر نشده مگرآنکه شاخ وبرگی بآن افزوده شده باشد»

ملاحظه فرمودید ـ این بودنظر یك دانشمند ایرانی عصر حاضر درباره زرتشت و تعالیمش.

فکر کنم این چنین عقیدهٔ را تمام روشنفکران وحقیقت بینان دارند واگردرایران بجای پنج روز تعطیل عید ٦ روز تعطیل عمومی اعلام گردد تا پیروان مکتب زرتشت اعم از زرتشتی وغیر زرتشتی بتوانند در جشن وشادی مخصوص آن روز شرکت‌نمایند وتعالیم آن وخشور بزرگ راکه روی پایه‌های پندارنیك ـ گفتار نیك وکردارنیك استوار است

بقیه درصفحه ۵۷



از : خرم کازرونی

دیدار

بروای یار که دارم نفس از یار دیگر — با توهرگز نکنم صحبت دیدار دیگر
بستر خلوت وصل تو برای دیگری — که تمنا کند آن بستر دلدار دیگر
دست ما کوته از آن دامن دلجوی تو بـاد
تا بری گوهر خـود را بخریـدار دیگـر
دل سـر گشته نظـر بـاز شد از همت عشق
از نظر رفتـی و دل شد ره گلزار دیگر
میکنم خدمت خوبـان که در این دیر مغان
کام دل جـویم و جـز ایـن نکنم کار دیگـر
خیز و در حـلقه خـوبان بتماشای من آی
تـا ببینی دل سر گشته مـن بـار دیگـر
سر خوش از باده گلگونم و مست ازدم وصل
وصل میخواهم و یـك بوسه خونبار دیگـر

ابلاغ مراحم شاهنشاه آریامهر

۲/۶۹۲۹
۱۳۴۴/۱۱/۴

ازطرف ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ضمن ابلاغ مراحم و عنایات شاهنشاه آریا مهر بآقای اردشیر موبد سرپرست استادیوم ورزشی والاحضرت فرحناز پهلوی چنین به‌نامبرده ابلاغ گردیده است :

خدمات صادقانه شما همیشه مورد توجه ملوکانه بوده و میباشد امر ومقررفرمودند مراحم وعواطف **خاصه ذات اقدس شاهنشاه آریا مهر** را بدین وسیلهٔ بشما ابلاغ نماید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ هیراد

رونوشت بانجمن محترم زرتشتیان تهران ارسال می شود که بطریقی مقتضی ازآقای اردشیر موبد تقدیر وتشویق بعمل آورند و نتیجه را اعلام دارند که بشرفعرض برسد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ هیراد

نقل از اطلاعات شماره ۱۱۸۹۷ وکیهان شماره ۶۷۴۹ مورخه ۱۳۴۴/۱۱/۱۳

خبری از دانشگاه تهران

بر حسب دعوت دپارتمان فیزیك پزشکی دانشگاه تهران در ساعت ۱۱ صبح روز ۴۴/۱۰/۸ جمعی از استادان و دانشجویان در دانشکده پزشکی گردآمدند . این جلسه بمنظور آشنائی باطرز کار دستگاه اختراعی آقای دکتر بهرام نامداری تشکیل گردیده بود .

نخست جناب آقای دکتر فریدون منوچهریان استاد و رئیس گروه فیزیك پزشکی آقای دکتر نامداری را معرفی کردند وپس از ستایش اززحمات وپشتکار ایشان خواستند راجع بدستگاه اختراعی خود توضیح بدهند.

آنگاه آقای دکتر نامداری ابتداچگونگی کار دستگاه‌رابیان کردند وسپس اظهار داشتند خوشوقتم که این افتخار نصیبم شد تاخدمتی بس کوچك بدانش پزشکی بنمایم . من پیوسته باین نکته توجه داشته‌ام که آنچه انجام میدهم برای دیگران مفید باشد و

بقیه درصفحه ۶۱



نوشته : اردشیر جهانیان

کتاب مقام زن در آفرینش

جناب آقای حبیب‌اله آموزگار که ازدانشمندان و نویسندگان بنام اینکشورند و تا بحال آثار بسیار ارزنده علمی وادبی بجهان دانش عرضه نموده وچون خورشیددرخشانی راه تحقیق ومطالعه را داروشن ساخته است این بار اثرگرانبهای دیگری بنام مقام زن درآفرینش که حاوی بحث ومطالب محققانه درباره زن چه ازنظر آفرینش و چه از نظر مقام در دوران مختلف تاریخ وهمچنین بابررسی درمذاهب وشریعتهای گوناگون حق‌مطلب را ادا ورازهای ناگشوده رابر خواننده گشوده‌است‌که ازهرجهت سزاوار ستایش وآفرین گوئی است .

در آن بخش‌که تحت عنوان مقام وحقوق زن در ایران باستان ببررسی پرداخته چنین ادای مطلب نموده است :

« ازمطالعه اوضاع اجتماعی ملت ماد وپارس‌که هردو ازنژاد آرین وایرانی‌هستند دانسته شده‌که زن دارای موقعیت قابل‌توجهی درایران بوده و اگر چه زنان در دربار پادشاهان وسران سپاه و بزرگان ونزدیکان خانواده شاهنشاهی بازنهای افرادیگرمردم ازحیث مقام وموقعیت فرق داشته‌اند لیکن رویهمرفته مقام زن در ایران بهتر از مصر و کلده وآشور وهند ویونان وروم بوده وغالب زنان پادشاهان نفوذ بسیاری دردربارو حرم‌سرای آنان داشته‌اند ومورد ملاحظه ورعایت زیادبوده‌اند .

اساس خانوادهٔ ایرانی درقدیم روی حفظ عائله وحکومت پدر برخانواده و اطاعت زن وفرزند ازشوهر وپدربوده وتعدد زوجات را هم جایز میدانسته‌اند در عین حال مقام زنها نزد رئیس خانواده بسیار محترم وبلند بوده وهرگاه رئیس خانواده فوت میشده و پسران کوچك بوده‌اندمادرزمام امور رابدست داشته ومخصوصاً در سلسله شاهنشاهان‌هخامنشی وساسانی‌اگر ولیعهدکوچك‌بوده ملکه زمام اموررا بعهده میگرفته‌چنانکه درمورد(اردشیر) ومادرش (هما) اتفاق افتاده است .

در جای دیگر راجع بوصلت باخویشان چنین نگاشته شده :

« ازحیث وصلت باخویشان ، مادها و پارسها و اشکانیها با خویشان خیلی نزدیك

زناشوئی نمیکردند و برای پاکی وحفظ نسل و نژاد و خون وصلت باخویشان دور را بر بیگانه برتری میدادندواینکه هردوت مورخ شهیر یونانی نوشته است که پادشاهان‌هخامنشی با خواهران خود ازدواج میکردند اشتباهی محض است که این مورخ نامی کرده زیـرا مطابق تحقیقات ومطالعات درزبان پارسی پهلوی‌کلمه خواهر برغیر خواهر حقیقی‌هم‌اطلاق میشده و در حقیقت یك قسم نوعدوستی واحترام به زن بوده‌که آنهارا نوعاً خواهرخطاب میکردند چنانچه امروزه هم درمیان عامه مردم زن‌کهنسال را مادر و زن جـوان را در محاورات ومعاشرات همشیره یاخواهر میگویند واین‌دلیل براحترام‌بزنان ازطرف‌مردان بوده‌است.

همچنین درفصل زن در مذهب زرتشت نیز مطالب بسیار آموزنده‌ای منعکس است که قسمتی ازآن باستحضار میرساند :

در اینکه آئین زردشت خدای یگانه پرستی (بنام اهورامزدا) واحکام و تعلیمـات عالیه او : پندار نیك وگفتار نیك ورفتارنیك بوده همهٔ مورخین متفقند .

واین چهار اصل مهم پایه واساس مذهب اوست و برای ترقی و تهذیب اخلاق کافی است زیرا در سایه خداپرستی انسان معتقد بوجود مؤثری در عالم میشودکه شاهد وناظر اعمال اوست وقهراً به ثواب وعقاب عقیده‌مند میگردد واین جهان را جای عمل و کار و جهان دیگر رامحل مزد وپاداش میداند.

بوسیلهٔ‌گفتار نیك هرگز دروغ نمیگوید وبواسطه‌کردار یارفتارنیك دنیا آباد شده وبشر بدرجهٔ‌کمال وترقی میرسد وبسبب پندار یامنش نیك دارای خوی‌نیکو وروش‌پسندیده شده و در نتیجه دست مساعدت بهم‌نوع خود داده ودرراه خدمت بخلق میکوشد ودرهردو جهان‌رستگار وکامکار میگردد.

هروقت در ایران باین چهار اصل عمل میشده مردم دررفاه و آسایش و رو بترقی بوده‌اند ولی همینکه نسبت بهمه یا بیکی ازآن اصول بی‌قید وبی‌علاقه میشده سیل بدبختی وبیچارگی بآنان روی‌می‌آورده ودچار جنگها وحمله‌های بیگانگان وغارت وچپاول می‌گشتند . چنانکه درزمان‌کورش بزرگ وداریوش اول وشاپور بزرگ و نوشیروان‌دادگر در سایهٔ رعایت‌آن‌اصول ، مردم در رفاه وآسایش وکشورآباد ودشمنان مغلوب وسرکوب بودند لیکن درزمان دارای سوم وخسروپرویز که مردم نسبت باصول دین بی‌قید وبی‌اعتنا شده ودرباریان وپیشوایان مذهب هم بدان عمل نمیکردند دچار تزلزل وانحطاط‌اخلاقی وسیاسی و اجتماعی شده وبآسانی مغلوب اسکندر مقدونی واعراب بدوی شدند.

چیزی‌که قابل توجه است اینکه در آئین زرتشت زن مقام ارجمنـدی داشته و در

وظایف مذهبی فرقی میان زن ومرد نبوده وهرپسر ودختری که بسن هفت سالگی میرسد آداب دین ونمازهای پنجگانه را باید یادبگیرد وعمل کند ونسبت بپدر ومادر باید بطور تساوی رعایت احترام مبذول داشته واطاعت کند.

چهار فرمان زرتشت اول اعتقاد بخدای یگانه داشتن - دوم بپیغمبری‌اومعتقدبودن سوم احترام پدر ومادر وآموزگار رانگاه‌داشتن-چهارم خدارا پرستش کردن است ملاحظه کنید احترام مادر را مقدم برعبادت خدا دانسته و اورا از این جهت در عرض پدرقرار داده است.

مطالب آموزنده بالاکه حاکی از تحقیقات و مطالعه وسیع نگارنده دانشمند است بسیاری ازنکات تاریك وتوهمات را برطرف داشته وموضوع ازدواج بامحارم که برخی‌از نویسندگان دچار اشتباه شده‌اند بادلایل موجهی به رد آن ارائه دلیل نموده است که از هرجهت آموزنده و اهل مطالعه را ازسرچشمه پربرکت خودسیرآب میسازد اما موضوعی که نویسندگان قدیم وجدید درباره آن دچاراشتباه بوده ودرآثار خود بەلغزش افتاده‌اند موضوع رواج تعدد زوجات در ایران باستان است.

این اشتباه ازآنجا پیش‌آمده است‌که باپنج نوع پیمان زناشوئی (صیغه عقد) مواجه گشته‌اند و چنین توهمی برای آنها پیش آمده است‌که شاید این پیمان پنجگانه مجوز گرفتن تعدد زوجات است حال‌آنکه این پیمان پنجگانه هریك برای موارد خاصی‌اجرا میگشته است ودرهیچیك از دستورهای دینی حتی داشتن دوزن درآن واحد مجاز دانسته نشده است مگر درموارد بسیار دشوار وتحت شرایط خاصی از قبیل - نازائی و دیوانگی زن ودر مرحله نخست مشروط برضایت حتمی زن بوده و در مرحله دوم نیزتأمین امرار معاش وتعهد حتمی وکتبی باجرای آن چنین امری را میسر میداشته است.

اما پیمان پنجگانه زناشوئی‌که برای اکثر محققین و نویسندگان ایجاد سوء تعبیر نموده بدینقرارند:

۱ - پادشاه زنی - این پیمان برای پسر ودختری اجرا میگردد که دارای تمام شرایط لازم باشند یعنی برای نخستین بار وبارضایت پدر ومادر خود با یکدیگر ازدواج مینمایند وهر دو بسن قانونی رسیده وقبلا هم باکسی نامزد نگشته‌اند.

۲ - ایوك زنی - این پیمان برای دختر منحصر بفرد خانواده‌ای اجرا میگردد و ودرآن این زن وشوهر متعهدندکه نخستین پسرخود را بخانواده دختر تعلق دهندتاوارث آن خانواده گردد وباصطلاح چراغ آنخانواده خاموش نشود.

بقیه در صفحه ۵۸

دانشمند ارجمند استاد پورداود موفق بدریافت جایزهٔ تاگور گردید



دانشمند ارجمند استاد پورداود که کوکب درخشانی درجهان دانش وفرهنگ ما بشماراست با ترجمه صد شعر از آثار رابیندرانات تاگور شاعرو فیلسوف شهیر هند بفارسی ـ بدریافت جائزه تاگور سال ۱۹٦۵ هند موفق گشته‌اند .

این چهارمین جایزه‌ایست که پس از برتراند راسل فیلسوف انگلیسی ـ راداکریشنان رئیس جمهور هند وآلبرت شوایتزر فیلسوف فقید ـ اینك نصیب دانشمند کشور ما گشته است.

بقیه جشن جاوید

ای (پسر) ای نوجوان‌ای وارث فیض شهادت
ای نشان زنـده از یك جانفشان با شهامت
نام جاوید پـدر بخشد تـرا مجد و شرافت
هان مکش ناز کسی رادرجهان‌چون‌نازمیهن

✩ ✩ ✩

قدردان جانفشانان‌توده آگـاه میهن
بذل جان‌شدآرمان ارتش اندرراه‌میهن

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان

مخواه مهر و وفا از کسیکه غدار است
مجو درستی عهد ز آنکه نقض پیمان است
بهیچ قیمتی وجدان خویش را مفروش
اگر جهان ببهایش دهند خسران است
مده ز دست برای جهان تو عزت نفس
که این نه درخورشأن ومقام انسان است
که آدمی بشرافت همی بود انسان
کسیکه عاری از آن است همچو حیوان است
بدست آر متاعی که با خود آن ببری تو
چو میروی بگذاری آنچه آن جهان است
بهر که هرچه جهان میدهد ستاند باز
قرار و کار جهان روی داد و بستان است
کمال و دانش و تقوی متاع انسان است
که آن مصون ززوال فنا وز فقدان است
بهوش باش و مکن یکدمی زخود غفلت
بلای جان بشر غفلت است و نسیان است
بسا آدم هفتاد ساله کز غفلتها
بسان کودك هفت ساله دبستان است
چو شادی و غم دوران عمر در گذر است
بنزد مردم دانا هر دو یکسان است

که آدمی بمیدان زندگی چون گوی
بزیر ضربه چوگان دهر غلطان است
بـه کیمیای سعادت کسی شود نائـل
که اوامین وصدیق است واهل ایقان است
توخویشتن بکن آماده بهرخدمت خلق
که ایـن عبادت مردان پاك ایمان است
بجای هر بدی تا ممکن است نیکی کن
وظیفه من وتو نیکی است واحسان است
تو زینهار مکن بد که بد کنی بر خـود
که بـد کننده ببیند بـد و پشیمان است
کسیکه بد کندزانجام‌خویش‌ایمن نیست
ز بیم کیفر حق خائف است وترسان است
که باب داد حـق در جهان بـاز است
جزا دهد بکسی کاهل ظلم وعدوان است
مکن نظـر بحقارت بر ایـن دل ویران
که اندرین دل ویرانـه گنج پنهان است
اگرچـه پیرم و فرسوده از غـم دوران
ولی‌ضمیرمن ازلطف‌حق‌منیرجوان و است
نشسته دردل من یك نگار خـوش گفتار
هرآنچه او بگوید بدل مرا بزبان است
درود حمد فـروغان بـروح پـاك همام
ز یمن همت او نـاطق و سخن دان است
برفت عمرو فروغان همی خورد افسوس
برای اینکه همی داند او که نادان است

مجمع همگانی عادی انجمن زرتشتیان ایران

بموجب آگهی مندرج در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی شماره ۱۹۰۷ مورخ ۱۳۴۴/۱۱/۶ سال بیست ویکم وروزنامه اطلاعات شماره ۱۱۸۸۸ مورخ شنبه ۴۴/۱۱/۲ سال چهلم وآگهی چاپی جداگانه منتشره بین افراد زرتشتیان تهران.

روز آدینه هشتم بهمن ماه ۱۳۴۴ ساعت ده بامداد دومین جلسه همگانی عادی زرتشتیان تهران بریاست سناتور آقای رستم گیو و دبیری سهراب سفرنگ رئیس و دبیر انجمن زرتشتیان تهران در گردش ۲۸ انجمن وبا حضورافرادزرتشتیان که طبق اساسنامه اصلاح شده و مصوبه جدید که حق شرکت درانتخابات انجمن زرتشتیان تهران در گردش بیست و نهم انجمن را داشته تشکیل گردید.

نخست آقای رئیس از حضار محترم که دعوت انجمن زرتشتیان تهران را برای باردوم قبول و برای شرکت درانتخابات انجمن زرتشتیان تهران و انجام وظیفه اجتماعی دردومین جلسه مجمع همگانی عادی امروز حضور بهمرسانیده اندا ظهارسپاسگزاری نموده و ضمناً فرمودند در جلسه گذشته بعلت سوء تفاهمی که درتفسیر برای کافی بودن عده حضار برای رسمیت یافتن جلسه پیش آمد متأسفانه عدم رسمیت و تجدید جلسه اعلام گردیده توضیح اینکه طبق قانون تجارت جلسه اول مجمع عمومی عادی با حضور ثلث عده واجد شرایط ولی جلسه اول مجمع عمومی فوق‌العاده با حضورنصف عده واجد شرایط حدنصاب حاصل مینماید ولی متأسفانه هیئت نظارت انتخابات درجلسه پیش برای مجمع عمومی عادی نصف عده را ملاك قرارداد وعدم رسمیت جلسه رااعلام نمود وبا وجودیکه درتمام جلسات مجمع همگانی زرتشتیان تهران که اینجانب افتخار حضور داشته‌ام هیچگاه عده حاضرین بنصاب تعداد جلسه گذشته نبوده است متأسفانه نه فقط یکروزوقت حضار محترم تلف بلکه دو هفته برمدت فترت و تشکیل انجمن دوره بیست ونهم افزوده شده و این بلاتکلیفی طبعاً برای هیچکس پسندیده نیست و اینجانب هم میخواهم هر چه زودتر تکلیف معین و وظایف خود را تحویل جانشین خود بدهم.

بهر تقدیر امروز جلسه دوم مجمع عمومی عادی زرتشتیان تشکیل گردیده و طبق

قانون تجارت چون مجمع عادی است عده حاضر هرچند نفر باشند جلسه رسمیت دارد ولی چون دراساسنامه انجمن این قسمت کاملا روشن نیست یعنی حدنصاب مجمع عمومی عادی ومجمع عمومی فوق‌العاده مخلوط شده و بعلاوه دراساسنامه انجمن ذکر است که هیئت ۱۵ نفری منتخبه بایستی برای کافی بودن عده نظر خود را اعلام دارند و از آنجائیکه برابر مقررات قانونی مواردی که دراساسنامه ساکت باشد قانون کشوری در آن موارد حکومت خواهد نمود و باید ازقانون مملکت تبعیت نمود با وجود این برای رفع هرگونه توهمی کافی بودن یاکافی نبودن عده این جلسه را موکول بنظرهیئت نظارت انتخابات مینمایم.

چون دراین گردش انجمن که بانوان هم مثل مردان حق رأی دارند عده رأی ـ دهندگان زیاد شده و گرفتن رأی در سه شعبه که سابق معمول بوده کافی نیست و باید پنج شعبه تشکیل گردد بنابراین علاوه بر ۱۵ تن کارمندان اصلی هیئت نظارت انتخابات ۱۵ تن هم بعنوان عضو علی‌البدل هیئت نظارت انتخابات پیشنهاد و انتخاب خواهند شد که کارمندان اصلی و علی‌البدل جمعاً سی نفر باشند.

سپس برابرماده ۷ اساسنامه مصوبه انجمن ۱۵ تن بانوان وآقایان نامبرده زیر را که مورد موافقت عده حاضر درمجمع همگانی واقع گردیدندپیشنهاد و معرفی نمودند :

بانوان . بانو لعل جمشیدیان ـ بانو رخشنده شاکر ـ بانو لعل کیخسروان

آقایان . اردشیر اسفندیارآذرگشسب ـ دکتر خسرو نامداران ـ رستم بهروزی ـ دکترخدارحم رئیس بهرامی ـ نامدار کیخسروان ـ بهمن پوروشسب ـ خدایار هورمزدی ـ خسرو باستانی ـ جمشید ورهرامیان ـ خدارحم هرمزد زاده ـ مهربان بنداریان زاده ـ ماهیار پوربهرامی .

چون هیئت ۱۵ نفری که برای تشخیص حصول اکثریت در دومین جلسه مجمع همگانی عادی زرتشتیان تعیین شده بودند باتفاق آراء حصول اکثریت و رسمیت داشتن جلسه رااعلام نمودند بنابراین جلسه مجمع همگانی رسمیت یافت و بدستور آقای رئیس سهراب سفرنگ دبیر مجمع عادی همگانی برابر دستور جلسه خلاصه گزارش کارهای ۴ ساله انجمن زرتشتیان تهران درگردش ۲۸ رااطلاع حضارمحترم رسانیدند و سپس با رعایت ماده ۸ اساسنامه مصوبه انجمن ۱۵ تن آقایان منتخبه نامبرده بالا مجدداً باتفاق آراء بسمت کارمندان اصلی هیئت نظارت انتخابات انجمن گردش ۲۹ و۱۵ تن نامبردگان زیر بسمت کارمند علی‌البدل هیئت نظارت انتخابات انجمن زرتشتیان تهران درگردش ۲۹ تعیین و انتخاب شدند.

بانوان. بانوگوهر مهربانی ـ بانو مهین‌شید ـ بانودکتر سیمین صرفه نیا(پوروشسب)

آقایان هرمزد هرمزدیاری - موبد فیروزآذرگشسب - مهربان منشنی - کیخسرو نامدار - منوچهر فروتن - رستم خدابخشی شریف‌آبادی - بهمن شهریاری - هرمزدیار خورشیدیان - شاهجهان سپاسی فریدون فریدونیان - هرمزدیارمهرخداوندی - رستم فرزانه.

بعداً جلسه هیئت نظارت انتخابات انجمن گردش ۲۹ باحضور ۱۵ تن کارمندان اصلی منتخبه درتالار خسروی تشکیل گردید نخست آقای رستم بهروزی بسمت ریاست وسرکار بانو لعل جمشیدیان بسمت نیابت ریاست وآقای خسرو باستانی بسمت دبیرانتخاب وپس ازمذاکره وبا رعایت بند ب از ماده ۸ اساسنامه انجمن زرتشتیان روزآدینه ٤٤/۱۱/۲۲ از ساعت ۸ صبح تانیمروز وازساعت ٤ بعد ازنیمروز تاساعت ۷ بعد ازنیمروز برای اخذ آراء و روز شنبه ۱۳٤٤/۱۱/۲۳ از ساعت ۳ بعد ازنیمروزبرای استخراج آراء درتالار خسروی تعیین وقت و اعلام گردید و قرارشد با رعایت مواد ۱۰ و ۱۱ اساسنامه انجمن‌در روزنامه رسمی کشورشاهنشاهی -روزنامه اطلاعات وآگهی جداگانه هم برای مزید اطلاع همکیشان چاپ و منتشر گردد .

درپایان خلاصه گزارش کارهای ٤ساله انجمن گردش ۲۸ که چاپ وآماده بود بین عموم حضار در مجمع همگانی توزیع و نیمساعت به نیمروز مانده جلسه پایان یافت.

رئیس مجمع همگانی عادی زرتشتیان تهران — دبیرمجمع همگانی عادی زرتشتیان تهران

سناتور رستم گیو — سهراب سفرنگ

جامعهٔ زرتشتیان دنیا بزرگترین دانشمند اتم شناس خود را از دست داد



دکتر هرمزدیار (هومی) جهانگیر بابا رئیس کمیسیون تحقیقات اتمی هند ویکی از اتم شناسان بزرگ دنیا در سانحه هوائی درروز ۲٤ ژانویه ۱۹٦٦ جهان را بدرود گفتند.

خبر درگذشت دکتر نامبرده ملت ودولت هند خصوصاً جامعه زرتشتیان را در اندوه بزرگی فرو برد.

دکتر راداکریشنان رئیس جمهوری هند مرگ اورا برای هند غیرقابل جبران دانست.

نخست وزیر هند خانم ایندرا گاندی مرگ دکتر بابا رازیان بزرگی برای هند دانست.

روزنامه‌های هند مرگ اورا با عنوان درشت

درصفحه اول منعکس نمودند وبیوگرافی اورا نوشتند .

مرحوم شاستری میخواست دکتر بابا را درکابینه خود برای پست تحقیقات علمی وارد نماید ولی او خودداری نمود . دکتر بابا برای شرکت درکنفرانس اتمی به وین میرفت که دچار سانحه هوائی شد .

چند سال‌پیش درکنفرانس اتمی که درژنو برگزار شد دکتر بابا بریاست آن‌انتخاب گردید . وی ۵۷ سال داشت.

شخصیت آن مرحوم بقدری عالمگیر بود که ازنقاط مختلف جهان تلگرامهای تسلیت به اولیای دولت هند مخابره گردید.

پرزیدنت جانسون رئیس جمهور آمریکا طی پیام تسلیتی که به رئیس جمهور هند مخابره گردید متذکر شده‌اند که مردم آمریکا ومن باهم درحادثه ناگوار مرگ دکتر هومی بابا همدردی قلبی خودرا بشما و خانم ایندرا گاندی نخست وزیر و خانواده آن مرحوم میفرستیم .

چت‌هولی فیلد رئیس کمیته انرژی‌اتمی‌آمریکا گفت :

دکتر هومی بابا یکی از اتم شناسان بزرگ جهان ونیز یکی ازهواخواهان بزرک بکاربردن اتم درراه صلح بود. ماشدیداً ازمرك ناگهانی او متاسفیم وهمدردی خودرا به خانواده وملتش اظهارمیداریم.

دین راسك وزیر خارجه امریکا طی‌پیامی بوزیرخارجه هندگفت :

خبر متلاشی شدن جت مسافربری هند با۱۱۷ سرنشین در نزدیکی ژنو مرا بسیار متأثر ساخت خصوصاً مرگ همکار شما دکتر هومی بابا. لطفاً همدردی عمیق‌مرا بپذیرید.

ار انگلستان روسیه وسایرممالك دیگر پیامهای تسلیت برای ملت واولیای امورهند فرستاده شد.

آن‌مرحوم ازدواج نکرده بود ومادر پیر او زنده است .

***

ملت ایران عموماً وجماعت زرتشتیان ایران خصوصاً این ضایعه اسفناك و جبران ناپذیررا ببرادران هندی وپارسیان آن‌سامان تسلیت گفته وخودرا در این فاجعه‌دردناك سهیم میدانند.

نامه‌های رسیده

دوشیزه شهناز بهمن مهربانی طی نامه‌ای چهار پرسش از مجله نموده‌اند که با پاسخهای آن درزیر باستحضار خوانندگان مجله میرسد.

پرسش اول ـ درخت سروی که زرتشت کاشته درکجاست ؟ در ایران است یاخارج وآیا آن سرو باقیمانده است ؟

پاسخ ـ آنگونه که درتاریخها ضبط شده این‌درخت درکاشمر (استان خراسان‌فعلی) جلوکاخ شاهی شاه‌گشتاسب کاشته شده و تا زمان متوکل خلیفه عباسی همسر برآسمان‌داشته ودر آن‌عهد بامر خلیفه عباسی برای پوشش شقف کاخ جعفریه دربغداد قطع و برکاروانی بسوی آن شهر حمل میگردد ولی هنگامی بدروازه شهر بغداد میرسد که خلیفه نامبرده بدست غلام خود کشته میشود.

پرسش دوم ـ تعداد جمعیت زرتشتیان ایران چقدر است؟

پاسخ ـ تعداد جمعیت زرتشتیان برابر آخرین آماری‌که‌گرفته شده ۱۷۲۹۷ نفر است‌که باید آن عده اززرتشتیان ایرانی مقیم بمبئی را برآن افزوده و آن عده نیز در حدود ۸۰۰۰ نفر هستند.

پرسش سوم ـ تعداد جمعیت زرتشتیان دنیا چقدر است ؟

پاسخ ـ تعداد جمعیت زرتشتیان جهان برابر آماریکه در دومین کنگره جهانی زرتشتیان انتشار یافت ازیکصدوسی‌هزارنفر هم تجاوز میکند زیرا تعداد زرتشتیان اروپا ـ امریکا وکانادا بحساب نیامده است.

پرسش چهارم ـ آیا درکتاب قرآن مجید آثاری ازکتاب اوستا دیده میشود؟

پاسخ ـ چنانچه باین اصل معتقدباشیم که تعالیم پیامبران ازیك منبع الوهیت الهام گرفته ومنظور اصلی هدایت بشر بسوی حق و حقیقت میباشد یقیناً موارد بسیاری میتوان در تعالیم هرپیامبری یافت‌که شبیه بگفته‌های پیشینیان او باشد ازآن‌گذشته اصول اخلاقی راستی و درستی در جهان تغییرناپذیر است چنانچه اشو زرتشت در تعالیم خود فرموده است : راه درجهان یکیست وآن راه راستیست.

بنابراین میتوان احساس‌کرد‌که دراینجا قدمت وزمان اثبات دلیل مینماید چنانکه درعربی مثلی است معروف‌که‌میگویند:

السابقون السابقون اولیئك المقربون

نامهٔ رسیده از بمبئی

آقای اردشیر خاضع شاعر سالخورده تحت عنوان سخنی چند بهمکیشان زرتشتی مقیم ایران وهندوستان یادآوریهائی نموده‌اندکه نکات برجستهٔ آن بدینقرار است:

نخست ازاینکه همانند نیاکان خویش پای‌بند آئین و کیش باستانی خود نیستندا اظهار گله‌وشکایت نموده‌اند وضمناً ازآنعده‌ای که باهمت‌وپشتکار درشناسائی‌وآموزش تعالیم‌باستانی میکوشند تقدیر نموده‌اند.

همچنین از دانشمندان ونویسندگانی که رنج گران برده وگردآورده‌خودرادراختیار مطالعه دیگران قرارداده‌اند همانند آقایان: استاد پورداود - دکتر مقدم - اورنک - دکتر محمود نجم‌آبادی - مهردادمهرین - هاشم رضی ودیگر نیکمردانکه دراینراه کمر همت بربسته‌اند ستوده وبآن درود فرستاده‌اند.

ازآن پس راجع بسدره‌پوشی وبستن‌کشتی اندرزهای سودمندی بهمکیشان داده و آنها را ازواجبات دین شمرده وسپس آموختن وسخن‌گفتن زبان دری راازبایسته‌های‌دینی شمرده‌اند.

همچنین موضوع پیشوایان دینی یعنی موبدان ودستوران راکه تعدادشان روبکاهش نهاده با اظهار نگرانی ارائه طریق نموده‌اندکه مدارس ویژه‌ای برای‌تعالیم مذهبی‌تأسیس وکنکاشی برای رهبری آنان برانگیخته شود وفرزندان موبدان تشویق‌بآموزش علوم‌دینی شوند وبهمکیشان تأکید نموده‌اندکه بااحترام وتجلیل به‌پیشوایان دینی نگریسته وازبذل مال ودهش بآنان کوتاهی نورزند.

هوخت - یادآوریهای آقای خاضع سزاوار پیروی وستایش است.

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

خبر از : یزدانیار بنشاهی ـ بمبئی

جشن سده در بمبئی

روز دهم بهمن ۱۳۴۴ جشن سده بوسیله سازمان جوانان زرتشتی بمبئی در تالار دبیرستان جی‌جی بای با حضور تعداد زیادی از ایرانیان مقیم بمبئی با شکوه فراوان برگزار گردید .

برنامه جشن با خواندن سرود شاهنشاهی بوسیله اعضای سازمان شروع گردید . نخست آقای دینشاه ایرانی خیرمقدم گفتند و آقای هوشنگ بخت درموضوع جشن سخنرانی نمودند .

سپس برنامه‌های رقص وترانه‌های ایرانی وهندی بوسیله دوشیزگان وجوانان زرتشتی اجرا گردید.

بقیه درصفحه ٥٦



نوشته کشور مزدیسنا
مدیره دبیرستان کیخسرو شاهرخ کرمان

استمداد از خیر اندیشان و دهشمندان جماعت

نام نیك نیکوکاران پیوسته جاویدان مانده وآثارخیرشان همیشه نمونهٔ بارزی ازروح بلند پرواز وهمت والای آنها میباشد، وظیفهٔ خود میداند بآگهی آنجناب برساند:

ازاینکه دبیرستان دخترانهٔ کیخسروشاهرخ درکرمان درحال توسعه بوده وسال بسال بر تعداد دانش‌آموزان آن افزوده میشود ،سال گذشته دوکلاس در قسمت فوقانی ساختمان دبیرستان بکوشش و همت یکی از خیرخواهان و خیراندیشان ساخته وپرداخته شد و امسال ازآن بهره برداری گردید. ولی افزایش روزافزون دانش‌آموزان و استقبال بی ـ نظیری که دختران این شهر بهثبت نام دراین دبیرستان نموده ومینمایند. این خدمتگزار را برآن داشت که دست نیاز بسوی جماعت خیرخواه زرتشتی دراز نمایم و از آنها یاری جویم، تا دوکلاس دیگر بنام خودشان دراین دبیرستان بناگردد.

هزینه ساختمان این دوکلاس حدود دویست وپنجاه هزار(۲۵۰۰۰۰) ریال میشود، خواهشمند است خواسته اینجانب را درمجلهٔ متین ووزین خود منعکس فرموده و عواطف خیرخواهانه نیکوکاران و خیراندیشان را باین‌کارخیر معطوف نمایند، تا نام نیك آنها بر صفحه روزگارباقی بماند، ازکلیه افراد جماعت زرتشتی ایران انتظار بذل توجه دارم.

آگهی

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ ـ آقای شهریار اورمزدی خرمشاهی بادوشیزه همایون یزدانی الهآبادی دخت خدابخش در ٤٤/۱۱/۷

۲ ـ آقای سهراب برمشائی فرزند آقای رستم بادوشیزه لعل بلبلی دخت آقای جمشید در ٤٤/۱۱/۱٤

درگذشتگان

۱ ـ روانشاد کیخسرو شاهبهرام شاهبهرامی در ٤۴/۱۱/۱

۲ ـ روانشاد فرحناز رستم فرودی قاسم‌آبادی در ٤٤/۱۱/۵

۳ ـ روانشاد پاینده بهمردپارسی گشتاسبی در ٤٤۱۱/۱۳

٤ ـ روانشاد دکتر جمشید خدابخش ترکی شریف آبادی در٤٤/۱۱/۱٤

۵ ـ روانشاد بانو مهراب اشیدری در ٤٤/۱۱/۱۵

٦ ـ روانشاد گلچهره مهربان گلزار در ٤٤/۱۱/۱۹

از جهان درگذشته‌اند روانشان شادوخشنود باد .

سدره پوشی

۱ ـ آقای رستم اسفندیار سرویان در ٤٤/۱۱/۲۲ ازطرف خودشان درمنزل

۲ ـ آقای منوچهر اسفندیار سرویان در ٤٤/۱۱/۲۲

گواه گیری وسال جشنگاه خسروی

۱ ـ آقای شهریاراورمزدی خرمشاهی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ ـ آقای سهراب برمشائی بابت گواه ـ گیری ۱۵۰۰ ریال

جمع ۳۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان

آقای اربـاب گشتاسب آرش در تاریخ ٤۱/۱۲/۱٤ برای لوله کشی آرامگاه جدیددهش نموده‌اندکه درگزارش چهارساله ازقلم افتاده و چاپ نشده است مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال

۱ ـ آقای رستم رستمی برای مصرف امور خیریه دهش نموده‌اند ۲۰۰۰ ریال

۲ ـ آقای رستم رستمی برای امورخیریه شاهورهرام ایزد ۲۰۰۰ ریال

۳ ـ آقای دکتر شهریار قندی بمناسبت‌سر

سال روانشاد بهرام قندی پدرگرامیشان برای امور خیریه ۱۰۰۰ ریال

٤ ـ آقای هوشنگ سیروسی بمناسبت سر سال روانشاد ارباب خداداد سیروسی پدر گرامیشان کمك به نیازمندان ۲۰۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ ـ آقای خداداد خدابخش نیاز آدریان جارو نپتون یکدانه

۲ ـ آقای ایرج بلندی نیاز شاهورهرام ایزد قهوه‌خوری چینی یکدست

۳ ـ بانو سیمین افلاطونی نیاز شاهورهرام جارو نپتون یکدانه

٤ ـ آقای مهربان گودرزی (قالی‌شوئی ماژیك) شستن قالیهای شاهورهرام ایزد بهزینه خودشان ۷ دانه

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیر در برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ آقای دکتر خسرو خسروی	٤۰۰ ریال
۲ ـ » مهربان هوشنگی کرمانی	٤۰۰ »
۳ ـ » رستم ستوده نیا	۲۰۰ »
٤ ـ بانو کامران	۲۰۰ »
٥ ـ آقای سهراب دارابی	۲۰۰ »
٦ ـ » خسرو باستانی	۲۰۰ »
۷ ـ » بهرام خسرویانی	۱٥۰ »
۸ ـ آقای مهربان مهروزیاد	۱۰۰ ریال
۹ ـ » رشید ورجاوند	۱۰۰ »
۱۰ ـ » کیومرث خدابخش	۱۰۰ »
۱۱ ـ » مهندس افلاطون پور گشتاسب	۱۰۰ »
جمع	۲۱٥۰ »

شاهورهرام ایزد

۱ ـ بانو گودرزی	۳٥۰ ریال
۲ ـ بانوسهیل	۲۰۰ »
۳ ـ آقای بهرام انوشه	۱۰۰ »

٤ ـ بانوسرور ایزدی ـ گلستان مهراب ـ بانوی ناشناس ـ کیخسرو هخامنشی ـ جاماسب فره‌وشی ـ گلستان مهراب جمعاً ۲٦۰ ریال

جمع ۱۸۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱ ـ وراث روانشاد کیخسرو شاهبهرامی ۱۰۰ ریال

۲ ـ وراث روانشاد پاینده بهررد ۲۰۰ ریال

۳ ـ وراث روانشاد دکتر جمشید ترکی ۱۰۰ ریال

٤ ـ وراث روانشاد بانومهراب اشیدری ۱۰۰ ریال

٥ ـ وراث روانشاد بانوجمشید رشیدی ۲۰۰ ریال

٦ ـ وراث روانشاد گلچهره مهربان گلزار ۱۰۰ ریال

۷ ـ وراث روانشاد دینیار بامس باستانی پرسه اورمزد واسفندماه ۱۰۰۰ ریال

جمع ۱۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۱۳۳۲	نفر
« دندانپزشکی	۲۰۶	«
« داروخانه	۸۲٤	«
« آزمایشگاه	۱۲۱	«
« تزریقات و پانسمان	۹۹۶	«
« بخور پنیسیلینی	۹	«
« دیاترمی	۱۲	«
واکسن و باتزریق شده	۵	نفر
جمع	٤۵۰۵	نفر

اخبار سازمان فروهر (جوانان زرتشتی)

بزم شب

چون برنامه اجتماعی سازمان فروهر در گذشته مورد تائید واستقبال همکشان قرارگرفته و نتایج بسیار سودمندی از اجرای آنها بدست آمده است.

سازمان فروهر بدنبال این برنامه‌ها وبنا به پیشنهاد وراهنمائی بسیاری ازهمکیشان بمنظور ایجاد آشنائی وصمیمیت بیشتر بین افراداجتماع درمحیط سالم توأم با بهترین برنامه‌های شادی بخش اقدام ببرگزاری برنامه نوینی بنام «بزم شب» نمود.

اولین برنامه آن بفرخندگی سالروزانقلاب شاه وملت درروز پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۴٤ باحضور قریب چهارصد نفر از علاقمندان در تالارهای خسروی وبهمن در ساعت ۸ پس از نیمروز آغاز وتا ساعت یك بعد ازنیمه‌شب ادامه یافت.

در این برنامه چند گروه ازهنرمندان با ارزش شرکت وبرنامه‌های متنوعی اجرا نمودند. در آخر این بزم مسابقه ابتکاری و جالبی بنام گل شب انجام وجوایزی بین برندگان توزیع گردید.

نامه‌ها وتلفنهای زیادی ازهمکیشان عزیز که ضمن تشویق وقدردانی تقاضای تجدید برنامه بزم شب رانموده‌اند.

ضمن سپاسگزاری ازعلاقه وافراین دوستان که‌نشانه بارز تأئید اقدامات‌سازمان است. بدین وسیله‌نوید میدهیم‌که سازمان فروهر درنظردارد بامطالعه بیشتر برنامه‌های نوینی برای بزم شب طرح نمایدکه درآتیه مرتباً اجرا و ادامه یابد

جشن سده

روز یکشنبه مهرایزد بهمن‌ماه(۱۰ بهمن) بمناسبت جشن فرخنده سده ازطرف‌این سازمان با همکاری انجمن محترم زرتشتیان مراسمی در سالن دبستان گیو برگزار گردید.

درابتدانیایش بوسیله دوشیزه پریمازرتشتی بعمل‌آمد سپس آقای خسرو باستانی عضو هیئت مدیریره بحضار خیرمقدم گفتند.

آنگاه موسیقی‌جازتوسط هنرمندان‌سازمان اجراگردید.

بعد آقای محمودی بختیاری سخنرانی جالبی درباره این جشن و برگزاری‌آن ایراد کردندکه فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفت. قسمت بعدی برنامه سرودآتش بودکه توسط‌دسته کر سازمان فروهرباهمکاری سازمان‌زنان‌زرتشتی

اجرا گردید.

پس از آن دوشیزه مقدادی سخنانی چند در باره سده و تاریخچه آن اظهار داشتند که بسیار جالب وارزنده بود.

آخرین قسمت برنامه نیایش آتش توسط یکی از موبدان بعمل آمد و این جشن با آتش افروزی وآتش بازی مفصل در ساعت ۷ پس از نیمروز ضمن شادی و سرور حاضرین خاتمه یافت ومدعوین با خاطره‌ای خوش سالن را ترک نمودند.

اسامی وصورت ریز دهشمندان بسازمان فروهر (جوانان زرتشتی) در یك ماهه بهمن ۱۳۴۴ که پاداش خیراندیشان را از اهورامزدا خواستار است

آقای خدایارجهانبخش مزدیسنی ۱۰۰۰۰

سخنرانی

روز پنجشنبه ۳۰ دیماه در ساعت شش و نیم بعدازظهر طبق دعوت قبلی درحضور عده کثیری در سالن بهمن، دانشمندارجمند جناب آقای دکتر رضا زاده شفق سناتور و استادمحترم دانشگاه در باره «تعلیمات جهانی در ایران باستان» سخنرانی جامع و ارزنده‌ای ایراد فرمودند که فوق العاده مورد استفاده و توجه قرار گرفت.

سازمان فروهر از اینکه استاد شفق دعوت ایراد سخنرانی را اجابت فرموده‌اند صمیمانه سپاس گذاراست.



ریال

آقای دکتر خدایار دینیاری کمك بمخارج جشن زایش ۱۰۰۰ ریال

آقای کورش استواری یکدست مبل ٤ پارچه ویکعدد میز گرد

شرکت محترم بافر بودجه برای خرید لباس اطفال بی‌بضاعت ۳۰۰۰۰ ریال

آقای افلاطون انوشیروانی بنامگانه اسفندیار وشیرین بائی انوشیروانی ۱۲۰۰ ریال

آقای ارسطو روزبه زاده کمك ببزم شب ۱۰۰۰ ریال

سرکار لعل‌خانم جمشیدیان کمك ببودجه اموردینی ۵۰۰۰ ریال

سرکار همایون خانم فرین کمك به سدره پوشی ۱۰۰۰ ریال

آقای هرمزدیار هرمزدیاری بمناسبت سر سال شادروان پدرشان فریدون بهرام هرمزدیاری از طرف ورثه ۳۰ عدد صندلی تاشو روکش‌دار ارج.

آقای هرمزدیار هرمزدیاری بیادبودشاد- روان سرور فریدون هرمزدیاری ۲ عدد لاله

آقای هرمزدیار هرمزدیاری توسط خانمشان یك عدد مشربه مسی

آقای فریدون فریدونیان بابت کمك بهزینه معالجه هما خانم آفتابی ۳۰۰۰ ریال

توضیح آنکه نیازمندیهای سازمان بقوت خود باقی است.

سازمان فروهر از کلیه همکیشان دهشمند سپاسگزار است

اخبار شهرستانها

برگزاری جشن سده در اهواز

سازمان جوانان زرتشتی اهواز با همکاری انجمن محترم زرتشتیان جشن سده را با شکوه فراوان بسرپرستی آقای هوشنگ پارسی‌نژاد عضو هیئت مدیره برگذار نمود.

نخست سرود شاهنشاهی نواخته شد وسپس خیر مقدم توسط آقای فریدون رشیدی رئیس محترم انجمن ایرادشد.

بقیه برنامه جشن باین‌ترتیب‌اجرا شد:

سخنرانی مربوط بجشن سده بوسیله آقای رستم جمشیدی

رقص آتش و غیره توسط دوشیزه مهناز جمشیدی بسرپرستی دوشیزه ساساندخت ساسانی

دکلمه توسط دوشیزگان شهناز سروش ومیترا یزدانی

چند پرده نمایش کمدی بوسیله آقایان شاهرخ و منوچهر رشیدی و ساسانی و سروش و وجمشیدی ویگانه ،

در خاتمه دکتر ساسانی با بیانات شیوای خویش ازمدعوین اظهارتشکر و فعالیت جوانان بخصوص شهنازسروش وآقایان هوشنك پارسی‌نژاد وداریوش جهانیان و دوشیزه تهمینه جاماسبیان نماینده سازمان درآبادان راستودند

یك خبر از اصفهان

بنا بدعوت قبلی ازطرف انجمن زرتشتیان

اصفهان روز یکشنبه دهم بهمنماه۱۳٤٤ ساعت ٤ الی ۷ بعدازظهر ، درمحل باستان‌آباد ، مراسم جشن سده باحضور زرتشتیان‌مقیم اصفهان بر گزار گردید.

مدعوین ازطرف انجمن زرتشتیان‌اصفهان پذیرائی شدند وجشن با برافروختن آتش سده و مراسم مذهبی پایان یافت.

یزد

• از : آقای نسیمی

جشن سده دریزد

روز دهم‌بهمن ماه‌جشن سده دریزد بوسیله سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی‌یزددرآموزشگاه دخترانه مارکار برگزار گردید.

برنامه جشن عبارت بوداز‌سرودشاهنشاهی

خیرمقدم توسط آقای نسیمی

سخنرانی آقایان خداداد اردشیر پور ـ اردشیر خورشیدیان ومهندس باستانی

مسابقات‌هوش وبیست‌سئوالی بوسیله‌آقایان مهندس باستانی ـ اردشیر خورشیدیان و هوشنگ بخت مند .

برنامه‌مذهبی‌وسرود ونمایش‌بوسیله سازمان دوشیزگان

هنرنمائی توسط آقایان رستم فروزان و هوشنگ بخت‌مند .

سرودشاهنشاهی و آتش‌افروزی توسط‌موبد رستم خدابخشی.

آقای نسیمی درسخنرانی ازهمکاری آقای سروش لهراسب و اولیای آموزشگاه مارکار و سازمان دوشیزگان زرتشتی و افراد سازمان و باشگاه جوانان سپاسگزاری‌کرد واضافه نمودکه امسال جماعت ، پشوتن دوسابائی مارکاررا که از میهن دوستان‌وخیراندیشان زرتشتی بوده و حق بزرگی بگردن فرهنگ ما داشته ازدست داد . ما شادی روان اورا ازدرگاه خدا آرزومندیم .

آقای نسیمی یادآور شدندکه‌برادر عزیز،شهریار خدایاری معاون‌سازمان وباشگاه‌بواسطه‌درگذشت خواهرشان گلچهر دیانت درجشن امسال درمیان ما نیستندما درغم ایشان وآقایان‌داریوش‌وسیروس دیانت مدیران داخلی‌باشگاه‌شریك هستیم وشادی روان‌گلچهر دیانت را ازخواستاریم.

جمعیت شرکت‌کننده در جشن سده امسال بقدری زیاد بودکه سالن آموزشگاه دخترانه مارکار گنجایش آنرا نداشت و عده کثیری از افراد مجبور بودند یادربیرون سالن بمانند یا برای استفاده از برنامه جشن‌که بسیار جالب‌بود از سروگردن هم بالا بروند .

ما باردیگر توجه خیراندیشان ارجمندرا بسالن نیمه‌تمام جماعتی‌وازدحام جمعیت درمواقع برگزاری جشنها جلب‌میکنیم و انتظار داریم‌که بخواست ویاری خداوند باتکمیل سالن‌یکی‌دیگر ازنواقص ما برطرف گردد.

انجمن زرتشتیان تفت وتوابع جشن سده را در مبارکه برگذارنمود

نخست سرود شاهنشاهی‌جشن‌آغاز گردید وخانم همیگل نمیرانیان و آقایان محمد حسین

جسمانی ـ رشید جوانمردی ـ بهرام هرمزدیاری فریدون خدادادی ـ رستم ماونـدادی ـ اردشیر جمشیدیان ـ اسفندیار و خداداد جمشیدیـان ـ هوشنگ جاماسبیان ـ نمیرنمیرانیان رئیس انجمن برنامه‌هائی اجرا وسخنرانی‌هائی ایرادنمودند و بدست موبد سروش آتش سده افروخته شد.

ورزش

آقایان داریوش کلانتری ـ فرشید سلامتی فریدون دمهری (ازپنجم ریاضی ایرانشهر) در قسمت بسکتبـال وجمشید دمهری ازچهادم ریاضی در مسابقه پینگ پنگ برنده گلدان نقره شده‌اند.

انجمن خانه و مدرسه آموزشگاه دخترانه مارکار

انتخاب انجمن خانه و مدرسه آموزشگاه دخترانه مارکار در۲۱/۱۱/٤٤ درحضور سرکار بانو گلوریااعتضادی (امیرسلیمان)مدیره دبیرستان انجام واعضای انجمن بشرح زیر انتخاب شدند.

بانو گلوریااعتضادی-مرواریدخانم نامداری سیمین‌خانم نسیمی ـ ازطرف دبستان ودبیرستان آقایان محمد دادگـری رئیس انجمن خـانه و مدرسه دبیرستان ـ سیدعلی‌علائی رئیس انجمـن خانه و مدرسه دبستان ـ حسن پیرنیـا معاون ـ شهریار خدایاری دبیر ـ جمشید رشیدی خزانه دار ـ بقائی پورمعتمد ـ سروش نارنجی‌حسابدار

دهش خیراندیشان

الف ـ پنجم بهمن ماه ـ آقای شاه بهـرام شهریاری فرزند روانشاد اسفندیار پولادبنامگانه شادروان برادرشان دکتر پولاد شهریـاری یك دست صندلی ارج بشاه‌ورهـرام ایزد یـزد اهدا نمودند.

ب ـ هیجدهم بهمن‌ماه آقایان شاه‌فریدون زرتشتی ومهربان زرتشتی مبلغ پنجهزار ریال و شخص نیکوکاری مبلغ شش‌هزارریال بوسیله‌آقای رشیدی خزانه‌دار بانجمن‌خانه ومدرسه‌آموزشگاه دخترانه مارکار کمك نمودند.

ج ـ بیستم بهمن‌ماه آقای‌هرمزدیارهرمزد یاری بمنـاسبت سرسال روانشاد پدرشان فریدون بهرام هرمزدیاری از طرف ورثه مبلغ ده هزار ریال برای امور خیریه و اعانه‌بمستمندان‌بانجمن زرتشتیان یزد وپنجهزار ریال برای تهیه وسایل ورزشی ولباس‌کودکان بسازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد پرداخت نمودند.

د ـ ۲٤ بهمن‌ماه ـ آقای دکترسروش‌صرفه نیا ـ تعداد۲٤ عدد بشقاب‌ملامین بدرب مهرنوش اهدا نمودند.

توفیق خیر و تندرستی دهشمندان نامبرده وآمرزش درگذشتگانشان رااز درگاه‌اهورامزدا آرزومندیم.

چند خبر از بمبئی

خبراز یزدانیار بنشاهی ـ بمبئی

عروس زرتشتی نخست وزیر هند

خانم ایندراگاندی دختر مرحوم جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر فقید هندچندی‌قبل بنخست وزیری‌کشور بزرگ هند انتخاب گردیدند.

خانم گاندی اکنون ۴۹ سال دارند در موقع تحصیل درلندن بایك دانشجوی زرتشتی پارسی بنام فیروز گاندی آشناء میگردند و بعداً بااجازه پدرش نهرو ومهاتما گاندی ازدواج مینمایند.

متأسفانه فیروز گاندی چند سال پیش براثر سکته قلبی فوت مینماید. ثمره این ازدواج ۲ پسر میباشد که برسوم و عادات مذاهب هندو وزرتشتی آشنا هستند.

مرحوم فیروز گاندی بامهاتما گاندی فقید هیچگونه رابطه خانوادگی ندارند.

تمدن ایران باستان و مذهب زرتشتی

بنا بدعوت پارسیان بمبئی پروفسور ریچارد فرای ایرانشناس دانشگاه هاروارد آمریکا ببمبئی آمدند وشش جلسه سخنرانی دربنگاه خاورشناسی کاما برای ایشان ترتیب داده شد.

پروفسور فرای درطی سخنرانیهای خوداز تمدن ایران باستان ومذهب زرتشتی بطور مفصل صحبت نمودند.

نکته‌قابل توجه‌درسخنرانی پروفسورفرای مقام «موبد ودستور» دردین زرتشتی بود وازاینکه زرتشتیان آنطور که باید وشاید از پیشوایان دین خود حمایت نمیکنند و دربزرگداشت آنها اقدام نمینمایند اظهار تأسف نمود وچندین مرتبه درطی سخنرانیهای خود گفتند «اگرموبد نباشد زرتشتیگری هم نخواهد بود».

(خوب است انجمن زرتشتیان ایران این جمله پروفسور فرای را درنظر بگیرند و برای ازدیاد موبد در ایران چاره‌ای بیاندیشند).

نفوذ ادبیات فارسی در ادبیات هند

آقای ناصر نیر محمدی معاون رایزن فرهنگی ایران وهندورئیس خانه فرهنگ ایران در بمبئی طی سخنرانی خود دربنگاه خاورشناسی کاما در روز ۲۵ ژانویه ۱۹۶۶ از ادبیات معاصر فارسی نفوذ ادبیات فارسی در ادبیات هند مفصلا صحبت نمودند.

این سخنرانی بوسیله خانه فرهنگ و انجمن فرهنگ ایران در بمبئی ترتیب داده شده بود.

در خاتمه چند حلقه فیلم مربوط بایران نمایش داده شد.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هر ماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویا چاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهند وهمچنین آنهائیکه مایل باشتراك مجله هستند میتوانند تلفناً نام وآدرس خودرا اطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.

خبر ازکانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز

صورت اسامی و مبلغ اهدائی خیراندیشانی که درموقع زیارت همگانی سال گذشته پیرسبز جهت عمران و آبادانی و روشنائی آن محل مقدس کمک نموده‌اند

ارباب مهربان	۵۰۰ ریال	پرویز ظهرابی	۱۵۰
اردشیر آذرگشسب	۵۰۰	کیومرث ایزدیار	۱۰۰
سهراب رستمی	۵۰۰	کتایون کاویانی	۱۰۰
مهربانو سروش	۵۰۰	تهمینه ایزدیار	۱۰۰
خانواده بهرام شهزادی	۵۰۰	رشید اورمزدی	۱۰۰
خانواده شید	۶۰۰	ایرج کاویانی	۱۰۰
بانو و دکتر اورمزدی	۵۰۰	اردشیر کاویانی	۵۰
سیروس خرمشاهی	۲۰۰	سیروس شهمردانی	۱۰۰
کریمداد رستمیان	۱۵۰	سهراب رشیدی	۱۰۰
تابنده زارع زاده	۲۰۰	شاهبهرام نمیرانیان	۱۰۰
جمشید زره‌پوش	۲۰۰	اردشیر نمیرانیان	۱۰۰
رستم گشتاسب خسرویانی	۱۰۰	سروش بمان	۱۰۰
رستم جمشید خسرویانی	۱۰۰	شهریار نیریوسنگی	۵۰
هرمزدیار گشتاسب	۱۰۰	رشید شیر مردیان	۱۰۰
خسرویانی		بهرام بهمرد	۱۰۰
جمشید ماهیار	۱۰۰	مهربان بهرام اورمزدی	۵۰
دینیار خسرویانی	۲۰۰	فرهنگ اورمزدی	۵۰
گشتاسب کرمانی	۲۰۰	کتایون آرمیتی	۵۰
شهریار اردشیر مهرشاهی	۲۰۰	کامران رستگاری	۲۰۰
بانو نوشیروان تکسی	۱۰۰	دینیار رشیدی	۵۰
پوراندخت کیانپور	۱۰۰	منوچهر یزدانی	۵۰
گل لهراسب	۱۰۰	فریدون گشتاسبی	۵۰
رستم رشیدی	۲۰۰	کیخسرو جمشید	۵۰
بهرام ترکی	۱۰۰	دهشمندانی که اسم آنها خوانا نبود	۲۳۰

جمع کل ۸۱۸۰ ریال

بقیه شاخه زرین

پس از این ماجرا ، سوم - درکمال غرور مراسم قربانی راج سویا Raj-Suyâ راکه برای شاهان برقرارمیشد بجا آورد و درکمال بی‌پروایی زن زیبای یکی از نیمه خدایان مورد توجه برهما Brahma راکه بری‌هس‌پتی Brihaspati نام داشت و زوجه‌اش تارا Târâ نامیده میشد دزدید وتصاحب کرد.

بری‌هس‌پتی چون نتوانست جفت‌خودراپس‌بگیرد ببرهما خدای بزرگ شکایت‌کرد. در این ماجرا عده‌یی ازخدایان‌ازسوم - جانبداری کردند وعده‌یی‌دیگربهواخواهی‌برهما برخاستند ومیانشان پیکار درگرفت.

برهماکه ازسوم سخت‌خشمگین بودوی‌را طردکرد وشیواShivâ که‌جزوطرفداران برهما بود ، سوم را باسلاح خود به دوپاره ساخت واز این جهت است‌که ویرا بهگ‌ناتما Bhagnâtma نیزمیگویند.

سرانجام برهماکه دامنهٔ نفاق میان خدایان راگسترده مشاهده میکندبا دخالت‌خود صلح وسازش رابرقرارکرده وتارا رابشوهرش بازمیگرداند . در اساطیر یونانی ماجرای پاریس pâris پسر شاه‌تروا بنام پریام Priam که هلن Helen زوجهٔ Menelas منلاس راکه برادرآگاممنون Agamemnon بود میرباید و براثر آن جنگی روی‌می دهدکه خدایان نیز درآن شرکت دارند، با اسطورهٔ فوق قابل مقایسه است.

آداب وشعایر بدست آوردن شیرهٔ هوم یاسوم دراوستا و ودا - تقریباً همانند است. مطابق بارسوم هندوان، روحانیان ابتدا ساقه‌های سوم- راشسته وبادستگاهی چون‌آسیاب کوچك خرد میکنند و برای مدتی درآب نهاده وآن آبرا ازصافی میگذرانند. عصاره‌یی راکه این سان فرادست‌می‌آید باروغن وآرد وبرخی‌چیزهای دیگر آمیخته ومی گذارند تاتخمیر شود.

نوشابه‌ای‌که بدین ترتیب فراهم میشود دارای نیروی سکرآوری است‌که در مراسم مذهبی تقدیم خدایان میشود وروحانیان نیز اندکی ازآن می‌آشامند. این نوشابه بسیار مورد توجه خدایان قرارداشت وهنگامیکه برای پیکار بادیوان و غولان آماده می‌شدند، بمقادیر زیادی ازآن مینوشیدند.

مطابق روایات‌کهن ریگ‌ودا (۱) یکی از خدایان بزرگ ساکن جوکه گندهرب Gandharba نام داشت ، درآسمان ازگیاه سوم‌که گیاه محبوب خدایان بود محافظت

۱ - ریگ ودا - فصل نهم ۱۱٤ - ۱ همچنین درسراسر سام‌وداSâma Veda

میکرد و ازطریق این خدا بود که سوم - بخدایان میرسید.

اما زمانی ایندرا Indra ، آن خدای بزرگ جنگاور که یار شفیق مردمان بود برآن میشود تاسوم - را برزمین منتقل سازد . پس ازپیکاری طولانی بر «گندهرب» پیروز شده وسوم را برای استفادهٔ سرنشینان زمین ، ازآسمان پائین‌می‌آورد . مطابق با روایتی دیگر سوم - راکرکس بزمین آورده است وشرح روایتی که عقاب یا شاهین مصدر چنین عملی بود گذشت.

درودا‌ها گندهرب نخستین و بزرگترین پزشك معرفی شده است ، چون گیاه سوم را در اختیار داشته‌که درمان کنندهٔ دردها وبیماریها بوده است و از این جهت باتریت Thrita دراوستا شباهت دارد .

قابل توجه است‌که تریت دراوستا سومین راهب یا پرورندهٔ هوم بوده است (۱) و درجایی دیگر نخستین پزشك معرفی شده (۲) وملاحظه میشودکه چگونه درصورت دقت پراکندگی وتشتت‌اوستایی قابل‌ترمیم وجمع وتلفیق میشود.گندهرب درودا - هم‌سرپرست ونگاهدارندهٔ سوم - میباشد وهم نخستین پزشك است ودر اوستا تریت نیز هردواین‌سمت رابعهده‌دارد، - هرچند که تریت‌درودا‌ها - ریگ‌ودا و اثروداAtharaveda جداگانه مورد گفتگو بوده وشخصیتی است جز گندهرب.

آنچه که در جائی ازریگ‌ودا جلب‌توجه میکند ؛ آن‌است که گندهرب‌باسوم -یکی دانسته شده واین تأییدی است درنظر فوق . همچنان‌که هوم در اوستا یار ویاورزنان‌است ودختران‌بی‌شوی را درشوی‌داری کومك میکند وزنان را درسختی زایمان یار میشود، سوم وگندهرب نیز در ادبیات واساطیر ودایی دختران وزنان را سرپرستی کرده ویاری می-کنند ، اما البته در این مورد ، بانهایت صراحت ، پرده‌پوشی و عفت روح ایرانی در دگرگونی داستان بکار رفته است .

در روایات ودایی ، سوم و گندهرب ویارانش زنان زیبا را تعقیب میکنند وشایق نزدیکی با آنان میباشند وهردختری که‌بسن بلوغ میرسید ، چون رسمی که در اروپا تا قرون میانه رایج بود وعروس درشب اول متعلق بمالك وارباب ده‌می‌بود ، متعلق‌به سوم- یاگندهرب وآگنی Agniخدای آتش میبود (۳).

اما یکی از دیگرگونی‌های عمده‌یی‌که در روایات اساطیری اوستایی روی داد ،

---

۱ - یسنا - ها ۱۰/۹

۲ - وندیداد - فرگرد ۲۰-۳/۲-۲

۳ - نگاه شودبتاریخ ادیان - جلدچهارم ، پنجم وششم

عفت وحذف جنبه‌های غیراخلاقی بود ، چنانکه در این مورد مشاهده میشود و چنان‌که ملاحظه شد بی‌عفتی یاآن جنبه‌های غیر اخلاقی درروایات ودایی ـ دراوستا ایـن چنین دیگرگونی‌یافت که هوم سرپرست دختران است وآنانرا به آرزوشان که شوی‌کردن است میرساند وزنان را در درد زایمان کومك میکند وبمردان شایسته پسران نامی می‌بخشاید در سراسر اساطیر وروایات افسانه‌یی ودینی ایران باستان‌این‌اصالت آشکار اخلاقی‌رعایت شده است و این اصالت میان اساطیر اقوام آریایی ، ویژهٔ ایرانیان است .

گیاه سوم ـ را درهندوستان با مراسم‌ویژه‌یی‌بدست آورده وچنانکه گذشت‌شیره‌کشی میکنند. درشبهایی‌که ماه در آسمان باقرص تمام می‌درخشد ، ضمن مراسم وخواندن‌ادعیه وسرودهایی‌گیاه سوم را ازبلندیهای‌کوهها گردمی‌آورند ومراسم شیره‌کشی نیز درروزهای دوشنبه انجام میشود ، چون دوشنبه مطابق تقویم ودایی روزماه بوده‌است. دراین جانیز پیوند ماه وسوم بخوبی مشهودمیباشد ، چون چه درهنگام‌گردآوری وچه زمان‌شیره‌کشی ، اوقاتی است‌که از آن ماه میباشد.

در اوستا ، جایی دیگر ازقسمت متأخرآن نیز دربارهٔ هوم یادشده است و آن در ویدیودات Vidivdat یا وندیداد میباشدکه هرگاه شربت هوم با لاشهٔ انسان یا سگ مرده اصابت‌کرد ، جهت تطهیر آن‌چه بایستی‌کرد (۱) وپس ازاین پرسش در روش‌تطهیر پاسخی می‌آیدکه ازنظرگاه اصالت وقدمت بدان‌صورت مورد شك است.

۱ ـ وندیداد ـ فرگرد۶/۴۳ـ۴۲

ناتمام

خواهش ویادآوری بنویسندگان

بطوریکه اکثرا مشاهده میشود مقالات و نامه‌هائی که بدفتر مجله واصل میگردد ناخوانا ودرهم میباشد که درموقع چاپ دچاراشکال میشودودرنتیجه‌بعضی از جملات غلط وباعث ناراحتی میگردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

۱ ـ کلیه نوشته‌ها خوانا وکمتر دارای خط‌خوردگی‌باشد

۲ ـ دریکروی‌کاغذ نوشته شود واسامی خارجی ولغات‌مشکل‌خواناتر‌باشد.

بقیه جشن سده در بمبئی

رقصهای دوشیزه دالی ایرانی مورد توجه قرار گرفت .

آقای یزدانیار بنشاهی گزارش سالانه سازمان را باطلاع رسانیدند و بعد آقای فریدون زرتشتی بنا بخواهش سازمان مختصر سخنرانی نمودند که بسیار مورد توجه قرار گرفت و فرزندان جماعت را برای تحصیل دررشته‌های صنعتی واقتصادی تشویق نمودند . جالب توجه اینکه آقای زرتشتی نایب رئیس انجمن زرتشتیان تهران بزبان دری سخنرانی نمودند .

آقای سهراب دهموبدی ازحضار تشکر نموده ودسته‌های گل بوسیله رئیس سازمان باقای زرتشتی واجراءکنندگان برنامه هدیه داده شد.

در خاتمه پس ازصرف آشامیدنی سرد برنامه بانمایش فیلم ونواختن سرود ملی‌هند خاتمه یافت .

تشکر و سپاسگزاری

ازآقایان رؤسای محترم دارائی .شهرداری . قند وشکر. دخانیات شهرستان یزد و برادران اداری که نسبت به درگذشت جانگداز روانشاد گلچهر خدایاری (دیانت) ابرازلطف و محبت فرموده‌اند و از برادران سازمان جوانان زرتشتی یزد که با برگزاری مجلس پرسه در باشگاه کمال محبت را فرموده‌اند. از ریاست و اعضای محترم انجمن‌های زرتشتیان رحمت آباد ونرسی آباد و سازمان که بذل لطف فرموده در مجله شریفه هوخت بما تسلیت گفته‌اند و از خواهران و برادران زرتشتی که دراین ضایعه دلخراش یار و غمخوار ما بوده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده سلامتی و پایداری همگی رااز درگاه اهورامزدا خواهان وخواستاریم.

خانواده دیانت — خانواده خدایاری

بقیه سر مقاله

خودتان با علاقه مفرط باموران اجتماعی بپردازید و برای شرکت در انتخابات کارت شناسائی زرتشتیگری تهیه نمائید واصولا از انجمن زرتشتیان تهران وسایر مراجع زرتشتی خواستار شوید که کسانی راکه فاقد کارت شناسائی باشند در مجالس و مجامع و جشن‌های خود راه ندهند.

همیشه بیدار وهشیار ومراقب باشید و دستهای ناپاك را ازبیخ و بن برکنید تا به اعمال ننگینی که بهیچوجه در شأن و مقام جامعه زرتشتی نیست بـرای همیشه خاتمه داده شود.

امید است که باکمك شما زنان پارسا ومردان آزاده ستاره اقبال جامعه زرتشتی در بین سایر ملل روزبروز فروزانتر و تابناکتر گردد.

بقیه روز ششم فروردین

بخاطر بیاورند و بکار بندند نه فقط باعث خشنودی زرتشتیان عالم خواهد شد بلکه تمام زرتشت دوستان وایران پرستان که عده‌شان روی کره زمین بیش از آنست که ماحتی تصور آنراهم نمیتوانیم کنیم از این تصمیم راضی وخشنود خواهند بود وهمانطوریکه عرض کردم با بخاطرآوردن تعـالیم آن حضرت وبکاربستن آن بقول پرفسور شوشتری رستگاری صددر صد حتمی است.

در شماره آینده ترجمهٔ قسمتی ازگاتها بنظر مبارکتان خواهد رسید.

بقیه مقام زن

۳ - ستر زنی - این پیمان درحق پسر ودختری اجرا میگردد که ایندختر فرزند خوانده خانواده دیگری است دراینصورت نیز این زن وشوهر موظفند نخستین پسر خود رابخانواده‌ای که دختر فرزند خوانده آنهاست تعلق داده نامگذاری نماید.

٤ - چکرزنی - این پیمان در حق مرد یازنی است که بمرحله بیوه گی رسیده و جفت خودرا قبلا ازدست داده باشند.

۵ - خودسرزنی - این پیمان راجع است به پسر ودختری که بدون رضایت پدر و مادر ازدواج نمایند ودرصورتیکه پسر یادختر بسن ۲۱ سالگی نرسیده باشند پدر و مادر میتوانند آنهارا ازارث محروم سازند.

امید است توضیحات وبالا باتوجه بآنکه حتی اردشیر بابکان شاهنشاه ساسانی پس از متارکه بادختر اردوان وحتی صدور حکم قتل او وبی‌اطلاعی ازداشتن ولیعهد باردوم به- ازدواج اقدام نکرد بنابراین انتظار دارد درچاپ بعدی این کتاب گرانبها این نقطه ضعف هم ازآن زدوده گردد.

درهر حال مطالعه این کتاب که گنجینه‌ای از فضل وکمال است بر هراندوخته‌ای می‌افزاید .

آگهی

از آنجا که از جشن سدره پوشی گذشته این سازمــان همکیشان ارجمنــد استقبال فرموده‌اند باخرسندی فراوان بآگاهی همگان برادران وخواهران گرامی میرساند که ازاین پس هرزمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد، سازمان اقدام ببرگزاری جشن سدره‌پوشی همگانی مینماید .

از کسانیکه خواستارند فرزندانشان را دراین جشن سدره پوش نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه ازساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ٤۲۸۳۲

بقیه دین و فلسفه

وپیروان باایمانی دارد .(۱)

در دینهای توحیدشناسی ویگانه‌پرستی نیزاینگونه پندارها به‌نمودهای دیگر درآمده، مانند آرامگاهها ، قدمگاهها حتا درختان وغارهای نظر کرده وصلیب و برخی چیزها از مو ـ عصا ، ردا ، دندان پیشوایان گذشته که هنوز مایه کامرانی صومعه‌داران است و باآئین انجیل و آیات قرآن هیچگونه سازشی ندارد .

در سرودهای زرتشت که ۱۸ قرن برانجیل و۲۴ قرن برقرآن پیشی دارد، هرگونه اثر وبنیانی که دست‌آویز بهره گیری وفریب پیروان دین باشد، مانند رهبانی وصومعه‌داری که نوعی مفتخواری و تنبلی بشمارمی‌آیدغدغن شده و اسلام نیز رهبانی را نفی کرده و در سوره زخرف آیات ۳۲ تا۳۴ آراستن در وپیکر ساختمان راباسیم و زر، باکنایه نکوهش میکند و درآیه ۵۳ فرعون راکه به درباریان خود میگفته ـ موساکسی است که منطق و گفتار روشنی ندارد ودارای دم ودستگاه وطوق زرین در دست نیست ویافرشتگان آسمانی راکه دعوی میکند همراه ندارد ، قرآن فرعون را فاسق وناابکار میخواند ودرسوره تکاثر خطاب بمردم میفرماید : ـ«تاآنجا پیش رفته به خود وعشیره ببالیدکه برسر گورمردگان خود نوحه‌سرمیدهید ومفاخرت‌می کنید؟».

اکنون که مابرخلاف این اصول بازبه آراستن زر وزیور و تجمل گورها وعقیده به مادیات می‌پردازیم جزاینکه اعتراف به داشتن‌خوی وخیم ادوار جهالت کرده که‌بت‌پرستی جای خود را به‌مرده‌پرستی داده‌آیاسخنی بگزاف وبیجا گفته‌ایم ؟ در حالیکه بزرگان و پیشوایان دین نیزچنین گفته‌اند؟ .

۱ ـ به صفحه ۱۸۰ مکتبهای فلسفی مهرداد مهرین (مکتب التقاطی لایپ‌نتز مونادولوژی بنگرید.

سروده
آقای دارا نور افروز کرمانی

کبوتر و باز

از آن آتش که زرتشت پیمبر — نمود این گیتی خاکی منور
که گوئی نور ایزد نار او داشت — عجائب اخگری انوار او داشت
کز آذربایجان آذر بر افروخت — بنای دیو تاریکی بهم سوخت
بسوزاند او همه جهل و دوتائی — گشود او دفتر یکتا خدائی
نوای گاتها سر در جهان داد — خدائی خط بدست مردمان داد
بخط دین دبیره آشنا کرد — همه ایرانیان را هم نوا کرد
بفر ایزدی کو داد هستی — پیام آورد از یکتا پرستی
نخستین کس که دینش راپذیرفت — فقط گشتاسب را میتوان گفت
چو مردم بر ره و دین شهانند — از این زمره همه ایرانیانند
به پندار و ز گفتار و ز کردار — هر آنکس نیك‌شد ازخویش‌پندار
چو خون او ز خون آریا هست — ز اعقاب نیای پاك ما هست
چوهمخونی پدید آمدزیك خون — نخواهد ماند جائی برچه‌وچون
فرا راهش چراغ آئین بگیرید — فروغ مزدیسنائیش بگیرید
که‌او یاری‌است‌بس‌هجران کشیده — بجز تاریکی مطلق ندیده
چوچشمش‌عادت این روشنی کرد — برون از خویشتن ما و منی کرد
مخوانیدش بخوان خویش مهمان — بدیدارش گرامی تر ز جانان
چو این درمانده ره از راه آید — براه آن خجسته شاه آید
نه مصداق کبوتر باز با باز — کنون با هر دو میبایست پرواز

بقیه خبری از دانشگاه

مسلماً این خط مشی من درآینده نیز خواهدبود.

کوششی که من درراه ساختن این دستگاه نمودم مربوط بهفته‌ها و ماهها نیست بلکه سه سال در این راه زحمت کشیدم ومجموعاً ۵۰۰ ساعت وقت برای ساختن نمونه آن صرف کردم. برای اینکه از دروس دانشکده بازنمانم تاساعت ۲ و ۳ بعد ازنیمه شب کارکردم. در این راه من مدیون حمایت‌های معنوی تیمسارسرلشکر دکترکنی هستم اگر ایشان‌مرا یاری نمیکردند شاید قادر بساختن این دستگاه نمیشدم.

از محبتهای جناب آقای دکتر آرمین معاون محترم دانشکده پزشکی وجناب آقای دکتر رئیس‌بهرامی استاد پاتولوژی که پیوسته مورد محبت ایشان بوده‌ام ، ازجناب آقای دکتر منوچهریان وجناب آقای دکترعزیزی استادان محترم‌فیزیك پزشکی که دربرگزاری این جلسه پرشکوه اقدام کرده‌اند ودرطی دوران تحصیلی‌ام ازبذل هیچگونه محبتی دریغ نفرموده‌اند وازهمه استادان ودانشجویان عزیز که با تشریف فرمائی‌خود مـرا سرافراز فرمودند صمیمانه تشکر میکنم.

آنگاه باردیگر آقای دکترمنوچهریان پشت‌تریبون قرارگرفتند وآرزوی‌پیشرفتهای بیشتری را برای آقای نامداری نمودند وجلسه درساعت ۱۲ بپایان رسید.

بقیه زرتشت از دیدگاه دانشمندان اروپائی

که این تعیین زمان زردشت در کتابهای پهلوی ، درخوتای ـ نامك وتمام تاریخهای اسلامی چه فارسی وچه عربی که سلسله روایات آنها بهمان کتابهای پهلوی برمیگردد، و تاریخهای واقعی که یونانیان نوشته‌اند ، کوشش دردناکی است بمنظور آنکه جهان پرافسانهٔ داستانهای پهلوانان ایرانی رابامیراث ناچیز وکمی که دردوره فرمانروائی ساسانیان باقیمانده است، پیوند بدهند و «بندبزنند» وبیك «یك‌دستی ووحدت» قانع کننده‌ای برسند. ناتمام

سال ۱٦ شماره۱۲ شماره مسلسل ۱۹۱

دارندهٔ امتیاز- دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
٦ ماهه	۹۰ریال	۱۰۰ ریال

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »